

YOUCAT



Jugendkatechismus der  
Katholischen Kirche





## INHALT

### مقدمه

## Brief von Papst Benedikt XVI. an die Jugendlichen

### بخش نخست

به چه ایمان داریم ۱۳

چرا قادر به ایمان هستیم؟ ۱۴ | ما انسان ها برای خدا روی گشاده داریم ۱۴  
خدا به سوی ما انسان ها می آید ۱۶ | انسان ها به خدا پاسخ می دهند ۲۵  
اقرار ایمان به شیوه مسیحی ۲۸ | من ایمان دارم به خدای پدر ۳۱  
من ایمان دارم به عیسی مسیح ۵۱ | من ایمان دارم به روح القدس ۷۳

## ZWEITER TEIL

چگونه رازهای مسیحی را جشن می گیریم ۱۰۱

خدا با نشانه های مقدس در ما عمل می کند ۱۰۲ | خدا و آیین مقدس نیایش ۱۰۴  
چگونه رازهای مسیح را جشن می گیریم ۱۰۸ | آیین های فیض بخشش و رود به عضویت  
(تعمید، استواری و آیین سپاسگزاری) ۱۱۶ | آیین های فیض بخشش در زمان  
(توبه و آشتی و تدهین بیماران) ۱۳۳ | آیین های فیض بخشش خدمت به جامعه و رسالت  
(رتبه های مقدس و ازدواج) ۱۴۲ | سایر مراسم عبادی ۱۵۶

## DRITTER TEIL

چگونه در مسیح، زندگی می یابیم ۱۶۱

به چه منظور بر این کره خاکی به سر می بریم، چه باید بکنیم و روح القدس  
چگونه ما را در این زندگی یاری می رساند ۱۶۲ | منزلت بشری ۱۶۲  
جامعه بشری ۱۸۰ | کلیسا ۱۹۰ | ده فرمان ۱۹۳  
خداوند خدای خود را دوست بدار ۱۹۴  
همنوع خود را بسان خود دوست بدار ۲۰۲

## VIERTER TEIL

چگونه باید دعا کنیم ۲۵۷

دعا در زندگی مسیحی ۲۵۸ | دعا: چگونه خدا حضور خود را به ما اهداء می کند ۲۵۸  
سرچشمه های دعا ۲۷۰ | راه دعا ۲۷۴  
دعای خداوند: دعای «ای پدر ما» ۲۸۰

## REGISTER

Stichwortverzeichnis ۲۸۸ | Definitionen ۲۹۸ | Abkürzungen ۲۹۹

Register aller Bibelstellen im YOUCAT ۳۰۰

Danksagung ۳۰۴ | Bildnachweis ۳۰۴

Bibliographische Information: Deutsche Nationalbibliothek

Die Deutsche Nationalbibliothek verzeichnet diese Publikation

in der Deutschen Nationalbibliografie; detaillierte bibliographische Daten

sind im Internet über <http://dnb.d-nb.de> abrufbar.

Herausgegeben von der Österreichischen Bischofskonferenz mit Zustimmung

der Deutschen Bischofskonferenz (۲۹.۱۱.۲۰۱۰) und der Schweizer

Bischofskonferenz (۰۶.۱۲.۲۰۱۰). Die Österreichische Bischofskonferenz

erteilte dem Werk am

۳. März ۲۰۱۰ das *Nihil obstat*.



## Hinweise zum Gebrauch

Der Jugendkatechismus behandelt in jugendgemäßer Sprache das Ganze des katholischen Glaubens, wie er im „Katechismus der Katholischen Kirche“ (KKK von ۱۹۹۷) vorgelegt wurde, ohne die dort gegebene Vollständigkeit anzustreben. Das Werk ist in **Frage- und Antwort-Form** aufgebaut und verweist in den **Zahlen** im Anschluss an die jeweilige Antwort auf die weiterführenden und vertiefenden Darlegungen im KKK. Ein sich daran anschließender

**Kommentar** soll eine zusätzliche Hilfe zum Verständnis und zur existenziellen

Bedeutung der behandelten Fragen geben. Überdies bietet der Jugendkatechismus in einer durchlaufenden Randspalte ergänzende Elemente wie **Bilder**, zusammenfassende

**Definitionen** (Verzeichnis auf S. ۲۹۸), Zitate aus der **Heiligen Schrift**, Zitate von **Heiligen**

und **Lehrern des Glaubens**, aber auch von **Schriftstellern**, die nicht gläubig sind. Am Ende des Werkes findet sich ein **Sachverzeichnis**, mit Hilfe dessen sich konkrete Punkte leicht

.auffinden lassen

## Die Zeichen und ihre Bedeutung

Zitat aus der Heiligen Schrift



Zitat eines Heiligen oder eines Autors



Definition



Hinweis auf weiterführende Texte im YOUCAT



Verlegerische Koordination: Bernhard Meuser

© ۲۰۱۲ Pattloch Verlag GmbH & Co. KG, München

Im Auftrag des Herausgebers.

Alle Rechte vorbehalten.

Die Ausgabe ist text- und seitenidentisch mit der ۲., korrig. und erw. Auflage ۲۰۱۱  
Umschlaggestaltung, Layout, Illustrationen und Satz: Alexander von Lengerke, Köln

Printed in Germany

Druck und Bindung: Offizin Andersen Nexö, Leipzig

ISBN ۹۷۸۳-۱۳۰۴-۲۹۳-۳

[www.pattloch.de](http://www.pattloch.de) | [www.youcat.org](http://www.youcat.org)





مقدمه

پاپ بندیکت شانزدهم.



## دوستان جوان عزیز

امروز کتابی نامتعارف را برای مطالعه به شما توصیه می‌کنم. هم محتوای این کتاب نامتعارف است و هم چگونگی شکل‌گیری آن. می‌خواهم قدری درباره چگونگی شکل‌گیری این کتاب توضیح دهم، چرا که با این توضیح روشن می‌گردد که ویژگی این کتاب چیست.

این کتاب از کتابی دیگر مربوط به سال‌های دهه هشتاد منشاء می‌گیرد. این سال‌ها دورانی دشوار هم برای کلیسا و هم برای جامعه بشری بود که طی آن ضرورت جهت‌گیری‌های جدیدی احساس می‌شد تا بتوان راه منتهی به سوی آینده را دریافت. بعد از برگزاری شورای دوم واتیکان (۱۹۶۲ تا ۱۹۶۵) و با استیلاي موقعیت‌های فرهنگی متفاوت، بسیاری از مردم نمی‌دانستند که مسیحیان به چه اعتقاد دارند، کلیسا چه آموزش‌هایی ارائه می‌دهد و آیا کلیسا اصلاً قادر به آموزش هست و چگونه می‌توان تمامی اینها را در فرهنگی که دستخوش دگرگونی بنیادی شده است، جای داد. آیا مسیحیت، در مقام یک دین از رده خارج نشده است؟ آیا امروزه هنوز می‌توان بر اساس درک و عقل، مسیحی بود؟ اینها سئوالاتی بودند که مسیحیان نیک نیز از خود می‌پرسیدند.

آن روزها پاپ ژان پل دوم، تصمیمی جسورانه گرفت. تصمیم او این بود که همه اسقفان جهان با همکاری هم کتابی بنویسند تا در آن به این پرسش‌ها پاسخ داده شود. ایشان این مأموریت را به من داد تا کار اسقف‌ها را با هم تطبیق دهم و نظارت داشته باشم تا از همکاری آنان با یکدیگر کتابی معقول نگاشته شود و نه این که فقط متن‌های گوناگونی کنار هم گذاشته شوند. قرار شد، این کتاب همان عنوان قدیمی و از مد افتاده تعالیم کلیسای کاتولیک را بر خود داشته باشد، اما می‌باید کتابی هیجان‌انگیز و نو از آب درمی‌آمد. این کتاب باید نشان می‌داد که کلیسای کاتولیک امروزی چه ایمانی دارد و چگونه می‌توان بر اساس فهم و شعور ایمان داشت.





من از این مأموریت هراسان شدم. باید اعتراف کنم که تردید داشتم چنین کاری به موفقیت برسد. چگونه ممکن بود، نویسندگانی که در سراسر جهان پراکنده بودند، به شکل مشترک کتابی می نوشتند که ارزش خواندن را داشت؟ چگونه انسان هایی که نه فقط از نظر جغرافیایی، بلکه همچنین از نظر فکری و روحانی در قاره های متفاوتی زندگی می کردند، می توانستند باهم متنی بنویسند که محتوایی یکدست داشته باشد و در همه قاره ها قابل فهم و درک باشد؟ این موضوع نیز مطرح بود که این اسقف ها نباید به عنوان نویسندگانی منفرد متن ها را می نوشتند، بلکه باید با دیگر برادران و کلیساهای محلی خود نیز در ارتباط می بودند. باید اعتراف کنم که تا به امروز این برای من همچون یک معجزه است که این طرح چگونه در انتها به موفقیت رسید.

ما در سال سه یا چهار بار و هر بار برای یک هفته یکدیگر را ملاقات و با شور و شوق فراوان با هم راجع به تک تک بخش ها که حالا کمی هم وسعت پیدا کرده بودند، بحث و گفتگو می کردیم. ابتدا می بایست ساختار و تقسیم بندی کتاب مشخص شود. این ساختار می بایست ساده باشد تا هر یک از گروه های نویسندگانی که ما مشخص کرده بودیم، بتوانند مأموریتی روشن و واضح دریافت کنند و مجبور نباشند گفته های خود را به زور در یک سیستم پیچیده جای دهند. این ساختار همانی است که شما هم اکنون در این کتاب می بینید. این رویه، از تجربه آموزشی که قرن ها سابقه دارد، اخذ شده است، یعنی توضیح آن که ما به چه ایمان داریم - رازهای مسیحی را چگونه جشن می گیریم - چگونه در مسیح زندگی می کنیم و چگونه باید دعا کنیم. نمی خواهم تعریف کنم که چگونه با انبوه مسائل گوناگون جنگیدیم تا سرانجام توانستیم از تمام اینها کتابی بنویسیم. بدیهی است که می توان انتقادهای چند یا فراوانی بر این کار ایراد آورد: زیرا تمام کارهایی که انسان ها انجام می دهند ناقص و نارساست و می توان آنها را اصلاح و تکمیل کرد. به رغم آن، این کتاب، کتابی بزرگ است: شاهد مثالی از اتحاد در تفاوت ها. از آواهای گوناگون، یک گروه همسرایی مشترک تشکیل شد، چراکه عنصر مشترک ایمان، یعنی همان ایمانی که از حواریون به کلیسا رسید و کلیسا قرن ها حامل آن بود، در اختیار ما قرار داشت.

اینها را برای چه توضیح می دهم؟ آن روزها، به هنگام ترتیب بندی کتاب متوجه شدیم که نه تنها قاره ها و فرهنگ ملل آنها متفاوت هستند، بلکه در درون تک تک این جوامع نیز «قاره های» مختلفی وجود دارد: طرز فکر یک کارگر با یک دهقان فرق می کند، طرز فکر یک فیزیکدان با یک زبان شناس یکسان نیست، همچنین طرز فکر صاحب یک شرکت با یک خبرنگار و طرز فکر جوانان با سالمندان نیز با هم متفاوت است. بنابراین ما باید به کمک عاملی فراتر از این تفاوت ها، در زبان و اندیشه های این اشخاص خانه می کردیم، یعنی ما باید در میان جهان اندیشه های گوناگون فضای اشتراک را می جستیم. پس بیش از پیش از این نکته آگاه شدیم که متن، به «ترجمه هایی» نیاز دارد تا بتواند به درون شیوه های گوناگون زندگی وارد شود و انسان ها را در آنجا با اندیشه ها و مسائل ویژه خودشان مخاطب قرار دهد.

از آن روز تاکنون به مناسبت روز جهانی جوانان - در رم، تورنتو، کلن، سیدنی - جوانان بسیاری از سراسر جهان با هم ملاقات کرده اند، جوانانی که مایل اند ایمان داشته باشند، جوانانی که در جستجوی خدا هستند، عاشق مسیح هستند و می خواهند همراهانی داشته باشند. در این زمینه، این فکر به ذهنمان رسید که آیا نباید بکشیم تعالیم کلیسای کاتولیک را به زبان جوانان ترجمه کنیم؟ و بیانات بزرگسالانه آن را به دنیای انسان های جوان امروزی وارد کنیم؟ مسلماً در میان جوانان جهان نیز تفاوت های بسیاری به چشم می خورد. بدین ترتیب بود که به رهبری ارزنده اسقف اعظم وین، یعنی کاردینال کریستف شن برن، کتابی با عنوان یو کات برای جوانان شکل گرفت. من امیدوارم جوانان زیادی مجذوب این کتاب شوند.

برخی به من می گویند: جوانان امروزی علاقه ای به این مسائل ندارند. من این را مردود می شمارم و اطمینان دارم که در این کار محق هستیم. جوانان امروزی آن گونه که به آنان برچسب می زنند، انسان هایی سطحی نیستند. آنان می خواهند بدانند که برآستی در زندگی چه چیزی مطرح و مهم است. خواندن یک رمان جنایی، هیجان انگیز است چون ما را به درون سرنوشت انسان های دیگر می کشد، سرنوشتی که می توانست سرنوشت ما نیز باشد. این کتاب از آن رو هیجان انگیز است که از سرنوشت شخصی ما سخن می گوید و به همین سبب عمیقاً به تک تک ما ربط دارد.



بدین ترتیب شما را دعوت می‌کنم کتاب تعالیم کلیسای کاتولیک را مطالعه کنید. این آرزوی قلبی من است. این کتاب الزاماً از چیزهایی که دلتان می‌خواهد بشنوید، سخن نمی‌گوید و همه چیز را برای شما آسان تر نمی‌سازد. بلکه از شما زندگی جدیدی می‌خواهد. این کتاب، بشارت خوش انجیل را همانند مرواریدی گرانبها (مت، ۱۳، ۴۶) که حاضریم همه چیز را برای آن بدهیم، پیش روی شما می‌گذارد. پس از شما خواهش می‌کنم؛ کتاب تعالیم کلیسای کاتولیک را با شور و شوق و پشتکار بخوانید. اندکی از وقت زندگی خود را فدای مطالعه آن کنید. این کتاب را در خلوت اتاق خود بخوانید، آن را دونفری با دوستتان بخوانید، گروه‌هایی برای مطالعه یا گروه‌هایی اینترنتی تشکیل دهید، در اینترنت عقاید خودتان را در زمینه مطالعه آن رد و بدل کنید. در هر صورت درباره ایمان خود با هم در گفتگو باشید.

شما باید بدانید به چه ایمان دارید. شما باید ایمانتان را دقیق بشناسید، همانند یک کارشناس کامپیوتر که سیستم کامپیوتر خود را به دقت می‌شناسد. شما باید آن را درک کنید، درست به همان خوبی که نوازنده‌ای قطعه موسیقی خود را درک می‌کند. آری، در ایمان، شما باید ژرف تر از نسل والدین خود ریشه بدانید تا بتوانید با چالش‌ها و وسوسه‌های این دوران، با قدرت و قطعیت رویارو گردید. شما به یاری پروردگار نیازمندید تا ایمانتان همانند قطره شبنم در زیر نور خورشید نخشکد، تا وسوسه مصرف‌گرایی بر شما غلبه نکند، تا عشق در وجود شما در جهان پرنوگرافی غرق نشود، تا به مظلومان خیانت نکنید و قربانی‌ها را به حال خود رها نکنید.

اگر می‌خواهید با همت فراوان خود را وقف مطالعه تعالیم کلیسای کاتولیک کنید، به شما پندی برای راهتان می‌دهم: شما همگی خوب به این موضوع واقف هستید که چگونه در این اواخر با حملات اشرار و نفوذ گناه حتی به صمیمی‌ترین جمع، یعنی حتی به قلب کلیسا، به جمع ایمانداران جراحت‌هایی وارد شده است.

برای گریز از درگاه خدا عذر و بهانه نیاورید. شما خود، بدن مسیح، یعنی کلیسا هستید. آتش بلااستفاده مانده محبتتان را به این کلیسا بیاورید، حتی اگر که چهره انسانی بارها بدشکل و ناهنجار شده باشد. «غیرت خود را از دست ندهید، بلکه بگذارید روح در شما شعله ور گردد و خدا را خدمت کنید» (روم، ۱۲، ۱۱).

هنگامی که اسرائیل در منحنی‌ترین نقطه تاریخ خود قرار داشت، خداوند، نه بزرگان و عالی‌مقامان، بلکه جوانی گمنام به نام ارمیا را فراخواند. ارمیا احساس مسئولیتی سنگین کرد و گفت: «ای خداوند و سرور من، من نمی‌توانم حرفی بزنم چون بسیار جوان هستم» (ار، ۱، ۶). اما خداوند اجازه بروز پریشانی را نداد و به او گفت: «نگو که من جوان هستم. چون به هر جایی تو را بفرستم، خواهی رفت و هر مأموریتی به تو بدهم انجام خواهی داد» (ار، ۱، ۷).

شما را برکت می‌دهم و هر روز برای همه شما دعا می‌کنم.

Benedictus PP XVI  
بندیکت شانزدهم.



## به چه ایمان داریم

بخش من  
۱  
تا  
۱۶۵

چرا قادر به ایمان هستیم؟ ۱۴

ما انسان ها برای خدا روی گشاده داریم ۱۴

خدا به سوی ما انسان ها می آید ۱۶

انسان ها به خدا پاسخ می دهند ۲۵

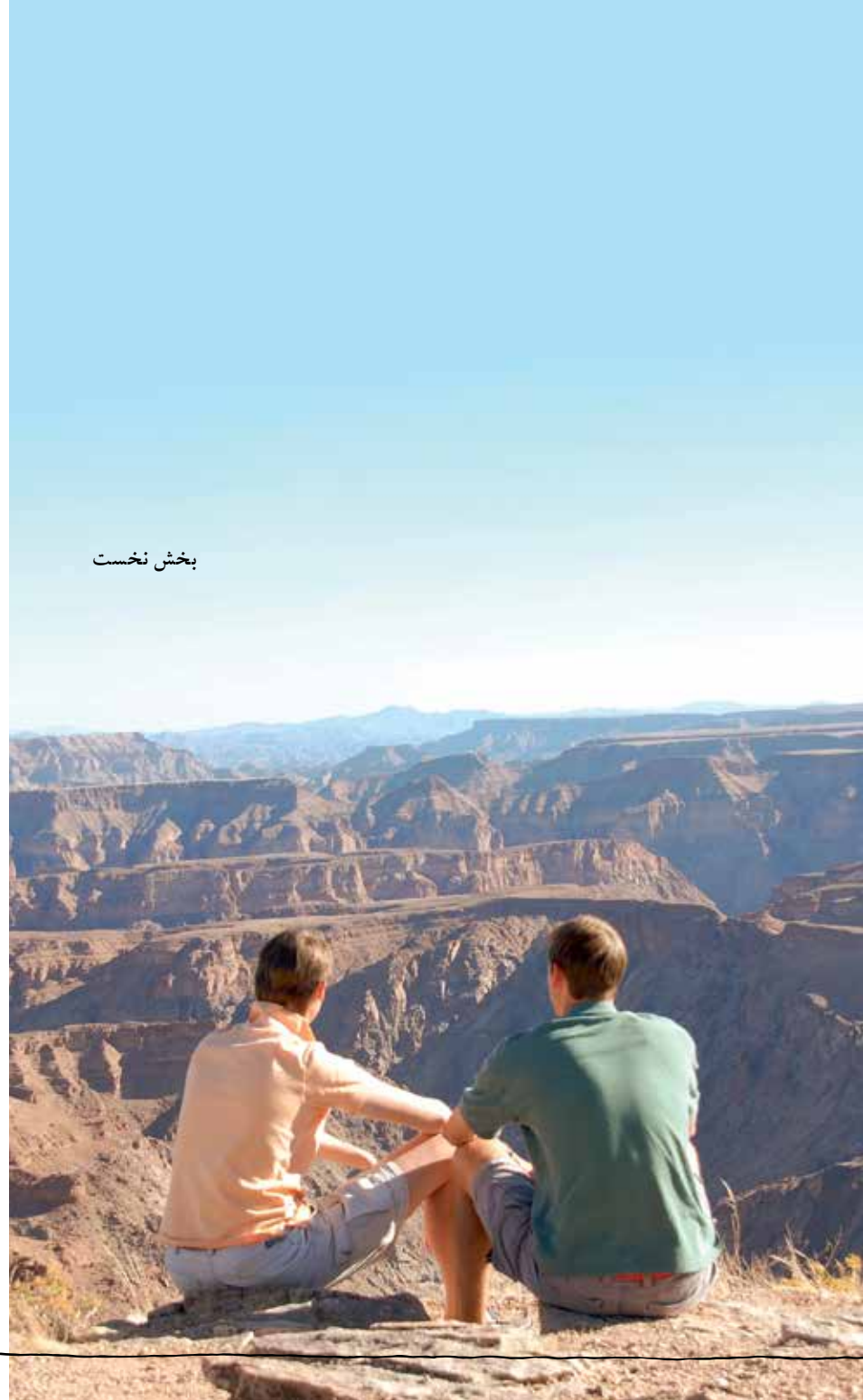
اقرار ایمان به شیوه مسیحی ۲۸

من ایمان دارم به خدای پدر ۳۱

من ایمان دارم به عیسی مسیح ۵۱

من ایمان دارم به روح القدس ۷۳

بخش نخست



خدا می خواهد که  
جمع مردم نجات  
یابند و به معرفت راستی  
گرایند.

۱، تیم، ۲۰۴

➤ انسان و امور انسانی را  
باید شناخت تا بتوان آنها را  
دوست داشت، خدا و امور  
الهی را باید دوست داشت تا  
بتوان آنها را شناخت.

بلز پاسکال (۱۶۲۳ - ۱۶۶۲)  
ریاضیدان و فیلسوف فرانسوی)

خدا محبت است.  
۴، ۱۶۰

➤ اندازه محبت، محبت  
بی اندازه است.

قدیس فرانسوا دو سال  
(۱۵۶۷-۱۶۲۲)، از اسقفان مهم،  
مرشد روحانی نایب، بنیانگذار  
انجمن روحانی و عالم کلیسا)

➤ محبت یعنی شادی  
برای نیکی؛ نیکی تنها دلیل  
محبت است. عشق و ورزیدن  
یعنی: بخواهیم به کسی  
نیکی کنیم.

قدیس توماس آکوین  
(۱۲۲۵-۱۲۷۴)، شخصیتی روحانی  
و راهنما در قرون وسطی، عالم  
کلیسا، و بزرگ ترین الهیات دان  
کلیسایی)

## بخش نخست

### چرا قادر به ایمان هستیم؟

۱ به چه منظور بر زمین حضور داریم؟

ما بر زمین حضور داریم تا خدا را بشناسیم و او را دوست بداریم،  
بر طبق خواست و اراده او کارهای نیک انجام دهیم و روزی به  
ملکوت او وارد شویم [۱-۳، ۳۵۸].

انسان بودن به این معنی است که ما از خدا آمده ایم و به سوی او  
بازمی گردیم. ما از خواستگاهی فراتر از والدین خود سرچشمه گرفته  
ایم. ما از خدایی می آییم که تمام خوشبختی آسمان و زمین در او  
جای دارد و نیکبختی جاوید و بی انتهای او، در انتظار ماست. در این  
میان، ما به روی زمین زندگی می کنیم. گاهی ما نزدیکی آفریننده خود  
را حس می کنیم و اغلب نیز اثری از او حس نمی کنیم. او پسر خود را  
برای ما فرستاد تا بتوانیم راه خانه را باز یابیم، تا او ما را از گناه برهاند،  
از شرارت ها نجات دهد و ما را به دور از کاستی به زندگی راستین  
هدایت کند. او «راه و راستی و حیات است» (یو ۱۴، ۶) ✨ ۲۸۵.

۲ چرا خدا ما را آفرید؟

خدا ما را از روی محبتی که آزادانه برگزیده و عاری از نفع شخصی  
است، آفرید [۱-۳].

قلب انسان عاشق، سرشار از محبت است. او می خواهد شادی اش  
را با دیگران تقسیم کند. او این را از آفریننده خود دارد. با وجود این  
که خدا یک راز است، ما اجازه داریم به روش انسانی به او بیان دیشیم  
و بگوییم: او ما را از روی محبت «سرشار»ش آفریده است. او  
می خواست شادی بی انتهای خود را با ما که آفریده های محبت او  
هستیم، تقسیم کند.

## فصل اول

ما انسان ها برای خدا روی گشاده داریم

۳ چرا در جست و جوی خدا هستیم؟

خداوند در قلب ما گرایشی برای جست و جو و یافتنش نهاده است.  
آگوستین مقدس می گوید: «تو ما را در گرایش به سوی خود  
آفریده ای و قلب ما تا وقتی در تو آرامش نیابد، نا آرام است.» به  
این تمایل به سوی خدا ← دین می گویند [۲۷-۳۰].

این امری طبیعی است که انسان خدا را بجوید. تمام تلاش او برای

## RELIGION دین

واژه دین می تواند  
به طور کلی رابطه ای با  
الوهیت معنی دهد. یک  
انسان مذهبی، الوهیت را  
به عنوان قدرتی به رسمیت  
می شناسد که او و جهان را  
آفریده است، او به آن وابسته  
و برای حرکت به سوی او  
ساخته شده است. او می  
خواهد با روش زندگی اش  
مورد پسند الوهیت قرار  
گیرد و او را تجلیل و تکریم  
کند.

➤ سرچشمه شادی

مسیحیان این اطمینان خاطر  
است که خدا آنان را دوست  
دارد، این که آفریننده ما  
شخصاً ما را دوست دارد ...  
با محبتی پر شور و وفادارانه،  
محبتی که بزرگ تر از بی  
وفایی و گناهان ما است،  
محبتی بخشنده.

بندیکت شانزدهم، ۲۰۰۶/۰۶/۰۱

دست یافتن به حقیقت و خوشبختی، جست و جوی کسی است که  
او را به شکل قطعی به نزد خود می پذیرد، به شکل قطعی راضی می  
سازد و به شکل قطعی به خدمت می گیرد. تازه هنگامی که انسان خدا  
را می یابد، می تواند به خود پی ببرد. «کسی که در جست و جوی  
حقیقت است، در واقع در جست و جوی خداست، چه بر این امر  
واقف باشد چه نباشد» (قدیس اشتاین) ✨ ۵، ۲۸۱-۲۸۵.

۴ آیا می توانیم با فهم و شعور خود به وجود خدا پی ببریم؟

بله. فهم و شعور انسانی مطمئناً قادر به پی بردن به وجود خداست  
[۳۱-۳۶، ۴۴-۴۷].

جهان نمی تواند سرچشمه و هدف نهایی خود را در خود داشته باشد.  
در هر آنچه وجود دارد، چیزی بیش از آنچه می بینیم، نهفته است.  
نظم، زیبایی و تکامل جهان، به چیزی بیش از خود و به خدا اشاره می  
کند. هر انسانی برای حقیقت، نیکی و زیبایی، روی گشاده و پذیرا



مهم ترین نیروی انسانی، عقل اوست. بالاترین هدف عقل، شناخت خداست.

قدیس آلبرت کبیر (حدود سال های ۱۲۰۰-۱۲۸۰، از انجمن دومینیکن ها، دانشمند مسلط به علوم زمانه خود، عالم کلیسا و یکی از بزرگ ترین الهیات شناسان کلیسا)

از این رو، انسان ها مایل هستند به اصرار به خود بقبولانند که آنچه مایل به قبول آن نیستند، نادرست یا تردیدبرانگیز است.

پیوس دوازدهم، Humani Generis

آنچه که قابل فهم و درک نیست، به همین دلیل، کمتر واقعی نیست.

بلز پاسکال

نمی توان شباهتی میان آفریننده و آفریده یافت، بی آنکه یک عدم شباهت بزرگ تر یافت شود.

شورای چهارم لاتران، ۱۲۱۵

دارد. او در درون خود صدای وجدانش را می شنود که او را به نیکی فرامی خواند و از بدی دور می سازد. کسی که با فهم و شعور خود این گام را بردارد، خدا را خواهد یافت.

اگر انسان ها می توانند خدای خود را از راه فهم و شعورشان بشناسند، پس چرا او را انکار می کنند؟

شناخت خدای نادیدنی، برای روح انسان همانند چالشی بزرگ است. برخی به دلیل وحشت از این کار، از آن فاصله می گیرند. بعضی نیز نمی خواهند خدا را بشناسند، زیرا در این صورت باید زندگی شان را تغییر دهند. هر که می گوید سئوال کردن راجع به خدا بی معنی است، زیرا این پرسشی بی پاسخ است، در واقع راحت طلب است [۳۷-۳۸] ← ۳۵۷.

آیا اصلا می توان خدا را با مفاهیم و اصطلاحات درک کرد؟ آیا می توان راجع به او به شکل معنادار و قابل فهم سخن گفت؟

ما انسان ها با این که محدود هستیم و عظمت بیکران خداوندی در اصطلاحات محدود انسانی نمی گنجد، با این حال قادر هستیم درباره خدا به شکل صحیح صحبت کنیم [۳۹-۴۳، ۴۸].

ما برای این که بتوانیم راجع به خدا چیزی بگوییم، از تصاویر ناقص و تصورات محدود خود استفاده می کنیم، پس هر کلامی درباره خدا، الزاماً این پیش شرط را در خود دارد که زبان ما قادر به بیان عظمت خدا نیست. بنابراین باید همواره زبان خود را برای سخن گفتن درباره خدا، پاک سازیم و اصلاح کنیم.

## فصل دوم

خدا به سوی ما انسان ها می آید

چرا خدا باید خود را نشان می داد تا بدانیم چگونه است؟

نسان قادر است به کمک فهم و شعور خود به وجود خدا پی ببرد، اما نمی تواند پی ببرد که او پرستی چگونه است. اما از آنجا که خدا مایل بود شناخته شود، خود را متجلی ساخت [۵۰-۵۳، ۶۸-۶۹].

خدا مجبور نبود خود را بر ما آشکار سازد، اما او این کار را از روی محبت انجام داد. همان گونه که در روابط عاشقانه انسانی نیز فقط زمانی می توانیم درباره محبوب خود چیزی بدانیم که او نیز قلب خویش را به روی ما باز کند، فقط هم به این دلیل که خدای جاویدان و پر رمز و راز به سبب عشق و محبت خود، خود را بر ما متجلی ساخته

است، می توانیم از افکار درونی خدا باخبر شویم. خدا چه از راه آفرینش، چه به وسیله پدران و پیامبران و در نهایت از راه ← تجلی نهایی در وجود پسرش عیسی مسیح، همواره با انسان ها سخن گفته است. خدا از راه عیسی، قلب خود را به روی ما گشود و ذات درونی خود را برای همیشه بر ما هویدا ساخت.

خداوند چگونه در عهد عتیق خود را بر ما آشکار می کند؟

خداوند خود را در ← عهد عتیق، به عنوان خدایی نشان داد که جهان را از روی عشق و محبت آفریده است و حتی زمانی که انسان در گناه سقوط می کند، به او وفادار می ماند [۵۴-۶۴، ۷۰-۷۲].

خدا اجازه می دهد تا در تاریخ او را تجربه کنند: او برای نجات همه موجودات زنده با نوح پیمان بست. ابراهیم را فراخواند تا او را «پدر قوم های زیادی» گرداند (پی، ۱۷، ۵ب)، و به کمک او «تمامی نسل جهان» (پی، ۱۲، ۳ب) را برکت دهد. قوم اسرائیل که از نسل ابراهیم به وجود می آید، دارایی ویژه خدا خواهد گشت. این خدا، خود را به نام به موسی معرفی می کند. نام رمزآلود او יהוה و ه است، که اغلب یهوه نوشته می شود، و «هستم آنکه هستم» معنی می دهد (خرو، ۳، ۱۴). او قوم اسرائیل را از بردگی در مصر نجات می دهد، بر کوه سینا با آنان عهد و پیمان می بندد و شریعت و قانون خود را از طریق موسی به آنان می دهد. خداوند پیوسته پیامبرانی نزد قوم خود فرستاد تا آنان را به توبه و بازگشت به سوی او و تجدید عهد و پیمان خود با آنان دعوت کند. پیامبران وعده می دهند که خداوند با آنان عهدی جدید و جاوید خواهد بست، عهدی که همه چیز را نو می سازد و نجات و رهایی نهایی را به همراه می آورد. از این عهد، همه انسان ها بهره مند خواهند شد.

قتی خدا پسرش را نزد ما می فرستد، از خودش به ما چه نشان می دهد؟

خداوند در پسرش عیسی مسیح، محبت و مهربانی ژرف خود را به ما نشان می دهد [۶۵-۶۶، ۷۳].

از راه عیسی مسیح، خدای نادیدنی قابل روئیت می گردد. او هم درست مثل ما، یک انسان می شود. این نشان دهنده این است که خدا در محبتش نسبت به ما تا چه حد پیش می رود. او تمامی بار و عذاب ما را بر دوش خود می گیرد. و در همه راه ها، همراه ماست. او هنگام تنهایی، در درد و رنج و هنگام ترس از مرگ همراه ماست. وقتی دیگر نمی توانیم پیش روییم، او آنجاست تا دروازه حیات را به روی ما باز کند ← ۳۱۴.

این باعث خشنودی خدا بود که برحسب محبت و حکمتش، خود را آشکار سازد و این راز اراده خود را برملا سازد که انسان ها، از راه مسیح، یعنی کلمه جسم شده، در روح القدس راهی به سوی پدر دارند و در ذات الهی سهیم خواهند بود.

شورای دوم واتیکان، «کلمه خدا»

## مکاشفه

### REVELATION

مکاشفه یعنی: خدا خود را آشکار می سازد و به صورتی کاملاً آزادانه با جهان سخن می گوید.

آن نیکبختی که به

دنبالش می گردید، آن نیکبختی که حق شمامست، نام و چهره ای دارد: آن عیسی ناصری است.

بنديکت شانزدهم، ۲۰۰۵/۰۸/۱۸

## تن گیری

### INCARNATION

(برگرفته از واژه لاتین *caro; caronis* به معنای گوشت، گوشت شدن):

انسان شدن خدا در عیسی مسیح. این بنیان ایمان مسیحی و امید به نجات بشر است.





» در عیسی مسیح، خدا،  
چهرهٔ انسانی گرفت و  
دوست و برادر ما گشت.  
بندهکت شانزدهم، ۲۰۰۶/۰۹/۰۶

📖 خدا که در زمان  
سلف به اقسام  
متعدد و طریق های مختلف  
به وساطت انبیا به پدران ما  
تکلم نمود، در این ایام آخر  
به ما به وساطت پسر خود  
متکلم شد.  
عب، ۲-۱، ۱

» خارج از وجود عیسی  
مسیح نمی دانیم که خدا،  
زندگی، مرگ چه هستند و  
اصلا خود ما چه هستیم؟  
بلز پاسکال

؟ رسالت MISSION  
• (برگرفته از واژه لاتین  
missio به معنای اعزام و  
ارسال): رسالت، ماهیت  
کلیسا و سفارش عیسی به  
همه مسیحیان برای آن است  
که بشارت انجیل را در  
کلام و کردار اعلام نمایند تا  
همه انسان ها بتوانند آزادانه  
در انتخاب مسیح تصمیم  
بگیرند.

📖 زیرا من از خداوند  
یافتم، آنچه به شما  
نیز سپردم ...  
پولس در افر، ۲۳، ۱۱

۱۰ آیا همه چیزهای گفتنی از راه عیسی مسیح گفته شد یا پس  
از او مکاشفه خدا همچنان ادامه خواهد داشت؟

در عیسی مسیح، خداوند، خود به جهان آمد. او آخرین کلام  
خداست. در گوش دادن به او، همه انسان ها در همه زمان ها قادر  
خواهند بود بدانند که خدا کیست و برای نجات و شفای آنان چه  
چیز لازم و ضروری است [۶۶-۶۷].

با پیام بشارت عیسی مسیح ← مکاشفه الهی به طور کامل و بی نقص  
تحقق یافته است. برای این که این مکاشفه بتواند ما را نورانی سازد،  
روح القدس همواره ما را زرف تر در حقیقت هدایت می کند. نور  
خدا در زندگی بعضی انسان ها چنان با فروزندی می درخشد که  
آنان قادرند «آسمان را باز» ببینند (رس، ۷، ۵۶). مکان های زیارتی  
بسیاری نیز همچون گوآده لوپ در مکزیک و لورد در فرانسه به همین  
شکل ایجاد شده اند. «مکاشفات شخصی» مربوط به برخی مشاهده  
گران عالم غیب نمی تواند موجب بهبودی پیام بشارت عیسی مسیح  
شود. نمی توان گفت که آنها به شکل عمومی تأثیرگذار هستند. اما  
آنها می توانند به ما یاری رسانند، پیام بشارت مسیح را بهتر درک کنیم.  
حقیقت آنها از سوی ← کلیسا به بررسی گذاشته می شود.

۱۱ چرا ایمان را به دیگران انتقال می دهیم؟

ما ایمان را از آن رو به دیگران می رسانیم که عیسی خود آن را به  
ما سفارش کرده است: «پس نزد تمام قوم ها بروید و تمام انسان ها  
را شاگرد من سازید» (مت، ۲۸، ۱۹) [۹۱].

هیچ مسیحی واقعی، رساندن پیام ایمان به دیگران را فقط به عهده  
کارشناسان این امر (آموزگاران، شبانان، مبشران) نمی گذارد. ما برای  
دیگران هم مسیحی هستیم. یعنی، هر مسیحی واقعی می خواهد خدا  
نزد دیگران نیز حضور یابد. چنین شخصی به خود می گوید: خداوند  
مرا لازم دارد. من غسل تعمید دارم و با روح القدس مسح شده ام.  
پس من مسئولم که انسان های پیرامونم از خدا خبر یابند «تا آنها نیز به  
شناخت حقیقت دست یابند» (۱ تیم، ۲، ۴). مادر ترزا در این زمینه  
تمثیل خوبی ارائه می دهد: «اغلب سیم ها را می بینی که در خیابان ها  
حاشیه زده اند. اما تا برق از میان آنها عبور نکند، خبری از نور نخواهد  
بود. آن سیم ها من و تو هستیم و خداوند برق است. ما این قدرت را  
داریم که اجازه دهیم یا برق از ما عبور کند و ما نور جهان یعنی عیسی  
را تولید کنیم و یا این که مانع شویم از ما استفاده کنند و به این ترتیب  
به تاریکی اجازه دهیم، گسترش یابد» ← ۱۲۳.



» این ضروری و لازم  
است که نسل جدیدی  
از رسولان تشکیل شود،  
رسولانی که ریشه در کلام  
مسیح داشته باشند، قادر به  
پاسخ دادن به چالش های  
زمانه ما باشند و نیز آماده  
باشند، همه جا زده انجیل را  
بشارت دهند.

بندهکت شانزدهم ۲۰۰۶/۰۲/۲۲

» سنت مقدس و  
کتاب مقدس با هم سخت  
در ارتباط و دارای نقاط  
مشترک هستند. این دو که  
از سرمنشاء الهی یکسانی  
سرچشمه گرفته اند،  
تأحدودی در یک مسیر  
واحد با هم جاری و در  
تلاش برای رسیدن به هدفی  
یکسان هستند.

شورای دوم واتیکان، Dei Verbum

۱۲ از کجا بدانیم که چه چیز به ایمان واقعی تعلق دارد؟

ایمان واقعی را در کتاب مقدس و روایات زنده ← کلیسا -  
(= سنت کلیسا)، می یابیم. [۷۶، ۸۰-۸۲، ۸۵-۸۷، ۹۷، ۱۰۰].

← عهد جدید از ایمان کلیسا به وجود آمده است. کتاب مقدس  
و روایات کلیسا به هم تعلق دارند. انتقال و پخش ایمان، در ابتدا  
از راه متون صورت نمی گیرد. در ← کلیسای کهن می گفتند که  
کتاب مقدس «پیش از این که روی چرم نوشته شود، بر قلب کلیسا  
حکاکی شده است». حواریون و ← رسولان نیز زندگی تازه خود را  
در مشارکت با مسیح تجربه کردند. کلیسای جدید، انسان ها را به این  
مشارکت که پس از رستاخیز مسیح از مردگان، به روشی دیگر تداوم  
داشت، دعوت می کرد. مسیحیان نخستین «در تعالیمی که رسولان می  
دادند، و در آیین شام خداوند و در دعا با سایر ایمانداران مرتب شرکت  
می کردند» (رس، ۲، ۴۲). آنان با یکدیگر متحد بودند و بین خود  
برای دیگران نیز جا داشتند. تا به امروز، مسیحی بودن به این معنا بوده  
است: مسیحیان انسان های دیگر را دعوت می کنند تا با مشارکت با  
خدا آشنا شوند، همان مشارکتی که از زمان رسولان بدون تحریف در  
کلیسای کاتولیک نگهداری و حفظ شده است.



## رسول APOSTLE

(برگرفته از واژه یونانی apostolos به معنای فرستاده، سفیر): در عهد جدید، این واژه ابتدا برای دوازده مردی به کار می رود که مسیح در مقام نزدیک ترین همکاران و شاهدان برای خود برگزید. پولس نیز این اجازه را یافت که خود را رسولی برگزیده از سوی مسیح تلقی کند.

## مرجعیت تعلیمی کلیسا

این عبارت توصیف کننده وظیفه کلیسای کاتولیک برای آن است که ایمان را شرح دهد، آن را با پشتیبانی از سوی روح القدس تفسیر کند و آن را از تحریف ها در امان نگاه دارد.

## اغلب در کلام خدا

تعمق کنید، و اجازه دهید روح القدس آموزگارتان باشند. سپس پی خواهید برد که اندیشه های خدا، اندیشه های انسان ها نیستند: شما بدان سو هدایت خواهید شد که خدای راستین را ببینید و رویدادهای تاریخ را با چشمان خود بنگرید. شما مزه شادی سرشاری را خواهید چشید که از حقیقت سرچشمه می گیرد.

بنديکت شانزدهم، ۲۲/۰۲/۲۰۰۶

## آیا ممکن است کلیسا در پاسخ به پرسش های مربوط به ایمان اشتباه کند؟

این غیر ممکن است که کل ایمانداران در ایمان اشتباه و خطا کنند. زیرا عیسی به شاگردانش گفت که او روح راستی را بر آنان خواهد فرستاد تا آنان را در حقیقت نگه دارد (یو، ۱۴، ۱۷) [۸۰-۸۲، ۸۵-۸۷، ۹۲، ۱۰۰].

همان گونه که شاگردان مسیح با تمامی دل و جان به او ایمان داشتند، فرد مسیحی هم می تواند هنگامی که درباره مسیر زندگی از کلیسا پرسش می کند، به آن اطمینان کند. از آنجایی که عیسی مسیح خود، به کلیسا رسولان مأموریت آموزش داد، کلیسا نیز واجد یک مرجعیت تعلیمی است (مرجعیت در اینجا به معنای مأموریت است) و اجازه سکوت ندارد. البته ممکن است بعضی از اعضای کلیسا اشتباه کنند و حتی خطای ناخوشایندی از آنان سر زند، اما امکان ندارد که کلیسا به طور کامل از حقیقت الهی خارج شود. کلیسا حقیقت زنده را طی تمام زمان ها حمل می کند، و این حقیقت بزرگ تر از خود کلیساست. در اینجا از *depositum fidei* سخن می گویند که منظور از آن سرمایه ایمان است که باید حفظ و حراست شود. اگر روزی در ملاء عام این حقیقت انکار یا تحریف شود، از کلیسا خواسته می شود تا دوباره روشن کند «همگان در هر زمان و در هر مکان به چه چیز ایمان داشته اند» (ونسان مقدس، اهل لرین، متوفی به سال ۴۵۰) [۱۴۳].

## آیا کتاب مقدس حقیقت دارد؟

نوشته های کتاب مقدس، حقیقت را «با کمال اطمینان، با وفاداری و بدون خطا یا اشتباه» آموزش می دهند، زیرا این نوشته ها الهام گرفته شده اند، یعنی با الهام بخشی از سوی روح القدس نوشته شده اند، و از این رو «خدا در مقام مولف» در آنان حضور دارد (شورای دوم واتیکان، بیانیه شماره ۱۱) [۱۰۳-۱۰۷].

کتاب مقدس نه به شکل مکتوب از آسمان پایین آمده و نه این که خدا آن را به نویسندگان آن دیکته کرده است، بلکه خدا «برای نگارش آن انسان هایی را انتخاب کرد تا از راه توانایی ها و قدرت شخصی خود، در خدمت او درآیند و فقط و فقط آنچه را که خداوند می خواهد بنویسند و در مقام نویسندگانی واقعی، آن را کتاب روایت کنند» (شورای دوم واتیکان، بیانیه شماره ۱۱). برای تأیید برخی متون به عنوان کتاب مقدس، باید این متون مورد پذیرش همگانی در کلیسا واقع گردند. آنها باید مورد پذیرش و قبول جمع ایمانداران واقع شوند:

«بله، به وسیله این متن خداوند شخصاً خود با ما سخن می گوید - این الهام گرفته شده از روح القدس است». از سده چهارم در مجموعه موسوم به قانون از متون مقدس، مشخص شده است که کدامیک از متون نخستین مسیحی با شمار بسیار، برآستی از روح القدس الهام گرفته شده اند.

## کتاب مقدس چگونه می تواند «حقیقت» باشد، هنگامی که همه آنچه در آن نگاشته شده، صحت ندارد؟

کتاب مقدس نمی خواهد به ما وقایع تاریخی دقیق و یا دانش علوم طبیعی را ارائه دهد. مولفان آن هم، فرزندان زمانه خود بودند. نوشتار آنان از اندیشه های فرهنگی محیط پیرامونشان تأثیر گرفته است که گاه نیز خالی از خطا نبوده اند. اما انسان هر چه باید درباره خدا و راه منتهی به نجات بدانند، بی شک در کتاب مقدس می یابد [۱۰۶-۱۰۷، ۱۰۹].

## طریق مطالعه درست کتاب مقدس چیست؟

کتاب مقدس هنگامی به درستی خوانده می شود که خواندن آن با دعا همراه باشد، یعنی با یاری گرفتن از همان روح مقدسی که این کتاب با تأثیرگیری از آن پدید آمده است. کتاب مقدس، کلام خداست و برای ما شامل اخبار مهمی از جانب خداست [۱۰۹-۱۱۹، ۱۳۷].

کتاب مقدس همانند نامه ای طولانی از سوی خداوند خطاب به تک تک ماست. به همین سبب باید کتاب مقدس را با محبت و احترامی فراوان پذیرا شویم: پیش از هر چیز باید نامه خدا را خواند، یعنی نباید تک تک جزئیات را بیرون کشید، اما به اصل و کل مطلب بی توجه بود. من باید کلیت کتاب مقدس را بر مبنای مرکز ثقل و راز اصلی آن تعبیر کنم، یعنی بر اساس عیسی مسیح که تمام کتاب مقدس از او صحبت می کند، حتی عهد عتیق. پس من باید کتاب مقدس را مانند ایمان زنده کلیسایی که از آن به وجود آمده است، بخوانم [۲۹۱].

INSPIRATION الهام (برگرفته از واژه لاتین inspiratio به معنای الهام): تأثیر خدا بروی مؤلفین انسانی کتاب مقدس به گونه ای که به نظر می رسد او خود نگارنده این متون مقدس است.

## قانون CANON

(برگرفته از واژه لاتین canon به معنای شاقول، معیار): ترکیب بندی معتبر و موثق کتاب مقدس به شکل کتاب های عهد عتیق و عهد جدید.

## کتاب مقدس BIBLE

(برگرفته از واژه لاتین biblia به معنای طومار، کتاب ها): مسیحیان و یهودیان با این واژه به مجموعه ای از نوشته های مقدس اشاره می کنند که طی بیش از هزار سال شکل گرفته است و برای آنان سند ایمانشان به شمار می رود. کتاب مقدس مسیحیان از کتاب مقدس یهودیان حجیم تر است، زیرا علاوه بر متون آنان، چهار انجیل، رساله های پولس رسول و دیگر نوشته های مربوط به کلیسای نخستین را نیز در بر دارد.





» کتاب مقدس، نامه عاشقانه خدا به ماست. سورن کیرکه گور (۱۸۱۳-۱۸۵۵)، فیلسوف دانمارکی

## کتاب های کتاب مقدس (← قانون)

عهد عتیق (شامل ۴۶ کتاب)



### کتاب های تاریخی

پیدایش (پی)، خروج (خرو)، لاویان (لاو)، اعداد (اع)، تثنیه (تث)، یوشع (یوش)، داوران (داو)، روت (رو)، اول سموئیل (۱ سم)، دوم سموئیل (۲ سم)، اول پادشاهان (۱ پا)، دوم پادشاهان (۲ پا)، اول تواریخ (۱ تو)، دوم تواریخ (۲ تو)، عزرا (عز)، نحمیا (نج)، طوبیا (طو)، یهودیت (یه)، استر (اس)، اول مکابیان (۱ مک)، دوم مکابیان (۲ مک).

### کتاب های حکمت

ایوب (ای)، مزامیر (مز)، امثال (ام)، جامعه (جا)، غزل غزل ها (غز)، حکمت (حک)، یسوع بن سیرا (سی).

### کتاب های پیامبران

اشعیا (اش)، ارمیا (ار)، مرانی (مرا)، باروک (با)، حزقیال (حز)، دانیال (دان)، هوشع (هو)، یوئیل (یو)، عاموس (عا)، عوبدیا (عو)، یونس (یون)، میکاء (می)، ناحوم (نا)، حبقوق (حب)، صفینا (صف)، حجی (حج)، زکریا (زک)، ملاکی (مل).

### عهد جدید (۲۷ کتاب)

#### انجیل ها

متی (مت)، مرقس (مر)، لوقا (لو)، یوحنا (یو).

#### اعمال رسولان (رس)

#### رساله های پولس رسول

رساله به رومیان (روم)، رساله اول به قرنتیان (۱ قر)، رساله دوم به قرنتیان (۲ قر)، رساله به غلاطیان (غل)، رساله به افسسیان (اف)، رساله به فیلیپیان (فی)، رساله به کولسیان (کو)، رساله اول به تسالونیکان (۱ تس)، رساله دوم به تسالونیکان (۲ تس)، رساله اول به تیموتائوس (۱ تیم)، رساله دوم به تیموتائوس (۲ تیم)، رساله به تیتوس (تیت)، رساله به فیلمون (فیل)، رساله به عبرانیان (عب).



## نامه های همگانی

رساله یعقوب (یع)، رساله اول پطرس (۱ پط)، رساله دوم پطرس (۲ پط)، رساله اول یوحنا (۱ یو)، رساله دوم یوحنا (۲ یو)، رساله سوم یوحنا (۳ یو)، رساله یهودا (یهو).

### رازهای مکاشفه

مکاشفه یوحنا (مکا).

### ۱۷ عهد عتیق برای مسیحیان چه معنی و مفهومی دارد؟

در ← عهد عتیق، خدا خود را به عنوان آفریننده و نگهدارنده جهان و به عنوان رهبر و مربی انسان نشان می دهد. کتاب های عهد عتیق نیز جزو کلام خدا و کتاب مقدس محسوب می شوند. بدون عهد عتیق قادر به فهمیدن عیسی نخواهیم بود [۱۲۱-۱۲۳، ۱۲۸-۱۳۰، ۱۴۰].

در ← عهد عتیق داستان آموزشی ایمان بزرگی آغاز می گردد که در ← عهد جدید به نقطه اوج خود می رسد و با به پایان رسیدن دنیا و بازگشت مسیح، به هدف نهایی خود نائل می گردد. با این تعبیر، عهد عتیق چیزی فراتر از یک پیش پرده برای عهد جدید است. فرمان ها و پیش گویی ها برای قوم پیمان قدیم و وعده های موجود در این کتاب که برای همه انسان ها مصداق دارد، هرگز باطل نشده است. در کتاب های عهد عتیق گنجینه ای از دعاها و حکمت های بی همتا و بدون جایگزین، یافت می شود، بویژه مزامیر که جزئی از دعاها و روزانه کلیسا را تشکیل می دهند.

### ۱۸ عهد جدید برای مسیحیان چه معنی و مفهومی دارد؟

در ← عهد جدید، مکاشفه الهی تکمیل می گردد. چهار انجیل متی، مرقس، لوقا و یوحنا، قلب کتاب مقدس و گنجینه پر بهای کلیسا هستند. در آنها پسر خدا به ما نشان می دهد که کیست و با ما چه برخوردی دارد. در کتاب اعمال رسولان، به سرآغاز کلیسا و عملکرد روح القدس پی می بریم. در رساله ها، زندگی انسان ها با تمام واقعیت هایش در نور مسیح قرار داده می شود. در اسرار مکاشفه، پیشاپیش، آخر زمان را می بینیم [۱۲۴-۱۲۷، ۱۲۸-۱۳۰، ۱۴۰].

خدا هر آنچه را که می خواست به ما بگوید، در وجود عیسی مسیح به ما گفته است. ← عهد عتیق در کل به منزله یک نوع آماده سازی برای انسان شدن پسر خدا است. تمام وعده های خدا در عیسی

» کتاب مقدس برای این وجود ندارد که ما از آن انتقاد کنیم، بلکه برای این که آن از ما انتقاد کند. سورن کیرکه گور

### » خدای ابراهیم، خدای اسحاق، خدای یعقوب

و نه خدای فیلسوفان و دانشمندان. خدای عیسی مسیح. انسان فقط می تواند او را بر مسیرهایی بیابد و برای خود حفظ کند که در انجیل آموخته می شود.

بلز پاسکال، فیلسوف فرانسوی، پس از دست یافتن به تجربه ای از خدا

### » تازه هنگامی که در

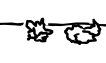
مسیح با خدای زنده روبرو گردیم، درمی یابیم که زندگی به چه معناست. چیزی زیباتر از این نیست که اناجیل و مسیح ما را بیابند.

بندیکت شانزدهم، ۲۴/۰۴/۲۰۰۵

### » نشاختن کتاب مقدس،

یعنی نشناختن مسیح.

هریرونیموس قدیس ۴۱۹-۷ پدر کلیسا، مفسر و مترجم کتاب مقدس





» کتاب مقدس به گذشته تعلق ندارد، خداوند ... در حال حاضر سخن می گوید، و امروز با ما حرف می زند، به ما نور می بخشد، راه حیات را نشان می دهد، پیوند با خود را به ما اهداء می کند و به این ترتیب ما را برای صلح و آرامش آماده و پذیرا می سازد.

بنديکت شانزدهم، ۲۰۰۶/۰۳/۲۹

مسیح، به وقوع می پیوندد. مسیحی بودن یعنی این که همواره زندگی خود را به زندگی مسیح متصل سازیم. مادلین دل برل می گوید: «خداوند از راه کلامش به ما می گوید که کیست و چه می خواهد. او برای همیشه و برای تک تک روزها سخنش را به ما می گوید. وقتی انجیل را در دست نگه می داریم، باید بدانیم که کلمه در آن زنده است و می خواهد در ما جسم بگیرد و بر ما اثر بگذارد، تا ما در مکانی جدید، در زمانی جدید و در محیط انسانی جدیدی زندگی او را از نو آغاز کنیم.»

### ۱۹ کتاب مقدس چه نقشی در کلیسا بازی می کند؟

کلیسا، حیات و قدرت خود را از کتاب مقدس به دست می آورد [۱۰۳-۱۰۴، ۱۳۱-۱۳۳، ۱۴۱].

علاوه بر حضور شخص مسیح در آیین سپاسگزاری، کلیسا حضور او را در کتاب مقدس مورد احترام و تجلیل فراوان قرار می دهد. در آیین سپاسگزاری، ما انجیل را در حالت ایستاده گوش می کنیم، زیرا در این کلام انسانی که می شنویم، شخص خداوند با ما سخن می گوید. ← ۱۲۸

» خواندن کتاب مقدس یعنی پند و اندرز گرفتن از مسیح.

قدیس فرانسیس آسیزی (۱۱۸۲-۱۲۲۶، «بزرگ ترین مسیحی بعد از مسیح»، بنیانگذار انجمن روحانی و عارف)

## فصل سوم انسان ها به خدا پاسخ می دهند

۲۰ گونه می توان به خدایی که با ما سخن می گوید پاسخ داد؟  
پاسخ به خدا یعنی ایمان به او [۱۴۲-۱۴۹].

کسی که می خواهد ایمان داشته باشد، به «قلبی شنوا» نیاز دارد (۱ پادشاهان، ۳، ۹). خدا به روش های گوناگون با ما ارتباط برقرار می سازد. در هر ملاقاتی با انسان های دیگر، در هر تجربه تأثیرگذار طبیعی، در اموری که به ظاهر تصادفی هستند، در هر چالش و در هر رنجی که بر ما وارد می آید، در همه اینها پیامی از خداوند نهفته است. بویژه هنگامی که خدا با کلام خود یا با ندای وجدانمان به ما روی می آورد، آشکارتر با ما سخن می گوید. او همانند یک دوست با ما سخن می گوید. به این دلیل ما هم باید مانند یک دوست به او پاسخ دهیم و بکوشیم به او ایمان داشته باشیم، به طور کامل به او اعتماد کنیم، همواره او را بهتر بشناسیم و بدون چون و چرا ارده او را بپذیریم.

### ۲۱ ایمان چیست؟

ایمان یعنی دانستن و اعتماد داشتن. ایمان هفت علامت مشخصه دارد:

- ایمان، سراسر یک هدیه الهی است و ما زمانی آن را به دست می آوریم که قلبا آن را بپذیریم.
  - ایمان، یک نیروی مافوق طبیعی ست، که ما به آن نیاز مطلق داریم تا بتوانیم نجات یابیم.
  - هنگامی که انسان دعوت الهی را می پذیرد، ایمان، اراده آزاد و عقل سلیم انسانی را می طلبد.
  - ایمان، مطلقاً قطعی است، زیرا عیسی آن را تضمین می کند.
  - ایمانی که در محبت عمل نکند، ناقص است.
  - اگر ما پیوسته بهتر به کلام خدا گوش کنیم و از راه دعا، در تبادل زنده با او قرار بگیریم، ایمان رشد می یابد.
  - ایمان از هم اکنون به ما اجازه می دهد، مزه شادی آسمانی را بچشمیم.
- [۱۵۳-۱۶۵، ۱۷۹-۱۸۰، ۱۸۳-۱۸۴].

برخی می گویند فقط ایمان داشتن برایشان کافی نیست، بلکه آنها می خواهند به دانستن برسند. اما واژه «ایمان» دو معنای گوناگون دارد: اگر یک چتر باز از کارمندان فرودگاه پرسد: «آیا چتر نجات را مطمئن بسته اید؟» و یکی از آنها سرسری جواب دهد: «اوه، بله، گمان کنم»، این پاسخ برای چتر باز کافی نیست، بلکه او می خواهد

» ماهیت ایمان یعنی پذیرفتن حقیقتی که عقل ما نتواند به آن دست یابد، فقط به سادگی و قطعاً بنا به شواهد و قرائن.

سعادت مند جان هنری نیومن (۱۸۰۱-۱۸۹۰، از مذهب انگلیکن به کلیسای کاتولیک گروید و بعدها به مقام کاردینالی کلیسای کاتولیک رسید؛ فیلسوف و الهیات شناس انگلیسی)



اگر ایمان به قدر دانه خردلی می داشتید، بدین کوه می گفتید از اینجا بدانجا منتقل شو، البته منتقل می شد و هیچ امری بر شما محال نمی بود.

مت، ۱۷، ۲۰

» ایمان یعنی تاب آوردن درک ناپذیری خدا در سراسر زندگی.

کارل رانر (۱۹۰۴-۱۹۸۴، الهیات شناس آلمانی)

» اگر نمی دیدم که ایمان داشتن، عاقلانه است، احتمالاً ایمان نمی آوردم.

قدیس توماس آکوئین



» ایمان به خدا یعنی دیدن این که امور این جهان کفایت نمی کنند. ایمان به خدا یعنی دیدن این که زندگی معنا و مفهومی دارد. لودویگ ویتگنشتاین (۱۸۸۹-۱۹۵۱، فیلسوف اتریشی)

» این مهم است که چه باوری داریم، اما مهم تر این است که به چه کسی ایمان داریم. بندیکت شانزدهم، ۲۸/۰۵/۲۰۰۶

» Credo ut intelligam ایمان دارم تا بتوانم درک کنم. قدیس آنسلم اهل کانتربری (۱۰۳۴-۱۱۰۹، عالم کلیسا، الهیات شناس مهم قرون وسطی)

» من اهل تخیل نیستم. نمی توانم خدای پدر را مجسم کنم، تنها چیزی که می توانم ببینم، عیسی است. قدیس مادر ترزا (۱۹۱۰-۱۹۹۷، «فرشته کلکته»، بنیانگذار انجمن روحانی، برنده جایزه نوبل صلح)

با اطمینان کامل بلداند. حال اگر او این پرسشی را از دوستی نزدیک بکند و او جواب دهد: «بله، من خود شخصا آن را انجام دادم. تو می توانی به من اعتماد کنی»، پتر باز به دوست خود خواهد گفت: «بله، من به تو ایمان دارم». این ایمان بسیار فراتر از دانستن است، این یعنی به قطعیت رسیدن. و این همان ایمانی است که ابراهیم را به سرزمین موعود رساند، این همان ایمانی است که «شهبانان تا پای مرگ بر آن پابرجا استقامت کردند و ایمانی که مسیحان را هنوز هم در دوران جفا و سختی استوار نگاه می دارد. این ایمانی است که کل بشریت را دربر می گیرد.

### ۲۲ ایمان چگونه ممکن است؟

کسی که در جست و جوی ایمان است، در واقع در پی رابطه ای شخصی با خداست و حاضر است هر آنچه را که خدا از خود نشان می دهد قبول کند (مکاشفه) [۱۵۰-۱۵۲].

در آغاز ایمان، اغلب در مقابل تشنج و ناآرامی قرار می گیریم. انسان احساس می کند فقط دنیای مرئی و روند معمولی امور نمی توانند همه چیز باشند. او حس می کند یک راز او را به سوی خود جذب می کند. او به دنبال رد پای می رود که به وجود خدا اشاره می کند و کم کم اعتماد پیدا می کند که با خدا گفتگو کند و در نهایت، در کمال آزادی خود را به او پیوند زند. در انجیل یوحنا اینچنین آمده است: «خدا را هرگز کسی ندیده است؛ پسر یگانه ای که در آغوش پدر است، همان او را ظاهر کرد (یو، ۱، ۱۸). به این دلیل، اگر می خواهیم بدانیم خدا می خواهد با ما چه چیز را در میان بگذارد، باید به عیسی، پسر خدا اعتماد کنیم. پس ایمان یعنی عیسی را بپذیریم و در سراسر زندگی مان در راه او هر خطری را به جان بخریم.

### ۲۳ آیا تضادی میان ایمان و علوم طبیعی وجود دارد؟

میان ایمان و علوم طبیعی تضادی غیر قابل حل وجود ندارد، زیرا امکان ندارد، حقیقتی دوگانه وجود داشته باشد [۱۵۹]. حقیقتی ایمانی وجود ندارد که با حقیقت علمی در رقابت باشد. تنها یک حقیقت وجود دارد که هم ایمان و هم شعور علمی می توانند بر آن تکیه کنند. خداوند همان گونه که از ما شعوری را می طلبد که با آن بتوانیم ساختارهای معقولاته جهان را بشناسیم، ایمان را نیز از ما می

خواهد. به این دلیل، ایمان مسیحی هم علوم طبیعی را می طلبد و هم آن را ترویج می دهد. ایمان برای این وجود دارد که ما بتوانیم مسائلی را درک کنیم که هرچند با فهم و شعور تضادی ندارند، اما در سطحی فراتر از فهم و شعور، واقعیت می یابند. ایمان به دانشمندان یادآوری می کند که نباید در جایگاه خدا بنشینند، بلکه باید به آفریده ها خدمت کنند. علوم طبیعی باید بجای دستکاری در ارزش انسانی، به آن احترام بگذارد.

### ۲۴ ایمان من چه ربطی به کلیسا دارد؟

هیچکس نمی تواند به تنهایی برای خود ایمان داشته باشد، همانطور که هیچکس نمی تواند به تنهایی برای خود زندگی کند. ما ایمان را از کلیسا دریافت می کنیم و آن را در مشارکت با انسان هایی که ایمانمان را با آنان تقسیم می کنیم، زندگی می کنیم [۱۶۶-۱۶۹، ۱۸۱].

ایمان شخصی ترین امر برای یک انسان است و در عین حال یک امر خصوصی نیست. کسی که می خواهد ایمان داشته باشد، باید بتواند هم «من» و هم «ما» بگوید، زیرا ایمانی که نتوان آن را با کسی تقسیم کرد و یا آن را با دیگران در میان گذاشت، غیر منطقی خواهد بود. تک تک ایمانداران، آزادانه موافقت خود را به «ما ایمان داریم» در کلیسا اعلام می کنند. فرد ایماندار، ایمان خود را از کلیسا دریافت کرده است. این کلیساست که در خلال سده های بسیار ایمان را به ایمانداران رسانده، آن را از تحریف حفظ نموده و همواره آن را به روشنی تعبیر نموده است. بنابراین ایمان، سهیم شدن در اعتقادی مشترک است. ایمان دیگران مرا همراهی می کند، همچنان که آتش ایمان من نیز دیگران را روشن و تقویت می کند. کلیسا به این ترتیب بر ایمان «من» و ایمان «ما» تأکید می ورزد که در مراسم نیایشی خود دو اقرارنامه ایمانی به کار می بندد: اقرارنامه ایمان رسولی که با «من ایمان دارم» (← اقرار ایمان) آغاز می شود و اقرارنامه بزرگ نقیه-قسطنطنیه که شکل اصلی و ابتدایی آن با «ما ایمان داریم» (Credimus) آغاز می گردد.

» کسی که ریاضی را اصولی یاد نگرفته باشد، نمی تواند به شناخت امور الهی و انسانی دست یابد.

آگوستین (۳۵۴-۴۳۰، عالم کلیسا، نویسنده و الهیات شناس مهم دوران ابتدایی کلیسا)

» در هیچ کجا میان خدا و علوم طبیعی تضادی نمی یابیم. آنها، برخلاف آنچه عده ای امروزه باور و وحشت دارند، ناقض یکدیگر نیستند، بلکه یکدیگر را تکمیل و تبیین می کنند.

ماکس پلانک (۱۸۵۸-۱۹۴۷، فیزیکدان، برنده جایزه نوبل، مبلغ نظریه کوانتومی)

### » اقرار ایمان CREDO

(برگرفته از واژه لاتینی credo به معنی «من ایمان دارم»): نخستین واژه در اقرارنامه رسولی، به عنوانی برای شکل های گوناگون اقرار در کلیسا بدل شد که در آنها مهم ترین محتوای ایمان به شکل مقبولی گردآمده است.



جایی که دو یا سه نفر به اسم من جمع شوند، آنجا در میان ایشان حاضرم

مت، ۱۸، ۲۰



## بخش دوم اقرارنامه مسیحی

۲۵ چرا ایمان به مفاهیم و فرمول بندی ها نیاز دارد؟

در ایمان، کلامی تو خالی مطرح نیست، بلکه واقعیت هم مطرح است. در ← کلیسا به مرور زمان، فرمول هایی ایمانی شکل گرفت که به کمک آنها ما این واقعیت را می بینیم، به زبان می آوریم، می آموزیم، به دیگران می بخشیم، جشن می گیریم و زندگی می کنیم [۱۷۰-۱۷۴].

بدون فرمول های ثابت، محتوای ایمان از هم می پاشد. به همین سبب، ← کلیسا ارزش بسیاری برای عبارات مشخصی قائل است که بیان درست آنها گاه به دشواری حاصل آمده است تا بتوان پیام مسیح را از سوء تفاهم ها و تحریف ها در امان داشت. بویژه اهمیت فرمول های ایمان زمانی بیشتر مشخص می گردد که قرار شود، ایمان کلیسا در فرهنگ های گوناگون ترجمه گردد، لیکن ماهیت اصلی آن حفظ و حراست شود. زیرا ایمان مشترک، زیربنایی برای اتحاد کلیساست. ← ۱۲۹.

۲۶ اقرارنامه های ایمانی مسیحی چه هستند؟

اقرارنامه های ایمانی مسیحی، فرمول های کوتاه ایمانی هستند که اقراری مشترک را برای همه ایمانداران امکان پذیر می سازند [۱۸۵-۱۸۸، ۱۹۲-۱۹۷].

فرمول های کوتاه اینچنینی، در رساله های پولس نیز یافت می شود. اقرارنامه ایمانی رسولی در شکل ابتدایی خود، اعتبار و ارزشی ویژه دارد، زیرا چکیده ای از ایمان ← رسولان به شمار می رود. اقرارنامه ایمانی بزرگ نیز ارزش فراوانی دارد، زیرا از شوراهای بزرگ مربوط به زمانی که مسیحیت هنوز تقسیم و تجزیه نشده بود (شورای نيقیه در سال ۳۲۵ و شورای قسطنطنیه در سال ۳۸۱) سرچشمه می گیرد و تا به امروز نیز برای مسیحیان در شرق و غرب به منزله پایه و اساسی مشترک است.

۲۷ این اقرارنامه های ایمانی مسیحی چگونه شکل گرفته اند؟

این اقرارنامه های ایمانی مسیحی به شخص عیسی بر می گردند که از شاگردانش خواست تا تعمیم دهند. آنان در قبال آن از مردم می خواستند تا به ایمانی مشخص، یعنی ایمان به پدر، پسر و روح القدس (← تثلیث اقدس)، اقرار کنند [۱۸۸-۱۹۱].

کانون اصلی همه اقرارنامه هایی که پس از آن شکل گرفت، اقرار به عیسی خداوند و رسالت او برای بشارت است. رسالت او چنین است: «پس بروید، همه قوم ها را شاگرد من سازید و آنها را به اسم پدر و پسر و روح القدس، غسل تعمیم دهید» (مت، ۲۸، ۱۹). کلیه اقرارنامه های ← کلیسایی، ترویج ایمان به تثلیث اقدس به شمار می روند. آنها با اقرار به پدر، آفریدگار و پاسدارنده جهان آغاز می گردند. سپس به پسر، اشاره دارند که از راه او، جهان و ما نجات یافتیم و با اقرار به روح القدس که حضور خدا در کلیسا و جهان است، خاتمه می یابند.

۲۸ اقرارنامه ایمانی رسولی چگونه است؟

من ایمان دارم به خدا، پدر قادر مطلق، خالق آسمان و زمین. من ایمان دارم به پسر یگانه او، خداوند ما عیسی مسیح که به واسطه روح القدس در رحم قرار گرفت و از مریم باکره متولد شد و در حکومت پنتیوس پیلاتوس رنج کشید و مصلوب شده، بمرد و مدفون گردید؛ و به عالم ارواح نزول کرد؛ و در روز سوم از مردگان برخاست؛ به آسمان صعود نموده، به دست راست خدای پدر قادر مطلق نشسته است. و از آنجا خواهد آمد تا زندگان و مردگان را داوری نماید.

من ایمان دارم به روح القدس و به کلیسای مقدس جامع، و به مشارکت مقدسین، و به آموزش گناهان، و به قیامت بدن ها، و به حیات جاودان. آمین.

کلیسا این ایمان را همان گونه که دریافت کرده است، حفظ می کند، گویی که در یک عمارت واحد به سر می برد، چنان به آن ایمان دارد که گویی فقط یک روح و یک قلب دارد و آموزه های آن را چنان یکصدا بشارت و انتقال می هد که گویی فقط یک دهان دارد.

قدیس ایرینئوس اهل لیون (حدود ۱۳۵- حدود ۲۰۲، پدر کلیسایی)

اقرار ایمان برای تو همچون یک آینه باشد. خود را در آن بنگر تا ببینی آیا برآستی به تمام آنچه اعلام می داری، ایمان نیز داری. و هر روز در ایمان خود شادی کن.

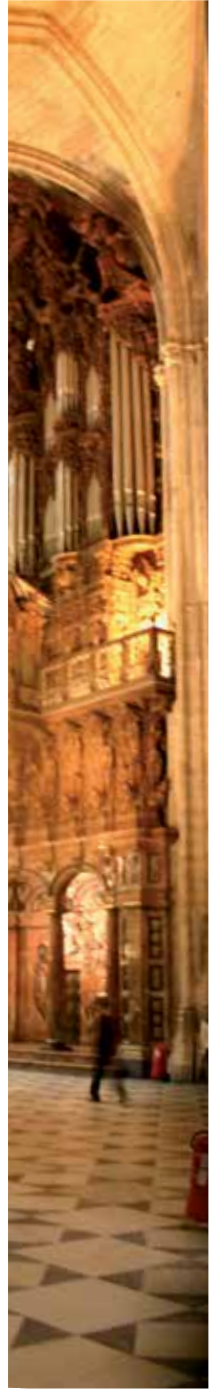
آکوستین

هیچ انسانی به تنهایی زندگی نمی کند، هیچ انسانی به تنهایی ایمان ندارد. خدا با کلامش با ما سخن می گوید و با این سخنان ما را به کنار هم بودن فرامی خواند، یک اجتماع، یعنی قوم خود و کلیسای خود را شکل می دهد. پس از رفتن عیسی، کلیسا نشانه حضور او در دنیاست.

بازیلوس اهل سلوکیه (سده پنجم میلادی، اسقف)







۲۹ اقرارنامه ایمانی بزرگ، صادره از سوی شورای نیقیه - قسطنطنیه چگونه است؟

ما ایمان داریم به خدای یکتا پدر قادر مطلق، آفریدگار آسمان و زمین و هر آنچه پیدا و ناپیداست.

ما ایمان داریم به خداوند یکتا عیسای مسیح، پسر یگانه خدا مولود ازلی پدر او خداست از خدا، نور از نور خدای راستین از خدا راستین که زاده شده و آفریده نشده است هم ذات با پدر

و از طریق او همه چیز هستی یافت. برای ما آدمیان و برای نجات ما از آسمان فرود آمد

به قدرت روح القدس، از مریم عذرا تن گرفت و انسان گردید و در زمان پنطیوس پیلاطس برای ما مصلوب شد، رنج کشید مرد و مدفون گشت

و بر حسب کتاب مقدس، روز سوم رستاخیز نمود و به آسمان صعود کرد و به دست راست پدر نشسته است و بار دیگر در جلال خواهد آمد تا زندگان و مردگان را داوری کند و سلطنتش را پایان نخواهد بود.

ما ایمان داریم به روح القدس که خداوند و بخشنده حیات است که از پدر و پسر صادر می گردد و او را با پدر و پسر یک پرستش و یک جلال است او از طریق پیامبران سخن گفته است.

ما ایمان داریم به کلیسا که یکتا، مقدس، همگانی و رسولی است و اعتقاد داریم به یک تعمید برای آمرزش گناهان. ما رستاخیز مردگان و زندگی جهان آینده را در انتظاریم. آمین.

## فصل اول

### من ایمان دارم به خدای پدر

۳۰ چرا فقط به یک خدا ایمان داریم؟

ما فقط به یک خدا ایمان داریم، زیرا براساس شهادت کتاب مقدس، فقط یک خدا وجود دارد. و براساس قانون منطقی نیز فقط می تواند یک خدا وجود داشته باشد [۲۰۰-۲۰۲، ۲۰۲-۲۲۸].

اگر دو خدا وجود داشت، یکی از آنان حد و مرز دیگری بود؛ هیچکدام از آنان ابدی نبودند، هیچکدام کامل نبودند؛ به این ترتیب، هیچ یک از آن دو، خدا نبود. پایه و بنای تجربه ای که اسرائیل از خدای خود داشت چنین بود: «ای اسرائیل بشنو. ← یهوه خدای ما، خدای یکتاست» (تث، ۶، ۴). پیامبران همواره مردم را دعوت می کنند، خدایان دروغین را کنار بگذارند و تنها به خدای یکتا اعتراف کنند: «من تنها خدا هستم، و خدای دیگری نیست» (اش، ۴۵، ۲۲).

۳۱ چرا خداوند به خود یک نام می دهد؟

خداوند از آن رو به خود یک نام می دهد که می خواهد مخاطب قرار گیرد [۲۰۳-۲۱۳، ۲۳۰-۲۳۱].

خداوند نمی خواهد ناشناس باشد. او نمی خواهد مانند یک «سرشت متعالی» که فقط احساس و حس می شود، مورد ستایش قرار گیرد. خداوند می خواهد آشنا باشد و بتوان او را در مقام امر واقعی و تأثیرگذار ندا داد. خدا در بوته شعله ور، نام مقدس خود را بر موسی فاش می کند: ← **آهیّه** (هستم) (خرو، ۳، ۱۴). خداوند خود را بر قوم خود آشکار می سازد و به رغم آن، خدای نماند، یک راز حاضر. در اسرائیل از روی احترام به خداوند، نام او به زبان آورده نمی شد (و نمی شود) و به جای آن از واژه **Adonai** (سرور) استفاده می شود. ← **عهد جدید**، هنگامی که عیسی را در مقام خدای راستین تجلیل می کند، درست از این واژه استفاده می کند: «عیسی، سرور است» (روم، ۱۰، ۹).

خداوند خدای ما خداوند واحد است. و خداوند خدای خود را به تمامی دل و تمامی جان و تمامی خاطر و تمامی قوت خود محبت نما که اول از احکام این است.

مر، ۱۲، ۲۹-۳۰


### یکتاپرستی MONO-THEISM

(برگرفته از کلمه یونانی monos به معنای یکتا و theos به معنای خدا). آموزه ای مربوط به خدا در مقام وجودی یکتا، مطلق و منفرد که دلیل نهایی همه چیز است. ادیان یکتا پرست یهودیت، مسیحیت و اسلام هستند.

### ی ه و ه / یهوه JHWH/JAHWE

مهم ترین نام خداوند در عهد عتیق (خرو، ۳، ۱۴). می توان آن را اینطور ترجمه کرد: «من هستم آنکه هستم». از نظر یهودیان و مسیحیان، او نمایانگر تنها خدای سراسر جهان، آفریدگار آنان، نگهدارنده آنان، شریک عهد، نجات دهنده از بردگی در مصر، داور و منجی است.



 موسی به خدا گفت: «اینک چون من نزد بنی اسرائیل برسم و بدیشان گویم خدای پدران شما مرا نزد شما فرستاده است و از من بپرسند که نام او چیست، بدیشان چه گویم؟» خدا به موسی گفت: «هستم، آنکه هستم» و گفت: «به بنی اسرائیل چنین بگو: اهیّه (هستم) مرا نزد شما فرستاده.» و خدا باز به موسی گفت: «به بنی اسرائیل چنین بگو، یهوه خدای پدران شما، خدای ابراهیم و خدای اسحاق و خدای یعقوب مرا نزد شما فرستاده. این است نام من تا ابدالابد و این است یادگاری من نسلا بعد نسل»  
خرو، ۳، ۱۳-۱۵



### ۳۳ «خدا محبت است» به چه معناست؟

اگر خدا محبت است، پس هیچ آفریده ای یافت نمی شود که خیر خواهی بی پایان الهی، آن را دربرنگرفته باشد. خدا فقط اعلام نمی کند که او محبت است، بلکه این را ثابت می کند: «محبتی بزرگ تر از این نیست که کسی جان خود را فدای دوستان خود کند» (یو، ۱۵، ۱۳) [۲۱۸-۲۲۱].

هیچ ← دین دیگری، آن چیزی را بیان نمی کند که مسیحیت ابراز می دارد: «خدا محبت است» (۱ یو، ۴، ۸ و ۱۶). ایمان، به این کلام پایبند می ماند، هر چند که تجربه های درد و رنج و شرارت در جهان، انسان ها را به این تردید وامی دارد که آیا خدا براستی محبت است. در ← عهد عتیق نیز خداوند از طریق اشعیا نبی به قوم خود چنین اعلام می کند: «چون تو در نظر من گرانها و با ارزش هستی و چون تو را دوست دارم، تمام ممالک را فدای تو خواهم کرد» (اش، ۴۳، ۴-۵ الف)، و از زبان او چنین می گوید: «آیا هیچ زنی فرزند خود را فراموش می کند؟ و هیچ مادر فرزندی را که بدنیا آورده؟ حتی اگر آنها فرزند خود را فراموش کنند، من تو را هرگز فراموش نخواهم کرد. بنگر. من نام تو را بر کف دستم نوشته ام» (اش، ۴۹، ۱۵-۱۶ الف). این موضوع را که محبت الهی فقط از واژه های تو خالی تشکیل نشده است، عیسی مسیح با فدا کردن جان خود برای دوستانش بر صلیب، ثابت می کند.

### ۳۴ پس از شناخت خدا چه باید کرد؟

هنگامی که خدا را شناختیم، باید او را در جایگاه نخست زندگی مان قرار دهیم. بدین وسیله زندگی جدیدی آغاز می گردد. مسیحیان را می توان از این راه شناخت که آنان حتی دشمنان خود را دوست دارند [۲۲۲-۲۲۷، ۲۲۹].

شناخت خدا یعنی شناخت کسی که مرا آفریده و خواسته است، کسی که مرا هر ثانیه با محبت می نگرد، کسی که زندگی مرا برکت می دهد و حفظ می کند، کسی که دنیا و انسان هایی را که دوست دارم، در دستانش نگاه می دارد، کسی که با اشتیاق منتظر من است، مایل است مرا سرشار و کامل سازد و اجازه دهد برای همیشه در کنارش زندگی کنم. او حضور دارد. تکان دادن سر به معنای موافقت با این امر، کافی نیست. مسیحیان باید روش زندگی مسیح را برای خود در پیش گیرند.

### ۳۵ آیا ما به یک خدا یا به سه خدا ایمان داریم؟

ما به یک خدا در سه شخص ایمان داریم (← تثلیث اقدس). «خدا تنهایی و انزوا نیست بلکه او جمعی کامل است» (بندیکت شانزدهم، ۲۲/۰۵/۲۰۰۵). [۲۳۲-۲۳۶، ۲۴۹-۲۵۶، ۲۶۵-۲۶۶].

### ۳۲ «خدا حقیقت است» به چه معناست؟

«خداوند نور است و هیچ تاریکی در او نیست» (۱ یو، ۱، ۵). «کلام او حقیقت است» (ام، ۸، ۷: ۲ سم، ۷، ۲۸)، و «قانون او حقیقت است» (مز، ۱۱۹، ۱۴۲). هنگامی که عیسی در پیشگاه پیلاتوس اعتراف می کند: «من برای این متولد شده ام و به این جهان آمده ام تا به حقیقت شهادت دهم»، حقیقت خدا را تضمین می بخشد (یو، ۱۸، ۳۷) [۲۱۴-۲۱۷].

خدا را نمی توان در معرض هیچ روش اثباتی قرار داد، زیرا دانش نمی تواند خدا را وسیله آزمون خود قرار دهد. به رغم آن، خدا خود را به شیوه ویژه خود در معرض روش اثباتی خود قرار می دهد. ما به دلیل باورپذیر بودن قطعی عیسی، می دانیم که خداوند حقیقت است. او «راه، حقیقت و حیات است» (یو، ۱۴، ۶). هر کس که خود را آماده پذیرش او سازد، می تواند این را دریابد و به معرض آزمون بگذارد. اگر خدا «حقیقت» و راستی نبود، ایمان و عقل نمی توانستند با یکدیگر به گفتگو بپردازند. این تفاهم فقط به این سبب میسر است که خدا، حقیقت و حقیقت، امری خدایی است.

«عیسی مسیح، حقیقت جسم گرفته ای است که جهان را به سوی خود جذب می کند. نور تابان برآمده از عیسی، پر تو حقیقت است. هر حقیقت دیگری، تنها بخشی ناکامل از آن حقیقتی است که اوست و به او اشاره دارد.»  
بندیکت شانزدهم، ۱۰/۰۲/۲۰۰۶

«خدا براستی مادر ماست، همان گونه که پدر ما هم هست.»

سعادت مند یولیان اهل نوریج (حدود ۱۳۴۲-حدود ۱۴۱۳، خانم عارف انگلیسی)

«محبت راستین دردآور است. چنین محبتی باید هم دردآور باشد. عاشق کسی بودن باید دردناک باشد؛ ترک کردن او هم باید دردناک باشد، آدمی حاضر است برای او بمیرد. هنگامی که انسان ها با هم ازدواج می کنند، برای دوست داشتن یکدیگر باید از همه چیز دست کشند. مادری که به فرزندی زندگی می بخشد، درد و رنج فراوان می کشد. واژه «عشق» به کرات مورد سوء تفاهم و سوء استفاده است.»

مادر ترزا

«خداوند و خدای من، هر آنچه را که مانع رسیدن من به تو می شود از من بگیر. خداوند و خدای من، هر چه باعث رسیدن من به تو می شود، به من ببخش. خداوند و خدای من، مرا از خودم بگیر و مرا به کل به خود ببخش.»

قدیس نیکلاس اهل فلونه (۱۲۱۷-۱۲۸۷، عارف و راهب سونیسی)



» خدا در جایگاه نخست قرار می گیرد.

قدیس ژاندارک (۱۴۱۲-۱۴۳۱، مبارز فرانسوی در راه آزادی و قدیس حامی کشور فرانسه)

» پس از آن که پی بردم خدایی وجود دارد، دیگر ناممکن بود تنها برای او زندگی نکنم.

سعادت‌مند شارل دو فوکو (۱۸۵۸-۱۹۱۶، کشیش، راهب و زاهد فرانسوی)

تثلیث اقدس TRINITY

(برگرفته از واژه لاتین trinitas به معنای سه گانگی): خداوند تنها یکی است، اما در سه شخص.



مسیحیان سه خدای گوناگون را پرستش نمی کنند، بلکه تنها یک خدای واحد را که خود را در سه شخص نشان می دهد، اما یکی باقی می ماند. این را که خدا سه گانه است، از سوی شخص عیسی مسیح می دانیم: او، یعنی پسر خدا از پدر خود در آسمان صحبت می کند («من و پدر یکی هستیم»، یو، ۱۰، ۳۰). او خطاب به این پدر دعا می کند و روح القدس را به ما هدیه می دهد که محبت پدر و پسر است. ادای عبارت «به نام پدر و پسر و روح القدس» (مت، ۲۸، ۱۹) نیز به همین دلیل است.

» ۳۶ آیا می توان از راه منطقی به این نتیجه رسید که خدا سه گانه است؟

خیر. سه گانگی خدا (← تثلیث اقدس) یک راز است. ما فقط از راه عیسی مسیح از سه گانگی خدا آگاهی داریم [۲۳۷].

انسان ها نمی توانند به کمک عقل خود به سه گانگی خدا پی ببرند. اما آنان چنانچه ← تجلی خدا در عیسی مسیح را بپذیرند، به عاقلانه بودن این راز پی می برند. اگر خدا تک و تنها بود، نمی توانست از ازل

دوست بلدارد. ما از همان ← عهد عتیق (برای نمونه پی، ۱، ۲، ۱۸، ۲: ۲، سم، ۲۳، ۲) در نمونه هایی که عیسی آنها را بر ما روشن ساخته است و حتی در سراسر آفرینش، به آثار سه گانگی خدا راه می یابیم.

» ۳۷ چرا خدا «پدر» است؟

ما تنها به این دلیل خدا را در مقام پدر می پرستیم که او آفریننده است و آفریده های خود را سراسر با محبت پذیرا می شود. از این گذشته، عیسی، پسر خدا نیز به ما آموخته است که پدر او را در مقام پدر خود بنگریم، و او را «پدر ما» خطاب کنیم [۲۳۸-۲۴۰].

← ادیان گوناگون پیش از مسیحیت نیز با مخاطب قرار دادن خدا به عنوان «پدر» آشنا هستند. پیش از مسیح نیز در اسرائیل خدا را پدر می خواندند (تث، ۳۲، ۶؛ مل، ۲، ۱۰) و همزمان می دانستند که خدا همچنین مانند یک مادر است (اش، ۶۶، ۱۳). در تجربیاتی که بشر کسب کرده است، پدر و مادر نشان سرچشمه بودن و اقتدار، حفظ و حراست و حمل هستند. عیسی مسیح به ما نشان می دهد که خدا چگونه براستی پدر ماست: «هر که مرا دید در واقع پدر را دیده است» (یو، ۱۴، ۹). در تمثیل پسر گمشده، عیسی درباره ژرف ترین اشتیاق های بشر به یک پدر آسمانی مهربان صحبت می کند. ← ۵۱۱-۵۲۷.

» ۳۸ «روح القدس» کیست؟

روح القدس، سومین شخص از سه گانگی مقدس (← تثلیث اقدس) است که از عظمت الهی برابری با پدر و پسر برخوردار است [۲۴۳-۲۴۸، ۲۶۳-۲۶۴].

اگر خدا را در مقام یک واقعتی در درون خود کشف کرده باشیم، در واقع با عملکرد روح القدس سر و کار پیدا کرده ایم. خدا «روح» پسر خود را به درون قلب ما فرستاد» (غل، ۴، ۶) تا ما را کاملاً سرشار سازد. یک فرد مسیحی در روح القدس احساس شادی ژرف، آرامش درونی و آزادی می کند. «زیرا آن روحی که خدا به شما داده است، شما را برده نمی سازد. موجب ترس نمی شود، بلکه آن روح شما را فرزندان خدا می سازد و ما با کمک این روح در پیشگاه خدا فریاد می کنیم: «بابا، ای پدر» (روم، ۸، ۱۵). در روح القدسی که ما در غسل تعمید و مراسم ← استواری دریافت می کنیم، اجازه داریم خدا را «پدر» خطاب کنیم ← ۱۱۳-۱۲۰، ۲۰۳-۲۰۷، ۳۱۰-۳۱۱.

» به یاد آوردن خدای پدر، هویت ژرف تر انسانی را نورانی می سازد: این که از کجا می آیم، که هستیم و چه منزلت بزرگی داریم. مسلم است که ما از پدر و مادر خود منشاء می گیریم و فرزندان آنان هستیم؛ اما منشاء اصلی ما از خداست که ما را شبیه خود آفریده و فرخوانده است تا فرزندان او باشیم. پس سرآغاز هر انسان، تضاد و یا دست تقدیر نیست، بلکه نقشه محبت الهی است. این موضوع را عیسی مسیح، پسر راستین خدا و انسان کامل بر ما آشکار ساخته است. او می دانست که از کجا آمده است و ما همگی از کجا آمده ایم: از محبت پدر او و پدر ما.

بندیکت شانزدهم، ۲۰۰۶/۰۷/۰۹

» بیای روح آفرینشگر، در ما ساکن شو، با قلب فرزندان دیدار کن؛ فرزندان را که قدرت تو آنان را آفریده است، سرشار از فیض خود ساز.

سرود «بیای روح آفرینشگر» (از قدیس رابانوس ماوروس، سده نهم میلادی)





شما مرا استاد و خداوند می خوانید و خوب می گوید زیرا که چنین هستم. یو. ۱۳، ۱۲.

و در هیچکس غیر از او نجات نیست زیرا که اسمی دیگر زیر آسمان به مردم عطا نشده که بدان باید ما نجات یابیم. رس. ۱۲، ۴.

زیرا می دانم که خداوند ما بزرگ است و خداوند ما برتر است از جمیع خدایان. هر آنچه خداوند خواست آن را کرد، در آسمان و در زمین و در دریا و در همه لجه ها. مز. ۱۳۵، ۶-۵.

ایا، ای پدر، همه چیز نزد تو ممکن است. نپایش عیسی در باغ جتسمانی (مر، ۱۴، ۳۶).

همانا جمله هستی را دوست داری و از آنچه آفریده ای، هیچ کدام را مغفور نمی شماری، چه اگر از چیزی انزجار داشتی، آن را پدید نمی آوردی. حک. ۱۱، ۲۴.

۳۹ آیا عیسی، خداوند است؟ آیا او جزئی از سه گانگی (ثلیث اقدس) است؟

عیسای ناصری، پسر است، دومین شخص الهی که به هنگام دعا با ادای «به نام پدر و پسر و روح القدس»، از او سخن گفته می شود (مت، ۲۸، ۱۹) [۲۴۳-۲۶۰].

هنگامی که عیسی خود را خداوند حاکم بر روز ← سبب ساخت و اجازه داد او را «خداوند» خطاب کنند، یا یک شیاد یا براستی خدا بود. جنجال هنگامی به پا شد که او گناهان را بخشید. این کار در نظر همعصران او جرمی محسوب می شد که حکمش مرگ بود. شاگردان از راه معجزه ها و نشان ها، بویژه با رستاخیز مسیح از میان مردگان، توانستند دریابند که عیسی کیست و او را به نام خداوند ستایش کردند. این، همان ایمان ← کلیسا است.

۴۰ آیا خدا قادر به انجام هر کاری هست؟ آیا او قادر مطلق است؟

«برای خدا هیچ کاری محال نیست» (لو، ۱، ۳۷). او قادر مطلق است [۲۶۸-۲۷۸].

کسی که در دشواری هایش خدا را صدا می زند، به قدرت مطلق او ایمان دارد. خدا جهان را از هیچ آفرید. او خداوند تاریخ است. او همه چیز را هدایت می کند و قادر به انجام هر کاری است. اما این یک راز است که او چگونه از قدرت مطلق خود استفاده می کند. اغلب انسان ها از خود می پرسند: پس خدا کجا بوده است؟ او از طریق اشعایی نبی به ما می گوید: «افکار من افکار شما نیست. راه های شما راه های من نیست» (اش، ۵۵، ۸). اغلب قدرت خدا در جایی خود را نشان می دهد که انسان ها دیگر هیچ انتظاری از این قدرت ندارند. ناتوانی حاکم بر جمعه مقدس، به منزله پیش زمینه ای برای رستاخیز بود. ← ۵۰۶-۵۰۷، ۴۷۸، ۵۱.

۴۱ آیا با وجود علوم طبیعی، حضور یک آفریننده زائد می گردد؟

خیر. عبارت «خدا جهان را آفرید»، یک اظهار نظر علمی کهنه و از مدافنده نیست. این یک اظهار نظر الهیات شناختی (theologisch) به شمار می رود، یعنی اظهار نظری درباره شناخت خدا (theos = خدا، logos = شناخت) و منشاء و مبداء همه چیز [۲۸۲-۲۸۹].

داستان آفرینش، تشریح سرآغاز جهان براساس علوم طبیعی نیست. «خدا جهان را آفرید» اظهار نظری الهیات شناسانه است که رابطه جهان با خدا را مطرح می کند. خدا جهان را خواسته، با آن همراه است و آن را به کمال خواهد رساند. آفریده شدن، به منزله کیفیتی ماندگار برای چیزها و حقیقتی بنیادی درباره آنها است.

۴۲ آیا می توان به رغم اعتقاد به تکامل به وجود یک آفریدگار نیز اعتقاد داشت؟

بله. درهای ایمان، به روی شناخت ها و فرضیه های علوم طبیعی گشوده است [۲۸۲-۲۸۹].

الهیات فاقد صلاحیت در علوم طبیعی است؛ و علوم طبیعی نیز در زمینه دانش الهیات صلاحیت لازم را ندارند. علوم طبیعی نمی توانند براساس جزئیات این را مردود شمارند که در آفرینش روند هایی هدفمند یافت می شود؛ در عوض، ایمان نیز نمی تواند تعریفی برای آن ارائه دهد که این روند تکامل در طبیعت چگونه به شکل عینی رخ می دهد. یک مسیحی می تواند نظریه تکامل را به عنوان یک روش تشریح که یاری رسان است بپذیرد، به شرطی که به دام این آموزه خطا در نظریه تکامل گرفتار نشود که انسان محصول تصادفی مبتنی بر روندی زیستی است. پیش شرط ← نظریه تکامل این است که چیزی وجود دارد که قادر به تکامل است. اما بدینوسیله توضیحی ارائه نمی شود که این «چیز» از کجا آمده است. همچنین مسائل مربوط به هستی، سرشت، کرامت، رسالت، معنا و چرایی جهان و انسان ها را نیز نمی توان از راه های مبتنی بر علوم زیستی پاسخ داد. «نظریه تکامل» و ← نظریه آفرینش هر دو به نوبه خود پا را از مرزهای خود فراتر می گذارند. باورمندان به نظریه آفرینش، اطلاعات و داده های موجود در کتاب مقدس (برای نمونه قدمت کره زمین، شش روز کاری در هفته) را با ساده انگاری، واژه به واژه می پذیرند.

۴۳ آیا دنیا محصول تصادفات است؟

خیر. این خداوند است که مبداء دنیا است و نه تصادفات. جهان چه از لحاظ سرمنشاء خود و چه براساس آنچه به نظم درونی آن و هدفمندی آن مربوط می شود، محصول عواملی که به شکل «بی معنا» عمل می کنند، نیست.

مسیحیان معتقدند که می توان دستخط خداوند را در آفرینش او خواند. پاپ ژان پل دوم در سال ۱۹۸۵ خطاب به دانشمندانی که از جهان به شکل عمومی به عنوان یک روند اتفاقی و بی معنی و بی مفهوم سخن می گویند، چنین می گوید: «درباره جهانی که در آن چنین نظمی پیچیده در عناصر و چنین هدفمندی بی نظیری در حیات

تکامل EVOLUTION (برگرفته از واژه لاتین evolutio، در واقع به معنای بازگشایی، توسعه): رشد کامل اعضاء به شکل نهایی خود در طی میلیون ها سال. از دیدگاه مسیحی، تکامل به شکل تداوم آفرینش از سوی خدا در روند طبیعت رخ داد.

نظریه آفرینش CREATIONISM

(برگرفته از واژه لاتین creatio به معنای پیدایش): این باور که خدا، گویی که کتاب پیدایش صورتجلسه ای برای وقایع باشد، با کارکرد مستقیم خود، زمین را یکباره آفریده است.

» هیچ دانشمندی حتی یک استدلال هم در اختیار ندارد... که با آن بتواند یک چنین اعتقادی را [در قبال آفرینشگر] نقض کند.

هویمار فن دینفورت (۱۹۲۱-۱۹۸۹، دانشمند آلمانی علوم طبیعی)

» آیا [دقت رخدادها به هنگام «انفجار بزرگ» که هیچ گوشی آن را نشنید] باید حاصل تصادف باشد؟! چه عقیده پوچی!

والتر تیرینگ (متولد ۱۹۲۷، فیزیکدان اتریشی)





۴۵

آیا قوانین طبیعی و نظام های طبیعی نیز از خدا سرچشمه می گیرند؟

بله. قوانین طبیعی و نظام های طبیعی نیز جزئی از آفرینش الهی هستند [۳۳۹، ۳۴۶، ۳۵۴].

انسان همانند برگ سفیدی نیست که روی آن چیزی نوشته نشده باشد. نظم و قوانین حیاتی که خدا در آفرینش خود نگاشته است، بر او نیز نقش بسته است. یک مسیحی «هر کاری که دلش بخواهد» انجام نمی دهد. او به این موضوع آگاه است که اگر قوانین طبیعی را انکار کند، از آفرینش بر خلاف نظم آن استفاده کند و بخواهد از خدایی که او را آفریده است، باهوش تر باشد، به خود و محیط زیست خود زیان می رساند. اگر انسان بخواهد خود به تنهایی برای خود از پایه و اساس طرح بریزد، این کار به منزله باری خارج از توان برای انسان خواهد بود.

۴۶

چرا کتاب پیدایش، آفرینش را با اصطلاح «شش روز کاری» توصیف می کند؟

در تمثیل هفته کاری که با یک روز تعطیل و استراحت به اوج خود می رسد (پی، ۱، ۲-۱، ۳)، این موضوع بیان می گردد که آفرینش چه خوب، زیبا و حکیمانه است [۳۳۷-۳۴۲].

از نماد «شش روز کاری» می توان این ضوابط و قواعد مهم را نتیجه گیری کرد: ۱. هیچ چیز وجود ندارد که بدون آفریننده به جهان هستی فراخوانده شده باشد؛ ۲. هر آنچه وجود دارد، به نوع خود خوب است؛ ۳. حتی هر چه که خراب شده است نیز هسته خوبی دارد؛ ۴. موجودات و چیزهای آفریده شد، دارای نسبت و رابطه با یکدیگر هستند و برای همدیگر ساخته شده اند؛ ۵. آفرینش با نظم و هماهنگی که دارد، نیکی و زیبایی بی همتای خداوند را بازتاب می بخشد؛ ۶. در آفرینش، سلسله مراتبی وجود دارد: مقام انسان از حیوانات بالاتر است، رتبه حیوانات از گیاهان و رتبه گیاهان از اشیاء بی جان بیشتر است؛ ۷. آفرینش به سوی جشن بزرگی در حرکت است، یعنی زمانی که مسیح، جهان را به سرمنزل اصلی اش رهنمون شود و خدا کل در کل است ← ۳۶۲.

۴۴

چه کسی جهان را آفریده است؟

خدا که فراتر از زمان و مکان قرار دارد، به تنهایی جهان را از هیچ آفرید و همه چیزها را به عالم هستی فراخواند. هر آنچه وجود دارد، وابسته به خداست و تنها به این دلیل در هستی جای دارد که خداوند می خواهد که چنین باشد [۲۹۰-۲۹۲، ۳۱۶].

آفرینش جهان هستی تا حدودی «کار مشترک» خدای سه گانه است. پدر، آفریننده و قادر مطلق است. پسر، معنی و مفهوم و قلب جهان است: «همه چیز به وسیله و به سوی او آفریده شده» (کو، ۱، ۱۶). ما تازه زمانی درمی یابیم که جهان به چه کار می آید که با مسیح آشنا شویم و درک کنیم که جهان به سوی یک هدف در حرکت است، یعنی به سوی حقیقت، نیکی و زیبایی خداوند. روح القدس همه چیز را به شکل منسجم نگه می دارد. اوست که «به همه چیز حیات می بخشد» (یو، ۶، ۶۳).

» ما محصول تصادفی و بی معنا و مفهوم تکامل نیستیم، هر یک از ما ثمری از اندیشه الهی است. هر یک از ما خواستنی است، هر یک از ما دوست داشتنی است و هر یک از ما به کاری می آید.

بندیکت شانزدهم، ۲۰۰۵.۲۰۲۸

» کیست که با دقت نظر و رفتار همراه با درک درقبال نظم و ترتیب پر شکوه عالم کائنات که از راه حکمت الهی هدایت می گردد، به سوی تحسین این سازنده قابل و توانا رهنمون نشود!

نیکولاس کورنیک (۱۴۷۳-۱۵۴۳، پژوهشگر علوم طبیعی و منجم)



زیرا که تو همه موجودات را آفریده ای و محض اراده تو بودند و آفریده شدند.

مکا، ۴، ۱۱



» چوب و ستارگان دانشی را به تو خواهند آموخت که در نزد هیچ استادی نمی توانی بشنوی.

قدیس برنار کدروو (۱۰۹۰-۱۱۵۳، دومین بنیانگذار فرقه سیسترتین ها)



پیدایش GENESIS

(در یونانی به معنای سرچشمه، وقوع): نخستین کتاب از کتاب مقدس که در آن از جمله آفرینش جهان و انسان تشریح شده است.



» خیال نکنید خداوند می خواهد عشق به جهان را بر ما قدغن سازد، خیر، ما باید جهان را دوست بداریم، زیرا هر چه او بدان هستی بخشید، ارزش محبت ما را دارد.

قدیس کاترینای سیه نا (۱۳۴۷-۱۳۸۰، عارف و عالم کلیسا)





افتخار خدا، انسان زنده است. اما زندگی انسان، دیدن خدا است. ایرنئوس اهل لیون

آن که تو را ساخته است، می داند که باید از تو چه بسازد. آگوستین

اعتماد به تقدیر الهی، ایمان قدرتمندانه و زنده به این است که خدا قادر است ما را یاری کند و ما را یاری نیز خواهد کرد. این که او توانایی یاری ما را دارد، مشخص و واضح است، زیرا او قادر مطلق است. این که او ما را یاری خواهد کرد نیز امری مسلم است، زیرا آن را در بسیاری بخش های کتاب مقدس وعده داده است و به تمام وعده هایش نیز وفا می کند. مادر ترزا

### ۴۷ چرا خدا در روز هفتم استراحت کرد؟

استراحت خدا از کار، به تکامل آفرینش اشاره می کند که ماوراء تمامی کوشش ها و تلاش های انسانی جای دارد [۳۴۹].

هر چقدر هم که انسان اهل کار، همکار کوچک خداوند باشد (پید، ۲، ۱۵)، باز هم نمی تواند زمین را با زحمت و تلاش خود نجات دهد. هدف آفرینش «آسمان و زمینی جدید است» (اش، ۶۵، ۱۷)، آن هم از راه نجاتی که به ما هدیه می گردد. بدین ترتیب استراحت روز یکشنبه که همانند چشیدن مزه ای از استراحت آسمانی است، در رده بالاتری از آن کاری قرار دارد که ما را برای آن آماده می سازد. ۳۶۲ ←

### ۴۸ خدا برای چه جهان را آفرید؟

«جهان برای جلال خدا آفریده شده» (شورای نخست واتیکان) [۲۹۴-۲۹۳-۳۱۹].

دلایلی غیر از محبت برای آفرینش وجود ندارد. در آفرینش، جلال و شکوه خدا نمایان می گردد. از این رو، ستایش خدا، تشویق و دست زدن برای آفرینشگر معنی نمی دهد. زیرا انسان تماشاچی کار آفرینش نیست. «ستایش» خدا برای او به معنای آن است که یکصدا به همراه سراسر آفرینش، از هستی اش سپاسگزار باشد. ۴۸۹ ←

### تقدیر الهی

### ۴۹ آیا خداوند جهان و زندگی مرا هدایت می کند؟

بله، اما به گونه ای اسرار آمیز؛ خدا همه چیز را از راه هایی که تنها خود می داند، به سوی تکامل نهایی اش، هدایت می کند. در هیچ مقطع زمانی، آنچه او آفریده است، از اختیار او خارج نخواهد شد [۳۰۵-۳۰۲].

خدا هم در وقایع مهم تاریخی اثر می گذارد و هم در وقایع کوچک زندگی شخصی ما، بدون آن که آزادی شخصی ما را محدود کند و بی آن که ما فقط عروسک های خیمه شب بازی نقشه های جاودانی او باشیم. در خداوند «زندگی می کنیم و در او حرکت و هستی داریم» (رس، ۱۷، ۲۸). خدا در همه امور گوناگونی که در زندگی به پیشواز ما می آیند، وجود دارد، حتی در رخدادهای دردناک و در وقایعی که به ظاهر بی معنی به نظر می رسند. خدا می خواهد حتی در مسیرهای پر پیچ و خم زندگی ما نیز، زندگی ما را سرراست رقم زند. هر چه که

او از ما می گیرد و هر چه به ما می بخشد، در هر چه ما را تقویت می کند و در هر آنچه ما را آزمایش می کند، تمام اینها، تقدیر و نشانه های خواست و اراده او هستند ← ۴۳.

### ۵۰ انسان در تقدیر الهی چه نقشی بازی می کند؟

تکامل آفرینش از راه تقدیر الهی، بدون آگاهی ما صورت نمی پذیرد. خدا از ما دعوت می کند در تکامل آفرینش با او همکاری کنیم [۳۰۷-۳۰۸].

انسان نمی تواند از اراده خدا سرپیچی کند. برای او بهتر است بکوشد به ابزار محبت الهی بدل گردد. مادر ترزا سراسر زندگی خود می کوشید این گونه فکر کند: «من تنها مدادی کوچک در دست خداوندان هستم. حال چه او این مداد را بشکند یا بترشد و چه با این مداد هر وقت و هر جا بنویسد یا ترسیم کند. اگر نوشته یا تصویر رسم شده نیک باشد، ما نه مداد یا ماده استفاده شده، بلکه آن فردی را ارج می گذاریم که از این مداد استفاده کرده است». اگر خدا با ما و به وسیله ما عمل می کند، هرگز اجازه نداریم اندیشه ها، طرح ها و کردار شخصی خود را با عملکرد خدا اشتباه بگیریم. خدا احتیاجی به کار و فعالیت ما ندارد، به گونه ای که گویا بدون کار ما، چیزی کم داشته باشد.

### ۵۱ اگر خدا از همه چیز آگاه و قادر به انجام هر کاری است، پس چرا مانع شرارت و بدی نمی شود؟

«خدا تنها زمانی شرارت و بدی را مجاز می شمارد که از آن چیز بهتری به دست آورد (قدیس توماس آکوئین [۳۰۹-۳۱۴، ۳۲۴].

بدی و شرارت در دنیا، رازی تاریک و دردآور است. حتی عیسی مصلوب از پدر خود پرسید: «خدای من، چرا مرا ترک کردی؟» (مت، ۲۷، ۴۶). بسیاری از مسائل مربوط به این امر، قابل درک نیست. اما ما از یک موضوع کاملاً مطمئن هستیم: خدا صد در صد نیک است. او هرگز نمی تواند منشاء شرارت و بدی باشد. خدا جهان را نیک آفریده است، اما جهان هنوز کامل نیست. جهان با موانع شدید بر سر راه و با طی کردن روندی دردآور، در راه تکامل نهایی اش پرورش و تعلیم می یابد.

به این ترتیب، بهتر می توان آن چیزی را تبیین کرد که کلیسا شرارت فیزیکی می خواند، به عنوان مثال معلولیت از بدو تولد یا بلاهای طبیعی. اما بر خلاف آن، بدی و شرارت های اخلاقی، از راه سوء استفاده از آزادی وارد دنیا می شوند. «جهنم روی زمین» - کودکان سرباز، حملات انتحاری، بازداشتگاه های محکومین به مرگ - اغلب اینها از انسان ها ناشی می شود. بنابراین پرسش مهم این نیست که:

همه موی های سر شما نیز شمرده شده است. مت، ۱۰، ۳۰.

هر چه در طرح و برنامه من نبود، در طرح و نقشه خدا جای داشت. هر چه بیشتر من با آن روبرو می شوم، این باور ایمانی، در من زنده تر می شود که - از دیدگاه خدا - تصادفی وجود ندارد.

قدیس ادیت استاین (۱۸۹۱-۱۹۶۲، مسیحی یهودی؛ فیلسوف، از اعضای انجمن کارمیت و قربانی اردوگاه های کار اجباری)

و خدا هر چه ساخته بود، دید و همانا بسیار نیکو بود. پی، ۱۰، ۳۱.

زیرا یقین می دانم که دردهای زمان حاضر نسبت به آن جلالی که در ما ظاهر خواهد شد هیچ است. روم، ۱۸۸

هیچ رنجی بی معنا نیست و همواره ریشه در حکمت خدا دارد. توماس آکوئین



» خدا در شادمانی های ما نجوا سرمی دهد و در وجدانمان با ما سخن می گوید. اما او در دردهایمان فریاد می زند. آنها بلندگوهای او برای بیدار ساختن جهان ناشنوا هستند.

سی. اس. لوتیس (۱۸۹۸-۱۹۶۳)، نویسنده انگلیسی، خالق «داستان های نارنیا».

» ما مشتاق شادی آسمانی، یعنی جایگاه خدا هستیم. این قدرت به ما داده شده که از هم اکنون با او در آسمان به سر بریم و از همین لحظه با او نیکبخت گردیم. اما هم اکنون نیکبخت بودن با او یعنی: یاری رسانیم، همان گونه که او یاری می رساند؛ بدیهیم، همان گونه که او می دهد؛ خدمت کنیم، همان گونه که او خدمت می کند؛ نجات دهیم، همان گونه که او نجات می دهد و محبت بوزنیم، همان گونه که او محبت می ورزد. یعنی بیست و چهارساعته با او باشیم و با او حتی در وحشت آورترین لباس مبدلش، روبرو گردیم. زیرا او به ما چنین فرمود: «هر آنچه به این کوچکان من کردید، در واقع به من کردید».

مادر ترزا

» هر آنچه ابدی نیست، در ابدیت بی ارزش است.

سی. اس. لوتیس

» چگونگی می توان به خدایی نیک ایمان داشت، اگر این همه بدی و شرارت بر زمین وجود دارد؟» بلکه: «اگر خدا وجود نمی داشت، انسان چگونگی می توانست با قلب و عقل خود، زندگی در این جهان را تاب آورد:» مرگ و رستاخیز عیسی مسیح به ما چنین نشان می دهد: بدی و شرارت نه حرف اول را و نه حرف آخر را می زند. خدا اجازه می دهد، از بدترین شرارت ها همیشه نیکی مطلق بیرون آید. ما ایمان داریم که خدا در روز قیامت به تمام ناحقی ها پایان خواهد بخشید. در زندگی جهان آینده، شرارت و بدی جایی نخواهد داشت و درد و رنج به پایان خواهد رسید. ← ۴۰، ۲۸۶-۲۸۷.

## آسمان و مخلوقات آسمانی

### ۵۲ آسمان چیست؟

آسمان قلمرو خدا است، منزل فرشتگان و قدیسن و مقصد آفرینش. ما با عبارت «آسمان و زمین»، کلیت واقعیت خلق شده را توصیف می کنیم [۳۲۵-۳۲۷].

آسمان محلی در کائنات نیست، بلکه وضعیتی در جهان آخرت است. آسمان جایی است که اراده خدا بدون هیچ مقاومتی اجرا می گردد. آسمان جایی است که حیات، در بالاترین سطح محتوا و برکت حضور دارد - حیاتی که بر زمین نظیر آن را نمی یابیم. اگر روزی به کمک خدا به آسمان برویم، در آنجا آنچه که منتظر ماست «نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده و نه تا به حال به خاطر کسی خطور کرده است: عظمتی، که خدا برای دوستداران خود مهیا نموده است» (۱ قر، ۲، ۹)

← ۱۵۸، ۲۸۵.

### ۵۳ جهنم چیست؟

ایمان ما، «جهنم» را وضعیت دوری نهایی و قطعی از خدا توصیف می کند. کسی که در پیشگاه خدا محبت را به وضوح ببیند ولی طالب آن نباشد، تصمیم می گیرد در این وضعیت به سر برد [۱۰۳۳-۱۰۳۶].

عیسی که جهنم را می شناسد، از آن به عنوان «ظلمت خارجی» (مت، ۸، ۱۲) سخن می گوید. اگر بخواهیم بنا به مفاهیم انسانی آن را توضیح دهیم، آنجا بیشتر از آن که داغ باشد، سرد است. آدمی با وحشت، خود را در وضعیتی از جمود و دورافتادگی سراسر ناامیدانه، بویژه از هر آنچه بتواند یاری، شفا، شادی و تسلا را به زندگی بازگرداند، می یابد. ← ۱۶۱-۱۶۲.



### ۵۴ فرشتگان چه هستند؟

فرشتگان، آفریدگانی به تمامی ساخته شده از روح از سوی خدا به شمار می روند که دارای فهم و شعور و اراده هستند. آنان فاقد بدن هستند، هرگز نمی میرند و در شرایط معمولی دیده نمی شوند. آنان همواره در پیشگاه خدا حضور دارند و اراده و مراقبت الهی را به انسان ها منتقل می سازند [۳۲۸-۳۳۳، ۳۵۰-۳۵۱].

کاردینال یوزف راتسینگر چنین نوشت: «یک فرشته، به مثابه اندیشه ای شخصی است که خدا با آن به من روی می آورد». همزمان، روی فرشتگان به طور کامل نیز به سوی آفریدگارشان است. آنان در آتش عشق به خدا می سوزند و او را شب و روز خدمت می کنند. سرود ستایش آنان هرگز پایانی ندارد. فرشتگانی که از حضور خدا سقوط کرده اند، در کتاب مقدس شیطان یا ارواح شریر نامیده می شوند.

### ۵۵ آیا می توان با فرشتگان ارتباط برقرار کرد؟

بله. می توان فرشتگان را برای دریافت یاری صدا زد و از آنان در نزد خدا شفاعت طلبید [۳۳۴-۳۳۶، ۳۵۲].

هر انسان، از خداوند یک فرشته نگهبان دریافت می کند. نیک و معقول است که نزد فرشته نگهبانمان برای خود و دیگران دست به دعا برداریم. فرشتگان می توانند خود را در زندگی یک فرد مسیحی نشان دهند، برای نمونه با آوردن یک پیام یا در مقام همراهی یاری رسان. ایمان مسیحی با فرشتگان دروغین در «معنویت عصر جدید» و دیگر اشکال باطن گرایی ارتباطی ندارد.

» در انتها، تنها دو گروه از انسان ها مقابل خدا می ایستند - آنانی که به خدا می گویند: «اراده تو کرده شوم»، و آنانی که خدا به آنان می گوید: «ارده تو کرده شوم». آنانی که در جهنم هستند، خود، آن را برگزیده اند.

سی. اس. لوتیس

» عیسی آمد تا به ما بگوید

که همه ما را در بهشت می خواهد و آن جهنمی که امروزه از آن به ندرت سخن گفته می شود، وجود دارد و برای کسانی که قلب خود را به روی محبت او می بندند، ابدی است.

بندیکت شانزدهم، ۲۰۰۷/۰۵/۰۸

» زیرا که فرشتگان

خود را درباره تو امر خواهد فرمود تا در تمامی راه هایت تو را حفظ نمایند. تو را بر دست های خود برخواهند داشت، مبادا پای خود را به سنگ بزنی.

مز، ۹۱، ۱۱-۱۲

» در کنار هر فرد ایماندار،

فرشته ای برای محافظت و شبانی او قرار دارد تا او را به سوی زندگی رهنمون شود.

قدیس بازیل کبیر (حدود ۳۳۰-۳۷۹، پدران کلیسا)





» انسان نه فرشته است نه حیوان و ناخجستگی حکم می کند که اگر کسی بخواهد از او فرشته ای بسازد، او را به حیوان بدل خواهد ساخت.

بلز پاسکال

» چون به آسمان تو نگاه کنم که صنعت انگشت های توست و به ماه و ستارگانی که تو آفریده ای، پس انسان چیست که او را به یاد آوری و بنی آدم که از او تفقد نمایی؟ او را از فرشتگان اندکی کمتر ساختی و تاج جلال و اکرام را بر سر او گذاردی.

مزم، ۳۸-۶

» همه مخلوقات جهان مانند ما احساس دارند. همه مخلوقات مانند ما در تلاش برای رسیدن به خوشبختی هستند. همه مخلوقات جهان عشق می ورزند، درد و عذاب می کشند و می میرند، درست مانند ما. پس آنها دستاوردهایی برابر با ما، ساخته و پرداخته آفرینشگر قادر متعال هستند - برادران ما. فرانسویس آسیزی

## انسان در مقام آفریده

۵۶ آیا انسان دارای موقعیتی خاص در عالم آفرینش است؟

بله. انسان نقطه اوج آفرینش است، زیرا خدا او را شبیه خود (پی، ۱، ۲۷) آفریده است [۳۴۳-۳۴۴، ۳۵۳].

آفرینش انسان با آفرینش موجودات دیگر، آشکارا تفاوت دارد. انسان یک شخص است، یعنی می تواند با اراده و عقل خود یا به نفع و یا در مقابله با محبت تصمیم گیری کند.



۵۷ انسان باید چه رفتاری با حیوانات یا دیگر آفریده ها داشته باشد؟

انسان باید در وجود آفریده ها، آفریدگار را جلال دهد و با آنها با دقت و معتمدانه رفتار کند. انسان ها، حیوانات و گیاهان، آفریننده ای یکسان دارند که آنها را از روی محبت به دنیای هستی فراخوانده است. به همین سبب، حیوان دوستی کاری عمیقاً انسانی است [۳۴۴، ۳۵۴].

این اجازه به انسان داده می شود که از گیاهان و حیوانات استفاده و تغذیه کند، اما به او اجازه داده نمی شود حیوانات را بیازارد یا با آنها بدرفتاری کند، زیرا این کارها درست مانند چپاول کردن زمین از روی حرص و آز کورکورانه، با منزلت آفرینش مغایرت دارد.

۵۸ این چه معنی می دهد که «انسان شبیه خدا» آفریده شده است؟

انسان برخلاف اشیاء بی جان و حیوانات و گیاهان، فردی مجهز به روح است. این خصلت، او را بیشتر با خدا پیوند می زند تا با دیگر آفریده های قابل رویت بر زمین [۳۵۵-۳۵۷، ۳۸۰].

انسان یک چیز نیست بلکه یک نفر است. همان گونه که می گوئیم خدا یک شخص است، راجع به انسان نیز چنین می گوئیم. یک انسان قادر است، فراسوی افقی که مستقیماً در اختیار اوست، فکر کند و می تواند کل گستره هستی را درک و دریافت کند. او حتی می تواند با فاصله گرفتن از خود، به شناختی انتقادی از خود دست یابد و روی خود کار کند. او قادر است دیگران را در مقام شخص در یابد، منزلت آنان را درک کند و آنان را دوست بدارد. در میان تمام موجودات قابل رویت، این فقط انسان است که این توانایی را دارد که «آفریدگار خود را بشناسد و دوست بدارد» (شورای دوم واتیکان، رساله «شادمانی و امید»، ۱۲، ۳) انسان ساخته شده است که در دوستی با او زندگی کند (یو، ۱۵، ۱۵).

۵۹ خدا برای چه انسان را آفریده است؟

خدا برای انسان همه کار کرده است. اما او انسان، این «تنها موجود آفریده شده از سوی خدا به خاطر خودش» (شورای دوم واتیکان، رساله «شادمانی و امید») را آفریده است تا سعادت مند شود. این تنها زمانی میسر است که او خدا را بشناسد، او را دوست بدارد، به او خدمت کند و در سپاسگزاری در قبال آفریدگار خود زندگی کند [۳۵۸].

سپاسگزاری به منزله محبتی رسمی و معتبر است. کسی که سپاسگزار است، در واقع با آزادی کامل به سرچشمه نیکی روی می آورد و وارد ارتباطی جدید و ژرف با او می گردد. خدا می خواهد که ما محبت او را بشناسیم و از همین حالا، سراسر زندگی مان را در ارتباط با او زندگی کنیم. این رابطه تا ابد دوام خواهد داشت.

» محبت از خداست و هر که محبت می نماید از خدا مولود شده است و خدا را می شناسد.

۱ یو، ۴، ۷

» خود را به منزله تصویر خدا بشناس و از این که این تصویر را با تصویری ناشناس پوشانده ای، شرمسار باش.

برنار کلروو

» به هر گونه شادی که همزمان سپاسگزاری نباشد، اعتماد موز.

تئودور هکر (۱۸۷۹-۱۹۴۵، نویسنده آلمانی)

» اگر حتی تنها نیایشی که در زندگی ات به زبان می آوری، «سپاست گویم» باشد، همین تو را کفایت کند.

مایستر اکهارت (۱۲۶۰-۱۳۲۸، عارف اهل فرقه دمینیکن ها)

» سپاسگزاری که از ایمان برآید، می تواند حتی در سنگ سخت فرورود، و به این حد که برسد، سنگ نیز دگرگون خواهد شد.

رومانو گواردینی (۱۸۸۵-۱۹۶۸، فیلسوف دینی کاتولیک)



✎ و او صورت خدای نادیده است، نخست

زاده تمامی آفریدگان... همه به وسیله او و برای او آفریده شد.

کد. ۱۵، ۱۶ و

✎ «اینک آن انسان!»  
!Ecce homo

(یو. ۵: ۱۹، «اینک آن انسان».)  
پیلاطوس با این کلام، عیسی شکنجه شده را که تاج خار بر سر او گذاشته بود، به مردم معرفی کرد.

» او تبدیل به آنچه ما بودیم شد تا ما را به آنچه که او هست بدل سازد.

قدیس آنتانازیوس کبیر (حدود ۲۹۵-۳۷۳، از پدران کلیسای)

✎ دهان خود را برای گنگان باز کن و برای دادرسی جمیع بیچارگان.

ام. ۳۱، ۸

» برای جسم خود کاری نیک انجام ده تا روح تو میل خانه کردن در آن را داشته باشد.

قدیس ترزای آویلا (۱۵۱۵-۱۵۸۲، عارف و عالم کلیسا، اهل اسپانیا)

## ۶۰ چرا عیسی بزرگ ترین الگوی جهان است؟

عیسی مسیح از آن رو بی نظیر است که نه تنها سرشت راستین خدا، بلکه آرمان راستین بشر را نیز به ما نشان می دهد.  
[۳۵۸-۳۵۹، ۳۸۱].

عیسی بیش از یک انسان آرمانی است. حتی انسان هایی که آرمانی به نظر می رسند، گناهکار هستند. به همین سبب، هیچ انسانی نمی تواند سنجه ای برای انسان دیگر گردد. اما عیسی بدون گناه بود. این را که انسان بودن به چه معناست و چه چیزی انسان را به معنای واقعی کلمه بی نهایت دوست داشتنی می سازد، تازه در وجود عیسی مسیح درک می کنیم، فردی «آزموده شده در هر چیز به مثال ما بدون گناه» (عب، ۴، ۱۵). عیسی، پسر خدا، انسان واقعی و راستین است. در او می توانیم درک کنیم که خدا انسان را چگونه خواسته است.

## ۶۱ برابری انسان ها در چیست؟

برابری همه انسان ها در این است که وجود همه آنان از محبت خلاقانه خدا منشاء می گیرد. عیسی مسیح منجی همه انسان هاست. برای همه انسان ها مقرر شده است که نیکبختی و سعادت ابدی خود را در خدا بیابند [۳۶۰-۳۶۱].

از این رو، همه انسان ها با هم خواهر و برادرند. مسیحیان نه تنها باید با مسیحیان دیگر، بلکه همچنین با همه انسان های دیگر نیز همبستگی داشته باشند و به شدت با انشقاق های نژادی، جنسی و اقتصادی در یک خانواده بشری واحد مخالفت ورزند.  
← ۲۸۰، ۵۱۷.

## ۶۲ جان چیست؟

جان آن چیزی ست که هر انسانی را انسان می سازد: پایه و اساس زندگی معنوی او، باطن و درونی ترین بخش وجود او. جان انسانی باعث می گردد که بدن مادی انسان تبدیل به پیکری زنده و انسانی گردد. انسان با برخورداری از جان، موجوی است که می تواند «من» بگوید و در مقام یک فردیت بی همتا و منحصر به فرد در حضور خدا بایستد [۳۶۲-۳۶۵، ۳۸۲].

وجود انسان ها از جسم و روح تشکیل شده است. روح انسان چیزی بیش از عملکردی از جسم است و نمی توان انسان را فقط از جنبه



## » انسان زمانی کاملاً

خودش است که جسم و روح به یکپارچگی درونی برسند... اگر انسان بخواهد فقط روح باشد و جسم را به اصطلاح در مقام میراثی فقط حیوانی مردود شمارد، روح و جسم کرامت خود را از دست می دهند. و اگر روح خود را انکار کند و به این ترتیب، فقط ماده، یعنی جسم را تنها واقعیت موجود بداند، باردیگر عظمت خود را از دست می دهد.

بندیکت شانزدهم، رساله  
Deus Caritas est  
(خدا محبت است)

مادی اش شرح داد. عقل به ما چنین می گوید: باید یک بنیان معنوی وجود داشته باشد که متعلق به تن باشد، اما با آن یکی نباشد. ما به آن «جان» می گوئیم. هر چند که از راه علوم طبیعی نمی توان وجود جان را «اثبات» کرد، اما نمی توان بدون پذیرش این بنیان معنوی فراتر از ماده نیز، انسان را در مقام موجودی معنوی درک کرد.  
← ۱۵۳-۱۵۴، ۱۶۳.

## ۶۳ انسان جان خود را از کجا دارد؟


روح و جان انسانی، آفریده مستقیم خداست و از سوی والدین «پدید» نمی آید [۳۶۶-۳۶۸، ۳۸۲].


جان انسان، نه دستاورد پیشرفتی تکاملی از ماده و نه پیامد رابطه ای ژنتیکی میان پدر و مادر است. کلیسا این راز را که با هر انسان، یک شخص بی همتا و دارای روح به دنیا می آید، اینطور بیان می کند: خدا به او جانی می دهد که نمی میرد، حتی هنگامی که انسان با مرگ، جسم خود را از دست می دهد تا در رستاخیزش دوباره آن را بیابد. گفتن این امر که «من دارای جان هستم» به این معناست که «خدا مرا نه فقط به عنوان یک موجود، بلکه به عنوان یک شخص آفریده و مرا به رابطه ای بدون پایان با خود دعوت کرده است.

» انسان به واسطه سرمنشاء زمینی خود با تمام موجودات زنده مرتبط است، اما فقط با روح «دمیده شده» خدا در وجودش است که انسان می گردد. این امر به او کرامتی بی نظیر و البته مسئولیتی بی همتا می بخشد.

کاردینال کریستف شُن  
پُرِن (متولد ۱۹۲۵،  
أسقف اعظم وین)



 پس خدا آدم را به صورت خود آفرید. او را به صورت خدا آفرید. ایشان را نر و ماده آفرید. پی، ۲۷، ۱

 خوب نیست که آدم تنها باشد. پس برایش معاونی موافق وی بسازم. پی، ۲، ۱۸

» آنجا [در پی، ۲، ۱۸-۲۵] می خوانیم که «انسان نمی تواند به تنهایی وجود داشته باشد؛ او فقط می تواند به عنوان واحدی یکپارچه متشکل از دو نفر» یعنی فقط در رابطه با انسانی دیگر، حیات داشته باشد. در اینجا، رابطه ای دوسویه مطرح است: رابطه مرد با زن و زن با مرد. بنابراین فریدت یافتن به صورت خدا، همزمان به معنای حیات داشتن در یک رابطه است، رابطه با یک «من» دیگر. ←

## ۶۴ چرا خدا انسان را به شکل زن و مرد آفرید؟

خدایی که محبت و نخستین تصویر مشارکت است، انسان را به شکل زن و مرد آفرید تا آنان به صورت مشترک با یکدیگر تصویری از سرشت او باشند [۳۶۹-۳۷۳، ۳۸۳].

خدا انسان را به گونه ای آفریده که او یا مرد و یا زن است و اشتیاق دارد، در برخورد با جنس مخالف خود به پربراری و کمال دست یابد. مردان و زنان منزلفتی کاملاً یکسان دارند، اما در شکوفایی خلاقانه مردانه و زنانه خود، جنبه های گوناگونی از کمال خدا را نشان می دهند. خدا نه زن است و نه مرد، اما او هم جنبه ای پدرانه (لو، ۶، ۳۶) و هم جنبه ای مادرانه (اش، ۶۶، ۱۳) از خود نشان داده است. انسان ها در عشق میان زن و مرد و بویژه در پیوند زناشویی که در آن زن و مرد «یک تن» (پی، ۲، ۲۴) می گردند، می توانند ذره ای از سعادت پیوند با خدا را حس کنند که در آن، هر انسانی کمال نهایی خود را می یابد. همان گونه که محبت خدا وفادارانه است، محبت انسانی نیز جویای وفاداری است. این محبت، همچنین مانند محبت الهی، خلاقانه است، زیرا از ازدواج زندگی جدیدی حاصل می گردد. ← ۲۶۰، ۴۰۰-۴۰۱، ۴۱۶-۴۱۷

## ۶۵ حکم انسان هایی که به همجنسان خود گرایش دارند، چیست؟

کلیسا اعتقاد دارد که بنیان زن و مرد در نظام آفرینش بر نیاز به تکمیل یکدیگر و رابطه ای متقابل با یکدیگر نهاده شد است تا از این رابطه فرزندان حیات یابند. به همین سبب، کلیسا روابط همجنس گرایانه را تأیید نمی کند. اما مسیحیان خود را مدیون توجه و محبت به همه انسان ها، بدون در نظر گرفتن گرایش های جنسی آنان می دانند، زیرا همه انسان ها مورد توجه و محبت خدا قرار می گیرند. [۲۳۵۸-۲۳۵۹].

هیچ انسانی بر زمین یافت نمی شود که از رابطه ای میان پدر و مادر خود هستی نیافته باشد. از این رو، این برای برخی همجنس گرایان تجربه ای دردآور است که گرایشی به جنس مخالف ندارند و ناگزیر به چشم پوشی از باروری جسمی حاصل از رابطه شان هستند، امری که در واقع با طبیعت انسانی و نظام آفرینش الهی مطابقت دارد. اما خدا اغلب انسان ها را از راه هایی غیرمعمول به سوی خود هدایت می کند: یک نقص، یک فقدان یا یک جراحت - در صورتی که پذیرفته شوند و انسان به مصاف آنها برود - می توانند به تخته پرشی برای آن بدل شوند که از روی آن خود را به آغوش خدا بیافکنیم،

همان خدایی که همه چیز را به نیکی صورت می دهد و او را بیشتر از آن که در آفرینش کشف و دریافت کنیم، در نجات یافتن از سوی او کشف می کنیم. ← ۴۱۵.

## ۶۶ آیا این جزئی از نقشه خدا بود که انسان ها درد و عذاب بکشند و بمیرند؟

خدا مایل نیست انسان ها درد و عذاب بکشند و بمیرند. ایده نخست خدا برای انسان، بهشت بود: زندگی جاویدان و صلح و صفا میان خدا، انسان ها، محیط زیست آنان و همچنین بین مرد و زن [۳۷۴-۳۷۹، ۴۰۰].

گاه احساس می کنیم که زندگی باید چطور می بود و ما باید چطور می بودیم، اما ما در واقع در صلح و صفا زندگی نمی کنیم، پر از هراس و شور و هیجان های کنترل نشده هستیم و هماهنگی بنیادین با جهان و در نهایت با خدا را از دست داده ایم. در کتاب مقدس، تجربه این جدایی و فاصله در «روایت هبوط انسان» به بیان درمی آید. از آنجا که گناه با حیله و نیرنگ به سوی آدمی راه پیدا کرد، آدم و حوا ناگزیر شدند بهشت را ترک کنند، جایی که در آن آنان با خود و خدا در هماهنگی به سر می بردند. دشواری کار کردن، درد و رنج ها، میرایی، و وسوسه گناه، نشانه های ترک بهشت هستند.

## انسان سقوط کرده

### ۶۷ گناه چیست؟

هسته اصلی گناه، انکار خدا و خودداری از پذیرش محبت اوست. این موضوع، در بی توجهی به فرمان های او خود را نشان می دهد [۳۸۵-۳۹۰].

گناه، چیزی فراتر از رفتاری نادرست یا یک ناتوانی روانی است. هرگونه مردودشماری یا ویران سازی هر چیز نیک یا مردود شمردن نیکی به طور کلی، در واقع انکار خدا است. ژرف ترین و وحشت آفرین ترین شکل گناه، جدایی از خدا و بدینوسیله جدایی از سرچشمه زندگی است. تازه به کمک عیسی است که ما وجه سقوط در گناه را درک می کنیم: عیسی، رنج و درد انکار خدا را با جسم خود به دوش کشید و تاب آورد. او فشار مرگبار گناه را بر خود گرفت تا ما ناگزیر به تاب آوردن آن نشویم. از اینجااست که واژه بازخرید را داریم. ← ۲۲۴-۲۳۷، ۳۱۵-۳۱۸، ۳۴۸-۴۶۸.

← این موضوع اجازه می دهد، پیشاپیش درکی از آشکار شدن نهایی خدای سه گانه داشته باشیم: اتحادی زنده در مشارکت میان پدر، پسر، و روح القدس.

قدیس ژان پُل دوم (۱۹۲۰-۲۰۰۵، نخستین پاپ از شرق و بنیانگذار روز جهانی جوانان که نقشی مهم در برهم شکستن بلوک شرق داشت، بیانیته رسولی Mulieris Dignitatem [كرامت زن]).

» ما بهشت را از دست دادیم، اما آسمان را دریافت کردیم، پس سودمان بیشتر از ضررمان است.

قدیس یوهانس کریسوستوموس (۳۴۹/۳۵۰-۴۰۷، از پدران کلیسا)

» ناتوانی انسان نمی تواند نقشه های خدای قادر متعال را درهم کوبند. یک معمار الهی می تواند با سنگ های فرو ریخته نیز کار کند.

کاردینال میشائیل فُن فاوُلهاپر (۱۸۶۹-۱۹۵۲)، اسقف اعظم مونیخ و فرایزینگ

» خدایا، رویگردانی از تو یعنی سرنگونی. روی آوردن به تو یعنی برپایی. ماندن در تو یعنی داشتن پشتیبانی ایمن. آگوستین





📖 لکن جایی که گناه زیاد گشت، فیض بی نهایت افزون گردید.

روم، ۵، ۲۰ب

» بدترین کار جنایت کردن نیست، بلکه انجام ندادن کاری نیک است که می توانستیم انجام دهیم. این گناه، گناه کوتاهی کردن است که چیز نیست مگر نبود محبت و کسی هم از آن شکایت نمی کند.

لئون بلوا (۱۸۴۶-۱۹۱۷)، نویسنده فرانسوی

📖 مار به زن گفت: «هر آینه نخواهید مرد، بلکه خدا می داند در روزی که از آن بخورید، چشمان شما باز شود و مانند خدا عارف نیک و بد خواهید بود.»

پی، ۳، ۵-۴

» رفتار اخلاقی نسبت به جهان تنها زمانی میسر و مفید است که آدمی فضاقت های زندگی، سهیم بودن در گناه و مرگ و به اختصار، کل گناه نخستین را بپذیرد و دست از آن بکشد که گناه را به گردن دیگران بیندازد.

هرمان هسه (۱۸۷۷-۱۹۶۲)، نویسنده آلمانی

۶۸ گناه نخستین به چه معناست؟ به گناه افتادن آدم و حوا چه ارتباطی به ما دارد؟

گناه در واقع خطایی است که یک نفر مسئولیت آن را بر عهده دارد. از این رو می توان گفت که منظور از واژه «گناه نخستین»، گناهی شخصی نیست، بلکه مصیبت درمان ناپذیری برای بشریت است که هر انسانی در آن به دنیا می آید، یعنی حتی پیش از زمانی که خود، به اختیار خود مرتکب گناه شخصی گردد

[۳۸۸-۳۸۹، ۴۰۲-۴۰۴].

بندیکت شانزدهم در زمینه گناه نخستین می گوید: «باید درک کرد که همه ما قطره ای از زهر آن طرز تفکری را در خود حمل می کنیم که در تصاویر کتاب ← پیدایش به نمایش گذاشته می شود... انسان به خدا اعتماد نمی کند. او با سخنان مار گمراه می گردد، این سوء ظن را در خود می پروراند که خدا رقیبی است که آزادی ما را محدود کرده است و ما تازه زمانی به معنای واقعی انسان خواهیم بود که او را رد کنیم... انسان نمی خواهد هستی و پروری زندگی اش را از خدا دریافت کند... و با این کار، در واقع به جای اعتماد به حقیقت، به دروغ اعتماد می کند و به این ترتیب، با زندگی اش به سوی نیستی و مرگ سقوط می کند» (پاپ بندیکت شانزدهم، ۲۰۰۵/۱۲/۰۸).

۶۹ آیا به سبب بروز گناه نخستین است که ناگزیر به گناه کردن هستیم؟

خیر. اما انسان به دلیل بروز گناه نخستین به شدت صدمه دیده و به گناه متمایل است. به رغم آن، او قادر است به یاری خدا نیکی کند [۴۰۵].

ما در هیچ موردی ناگزیر به گناه کردن نیستیم. اما در عمل پیوسته مرتکب گناه می شویم، از آن رو که ناتوان و ناآگاه هستیم و به سادگی به گمراهی می افتیم. گناهی که ناگزیر به انجام آن شده باشیم، در واقع گناه نیست، زیرا گناه همواره مستلزم یک تصمیم گیری آزادانه است.

۷۰ خدا چگونه جذابیت شر را از ما دور می سازد؟

خدا نمی پذیرد که انسان با ارتکاب زنجیره ای از گناهان به تدریج خود و جهان پیرامون خود را نابود کند. او عیسی مسیح را برای ما می فرستد که منجی و نجات دهنده ماست و ما را از سیطره گناه بیرون می کشد [۴۱۰-۴۱۲، ۴۲۰-۴۲۱].

«هیچ کس نمی تواند به من کمک کند» - این عبارت مربوط به تجربه بشری، دیگر مصداق ندارد. آدمی به سبب گناهانش به هر کجا که کشیده شود، خدای پدر پسرش را به آنجا فرستاده است. پیامد گناه، مرگ است (رجوع شود به روم، ۶، ۲۳). اما پیامد گناه، همچنین نشان دادن همبستگی شگفت انگیزی از سوی خدا نیز هست که عیسی را در مقام یار و منجی نزد ما می فرستد. به همین سبب نیز گناه نخستین، felix culpa (= گناه نیکبخت) نامیده می شود: «آه ای گناه سعادبخش، چه منجی بزرگی یافته ای!» (برگرفته از آیین عبادی شب عید فصح).

### فصل دوم

من ایمان دارم به عیسی مسیح، پسر مولود خدا

۷۱ چرا گزارش های مربوط به عیسی، «انجیل» یعنی «خبر خوش» نام دارند؟

بدون اناجیل نمی دانستیم که خدا از روی محبت بی پایان خود، پسرش را نزد ما می فرستد تا بتوانیم با وجود گناهانمان به پیوند ابدی با خدا بازگردیم [۴۲۲-۴۲۹].

اخبار راجع به زندگی، مرگ و رستاخیز عیسی از مردگان، بهترین اخبار جهان هستند. آنها شهادت می دهند که عیسی ناصری، یهودی متولد بیت لحم، «پسر خدای زنده» (مت، ۱۶، ۱۶) است که انسان شد. خدای پدر او را فرستاد «تا همه انسان ها نجات یافته و به شناخت حقیقت دست یابند» (۱ تیم، ۲، ۴).

» یکی از دلایلی که من به مسیحیت ایمان دارم، این است: این دینی است که کسی نمی تواند از خودش ابداع کرده باشد. سی. اس. لونس

» مسیح آن هنگام که دستانش بر صلیب میخکوب شد، گناهان ما را نیز به صلیب میخکوب کرد.

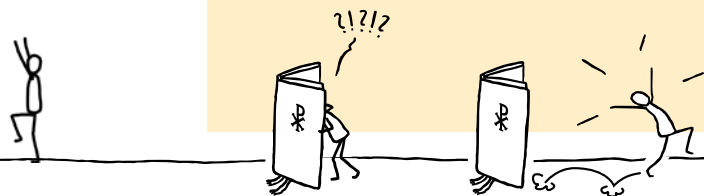
برنار کلوو

📖 و کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد، پر از فیض و راستی؛ و جلال او را دیدیم، جلالی شایسته پسر یگانه پدر.

یو، ۱، ۱۴

» اگر زندگی و مرگ سقراط، زندگی و مرگ یک حکیم است، پس زندگی و مرگ مسیح هم زندگی و مرگ خداست.

ژان ژاک روسو (۱۷۱۲-۱۷۷۸). هواداران فرانسوی روشنگری





#### ۷۴ «پسر مولود خدا» به چه معناست؟

هنگامی که عیسی به خود لقب «پسر مولود خدا» می دهد (پسر یگانه یا یگانه پسر متولد شده، یو، ۳، ۱۶) و پطرس و دیگران نیز این را شهادت می دهند، این امر بیان کننده این است که در میان همه انسان ها، فقط عیسی است که فراتر از یک انسان است و در ارتباطی منحصر به فرد با خدا، پدر خود، قرار دارد [۴۴۱-۴۴۵].

در بسیاری از بخش های ← عهد جدید (یو، ۱، ۱۴ و ۱۸؛ یو، ۴، ۹؛ عب، ۱۱، ۷ و نظیر آن) عیسی «پسر» خوانده می شود. هنگام تعمید و تجلی بر بالای کوه، صدایی از آسمان او را «پسر عزیز» خطاب کرد. عیسی رابطه بی همتای خود با پدرش در آسمان را بر شاگردانش فاش کرد: «پدرم خدا همه چیز را به من سپرده است، هیچ کس به جز پدر، پسر را نمی شناسد و هیچ کس پدر را نمی شناسد به جز پسر، و کسانی که پسر بخواهد بدو مکشوف سازد» (مت، ۱۱، ۲۷). این که عیسی مسیح واقعا پسر خداست، در رستاخیزش از مرگ به ظهور می رسد.

#### ۷۵ چرا مسیحیان عیسی را «سرور» صدا می کنند؟

«شما به من استاد و سرور می گوید، و شما به حق مرا چنین خطاب می کنید زیرا من واقعا چنین هستم» (یو، ۱۳، ۱۳) [۴۴۶-۴۵۱، ۴۵۱، ۴۵۵].

مسیحیان نخستین با اطمینان خاطر به عیسی «سرور» می گفتند، با آگاهی به این که در ← عهد عتیق این لقب فقط برای خداوند بکار برده می شد. عیسی با نشانه های بسیاری به آنان نشان داده بود که او بر طبیعت، ارواح شریر، گناه و مرگ، تسلط و قدرتی الهی دارد. خاستگاه الهی رسالت عیسی، در رستاخیزش از مرگ آشکار گردید. توما چنین اعتراف می کند: «ای سرور و خداوند من» (یو، ۲۰، ۲۸). این برای ما به این معنی است: اگر عیسی «سرور» است، هیچ مسیحی اجازه ندارد در مقابل قدرت های دیگر، زانوان خود را خم کند.

#### ۷۶ چرا خدا در عیسی انسان شد؟

«برای ما انسان ها و برای نجات ما از آسمان فرود آمد» (← اقرار ایمان نیقیه/قسطنطنیه) [۴۵۶-۴۶۰].

خدا از راه عیسی مسیح جهان را با خود آشتی داد و انسان ها را از اسارت گناه آزاد ساخت: «زیرا خدا جهان را آنقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد، تا هر که به او ایمان آورد هلاک نگردد بلکه

#### ۷۲ نام «عیسی» چه معنی می دهد؟

عیسی به زبان عبری یعنی: «خدا نجات می دهد» [۴۳۰-۴۳۵، ۴۵۲].

در اعمال رسولان پطرس چنین می گوید: «هیچ نام دیگری زیر آسمان بجز عیسی مسیح به ما داده نشده تا به وسیله آن نجات یابیم» (رس، ۴، ۱۲). همه مبشرین در اصل، این پیام را به انسان ها رسانده اند.

#### ۷۳ چرا عیسی به لقب «مسیح» ملقب است؟

در عبارت کوتاه «عیسی مسیح است»، هسته اصلی ایمان مسیحی بیان می گردد: عیسی، پسر نجار ساده اهل ناصره، همان مسیح موعود و منجی است [۴۳۶-۴۴۰، ۴۵۳].

چه واژه یونانی «Christos» و چه واژه عبری «Messias» هر دو به معنای «مسح شده» هستند. در اسرائیل پادشاهان، کاهنان و پیامبران مسح می شدند. ← رسولان دریافتند که عیسی «با روح القدس» مسح شده است (رس، ۱۰، ۳۸). ما مسیحیان نیز به نام مسیح نامیده شده ایم - این بیان کننده دعوت عظیم ما است.

ΙΧΘΥΣ ΖΩΝΤΩΝ



؟ در گورستان های زیرزمینی روم باستان، نشانی رمزآلود مربوط به مسیحیت کهن یافت می شود که در واقع اقراری به مسیح بود. واژه ICHTHYS (= ماهی).

اگر حروف این واژه را از هم تفکیک کنیم، حروف نخست این عبارت یونانی حاصل می شود: Iesus. CHristos. Theou (= خدا)، hYios (= پسر) و Soter (= منجی). ICHTHYS ZONTON یعنی: ماهی زندگی.

» درباره مسیح فقط آنگاه که از تو پرسش شد، سخن بگو. اما چنان زندگی کن که درباره مسیح از تو بپرسند. پُل کلدول

» «نه از مسیح، بلکه از مسیحیان باید انتقاد کرد، چرا که آنان به او شبیه نیستند. فرانسوا موریاک (۱۹۱۴-۱۹۹۶، رمان نویس فرانسوی)

» هرگاه به خدا جایگاه نخست داده نشود، ... کرامت انسانی به خطر می افتد. از این رو، به فوریت لازم است که انسان امروزی بدانجا هدایت شود که چهره حقیقی خدایی را که در عیسی مسیح بر ما تجلی کرد، کشف کند.

بنديکت شانزدهم، ۲۸/۰۸/۲۰۰۵

» خدا آنقدر بزرگ است که قادر است کوچک گردد. خدا آنقدر قدرتمند است که قادر است خود را بی دفاع سازد و به شکل نوزادی بی دفاع به پیشوا مان آید تا ما بتوانیم او را دوست بداریم. بنديکت شانزدهم، ۲۴/۱۲/۲۰۰۵





» برآستی که پرده راز انسان، تنها در راز کلمه جسم شده برچیده می شود.  
شورای دوم واتیکان، رساله «شادمانی و امید»

صاحب حیات جاوید گردد» (یو، ۳، ۱۶). خدا در عیسی، جسم انسانی و فانی ما را به خود گرفت (← تن گیری)، در سرنوشت زمینی، درد و رنج و مرگ با ما شریک شد و در همه چیز با ما یکسان گشت به جز در گناه.

۷۷ این به چه معناست که عیسی مسیح هم انسان راستین و هم خدای راستین است؟

خدا برآستی در وجود عیسی، یکی از ما و بدین گونه برادر ما شد، اما همزمان از خدا و به این ترتیب، سرور ما بودن، دست نکشید. شورای کالسدون در سال ۴۵۱ میلادی این آموزه را تعلیم داد که خدا بودن و انسان بودن در یک شخص واحد به نام عیسی مسیح ارتباطی «تفکیک ناپذیر و اخلاط ناپذیر» با هم دارند. [۴۶۴-۴۶۷، ۴۶۹].

» او آنچه بود باقی ماند و آنچه نبود، به خود پذیرفت. از آیین نیایشی رومی در روز اول ژانویه

← کلیسا برای درازمدت با این موضوع درگیر بود که چگونه باید رابطه بین الوهیت و انسانیت در عیسی مسیح را به بیان درآورد. الوهیت و انسانیت به رقابت با یکدیگر نمی پردازند، گویی که بخش از عیسی خدا و بخش دیگر انسان باشد. و این گونه نیز نیست که گویی الوهیت و انسانیت عیسی با هم مخلوط شده اند. خدا در عیسی مسیح فقط به صورت ظاهری جسم انسانی را نپذیرفت (Doketismus) = باور به این که عیسی هرگز جسمی نداشت، جسم او توهمی بیش نبود و او همواره خدا ماند، بلکه او برآستی انسان شد. از طرف دیگر در الوهیت و انسانیت عیسی، دو شخص گوناگون نیز مطرح نیست (Nestorianism) = اندیشه نستوری؛ باور به این که در عیسی دو شخص و دو سرشت وجود داشت. و سرانجام، این گونه هم نیست که در عیسی مسیح، سرشت انسانی به طور کلی در سرشت الهی حل شده باشد (Monophysitism) = اندیشه ای که براساس آن، سرشت انسانی و الهی عیسی پس از تن گیری در هم ادغام و تنها به شکل سرشت الهی ظاهر شده است). کلیسا در مقابله با همه این بدعت ها، به این اصل، اعتقاد راسخ داشته است که عیسی مسیح همزمان، هم انسان راستین و هم خدای راستین است. در عبارت معروف «تفکیک ناپذیر و اخلاط ناپذیر» (شورای کالسدون) تلاش نشده، امری که برای عقل بشری بسیار سنگین است، توضیح داده شود، بلکه این اصل، به اصطلاح، زوایای ایمان را مستحکم نگاه می دارد و «سمت و سو»یی را که می توان در آن راز شخص عیسی مسیح را جست و جو کرد، نمایان می سازد.

» آگاه شدن نسبت به خدا بدون شناخت فلاکتان، غرور به بار می آورد. آگاه شدن نسبت به فلاکتان نیز بدون شناخت خدا، یأس و ناامیدی به دنبال می آورد. آگاه شدن نسبت به عیسی مسیح حد وسط را ایجاد می کند، چرا که در وجود او هم خدا و هم فلاکت خود را می یابیم.  
باز پاسکال

» دین فاقد راز، باید قاعدتاً دین فاقد خدا باشد.  
جرمی تابلور (۱۶۱۳-۱۶۶۷، نویسنده روحانی انگلیسی)

۷۸ چرا عیسی را فقط می توان به عنوان یک «راز» درک کرد؟

از آنجا که عیسی در الوهیت جای دارد، نمی توان او را خارج از واقعیت نادیدنی الهی درک کرد [۵۲۵-۵۳۰، ۵۳۶].  
بعد دیدنی عیسی به بعد نادیدنی او اشاره می کند. ما در زندگی عیسی واقعیت های بیشماری را مشاهده می کنیم که به قطعیت تمام وجود دارند، اما می توانیم آنها را فقط در مقام راز درک کنیم. این رازها (← راز) برای نمونه، پسر خدا بودن، انسان شدن، رنج های مسیح و رستاخیز او هستند.

۷۹ آیا عیسی هم مانند ما دارای روح و روان و بدن بود؟

بله. عیسی «با ... دستان انسانی خود کار می کرد، با روح انسانی خود، می اندیشید، با اراده انسانی اش عمل می کرد و با قلبی انسانی محبت می ورزید» (شورای دوم واتیکان، رساله شادمانی و امید، ۲۲، ۲) [۴۷۰-۴۷۶].

؟ راز MYSTERY (برگرفته از واژه

یونانی mysterion به معنای راز): راز، واقعیت (یا جنبه ای از واقعیت) است که اصولاً از شناخت عقلی بری باشد.

» عیسی، قابل رویت است.

هانس اورس فن بالتنازار (۱۹۰۵-۱۹۸۸، الهیات شناس کاتولیک سوئیسی)

✎ و عیسی در حکمت و قامت و رضامندی

نزد خدا و مردم ترقی می کرد.

لو، ۲، ۵۲.





چرا که یک چنین گونه پدری/آن گونه که باید باشد/ در میان پدران بشری/ یافت نشود...

ویلهم ویلمز، آوه ماریا (۱۹۳۰-۲۰۰۲، شبان و نویسنده)

هرچه کلیسای کاتولیک دربارهٔ مریم باور دارد و آموزش می دهد، بر ایمان به مسیح بنیان دارد.

از تعلیمات کلیسای کاتولیک، شماره ۴۸۷

اگر کسی به این اقرار نکند که عمانوئیل (\*) برآستی خداست و از همین رو، عذرای مقدس، همان به دنیا آورنده خداست... در زمره ایمانداران نیست.

شورای افسس، ۴۳۱

(\*) در آیه ۲۳ از باب اول انجیل متی چنین آمده است: «که اینک باکره آبستن شده پسری خواهد زاید و نام او را عمانوئیل خواهند خواند که تفسیرش این است: «خدا با ما.»

این جزیی از انسان بودن کامل مسیح بود که او دارای روان انسانی نیز بود و از لحاظ روانی نیز به تکامل می رسید. در این روان، هویت انسانی و خودآگاهی ویژه او نیز جای داشت. عیسی به پیوند خود با پدر آسمانی اش در روح القدس که اجازه می داد او را در همه وضعیت های زندگی هدایت کند، آگاه بود.

### ۸۰ چرا مریم باکره است؟

خدا می خواست که عیسی مسیح، یک مادر انسانی واقعی داشته باشد اما فقط خدا، پدر او باشد، زیرا او می خواست سرآغازی نو پدید آورد که نه مرهون نیروهای زمینی، بلکه تنها مرهون او باشد [۴۸۴-۵۰۴، ۵۰۸-۵۱۰].

موضوع بکارت مریم، یک اسطوره کهن و از مد افتاده نیست، بلکه پایه و اساس زندگی عیسی است. او از یک زن متولد شد، اما پدری انسانی نداشت. عیسی مسیح سرآغازی نو از عالم بالا در این جهان است. در انجیل لوقا مریم از فرشته می پرسد: «این چگونه می شود و حال آن که مردی را نشناخته ام؟» [با هیچ مردی همبستر نشده ام] (لو، ۱، ۳۵). هرچند که کلیسا از همان ابتدا به سبب اعتقاد به بکارت مریم، مورد تمسخر قرار گرفته، همواره معتقد بوده است که منظور، بکارتی واقعیست و نه فقط نمادین. ۱۱۷.

### ۸۱ آیا مریم فرزندان دیگری غیر از عیسی داشت؟

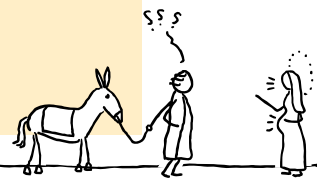
نه. عیسی تنها فرزند از کالبد مریم است [۵۰۰، ۵۱۰].

از همان کلیسای نخستین، افراد به بکارت دائمی مریم معتقد بودند، امری که به خودی خود، وجود خواهر یا برادر برای عیسی را نفی می کند. در زبان مادری عیسی، یعنی زبان آرامی، تنها یک واژه برای خواهر، برادر و فرزندان عمو، خاله، دایی و عمه وجود دارد. هرگاه در انجیل از «خواهران و برادران» عیسی سخن به میان می آید (برای نمونه: مر، ۳، ۳۱-۳۵) منظور، خویشاوندان نزدیک اوست.

### ۸۲ آیا نامیدن مریم با لقب «مادر» خدا برخورنده نیست؟

خیر. هر کس مریم را مادر خدا می نامد، اعتراف می کند که پسر او خدا است [۴۹۵، ۵۰۹].

هنگامی که مسیحیان نخستین بر سر این موضوع مشاجره می کردند که عیسی کیست، لقب Theotokos («مادر خدا») به نشانی برای



رسیدن به شناخت در تفسیر کتاب مقدس از سوی راست کیشان بدل شد: مریم نه فقط انسانی را به دنیا آورد که پس از تولدش، خدا «شد»، بلکه این فرزند، حتی زمانی که در رحم او بود، پسر واقعی خدا بود. در این زمینه، موضوعی که در درجه نخست مطرح می شود، مریم نیست بلکه موضوع یک بار دیگر این است که آیا عیسی، همزمان هم انسان راستین و هم خدای راستین است. ۱۱۷.

### ۸۳ «لقاح مطهر مریم» یعنی چه

کلیسا معتقد است «مریم باکره - این سعادت‌مندترین بانو - از همان لحظه نخست لقاحش با فیض و امتیازی منحصر به فرد از سوی خدای قادر متعال و به دلیل شایستگی های عیسی مسیح - این منجی نژاد بشر - از هرگونه آسیب مربوط به گناه نخستین مصون مانده است» (قانون جزمی صادره در سال ۱۸۵۴: قوانین جزمی کلیسا) [۴۸۷-۴۹۲، ۵۰۸].

اعتقاد به «لقاح مطهر» از همان سرآغاز کلیسا رواج داشت. این اصطلاح در این روزها اغلب مورد سوء تفاهم است. این عبارت، بیانی برای آن است که خدا مریم را از گناه نخستین مبرا داشته است، آن هم از همان ابتدا. در این عبارت، سخن از بسته شدن نطفه عیسی در جسم مریم نیست و حتی از تنزل درجه امور جنسی در مسیحیت نیز سخن نمی رود، به این معنا که گویی زن و مرد از راه تولید مثل، خود را «لکه دار» می کنند. ۶۸-۶۹.

### ۸۴ آیا مریم تنها به منزله ابزاری برای خدا بود؟

مریم بیش از یک ابزار کار منفعلانه برای خدا بود. انسان شدن خدا همچنین با موافقت کامل مریم امکان پذیر شد [۴۹۳-۴۹۴، ۵۰۸-۵۱۱].

مریم به فرشته ای که به او گفت او «پسر خدای متعال» را به دنیا خواهد آورد گفت: «هر چه تو گفتی بر من کرده شود» (لو، ۱، ۳۸). به این ترتیب، نجات انسان به دست عیسی مسیح با طرح پرسشی از سوی خدا، موافقت یک انسان در کمال آزادی و بارداری شروع می گردد - پیش از آن که مریم با یوسف ازدواج کند. مریم از این راه نامتعارف برای ما به «دروازه نجات» بدل گشت. ۴۷۹.

هر جا که ایمان به مادر خدا کاهش یابد، در آنجا ایمان به پسر خدا و خدای پدر نیز کاسته خواهد شد.

لودویگ فویرباخ (۱۸۰۴-۱۸۷۲، فیلسوف خداناباور، اکتیواس از کتاب: «جوهر مسیحیت»)



در سال ۱۸۵۸ قدیس برناردت سوپرو در شهر لورد دیداری با مریم داشت که در آن، مریم خود را به او با اصطلاح «لقاح مطهر» شناساند.

پاسخ مریم... سرنوشت سازترین واژه در طول تاریخ است.

راینهولد شناپایدر (۱۹۰۳-۱۹۵۸، نویسنده آلمانی)



» مریم، لطیف ترین مادر  
نوع بشر است، او پناه گناهکاران  
است.

قدیس آلفونسو ماریا دلپگوری  
(۱۷۸۷-۱۶۹۶)، بنیانگذار فرقه  
ردمپتوریست ها، عارف و عالم  
کلیسا)

» هر چه کلیسا بیشتر از  
مریم سر مشق بگیرد، بیشتر  
هم مانند مریم مادرانه می  
گردد، بیشتر می تواند در او  
دوباره از خدا متولد شود و  
به آشتی دست یابد.

برادر روزه شوتس (۱۹۱۵-۲۰۰۵)،  
بنیانگذار و سرکرده جماعت تیزه)

» فرزندان در خانواده،  
«محبت» را می آموزند، زیرا به  
رایگان به آنان محبت می شود؛  
آنان می آموزند به دیگران احترام  
گذارند، زیرا که به آنان احترام  
گذاشته می شود؛ آنان با چهره  
خدا آشنا می شوند، زیرا نخستین  
تجلی او در مقام پدر و مادری  
را دریافت می دارند که سراسر  
توجه خود را معطوف به آنان  
می سازند.

بیانیه واتیکان با عنوان «درباره  
همکاری میان زن و مرد»  
۲۰۰۴/۰۵/۳۱

## ۸۵ چرا مریم مادر ما نیز هست؟

مریم مادر ماست زیرا مسیح، سرور ما، او را در مقام مادر به ما داد  
[۹۶۳-۹۶۶، ۹۷۳].

«ای زن، به پسر خود بنگر... ای پسر، به مادر خود بنگر» (یو،  
۱۹، ۲۶ب-۲۷الف). این کلماتی که عیسی از روی صلیب به یوحنا  
فرمود، همواره از نظر کلیسا به منزله سپردن کل کلیسا به مریم است.  
به این ترتیب، مریم مادر ما نیز محسوب می شود. ما اجازه داریم او  
را صدا کنیم و از او خواهش کنیم، نزد خدا برای ما شفاعت کند ←  
۱۴۷-۱۴۹.

۸۶ چرا عیسی در ۳۰ سال نخست زندگی اش، به هیچ وجه به  
شکل علنی ظاهر نشد؟

عیسی می خواست در زندگی معمولی ما شریک شود تا به این  
ترتیب، زندگی روزمره ما را تقدیس کند [۵۳۱-۵۳۴، ۵۶۴].

عیسی کودکی بود که از والدین خود محبت و توجه دید و به دست  
آنان تربیت و بزرگ شد. «او در حکمت و قامت رشد می کرد و  
مورد پسند خدا و مردم بود» (لو، ۲، ۵۲). او عضوی از یک جماعت  
روستایی یهودی بود و در مراسم مذهبی هم شرکت می کرد؛ او  
پیشه ای آموخت و باید لیاقت خود را در آن به اثبات می رساند. این  
موضوع که خدا می خواست در وجود عیسی، در خانواده ای بشری  
به دنیا بیاید و در آن بزرگ شود، خانواده را به جایگاه خدا و الگوی  
نخستین جمعی که در آن همگی به یکدیگر یاری می رسانند، تبدیل  
کرده است.

۸۷ چرا عیسی اجازه داد یحیی تعمید دهنده، به رغم آن که او  
بی گناه بود، او را تعمید دهد؟

تعمید یعنی فرو رفتن در آب. عیسی در تعمیدش در تاریخ گناه  
آلود بشریت فرو رفت. او با این کار نشانه ای برجا گذاشت. او  
نشان داد که برای نجات ما از گناهانمان حتی روزی به کام مرگ نیز  
خواهد رفت، اما به قدرت پدرش دوباره از مرگ بر خواهد خاست  
[۵۳۵-۵۳۷، ۵۶۵].

گناهکاران - سربازان، فاحشه ها، باج گیران - به سوی یحیی تعمید  
دهنده می شتافتند، زیرا جوینای «توبه و بازگشت به سوی خدا و غسل  
تعمید برای بخشش از گناهان بودند» (لو، ۳، ۳). در واقع عیسی به این  
تعمید هیچ نیازی نداشت، زیرا او عاری از هر گناه بود. دو نکته نشان  
می دهد که چرا او غسل تعمید گرفت: عیسی گناهان ما را بر خود می  
گیرد. عیسی تعمیدش را اشاره ای از پیش به رنج ها و رستخیزش از  
مردگان می داند. با این نشانه دال بر آمدگی او در راه جان دادن برای  
ما، آسمان گشوده می گردد: «تو پسر عزیز من هستی» (لو، ۳، ۲۲ب).

۸۸ چرا عیسی وسوسه شد؟  
آیا او اصلاً می توانست وسوسه شود؟

احتمال واقعی وسوسه شدن، جزئی از هستی برآستی انسانی عیسی  
است. در وجود عیسی مسیح ما از آن منجی برخوردار نیستیم  
که «تواند ضعف های ما را حس کند، بلکه کسی که در همه  
چیز همانند ما وسوسه شد اما مرتکب گناه نشد» (عب، ۴، ۱۵)  
[۵۳۸-۵۴۰، ۵۴۶].

۸۹ عیسی «ملکوت خدا» را به چه کسانی وعده می دهد؟

خدا «مایل است تا همه نجات یابند و به شناخت حقیقت دست  
یابند» (۱ تیم، ۲، ۴). «ملکوت خدا» در نزد انسان هایی آغاز  
می گردد که اجازه می دهند، محبت خدا آنان را دگرگون سازد.  
براساس تجربیات عیسی، این اشخاص بیش از هر کس، فقرا و  
کوچک ترینان هستند [۵۴۱-۵۴۶، ۵۶۷].

حتی برای کسانی که از کلیسا دوری می کنند، این کار عیسی جذابیت  
دارد که او با محبتی جانبدارانه، پیش از همه به طردشدگان از جامعه  
توجه می کرد. در موعظه سر کوه، فقرا و ماتم زدگان، قربانیان ظلم  
و زور، همه کسانی که با قلبی پاک در جست و جوی خدا هستند و  
همه کسانی که جوینای مهربانی، عدالت و صلح و آرامش او هستند،  
در ورود به ملکوت خدا صاحب الویت هستند. حتی گناهکاران نیز  
به شکل ویژه ای به ملکوت خدا دعوت شده اند: «تندرستان احتیاج  
به پزشک ندارند بلکه بیماران. من آمده ام، تا گناهکاران را بخوانم نه  
عادلان را» (مت، ۲، ۱۷).

» میان گناهکاران و  
عادلان وجه مشترکی وجود  
دارد، چرا که هیچ فرد عادل  
یافت نمی شود.

گرتروون فون لفورث (۱۸۷۶-۱۹۷۱،  
نویسنده آلمانی)

» هر روز... باید فرد مسیحی  
در نبردی پیروز گردد که مسیح در  
صحرای یهودیه با آن مواجه شد،  
آنجا که شیطان چهل روز تمام  
او را وسوسه کرد... در اینجا  
موضوع جنگی معنوی مطرح  
است که علیه گناه و سرآخر علیه  
شیطان برپا می شود. این جنگی  
است که سراسر وجود شخص را  
دربرمی گیرد و هوشیاری دقیق و  
پیکیر او را می طلبد.

بندیکت شانزدهم، ۲۰۰۶/۰۳/۰۱

» عیسی درباره پدرش  
چنین می گوید:  
«روح خداوند بر من است،  
زیرا که مرا مسح کرد تا  
فقیران را بشارت دهم و  
مرا فرستاد تا شکسته دلان  
را شفا بخشم و اسیران را  
به رستگاری و کوران را  
به بینایی موعظه کنم و تا  
کویندگان را آزاد سازم و  
از سال پسندیده خداوند  
موعظه کنم»

لو، ۴، ۱۸-۱۹



معجزه نه در مغایرت با طبیعت، بلکه در مغایرت با دانش ما از طبیعت رخ می دهد. آگوستین

در هیچ کجای دنیا معجزه ای به بزرگی آنچه در کلیه کوچک بیت لحم اتفاق افتاد، روی نداد. در اینجا: خدا و انسان یکی شدند.

توماس فُن کِمپن (۱۳۷۹-۱۳۸۰/۱۴۷۱) عارف آلمانیو نویسنده کتاب «پبرو مسیح»

و بی نهایت متحیر گشته می گفتند: «همه کارها را نیکو کرده است؛ کران را شنوا و گنگان را گویا می گرداند!» مر، ۲۷، ۷



## ۹۰ آیا عیسی برستی معجزه کرد یا همه اینها فقط افسانه هایی ساخته و پرداخته ایمانداران هستند؟

عیسی برستی معجزه کرد، رسولان نیز معجزه کردند. مولفان عهد جدید، به رخدادهای واقعی اشاره دارند [۵۴۷-۵۵۰].

منابع بسیار قدیمی از معجزات بی شماری گزارش می دهند، حتی از زنده شدن مردگان، اینها تأییدی برای بشارت عیسی هستند: «اما هرگاه من بوسیله روح خدا ارواح پلید را اخراج کنم، این یعنی ملکوت خدا به شما نزدیک شده است» (مت، ۱۲، ۲۸). معجزات در اماکن عمومی رخ می دادند و برخی از شفایافتگان، اشخاصی بودند که نامشان آشنا بود، همانند بارتیمائوس نابینا (مر، ۱۰، ۱۴-۱۵) یا مادر زن پطرس (مت، ۸، ۱۴-۱۵). معجزاتی هم روی می داد که در محیط زندگی یهودیان مواردی از کفر محض محسوب می گشت (به عنوان نمونه، شفای یک مرد افلیج در روز **سبت** یا شفای جزمیان). به رغم آن، یهودیت معاصر عیسی آنها را انکار نکرد.

## ۹۱ چرا عیسی معجزه می کرد؟

معجزه هایی که عیسی می کرد، نشانه هایی از آغاز ملکوت خدا بود. آنها بیان کننده محبت او نسبت به انسان ها بودند و رسالت او را قوت می بخشیدند [۵۴۷-۵۵۰].

معجزه های عیسی، خودنمایی هایی مبتنی بر جادوگری نبودند. او سرشار از قدرت شفابخشی برخاسته از محبت الهی بود. او از راه معجزاتش نشان داد که مسیح است و ملکوت خدا در او آغاز می شود. به این ترتیب بود که سرآغاز جهان نوین، امری تجربه پذیر گردید: او انسان ها را از گرسنگی (یو، ۶، ۵-۱۵)، بی عدالتی (لو، ۱۹، ۸)، بیماری و مرگ (مت، ۱۱، ۵) رهایی می بخشید. با بیرون راندن ارواح پلید، او پیروزی خود بر «رئیس این جهان» را آغاز کرد (یو، ۱۲، ۳۱؛ منظور شیطان است). اما عیسی همه بدی ها و شرارت ها را از جهان بر نداشت. او توجه اصلی خود را معطوف به رهایی انسان از بردگی گناه ساخت. برای او ایمان نیز اهمیتی مرکزی داشت که آن را با انجام معجزه برمی انگیزت ← [۲۴۱-۲۴۲].



## ۹۲ چرا عیسی رسولان را فراخواند؟

عیسی جمعی بزرگ از شاگردان زن و مرد را در پیرامون خود داشت. او از میان این گروه دوازده مرد را برگزید و آنان را رسولان نامید (لو، ۶، ۱۲-۱۶). او رسولان را به شیوه ویژه ای آموزش داد و وظایف گوناگونی به آنان محول کرد: «او آنها را فرستاد و به آنان سفارش کرد تا ملکوت خدا را بشارت داده و انسان ها را شفا دهند» (لو، ۹، ۲). عیسی فقط این دوازده رسول را با خود به شام آخر برد و به آنان چنین سفارش کرد: «این کار را به یادبود من انجام دهید» (لو، ۲۲، ۱۹ ب) [۵۵۱-۵۵۳، ۵۶۷].

رسولان شاهدان رستاخیز مسیح و ضامن های حقانیت او گشتند. آنان پس از مرگ عیسی، رسالت او را ادامه دادند. آنان جانشینانی برای خدمت خود انتخاب کردند که همان **اسقفان** هستند. جانشینان رسولان، امروز نیز اختیاراتی را که از عیسی دریافت کرده اند، به کار می بندند: آنان هدایت می کنند، آموزش می دهند و آیین های نیایشی را به اجراء می گذارند. انسجام رسولان با یکدیگر، به بنیانی برای اتحاد **کلیسا** بدل گشت (تسلسل رسولی). در میان دوازده رسول، پطرس که عیسی اقتدار ویژه ای به او بخشیده بود، از سایر رسولان برجسته تر بود: «تو پطرس هستی و من کلیسای خود را بروی این صخره بنا می کنم» (مت، ۱۶، ۱۸). از جایگاه ویژه پطرس در میان رسولان، خدمت شبانی پاپ پدید آمد ← ۱۳۷.

## ۹۳ چرا عیسی بر بالای کوه تجلی یافت؟

خدای پدر می خواست که جلال الهی پسرش عیسی را از همان زندگی زمینی اش آشکار سازد. تجلی عیسی روی کوه می بایست همچنین بعدها، به رسولان کمک می کرد، مرگ و رستاخیز او را درک کنند [۵۵۴-۵۵۶، ۵۶۸].

سه انجیل از آن گزارش می دهند که چگونه عیسی بر قله یک کوه، پیش چشم شاگردانش آغاز به درخشیدن کرد («تجلی» یافتن). صدای پدر آسمانی، عیسی را «پسر عزیز»ی نامید که باید به او گوش می سپردند. پطرس قصد داشت «سه خیمه به پا کند» و آن لحظه را حفظ نماید. اما عیسی راه رنج هایش را در پیش گرفت. اکنون می بایست شاگردان او تقویت می شدند.

چنانکه پدر مرا فرستاد، من نیز شما را می فرستم.» یو، ۲۰، ۲۱ ب



## هر گاه به فردی فیض

تجربه ای قدرتمند از خدا بخشوده شود، همانند این است که او نیز تجربه ای مانند تجربه تجلی عیسی بر شاگردان را داشته باشد، این یعنی برای یک لحظه بتوان مره سعادت ابدی بهشت را چشید. اینها معمولاً تجربیات کوتاهی هستند که خدا گاه بویژه هنگام آزمایش های دشوار به انسان می بخشد.

بندیکت شانزدهم، ۲۰۰۶/۰۳/۱۲









و کلمه جسم گردید و میان ما ساکن  
شد، پر از فیض و راستی؛ و در جل او  
را دیدیم، جلالی شایسته پسر یگانه  
پدر.  
یو، ۱۴، ۱






 آنگاه ایشان را تعلیم دادن آغاز کرد که « لازم است پسر انسان بسیار زحمت کشد و از مشایخ و روسای کهنه و کاتبان رد شود و کشته شده، بعد از سه روز برخیزد.»

مر، ۳۱، ۸.

 «اینکه به اورشلیم می رویم و پسر انسان به دست روسای کهنه و کاتبان تسلیم شود و بر وی فتوای قتل دهند و او را به امت ها سپارند. و بر وی سخریه نموده، تازیانه اش زنند و آب دهان بر وی افکنند، او را خواهند کشت و روز سوم خواهد برخاست.»

مر، ۳۳-۳۲، ۱۰.

 و چون وقت رسید، با دوازده رسول بنشست و به ایشان گفت: «اشتیاق بی نهایت داشتم که پیش از زحمت دیدنم، این فصیح را با شما بنخورم. زیرا به شما می گویم از این دیگر نمی خورم تا وقتی که در ملکوت خدا تمام شود.»

لو، ۱۴، ۲۲-۱۶.

**۹۴** آیا هنگامی که عیسی وارد اورشلیم شد می دانست که خواهد مرد؟

بله. عیسی، پیش از آن که آگاهانه و آزادانه (لو، ۹، ۵۱) به محل مصائب و رستاخیز خود برود، سه بار نوح و مرگ خود را اعلام کرده بود [۵۵۷-۵۶۰، ۵۶۹-۵۷۰].

**۹۵** چرا عیسی تاریخ عید فصح یهودیان را برای مرگ و رستاخیزش انتخاب کرد؟

عیسی عید فصح قوم خود اسرائیل را برای این برگزید که نمادی باشد برای آنچه در مرگ و رستاخیزش رخ می دهد. همان گونه که قوم اسرائیل از بردگی در مصر آزاد گشت، مسیح نیز ما را از بردگی گناه و از قدرت مرگ آزاد می سازد [۵۷۱-۵۷۳].

عید فصح، عید آزادی قوم اسرائیل از بردگی در مصر بود. عیسی به اورشلیم رفت تا ما را به شیوه ژرف تری آزاد سازد. او شام عید فصح را با شاگردانش جشن گرفت و در حین این شام، خود را به بره قربانی بدل نمود. «مسیح به عنوان بره عید فصح برای ما قربانی شد» (۱ قر، ۵، ۷ب) تا یک بار برای همیشه به شکل نهایی میان انسان و خدا آشتی برقرار سازد. ۱۷۱.

**۹۶** چرا مردی صلح طلب همانند عیسی را به مرگ بر صلیب محکوم کردند؟

عیسی جهان پیرامون خود را در برابر یک تصمیم گیری قرار داد: یا او با اختیار مطلق الهی عمل می کرد و یا فردی حقه باز، کافر، و قانون شکن بود و باید طبق قانون محاکمه می گشت [۵۷۴-۵۷۶].

عیسی از بسیاری لحاظ برای اندیشه سنت گرای یهودی در زمانه خود به منزله چالشی بی سابقه بود. او گناهان را می بخشید، کاری که تنها خدا اجازه انجام آن را داشت؛ قانون سبت را نسیب ساخت و این سوء ظن را برای خود به جان خرید که پیامبری دروغین است. همه اینها جرم هایی محسوب می گشت که حکم آن مرگ بود.

**۹۷** آیا یهودیان در مرگ عیسی مقصر هستند؟


هیچ کس اجازه ندارد یک گناه جمعی برای مرگ عیسی را به «یهودیان» نسبت بدهد. کلیسا با اطمینان خاطر اعتراف می کند که همه گناهکاران در مرگ عیسی به یک اندازه مقصر هستند [۵۹۷-۵۹۸].

شمعون، این پیامبر سالخورده، پیشگویی کرد که «عیسی نشانه ای خواهد بود که با آن مخالفت خواهد شد» (لو، ۲، ۳۴ب). بر این اساس، با این که حاکمان یهود قاطعانه دست رد به عیسی زدند، او برای مثال در میان فریسیان پیروانی مخفی همانند نيقوديموس و يوسف اهل رامه داشت. در محکمه عیسی رومیان و یهودیان بسیاری شرکت داشتند (برای نمونه قیافا، یهودا، شورای عالی، هیرودیس، پونتیوس پیلاتوس)، اما فقط خداست که از تقصیر شخصی تک تک آنان باخبر است. این نظریه که همه یهودیان آن دوره یا یهودیانی که هم اکنون زندگی می کنند، در مرگ عیسی شریک هستند، نظریه معقولانه ای نیست و بر اساس کتاب مقدس نمی توان آن را پذیرفت. ۱۳۵.

**۹۸** آیا خدا خواهان مرگ تنها پسر خود بود؟


این شرایط غمبار خارجی نبود که به قتل عیسی منجر گشت. عیسی «طبق اراده مصمم و پیشدانی او فدا شد» (رس، ۲، ۲۳). پدر آسمانی، برای این که ما فرزندان گناه و مرگ، حیات را به دست آوریم. «کسی را که گناهی را نمی شناخت، برای ما گناهکار محسوب کرد» (۲ قر، ۵، ۲۱). اما بزرگی آن قربانی که خدای پدر از پسرش توقع داشت، با بزرگی فداکاری مسیح مطابقت داشت: «آیا بگویم، پدر مرا از این ساعت برهان؟ اما من برای همین منظور به این ساعت رسیده ام» (یو، ۱۲، ۲۷). از هر دو جانب، این، محبت است که به نهایی ترین شکل ممکن از راه صلیب، اعتبار خود را اثبات می کند [۵۹۹-۶۰۹، ۶۲۰].

خدا برای این که ما را از مرگ نجات دهد، دست به رسالتی خطرناک زد. او «داروی نامیرایی» (به گفته ایگناتسیوس از انطاکیه) را به جهان فانی ما وارد کرد. یعنی پسرش عیسی مسیح را. پدر و پسر در این مأموریت، متحدانی جدانشدنی بودند، مهیا و سراپا حسرت آن که از روی محبت، حد نهایی را به خاطر ما بر خود گیرند. خدا می خواست به مبادله ای دست زند تا بتواند ما را برای همیشه نجات دهد. او می


 روح های پلید، آنانی نیستند که او را مصلوب کرده اند، بلکه تو که او را در همراهی با آنها مصلوب کرده ای و هنوز هم مصلوب می کنی، آن هم با تن دادن به رذیلت ها و گناهان.

قدیس فرانسیس آسیزی



 و قبل از عید فصح، چون عیسی دانست که ساعت او رسیده است تا از این جهان به جانب پدر برود، خاصان خود را که در این جهان محبت می نمود، ایشان را تا به آخر محبت نمود.

یو، ۱۱۳.

 نردبانی جز صلیب برای بالا رفتن به سوی آسمان وجود ندارد.

قدیس ژواهل لیما (۱۵۸۶-۱۶۱۷) قدیس ملی کشور پرو، اولین قدیس آمریکا)



» خدا نیامده است تا جلوی درد و رنج را بگیرد. او حتی نیامده است که آن را توضیح دهد، بلکه او آمده است تا رنج بردن را با حضور خود سرشار سازد. پُل کلود (۱۸۶۸-۱۹۵۵)، شاعر و نمایشنامه نویس فرانسوی)

خواست زندگی جاوید خود را به ما بدهد تا ما از شادی او لذت ببریم و می خواست در میرایی ما، در ناامیدی ما، در طرد شدگی ما و در مرگمان همراه با ما رنج بکشد تا در همه چیز با ما شریک گردد؛ تا ما را تا به نهایت و حتی فراتر از آن دوست بدارد. مرگ مسیح، اراده پدر است، اما نه سخن آخر او. از هنگامی که عیسی برای ما جان داده است، ما قادر گشته ایم مرگ خود را با زندگی او عوض کنیم.

» و چون پای های ایشان را شست، رخت خود را گرفته، باز بنشست و بدیشان گفت: «آیا فهمیدید آنچه به شما کردم؟ شما مرا استاد و آقا می خوانید و خوب می گویند زیرا که چنین هستم. پس اگر من که آقا و معلم هستم، پای های شما را شستم، بر شما نیز واجب است که پای های یکدیگر را بشوید. زیرا به شما نمونه ای دادم تا چنانکه من با شما کردم، شما نیز بکنید.» یو، ۱۳، ۱۲-۱۵



### ۹۹ در شام آخر چه اتفاقی افتاد؟

عیسی در شب پیش از مرگش، پای یارانش را شست؛ او ← آیین سپاسگزاری را مقرر فرمود و کهانت عهد جدید را تأسیس نمود [۶۱۰-۶۱۱]

عیسی محبت کامل خود را به سه روش نشان داد: او پای یارانش را شست و نشان داد او همانند یک خادم بین ماست (مقایسه کنید با لو، ۲۲، ۲۷). او از پیش، با ادای سخنان زیر درباره هدایای نان و شراب، به رنج نجات بخش خود همانند نشانه ای اشاره کرد: «این است تن من که برای شما داده می شود؛ این را به یاد من بجای آورید و همچنین بعد از شام، پیاله را گرفت و گفت: این پیاله عهد جدید است در خون من که برای شما ریخته می شود» (لو، ۲۲، ۱۹-۲۰). او به این ترتیب، ← آیین سپاسگزاری را مقرر فرمود. و هنگامی که عیسی از رسولان خواست: «این را به یاد من بجا آرید (۱ قر، ۱۱، ۲۴ ب)، آنان را ← شبانان عهد جدید ساخت ← ۲۰۸-۲۲۳.

» به یک معنا می توانیم بگوییم که شام آخر، همان بنیانگذاری کلیسا است، زیرا او خود را فدا می کند و به این ترتیب جماعتی نو پدید می آورد، جماعتی که در پیوند با شخص او، جماعتی یکپارچه است. بندیکت شانزدهم، ۲۰۰۶/۱۳/۱۵



یکی از کهن ترین تصاویر صلیب، صلیب سخره آمیز تپه بالاتنوم در روم است (حدود سال ۲۰۰ میلادی) که هدف از ترسیم آن در واقع به سخره کشیدن منجی مسیحیان است. بر آن چنین نوشته شده: «الکسانوس خدایش را ستایش می کند».

### ؟ رنج و دردهای مسیح PASSION

(برگرفته از واژه لاتین passion به معنای بیماری، رنج بردن): این واژه را مشخصاً برای درد و مصائب مسیح به کار می برند.

### ۱۰۰ آیا عیسی در شب پیش از مرگش، بر کوه زیتون براستی از مرگ ترسید؟

از آنجا که عیسی یک انسان راستین بود، بر کوه زیتون براستی دستخوش هراسی انسانی از مرگ شد [۶۱۲].

عیسی می بایست با همان قدرت انسانی که همه ما داریم، برای رسیدن به موافقت باطنی اش با اراده پدر می جنگید، یعنی این اراده که حیات خود را فدای حیات جهان کند. عیسی در دشوارترین ساعت زندگی، هنگامی که سراسر جهان و حتی دوستانش او را ترک کردند، برای رسیدن به پاسخ مثبت می جنگید. «ای پدر، اگر ممکن نباشد که این پیاله بدون نوشیدن از من بگذرد، آنچه اراده تو است بشود» (مت، ۲۶، ۴۲) ← ۴۷۶.

### ۱۰۱ چرا عیسی باید ما را حتماً بر صلیب نجات می داد؟

صلیبی که عیسی بی گناه، با خشونت بسیار بر آن اعدام شد، مکان حقارت و طردشدگی در حد اعلاء به شمار می رود. مسیح، منجی ما، صلیب را انتخاب کرد تا گناه جهان را حمل کند و رنج دنیا را به جان گیرد. به این ترتیب او توانست با محبت کامل و بی نقص خود، جهان را نزد خدا آورد [۶۱۳-۶۱۷، ۶۲۲-۶۲۳].

خدا نمی توانست محبت خود را آشکارتر از این به ما نشان دهد که در شخص پسرش اجازه داد بر صلیب میخکوبش کنند. صلیب، شرم آورترین و خشن ترین ابزار اعدام در دوران باستان بود. اعدام شهروندان رومی بر صلب، هر جرمی هم که مرتکب شده بودند، منجر نبود. به این ترتیب، خدا، به پایین ترین حد رنج بشری پا گذاشت. از آن زمان به بعد هیچ کس نمی تواند بگوید: «خدا نمی داند من چه دردی می کشم».

### ۱۰۲ چرا ما نیز باید درد و رنج را در زندگی خود بپذیریم، و بدین طریق «صلیب» را بر دوش بگیریم؟ و با آن از پی عیسی برویم؟

مسیحیان نباید دنبال درد و رنج بگردند، اما هنگامی که لاجرم با رنج روبرو می شوند، این رنج، اگر آن را با درد و رنج مسیح پیوند زنند، برایشان معنا و مفهومی می یابد: «مسیح برای شما عذاب کشید تا به شما سرمشقی دهد تا شما نیز رد او را دنبال کنید» (۱ پط، ۲، ۲۱) [۶۱۸].



» آدمی باید صلیب خود را حمل کند، نه این که به دنبال خود بکشد و نه آن را به دیده گنج بنگرد و نه به دیده بار. فقط به تنهایی به کمک صلیب، می توانیم به عیسی شبیه شویم.

فرانسوا فنولون  
(۱۶۵۱-۱۷۱۵، نویسنده فرانسوی)

عیسی فرمود: «هر کس می خواهد شاگرد من گردد، پس خود را انکار کرده، صلیب خود را بر دوش گیرد و مرا پیروی کند» (مر، ۸، ۳۴).  
وظیفه مسیحیان این است که درد و رنج را در دنیا کاهش دهند. با این حال، درد و رنج همواره در دنیا وجود خواهد داشت. ما قادر هستیم از راه ایمان، رنج شخصی خود را بپذیریم و در رنج دیگران سهیم شویم. به این ترتیب، رنج انسانی با محبت رهایی بخش مسیح، یکی می گردد و به بخشی از نیروی الهی که جهان را به سوی نیکی دگرگون می سازد، تبدیل می شود.

» اگر با شادی صلیبت را حمل کنی، آن نیز تو را حمل خواهد کرد.  
توماس آکوئین

» از آنجا که مسیح توانست از راه تاب آوردن رنج و درد، نجات را به همراه آورد، همزمان، رنج و درد انسانی را تا سطح نجات برافراشت. از این روست که هر انسانی قادر است از راه دردها و رنج هایش در رنج و دردهای نجات بخش مسیح سهیم گردد.

ژان پل دوم، رساله  
Salvifici Doloris

» هنگامی که به صلیب می نگریم، عظمت محبت او را می بینیم. هنگامی که به صحنه آخوری که او در آن به دنیا آمد، می نگریم، لطافت محبت او به تو و من، به خانواده ات و به هر خانواده دیگری را درمی یابیم.

مادر ترزا



» **۱۰۳** آیا عیسی برآستی مرده بود یا به دلیل آن که ظاهراً مرده بود توانست از مرگ برخیزد؟

عیسی مسیح برآستی بر صلیب مرد و جسد او دفن شد. همه منابع به این موضوع شهادت می دهند [۶۲۷].

در آیه ۳۳ و آیه های بعدی در باب ۱۹ از انجیل یوحنا، سربازان، مرگ عیسی را آشکارا تشخیص می دهند: آنان پهلوی عیسی مرده را با نیزه

ای می شکافتند و می بینند که از پهلوی او آب و خون جاری می شود. علاوه بر آن، آمده است که قلم پای آنانی را که به همراه او مصلوب کرده بودند شکستند، اقدامی برای سرعت بخشیدن به روند مرگ. اما انجام این کار بر عیسی لازم نبود، زیرا او پیش از آن مرده بود.

» **۱۰۴** آیا می توان بدون ایمان به رستاخیز مسیح از مردگان، مسیحی بود؟

خیر. «زیرا اگر مسیح از مرگ زنده نشده باشد، هم بشارت ما پوچ است و هم ایمان شما بی معنی» (۱ قر، ۱۵، ۱۴) [۶۳۱، ۶۳۸، ۶۵۱].

» **۱۰۵** شاگردان عیسی چگونه به این باور رسیدند که عیسی از مرگ برخاسته است؟

شاگردانی که پیش از آن، همه امید خود را از دست داده بودند، از این رو به رستاخیز مسیح ایمان آوردند که او را پس از مرگش به صورتی متفاوت دیدند، با او سخن گفتند و او را در مقام فردی زنده تجربه کردند [۶۴۰-۶۴۴، ۶۵۶].

رخدادهای فصح که حدود سال ۳۰ میلادی در اورشلیم روی داد، افسانه ای ساختگی نیست. شاگردان عیسی با این گمان که مسیح مرده است و در امر مشترک خود شکست خورده اند، دست به گریز زدند: «ما گمان کردیم او همانی است که اسرائیل را نجات خواهد داد» (لو، ۲۴، ۲۱) و یا خود را از دیده ها پنهان ساختند. تازه با رویارویی با مسیح برخاسته از مرگ بود که جمود آنان از میان رفت و جای خود را به ایمان شورمندانه به عیسی مسیح، سرور زندگی و مرگ داد.

» **۱۰۶** آیا مدارکی برای اثبات رستاخیز عیسی از مرگ وجود دارد؟

برای اثبات رستاخیز عیسی، مدرک اثباتی به معنا و مفهوم مبتنی به علوم طبیعی وجود ندارد. اما شهادت ها و گواهی های شخصی و گروهی بسیاری از سوی عده بی شماری از معاصران مسیح درباره حوادث اورشلیم وجود دارد [۶۳۹-۶۴۴، ۶۴۷، ۶۵۶-۶۵۷].

کهن ترین سند کتبی برای رستاخیز عیسی، نامه ای است که پولس قدیس در حدود ۲۰ سال پس از مرگ مسیح به مسیحیان شهر قرنتس نوشت: «زیرا که اول به شما سپردم آنچه نیز یافتم که مسیح بر حسب کتب در راه گناهان ما مرد و این که مدفون شد و در روز سوم برحسب کتب برخاست و اینکه به کیفا ظاهر شد و بعد از آن به آن دوازده و پس از آن به زیاده از پانصد برادر یک بار ظاهر شد که بیشتر از



کفن تورین، پارچه ای نخی مربوط به سده نخست میلادی است. در سال ۱۸۹۸ میلادی یک شهروند اهل تورین برای نخستین بار از این پارچه عکس گرفت. با بررسی و دقت در نگاتیو عکس، در تار و پود این پارچه، چهره اسرارآمیز یک قربانی باستانی شکنجه کشف شد که زخم های او دقیقاً مطابق با گزارش های انجیل بود.

» **۱۰۷** پدیده مرگ و رستاخیز مسیح، قلب مسیحیت، مرکز ثقل ایمان ما و قوای محرکه قدرتمندی برای اعتماد ما است، همچون بادی نیرومند که همه هراس ها و نایمینی ها، تردیدها و محاسبات بشری را می زداید. بنديکت شانزدهم، ۲۰۰۶/۱۰/۱۹

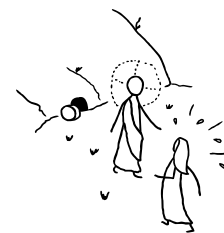
» **۱۰۸** کسی که با فصح آشنا باشد، قادر به تردید و وزیدن نیست.

دیتریش بُنهوفر  
(۱۹۰۶-۱۹۴۵، الهیات شناسی انجیلی و جزو نیروهای مقاومت علیه هیتلر که در بازداشتگاه فلوسنبورگ کشته شد)



» محبت خدا، درخشان می‌وزد، روح القدس همانند صاعقه‌ای شب هر انسانی را در می‌نوردد. در این گذر، مسیح رستاخیز کرده تو را در برمی‌گیرد و هر باری را که تاب نیاوردنی باشد، به دوش می‌کشد. تازه به دنبال آن و گاه مدت‌ها بعد، این بر تو روشن می‌شود: مسیح بود که وارد شد و از سرشاری خود بر تو بخشید.

برادر روژه شوتس



✚ عیسی بدو گفت: «ای مریم!» او برگشته، گفت: «ربوبنی (یعنی ای معلم)»

یو، ۲۰، ۱۶

ایشان تا امروز باقی هستند، اما بعضی خوابیده اند» (اقر، ۱۵، ۳-۶). پولس رسول در اینجا از روایت زنده‌ای گزارش می‌دهد که در جمع ایمانداران نخستین در کلیسا یافته بود، هنگامی که دو یا سه سال پس از مرگ و رستاخیز مسیح، خود نیز ایمان آورد و مسیحی شد. بر مبنای ملاقات تکان دهنده اش با خدای برخاسته از مرگ. نخستین نشانه از واقعیت داشتن رستاخیز مسیح را شاگردان با رو در رو شدن با قبر خالی دریافتند (لو، ۲۴، ۵-۶). این دقیقاً زنان بودند. طبق قوانین آن زمان، شهادت زنان اعتباری نداشت. که این نکته را کشف کردند. به رغم آن که درباره یوحنا ← رسول گفته می‌شود که در حاشیه قبر خالی گفت: «دید و ایمان آورد» (یو، ۲۰، ۸ب)، قطعیت درباره این که عیسی می‌زید، تنها پس از رویت های فراوان حاصل شد. ملاقات های مکرر با عیسای قیام کرده از مردگان، با عروج مسیح به آسمان پایان یافت. اما پس از آن و تا به امروز نیز، ملاقات هایی با خدای زنده صورت گرفته و می‌گیرد که یک نکته را نشان می‌دهد: عیسی مسیح زنده است.

۱۰۷ آیا عیسی با رستاخیزش، دوباره به آن وضعیت جسمی بازگشت که به هنگام زندگی زمینی اش داشت؟

خداوند قیام کرده از مردگان، اجازه داد که یاران او را لمس کنند، او با آنان غذا خورد و جای زخم های ناشی از رنج هایش را به آنان نشان داد. با این حال، جسم او دیگر نه فقط نه زمین، بلکه به گستره الهی پدر تعلق داشت [۶۴۵-۶۴۶].

مسیح قیام کرده از مردگان که زخم های آن مصلوب را بر بدن دارد، دیگر به مکان و زمان وابسته نیست. او می‌توانست از درهای بسته بگذرد و در مکان هایی گوناگون و با ظاهری بر شاگردانش ظاهر شود که آنان نمی‌توانستند او را به شکل مستقیم بشناسند. پس رستاخیز او، بازگشتی دوباره به زندگی زمینی معمولی اش نبود، بلکه ورود به یک شیوه نوین از هستی بود. «ما می‌دانیم که مسیح پس از مرگ زنده شد و دیگر هرگز نخواهد مرد و مرگ بر او تسلطی نخواهد داشت» (روم، ۶، ۹).

۱۰۸ رستاخیز مسیح چه دگرگونی هایی در جهان پدید آورد؟ از آنجا که با مرگ، دیگر همه چیز به پایان نمی‌رسد، شادی و امید وارد جهان شد. پس از این که «مرگ دیگر قدرتی بر مسیح نداشت» (روم، ۶، ۹)، دیگر قدرتی نیز بر ما که به عیسی تعلق داریم، نخواهد داشت [۶۵۵، ۶۵۸].

۱۰۹ عبارت «عیسی به آسمان عروج کرد» به چه معناست؟

با مسیح، در واقع یکی از ما نزد خدا رسیده و برای همیشه آنجاست. خدا با پسرش به ما انسان ها به شکلی انسانی نزدیک است. علاوه بر آن، عیسی در انجیل یوحنا چنین می‌گوید: «و هر گاه من از روی زمین بالا بروم، همه را به سوی خود خواهم کشید.» (یو، ۱۲، ۳۲) [۶۵۹-۶۶۷].

در ← عهد جدید، صعود مسیح به آسمان، نشانی بارز از پایان دوره ای چهل روزه از نزدیکی ویژه مسیح رستاخیز کرده به شاگردانش به شمار می‌رود. در پایان این دوره، مسیح با کمال انسانیت خود وارد جلال خداوند می‌شود. کتاب مقدس برای به بیان این مفهوم، تمثیل های «ابر» و «آسمان» را به کار می‌برد. پاپ بندیکت شانزدهم می‌گوید:

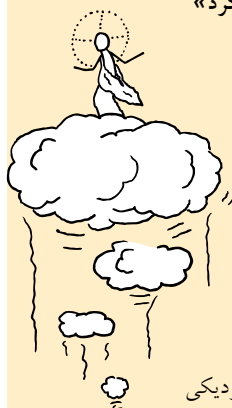
«انسان در خداوند، مکان می‌یابد». عیسی مسیح در حال حاضر در نزد خدای پدر است، مکانی که روزی دوباره از آنجا باز خواهد گشت «تا میان زندگان و مردگان، داوری کند». صعود مسیح به آسمان یعنی عیسی دیگر بر زمین قابل رویت نیست، اما به رغم آن، حضور دارد و در اینجاست.

۱۱۰ چرا عیسی مسیح سرور و خداوند تمام جهان است؟

عیسی مسیح سرور و خداوند جهان و سرور و خداوند تاریخ است، زیرا همه چیز برای او آفریده شده است. همه انسان ها به دست او نجات یافته اند و او همه را داوری خواهد کرد [۶۶۸-۶۷۴، ۶۸۰].

» آن که مژده فصح را شنیده است، نمی‌تواند با چهره ای غمگین اینجا و آنجا ظاهر شود و به حیات بی نشاط انسانی ادامه دهد که امیدی ندارد.

فریدریش شیللر (۱۷۵۹-۱۸۰۵، شاعر و نمایشنامه نویس آلمانی)



✚ «ای مردان جلیلی چرا ایستاده، به سوی آسمان نگرانید؟ همین عیسی که از نزد شما به آسمان بالا برده شد، باز خواهد آمد به همین طوری که او را به سوی آسمان روانه دیدید.»

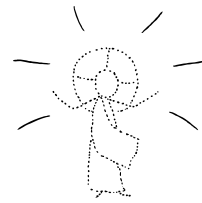
رس، ۱۱، ۱

✚ زیرا که او در همه چیز آفریده شد، آنچه در آسمان و آنچه بر زمین است از چیزهای دیدنی و نادیدنی و تخت ها و سلطنت ها و ریاسات و قوات؛ همه به وسیله او و برای او آفریده شد.

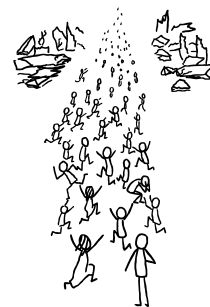
کو، ۱، ۱۶







### ؟ ظهور دوم / پاروسیا (واژه یونانی به معنای حضور شخصی) به بازگشت شخص مسیح در روز قیامت گفته می شود.



و دل های مردم ضعف خواهد کرد از خوف و انتظار آن وقایعی که بر ربع مسکون ظاهر می شود، زیرا قوای آسمان متزلزل خواهد شد... و چون ابتدای این چیزها بشود، راست شده، سرهای خود را بلند کنید از آن جهت که خلاصی شما نزدیک است.

لو، ۲۱، ۲۶ و ۲۸

» خدا هیچ روح و روانی را از خود نمی تاراند، بلکه آنها خودشان خود را می تاراند؛ هر روحی برای خود به منزله محکمه است.

یاکوب بومه (۱۵۷۵-۶۲۲)، عارف و باورمند به اندیشه همه خدایی

او در جایگاهی نزد ما، تنها کسی است که پیش روی او زانو می زینم و او را ستایش می کنیم؛ او در نزد ما و در مقام سر کلیسایی است که در آن ملکوت خداوند از هم اکنون آغاز شده است؛ او پیش روی ما و در مقام خداوند تاریخ است که در او به شکل قطعی بر قدرت های تاریخ پیروزی حاصل شد و سرنوشت جهان بنا به نقشه خدا در آن تکمیل گشت؛ او با جلال و شکوه به پیشواز ما می آید، در روزی که نمی شناسیم تا جهان را تازه و تکمیل سازد. نزدیکی او را بویژه می توان در کلام خدا، در شرکت در «آیین های فیض بخشش» در رسیدگی به فقرا، و در آنجا یافت که «دو یا سه نفر به نام من جمع شده اند» (بنا به مت، ۱۸، ۲۰) ← ۱۵۷، ۱۶۳.

### ۱۱۱ پایان جهان چگونه خواهد بود؟

هنگامی که جهان به پایان برسد، مسیح می آید - به گونه ای که برای همگان قابل رویت باشد [۶۷۵-۶۷۷].

فجایع تکان دهنده (لو، ۱۸، ۸؛ مت، ۲۴، ۳-۱۴) که در کتاب مقدس اعلام می گردد: شرارتی که خود را آشکارا نشان می دهد و آزمایش ها و تعقیب هایی که ایمان عده بسیاری را به بوته آزمایش می گذارند - همه اینها فقط وجه تیره واقعیت جدید هستند: پیروزی نهایی خداوند بر شر قابل رویت می گردد. جلال خداوند، حقیقت و عدالت الهی با پرتو درخشان خود پدیدار خواهند گشت. با آمدن مسیح «آسمانی نوین و جهانی نوین» پدید خواهد آمد. «او تمام اشک ها را از چشمانشان پاک خواهد کرد: دیگر نه مرگی خواهد بود، نه غمی و نه ناله ای و نه دردی. زیرا هر چه قبلا بود دیگر از بین رفت» (مکا، ۲۱، ۲ و ۴) ← ۱۶۴.

### ۱۱۲ مسیح بر ما و تمام جهان چگونه داوری می کند؟

حتی مسیح نمی تواند به کسی که نمی خواهد از محبت چیزی بداند، کمک کند؛ او خود، خویشتن را داوری می کند [۶۷۸-۶۷۹، ۶۸۱-۶۸۲].

از آنجا که عیسی «راه، راستی و زندگی است» (یو، ۱۴، ۶)، در وجود او نشان داده می شود که چه چیز در نزد خدا تداوم می یابد و چه چیز تداوم نمی یابد. براساس زندگانی او در مقام یک معیار، حقیقت کامل همه انسان ها، چیزها، اندیشه ها و رویدادها آشکار می گردد ← ۱۵۷، ۱۶۳.

## فصل سوم

### من ایمان دارم به روح القدس

### ۱۱۳ «من به روح القدس ایمان دارم» به چه معناست؟

ایمان به روح القدس یعنی پرسنش او در مقام خدا، همچون پرسش پدر و پسر. این یعنی ایمان به این که روح القدس به قلب ما می آید تا به عنوان فرزندان خدا، پدر آسمانی مان را بشناسیم. ما می توانیم به کمک روح خدا، چهره جهان را دگرگون سازیم [۶۸۳-۶۸۶].

عیسی پیش از مرگش به شاگردان وعده داد در هنگام غیابش، برای آنان «پشتیبان دیگری» (یو، ۱۴، ۱۶) بفرستد. هنگامی که روح القدس بر شاگردان کلیسای نخستین جاری شد، آنان دریافتند که منظور عیسی چه بوده است. آنان احساس امنیت و شادی ژرفی در ایمان کردند و «عطایای روحانی ویژه ای دریافت کردند، یعنی توانستند نبوت کنند، شفا دهند و معجزه کنند. تا به امروز نیز اشخاصی در کلیسا هستند که از چنین عطایایی برخوردار هستند و تجربیات مشابهی دارند.» ← ۳۱۰-۳۱۱، ۳۵-۳۸.

### ۱۱۴ روح القدس در زندگی عیسی چه نقشی بازی می کند؟

بدون روح القدس نمی توان عیسی را درک کرد. در زندگی عیسی حضور روح خدا که ما آن را روح القدس می نامیم، به گونه ای منحصر به فرد مشهود بود [۶۸۹-۶۹۱، ۷۰۲-۷۳۱].

این روح القدس بود که عیسی را در بطن مریم زندگی بخشید (مت، ۱، ۱۸)، او را در مقام پسر عزیز خدا اعتبار بخشید (لو، ۴، ۱۶-۱۹)، او را هدایت کرد (مر، ۱، ۱۲) و تا به آخر به او زندگی بخشید (یو، ۱۹، ۳۰). عیسی بر صلیب، روح را واگذار کرد. او پس از ستاخیزش روح القدس را به یارانش اهداء کرد (یو، ۲۰، ۲۰) به این ترتیب بود که روح عیسی بر کلیسایش جاری گشت: «همان گونه که پدر مرا فرستاد، من هم شما را می فرستم» (یو، ۲۰، ۲۱).

### ؟ عطایای روحانی CHARISMS

(برگرفته از واژه یونانی charis به معنای جلال، عطیه، مرحمت، هدیه) به عطایای فیض روح القدس گفته می شود، برای نمونه در آیه ۶ و دنباله آن در باب ۱۲ از رساله اول به قرنتیان: عطایای شفا دادن، قوای معجزه، نبوت، سخن گفتن به زبان ها و عطیه تفسیر آنها، حکمت، شناخت، عطیه ایمان، و غیره. هفت عطیه روح القدس نیز جزو این عطایا هستند؛ اینها عطایای ویژه رهبری، مدیریت، محبت به همسوع و بشارت ایمان هستند.

» کسی که تمنای «بیا ای روح القدس» را دارد، باید آمادگی این تمنا را نیز داشته باشد: «بیا و مزاحم من شو، هرگاه که لازم باشد، برای من مزاحمت ایجاد شود.»

ویلم شلین (۱۸۸۳-۱۹۷۵)، الهیات شناس انجیلی

» او ما را تشویق می کند، با دیگران ملاقات کنیم، او آتش محبت را در ما شعله ور می سازد و ما را به میشربن محبت خدا بدل می کند.

بندیکت شانزدهم، درباره روح القدس، ۲۰/۰۷/۲۰۰۷







» در عیسی مسیح خدا انسان شد و به ما اجازه داد نظری به باطن خدا ببیند. ما در آنجا چیزی به کل نامنتظره می بینیم: خدای پر رمز و راز، یک انزوای بی انتها نیست؛ او رخداد محبت است. پسری وجود دارد که با پدر صحبت می کند. و هر دوی آنها در روح یکی هستند که به اصطلاح، حال و هوای اهداء کردن و محبت نشان دادن است، روحی که از آنان خدایی واحد می سازد.

بندیکت شانزدهم، جشن شب پنجاهه، سال ۲۰۰۶

### ۱۱۵ روح القدس با چه اسامی و نشانه هایی ظاهر می شود؟

روح القدس در شکل یک کبوتر بر عیسی نازل شد. مسیحیان نخستین، روح القدس را همانند مرهمی شفا بخش، همانند آب حیات، همانند توفانی خروشان یا آتش شعله ور تجربه کردند. عیسی مسیح خود از پشتیبان، تسلی دهنده، آموزگار و روح راستی سخن می گوید. در «آیین های فیض بخش کلیسا، روح القدس از راه دستگذاری و تدهین با روغن تقدیم می گردد» [۶۹۱-۶۹۳].

پیمان صلحی که خدا با انسان ها پس از توفان نوح منعقد کرد، با ظهور کبوتر خود را نمایان ساخت. حتی بی دینان دوران کهن نیز کبوتر را نماد عشق و محبت می دانستند. بنابراین مسیحان نخستین بزودی متوجه شدند که چرا روح القدس، این محبت خود خدا، هنگامی که عیسی در رود اردن تعمید می گرفت، به شکل یک کبوتر بر او فرود آمد. امروزه نیز کبوتر در سراسر جهان نشانه صلح و یکی از بزرگ ترین نمادهای آشتی انسان با خداست (رجوع کنید به پی، ۸، ۱۰-۱۱).

### ۱۱۶ «روح القدس به واسطه پیامبران سخن گفته است» یعنی چه؟

خداوند در عهد عتیق نیز مردان و زنانی را از روح سرشار ساخت تا آنان در راه خدا ندا سردهند. به نام خدا سخن بگویند، و قوم را برای آمدن مسیح آماده سازند [۶۸۳-۶۸۸، ۷۰۲-۷۲۰].

خدا در عهد عتیق مردان و زنانی را انتخاب کرد که حاضر بودند از سوی او به تسلی دهندگان، رهبران و هشدار دهندگانی برای قوم خود تبدیل گردند. این روح خدا بود که از دهان اشعیا، ارمیا، حزقیال و دیگر پیامبران سخن گفت. یحیای تعمید دهنده که آخرین این پیامبران است، فقط آمدن مسیح را پیشگویی نکرد. او همچنین مسیح را ملاقات و ظهور او را در مقام نجات دهنده از قدرت گناه اعلام کرد.

### ۱۱۷ روح القدس چگونه توانست در، به همراه و از راه مریم عمل کند؟

مریم در قبال خدا، تماماً گوش شنوا و روی گشاده داشت (لو، ۱، ۳۸). به این ترتیب بود که او توانست از راه عملکرد روح القدس، «مادر خداوند» گردد و در مقام مادر مسیح، مادر تمام مسیحان و بلکه مادر کل بشریت شود [۷۲۱-۷۲۶].

مریم، وقوع معجزه معجزه ها را برای روح القدس امکان پذیر ساخت، یعنی: انسان شدن خدا. او به خدا پاسخ مثبت داد: «من کنیز خداوند هستم، طبق کلام تو بر من کرده شود» (لو، ۱، ۳۸). او قدرت یافته توسط روح القدس، همه فراز و نشیب ها را حتی تا پای صلیب با عیسی طی کرد. در آنجا بود که عیسی او را به عنوان مادر به همه ما بخشید (یو، ۱۹، ۲۵-۲۷).

### ۱۱۸ در پنطیکاست چه رخ داد؟

خداوند، پنجاه روز بعد از رستاخیزش، روح القدس را از آسمان بر شاگردانش نازل کرد. زمانه ← کلیسا، آغاز شد [۷۳۱-۷۳۳].

در روز پنطیکاست، روح القدس از رسولانی هراسان، شاهدانی جسور برای مسیح ساخت. در مدت کوتاهی هزاران نفر غسل تعمید گرفتند؛ این لحظه تولد کلیسا بود. معجزه صحبت به زبان های گوناگون در روز ← پنطیکاست نشان می دهد که کلیسا از همان ابتدا به همگان تعلق دارد، یعنی همگانی (universal) (واژه لاتینی برای کلمه یونانی کاتولیک) و بشارتی است. کلیسا همه انسان ها را مخاطب قرار می دهد، مرزهای نژادی و زبانی را زیر پا می گذارد و همه می توانند زبان آن را بفهمند. تا به امروز نیز روح القدس عصاره حیات کلیسا است.

### فرشته در جواب وی گفت: «روح القدس بر تو خواهد آمد و قوت حضرت اعلی بر تو سایه خواهد افکند، از آن جهت آن مولود مقدس، پسر خدا خوانده خواهد شد.»

لو، ۱، ۳۵.

### پنطیکاست/عید پنجاهه PENTECOSTE

(برگرفته از واژه یونانی pentecoste به معنای پنجاهمین [روز] پس از فصح): این روز در واقع جشنی بود که در آن اسرائیل عهد خود با خدا در سینا را جشن می گرفت. به سبب واقعه پنطیکاست در اورشلیم، این روز تبدیل به جشن روح القدس برای مسیحیان گشت.

### و همه از روح القدس پرگشته، به زبان های مختلف به نوعی که روح بدیشان قدرت تلفظ بخشید، به سخن گفتن شروع کردند... پس چون این صدا بلند شد، گروهی فراهم شده، در حیرت افتادند زیرا هر کس لغت خود را از ایشان شنید.

رس، ۲، ۴ و عب



و بسیار چیزهای دیگر نیز دارم به شما بگویم، لکن الان طاقت تحمل آنها را ندارید. و لیکن چون او یعنی روح راستی آید، شما را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد.

یو. ۱۶، ۱۳-۱۱ الف

**ثمرات روح القدس**  
محبت و خوشی و سلامتی و حلم و مهربانی و نیکویی و ایمان و تواضع و پرهیزکاری.  
(غل، ۵، ۲۲-۲۳)

**اعمال جسم**  
بر اساس آیه ۱۹ و ادامه آن در باب ۵ از رساله به غلاطیان به این قرار هستند: زنا و فسق و ناپاکی و فجور، و بت پرستی و جادوگری و دشمنی و نزاع و کینه و خشم و تعصب و شقاق و بدعت ها و حسد و قتل و مستی و لهو و لعب و امثال اینها.

## ۱۱۹ روح القدس در کلیسا چه کار می کند؟

روح القدس ← کلیسا را بنا می کند و به حرکت در می آورد. او ← رسالت کلیسا را به آن یادآوری می کند. او انسان ها را برای خدمت فرا می خواند و عطایای مورد نیاز را به آنان می بخشد. او همواره ما را ژرف تر به سوی اتحاد با خدای سه گانه هدایت می کند [۷۳۳-۷۴۱، ۷۴۷].

حتی اگر در تاریخ درازمدت کلیسا به نظر آید که به کرات «همه روح های نیک، کلیسا را ترک گفته اند»، باز هم، روح القدس به رغم همه اشتباه ها و کاستی های انسانی، در آن در حال عمل است. حیات ۲۰۰۰ ساله کلیسا و قدیسین بسیار در دوره ها و فرهنگ های گوناگون، مدرک اثباتی آشکار از حضور او هستند. این روح القدس است که کل کلیسا را در راستی و حقیقت نگاه داشته است و آن را همواره در شناخت ژرف تر خدا هدایت می نماید. این روح القدس است که در ← آیین های فیض بخش عمل می کند و کتاب مقدس را برای ما زنده تر می سازد. او حتی امروزه نیز عطایای پر فیض خود را به انسان هایی که نسبت به او گشاده رو باشند، می بخشد (← عطاهای فیض بخش) ۲۰۳-۲۰۶.

## ۱۲۰ روح القدس در زندگی من چه کاری انجام می دهد؟

روح القدس آغوش مرا به روی خدا می گشاید؛ او به من دعا کردن را می آموزد و مرا یاری می دهد، برای خدمت و یاری به دیگران حاضر باشم [۷۸۳-۷۹۱].

«مهمان ساکت روح و روان ما» - قدیس آگوستین روح القدس را چنین می نامد. هر کس می خواهد او را حس کند، باید ساکت گردد. اغلب اوقات این روح با صدای بسیار آهسته در ما و با ما سخن می گوید، یعنی با صدای وجدان ما یا با محرکه های درونی و بیرونی دیگر. «معبود روح القدس» بودن یعنی: با تمام روح و جسم خود در اختیار این مهمان باشیم، در اختیار خدا در درون ما. پس بدن ما تا حدودی اتاق نشیمن خداوند است. هر چه بیشتر آغوش خود را به روی روح القدس بگشاییم، او نیز بیشتر آموزگار زندگی ما می گردد، و بیشتر نیز همین امروز ← عطایای روحانی خود را برای بنای کلیسا به ما می بخشد. بدین ترتیب در درون ما بجای ← کارکردهای جسمی، ← ثمره های روح القدس رشد و نمو می کنند

← ۲۹۰-۲۹۱، ۲۹۵-۲۹۷، ۳۱۰-۳۱۱.



## کلیسای کاتولیک

### ۱۲۱ «کلیسا» یعنی چه؟

واژه معادل ← کلیسا به زبان یونانی «اِککلیسیا» **ekklesia** به معنای فراخوانده شدگان است. همه ما که غسل تعمید گرفته ایم و به خدا ایمان داریم، از سوی خدا فراخوانده شده ایم. ما با یکدیگر، کلیسا هستیم. و مسیح، همانطور که پولس رسول می گوید، سر کلیساست. ما بدن او هستیم [۷۴۸-۷۵۷].



وقتی ما در ← آیین های فیض بخش شرکت می کنیم و کلام خدا را گوش می دهیم، مسیح در ماست و ما در او هستیم - این یعنی ← کلیسا. کتاب مقدس، اتحاد شخصی و تنگاتنگ همه تعمید گرفتگان با عیسی را پیوسته با تصاویر جدیدی توصیف می کند: زمانی از قوم خدا سخن می گوید، بار دیگر از عروس مسیح؛ زمانی کلیسا مادر نامیده می شود و گاه خانواده الهی است و یا با جمع میهمانان یک عروسی مقایسه می گردد. کلیسا هرگز یک سازمان خشک و خالی نیست، کلیسا هرگز «کلیسای اداری» نیست که بتوان آن را از سر باز کرد. شاید ما از اشتباهات و ایرادهایی که در کلیسا وجود دارد، ناراحت شویم، اما هرگز نمی توانیم از آن فاصله بگیریم، زیرا خدا تصمیم نهایی و قطعی را برای آن گرفته است و به رغم همه گناهان، از آن دوری نمی جوید. کلیسا، حضور خدا در بین ما انسان هاست. به همین سبب ما باید آن را دوست بداریم.

قدرت درک ما محدود است؛ به همین سبب رسالت روح القدس در این است که کلیسا را همواره از نو، نسل به نسل، به سوی عظمت راز مسیح رهنمون شود.

بنديکت شانزدهم، ۰۷/۰۵/۲۰۰۵

### کلیسا CHURCH

(برگرفته از واژه یونانی **ekklesia**, **ex kaleo** به معنای کلیسا). اشخاصی که از میان همه قوم ها فراخوانده شده اند، آنانی که از راه تعمید، به بدن مسیح تعلق دارند.

او (مسیح) بدن یعنی کلیسا را سر

است.

کو، ۱۸، ۱ الف

کلیسا همانند پیرزنی با چین و چروک فراوان است. اما او مادر من است. و هیچ کس مادر خود را کتک نمی زند.

کارل راتر، الهیات شناس، پس از شنیدن انتقادی نابجا درباره کلیسا





کلیسا، نشان های مقدس عیسی (← آیین های فیض بخش) را ادامه می دهد و کلام عیسی را به دیگران منتقل می کند. از این رو کلیسا، با وجود تمامی ناتوانی هایش، تکه ای قدرتمند از آسمان بر زمین است.

پس رفته همه امت ها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم اب و ابن و روح القدس تعمید دهید و ایشان را تعلیم دهید که همه اموری را که به شما حکم کرده ام حفظ کنند. و اینک من هر روزه تا انقضای عالم همراه شما می باشم.

مت. ۱۹، ۲۸ و ادامه

### ۱۲۴ چرا کلیسا چیزی بیش از فقط یک سازمان است؟

← کلیسا از این رو بیش از یک سازمان است که رازی (← راز) به شمار می رود که همزمان انسانی و الهی است [۷۷۰-۷۷۳، ۷۷۹].

عشق و محبت واقعی فرد را نه نابینا، بلکه بینا می سازد. با نظر به ← کلیسا دقیقاً چنین است: اگر فقط از لحاظ ظاهری به آن بنگریم، کلیسا فقط سازمانی (= موسسه ای) است با بازدهی های تاریخی، و همچنین خطاها و جرم ها - یعنی کلیسای گناهکاران. اما این نگرش به اندازه کافی دقیق نیست. زیرا مسیح آنقدر خود را وقف ما گناهکاران کرد که هیچ گاه کلیسا را ترک نمی کند، حتی اگر ما هر روز به او خیانت کنیم. این ارتباط ناگسستنی میان انسانیت و الوهیت و آمیختگی گناه و فیض، راز و رمز کلیساست. اگر با چشمان ایمان به آن بنگریم، کلیسا به گونه ای نازدودنی مقدس است ← ۱۳۲.

### ۱۲۵ امر منحصر به فرد در قوم خدا کدام است؟

بنیانگزار این قوم، خدای پدر است. رهبر آن عیسی مسیح است. منبع قوت آن، روح القدس است. دروازه ورود به قوم خدا، غسل تعمید است. کرامت آن، آزادی فرزندان خدا است. قانون آن، محبت است. اگر این قوم وفادار بماند و پیش از هر چیز جویای ملکوت خدا باشد، جهان را دگرگون خواهد ساخت [۷۸۱-۷۸۶].

در میان تمامی قوم های زمین، قومی وجود دارد که شبیه هیچ قوم دیگری نیست. این قوم در هیچ زیرمجموعه ای جز خدا قرار نمی گیرد. این قوم باید همانند نمکی باشد که مزه می دهد، مانند خمیر مایه ای که در همه چیز نفوذ می کند، مانند نوری که تاریکی را می تاراند. آنکه به قوم خدا تعلق دارد، باید این نکته را مد نظر داشته باشد که با مخالفت علنی مردمی روبرو خواهد شد که وجود خدا را انکار می کنند و به فرمان هایش بی توجه هستند. اما در آزادی متعلق به فرزندان خدا، نباید از هیچ چیز، حتی از مرگ هراسید.



### ۱۲۲ خدا برای چه کلیسا را می خواهد؟

خدا ← کلیسا را می خواهد، زیرا او نمی خواهد ما را تک تک، بلکه به طور مشترک نجات دهد. او می خواهد کل بشریت را به قوم خود بدل سازد [۷۵۸-۷۸۱، ۸۰۲-۸۰۴].

هیچ فردی که خارج از ضوابط اجتماعی زندگی کند، به ملکوت وارد نمی شود. کسی که فقط به فکر خود و نجات روح خود است، خارج از ضوابط اجتماعی زندگی می کند. این موضوع هم در آسمان و هم بر زمین غیر ممکن است. خدا خود نیز غیر اجتماعی نیست؛ او وجودی تنها و خودبسنده نیست. خدای سه گانه، به خودی خود «اجتماعی» است، یک اتحاد و تبادل ابدی محبت. انسان نیز بر مبنای الگوی خدا، برای ایجاد رابطه، تبادل نظر، مشارکت و محبت ساخته شده است. ما همگی نسبت به یکدیگر مسئول هستیم.

### ۱۲۳ وظیفه کلیسا چیست؟

وظیفه ← کلیسا این است که بذر ملکوت خدا را که با عیسی آغاز شده است، در بین تمام قوم ها بکارد و رشد دهد [۷۶۳-۷۶۹، ۷۷۴-۷۷۶، ۷۸۰].

عیسی به هر کجا که قدم می گذاشت، در آنجا آسمان زمین را لمس می کرد: ملکوت خدا آغاز می گشت، ملکوت صلح و صفا و عدالت. ← کلیسا، به این ملکوت الهی خدمت می کند. کلیسا خود به منزله هدف نیست، بلکه باید آنچه را که با عیسی آغاز شده است، ادامه دهد. کلیسا باید به گونه ای عمل کند که عیسی عمل می کرد.

پس خداوند به قاتن گفت: «برادرت هابیل کجاست؟» گفت: «نمی دانم، مگر پاسبان برادرم هستم؟»

پی. ۹، ۴

ما باید با یکدیگر سعادت‌مند گردیم. ما باید با یکدیگر نزد خدا برسیم و با یکدیگر در حضور او حاضر شویم. هیچ کدام از ما نباید بدون دیگری با خدای نیک ملاقات کند. اگر یکی از ما بدون دیگران بازگردد او چه خواهد گفت؟

شارل بگی (شاعر فرانسوی، ۱۸۷۳-۱۹۱۴)

چنانکه پدر مرا فرستاد، من نیز شما را می فرستم. یو، ۲۰، ۲۱





و هر کاری را بدون همهمه و مجادله بکنید تا بی عیب و ساده دل و فرزندان خدا بی ملامت باشید، در میان قومی کج رو و گردنکش که در آن میان چون نیرها در جهان می درخشید.

فیل، ۱۵-۱۴، ۲

» مسیح و کلیسا را دوست داشتن، این هر دو یکی است.

برادر روزه شوتس

» آیا منظورت این است که ضعف های کلیسای باعث می شود مسیح آن را ترک کند؟ ترک کردن کلیسا به آن می ماند که او بدن خود را ترک کرده باشد.

الدر کامارا  
(۱۹۰۹-۹۹، اسقف برزیلی)

» و معبد خدا را با بت ها چه موافقت؟ زیرا شما معبد خدای حی می باشید، چنانکه خدا گفت که «در ایشان ساکن خواهیم بود و در ایشان راه خواهیم رفت و خدای ایشان خواهیم بود و ایشان قوم من خواهند بود».

قر، ۱۶، ۶

### ۱۲۶ «کلیسا بدن مسیح است» یعنی چه؟

بیش از هر چیز در «آیین های فیض بخش غسل تعمید و آیین سپاسگزاری، ارتباطی ناگسستنی میان عیسی مسیح و مسیحیان ایجاد می گردد. این ارتباط چنان قوی است که او و ما را همانند سر و اعضای یک بدن به هم پیوند می زند و به یک تن واحد تبدیل می کند [۷۸۷-۷۹۵]» ← ۱۴۶، ۱۷۵، ۲۰۰، ۲۰۸، ۲۱۷.

### ۱۲۷ «کلیسا عروس مسیح است» یعنی چه؟

عیسی مسیح به کلیسا ← عشق می ورزد، درست همان گونه که داماد به عروس عشق می ورزد. او برای همیشه خود را با آن پیوند می زند و جانش را برای آن قربانی می کند [۷۹۷].

کسی که یک بار عاشق بوده باشد، می تواند حدس بزند که عشق چیست. عیسی این را می داند و خود را دامادی می نامد که با عشقی سرشار از عروسش خواستگاری کرده است و می خواهد با او جشن عشق و محبت را برگزار کند. عروس او ما هستیم، یعنی «کلیسا». حتی در «عهد عتیق نیز عشق و محبت خدا نسبت به قومش با عشق و محبت بین زن و مرد مقایسه شده است. هنگامی که عیسی از هر یک از ما خواستگاری می کند، آیا اغلب پیش نمی آید که او به قول معروف نگون بختانه عاشق کسانی می گردد که مایل نیستند از عشق او چیزی بدانند و به آن پاسخ بدهند؟

### ۱۲۸ «کلیسا معبد روح القدس است» یعنی چه؟

← کلیسا مکانی در جهان است که روح القدس در آن به طور کامل حضور دارد [۷۹۷-۸۰۱، ۸۰۹].

قوم اسرائیل خدا را در معبد پرستش می کرد. این معبد دیگر وجود ندارد. به جای آن «کلیسا ایجاد شده است که وابسته به مکانی خاص نیست.» «هر جا که دو یا سه نفر به نام من جمع شوند، من آنجا در میان آنها هستم» (مت، ۱۸، ۲۰). آنچه کلیسا را زنده می کند، روح مسیح است: او در کلام کتاب مقدس ساکن است و در نشانه های مقدس «آیین های فیض بخش حضور دارد. او در قلب ایمانداران ساکن است و از بطن دعاهاى آنان سخن می گوید. او آنان را هدایت می کند و به آنان هدایایی می بخشد (عطایای فیض بخش)- عطایایی ساده و همچنین فوق العاده. کسی که خود را به روح القدس بسپارد، می تواند امروز نیز معجزات بزرگی را تجربه کند

← ۱۱۳-۱۲۰، ۲۰۳-۲۰۵، ۳۱۰-۳۱۱

من ایمان دارم... به کلیسای یکتا، مقدس، همگانی و رسولی

### ۱۲۹ چرا فقط می تواند یک کلیسا وجود داشته باشد؟

همانطور که فقط یک مسیح وجود دارد، پس فقط هم ممکن است که یک بدن مسیح، یک عروس مسیح، یعنی تنها یک «کلیسای واحد برای عیسی مسیح وجود داشته باشد. او سر است، و کلیسا بدن است. آنان با یکدیگر «کل مسیح» را تشکیل می دهند (به گفته آگوستین). همان گونه که یک بدن اعضای بسیاری دارد، اما فقط یک بدن است، کلیسای واحد نیز از کلیساهای کوچک متعدد تشکیل می شود (حوزه های اسقف نشین) [۸۱۱-۸۱۶، ۸۶۶، ۸۷۰].

عیسی کلیسایش را بر زیربنایی به نام «رسولان بنا کرد. این زیربنا تا به امروز حامل کلیساست. ایمان رسولان، به رهبری و هدایت پطرس که «سران را در محبت هدایت می کند» (به گفته ایگناتیوس اهل انطاکیه)، در «کلیسا نسل به نسل انتقال داده شده است. همچنین آیین های فیض بخش که عیسی به مجمع رسولان سپرده است، هنوز هم با قوای نخستین خود عمل می کنند» ← ۲۵.

### ۱۳۰ آیا مسیحیان غیر کاتولیک هم برادران و خواهران ما هستند؟

همه تعمید شدگان به «کلیسای عیسی مسیح تعلق دارند. از این رو، تعمیدگرفتنی هم که خود را از مشارکت کامل با کلیسای کاتولیک، یعنی مکانی که در آن کلیسای عیسی مسیح تداوم دارد، مجزا احساس می کنند، به حق مسیحی نامیده می شوند و از این رو، خواهران و برادران ما هستند [۸۱۷-۸۱۹].

جدایی ها در یک کلیسای واحد متعلق به مسیح، به دلیل تحریف هایی در آموزه مسیح، خطاهای انسانی و کمبود آمادگی برای آشتی در کلیسا ایجاد شده اند - اغلب نیز در میان نمایندگان هر دو طرف. مسیحیان امروزی در انشقاق تاریخی کلیسا قصوری بر گردن ندارند. روح القدس در «کلیساهای جدا شده از کلیسای کاتولیک و دیگر جماعات کلیسایی نیز در راه نجات انسان ها عمل می کند. همه عطایای موجود در آنجا، برای نمونه کتاب مقدس، آیین های فیض بخش، ایمان، امید، محبت، و «عطایای روحانی دیگر، از مسیح منشاء می گیرند. هر جا که روح مسیح زندگی کند، در آنجا نوعی پویایی درونی برای ایجاد «اتحاد مجدد» وجود دارد، زیرا چیزهایی که به هم تعلق دارند، به رشد و نمو در کنار یکدیگر گرایش دارند.

» اکثر مردم خبر ندارند که اگر خود را در اختیار خدا بگذارند، خدا از آنان چه می تواند بسازد.

قدیس ایگناتیوس لیولا  
(۱۲۹۱-۱۵۵۶، بنیانگذار انجمن یسوعیان)

» یک جسم هست و یک روح، چنانکه نیز دعوت شده اید در یک امید دعوت خویش. یک خداوند، یک ایمان، یک تعمید؛ یک خدا و پدر همه که فوق همه و در میان همه و در همه شما است.

اف، ۴-۶

» به سبب برتری ویژه این کلیسا [کلیسای رم]، باید کلیساهای دیگر، یعنی ایمانداران سراسر جهان، خود را با آن هماهنگ کنند، چرا که در این کلیسا سنت رسولان همواره حفظ شده است.

ایرنیوس اهل لیون



## ❓ کلیسا و جماعت های کلیسایی

بسیاری از جماعت های مسیحی در جهان بر خود کلیسا نام می نهند. بنا به برداشت کاتولیک، «کلیسا» تنها آنجایی است که آیین های فیض بخش عیسی مسیح به شکل کامل در آن حفظ شده باشد. این بیش از هر چیز درباره کلیساهای ارتدکس و شرقی مصداق دارد. در «جماعت کلیسایی» که برآمده از جنبش اصلاحات کلیسایی هستند، آیین های فیض بخش به شکل کامل حفظ نشده اند.

## ❓ جنبش همایی کلیسا ECUMENISM

(برگرفته از واژه یونانی *oikumene* به معنای کره مسکون، کره زمین): تلاش هایی برای ایجاد اتحاد و همایی میان مسیحیان دستخوش جدایی و تفرقه.



عیسی چون این را گفت، چشمان خود را به طرف آسمان بلند کرده، گفت... تا همه یک گردند چنانکه تو ای پدر، در من هستی و من در تو، تا ایشان نی در ما یک باشند تا جهان ایمان آرد که تو مرا فرستادی.

یو، ۱۷، ۲۱ و

## ❓ ۱۳۱ برای اتحاد کلیسا باید چه کنیم؟

ما باید در کلام و در کردار به آن مسیحی گوش دهیم که خواسته واضح او این است «که همه باهم یکی گردند» (یو، ۱۷، ۲۱) [۸۲۰-۸۲۲].

مسیحیان چه پیر و چه جوان باشند، موضوع اتحاد مسیحان به همه آنان مربوط می گردد. اتحاد یکی از مهم ترین خواسته های مسیح بود. او خطاب به پدر چنین دعا کرد: «همه باید با هم یکی باشند... تا دنیا ایمان آورد که تو مرا فرستاده ای» (یو، ۱۷، ۲۱). جدایی ها همانند زخم هایی بر بدن مسیح هستند، آنها دردناک و چرکین هستند. جدایی ها به دشمنی ها می انجامند و ایمان و اعتبار مسیحیان را تضعیف می سازند. برای این که رسوایی این جدایی از جهان پاک گردد، باید هر دو طرف توبه و به سوی خدا بازگشت کنند. همچنین لازم است، نسبت به باورهای ایمانی یکدیگر و اختلاف های آنها با یکدیگر، شناخت داشته باشیم، اما پیش از هر چیز، نیایش مشترک و خدمت مشترک مسیحیان به انسان ها است که اهمیت دارد. مسئولان کلیسایی نباید اجازه دهند که گفت و گوهای الهیات شناختی متوقف شود.

## ❓ ۱۳۲ چرا کلیسا مقدس است؟

← کلیسا به این دلیل مقدس نیست که برای نمونه همه اعضای آن مقدس هستند، بلکه از آن رو که خدا، قدوس و در آن در حال عمل است. کلیه اعضای کلیسا به سبب غسل تعمیدشان تقدس یافته اند [۸۲۳-۸۲۹].

هرکجا که اجازه دهیم، خدای سه گانه ما را لمس کند، در محبت رشد می کنیم و تقدس و شفا می یابیم. کسانی که مقدس هستند، کسانی هستند که محبت می ورزند- نه به این سبب که آنان خوب می توانند این کار را انجام دهند، بلکه از آن رو که خدا آنان را لمس کرده است. آنان آن محبتی را که از سوی خدا دریافت کرده اند، به دیگران منتقل می کنند، آن هم اغلب به روش ویژه و خاص خودشان. آنان با رسیدن به خدا، کلیسا را نیز تقدس می بخشند، زیرا «بهشت خود را صرف آن می کنند» که از ما در مسیر رسیدن به ← تقدس پشتیبانی کنند. [۱۲۴]

## ❓ ۱۳۳ چرا کلیسا کاتولیک نامیده می شود؟

«کاتولیک» (به یونانی *KATHOLON*) یعنی متمایل بودن به کل. ← کلیسا کاتولیک است، زیرا مسیح آن را فراخوانده است تا به کل ایمان اعتراف کند، کل ← آیین های فیض بخش را حفظ و نگهداری کند، آنها را بجای آورد و خبر خوش را به همه بشارت دهد. و مسیح، کلیسا را نزد همه قوم ها فرستاد [۸۳۰-۸۳۱، ۸۴۹-۸۵۶].

## ❓ ۱۳۴ چه کسی به کلیسای کاتولیک تعلق دارد؟

کسانی به جماعت کامل کلیسای کاتولیک تعلق دارند که در اتحاد با ← پاپ و ← اسقف ها و از راه اقرار ایمان کاتولیکی و شرکت در ← آیین های فیض بخش، خود را با عیسی مسیح پیوند زنند [۸۳۶-۸۳۸].

خداوند خواهان فقط یک کلیسا برای همه بود. متأسفانه ما مسیحیان نسبت به این آرزوی مسیح بی وفایی نشان دادیم. به رغم آن، همه ما هم اکنون نیز به واسطه ایمان و غسل تعمیدمان پیوندی ژرف با یکدیگر داریم.

## ❓ ۱۳۵ کلیسا چه مناسباتی با یهودیان دارد

یهودیان «برادران و خواهران بزرگ تر» مسیحیان هستند، زیرا خدا ابتدا آنان را دوست داشت و با آنان سخن گفت. این که عیسی مسیح به شکل انسانی اش یک یهودی بود، ما را با یکدیگر پیوند می زند. اما این که کلیسا در عیسی مسیح پسر خدای زنده را می بیند، ما را از هم جدا می سازد. اما همه ما با هم در انتظار آمدن نهایی مسیح، یکی هستیم [۸۳۹-۸۴۰].

ایمان یهودی ریشه ایمان ماست. کتاب مقدس یهودیان که ما آن را ← عهد عتیق می نامیم، بخش نخست کتاب مقدس ما را تشکیل می دهد. تصویر یهودی - مسیحی از انسانی که اصول اخلاق اش از ده فرمان تأثیر گرفته است، بنیانی برای دموکراسی غربی به شمار می رود. باعث شرمندگی است که مسیحیان برای چندین سده نمی خواستند این خویشاوندی با یهودیان را ببپذیرند و با ادله شبهه الهیات شناختی اغلب به آتش تنفری مرگبار نسبت به یهودیان دامن زده اند. به این منظور پاپ ژان پل دوم به مناسبت فرارسیدن سال مقدس ۲۰۰۰ از آنان موکدا طلب بخشش کرد. شورای دوم واتیکان خاطر نشان می سازد که گناهکار شمردن جمعی یهودیان در مرگ مسیح بر صلیب، مجاز نیست [۹۶-۹۷، ۳۳۵].

## ❓ HOLINESS تقدس

این ویژگی نخستین خدا است. در زبان لاتین برای امر الهی، پاکی و هرآنچه بری از امور دنیوی و روزمره باشد، واژه *Fanum* به کار برده می شود. خدا، آن امر به کل متفاوت و آن «قدوس اسرائیل» (اش، ۳۰، ۱۵) است؛ عیسی در مقام «خدای حی» (یو، ۶، ۶۹) به جهان می آید. از وجود اوست که می توانیم دریابیم مقدس به چه معناست: محبت کردن، بی حد و حصر، شفقت آمیز، یاری رسان و شفا بخش تا سرحد کمال بر صلیب و رستاخیز.



و همه چیز را زیر پای های او نهاد و او را سر همه چیز به کلیسا داد که بدن اوست، یعنی پُری او که همه را در همه پر می سازد.

اف، ۲۱، ۲۲ و ادامه





گمان مبرید که  
آمده ام تا تورات یا  
صحف انبیا را باطل سازم.  
نیامده ام تا باطل نمایم بلکه  
تا تمام کنم.

مت، ۱۷، ۵

### ۱۳۶ کلیسا چه نظری نسبت به ادیان دیگر دارد؟

کلیسا به تمام آنچه که در ← ادیان دیگر نیک و حقیقی است،  
حرمت می گذارد. کلیسا به آزادی دین در مقام یکی از حقوق

دین یهود برای ما  
چیزی خارجی نیست، بلکه  
تا حدودی به درون دین ما  
مربوط می شود. رابطه ای  
که ما با این دین داریم، با  
هیچ دین دیگری نداریم.  
شما برادران برگزیده ما  
هستید، به گونه ای که می  
توان تاحدودی گفت که شما  
برادران بزرگ تر ما هستید.

ژان پل دوم در دیدار از کنیسه  
اعظم رم، سال ۱۹۸۶

انسانی، توجه نشان و آن را ترویج می دهد. به رغم آن، کلیسا می  
داند که عیسی مسیح تنها منجی کل بشر است. تنها او «راه و راستی  
و حیات است» (یو، ۱۴، ۶) [۸۴۱-۸۴۵، ۸۴۶-۸۴۸].

هر که در جستجوی خداست، به ما مسیحان نزدیک است.  
درجه مخصوصی از «مشابهت» با مسلمانان وجود دارد. اسلام نیز  
همانند یهودیت و مسیحیت جزو ← ادیان یکتاپرست است  
(← یکتاپرستی). مسلمانان نیز خدای آفریننده و ابراهیم را به  
عنوان پدر ایمانشان، احترام و تجلیل می کنند. عیسی از نظر قرآن،  
پیامبری بزرگ است؛ مریم، مادر او، مادر یک پیامبر به شمار می رود.  
کلیسا این آموزش را ترویج می دهد که همه کسانی که بدون تقصیر  
شخصی، مسیح و کلیسایش را نمی شناسند، اما صادقانه خدا را می  
جویند و از ندای وجدانشان پیروی می کنند، به نجات ابدی دست  
خواهند یافت. اما کسی که به این شناخت رسیده باشد که عیسی  
مسیح «راه، راستی و حیات» است، اما نخواهد او را پیروی کند، نمی  
تواند از راه های دیگر، به نجات دست یابد. منظور از عبارت  
"Extra ecclesiam nulla salus" (بیرون از کلیسا، نجات یافت  
نمی شود) نیز همین است ← ۱۹۹.

### ۱۳۷ به چه دلیل کلیسا را رسولی می نامند؟

← کلیسا رسولی نامیده می شود، زیرا بر ← رسولان بنیان یافته  
است، به روایات آنان تکیه می زند و توسط جانشینان آنان هدایت و



کلیسا هرگز نباید به  
گروه افرادی رضایت دهد  
که یک بار برای همیشه  
گردهم آورده و بگویند  
که اوضاع دیگران - یعنی  
مسلمانان، هندوها و  
دیگران - هم خوب است.  
کلیسا نمی تواند آسوده خیال  
فقط سراغ افراد خود برود.  
دغدغه بابت کل و همه، بر  
عهده کلیسا است.  
بندیکت شانزدهم، ۲۰۰۶/۰۵/۰۷

### دوازده رسول TWELVE APOSTLES

(برگرفته از واژه یونانی  
apostolos به معنای  
رسول، سفیر): «و نام های  
دوازده رسول این است:  
اول شمعون معروف به  
پطرس و برادرش اندریاس؛  
یعقوب بن زبدي و برادرش  
یوحنا؛ فیلیپس و برتولما،  
توما و متای باجگیر؛ یعقوب  
بن حلفی و لیبی معروف  
به تدی؛ شمعون قانونی و  
یهودای اسخربوطی که او را  
تسلیم نمود.»  
(مت، ۱۰، ۲-۴)

### رهبری می شود [۸۵۷-۸۶۰، ۸۶۹، ۸۷۷].

عیسی ← رسولان را در مقام همکاران نزدیک خود فراخواند. آنان  
شاهدان عینی او بودند. او پس از رستاخیزش بارها بر آنان ظاهر شد.  
او روح القدس را به آنان بخشید و آنان را به عنوان سفیران دارای  
اختیار خود به سراسر جهان فرستاد. در کلیسای نوپا، آنان ضامنان  
یکپارچگی بودند. آنان این رسالت و اختیارات خود را از طریق  
دستگذاری به جانشینانشان، یعنی ← اسقف ها منتقل کردند. تا به  
امروز نیز چنین است. به این خط سیر، ← تسلسل رسولی می گویند  
← ۹۲.

### ۱۳۸ کلیسای یکتا، مقدس، همگانی و رسولی چگونه بنا شده است؟

در کلیسا هم ← مسیحیان عام و هم افراد روحانی  
(← روحانیون) یافت می شوند. آنان همگی در مقام فرزندان خدا  
دارای ارزش یکسان هستند. آنان وظایفی هم ارزش، لیکن بسیار  
متفاوت دارند. رسالتی که مسیحیان عام برای انجام آن به جهان  
فرستاده می شوند این است که سراسر جهان را به سوی ملکوت  
خدا هدایت کنند. در کنار آنان، طبقه ای از صاحب منصبان  
(روحانیون) با خدمات مربوط به اداره کلیسا، آموزش و تقدس

### آزادی دین

حق هر انسان برای  
آن که در گزینش و عملکرد  
به دین خود، از وجدانش  
پیروی کند. اما به رسمیت  
شناختن آزادی دین موکدا  
بیانگر آن نیست که همه دین  
ها مساوی هستند و به شکل  
مساوی حقیقت دارند.



## تسلسل رسولی APOSTOLIC SUCCESSION

(برگرفته از واژه لاتین successio به معنای دنباله، پیرو): تسلسل پیگیر اسقفان و جانشینان آنان در مقام اسقفی از زمان رسولان تاکنون. همان گونه که عیسی اختیار تام خود را به رسولان بخشید، این اختیار تام از آن زمان تاکنون از راه دست گذاری و نیایش های ویژه، از اسقفی به اسقف دیگر واگذار می شود تا آمدن ثانوی خداوند ما.

## غیرروحانیون LAY (برگرفته از واژه

یونانی laos به معنای ملت/خلق): جایگاهی عمومی در کلیسا: عده ای از تعمید یافتگان که به خلق خدا تعلق دارند، اما از طریق دست گذاری، رتبه های مقدس را دریافت نداشته اند.

## روحانیت CLERGY (برگرفته از واژه

یونانی kleroi به معنای سهم ها، میراث): جایگاه تدهین یافتگان در فیض های روحانی در کلیسا.

» من بدان فراخوانده شده ام که کاری انجام دهم یا چیزی باشم که دیگری به آن فراخوانده نشده است؛ من در نقشه خدا و بر زمین خدا، جایگاهی دارم که دیگری از آن برخوردار نیست.

سعادت‌مند جان هنری نیومن

بخشی قرارداد شده است. در هر دو رده، مسیحیانی یافت می شوند که با در پیش گرفتن تجرد، فقر و فرمانبری، به شکل ویژه ای خود را در اختیار خدا می گذارند (برای نمونه، روحانیون وقف شده) [۸۷۱-۸۷۶، ۹۳۴، ۹۳۵].

وظیفه هر مسیحی این است که انجیل را با زندگی خود گواهی دهد. اما خدا با هر انسانی راه شخصی او را طی می کند. عده ای را به عنوان غیرروحانی در نظر می گیرد تا در خانواده و با شغل خود در میانه جهان، ملکوت خدا را بنا کنند. برای این منظور در تعمید و استواری همه عطایای لازم روح القدس را به آنان می بخشد. و به برخی دیگر مسئولیت شبانی را می دهد تا قوم او را هدایت کنند، آموزش دهند، و تقدیس کنند. هیچ کس نمی تواند این مسئولیت را به خود بدهد، بلکه این خداوند است که این رسالت را به او می دهد و با تقدیس و تدهین او برای این وظیفه، نیروی الهی خود را توشه راهشان می سازد. به این ترتیب، آنان می توانند به نمایندگی از طرف مسیح عمل کنند و آیین های فیض بخش را به اجرا بگذارند ۲۵۹

## ۱۳۹ رسالت مسیحیان عام چه است؟

رسالت اشخاص عادی و مسیحیان عام این است که در جامعه تعهداتی برعهده گیرند تا ملکوت خدا در میان انسان ها رشد و نمو کند [۸۹۷-۹۱۳، ۹۴۰-۹۴۳].

یک فرد مسیحی عام، مسیحی درجه دوم نیست، زیرا او نیز در کهنات مسیح سهیم است (کهنات همگانی یا مشترک). او مراقب این است که انسان های پیرامون او (در مدرسه، در آموزشگاه، در خانواده و در محل کار) با انجیل و مسیح آشنا و به آن علاقمند گردند. او با ایمان خود، بر جامعه، بر اقتصاد و بر سیاست تأثیر می گذارد. او زندگی کلیسایی را نیز از راه خدمت شماسی و قرائت کلام خدا در مراسم پشتیبانی می کند، خود را به عنوان مدیر گروه های گوناگون در اختیار کلیسا قرار می دهد و در تجمع های کلیسایی (برای نمونه در شورای انجمن شبانی، یا بعنوان هیئت مدیره کلیسا) به خدمت مشغول می شود. بویژه جوانان باید به طور جدی در این زمینه تعمق کنند که خدا آنان را دقیقاً در کجا لازم دارد.

## ۱۴۰ چرا کلیسا سازمانی دمکراتیک نیست؟

پایه و اصل دمکراسی این است: تمامی قدرت از مردم نشأت می گیرد. اما در کلیسا تمام قدرت از مسیح نشأت می گیرد. به این دلیل کلیسا ساختاری سلسله مراتبی دارد. اما مسیح همزمان به کلیسا ساختاری مبتنی بر همکاری نیز می بخشد [۸۷۴-۸۷۹].



## سلسله مراتب [کلیسایی] HIERARCHY

(برگرفته از واژه های یونانی hieros و arche به معنای خاستگاه مقدس): ساختار طبقه بندی شده در کلیسا از شخص مسیح که همه قدرت و اقتدار او نشأت می گیرد تا به دیگران.

## پاپ POPE (برگرفته از واژه

یونانی papas به معنای پدر): جانشین پطرس رسول و اسقف رم. از آنجا که پطرس، در میان رسولان، نخستین بود، پاپ در مقام جانشین او، ریاست مجمع اسقفان را برعهده دارد. او در مقام جانشین مسیح، سرکرده شبانان، کشیش و آموزگار کلیسا است.

## اسقف BISHOP (برگرفته از واژه

یونانی episkopein به معنای نظارت کردن به چیزی): جانشین رسولان؛ سرپرست یک حوزه اسقفی (بخش های واحد از کلیسای کاتولیکی - رومی)؛ اسقف در مقام عضوی از مجمع اسقفان، زیر نظر پاپ، در دغدغه نسبت به کلیسا به عنوان یک کلیت سهیم است.



## ۱۴۱ پاپ چه وظایفی دارد؟

← پاپ به عنوان جانشین پطرس قدیس و سرکرده مجمع اسقفان، منبع و ضامن یکپارچگی کلیسا است. او بالاترین مقام روحانی و بالاترین مرجع قدرت در تصمیم گیری های مربوط به آموزش های کلیسایی و تصویب قوانین است. [۸۸۰-۸۸۲، ۹۳۶-۹۳۷].

عیسی به پطرس جایگاهی ویژه و برتر در میان رسولان داد. این، پطرس را به بالاترین مقام اقتدار در کلیسای نخستین بدل نمود. شهر روم، یعنی شهر کلیسای محلی ای که پطرس آن را رهبری می کرد و محل شهادت او بود، پس از مرگ او تبدیل به کانون جهت یابی باطنی برای کلیسای نوپا گشت. همه جماعات کلیسایی باید با روم



## ؟ شبان/ کشمیش PRIEST

(برگرفته از واژه یونانی presbyteros به معنای سالخورده ترین): دستیار اسقف در بشارت و اجرای آیین های فیض بخش. او همراه با دیگر کشیشان و به رهبری اسقف در جماعت دینی خود، خدمت می کند.

همخوان می بودند، روم معیاری برای ایمان رسولی راستین، کامل و تحریف نشده به شمار می رفت. تا به امروز نیز ← اسقف رم، همانند پطرس، شبان طراز اول آن کلیسایی است که سرکرده راستین آن شخص مسیح است. ← **پاپ** فقط در این نقش، «نایب مسیح بر زمین» است. او در مقام بالاترین مرجع قدرت در امور روحانی و آموزشی، از انتقال ایمان راستین به دیگران پاسداری می کند. او در صورتی که لازم باشد باید مأموریت های آموزشی را ملغی سازد یا صاحب منصبان تقدیس شده را در موارد خطاهای سنگین در مسایل ایمانی و اخلاقی از کار برکنار کند. یکپارچگی در امور ایمانی و اخلاقی که با ← مرجعیت تعلیمی کلیسا با سرکرده آن پاپ، تضمین شده است، دال بر دوام و نفوذ کلیسای کاتولیک است.



» برای من نیایش کنید تا بیا موزم گله او را، شما را، کلیسای مقدس و تک و تک و همگی را همواره بیشتر دوست بدارم. برای من نیایش کنید تا هراسزده از گرگ ها نگریم. برای یکدیگر نیایش کنیم تا خداوند ما را حمل کند و ما از راه او بیاموزیم که یکدیگر را حمل کنیم.

بندیکت شانزدهم، در آغاز خدمت پاپی، ۲۴/۷/۲۰۰۵

## ۱۴۲ آیا اسقفان می توانند در مخالفت با پاپ و پاپ در مخالفت با اسقفان عمل کنند و آموزش دهند؟

← **اسقفان نه در مخالفت با پاپ، بلکه فقط در همراهی با او قادر به عمل و تعلیم هستند. اما بر خلاف آن، پاپ می تواند در موارد کاملاً مشخصی بدون موافقت اسقفان تصمیم بگیرد [۸۸۰-۸۹۰].**

البته ← **پاپ** در تصمیم گیری های خود، به ایمان ← **کلیسا** وابسته است. در واقع در کلیسا یک حس همگانی ایمان وجود دارد: یک باور بنیادی در امور ایمانی، نشأت گرفته از روح القدس که همواره در کلیسا وجود دارد، تاحدودی به مفهوم عقل سلیم کلیسا، یعنی «آنچه همگان همواره و در همه جا به آن ایمان داشته اند» (ونسان مقدس، اهل لرین).

## ۱۴۳ آیا پاپ بر استی «مصون از خطا» است؟

بله. اما ← **پاپ تنها زمانی عاری از خطا سخن می گوید که طی یک اقدام کلیسایی رسمی ("ex cathedra") یک قانون جزمی را اعلام می کند، یعنی هنگامی که تصمیمی الزام آور و ضروری در امور ایمانی و اخلاقی اتخاذ می نماید. همچنین تصمیم های مربوط به امور آموزشی در مجمع اسقفان که با مشارکت پاپ اتخاذ می شوند نیز ممکن است ویژگی خطاناپذیری به خود بگیرند، برای نمونه تصمیم های یک شورای هم آبی کلیسایی [۸۸۸-۸۹۲].**

مصونیت از خطای ← پاپ ربطی به راست کرداری اخلاقی و هوشمندی او ندارد. در واقع این کلیسا است که از خطا مصون است، زیرا عیسی روح القدس را به آن وعده داده است که همواره کلیسا را در حقیقت نگاه داشته و آن را پیوسته ژرف تر به سوی حقیقت پیش می برد. هر گاه یک حقیقت ایمانی مسلم، انکار و یا تحریف شود، این کلیسا است که باید سخن آخر را به شکل قطعی درباره آن که چه چیز درست و چه چیز نادرست است، به زبان آورد. این همان رأی پاپ است. پاپ در مقام جانشین پطرس و ← **اسقف** ارشد، این اقتدار را دارد که حقایق مورد جدل را طبق سنت ایمان در کلیسا به گونه ای شکل دهد که به ایمانداران تمام عصرها به عنوان «ایمان مطمئن» قابل عرضه باشد. این یعنی، پاپ یک حقیقت جزمی کلیسایی را اعلام می کند. از این رو، یک قانون جزمی کلیسایی نمی تواند هیچگاه محتوایی «تازه» داشته باشد. چنین قانون جزمی ای بسیار به ندرت اعلام می گردد. آخرین آن در سال ۱۹۵۰ اعلام شد ← ۱۳.

## ۱۴۴ اسقفان چه تکالیف و وظایفی دارند؟

← **اسقفان** مسئول کلیساهای محلی که به آنان واگذار شده هستند و همچنین در مقابل ← **کلیسا** به طور کلی نیز در مسئولیت ها سهیم هستند. آنان اقتدار و اختیار خود را در مشارکت و همکاری با یکدیگر و به نفع کل کلیسا تحت رهبری ← **پاپ** به اجرا در می آورند [۸۸۶-۸۸۷، ۸۹۳-۸۹۶، ۹۳۸-۹۳۹].

← **اسقفان** باید در درجه اول ← رسول باشند، شاهدان وفادار عیسی که خود شخصاً آنها را نزد خود فراخواند و به میان مردم فرستاد. بدین طریق آنان مسیح را نزد مردم و مردم را نزد مسیح می برند. این اصل بر مبنای بشارت کلام خدا، برگزاری ← **آیین های فیض بخش** و رهبری و هدایت ← **کلیسا**، انجام می شود. اسقف در مقام جانشین رسولان، وظایف خود را با اقتدار رسولی شخصی انجام می دهد؛ او مأمور یا نوعی دستیار برای پاپ نیست. به رغم آن، او همراه با ← **پاپ** و تحت نظر او عمل می کند.

## ؟ رم ROME

به جماعت رم از همان ابتدا به چشم والاترین و کهن ترین کلیسا می نگرستند که «توسط دو تن از شکوهمندترین رسولان، یعنی پطرس و پولس در رم بنیان نهاده شده بود... هر کلیسایی باید به سبب برتری ویژه این کلیسا با آن هماهنگ گردد، ... زیرا در آن پیوسته، سنت رسولان حفظ شده است» (ایرنئوس اهل لیون). این واقعیت که هر دو رسول در رم به شهادت رسیده اند، به جماعت رم، اهمیتی فوق العاده می دهد.

👉 و من نیز تو را می گویم که تویی

پطرس و بر این صخره کلیسای خود را بنا می کنم و ابواب جهنم بر آن استیلا نخواهد یافت. و کلیدهای ملکوت آسمان را به تو می سپارم؛ و آنچه بر زمین ببندی در آسمان بسته گردد و آنچه در زمین پشایی در آسمان گشاده شود.»

مت، ۱۶، ۱۸-۱۹





سواری بین کلیسای  
ECUMENICAL  
COUNCIL

(برگرفته از واژه یونانی  
oikumene به معنای کل  
جهان مسکون): تجمع همه  
اسقفان.

و دوازده نفر را مقرر  
فرمود تا همراه او  
باشند و تا ایشان را به جهت  
و عطف نمودن بفرستد...

مت، ۱۴، ۳.

قوانین جزمی کلیسا  
DOGMA

(برگرفته از واژه یونانی  
dogma به معنای نظر،  
حکم، آموزه): اصلی ایمانی  
که در یکی از شوراهای یا از  
سوی پاپ یا کرسی پاپی در  
مقام وحی الهی بشارت داده  
می شود یا در کتاب مقدس  
یا سنت های روایی موجود  
است.

صادر از سوی  
کرسی پاپی  
EX CATHEDRA

(در زبان لاتین به معنای:  
صادر از کرسی تعلیمی):  
این اصطلاح بیان کننده  
ویژگی خاص حکم تعلیمی  
عاری از خطای پاپ است.

«آنکه شما را شنود،  
مرا شنیده و کسی  
که شما را حقیر شمارد، مرا  
حقیر شمرده و هر که مرا  
حقیر شمارد، فرستنده مرا  
حقیر شمرده باشد».

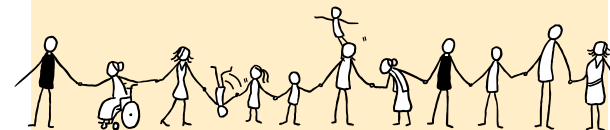
لو، ۱۶، ۱۰.

۱۴۵ چرا عیسی می خواهد، عده ای زندگی خود را برای همیشه  
بر اساس فقر، پاکدامنی در تجرد و اطاعت، بگذرانند

خدا محبت است. اما او مشتاق محبت ما نیز هست. یکی از شکل  
های فداکاری همراه با محبت نسبت به خدا، همانند مسیح زندگی  
کردن است - یعنی، فقیر، پاکدامن و مطیع. کسی که چنین زندگی  
کند، سر و قلب و دستانش برای خدا و هموعانش آزاد است  
[۹۱۴-۹۳۳، ۹۴۴-۹۴۵].

پیوسته انسان هایی هستند که اجازه می دهند، مسیح آنان را کاملاً  
تسخیر کند، به طوری که آنان «بخاطر ملکوت خدا» (مت، ۱۹، ۱۲)  
همه چیز را فدای خدا می کنند، حتی عطایای زیبایی همچون دارای  
شخصی، تصمیم گیری شخصی و عشق زناشویی - چنین زندگی بر  
طبق پندهای انجیل در فقر، پاکدامنی و اطاعت، به همه مسیحیان  
نشان می دهد، که همه چیز فقط این جهان نیست. تازه، ملاقات «رو  
در رو» با داماد الهی است که انسان را سرآخر خوشبخت می کند.

من ایمان دارم به ... اتحاد مقدسین



۱۴۶ «اتحاد مقدسین» یعنی چه؟

همه انسان هایی که امید خود را به مسیح بسته اند و با تعمید، از آن  
او گشته اند، به «اتحاد مقدسین» تعلق دارند، چه در گذشته و چه  
در قید حیات باشند. از آنجا که ما در مسیح، یک بدن هستیم، در  
اتحادی زندگی می کنیم که گستره زمین و آسمان را دربرمی گیرد  
[۹۴۶-۹۶۲].

کلیسا بزرگ تر و زنده تر از آنی است که ما فکر می کنیم. هم  
زندگان و هم مردگان، هم آنانی که در فرآیند تزکیه روح قرار  
دارند و چه آنانی که در جلال خداوند هستند، آشنایان و ناشناسان،  
قدیسین بزرگ یا انسان هایی که به چشم نمی آیند، همه و همه  
به کلیسا تعلق دارند. ما می توانیم یکدیگر را فراتر از پدیده مرگ  
یاری دهیم. ما می توانیم قدیسین حامی خود و یا قدیسین مورد



پندهای انجیلی  
EVANGELICAL  
COUNSELS

فقر، پاکدامنی در تجرد و  
اطاعت، پندهای ارائه شده  
در انجیل برای پیروی از  
مسیح هستند.

» برای پیروی از مسیح،  
باید شهامت شنا کردن بر  
خلاف جهت آب را داشت.

بندیکت شانزدهم، ۲۰۰۸/۰۵/۱۷

عیسی به او  
نگریسته، او را  
محبت نمو و گفت: «تو را  
یک چیز ناقص است: برو  
و آنچه داری بفروش و به  
فقرآ بد که در آسمان گنجی  
خواهی یافت و بیا صلیب را  
برداشته، مرا پیروی کن.»

مر، ۱۰، ۲۱

علاقه خود و حتی اقوام در گذشته خود را که درباره آنان معتقد  
هستیم که نزد خدا رسیده اند، ندا دهیم. همچنین می توانیم به نوبه  
خود به اقوام در گذشته مان که گمان می کنیم در فرآیند تزکیه روح  
قرار دارند، با دعای شفاعت خود یاری برسانیم. هر چه که یک نفر  
در مسیح و برای مسیح انجام دهد، به سود همگان منجر می شود.  
اما همین امر متأسفانه در یک نتیجه گیری معکوس یعنی هر گناهی  
به جمع ما در کل لطمه وارد می آورد ۱۲۶.

و اگر یک عضو  
دردمند گردد، سایر  
اعضا با آن همدرد باشند و  
اگر عضوی عزت یابد، باقی  
اعضا با او به خوشی آیند.

۱۲، ۱۴، ۲۶





» ما مادری در آسمان داریم. از آنجا که او در خدا، و همراه خداست، پس به هر یک از ما نیز نزدیک است، او قلب ما را می شناسد، و می تواند نیایش های ما را بشنود، او می تواند با مهر مادری اش به ما کمک کند و همانطور که خدا گفته است، او در مقام «مادر»ی به ما داده شده است که می توانیم هر لحظه به او رجوع کنیم. بندهیکت شانزدهم ۲۰۰۵/۰۸/۱۵

» خدا به انسان ها نه یک کنیز، بلکه یک مادر داد. قدیس آذلف کلپینگ (۱۸۱۳-۱۸۶۵، رسول کارگران و پیشه وران)

» و عیسی و شاگردانش را نیز به عروسی دعوت کردند. و چون شراب تمام شد، مادر عیسی بدو گفت: «شراب ندارند». عیسی به وی گفت: «ای زن مرا با تو چه کار است؟ ساعت من هنوز نرسیده است.» یو، ۳، ۵

۱۴۷ چرا مریم در میان اتحاد مقدسین، جایگاهی ویژه دارد؟

مریم مادر خدا است. هیچ انسانی بر زمین همانند مریم با مسیح پیوند نداشت - پیوندی که در آسمان نیز خاتمه نمی یابد. مریم، ملکه آسمان و با مهر مادرانه خود به ما کاملاً نزدیک است [۹۷۲].

از آنجایی که مریم با جسم و روح خود برای انجام مسئولیتی خطیر، هر چند الهی، خود را متعهد ساخت، با تن و روح خود به آسمان برده شد. هر کس همانند مریم زندگی کند و ایمان داشته باشد، به آسمان خواهد رفت. ← ۸۰-۸۵.

۱۴۸ آیا مریم براستی می تواند به ما کمک کند؟

بله. از همان آغاز کلیسا، این تجربه حاصل آمده که مریم یاری می رساند. میلیون ها مسیحی به این موضوع گواهی می دهند [۹۶۹-۹۷۰].

مریم در مقام مادر عیسی، مادر ما هم به شمار می رود. مادران نیک همواره به نفع فرزنداناش گام پیش می گذارند و این مادر، به شکلی ویژه. حتی بر زمین هم مریم همواره در نزد عیسی برای دیگران شفاعت می کرد؛ برای نمونه هنگامی که او در قانا، عروس و دامادی را از یک آبروریزی بزرگ حفظ کرد. او در روز پنطیکاست در بالاخانه در میان شاگردان دعا می کرد. از آنجا که محبت او به ما پایانی ندارد، می توانیم مطمئن باشیم که او در دو لحظه از مهم ترین لحظات زندگی ما، همواره برای ما شفاعت می کند: «اکنون، و در هنگام مرگ ما» ← ۸۵.

۱۴۹ آیا اجازه داریم مریم را پرستش کنیم؟

خیر. فقط خدا شایسته پرستش است. اما اجازه داریم به مریم، در مقام مادر خداوندانما ادای احترام کنیم [۹۷۱].

پرستش به معنای به رسمیت شناختن فروتنانه و بی قید و شرط برتری مطلق خدا بر همه آفریده ها است. مریم نیز آفریده ای همانند ما است. در ایمان، او مادر ماست. ما باید به والدین خود ادای احترام کنیم. و این با انجیل نیز مطابقت دارد، زیرا مریم خود چنین می گوید: «بنگر از حال به بعد همه نسل ما را خوشبخت خواهند خواند» (لو، ۱، ۴۸). به این ترتیب است که کلیسا، زیارتگاه ها، جشن ها، سرودها و دعاهای بسیاری را درباره مریم می شناسد، برای نمونه ← دعا تسبیح حضرت مریم. این دعا چکیده ای از انجیل است. ← ۳۵۳، ۴۸۵.

من ایمان دارم به ... آموزش گناهان

۱۵۰ آیا کلیسا براستی می تواند گناهان را ببخشد؟

بله. نه تنها عیسی خود گناهان را بخشید، بلکه از همان ابتدا به ← کلیسا نیز این رسالت و قدرت را بخشید که انسان ها را از گناهانشان آزاد سازد [۹۸۱-۹۸۳، ۹۸۶-۹۸۷].

از راه خدمت ← کشیش، آموزش از سوی خدا به انسان هدیه می گردد و گناه او کاملاً پاک می گردد، گویی آن را هرگز مرتکب نشده است. این کار را فقط یک کشیش می تواند انجام دهد، زیرا عیسی اجازه می دهد که او در قدرت الهی اش برای آموزش گناهان سهمین گردد. ← ۲۲۵-۲۳۹.

۱۵۱ چه امکانات گوناگونی برای آموزش گناهان در کلیسا وجود دارد؟

اصولاً آموزش گناهان در ← آیین فیض بخش تعمیم صورت می گیرد. پس از آن، برای آموزش گناهان سنگین، آیین فیض بخش آشتی (آیین فیض بخش توبه و اعتراف) لازم است. اعتراف برای گناهان سبک تر نیز توصیه می گردد. اما مطالعه کلام خدا، دعا، روزه، و انجام کارهای نیک نیز می توانند اثر آموزش گناهان را به همراه آورند [۹۷۶-۹۸۰، ۹۸۴-۹۸۷]. ← ۲۲۶-۲۳۹.

من ایمان دارم به ... رستخیز مردگان

۱۵۲ چرا ما به رستخیز مردگان ایمان داریم؟

ما از آن رو به رستخیز مردگان ایمان داریم که مسیح از مردگان برخاسته است، تا به ابد زندگی می کند و اجازه می دهد، ما نیز در این زندگی ابدی سهمین گردیم [۹۸۸-۹۹۱].

هنگامی که فردی از جهان می رود، جسم او یا دفن یا سوزانده می شود. به رغم آن، ما ایمان داریم که برای این شخص، یک زندگی پس از مرگ وجود دارد. عیسی با رستخیزش از مرگ، نشان داد که سرور بر مرگ است؛ کلام او باورکردنی است هنگامی که می گوید: «من قیامت و حیات هستم. هر کس به من ایمان آورد خواهد زیست حتی اگر مرده باشد» (یو، ۱۱، ۲۵). ← ۱۰۳-۱۰۸.

گناهان آنانی را که آمرزیدید، برای ایشان آمرزیده شد و آنانی را که بستید، بسته شد.

یو، ۲۰، ۲۳

» کشیشان اختیاری از خدا دریافت کرده اند که خدا آن را نه به فرشتگان و نه به فرشتگان مقرب خود داده است ... خدا در آن بالا هر چه را که کشیشان بر زمین انجام دهند، تأیید می کند.

یوهانس کریستوستوموس

» این برای من بسیار نگران کننده می بود، اگر اعتراف محرمانه به گناهان وجود نمی داشت ...

مارتین لوتر (۱۴۸۳-۱۵۲۶، اصلاح گر آلمانی)

» اما اگر مردگان را قیامت نیست، مسیح نیز برنخاسته است و اگر مسیح برنخاست، باطل است وعظ ما و باطل است نیز ایمان شما... اگر فقط در این جهان در مسیح امیدواریم، ←



← از جمیع مردم بدبخت تریم. لیکن بالفعل مسیح از مردگان برخاسته و نوبر خوابیدگان شده است.

۱ قر، ۱۵، ۱۳-۱۴ و ۲۰

۱۵۲

چرا ما به رستاخیز «جسم» ایمان داریم؟

کلمه «جسم» در کتاب مقدس، ویژگی های ناتوانی و میرایی انسان را توصیف می کند. به رغم آن، خدا به جسم انسان به عنوان چیزی بی اهمیت نمی نگردد. در عیسی مسیح او خود «جسم» گرفت (← تن گیری) تا انسان را باز خرید نماید. خدا فقط روح انسان را نجات نمی دهد، بلکه کل او را با جسم و جان نجات می دهد [۹۸۸-۹۹۱، ۹۹۷-۱۰۰۱، ۱۰۱۵].

خدا ما را با بدن (جسم) و روح آفرید. او اجازه نمی دهد که «جسم»، و بلکه همه آفرینش در آخر دنیا، به سادگی همانند یک اسباب بازی از هم بپاشد و فرو ریزد. در «روز آخر»، او ما را در جسم زنده می کند - این یعنی: ما مبدل خواهیم شد، اما خود را در عنصر خودمان احساس خواهیم کرد. حتی برای عیسی نیز «در جسم بودن» حالتی گذرا نبود. هنگامی که مسیح برخاسته از مردگان، خود را به شاگردش نشان داد، آنان جای زخم ها را روی جسم او دیدند.

۱۵۴

هنگامی که ما می میریم برایمان چه اتفاقی می افتد؟

در مرگ، جسم و روح از یکدیگر جدا می گردند. جسم می پوسد، در حالی که روح نزد خدا می رود و منتظر می ماند تا در روز قیامت، با جسم زنده شده، دوباره یکی گردد [۹۹۲-۱۰۰۴، ۱۰۱۶-۱۰۱۸].

چگونگی زنده شدن جسم ما، یک راز است. در این زمینه احتمالاً یک مثال می تواند به ما کمک کند: با نگاه به پیاز گل لاله هرگز نمی توانیم فکرش را بکنیم که این پیاز در ژرفنای تاریک خاک، چگونه به گلی بسیار زیبا تبدیل می شود. به همین ترتیب هم ما نمی دانیم که در آینده جسم جدید ما چگونه به نظر خواهد رسید. به رغم آن، پولس از یک نکته مطمئن است: «در ذلت کاشته می گردد و در جلال برمی خیزد؛ در ضعف کاشته می شود و در قوت برمی خیزد» (۱ قر، ۱۵، ۴۳ الف).

۱۵۵

اگر ما به مسیح اعتماد کنیم، او در مرگ چگونه به ما کمک می کند؟

مسیح به پیشواز ما می آید و ما را به سوی زندگی جاویدان هدایت می کند. «این مرگ نیست، بلکه خداوند است که به دنبال من می آید» (ترزای مقدس اهل لیزیو) [۱۰۰۵-۱۰۱۴، ۱۰۱۶، ۱۰۱۹].

اگر به رنج و مرگ عیسی بنگریم، حتی مردن نیز سهل تر می شود. ما با عملی از سر اعتماد و محبت به پدر قادر هستیم «آری» بگوییم، یعنی همان کاری که عیسی در کوه زیتون انجام داد. به چنین رفتاری «قربانی روحی» می گویند: فرد مشرف به مرگ، با قربانی مسیح بر



و کلمه جسم گردید و در میان ما ساکن

شد.

یوحنا، ۱، ۱۴ الف



نزد خداوند جایی برای بدن هم وجود دارد.

بندهکت شانزدهم، ۱۵/۰۸/۲۰۰۵



اما اگر کسی گوید: «مردگان چگونه

برمی خیزند و به کدام بدن می آیند؟» ای احمق آنچه تو می کاری زنده نمی گردد، جز آنکه بمیرد. و آنچه می کاری، نه آن جسمی را که خواهد شد می کاری، بلکه دانه ای مجرد خواه از گندم و یا از دانه های دیگر.

۱ قر، ۱۵، ۳۵-۳۷

صلیب یکی می شود. فردی که با چنین اعتماد و توکلی به خدا و در صلح و آشتی با انسان ها می میرد، یعنی فارغ از گناه بزرگ، در مسیر مشارکت با مسیح قیام کرده به سر می برد. در این حال است که مرگ، اجازه نمی دهد ما به جایی سقوط کنیم، مگر به دستان او. کسی که می میمرد به ناکجاآباد سفر نمی کند، بلکه به سوی محبت خدایی که او را آفریده باز می گردد ← ۱۰۲.

من ایمان دارم به ... زندگی ابدی

۱۵۶

زندگی ابدی چیست؟

زندگی ابدی با غسل تعمید آغاز می گردد. این زندگی از میانه مرگ نیز عبور می کند و پایانی نخواهد داشت [۱۰۲۰].

ما حتی هنگامی هم که عاشق می شویم، مایلیم که این حالت هرگز پایان نیابد. در رساله اول یوحنا (۱ یو، ۴، ۱۶) آمده است: «خدا محبت است». و در رساله اول به قرنتیان می خوانیم که «محبت هرگز پایان نخواهد یافت» (۱ قر، ۱۳، ۸). خدا ابدی است، زیرا او محبت است؛ و محبت ابدی است، زیرا امری الهی است. اگر ما در محبت باقی بمانیم، در واقع به حضور بی پایان خدا وارد می شویم ← ۲۸۵.

۱۵۷

آیا پس از مرگ به داوری کشیده می شویم؟

آن داوری که به آن داوری ویژه یا داوری شخصی می گویند، در لحظه مرگ تک تک افراد صورت می گیرد. داوری همگانی که به آن داوری آخر یا داوری روز قیامت نیز می گویند، در روز قیامت یعنی در آخر زمان، با زگشت خداوند رخ می دهد [۱۰۲۱-۱۰۲۲].

در مرگ، هر انسان به نقطه حقیقت می رسد. دیگر نمی توان چیزی را پس زد یا پنهان کرد و دیگر هیچ چیز دگرگون نمی شود. خدا ما را آن گونه که هستیم می بیند. ما در حضور داوری او وارد می شویم که طی آن، او حکم را ادا می کند و به اجراء می گذارد. شاید لازم باشد، فرآیند تزکیه روح را نیز پشت سر بگذاریم و شاید بتوانیم بی درنگ در آغوش خدا فرو رویم. اما شاید هم چنان سرشار از شرارت، نفرت و پاسخ رد به همه چیز هستیم که برای ابد چهره خود را از محبت و از خدا برگردانده ایم. اما زندگی بدون محبت، چیزی جز جهنم نیست ← ۱۶۳.

← ۱۶۳

» می خواهم خدا را ببینم و برای دیدن او، ابتدا باید مرد.

ترزا اهل آویلا

» زمان برای جست و جوی خدا، این زندگی است. زمان برای یافتن خدا، مرگ است. زمان برای تصاحب خدا، ابدیت است.

فرانسوا دو سال

» من نمی میرم، بلکه به زندگی وارد می شوم.

قدیس ترزا اهل لیزیو (۱۸۷۳-۱۸۹۷، عارف و عالم کلیسا)



لکن ای حبیبان، این یک چیز از شما مخفی نماند که یک روز نزد خدا چون هزار سال است و هزار سال چون یک روز.

۲ بط، ۸، ۳

» در پایان شب زندگی مان، بر حسب محبتمان داوری می شویم.

قدیس یوحنا صلیب (۱۵۴۲-۱۵۹۱، عارف اسپانیایی، عالم کلیسا و نویسنده)





### داوری

داوری ویژه یا شخصی، پس از مرگ افراد رخ می دهد. داوری روز قیامت، واپسین یا همگانی، در روز قیامت، یعنی در پایان جهان و به هنگام بازگشت خداوند رخ می دهد.



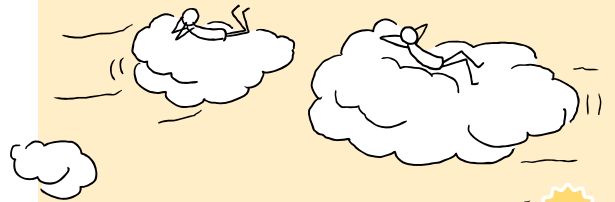
زیرا که الحال در آینه به طور معما می بینیم، لکن آن وقت رو برو؛ الان جزئی معرفتی دارم، لکن آن وقت خواهم شناخت، چنانکه نیز شناخته شده ام.

قر. ۱۳، ۱۲



انسان ممکن است حتی برخلاف اراده اش، کالاهای وابسته به زمان را از دست بدهد، اما هرگز کالاهای جاودانی را از دست نمی دهد، مگر این که خود اراده کند.

آگوستین



### ۱۵۸ آسمان [بهشت] از چه تشکیل شده؟

بهشت، لحظه ای ابدی از محبت است. دیگر هیچ چیز ما را از خدا جدا نمی کند، خدایی که جان و روان ما او را دوست می دارد و سراسر عمر به دنبال او گشته است. ما همراه با همه فرشتگان و قدیسن، اجازه داریم که تا به ابد، در کنار خدا و با او شاد باشیم. [۱۰۳۰-۱۰۳۱].

کسی که به یک زوج عاشق دقت کرده باشد که چگونه با عشق به یکدیگر می نگرند و یا کودکی را زیر نظر بگیرد که هنگام شیر خوردن نگاه مادر خود را جستجو می کند، گویی که می خواهد هر لبخندی را برای همیشه ثبت و ضبط کند، چنین شخصی می تواند تصور دوری از بهشت در ذهن داشته باشد. قابلیت دیدار خدا، آن هم رو در رو، همانند یک لحظه واحد و بی پایان از عشق و محبت است. ۵۲.

### ۱۵۹ برزخ (Purgatorium) چیست؟

برزخ که اغلب آن را یک مکان تصور می کنند، در واقع یک وضعیت است. کسی که در فیض الهی از دنیا برود (یعنی در صلح و آشتی با خدا و انسان ها)، اما پیش از دیدار روی در روی با خدا، هنوز نیاز به تزکیه روح داشته باشد، در برزخ به سر می برد. [۱۰۳۰-۱۰۳۱].

هنگامی که پطرس به عیسی خیانت کرد، خداوند روی به او کرد و به او نگریست: «و پطرس از آنجا خارج شد و با تلخی گریست» - احساسی همانند درون برزخ بودن. و احتمالاً چنین برزخی در لحظه مرگ ما در انتظارمان است: خداوند با محبت فراوان به ما می نگرد و ما شرمی سوزان و ندامتی دردمندانه بابت شرارت خود و یا «فقط» رفتار بی مهر خود در وجودمان احساس می کنیم. تازه پس از از سرگذراندن این درد پاک سازنده است که قادر خواهیم بود با نگاه پر محبت او در شادی روشن و نورانی آسمانی رو در رو گردیم.



### ۱۶۰

آیا می توانیم به درگذشتگان خود که در وضعیت برزخ به سر می برند، یاری رسانیم؟

بله، از آنجا که همه تعمیدگرفتنگان در مسیح یک جماعت را تشکیل می دهند و با یکدیگر پیوند دارند، زندگان نیز قادر هستند به روح درگذشتگان در برزخ یاری رسانند [۱۰۳۲].

هنگامی که انسان مرده باشد، دیگر نمی تواند برای خود کاری انجام دهد. مهلت ما برای اثبات خودمان به شکل فعال به پایان رسیده است. اما ما می توانیم برای درگذشتگان خود در برزخ کاری انجام دهیم. محبت ما حتی به جهان آخرت نیز می رسد. از راه روزه گرفتن، دعا، کردار نیک، بویژه از راه شرکت در «آیین های فیض بخش، می توانیم برای درگذشتگان طلب مغفرت کنیم. ۱۴۶.

### ۱۶۱

جهنم چیست؟

جهنم وضعیت جدایی ابدی از خدا و نبود مطلق محبت است. [۱۰۳۳-۱۰۳۷].

کسی که آگاهانه و با اراده کاملاً آزاد در گناهی سنگین از دنیا می رود، بی آن که احساس ندامت کند و محبت دلسوزانه و همراه با بخشش خدا را نیز برای همیشه رد می کند، خود را از مشارکت با خدا و سعادت‌مندان محروم می سازد. ما نمی دانیم که آیا در هنگام مرگ، کسی بتواند محبت مطلق را رو در رو ببیند و باز به او پاسخ رد دهد. آزادی ما چنین تصمیم گیری را برای ما میسر می سازد. عیسی همواره به ما هشدار می دهد که هیچ گاه خود را با بستن درها به روی تنگنای برادران و خواهران او، به طور کامل از او جدا نکنیم: «از من دور شوید، ای لعنت شدگان ... هر چه به این کوچکان من نکردید در واقع به من نکردید» (مت، ۲۵، ۴۱ و ۴۵) ۵۳.

### ۱۶۲

اگر خدا محبت است، پس چرا جهنم می تواند وجود داشته باشد؟

این خدا نیست که انسان ها را نفرین می کند. بلکه این خود انسان است که با ناممکن ساختن اشتراک با خدا، درهای محبت پر رحمت خدا را به روی خود می بندد و بنا به انتخابش، خود را از زندگی (ابدی) محروم می سازد [۱۰۳۶-۱۰۳۷].



از این روی، (یهودا مکابی) امر کرد تا قربانی ذبح کردنی کفار را برای مردگان تقدیم دارند، تا گناهانشان پاک شود.

مک ۱۲، ۱۴، ۴۶



در یاری رسانی به درگذشتگان و نثار نیایش هایمان برای ایشان غفلت موزیم.

یوهانس کریستوستوموس



هر که برادر خود را محبت نمی نماید، در موت ساکن است. هر که از برادر خود نفرت نماید، قاتل است و می داند که هیچ قاتل حیات جاودانی در خود ثابت ندارد.

یو. ۳، ۱۴ب-۱۵



از خود می پرسم: جهنم چیست؟ پاسخ می دهم: ناتوانی در محبت کردن.

فیودور م. داستایفسکی (۱۸۲۱-۱۸۸۱، نویسنده روس)



خداوند در وعده خود تأخیر نمی نماید چنانکه بعضی تأخیر می پندارند، بلکه بر شما تحمیل می نماید چون نمی خواهد که کسی هلاک گردد بلکه همه به توبه گرایند.

بط، ۹، ۳

«خداوند با نیکی بی پایان خود، هرگز آنانی را که مایل نیستند او را ترک کنند، ترک نمی کند.

فرانسوا دو سال

«اما چون پسر انسان در جلال خود با جمیع ملائکه مقدس خویش آید، نگاه بر کرسی جلال خود خواهد نشست. و جمیع امت ها در حضور او جمع شوند و آنها را ز همدیگر جدا می کند، به قسمی که شبان میش ها را از بزها جدا می کند و میش ها را بر دست راست و بپا را بر چپ خود قرار دهد... و ایشان در عذاب جاودانی خواهند رفت، اما عادلان در حیات جاودانی.»

مت، ۲۵، ۳۱ و ادامه



است. داوری آخر، زمان داوری ما هم هست. در اینجاست که تصمیم گرفته می شود که آیا ما برای زندگی ابدی زنده بر خواهیم خاست و یا برای همیشه از خدا جدا می گردیم. خدا درباره آنان که حیات را برگزیده اند، یک بار دیگر خلافت عمل می کند. آنان با «جسمی نو» (مقایسه شود با ۲ قر، ۵) تا ابد در جلال و شکوه خدا خواهند زیست و او را با جسم و روح خود ستایش خواهند کرد

← ۱۱۰-۱۱۲، ۱۵۷.

### ۱۶۴ جهان چگونه به پایان می رسد؟

در آخر زمان، خدا آسمانی جدید و زمینی جدید خواهد آفرید. شرارت دیگر قدرت و جاذبه ای نخواهد داشت. نجات یافتگان خدا را رو در رو خواهند دید \_ همانند دوستان او. اشتیاق و آرزوی آنان برای صلح و عدالت برآورده خواهد شد. دیدار خدا به سعادت آنان بدل خواهد شد. خدای سه گانه در میان آنان خواهد زیست و هر اشکی را از چشمانشان پاک خواهد کرد: دیگر از مرگ، غم، شکوه و ناله و گرفتاری ها خبری نخواهد بود

← ۱۰۴۲-۱۰۵۰، ۱۰۶۰ [۱۱۰-۱۱۲].

### ۱۶۵ چرا در پایان اقرارنامه ایمانمان «آمین» می گوئیم؟

ما از آن رو به منظور اعتراف به ایمان خود به اقرار نامه ایمان «آمین» - یعنی آری - می گوئیم که خدا ما را در مقام شاهدان ایمان برانگیخته است. کسی که آمین می گوید، شادمانه و مختارانه با کارکرد خدا در آفرینش و نجات موافقت می کند

[۱۰۶۱-۱۰۶۵].

واژه عبری «آمین» از واژه ای هم خانواده سرچشمه می گیرد که هم «ایمان داشتن» و هم «استحکام، اعتماد و وفاداری» معنا می دهد. «کسی که آمین می گوید، امضاء می کند» (آگوستین مقدس). ما فقط از آن رو می توانیم این «آری» بی قید و شرط را به بیان درآوریم که عیسی در مرگ و رستاخیزش، وفاداری و قابل اعتماد بودن خود را به ما ثابت کرده است. او خود به منزله «آری» انسانی به همه وعده های خدا است، همچنان که «آری» نهایی و قطعی خدا به ماست ← ۵۲۷.

خدا هر اشکی را از چشمان ایشان پاک خواهد کرد. و بعد از آن موت نخواهد بود و ماتم و ناله و درد دیگر رو نخواهد نمود زیرا که چیزهای اول درگذشت.

مکا، ۲۱، ۴-۵

### آمین AMEN

واژه آمین (برگرفته از واژه عبری Aman به معنای مستحکم و قابل اعتماد) در عهد عتیق بیشتر به معنی «چنین باشد» به کار می رود تا آرزوی وارد عمل شدن خدا را تقویت کند یا بر ستایش خدا صحه گذارد. در عهد جدید این واژه، اغلب واژه پایانی یک نیایش برای تقویت و تأکید بر آن نیایش است. عیسی با این واژه بر اقتدار کلام خود صحه می گذارد.



زیرا چندان که وعده های خدا است، همه در او بلی و از این جهت در او آمین است تا خدا از ما تمجید یابد.

قر، ۲۰، ۱

### ۱۶۳ داوری واپسین چیست؟

«داوری واپسین در آخر زمان، با بازگشت مسیح رخ می دهد. «تا نیکو کاران به زندگی جاوید برسند و بدکاران محکوم گردند» (یو، ۵، ۲۹) [۱۰۳۸-۱۰۴۱، ۱۰۵۸-۱۰۵۹].

هنگامی که مسیح با جلال و شکوه دوباره بازگردد، نور درخشان او بر ما خواهد تابید. حقیقت به طور علنی آشکار خواهد شد: اندیشه های ما، کردار ما، رابطه ما با خدا و با انسان ها \_ دیگر هیچ چیز پنهان نخواهد ماند. ما به معنای نهایی خلقت پی خواهیم برد، راه های عجیب خدا برای نجاتمان را درک خواهیم کرد و سرانجام پاسخی نهایی برای این پرسش درمی یابیم که به چه دلیل شرارت می تواند چنین قدرتی داشته باشد، در حالی که این خداست که قادر مطلق







## چگونه رازهای مسیحی را جشن می گیریم

خدا با نشانه های مقدس در ما عمل می کند ۱۰۲

خدا و آیین مقدس نیایش ۱۰۴

چگونه رازهای مسیح را جشن می گیریم ۱۰۸

آیین های فیض بخش ورود به عضویت (تعمید، استواری و آیین سپاسگزاری) ۱۱۶

آیین های فیض بخش درمان (توبه و آشتی و تدهین بیماران) ۱۳۳

آیین های فیض بخش خدمت به جامعه و رسالت (رتبه های مقدس و ازدواج) ۱۴۲

سایر مراسم عبادی ۱۵۶

ZWEITER TEIL



## آیین عبادی LITURGY

(برگرفته از واژه یونانی leiturgia به معنای کار عنی، خدمتی از سوی مردم و برای مردم): آیین عبادی در سنت مسیحی به این معناست که قوم خدا در «کار خدا» مشارکت کند.

قلب اصلی آیین عبادی پیش از هر چیز آیین سپاسگزاری است؛ به دنبال آن نوبت به سایر آیین های عبادی نظیر جشن گرفتن آیین های فیض بخش دیگر، برکات، نیایش های دسته جمعی همراه با زیارت و نیایش های ساعتی می رسد.

آیین عبادی هرگز صرفاً یک گروه هم آبی درون یک گروه نبوده است که خود برای خود جشنی برگزار می کند... ما همزمان از طریق مشارکت در حضور عیسی در نزد پدر و در جمع قدیسمین حضور داریم. آری، این مراسم تاحدودی آیین عبادی ملکوت است.

کاردینال یوزف راتسینگنر/  
بنديکت شانزدهم در کتاب «خدا و جهان»

در برگزاری مراسم رازهای مسیحی (رازها)، آیین های فیض بخش)، دیدار با عیسی مسیح در لحظه حاضر مطرح است. او تا آخر زمان در آیین های خود حضور دارد. ژرف ترین دیدار با او بر زمین، در آیین عبادی صورت می گیرد. از این روست که در مجموعه قواعد بندیکت قدیس چنین آمده است: «هیچ چیز نباید بر آیین عبادی مرجح دانسته شود». (بنديکت اهل نورسیا، حوالی ۴۸۰ تا ۵۴۷، بنیانگذار رهبانیت مغرب زمینی).



### بخش نخست

خدا با نشانه های مقدس در ما عمل می کند

۱۶۶ به چه دلیل کلیسا آیین عبادی را پی در پی برگزار می کند؟

حتی قوم اسرائیل نیز «هفت بار در روز» (مز. ۱۱۹، ۱۶۴) کار خود را متوقف می کرد تا خدا را ستایش کند. عیسی در آیین عبادی و نیایش های قوم خود شرکت می کرد؛ او به شاگردان خود دعا کردن را می آموخت و آنان را در بالاخانه گردآورد تا همراه با آنان سرلوحه همه آیین های عبادی را برگزار کند: اهدای خود در شام آخر. آیین های عبادی که مردم را به آیین عبادی فرامی خواند، در حقیقت دعوت او را اجابت می کند که گفت: «این را به یاد من به جا آرید» (۱ قر ۱۱، ۲۴ ب) [۱۰۶۶-۱۰۷۰].

همانطور که انسان برای زنده ماندن نفس می کشد، کلیسا نیز با برگزاری آیین عبادی نفس می کشد و می زید. این شخص خداست که هر روز از نو زندگانی جدیدی را در کالبد کلیسا می دمد و با کلام و آیین های فیض بخش خود آن را غنی می سازد. تمثیل دیگری را نیز می توان در اینجا به کار برد: هر آیین عبادی به مانند دیداری در محبت است که خدا در تقویم ملاقات های ما نقش می زند. هر کسی که محبت خدا را احساس کرده است، با کمال میل در این مراسم شرکت می کند. هر فردی که به شکل موقت خالی از احساس است، اما به رغم آن به این مراسم می رود، وفاداری خود را به خدا نشان می دهد.

۱۶۷ آیین عبادی چیست؟

آیین عبادی مراسم دعای رسمی در کلیسا است [۱۰۷۷-۱۱۱۲].

آیین عبادی رخدادی نیست که با ایده های خوب و با سردادن سرودهای فوق العاده برپا داشته می شود. آیین عبادی را از خود نمی سازند و از خود در نمی آورند. این آیین، امری زنده است که در ایمان هزاران سال رشد و نمو یافته است. مراسم نیایشی، واقعه ای مقدس و شایان احترام است. آیین عبادی هنگامی پرشور می گردد که این حس را داشته باشیم که خدا خود در پس نشانه های مقدس و همچنین دعا های پربار خود که اغلب بسیار کهن هستند، حضور دارد.

۱۶۸ چرا آیین عبادی در زندگی کلیسا و زندگی افراد از اولویت برخوردار است؟

آیین عبادی نقطه اوجی است که کارکرد کلیسا تلاش برای رسیدن به آن دارد و همزمان سرچشمه ای است که کلیسا همه قوای خود را از آن کسب می کند» (شورای دوم واتیکان) [۱۰۷۴].

در زمان زندگانی عیسی، مردم دسته دسته به سوی او هجوم می آوردند، زیرا در تلاش بودند که خود را به قدرت نجات بخش او نزدیک سازند. ما امروزه هم می توانیم او را بیابیم، چرا که او در کلیسای خود زندگی می کند. او خود حضورش را در دو مکان به ما تضمین می دهد: در خدمت به فقرا (مت، ۲۵، ۴۲) و در آیین سپاسگزاری. در این دو موقعیت، ما مستقیم به سوی آغوش او حرکت می کنیم. هنگامی که اجازه دهیم او به ما نزدیک شود، او ما را آموزش می دهد، به ما نزدیک می شود، ما را دستخوش دگرگونی می سازد، شفایمان می دهد و در آیین مقدس نماز با ما یکی می گردد.

۱۶۹ هنگامی که در آیین عبادی شرکت می کنیم، چه اتفاقی برای ما رخ می دهد؟

هنگامی که ما در آیین عبادی شرکت می کنیم، به سوی محبت خدا جذب می شویم، شفا می یابیم و دگرگون می گردیم [۱۰۷۶].

همه آیین های عبادی در کلیسا و همه آیین های فیض بخش آن فقط در خدمت آن هستند که ما زندگانی داشته باشیم و آن را به وفور داشته باشیم. هنگامی که ما در آیین عبادی شرکت می کنیم، همان کسی را ملاقات می کنیم که درباره خود گفت: «من راه و راستی و حیات هستم» (یو، ۱۴، ۶). آن کسی که به آیین عبادی می رود و احساس بی کسی می کند، خدا به او سرپناهی امن می بخشد. کسی که به آیین عبادی می رود و احساس گمگشتگی می کند، خدایی را می یابد که در انتظار او است.

قوتی از وی صادر شده، همه را صحت می بخشد.

لوه، ۱۹۰۶

ما بدون آیین های

سپاسگزاری در روزهای یکشنبه قادر به ادامه زندگی نیستیم. مگر نمی دانی که فرد مسیحی به خاطر آیین سپاسگزاری حیات دارد و آیین سپاسگزاری به خاطر وجود مسیحیان است؟

پاسخ ساتورنیوس شهید (۳۰۵) در محاکمه اش به جرم شرکت کردن در تجمع های ممنوعه روزهای یکشنبه

من آمدم تا ایشان حیات یابند و آن را

زیادتر حاصل کنند.

یو، ۱۰، ۱۰۱

اما هنوز دور بود که پدرش او را دیده،

ترجم نمود و دوان دوان آمده، او را در آغوش خود کشیده بوسید.

لوه، ۱۵، ۲۰





**✚** آنگاه به مذبح خدا خواهیم رفت، به سوی خدایی که سرور و خرمی من است، و تو را ای خدا، خدای من با بربط تسبیح خواهم خواند.

مز، ۴۳، ۲

### ❓ برکت BLESSING

● برکت امر نیکی از جانب خداست (برگرفته از واژه لاتینی bene-dicere و نیز واژه یونانی eu-logein به معنای تأیید کردن). برکت بخشیدن، کرداری الهی است که زندگی می بخشد و زندگی را حفظ و حراست می کند. خدا، پدر و آفریدگار همه هستی [در برکت دادن خود] چنین می گوید: نیک است که تو هستی. زیباست که تو وجود داری.

### ◊ فصل اول ◊

خدا و آیین مقدس عبادی

#### ۱۷۰ ژرف ترین خاستگاه آیین عبادی چیست؟

ژرف ترین خاستگاه ← آیین عبادی خدا است که ضیافتی جاودانی و آسمانی از محبت را در وجود خود دارد - شادمانی پدر و پسر و روح القدس. از آنجا که خدا محبت است، مایل است اجازه دهد که ما در جشن شادمانی او شرکت کنیم و مایل است ← **برکت خود** را به ما بخشد [۱۰۷۷-۱۱۰۹].

مراسم عبادی زمینی ما باید ضیافت هایی انباشته از زیبایی و نیرو باشند: ضیافت های پدری که ما را آفریده است - به همین دلیل است که عطایای زمین تا این حد نقشی بسزا ایفا می کنند: نان، شراب، روغن و نور، عطر عود، موسیقی الهی و رنگ هایی پرشکوه و زیبا. ضیافت پسری که ما را نجات داده است - از این روست که ما بابت نجات خود فریاد شادی سرمی دهیم، با شنیدن کلام، نفسی آسوده می کشیم و با تناول عطایای عشای ربانی سیر می شویم. ضیافت روح القدسی که در وجود ما زندگی می کند - از این روست که به گنجینه ای بی پایان از تسلا، شناخت، شهادت، نیرو و ← **برکت دست می** یابیم که از این گردهم آبی های مقدس نشأت می گیرد ← ۱۷۹.

#### ۱۷۱ اساسی ترین نکته در هر آیین عبادی چیست؟

← آیین عبادی همواره در درجه نخست اتحاد با عیسی مسیح است. هر مراسم عبادی و نه فقط آیین سپاسگزاری، به منزله ضیافت فصحی در قالب کوچک است. عیسی گذر خود از مرگ را آشکار می سازد و آن را با ما جشن می گیرد [۱۰۸۵].

مهم ترین مراسم عبادی جهان مراسم عبادی فصح بود که عیسی به همراه حواریون خود در شب پیش از مرگش در بالاخانه شام آخر برپاداشت. حواریون تصور می کردند که عیسی به یادآوری آزادی قوم اسرائیل از مصر خواهد پرداخت. اما عیسی آزادی کل بشریت از قدرت مرگ را جشن گرفت. آن روزها در مصر، «خون بره» بود که اسرائیلی ها را از فرشته مرگ در امان نگاه داشت. اکنون او خود به بره ای بدل شد که خون او بشر را از مرگ نجات می دهد. زیرا که مرگ و رستاخیز عیسی، نشانی از آن است که آدمی می تواند بمیرد و به رغم آن به زندگانی دست یابد. این محتوای اصلی هر مراسم نیایشی مسیحی است. عیسی خود، مرگ و رستاخیزش را با نجات اسرائیل از اسارت مصر مقایسه کرد. از این روست که تأثیر نجات بخش مرگ و رستاخیز عیسی راز فصح خوانده می شود. همسان با خون نجات بخش بره به هنگام خروج اسرائیلی ها از مصر (خرو، ۱۲)، عیسی بره راستین فصح است که بشریت را از درگیری اش با مرگ و گناه رهایی داده است.

#### ۱۷۲ چه تعدادی از آیین های فیض بخش وجود دارد و نام آنها چیست؟

کلیسا هفت ← آیین فیض بخش می شناسد که عبارتند از: تعمید، ← استواری، ← آیین سپاسگزاری، توبه و آشتی، تدهین بیماران، رتبه های مقدس و ازدواج [۱۲۱۰].

#### ۱۷۳ اصولاً برای چه به آیین های فیض بخش نیاز داریم؟

← به آیین های فیض بخش از این رو نیاز داریم که از سطح زندگی خُرد انسانی مان فراتر رویم تا از راه عیسی، شبیه عیسی گردیم: فرزندان خدا در آزادی و شکوه و جلال [۱۱۲۹].

فرزندان سقوط یافته انسان از راه تعمید به فرزندان محبوب خدا بدل می شوند؛ از راه ← استواری، ناتوانان به توانایان بدل می گردند؛ از راه توبه، گناهکاران به آشتی یافتگان بدل می گردند؛ از راه ← آیین سپاسگزاری، گرسنگان به نان برای دیگران بدل می گردند؛ از راه ازدواج و همچنین از راه رتبه های مقدس برای کشیشان، افراد به خادمان محبت بدل می گردند؛ از راه تدهین بیماران، نامیدان به افرادی قابل اعتماد بدل می گردند. ارزشمندترین ← آیین فیض بخش،

#### ✚ و آن خون (خون

بره)، علامتی برای شما خواهد بود، بر خانه هایی که در آنها می باشید. و چون خون را ببینم، از شما خواهم گذشت و هنگامی که زمین مصر را می زخم، آن بلا برای هلاکت شما بر شما نخواهد آمد.

خرو، ۱۲، ۱۳

### ❓ آیین فیض بخش SACRAMENT

(برگرفته از واژه لاتینی sacramentum به معنای سوگند به پرچم؛ به عنوان ترجمه ای از واژه یونانی mysterion به معنای راز به کار می رود): آیین های فیض بخش، نشانه هایی مرئی و مقدس از واقعیتی نامرئی هستند که مسیح آنها را مقرر ساخته و طی آن مسیحیان قادر به تجربه کردن حضور نجات بخش، پربخشش، ضمیمانه و نیروبخش خداوند هستند که آدمی را قادر به بدل محبت می سازد، چرا که در آنها رحمت خدا است که تأثیرگذار می گردد.





**Auch die** در امید که خود خلقت نیز از قید فساد خلاصی خواهد یافت تا در آزادی جلال فرزندان خدا شریک شود.

۲۱، ۸، روم

چنانکه قوت الهی او همه چیزهایی را که برای حیات و دینداری لازم است، به ما عنایت فرموده است، به معرفت او که ما را به جلال و فضیلت خود دعوت نموده.

۲، ۳۱، پط

پس دست آن کور را گرفته او را از قریه بیرون برد و آب دهان بر چشمان او افکنده و دست بر او گذارده از او پرسید که «چیزی می بینی؟»

مت، ۲۳، ۸

» هر آنچه در منجی ما به دیده درمی آمد، به آیین های فیض بخشش او منتقل شده است.

لئون یکم (حوالی ۴۶۱=۴۴۰، پاپ و پدر کلیسایی)

زیرا هر که می خورد و می نوشد، فتوای خود را می خورد و می نوشد اگر بدن خداوند را تمییز نمی کند.

۱۱، ۲۹، ۱، قر

شخص مسیح است. ما در او از گمگشتگی ناشی از خودپرستی به زندگانی راستینی که دیگر آن را پایانی نیست، گذر می کنیم.

**۱۷۴** چرا ایمان به عیسی مسیح کفایت نمی کند؟ چرا خدا آیین های فیض بخشش را نیز به ما ارزانی می دارد؟

ما قرار است و همچنین می توانیم با کلیه حواس خود به سوی خدا حرکت کنیم و نه فقط با قوای درک خود. از این روست که خدا خود را در نشانه هایی زمینی - بویژه در نان و شراب که تن و خون مسیح هستند، بر ما می نمایاند [۱۰۸۴، ۱۱۴۶-۱۱۵۲].

انسان هایی بودند که عیسی را می دیدند، صدای او را می شنیدند، اجازه داشتند او را لمس کنند و از این راه در تن و روح خود نجات و شفا می یافتند. نشانه های قابل لمس ← آیین های فیض بخشش نمایانگر همین جلوه ویژه از خداوند هستند که می خواهد کل انسان را مخاطب قرار دهد و نه فقط مغز او را.

**۱۷۵** به چه دلیل آیین های فیض بخشش به کلیسا تعلق دارند؟ چرا هر کس نمی تواند به گونه ای که خودش می خواهد، از آنها بهره ببرد؟

← آیین های فیض بخشش عطایای مسیح به کلیسایش هستند. این وظیفه کلیسا است که آنها را ارائه دهد و همچنین آنها را از مداخله های همراه با سوءاستفاده در امان نگاه دارد [۱۱۱۷-۱۱۱۹، ۱۱۳۱].

عیسی، کلام و نشانه های خود را برای اشاعه به انسان هایی قابل شناسایی، یعنی به ← حواریون سپرد و آنها را به عده ای ناشناس واگذار نکرد. به زبان امروزی، او میراث خود را به راحتی در شبکه بین المللی اینترنت قرار نداد، بلکه برای آن یک دامنه اینترنتی ویژه قائل شد. ← آیین های فیض بخشش برای کلیسا و از طریق کلیسا مقرر شده اند. آنها از این رو برای کلیسا مقرر شده اند که جسم مسیح که همان کلیساست، بر مبنای آیین های فیض بخشش بنا شده، تغذیه و تکمیل می شود. آیین های فیض بخشش از آن رو از طریق کلیسا مقرر شده اند که قوای کالبد مسیح هستند، همان گونه که در آیین توبه، مسیح از راه ← کشمیش، گناهان ما را می بخشد.

**۱۷۶** کدامیک از آیین های فیض بخشش را فقط یکبار در زندگی دریافت می کنند؟

تعمید، ← استواری و رتبه های مقدس. این ← آیین های فیض بخشش، مسیحیان را با نشانه ای مشخص و نازدودنی مهیور می سازند. تعمید و استواری او را یکبار برای همیشه به فرزندان خدا و مشابه مسیح بدل می سازند. رتبه های مقدس نیز فرد مسیحی را به گونه ای نهایی بارز می سازند [۱۱۲۱].

همان گونه که انسان همواره فرزند والدین خود است و می ماند و نه فقط «گناه» و یا «اندکی» چنین است، از راه تعمید و ← استواری نیز انسان برای همیشه فرزند خدا، شبیه مسیح و متعلق به کلیسای او می گردد. به همین ترتیب، رتبه های مقدس هم، شغلی نیستند که انسان تا دوران بازنشستگی برعهده گیرد، بلکه عطیه مرحمت آمیزی غیرقابل نقض به شمار می آیند. از آنجا که خدا به انسان وفادار است، تأثیر آیین ← آیین های فیض بخشش بر انسان همواره ماندگار است - آن هم در مقام قدرت پذیرش ندای خدا، دعوت و محافظت. در نتیجه، این آیین های فیض بخشش را نمی توان بعدها تکرار کرد.

**۱۷۷** چرا پیش شرط آیین های فیض بخشش، ایمان است؟

← آیین های فیض بخشش، جادوگری نیستند. هر چند هر یک از این آیین های مقدس به خودی خود عمل می کنند، اما باید در کمال ایمان پذیرفته شوند تا ثمربخش باشند. نه فقط پیش شرط آیین های فیض بخشش، ایمان است، بلکه آنها ایمان را نیز تقویت می کنند و به بیان در می آورند [۱۱۲۲-۱۱۲۶].

عیسی ← رسولان را مأمور کرد، مردم را ابتدا از راه بشارت خود به شاگردان او بدل سازند، یعنی ایمان آنان را بیدار سازند و تازه پس از آن، ایشان را تعمید دهند. بنابراین دو چیز است که از ← کلیسا دریافت می کنیم: ایمان و ← آیین های فیض بخشش. این روزها هم افراد فقط از راه مراسمی خشک و خالی یا ثبت نام در یک فهرست، مسیحی نمی شوند، بلکه از راه پذیرش ایمانی راستین به مسیحیت دست می یابند. این ایمان راستین را ما از کلیسا دریافت می کنیم. کلیسا ضامن این ایمان است. از آنجا که ایمان کلیسا در ← آیین عبادی به بیان در می آید، مجاز نیست که هیچ یک از آیین های فیض بخشش بنا به اختیار مجریان مراسم در کلیسا یا جماعتی ویژه از ایمانداران تغییر داده یا دستکاری شود.

هر کس ما را چون خدام مسیح و کلاهی اسرار خدا بشمارد. ۱، ۴، ۱، قر

و هر یک به حسب نعمتی که یافته باشد، یکدیگر را در آن خدمت نماید. ۱، ۴، ۱، پط

لیکن چون مهربانی و لطف نجات دهنده ما خدا ظاهر شد، نه به سبب اعمالی که ما به عدالت کرده بودیم، بلکه محض رحمت خود ما را نجات داد به غسل تولد تازه و تازگی ای که از روح القدس است. تبت، ۵-۴، ۳

زیرا که اول به شما سپردم، آنچه نیز یافتم. ۱، ۱۵، ۳، قر

» همان گونه که با شعله شمعی، شمع دیگر فروزان می شود، ایمان نیز به همین صورت ایمان می افزورد. رومانو گواردینی







» از برای این راز نجات، ما همراه با فرشتگان و مقدسین، شادان سرود ستایش تو را می سراییم؛ قدوس، قدوس، قدوس، خداوند، خدای جهان، آسمان و زمین از جلالت سرشار است...

برگرفته از دعای سپاسگزاری در کلیسا

» آن [آیین عبادی]، به منزله ورود به آیین عبادی ملکوت است که همواره در حال رخ دادن است... این گونه نیست که چیزی به فکر انسان رسیده باشد و آن را قرائت کند؛ بلکه کلام قرائت شده از سوی فرشتگان به سوی او می رسند.

یوزف راتسینگر/بندیکت شانزدهم، در «ترانه ای نو برای خداوند»

۱۷۸

آیا هنگامی که آیین فیض بخش از سوی انسانی برگزار می شود که شایستگی ندارد، این آیین تأثیر خود را از دست می دهد؟

خیر. ← آیین های فیض بخش بر اساس کارکرد کامل کننده و فیض بخشی خود (**ex opere operato**)، یعنی مستقل از عملکرد اخلاقی یا اندیشه های معنوی فرد برگزار کننده آن عمل می کنند. این کفایت می کند که او همان کاری را انجام دهد که ← **کلیسا** انجام می دهد [۱۱۲۷-۱۱۲۸، ۱۱۳۱].

برگزارکنندگان ← آیین های فیض بخش، باید در هر صورت زندگی نمونه ای داشته باشند. اما آیین های فیض بخش به سبب قداسات برگزارکنندگان آن نیست که تأثیرگذار می گردند، بلکه از آن رو که شخص مسیح در آنها تأثیرگذار است. البته او به آزاد بودن ما به هنگام دریافت آیین های فیض بخش نیز دقت دارد. از این رو، آیین ها فقط زمانی تأثیر مثبتی دارند که ما خود را به مسیح واگذار کنیم.

## فصل دوم

چگونه رازهای مسیح را برگزار می کنیم

۱۷۹

چه کسی آیین عبادی را برگزار می کند؟

این، مسیح، شخص خداوند است که در همه ← آیین های عبادی زمینی، آیین عبادی کیهانی را برگزار می کند، همانی که فرشتگان و انسان، زندگان و مردگان، گذشته، حال و آینده، آسمان و زمین را دربر می گیرد. ← **کشیشان** و ایمانداران به شیوه های گوناگون در مراسم عبادی مسیح شرکت می جویند [۱۱۳۶-۱۱۳۹].

هنگامی که ما مراسم عبادی را برگزار می کنیم، باید خود را از درون برای امر بزرگی که در آن رخ می دهد، آماده سازیم: اکنون و در اینجا مسیح است که حضور دارد و به همراه او ملکوت آسمان. در آنجا همه انباشته از یک شادمانی ناگفتنی و همزمان نوعی عنایت پرمحبت نسبت به ما هستند. در آخرین کتاب در کتاب مقدس، یعنی در کتاب مکاشفه، این ← آیین عبادی کیهانی که در اینجا بر زمین در آن گرد می آیییم، با تصاویری پر رمز و راز توصیف می شود ← ۱۷۰

۱۸۰

چرا واژه **Liturgie** را به آیین عبادی ترجمه می کنیم؟

آیین عبادی در وهله اول خدمتی است که خدا برای ما انجام می دهد و متعاقباً خدمتی است که ما برای خدا انجام می دهیم. خدا در پس نشانه های مقدس، خود را به ما اهداء می کند تا ما نیز چنین کنیم: خود را بدون هرگونه ملاحظه به او اهداء کنیم [۱۱۴۵-۱۱۴۶].

عیسی در این مراسم حضور دارد، در کلمه و در خود ← آیین فیض بخش - خدا حضور دارد. این نخستین و مهم ترین چیز در آیین عبادی است. پس از آن نوبت به ما می رسد. عیسی زندگی خود را برای ما فدا می سازد تا ما قربانی معنوی زندگی خود را به او اهداء کنیم. در ← آیین سپاسگزاری مسیح خود را به ما می دهد تا ما خود را به او بدهیم. به عبارتی می توان گفت که ما برای زندگی خود به مسیح یک چک سفید ارائه می دهیم. به این ترتیب ما در قربانی نجات دهنده و دگرگون شونده مسیح شرکت می جوئیم. درهای زندگی خرد و ناچیز ما به سوی ملکوت الهی گشوده می شود. خدا خود می تواند در ما زندگی کند.

۱۸۱

چرا در آیین های عبادی، نشانه های و نمادهای فراوان یافت می شود؟

خدا می داند که ما انسان ها نه فقط موجوداتی روحانی، بلکه همچنین موجوداتی جسمانی هستیم؛ ما به نمادها و نشانه ها نیاز داریم تا واقعیت های روحانی و درونی را بشناسیم و به کار بندیم [۱۱۴۵-۱۱۵۲].

چه گل سرخ، چه حلقه ازدواج، لباس سیاه، دیوارنوشته ها یا نور نشانه بیماری ایدز - ما همواره واقعیت های درونی را از راه نشانه ها به بیان در می آوریم و بی درنگ هم آنها را درک می کنیم. خدای انسان شده، نشانه هایی انسانی برای ما می فرستد که او در درون آنها در میان ما زندگی می کند و اثرگذار می گردد: نان و شراب، آب تمعید و تدهین با روح القدس. پاسخ ما به نشانه های مقدس به کار گرفته شده از سوی خداوند، ادای احترام است: با زانو زدن، با ایستادن به هنگام قرائت انجیل، با خم کردن کمر، با در هم گره کردن دست ها به هنگام دعا. و درست مانند آنچه در جشن عروسی صورت می گیرد، مکان حضور خداوند را نیز با زیباترین چیزهایی که در اختیار داریم زینت می بخشیم: گل، شمع و موسیقی. بدیهی است که نشانه ها به کلامی بیانگر نیز نیاز دارند.

۱۸۲

به چه دلیل نشانه های مقدس در آیین های عبادی به کلام نیز نیاز دارند؟

برگزاری ← آیین های عبادی به معنای رویارو شدن با خدا است؛ به او اجازه عمل کردن دادن، به او گوش سپردن، به او پاسخ دادن این گونه گفت و گوها همواره از راه حرکات و کلام صورت می گیرند [۱۱۵۳-۱۱۵۵، ۱۱۹۰].



من آدمم تا ایشان حیات یابند و آن را زیادتو حاصل کنند. من شبان نیکو هستم. شبان نیکو جان خود را در راه گوسفندان می نهد.

یو. ۱۰، ۱۱-۱۱



و هر که خواهد مقدم بر شما شود، خادم شما باشد. و هر که خواهد مقدم بر شما شود، غلام همه باشد. زیرا که پسر انسان نیز نیامده تا مخدوم شود، بلکه تا خدمت کند و تا جان خود را فدای بسیاری کند.

مر. ۲۴-۲۵، ۱۰



» نمادها برای امور نادیدنی، زبانی هستند که توسط امور دیدنی سخن می گویند.

گرتروید فن لفورث



» من زبان نمادها را تنها زبان بیگانه می دانم که هر یک از ما موظف به فراگیری آن است.

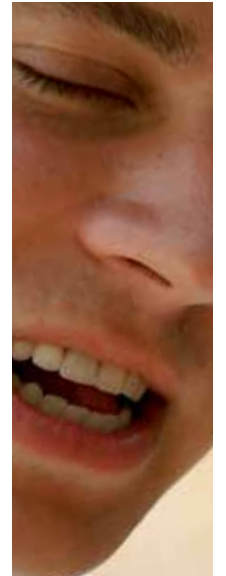
اریش فروم

(۱۹۰۰-۱۹۸۰، روانکار)



و یکی دیگر را صدا زده و می گفت: «قدوس، قدوس، قدوس، یهوه صباوت، تمامی زمین از جلال او مملو است»  
اش، ۳.۶

عیسی از راه نشان ها و کلام با انسان ها سخن می گفت. در کلیسا هم، هنگامی که ← کشیش، هدایا را تقدیم می کند و می گوید: «این تن من است... این خون من است...»، چنین است. فقط این کلام بیانگر عیسی است که به آنجا می انجامد که نشان ها به ← آیین های فیض بخش بدل گردند: نشانه هایی که هر آنچه را که به آن دلالت می کنند، تحقق می بخشند.



و با یکدیگر به مزامیر و تسیحات و سرودهای روحانی گفتگو کنید و در دل های خود به خداوند بسرایید و ترنم نمایید!  
اش، ۱۹.۵

» آن که سرود می خواند، دوبار نیایش می کند. آگوستین

۱۸۳

چرا در آیین عبادی موسیقی نواخته می شود و موسیقی مربوطه چگونه باید ساخته شده باشد که با آیین عبادی همخوان باشد؟

هر کجا که کلام برای ستایش خدا کفایت نکند، موسیقی به یاری ما می آید [۱۱۵۶-۱۱۵۸، ۱۱۹۱].



هنگامی که ما به خدا روی می آوریم، همواره ته مانده ای از ناگفتنی ها و ناگفته ها باقی می ماند. در اینجاست که موسیقی می تواند ایفای نقش کند. در ابراز شادی، کلام به ترانه بدل می شود - از این رو فرشتگان ترانه سرایی می کنند. موسیقی در آیین عبادی باید دعا را زیباتر و درونی تر سازد، قلب های همه حاضران را ژرف تر دربرگیرد و به سوی خدا رهنمون شود و جشنی از ترانه ها را برای خدا مهیا سازد.

۱۸۴

آیین عبادی چگونه بر زمان تأثیر گذار می گردد؟

در آیین عبادی، زمان به معنای عام آن به زمان برای خدا بدل می گردد.

اغلب ما قادر نیستیم با زمان خود کنار بیاییم. ما همواره در تلاش برای وقت گذرانی هستیم. در آیین عبادی، زمان کاملاً مترکم می گردد، زیرا هر ثانیه انباشته از معناست. هنگامی که ما آیین عبادی را برگزار می کنیم، درمی یابیم که خدا زمان را مقدس ساخته و هر ثانیه را به گذرگاهی به سوی ابدیت بدل ساخته است.

۱۸۵

به چه دلیل آیین عبادی هر سال تکرار می شود؟

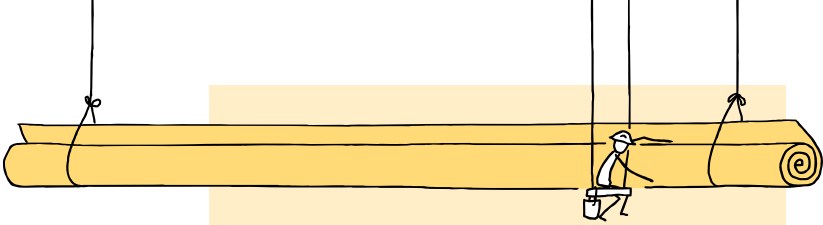
همان گونه که ما هر ساله روز تولد یا روز ازدواج را جشن می گیریم، در ← آیین عبادی نیز با تناوب سال، مهم ترین رخدادهای مقدس مسیحی جشن گرفته می شود. البته با یک تفاوت بسیار مهم: همه زمان ها، زمان خدا به شمار می روند. «یادآوری» پیام و زندگانی عیسی، همزمان به معنای ملاقات با خدای زنده است [۱۱۶۳-۱۱۶۵، ۱۱۹۴-۱۱۹۵].

سورن کی یرگارد، فیلسوف دانمارکی، زمانی چنین گفت: «ما یا همعصران عیسی هستیم و یا خودمان دست به این انتخاب می زنیم که در زمره همعصران او نباشیم.» همراهی توام با ایمان با سال عبادی، ما را در عمل به همعصران عیسی تبدیل می کند. نه به دلیل این که می توانیم درست مبتنی بر زمان او یا زندگی او فکر یا زندگی کنیم، بلکه به آن سبب که وقتی من با این روش، برای او جا باز می کنم، او وارد زمان من و زندگی من می شود، با حضور مقدس و بخشایشگر خود و نیز با قدرت خارق العاده رستاخیزش.

۱۸۶

سال عبادی (سال کلیسایی) چیست؟

سال عبادی یا سال کلیسایی پر کردن روند عادی سال با رخدادهای زندگی مسیح - از انسان شدن او تا بازگشت او به جلال - است. سال عبادی با فصل ورود آغاز می شود، این یعنی دوران انتظار خداوند که ابتدا با گرد آمدن همگان در شب میلاد مسیح و بار دوم به شکل وسیع تر با جشن رنج رهایی بخش، مرگ و رستاخیز مسیح در عید فصح به اوج خود می رسد. فصل عید فصح با جشن پنتیکاست به پایان می رسد که نزول روح القدس بر ← کلیسا است. سال عبادی پیوسته جشن هایی مانند جشن خداوند، جشن حضرت مریم و جشن مقدسین را نیز دربردارد که در آنها کلیسا فیض خدا را که انسان ها را به سوی نجات رهنمون شده است، ستایش می کند [۱۱۶۸-۱۱۷۳، ۱۱۹۴-۱۱۹۵].



و وقت را دریابید! اف، ۱۶.۵

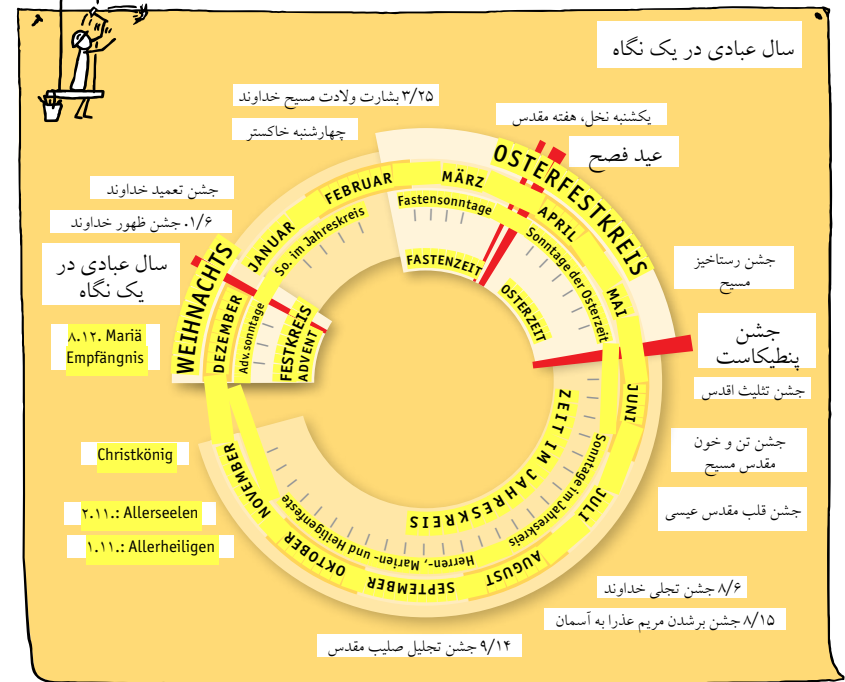
» جاودانگی خداوند، به سادگی، بی زمانی یا نفی زمان نیست، بلکه انبوه زمان است که به شکل همراه بودن با زمان و داخل بودن در زمان به تحقق می رسد. یوزف راتسینگر/بندیکت شانزدهم در «روح آیین عبادی»

» سال عبادی با حضور پیوسته نوین خود و توصیف پیاپی زندگانی مسیح، بزرگ ترین شاهکار انسان است؛ خدا، خود پیوندش را با این سال به نمایش گذاشته و آن را سال به سال تضمین می دهد و پیوسته به آن پرتوی جدید می بخشد، گویی که برای نخستین بار است که این رخداد را به خود می پذیرد.

یوخن کلیپر (۱۹۰۳-۱۹۴۲، نویسنده آلمانی)



سال عبادی در یک نگاه



یکشنبه نخل، هفته مقدس

۳/۲۵ بشارت و ولادت مسیح خداوند

چهارشنبه خاکستر

عید فصح

جشن تعمید خداوند

۱/۶ جشن ظهور خداوند

سال عبادی در یک نگاه

۸.۱۲. Mariä Empfängnis

Christkönig

۲.۱۱.: Allerseelen

۱.۱۱.: Allerheiligen

جشن رستاخیز مسیح

جشن پنطیکاست

جشن تثلیث اقدس

جشن تن و خون مقدس مسیح

جشن قلب مقدس عیسی

۸/۶ جشن تجلی خداوند

۸/۱۵ جشن برشدن مریم عذرا به آسمان

۹/۱۴ جشن تجلیل صلیب مقدس

هر روز تو را هفت مرتبه تسبیح می خوانم، برای داوری های عدالت تو.

مژ، ۱۹، ۱۶۴



ZWEITER TEIL - WIE WIR DIE CHRISTLICHEN MYSTERIEN FEIERN

۱۱۲  
۱۱۳

[1] ۱. KAPITEL: WIE WIR DIE GEHEIMNISSE CHRISTI FEIERN

Die Kirche ist der theologische Ort, wo Gott gesucht und gefunden werden möchte. Sie steigert die Wohnbarkeit dieser Welt. Wie die Anwesenheit unserer Städte und Dörfer durch die Kirchen gesteigert wird - was wäre Köln ohne seinen Dom? - so wird durch die Anwesenheit Gottes in unserer Welt die Wohnbarkeit der Erde gesteigert.

Joachim Kardinal Meisner (Erzbischof von Köln, ۱۹۳۳)\*



در سراسر جهان در هر ساعتی از روز این فرصت فراهم می آید که خدای سه گانه فرد نیایشگر و جهان را گام به گام دگرگون سازد. فقط ← کشیشان و راهبان نیستند که آیین نیایش ساعات را به اجراء می گذارند. بسیاری مسیحیان که ایمان برای آنان اهمیت دارد، با هزاران هزار روش ویژه خود، ندا درمی دهند، ندایی که در هر کجای جهان به سوی خداوند برمی خیزد [۱۱۷۴-۱۱۷۸، ۱۱۹۶].

هفت «نیایش ساعات»: (واژه horae در لاتین به معنای ساعت است) مانند گنجینه ای از دعا برای ← کلیسا هستند. این گنجینه حتی زمانی هم که ما از سر شادی، رنج یا وحشت، زبان خود را از دست داده باشیم، کلام را به جریان می اندازند. در نیایش ساعات، انسان پیوسته به شگفتی می آید: عبارت یا سراسر یک متن، «به شکل اتفاقی» درست با وضعیت من همخوانی دارد. هنگامی که ما آن را ندا دهیم، خدا آن را می شنود. او با این متن ها به ما پاسخ می دهد - گاه به شیوه ای تکان دهنده محسوس. البته گاه نیز مدت ها سکوت و جمود را نصیب ما می سازد و از ما وفاداری انتظار دارد ← ۴۷۳، ۴۹۲

۱۸۹ آیین عبادی چگونه بر مکانی که در آن زندگی می کنیم، تأثیر می گذارد؟

مسیح با پیروزی خود، بر سراسر مکان های جهان نفوذ کرده است. او خود معبد راستین است و ستایش خدا «به روح و راستی» (یو، ۴، ۲۴)، وابسته به مکان ویژه ای نیست. به رغم آن، جهان مسیحی انباشته از کلیساها و نشانه های مقدس است، زیرا انسان ها برای دیدار با یکدیگر به مکان هایی ملموس نیاز دارند و همچنین به نشانه هایی برای این که واقعیت نوین به آنان یادآور شود. هر کلیسایی به منزله نمادی برای خانه ملکوتی خدا است که ما در راه رسیدن به آن هستیم [۱۱۷۹-۱۱۸۱، ۱۱۹۷-۱۱۹۸].

شکی نیست که می توان همه جا دست به دعا بلند کرد - در جنگل، در ساحل و در تخت. اما از آنجا که ما انسان ها موجوداتی صرفاً روحانی نیستیم، بلکه از جسم هم برخوردار هستیم، باید یکدیگر را ببینیم، بشنویم و احساس کنیم؛ هنگامی که می خواهیم با یکدیگر ملاقات کنیم تا «جسم مسیح» گردیم، باید مکانی محسوس داشته باشیم؛ باید هنگامی که می خواهیم خدا را پرستش کنیم، زانو بزنیم؛ باید نان تقدیس شده را هر کجا که ارائه می شود، تناول کنیم؛ باید هنگامی که او ما را صدا می کند، با جسم خود به حرکت در آییم. و صلیبی که بر سر راه قرار دارد، به ما یادآور می شود که جهان به چه کسی تعلق دارد و ما در کدام مسیر در حال حرکت هستیم.



۱۸۷ روز یکشنبه تا چه حد اهمیت دارد

روز یکشنبه مرکز زمان در مسیحیت به شمار می رود، زیرا در روز یکشنبه ما رستاخیز مسیح را جشن می گیریم و هر یکشنبه به منزله یک جشن فصح در مقیاس کوچک است [۱۱۶۳-۱۱۶۷، ۱۱۹۳].

اگر به روز یکشنبه بی توجهی شود یا این روز برچیده شود، فقط در هفته، روزهای کاری باقی می ماند. به این ترتیب، انسان که برای شادمانی آفریده شده است، تا سرحد یک حیوان بارکش یا مصرف کننده صرف تنزل می یابد. ما باید به درستی جشن گرفتن بر زمین را بیاموزیم، در غیر این صورت قادر به حیات در ملکوت نخواهیم بود. در ملکوت، یکشنبه ای بی پایان حاکم است ← ۱۰۴-۱۰۷

۱۸۸ آیین نیایش ساعات چیست؟

«آیین نیایش ساعات» همان دعای همگانی و رسمی در ← کلیسا است. متون کتاب مقدس، فرد نیایشگر را پیوسته در ژرفنای بیشتری به سوی راز زندگی عیسی مسیح رهنمون می شوند. به این ترتیب،

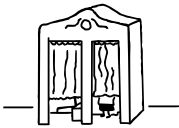
سال جدید عبادی با نخستین یکشنبه ورود آغاز می شود و نقطه اوج آن در جشن فصح است.

هفت نیایش ساعات به قرار زیر هستند:

- نیایش فجر
- ستایش صبحگاهی
- نیایش سوم (ساعت نه)
- نیایش ساعت ششم (ساعت ۱۲)
- نیایش ساعت نهم (ساعت ۱۵)
- نیایش عصر
- نیایش شبانه







» همواره در هر کجا که

در تعمق های نیایشی به فکر آن بیفتیم که چگونه می توانیم آیین نیایشی را جذاب، جالب و زیبا نماییم، آیین نیایشی ارزش خود را از دست می دهد. این آیین، یا به خودی خود Opus Dei [کارکرد خدا] به همراه خدا به عنوان کننده اصلی است و یا نیست.

بنديکت شانزدهم، ۲۰۰۷/۰۹/۰۹

یک خداوند، یک ایمان، یک تعمید؛ یک خدا و پدر همه.



اف، ۴، ۵-۶

آیین ورود به عضویت

INITIATION

(برگرفته از واژه لاتین initium به معنای آغاز) به معنای ورود و همگرا شدن فردی خارج از جماعت کلیسایی است که پیشاپیش وجود داشته است.



قربانگاه مرکز ثقل کلیسا است. در آیین سپاسگزاری، عیسی مسیح، در قالب قربانی صلیب و رستاخیز بر قربانگاه حضور می یابد و خوراک فصیح نیز در آنجا مهیا می گردد. قربانگاه همچنین میز می است که قوم خدا به آن فراخوانده شده است. در صندوقچه قربان مقدس که گونه ای گنجینه مقدس به شمار می رود، نان تقدیس شده در آیین سپاسگزاری، ترجیحاً در مکانی موجه و شایسته از کلیسا نگهداری می شود، نانی که خداوند شخصاً در آن حضور دارد. «نور ابدی» نشان می دهد که صندوقچه، «مسکون» است. اگر این نور خاموش باشد، نشانه ای از آن است که صندوقچه قربان مقدس خالی است. جایگاه ← اسقف و ← کشمیش که از دیگر جایگاه ها قابل تشخیص است (به زبان لاتینی: cathedra)، بیانگر آن است که سرآخر مسیح است که این جماعت را هدایت می کند. سکوی قرائت (برگرفته از واژه یونانی anabainein به معنای بالا رفتن) که همان میز قرائت کلام خداست، ارزش و منزلت قرائت های کتاب مقدس را در مقام کلام خدای زنده می شناساند. تعمید در حوضچه تعمید صورت می گیرد و هدف از قراردادن حوضچه آب مقدس یادآوری وعده های تعمید ما است. صندلی یا جایگاه توبه و اعتراف از این رو در آنجا قرار داده شده است که افراد بتوانند به گناهان خود اعتراف کنند و بخشش دریافت نمایند.

۱۹۲ آیا کلیسا می تواند آیین عبادی را تغییر دهد یا در آن نوآوری صورت دهد؟

بخش هایی قابل تغییر و غیر قابل تغییر در ← آیین عبادی وجود دارد. بخش های غیر قابل تغییر شامل همه آن بخش هایی است که خاستگاهی الهی دارند، برای نمونه کلام عیسی به هنگام شام آخر. در کنار آن، بخش هایی قابل تغییر وجود دارد که گاه حتی لازم است کلیسا آنها را تغییر دهد. راز مسیح باید در همه زمان ها و در همه جا اعلام شود، برگزار شود و زندگی یابد. از این رو آیین عبادی باید با روح و فرهنگ هر یک از ملت ها همخوان باشد [۱۲۰۰-۱۲۰۹].

عیسی انسان را در تمامیت اش مخاطب قرار داد، یعنی با روح، اندیشه، قلب و اراده اش. این درست همان چیزی است که او امروز در ← آیین عبادی می طلبد. به همین دلیل است که این آیین در افریقا جنبه های دیگری به خود می گیرد تا در اروپا؛ در خانه های سالمندان به نسبت آنچه در روز جهانی جوانان برگزار می شود، متفاوت است و در کلیساهای محلی به نسبت آنچه در صومعه ها جریان دارد، چهره دیگری به خود می گیرد. اما آنچه باید همواره قابل تشخیص بماند این است که این آیین، همان آیین عبادی برای یک کلیسای کامل و واحد جهانی است.



۱۹۰ خانه خدا در مسیحیت به چه چیز اطلاق می شود؟

خانه خدا در مسیحیت هم نمادی برای جماعتی کلیسایی از انسان ها در مکانی قابل شناسایی و هم نمادی برای سکونتگاه های آسمانی است که خدا برای همه ما مهیا کرده است. در خانه خدا افراد گرد هم می آیند تا با یکدیگر یا به تنهایی دست به دعا برند و ← آیین های فیض بخش، بویژه ← آیین سپاسگزاری را برگزار کنند [۱۱۷۹-۱۱۸۶، ۱۱۹۷-۱۱۹۹].

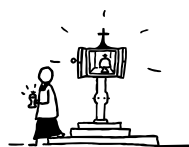
«در اینجا رایحه ملکوت به مشام می رسد» - «در اینجا آدمی سراپا سکوت و سرشار از حس احترام می گردد». بسیاری کلیساها ما را به معنای واقعی کلمه در فضایی متراکم از دعا پذیرا می شوند. ما در اینجا احساس می کنیم که خدا حضور دارد. زیبایی کلیساها، زیبایی، عظمت و محبت خدا را به ما یادآور می شود. کلیساها نه فقط پیام آورهایی سنگی برای ایمان، بلکه سکونتگاه های خدا هستند که در ← آیین فیض بخش قربانگاه، براستی، به حقیقت و به گونه ای بنیادی در آنجا حضور دارد.

۱۹۱ کدامیک از فضاهای عبادی مشخصه آن را دارند که خانه خدا اطلاق شوند؟

فضای مرکزی خانه خدا، قربانگاه است، همراه با صلیب، صندوقچه قربان مقدس، جایگاه های نشستن برگزار کنندگان مراسم، سکوی قرائت، حوضچه تعمید و جایگاه توبه و اعتراف [۱۱۸۲-۱۱۸۸].

» خدا، کلیساها را مانند بندرهایی در کنار دریا قرار داد تا در آن، خود را از چنگ تلاطم تنش های زمینی نجات دهد و آرامش و سکوت یابد.

جان کریسوستوم  
[ملقب به یوحنا فم الذهب]





پس رفته، همه امت  
ها را شاگرد سازید  
و ایشان را به اسم اب و ابن  
و روح القدس تعمید دهید.  
مت. ۲۸، ۱۹

هر کودکی از راه تعمید  
در جمعی از دوستان پذیرفته  
می شود که او را هرگز، چه  
در زندگانی و چه در مرگ،  
ترک نمی کنند... این جمع  
دوستان که همان خانواده  
الهی است و کودک اکنون  
عضوی از آن گشته است،  
پیوسته کودک را همراهی  
می کند، حتی در روزهای  
رنج و عذاب و در شب  
های تیره و تاریک؛ این  
جمع به او را تسلا می دهد،  
تشویق می کند و نور می  
بخشد.

بنادیکت شانزدهم، ۲۰۰۶/۰۱/۰۸

پس اگر کسی در  
مسیح باشد، خلقت  
تازه ای است، چیزهای کهنه  
درگذشت، اینک همه چیز  
تازه شده است.

قره، ۱۷، ۵

شب منقضی شد و  
روز نزدیک آمد.  
پس اعمال تاریکی را بیرون  
کرده، اسلحه نور بپوشیم...  
بلکه عیسی مسیح خداوند  
را بپوشید و برای شهوات  
جسمانی تدارک نبینید.

روم، ۱۲، ۱۳ و ۱۴

## بخش دوم

### هفت آیین فیض بخش کلیسا

آیا یک منطق باطنی وجود دارد که در آن همه آیین های  
فیض بخش با هم مرتبط باشند؟

کلیه ← آیین های فیض بخش به معنای دیداری با مسیح هستند  
که خود آیین فیض بخش اصلی است. آیین های فیض بخش به سه  
دسته تقسیم می شوند: ← آیین های فیض بخش ورود به عضویت  
که انسان را به سوی ایمان رهنمون می شوند، یعنی تعمید،  
← استواری و ← آیین سپاسگزاری. آیین های فیض بخش شفا:  
توبه و آشتی و همچنین تدهین بیماران. و سر آخر آیین های فیض  
بخش خدمت به جامعه و رسالت، یعنی ازدواج و تبه های مقدس  
[۱۲۱۰-۱۲۱۱].

تعمید، انسان را با مسیح پیوند می بخشد. ← استواری، روح او را بر  
ما می فرستد. ← آیین سپاسگزاری ما را با او متحد می سازد. توبه ما  
را با مسیح آشتی می دهد. مسیح از راه تدهین بیماران، درمان می کند،  
قوت می بخشد و تسلی می دهد. در آیین فیض بخش ازدواج، مسیح  
محبت خود را در محبت ما و وفاداری خود را در وفاداری ما نوید می  
دهد. از راه رتبه های مقدس، ← کشیشان اختیار بخشودن گناهان و  
برگزاری عشاء ربانی را دریافت می کنند.

## فصل اول

### آیین های فیض بخش ورود به عضویت

### آیین فیض بخش تعمید

تعمید چیست؟

تعمید راهی برای خروج از قلمرو مرگ و منتهی به زندگی است؛  
این آیین، دروازه ای به سوی کلیسا و سرآغاز پیوندی پابرجا با خدا  
است [۱۲۱۳-۱۲۱۶، ۱۲۷۶-۱۲۷۸].

Dتعمید ← آیین فیض بخش بنیادی و پیش شرطی برای سایر آیین  
های فیض بخش است. این آیین ما را با عیسی مسیح پیوند می بخشد،  
ما را با خود به مرگ رهایی بخش او بر صلیب می کشد، از این راه ما  
را از قدرت گناه نخستین و همه گناهان فردی مان می رهاوند و اجازه  
می دهد همراه با او به سوی یک زندگانی بی پایان رستاخیز کنیم. از  
آنجا که تعمید به منزله پیمانی با خدا است، انسان باید به آن «آری»  
بگوید. به هنگام تعمید کودکان، والدین به نمایندگی از سوی آنان،  
ایمان را اقرار می دارند. ← ۱۹۷

تعمید چگونه اجراء می شود؟

شیوه کلاسیک تعمید، سه بار فروبردن فرد تعمیدشونده در آب  
تعمید است. اما در اغلب اوقات، سه بار آب به روی سر فرد  
تعمیدشونده ریخته می شود، در حالی که فرد تعمیددهنده این  
کلمات را به زبان می آورد: «... من تو را به نام پدر و پسر و روح  
القدس تعمید می دهم» [۱۲۲۹-۱۲۴۵، ۱۲۷۸].

آب نمادی از پاکی و یک زندگانی جدید است، یعنی همان چیزی  
که در تعمید عیسی توسط یحیی تعمیددهنده به بیان درآمد. تعمیدی  
که «به نام پدر و پسر و روح القدس» با آب صورت می گیرد، چیزی  
فراتر از نشانی از رویگردانی و توبه است، این تعمید زندگانی جدید  
در مسیح است. از این روست که نشانه هایی مانند تدهین، لباس سفید  
و شمع تعمید نیز به آن افزوده می شوند.

چه کسی می تواند تعمید بگیرد و از فرد تعمیدگیرنده چه  
خواسته می شود؟

هر انسانی که هنوز تعمید نشده باشد، می تواند تعمید بگیرد. تنها  
شرط تعمید، ایمان است که به هنگام تعمید، فرد باید به شکل علنی  
به آن اقرار کند [۱۲۴۶-۱۲۵۴].

فردی که به مسیحیت روی می آورد، فقط جهان بینی خود را دگرگون  
نمی سازد. او به راه آموزش (← تعلیمات کلیسایی) پا می گذارد،  
راهی که در آن از طریق رویگردانی شخصی، بویژه همچنین از راه  
عطیه تعمید، به انسانی نوین بدل می شود. او از آن لحظه به بعد،  
عضوی زنده از کالبد مسیح است.

به چه دلیل کلیسا پایبند تعمید کودکان است؟

کلیسا از روزگاران قدیم پایبند تعمید دادن کودکان بوده است.  
برای این کار یک دلیل واحد وجود دارد: پیش از آن که ما تصمیم  
به گزینش خداوند بگیریم، خداوند تصمیم به گزینش ما گرفته  
است. بنابراین تعمید، رحمت و عطیه ای رایگان از سوی خداوند  
است که بی قید و شرط به ما ارزانی می گردد. والدین ایماندار  
که بهترین ها را برای فرزند خود آرزو می کنند، خواستار تعمید  
نیز هستند که طی آن کودک از چنگ گناه نخستین و قدرت مرگ  
رهايي می یابد [۱۲۵۰-۱۲۸۲].

پیش شرط تعمید کودکان این است که والدین مسیحی، کودک تعمید  
شده خود را به درون ایمان راهنمایی کند. اگر کودک را براساس درک  
نادرست خود از اعطای آزادی، از تعمید محروم سازیم، کاری به ناحق

دوره آموزش تعلیم  
کلیسایی و آمادگی

### CATECHUMENATE

(برگرفته از واژه یونانی  
kat' echein به معنای  
تدریس کردن و به شکل  
توصیه به گوش دیگران  
رساندن): بویژه در  
کلیسای قدیم، متقاضیان  
تعمید در میان بزرگسالان  
(Catechumens) یک  
دوران آمادگی سه مرحله ای  
به نام Catechumenate  
(دوره آموزش تعلیم  
کلیسایی و آمادگی) را  
پشت سر می گذاشتند که  
در آن آموزه های ایمانی به  
آنان تعلیم داده می شد و  
به تدریج آمادگی آن را می  
یافتند که در مراسم نیایشی  
کلام خدا شرکت کنند.





## ۱۹۹ آیا تعمید برآستی تنها راه نجات است؟

برای همه آنانی که انجیل را دریافت کرده و درباره آن شنیده اند که مسیح «راه و راستی و حیات» (یو، ۱۴، ۶) است، تعمید تنها راه رسیدن به خدا و نجات به شمار می رود. اما همزمان این نیز مصداق دارد که مسیح برای همه انسان ها جان باخته است. از این رو، همه انسان هایی هم که امکان آن را نداشته اند که مسیح و ایمان را برآستی بشناسند، اما با قلب هایی صادق در جست و جوی خدا هستند و براساس وجدان خود زندگی می کنند، راه نجات را می یابند (امر موسوم به تعمید مبتنی بر آرزو) [۱۲۵۷-۱۲۶۱، ۱۲۸۱، ۱۲۸۳].

خدا نجات را به ← آیین های فیض بخش وابسته ساخته است. از این رو، کلیسا باید این آیین ها را به شکل خستگی ناپذیری به انسان ها ارائه دهد. دست کشیدن از این رسالت به منزله خیانت به تعهدی در پیشگاه خداوند است. اما خدا خود وابسته به آیین های فیض بخش خود نیست. در هر کجا که کلیسا - چه از سر گناه و چه بنا به دلایل دیگر - راهی به آن نیابد یا در کار خود ناموفق بماند، در همانجا خداوند خود برای انسان ها راهی دیگر به سوی نجات در مسیح می گشاید ← ۱۳۶.

## ۲۰۰ در تعمید چه رخ می دهد؟

در تعمید ما به عضوهایی در کالبد مسیح، برادران و خواهرانی برای نجات دهنده خود و فرزندان خدا بدل می شویم. از گناهان رها می شویم، از چنگ مرگ می رهیم و از آن پس برای زندگی در شادمانی نجات یافتگان آماده می گردیم [۱۲۶۲-۱۲۷۴، ۱۲۷۹-۱۲۸۰].

تعمید شدن به این معناست: حکایت شخصی زندگانی من در نهر محبت الهی فرومی رود. پاپ بندیکت شانزدهم در این باره چنین می گوید: «زندگانی ما به مسیح تعلق می یابد و نه دیگر به شخص ما... ما که مسیح همراهی مان می کند و در محبت او پذیرفته می شویم، از هر هراسی رهایی می یابیم. به هر کجا که برویم، او ما را دربر گرفته و حمل می کند - او خود، زندگی و حیات است (۲۰۰۷/۰۴/۰۷)» ← ۱۲۶.

زیرا اگر زیست کنیم برای خداوند زیست

می کنیم و اگر بمیریم برای خداوند می میریم. پس خواه زنده باشیم، خواه بمیریم، از آن خداوندیم.

روم، ۸، ۱۴

زیرا که جمیع ما به یک روح در یک

بدن تعمید یافتیم، خواه بپهود، خواه یونانی، خواه غلام، خواه آزاد و همه از یک روح نوشانیده شدیم.

قر، ۱۲، ۱۳

و هر گاه فرزندانیم، وارثان هم هستیم،

یعنی ورثه خدا و هم ارث با مسیح.

روم، ۸، ۱۷

» من بدان دعوت شده ام

که کاری انجام دهم یا چیزی باشم که هیچ فرد دیگری به آن دعوت نشده است. من در نقشه خدا بر روی زمین خدا، جایگاهی دارم که دیگری از آن برخوردار نیست. من چه ثروتمند و چه فقیر باشم، چه مورد تحقیر یا مورد احترام در نزد مردمان، خدا من را می شناسد و مرا به نامم می خواند.

جان هنری نیومن



پس چون که در موت او تعمید

یافتیم، با او دفن شدیم تا آن که به همین قسمی که مسیح به جلال پدر از مردگان برخاست، ما نیز در تازگی حیات رفتار نماییم.

روم، ۶، ۴

که می خواهد جمیع مردم نجات یابند و به معرفت راستی گرایند.

۱ تیم، ۲، ۴

اگر کسی از آب و روح مولود نگردد،

ممکن نیست که داخل ملکوت خدا شود.

یو، ۳، ۵

انجام داده ایم. همان گونه که اگر محبت را از کودک دریغ داریم تا بعدها خود راه محبت را برگزیند، کاری به ناحق انجام داده ایم، اگر والدین ایماندار کودک را از رحمت خداوند در تعمید محروم سازند، مرتکب ناحق شده اند. همان گونه که هر انسانی با توانایی صحبت کردن به دنیا آمده است، اما باید صحبت کردن را بیاموزد، هر انسانی هم با توانایی ایمان آوردن آفریده شده، اما باید با ایمان آشنا شود. البته نمی توان تعمید را به کسی تحمیل کرد. اگر انسان در کودکی تعمید را دریافت کرده باشد، باید بعدها آن را در زندگی خود «به رسمیت بشناسد» - این یعنی باید به آن آری گوید تا تعمید ثمربخش گردد.

## ۱۹۸ چه کسی می تواند مراسم تعمید را انجام دهد؟

معمولاً ← اسقف، ← کشیش یا ← شماسان ← آیین فیض بخش تعمید را برگزار می کنند. در موارد اضطراری هر مسیحی و حتی هر انسانی می تواند دیگری را تعمید دهد، به این ترتیب که آب را روی سر فرد تعمیدگیرنده جاری می سازد و کلام تعمید را قرائت می کند: «من تو را به نام پدر و پسر و روح القدس تعمید می دهم» [۱۲۵۶، ۱۲۸۴].

تعمید چنان اهمیت دارد که حتی یک فرد غیرمسیحی می تواند آن را اجراء کند. او فقط باید در حین این کار، نیت آن را داشته باشد که همان کاری را انجام دهد که کلیسا به هنگام تعمید دادن صورت می دهد.



## استواری CONFIRMATION

(برگرفته از واژه لاتین firmatio به معنای تقویت و محکم سازی): استواری به همراه تعمید و آیین سپاسگزاری در زمره سه آیین فیض بخش ورود به عضویت در کلیسا است. همان گونه که در روز جشن پنطیکاست روح القدس بر جمع شاگردان نازل شد، او بر هر فرد تعمید یافته که عطیه روح القدس را از کلیسا طلب می کند، نازل می شود. روح القدس او را برای آن که در زندگی خود به شاهی برای مسیح تبدیل شود، قوت می بخشد و مستحکم می سازد.

### ۲۰۱ دریافت داشتن نام در مراسم تعمید به چه معناست؟

بر اساس نامی که ما در تعمید دریافت می داریم، خدا به ما چنین می گوید: «و تو را به اسمت خواندم، پس تو از آن من هستی» (اش، ۴۳، ۱) [۲۱۵۶-۲۱۵۹، ۲۱۶۵-۲۱۶۷].

در تعمید، انسان در یک الهیت ناشناس حل نمی شود، بلکه برعکس، در فردیت خود تثبیت می گردد. بر اساس یک نام تعمید یافتن، به این معناست: خدا من را می شناسد؛ به من آری می گوید و من را در منحصر به فرد بودنم که با هیچ چیز دیگری قابل مقایسه نیست، برای همیشه پذیرا می شود ← ۳۶۱.

### ۲۰۲ چرا مسیحیان بهتر است در موقع تعمید، نام قدسین را برگزینند؟

الگوهای بهتر و همچنین یاری رسانانی بهتر از قدسین یافت نمی شود. اگر پشتیبان هم نام من، یک قدیس باشد، من در نزد خدا دوستی خواهم داشت [۲۱۵۶-۲۱۵۹، ۲۱۶۵].

## روغن مقدس تدهین CHRISM

(برگرفته از واژه یونانی chrisma به معنای روغن تدهین و christos به معنای مسح شده): این روغن، آمیزه ای از روغن زیتون و مرهم صمغ درختی کوهی است. اسقف در روز پنجمین مقدس آن را تدهین می کند تا بتوان در تعمید، استواری، مراسم دست گذاری شبانان و اسقفان و همچنین تدهین قربانگاه ها و ناقوس ها، از آن استفاده کرد. این روغن نمادی از دوستی، قدرت و تندرستی است. انسان هایی که به این روغن مقدس تدهین شده اند، «عطر خوشبوی مسیح» (۲ قر، ۱۵، ۲) را از خود پخش می کنند.

## آیین فیض بخش استواری

### ۲۰۳ استواری چیست؟

← استواری ← آیین فیض بخشی است که تعمید را تکمیل می کند و در آن عطیه روح القدس را دریافت می کنیم. هر کس که آزادانه تصمیم بگیرد در مقام فرزند خدا زندگی کند و طی دست گذاری و تدهین با ← مرهم مقدس، روح خدا را طلب کند، قدرت آن را می یابد که با کلام و کردار خود شاهی برای محبت خدا گردد. او از آن پس عضوی کاملاً رسمی و مسئول از کلیسای کاتولیک به شمار می رود [۱۲۸۵-۱۳۱۴].

هنگامی که یک مربی، یک بازیگر فوتبال را به زمین بازی می فرستد، دستش را روی شانه اش می گذارد و آخرین رهنمودها را به او می دهد. ← استواری را هم می توان چنین درک کرد. بر ما دست گذاری می شود. ما وارد عرصه حیات می شویم. ما از راه روح القدس می دانیم که چه باید بکنیم. او ما را تا نوک انگشت هایمان انگیزه بخشیده است. گسیل شدن او به سویمان، همچون زنگی در گوشمان به صدا در می آید. یاری او را حس می کنیم. ما اعتماد او را به یأس بدل نخواهیم کرد و بازی زندگی را به نفع او بازی خواهیم کرد. اکنون فقط باید بخواهیم و به او گوش دهیم ← ۱۱۹-۱۲۰.

### ۲۰۴ کتاب مقدس درباره آیین فیض بخش استواری چه می گوید؟


از همان ابتدا در ← عهد عتیق قوم خدا در انتظار جاری شدن روح القدس بر مسیح است. عیسی زندگی خود را در روحی کاملاً ویژه از محبت و در پیوند کامل با پدرش در آسمان می گذراند. این روح عیسی، همان «روح القدس» بود که قوم اسرائیل در حسرت او به سر می برد؛ و این همان روحی بود که عیسی به حواریون خود وعده داد، همان روحی که پنجاه روز پس از عید فصح، یعنی در روز عید پنطیکاست، بر حواریون نازل شد. و باردیگر همین روح مقدس عیسی است که بر هر کسی که ← آیین فیض بخش ← استواری را دریافت می کند، فرود می آید [۱۲۸۵-۱۲۸۸، ۱۳۱۵].

در اعمال رسولان که تنها چند دهه پس از مرگ عیسی نوشته شده است، شاهد پطرس و یوحنا هستیم که نوایمانان را استوار می سازند؛ این دو بر مسیحیان جدیدی که پیش از آن «فقط به نام عیسی خداوند تعمید یافته بودند»، دست می گذارند تا قلب آنان از روح القدس انباشته گردد ← ۱۱۳-۱۲۰، ۳۱۰-۳۱۱.

### اما رسولان که در اورشلیم بودند، چون شنیدند که اهل سامره کلام خدا را پذیرفته اند، پطرس و یوحنا را نزد ایشان فرستادند و ایشان آمده، به جهت ایشان دعا کردند تا روح القدس را بیابند، زیرا که هنوز بر هیچکس از ایشان نازل نشده بود که به نام خداوند عیسی تعمید یافته بودند و بس.

رس، ۸، ۱۴-۱۶



 روح خداوند یهوه بر من است زیرا خداوند مرا مسح کرده است تا مسکینان را بشارت دهم و مرا فرستاده تا شکسته دلان را التیام بخشم و اسیران را به رستگاری و مجوسان را به آزادی ندا کنم.


اش، ۱.۶۱

## ۲۰۵ در استواری چه رخ می دهد؟


در «**استواری بر روح فرد مسیحی**، مَهری ناگسستی الصاق می شود که تنها یک بار می توان آن را دریافت کرد و این شخص را یک بار برای همیشه در مقام مسیحی، شاخص می سازد. این عطیه روح القدس، قدرتی از جهان برتر است که آدمی به کمک آن، عطیه تعمید خود را در سراسر زندگانی خود به تحقق می رساند و «شاهد»ی برای مسیح می گردد [۱۳۰۲-۱۳۰۵، ۱۳۱۷].»

مراسم استواری را درباره خود به اجرا گذاشتن به معنای عقد یک «پیمان» با خدا است. فردی که استواری می یابد چنین می گوید: بله، من به تو ایمان دارم، خدای من، روح قدوس خود را به من ببخش تا به تمامی به تو تعلق یابم، هرگز از تو جدا نشوم و در سراسر زندگانی ام با جسم و جان، در کردار و گفتار، در روزهای نیک و شر، شاهدی برای تو باشم. و خدا چنین می گوید: بله، من نیز به تو ایمان دارم، فرزندم و روح خود، آری، خود را به تو هدیه می دهم. من به تمامی به تو تعلق خواهم داشت. من هرگز در این زندگانی و در زندگانی جاویدان از تو جدا نخواهم شد. من در جسم و جان و در کردار و گفتار تو حضور خواهم داشت. حتی اگر تو مرا فراموش کنی، من حضور خواهم داشت - در روزهای نیک و در روزهای شر


← ۱۲۰.

 شادی نجات خود را به من باز ده و به روح آزاد مرا تأیید فرما.

مز، ۱۲.۵۱

 و به خدا تقرب جوید تا به شما نزدیکی نماید.

یع، ۸.۴۰

 امروز آسمان و زمین را بر شما شاهد می آورم که حیات و موت و برکت و لعنت را پیش روی تو گذاشتم؛ پس حیات را برگزین تا تو با ذریت زنده بمانی.

تث، ۱۹.۳۰

» آنچه پیش از هر چیز مطرح است این است که قاطعانه آغاز کنیم.

نثرای آویلا

## ۲۰۷ چه کسی مجاز است مراسم استواری را اجراء کند؟

← **آیین فیض بخش** ← استواری، معمولاً توسط اسقف اجراء می شود. اگر ضروری باشد، اسقف می تواند یک «کشیش را مأمور به انجام آن سازد. در زمانی که خطر مرگ تهدید کند، هر کشیشی مختار است، مراسم استواری را به اجراء در آورد [۱۳۱۲-۱۳۱۴].»

## آیین فیض بخش سپاسگزاری

### ۲۰۸ آیین مقدس سپاسگزاری چیست؟

← **آیین مقدس سپاسگزاری**، ← **آیین فیض بخشی** است که در آن عیسی مسیح، جسم و خون خود - یعنی خود - را برای ما فدیة می دهد تا ما نیز در محبت، خود را به او فدیة دهیم و در «**قربانی مقدس** با او متحد سازیم. به این ترتیب ما با تن مسیح، یعنی کلیسا، پیوند می یابیم [۱۳۲۲-۱۳۲۴، ۱۴۰۹].»

← **آیین سپاسگزاری** پس از تعمید و ← استواری، سومین آیین فیض بخش ورود به عضویت در کلیسای کاتولیک است. آیین سپاسگزاری مرکز ثقل پر رمز و راز همه آیین های فیض بخش دیگر است، زیرا عیسی، این قربانی مصلوب تاریخی، هنگام ادای کلمات تقدیس، به شیوه ای پنهان و غیرخونین، حضور عینی می یابد. بر این اساس، آیین سپاسگزاری «سرچشمه و نقطه اوج کل حیات مسیحی» (شورای دوم واتیکان، ۱۱، Lumen Gentium) است. همه چیز به سوی این آیین معطوف شده است؛ از این گذشته، هیچ چیز بزرگ تری برای دستیابی وجود ندارد. هنگامی که ما نان پاره شده را تناول می کنیم، با محبت عیسی که جسم خود را بر چوب صلیب برای ما فدا کرد، متحد می گردیم؛ هنگامی که از جام می نوشیم، با کسی که در فدا ساختن خود برای ما حتی خون خود را بر زمین ریخت، متحد می شویم. ما این آیین را از خود ابداع نکرده ایم. عیسی خود همراه با حواریونش شام آخر را برگزار کرد و در آن به پیشواز مرگ خود رفت؛ او با نشان نان و شراب خود را به حواریون خود اهداء کرد و از آنان خواست، از آن پس و پس از مرگ او نیز آیین سپاسگزاری را برگزار کنند. «این را به یاد من به جای آورید!» (۱ قر، ۱۱، ۲۴) ← ۱۲۶، ۱۹۳، ۲۱۷.

» خدا اگر چیزی بزرگ تر از خود می داشت، این بزرگ تر را هم به ما ارزانی می کرد.


ژان ماری ویانی قدیس (۱۷۸۶-۱۸۵۹)، ملقب به «پدر روحانی اهل آرس»

» کارکرد اصلی آیین سپاسگزاری، بدل شدن انسان به خداست.

توماس آکوئین

### آیین سپاسگزاری EUCHARIST

(برگرفته از واژه یونانی eucharistia به معنای سپاسگزاری): آیین سپاسگزاری در اصل به معنای نیایش سپاسگزاری بود که در مراسم عبادی خداوند در کلیساهای اولیه، پیش از بدل شدن نان و شراب به تن و خون مسیح به اجراء درمی آمد. بعدها این واژه به همه آیین ها در حین برگزاری این نماز مقدس دلالیت یافت.

 و قبل از عید فصح، چون عیسی دانست که ساعت او رسیده است تا از این جهان به جانب پدر برود، خالصان خود را که در این جهان محبت می نمود، ایشان را تا به آخر محبت نمود.

یو، ۱۱.۳





« عیسی چگونه می تواند جسم و خون خود را تقسیم کند؟ او به این ترتیب که نان را به جسم و شراب را به خون خود بدل می سازد و تقسیم می کند، به پیشواز مرگ خود می رود، آن را از عمق درون می پذیرد و آن را به عملی از سر محبت بدل می سازد. آنچه در ظاهر خشونت بی رحمانه - تصلیب - است، از درون به عملی از سر محبت بدل می گردد که خود را اهداء می کند، به شکل کامل و همه جانبه.

بندیکت شانزدهم،  
۲۰۰۵/۰۸/۲۱

« گویی که صدایی از بالا می شنوم: من غذای نیرومندان هستم، رشد و نمو بیاب و از من بخور! اما تو مرا مانند یک غذای جسمانی در خود تبدیل نخواهی ساخت، بلکه این تو هستی که در من دگرگونی می یابی.

آگوستین، درباره دوره دگرگونی ایمانی اش

« در مراسم دریافت قربان حضور نیافتن یعنی کنار چشمه ایستادن و از تشنگی جان دادن.

پدر روحانی اهل آرس

## ۲۰۹ مسیح آیین سپاسگزاری را چه موقع تأسیس کرد؟

مسیح این ← **آیین فیض بخشش** و مقدس را در شب پیش از مرگش تأسیس کرد، «در شبی که او را تسلیم کردند» (اقر، ۱۱، ۲۳-۲۵). هنگامی که او ← **حواریون** را در بالاخانه شام آخر در اورشلیم به دور هم جمع کرد و به همراه آنان شام آخر را جشن گرفت [۱۳۲۳، ۱۳۳۷-۱۳۴۰].

## ۲۱۰ مسیح آیین سپاسگزاری را چگونه تأسیس کرد؟

«زیرا من از خداوند دریافتم، آنچه به شما نیز سپردم که عیسی خداوند در شبی که او را تسلیم کردند، نان را گرفت و شکر نموده، پاره کرد و گفت: بگریید بخورید. این است بدن من که برای شما پاره می شود. این را به یادگاری من بجا آرید.» و همچنین پیاله را نیز بعد از شام و گفت: «این پیاله عهد جدید است در خون من، هرگاه این را بنوشید، به یادگاری من بکنید» (اقر، ۱۱، ۲۳-۲۵).

این کهن ترین گزارش درباره رخدادهای بالاخانه شام آخر، از پولس رسول سرچشمه می گیرند که خود شاهد عینی نبود، بلکه آنچه را که در مقام رازی مقدس برای جماعت مسیحی نوپای آن زمان برجای ماند و به آیین عبادی منجر شد، به نگارش درآورد [۹۹].

## ۲۱۱ آیین سپاسگزاری برای کلیسا تا چه حد اهمیت دارد؟

بر ← **گزارش آیین سپاسگزاری**، مرکز ثقل جماعت مسیحی است. در این جشن است که ← **کلیسا**، کلیسا می گردد [۱۳۲۵].

مانه به این دلیل که یکدیگر را خوب درک می کنیم یا به خاطر آن که به شکل تصادفی درون یک جماعت گردآمده ایم، یک کلیسا به شمار می رویم، بلکه از آن رو که در ← **آیین سپاسگزاری**، تن مسیح را دریافت می کنیم و پیوسته از نو به تن مسیح بدل می شویم [۱۲۶، ۲۱۷].

## ۲۱۲ برای شام عیسی با ما چه اسامی وجود دارد و آنها چه معنایی دارند؟

اسامی گوناگون، رازی پنهان در پس پرده را نشان می دهند: قربانی مقدس، نماز مقدس، نماز قربان، شام خداوند، پاره کردن نان، گردهم آیی سپاسگزاری، یادبود رنج، مرگ و رستاخیز، آیین عبادی مقدس و الهی، رازهای مقدس، ← **مشارکت مقدس** [۱۳۲۸-۱۳۳۲].



قربانی مقدس، نماز مقدس، نماز قربان: مسیح در مقام تنها قربانی یکتا و واحد که همه قربانی ها را کامل می کند و بر آنها برتری دارد، در آیین سپاسگزاری حضور می یابد. ← **کلیسا** و ایمانداران با تقدیم کردن خود، خود را به قربانی مسیح پیوند می دهند. واژه Mass از واژه لاتینی *Ita, missa est* که برای ندا کردن یک نفر برای رفتن اطلاق می شود، برگرفته شده است: بروید، شما گسیل شده اید!

شام خداوند: هر مراسم سپاسگزاری همواره همان شامی است که مسیح با حواریون خود برگزار خواهد کرد و همزمان به منزله به پیشواز رفتن آن شامی است که خداوند با نجات یافتگان در روز آخرت جشن خواهد گرفت. این ما نیستیم که مراسم نیایشی را به جای می آوریم، بلکه خداوند است که ما را به مراسم نیایشی فرامی خواند و در آن به شکل رازآمیزی حضور دارد.

پاره کردن نان: «پاره کردن نان»، یک آیین که یهودی به هنگام شام بود که عیسی در آخرین شام خود به آن استناد کرد تا تسلیم و ایثار خود «برای ما» (روم، ۸، ۳۲) را به بیان درآورد. حواریون پس از رستاخیزش، او را بر اساس همین «پاره کردن نان» دوباره شناختند. و کلیسای نخستین نیز آیین عبادی خود را «پاره کردن نان» نامید.

گردهم آیی سپاسگزاری: برگزاری شام خداوند نیز یک گردهم آیی «شکرگزاری» است که در آن ← **کلیسا**، به بارزترین شکل ممکن قابل رویت می شود.

« در آیین مقدس سپاسگزاری ما با خدا همان گونه یکی می گردیم که غذا با جسم.

فرانسوا دو سال

« تار و پود زندگی شما باید پیرامون آیین سپاسگزاری بافته شود. چشمان خود را متوجه آن سازید که همان نور است؛ قلب های خود را به قلب الهی او کاملاً نزدیک سازید؛ از او رحمت بخواهید که او را بشناسید، محبت طلب کنید تا او را محبت کنید و جسارت برای آن که او را خدمت کنید. او را حسر تمدانده بجویید.

مادر ترزا



» ما اجازه نداریم زندگی خود را از آیین سپاسگزاری مجزا سازیم. در همان لحظه ای که چنین کاری انجام دهیم، چیزی فرو می شکند. مردم می پرسند: «خواهران، شادی و نیروی لازم برای کاری را که باید انجام دهند، از کجا می آورند؟» سپاسگزاری شامل چیزی فراتر از فقط دریافت ها است؛ این آیین همچنین شامل فرونشاندن عطش مسیح نیز هست. او می گوید: «به سوی من آید!» او تشنه جان هاست.

مادر ترزا

یادبود رنج، مرگ و رستاخیز: در آیین سپاسگزاری، جماعت کلیسایی، موضوعی مربوط به خود را جشن نمی گیرد، بلکه تجربه گذر نجات بخش مسیح از رنج و مرگ به سمت زندگی را پیوسته از نو کشف می کند و جشن می گیرد.

آیین عبادی مقدس و الهی، رازهای مقدس: در برگزاری آیین سپاسگزاری کلیسای آسمانی و زمینی در یک جشن واحد با یکدیگر پیوند می یابند. از آنجا که هدایای آیین سپاسگزاری که مسیح در آنها حضور دارد، بی شک مقدس ترین چیز در جهان هستند، به آنها مقدس ترین راز هم اطلاق می شود.

مشارکت مقدس: از آنجا که ما در این نماز مقدس با مسیح و از راه او، با یکدیگر پیوند می یابیم، در اینجا از مشارکت مقدس سخن گفته می شود (برگرفته از واژه لاتین COMMUNIO به معنای مشارکت).

۲۱۳ چه عناصری لزوماً به آیین قربانی مقدس تعلق دارند؟

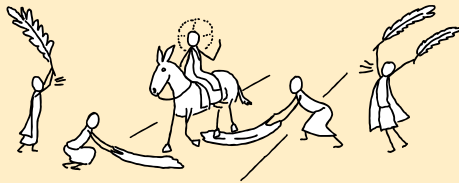
هر قربانی مقدسی (هر آیین سپاسگزاری) از دو بخش اصلی تشکیل شده است: آیین کلام خدا و آیین سپاسگزاری. [۱۳۴۶-۱۳۴۷].

در آیین کلام خدا ما به قرائت هایی از عهد عتیق و عهد جدید و همچنین از انجیل گوش می دهیم. از اینها گذشته، این مکان، مکانی برای بشارت و دعای همگانی برای تمنا و شفاعت است. در آیین سپاسگزاری که به دنبال آن می آید، نان و تقدیم و تقدیس می شوند و به عنوان قربانی مقدس بین ایمانداران توزیع می گردند.

۲۱۴ ساختار آیین قربانی مقدس چگونه است؟

آیین قربانی مقدس با گردهم آیی ایمانداران و ورود کشیشان و خادمان کلیسا (خادمان قربانگاه، قرائت کنندگان، گروه کر و غیره) آغاز می شود. به دنبال مقدمه ای در خوشامدگویی، اعتراف همگانی به گناهان خوانده می شود که با طلب مغفرت خاتمه می یابد. به دنبال این بخش، در روزهای یکشنبه (جز فصل روزه و توبه و فصل ورود) و در جشن ها، سرود شکوه و جلال خوانده می شود. دعای روز، یک یا دو قرائت از عهد جدید و عهد عتیق را دربرمی گیرد که بخش هایی از مزامیر به عنوان پاسخ و به شکل مزموور برگردان به دنبال آن می آید. پیش از قرائت انجیل، نوبت به ندای هاللوویا می رسد. پس از اعلام قرائت انجیل، کشیش یا شماس، دستکم در روزهای یکشنبه و در جشن ها، موعظه ای

← HOMILIE (ادای می کند). اقرار ایمان نیز تنها در روزهای یکشنبه و در جشن ها به شکل همگانی ادا می شود که به دنبال آن دعای ایمانداران خوانده می شود. بخش دوم آیین قربانی مقدس با تقدیم هدایا آغاز می شود که با دعا بر تقدیمی ها به پایان می رسد. نقطه اوج جشن سپاسگزاری، دعای اصلی سپاسگزاری است که با دیباچه و سرود قدوس آغاز می شود. در این هنگام، عطایای نان و شراب به تن و خون مسیح بدل می گردند. دعای اصلی سرانجام به سرود ستایش می انجامد که مراسم را به بخش دعای خداوندگار پیوند می زند. به دنبال آن، دعای صلح و آرامش یا همان بره خدا می آید و در پی آن، نوبت می رسد به پاره کردن نان و تقدیم هدایا به ایمانداران که در اغلب موارد فقط به شکل تن مسیح صورت می گیرد. آیین قربانی مقدس با تعمق، سپاس و آیین فرجام و برکت از سوی کشیش به پایان می رسد [۱۳۴۸-۱۳۵۵].



← طلب مغفرت به شکل زیر خوانده می شود:

کشیش: خداوندا، بر ما رحم کن!  
مردم: خداوندا، بر ما رحم کن!  
کشیش: مسیحا، بر ما رحم کن!  
مردم: مسیحا، بر ما رحم کن!  
کشیش: خداوندا، بر ما رحم کن!  
مردم: خداوندا، بر ما رحم کن!

Kyrie eleison! A Kyrie eleison! V  
Christe eleison! A Christe eleison! V  
Kyrie eleison! A Kyrie eleison! V

تناول قربانی مقدس  
COMMUNION

(برگرفته از واژه لاتینی communio به معنای مشارکت): آنچه به دریافت قربانی مقدس اطلاق می شود، دریافت تن و خون مسیح است که زیر نمای نان و شراب تقدیس یافته نمایان می شود. این عمل در واقع در خلال آیین قربانی مقدس، در مناسبت های ویژه و همچنین خارج از کلیسا صورت می گیرد. حتی دریافت قربانی مقدس تنها به شکل نان نیز دریافت کامل قربانی مقدس به همراه مسیح به شمار می رود.

طلب مغفرت  
KYRIE ELEISON

(برگرفته از واژه یونانی خداوندا بر ما رحم کن!) «Kyrie Eleison» ندای مغفرت خواهی بسیار کهن خطاب به خدایان و حاکمان است؛ این عبارت بسیار زود برای مسیح به کار گرفته شد، در سال ۵۰۰ از آیین های نیایشی یونانی به شکل ترجمه نشده وارد آیین های نیایشی رومی و در آنجا به همان شکل پذیرفته شد.





← عیسی مسیح در آنچه به شکل نان و شراب دیده می شود، به صورت واقعی اما به شکل نادیدنی و پنهان تا زمانی که این اشکال موجود باشند، حضور دارد.



### ؟ بره خدا AGNUS DEI

(به زبان لاتین به معنای بره خدا): یحیی تعمیددهنده، بره خدا در باب ۱۲ از کتاب خروج را که به واسطه قربانی شدنش قوم اسرائیل از بردگی نجات یافت، به شکل تصویری به عیسی تعمیم داد (در آیه ۲۹ از باب ۱، چنین می آید: «لینک بره خدا...»): ما از راه عیسی که مانند بره به سوی سکوی قربانی هدایت شد، از گناهان رها شده ایم و صلح در خدا را می یابیم. در آیین سپاسگزاری با ندا دادن مسیح در مقام «بره خدا»، نیایشی دو جانبه آغاز می شود که از سده ۷ جزئی از هر آیین قربانی مقدس است.

👉 زیرا هرگاه این نان را بخورید و

این پیاله را بنوشید، موت خداوند را ظاهر می نمایم تا هنگامی که بازآید.

۱ قر، ۱۱، ۲۶

و جام را تقدیم می کند، در روز انجام آن، درست همانی رخ می دهد که آن روزها رخ داد: مسیح برآستی خود را برای ما عرضه می کند و ما برآستی سهمی با او پیدا می کنیم. مسیح در مقام یک قربانی تکرارناشدنی و منحصر به فرد بر صلیب، بر قربانگاه، حضور زنده ای می یابد و کارکرد نجات ما را به تحقق و پایان می رساند [۱۳۶۲-۱۳۶۷].

۲۱۷ هنگامی که کلیسا آیین سپاسگزاری را برگزار می کند، برای کلیسا چه رخ می دهد؟

هر بار که کلیسا آیین سپاسگزاری را برگزار می کند، در برابر سرچشمه ای قرار دارد که خود هر بار از نو از آن نشأت می گیرد: کلیسا با «تناول» تن مسیح، به تن مسیح بدل می شود که فقط نامی دیگر برای کلیساست. در قربانی مسیح که خود را با جسم و جان خود به ما اهداء می کند، برای کل زندگانی ما جا وجود دارد. ما شغل خود، رنج های خود، دوستان خود، همه و همه را می توانیم با قربانی مسیح پیوند بخشیم. هنگامی که ما خود را این گونه عرضه می کنیم، دگرگونی می یابیم: خدا ما را پسند می کند و ما برای هموعان خود، نان نیک و نیروا هستیم [۱۳۶۸-۱۳۷۲، ۱۴۱۴].

بارها می شود که درباره ← کلیسا به گونه ای بد صحبت می کنیم که انگار این مکان، فقط جماعتی متشکل از انسان هایی کمابیش نیک سیرت است. در واقعیت امر، کلیسا هر روز به شیوه ای اسرارآمیز در قربانگاه از نو پدید می آید. خدا خود را تقدیم تک تک ما می کند و مایل است با برگزاری ← قربانی مقدس با او، ما دگرگون شویم. ما در مقام انسان هایی دگرگون شده، باید جهان را دگرگون سازیم. کلیسا هر چه که در کنار این ماهیت باشد، در درجه دوم اهمیت قرار دارد ← ۱۲۶، ۱۷۱، ۲۰۸.

۲۱۸ چگونه باید خداوند را که در نان و شراب حضور دارد، ارج نهیم؟

از آنجا که خدا برآستی به شکل نان و شراب تقدیس شده حضور دارد، ما باید این هدایای مقدس را با ارج و احترام فراوان حفظ کنیم و خداوندگار حضور یافته قادر متعال و منجی را پرستش کنیم [۱۳۷۸-۱۳۸۱، ۱۴۱۸].

چنانچه پس از برگزاری آیین مقدس سپاسگزاری، هنوز از نان تقدیس شده باقی باشد، آن را در صندوقچه مقدس نگهداری می کنند. از آنجا که «قادر متعال» در این صندوقچه حضور دارد، این صندوقچه یکی از شایان احترام ترین مکان ها در کلیسا است. ما جلوی هر صندوقچه مقدسی زانو می زنیم. شکی نیست که کسی که مسیح را برآستی پیروی می کند، مسیح را در فقیرترین فقیران باز خواهد شناخت و به او در وجود آنان خدمت خواهد کرد. اما او همچنین خداوند را زمانی خواهد یافت که در سکوت ناشی از پرستش، جلوی صندوقچه مقدس تأمل کند و محبت خود را تقدیم خداوند قربانی شده نماید.

۲۱۹ یک مسیحی کاتولیک چند بار باید در آیین سپاسگزاری شرکت کند؟

هر مسیحی کاتولیک موظف است در همه روزهای یکشنبه و روزهای جشن در مراسم قربانی مقدس شرکت کند. هر کسی که برآستی در جست و جوی دوستی با عیسی باشد، هر چند بار که بتواند، دعوت شخص عیسی به این شام را اجابت می کند [۱۳۸۹-۱۴۱۷].

«تکلیف روزهای یکشنبه» در واقع برای هر مسیحی واقعی همان اندازه عبارتی نادرست به شمار می آید که «تکلیف بوسه» برای فردی که برآستی عاشق است. هیچکس قادر نیست با مسیح زنده رابطه ای برقرار کند، اگر به آنجایی که او منتظر ماست نرود. از این رو، از قدیم تا به امروز، مراسم نماز قربانی مقدس برای مسیحیان، «قلب یکشنبه» و مهم ترین قرار ملاقات در هفته به شمار می رود.

### ؟ صندوقچه قربان مقدس

#### TABERNACLE

(بر گرفته از واژه لاتین tabernaculum به معنای کلبه، چادر): در کلیسای کاتولیک، صندوقچه قربان مقدس با وام گیری از صندوقچه عهد در عهد عتیق، به شکل مکانی پرارزش برای محافظت از قربان مقدس (مسیح به شکل نان) خود را می نمایند.

### ؟ ظرف نمایشگر نان مقدس MONSTRANCE

(بر گرفته از واژه لاتین monstrare به معنای نشان دادن): ظرف مقدسی برای نمایش که در مراسم ویژه ای، در آن مسیح به شکل نان تقدیس شده به منظور پرستش برای ایمانداران به نمایش گذاشته می شود.

### ؟ سرود ستایش DOXOLOGY

(بر گرفته از واژه یونانی doxa به معنای شکوه و جلال): بخش پایانی، پرشکوه و فرمول مانند یک نیایش، مانند پایان نیایش ستایش که چنین می آید: از راه مسیح، به همراه مسیح، در پیوند با مسیح، تو را ای خدا، پدر پر توان، در اتحاد روح القدس، حرمت و جلال باد تا ابد اباد. ←





← در بیشتر موارد سرودهای ستایش به خدای سه گانه اشاره دارند، همان گونه که در نیایش ذیل که معمولا بخش پایانی نیایش مسیحی را تشکیل می دهد، آمده است: ستایش باد بر پدر و پسر و روح القدس، همان گونه که در آغاز بود و هم اکنون هست و در همه اوقات تا به ابد خواهد بود.

» کارهایمان بسیار است. بیمارستان ها و خانه های مشرفان به موت در همه جا پر است. هنگامی که کار خود را با نیایش روزانه آغاز کردیم، عشق ما به مسیح بسیار صمیمانه تر، محبتمان به یکدیگر همراه با درک بیشتر، محبتمان به فقرا همدردانه تر و تعداد مأموریت هایمان نیز دوبرابر شد.

مادر ترزا

» Evangelische Christen können dann zur Heiligen Kommunion gehen. „wenn Todesgefahr besteht □ wenn sie einen Spender der eigenen Gemeinschaft nicht aufsuchen können □ und von sich aus darum bitten. sofern sie bezüglich dieser Sakramente den katholischen Glauben bekunden und in rechter Weise „disponiert sind

۲۲۰ من چگونه باید آمادگی داشته باشم که بتوانم قربان مقدس را دریافت دارم؟

کسی که مایل است ← **قربان مقدس** را دریافت دارد، باید کاتولیک باشد. اگر او بار گناه سنگینی را بر وجدان خود داشته باشد، باید پیش از دریافت قربان مقدس اعتراف کند. پیش از آن که انسان به سوی قربانگاه گام بردارد، باید با همنوع خود آشتی کند [۱۳۸۹، ۱۴۱۷].

تا چند سال پیش، متداول بود که فرد دستکم سه ساعت پیش از تناول قربان مقدس، چیزی نخورد؛ افراد می خواستند به این ترتیب برای ملاقات با مسیح در ← دریافت قربان مقدس آماده باشند. امروزه ← کلیسا خواستار آن است که افراد دستکم یک ساعت پیش از مراسم ناشتا باشند. نشانه ای دیگر از ارج و احترام، بر تن کردن لباسی مناسب است - دستکم باید گفت که ما قرار ملاقاتی با خداوندگار جهان داریم.

۲۲۱ دریافت قربان مقدس چگونه مرا دگرگون می سازد؟

هر بار تناول ← **قربان مقدس** من را به شکل ژرف تر با مسیح پیوند می بخشد، من را به عضوی زنده در کالبد مسیح بدل می کند، عطایایی را که در تعمید و ← **استواری** دریافت کرده ام، احیاء می سازد و مرا در نبرد علیه گناهان قدرتی می بخشد [۱۳۹۱-۱۳۹۷، ۱۴۱۶].

۲۲۲ آیا مجاز است که مسیحیان غیر کاتولیک نیز قربان مقدس را دریافت دارند؟

← **دریافت قربان مقدس**، نشانه ای از اتحاد در کالبد مسیح است. هر کس در ← **کلیسای کاتولیک** تعمید یافته باشد، در ایمان آن شریک باشد و در اتحاد با آن زندگی کند، به کلیسای کاتولیک تعلق دارد. اگر کلیسا انسانی را که (هنوز) در ایمان و زندگانی کلیسا مشارکت ندارند، به دریافت قربان مقدس دعوت کند، این به منزله یک تناقض خواهد بود. به این ترتیب، به اعتبار ← **آیین سپاسگزاری** در مقام یک نشانه، صدمه وارد می آید [۱۳۹۸-۱۴۰۱].

مسیحیان ارتدکسی که در ایمان کلیسای کاتولیک به ← آیین سپاسگزاری شریک هستند، هر چند کلیسای آنان هنوز با کلیسای کاتولیک در اتحاد کامل به سر نمی برد، می توانند به صورت انفرادی تقاضا کنند که در آیین عبادی کاتولیک، قربان مقدس را دریافت دارند. درباره اعضای دیگر مذاهب مسیحی، قربان مقدس در موارد استثنایی در صورتی می تواند توزیع شود که فردی در وضعیت اضطراری به

سر می برد و به حضور واقعی مسیح در آیین سپاسگزاری، ایمان کامل دارد. برگزاری آیین سپاسگزاری و عشای ربانی به شکل مشترک میان مسیحیان کاتولیک و پروتستان، هدف و آرزوی همه تلاش های بین الکلیسایی است، اما به پیشواز آن رفتن، بدون شکل دادن به واقعیت کالبد مسیح در یک ایمان و در یک کلیسا، نادرست است و از این رو مجاز نیست. دیگر مراسم نیایشی که در آنها مسیحیان از مذاهب گوناگون با یکدیگر دست به دعا می زنند، امری نیک است و کلیسای کاتولیک هم آرزوی برگزاری آنها را دارد.

۲۲۳ آیین مقدس سپاسگزاری به چه صورت به منزله پیشواز رفتن برای زندگی جاودان است؟

عیسی به شاگردان و به این ترتیب به ما وعده داده است که روزی با او بر سر یک میز خواهیم نشست. از این رو، هر قربانی مقدسی «یادبود رنج، انبوه عطیه و ضامن جلال و شکوه در آینده» (برگرفته از دعای سپاسگزاری اول، معروف به دعای سپاسگزاری رومی) به شمار می رود [۱۴۰۲-۱۴۰۵].

### فصل دوم

آیین های فیض بخش شفا

آیین فیض بخش توبه و آشتی

۲۲۴ به چه دلیل مسیح آیین های فیض بخش توبه و تدهین بیماراران را هدیه داده است؟

محبت مسیح به این ترتیب نمایان است که مسیح گمگشتگان را می جوید و بیماراران را شفا می دهد. از این روست که ← **آیین های فیض بخش شفا** و احیاء به ما اعطاء شده که در آنها از گناه آزاد و در ناتوانایی های جسمی و روحی خود تقویت می شویم [۱۴۲۰-۱۴۲۱]. ۶۷.

۲۲۵ برای آیین فیض بخش توبه چه اسامی وجود دارد؟

آیین فیض بخش توبه، ← **آیین فیض بخش آشتی**، بخشش، رو بگردانی و اعتراف نیز نامیده می شود [۱۴۲۲-۱۴۲۴، ۱۴۸۹].

✚ خداوند، لایق آن نی ام که زیر سقف من آیی. بلکه فقط سخنی بگو و خادم من صحت خواهد یافت.

مت، ۸۸

نسخه ای مشابه این کلام از سوی یک یوزباشی خطاب به عیسی (خداوند، شایسته آن نیستم که به زیر بام خانه من آیی، بلکه تنها سخنی بگو تا روانم درمان یابد.) پیش از دریافت قربانی مقدس در آیین سپاسگزاری بر زبان می آید.

✚ زیرا که پسر انسان آمده است تا گمشده را بجوید و نجات بخشد.

لو، ۱۹، ۱۰

✚ تندرستان احتیاج به طبیب ندارند، بلکه مریضان. و من نیامدم تا عادلان را بلکه تا گناهکاران را به توبه دعوت کنم.

مت، ۱۷، ۲



✎ اگر گویم که گناه نداریم، خود را همراه می‌کنیم و راستی در ما نیست.

۱ یو، ۸۱

✎ پسر وی را گفت، ای پدر به آسمان و به حضور تو گناه کرده‌ام و بعد از این لایق آن نیستم که پسر تو خوانده شوم. لیکن پدر به غلامان خود گفت، جامه بهترین را از خانه آورده، بدو بپوشانید و انگشتری بر دستش کنید و نعلین بر پای هایش.

لو، ۱۵، ۲۲-۲۱

✎ گناهان آنانی را که آمرزیدید، برای ایشان آمرزیده شد و آنانی را که بستید، بسته شد.

یو، ۲۰، ۲۳

» برخی قدیسان، خود را تبهکارانی خبیث خوانده‌اند، چرا که ابتدا خدا را دیدند، سپس خود را دیدند و سرآخر تفاوت را دیدند.

مادر تریزا

۲۲۶ ما که تعمید را برای آشتی با خدا داریم؛ پس به چه دلیل به یک آیین فیض بخش ویژه آشتی هم نیاز داریم؟

تعمید هر چند ما را از قدرت گناه و مرگ جدا می‌کند و در زندگی نوین فرزندان خدا جای می‌دهد، اما ما را از ناتوانی‌های انسانی و گرایش به سمت گناه‌رهایی نمی‌بخشد. از این رو، ما به جایگاهی نیاز داریم که در آن پیوسته و پیوسته از نو با خدا آشتی کنیم. این همان اعتراف است [۱۴۲۵-۱۴۲۶].

اعتراف کردن کار متجددانه‌ای به شمار نمی‌رود؛ شاید حتی کار دشواری به نظر می‌رسد و ابتدا تسلط به نفس بزرگی را می‌طلبد. اما این یکی از بزرگ‌ترین عطایایی است که ما مجازیم پیوسته از نو در زندگی مان به آن دست یابیم - یعنی به معنای واقعی کلمه از نو، سبکبالانه و فارغ از بارها و فشارهای گذشته، پذیرفته شده در محبت و مجهز به قوایی نو. خدا رحیم است و چیزی را مشتاقانه‌تر از آن نمی‌خواهد که ما رحم و شفقت او را به کار گیریم. کسی که اعتراف کرده باشد، صفحات سفید و جدیدی از کتاب زندگی را به روی خود می‌گشاید ☞ ۶۷-۷۰.

۲۲۷ آیین فیض بخش توبه را چه کسی تأسیس کرده است؟

عیسی خود آیین فیض بخش توبه را هنگامی تأسیس کرد که در روز فصح خود را بر «رسولان» نشان داد و از آنان چنین خواست: «روح القدس را بیابید! گناهان آنانی را که آمرزیدید، برای ایشان آمرزیده شد و آنانی را که بستید، بسته شد» (یو، ۲۰، ۲۲ب) [۱۴۳۹، ۱۴۸۵].

در هیچ کجا عیسی به زیبایی مثل پسر گمشده، ادا نکرده است که در آیین مقدس توبه چه رخ می‌دهد: ما راه خود را گم می‌کنیم، خود را گم می‌کنیم و دیگر کاری از دستمان برنمی‌آید. اما پدر ما با حسرتی بزرگ و حتی بی‌پایان در انتظار ما می‌ماند؛ او هنگامی که باز می‌گردیم، ما را می‌بخشد؛ او پیوسته ما را به خود می‌پذیرد و گناهانمان را می‌بخشد. عیسی خود شخصاً گناهان انسان‌های بسیاری را بخشید؛ این کار برای او به مراتب مهم‌تر از معجزه کردن بود. او این کار را نشانی از سرآغاز ملکوت خداوند می‌دید که در آن همه زخم‌ها درمان و همه اشک‌ها پاک می‌شود. او روح القدس را که به نیروی آن گناهان را می‌بخشید، به «رسولان» خود داد. ما نیز هنگامی که به نزد «کشیش» می‌رویم و توبه می‌کنیم، درواقع خود را به آغوش پدر آسمانی خود می‌افکنیم ☞ ۳۱۴، ۵۲۴.

۲۲۸ چه کسی می‌تواند گناهان را ببخشد؟

فقط خدا می‌تواند گناهان را ببخشد. عیسی تنها از آن رو توانست بگوید: «ای فرزندان، گناهان تو آمرزیده شد» (مر، ۲، ۵) که پسر خدا است. و «کشیشان» هم فقط به این دلیل که عیسی به این اقتدار را داده است، می‌توانند به جای عیسی گناهان را ببخشند [۱۴۴۱-۱۴۴۲].

عده‌ای می‌گویند: این کار را به طور مستقیم با خدا سر و سامان می‌دهم، برای این کار نیازی به کشیش ندارم! اما خدا به گونه دیگری می‌خواهد. او ما را می‌شناسد. ما گرایش به کتمان کردن گناهان داریم و ترحیح می‌دهیم روی کارهای خود سرپوش بگذاریم. از این رو خدا می‌خواهد که ما گناهان خود را به زبان بیاوریم و آنها را رو در رو اعتراف کنیم. به همین دلیل است که درباره کشیشان چنین مصداق دارد: «گناهان آنانی را که آمرزیدید، برای ایشان آمرزیده شد و آنانی را که بستید، بسته شد» (یو، ۲۰، ۲۳).

۲۲۹ چه چیزی انسان را آماده پشیمانی و رویگردانی می‌سازد؟

آرزوی بهتر شدن، از رسیدن به بصیرت و آگاهی بابت گناه شخصی ناشی می‌شود؛ این را پشیمانی می‌نامیم. هنگامی که ما میان محبت خدا و گناهان خود، تضادی می‌بینیم، به پشیمانی می‌رسیم. در این حالت، انباشته از درد و عذاب بابت گناه خود هستیم؛ در این حال است که مترصد آن می‌شویم که زندگی خود را دگرگون سازیم و تمامی امید خود را متوجه یاری خدا می‌سازیم [۱۴۳۰-۱۴۳۳، ۱۴۹۰].

واقعیت گناه اغلب کتمان می‌شود. برخی حتی اعتقاد دارند، باید در مقابله با احساس گناه به سادگی فقط از راه روانشناختی دست به اقدامی زد. اما رسیدن به احساس واقعی گناه، مهم است. درست مانند چیزی است که در خودرو رخ می‌دهد: هنگامی که درجه سرعت سنج، سرعتی بالاتر از حد مجاز را نشان می‌دهد، تقصیر از درجه سرعت سنج نیست، بلکه از راننده است. ما هرچه به خدا نزدیک‌تر شویم، خدایی که سراسر نور است، به همان نسبت هم وجوه تیره و تاریک ما آشکارتر ظاهر می‌شوند. اما خدا نوری نیست که می‌سوزاند، بلکه نوری است که شفا می‌بخشد. از این رو، پشیمانی، ما را به آن سو سوق می‌دهد که به سمت نوری که در آن به طور کامل سلامت خود را بازمی‌یابیم، گام برداریم ☞ ۳۱۲.

✎ ای یهوه، ما را به سوی خود برگردان و بازگشت خواهیم کرد و ایام ما را مثل زمان سلف تازه کن.

مر، ۵، ۲۱

» پشیمانی از شناخت حقیقت سرچشمه می‌گیرد.

توماس اشترنز الیوت (۱۸۸۸-۱۹۶۵، نویسنده آمریکایی -انگلیسی)

» به دنبال هر فروافتادنی، بی‌درنگ به پا خیزید! گناه را حتی لحظه‌ای در قلب خود مگذارید! پدر روحانی اهل آرس

» پشیمانی چیست؟ سوگواری بزرگی درباره آنچه هستیم و چگونگی بودنمان.

ماری فن اینتر-اشنباخ (۱۸۳۰-۱۹۱۶، نویسنده اتریشی)

» توبه، تعمید دوم است؛ تعمید با اشک.

گرگوری نازیانزیوس



» خدا برای توبه چنان ارزش شایان توجهی قائل است که کوچک ترین توبه در جهان، در صورتی که راستین باشد، باعث می گردد که او هر گونه گناهی را از یاد ببرد، به گونه ای که اگر شیاطین هم فقط به پشیمانی آیند، همه گناهانشان بخشوده خواهد شد.

فرانسوا دو سال

» نشانی از پشیمانی صادقانه، فاصله گرفتن از موقعیت های ناخجسته است.

برنار دو کلروو

» خدا همه چیز را می داند. پیش از هر چیز او می داند که شما، پس از آن که اعتراف کردید، باز دیگر به گناه خواهید افتاد. با این حال او می بخشاید. او حتی تا به آنجا پیش می رود که به قصد، آینده را به فراموشی می سپارد تا ما را ببخشاید.

پدر روحانی اهل آرس

» زیرا که محبت کثرت گناهان را می پوشاند.

۱ بط، ۴، ۸ ب

۲۳۰ توبه چیست؟

توبه جبرانی برای امر خلافی است که مرتکب آن شده ایم. توبه نباید فقط در فکر انسان رخ دهد، بلکه باید به شکل کرداری در مسیر محبت و در تعهدپذیری برای دیگران نیز نمود خارجی بیابد. توبه را می توان همچنین از راه دعا کردن، روزه گرفتن و حمایت معنوی و مادی از فقرا انجام داد [۱۴۳۴-۱۴۳۹].

اغلب برداشت نادرستی از توبه وجود دارد. توبه هیچ ارتباطی با ناسزاگویی به خود و وسواس در وجدان ندارد. توبه، غرق شدن در این فکر نیست که من چه انسان بدی هستم. توبه آزادی و جسارت آن را به ما می دهد که از نو دست به آغاز زنیم.

۲۳۱ دو شرط اساسی برای یک فرد مسیحی به منظور اجرای آیین فیض بخش توبه برای بخشایش گناهان چیست؟

شروط لازم برای بخشودگی گناهان، انسانی است که رویگردان شود و همچنین ← کشمیشی که به نام خدا، بخشودگی گناهان را برای او جاری سازد [۱۴۴۸].

۲۳۲ من باید برای مراسم اعتراف چه توشه ای به همراه داشته باشم؟

آزمایش وجدان، پشیمانی، اصلاح نیت خود، اعتراف به گناه و توبه، اجزای اساسی آیین فیض بخش توبه هستند [۱۴۵۰-۱۴۶۰؛ ۱۴۹۰-۱۴۹۲؛ ۱۴۹۴].



آزمایش وجدان باید به شکل کامل رخ دهد، اما اصولاً نمی تواند هیچ گاه ماهیتی فراگیر به خود بگیرد. هیچکس نمی تواند بدون پشیمانی واقعی، فقط براساس یک اعتراف زبانی، از گناهان خود آزاد شود. نیت مرتکب نشدن این گناه در آینده نیز به همین نسبت امری واجب است. فرد گناهکار باید بدون تردید در قبال پدر اعتراف گیرنده از گناهان خود سخن بگوید، یعنی به آنها اعتراف کند. سرآخر جبران و یا توبه نیز جزئی از آیین فیض بخش اعتراف هستند و پدر اعتراف گیرنده برای جبران زیان های وارده آن را برای فرد گناهکار مقرر می کند.

۲۳۳ اصولاً به چه گناهانی باید اعتراف کرد؟

همه گناهان سنگینی که در یک آزمایش وجدان دقیق به یاد می آوریم و هنوز به آنها اعتراف نکرده ایم، می توانند در شرایط عادی فقط در اعتراف شخصی در آیین فیض بخش اعتراف بخشوده شوند [۱۴۵۷].

شکی نیست که بر سر راه اعتراف موانعی وجود دارد. غلبه کردن بر این موانع، خود به منزله نخستین گام برای آن است که از لحاظ باطنی سلامتی بیابیم. اغلب فکر کردن به این نکته یاری دهنده است که حتی ← پاپ هم باید جسارت آن را داشته باشد که در پیشگاه یک ← کشمیش دیگر - و به این ترتیب در پیشگاه خدا - به خطاها و ناتوانی های خود اعتراف کند. فقط در موارد مرگ و زندگی (برای نمونه در جنگ، به هنگام حمله هوایی یا زمانی که گروهی از انسان ها به شکلی در قبال خطری جانی قرار دارند)، کشیش می تواند بدون این که پیش از آن اعتراف شخصی به گناهان صورت گرفته باشد، بخشودگی افراد را به شکل گروهی اعلام دارد (امر موسوم به بخشودگی همگانی). البته افراد باید در نخستین فرصتی که یافتند اعتراف شخصی به گناهان سنگین خود را به جای آورند. ← ۳۱۵-۳۲۰.

» من بسیار بیشتر از شما گناهکارم! از اعتراف کردن به گناهاتان شرم نکنید.

پدر روحانی اهل آرس

؟ بخشایش ABSOLUTION

(برگرفته از واژه لاتین absolvere به معنای رها کردن، بخشودن): بخشایش از سوی کشیش، بخشودگی یک یا چند گناه به دنبال اعتراف فرد توبه کننده طی آیین فیض بخش توبه است. کلام توبه به قرار ذیل است:



خدا، پدر مهربان، که به وسیله رستاخیز پسرش، عیسی مسیح، جهان را با خود آشتی داده و روح القدس را برای امرزش گناهان فرستاده است، گناهان را بیامرزد و آرامش واقعی را به وسیله کلیسای خود به تو عطا فرماید. و من گناهانت را می بخشم، به نام پدر و پسر و روح القدس.





Die größten  
Annäherungswerte  
an einen Beichtvater  
erreicht wahrscheinlich  
der Barkeeper

Peter Sellers (1925-1980)  
(britischer Schauspieler)

درست نیست فکر کنیم باید به گونه ای زندگی کنیم که هرگز به بخشودگی نیاز نداشته باشیم. باید ناتوانی های خود را بپذیریم، اما از مسیر منحرف نشویم، هرگز تسلیم نشویم، بلکه پیش رویم و از راه آیین فیض بخش آشتی، پیوسته برای سرآغازی جدید، توبه و بازگشت نماییم و به این ترتیب، برای خدا رشد کنیم و در پیوند با او بالندگی یابیم!

بندیکت شانزدهم، ۲۰۰۷/۰۲/۱۷

۲۳۴ یک فرد کاتولیک چه زمانی موظف است به گناهان سنگین خود اعتراف کند؟ و چند بار باید اعتراف کرد؟

یک فرد کاتولیک با رسیدن به سن تشخیص، موظف است به گناهان سنگین خود اعتراف کند. کلیسا به تأکید از ایمانداران می خواهد، دستکم یک بار در سال این کار را انجام دهند. فرد ایماندار باید در هر صورت اگر مرتکب گناه سنگینی شده باشد، پیش از تناول قربان مقدس اعتراف کند [۱۴۵۷].

منظور کلیسا از «سن تشخیص»، سنی است که در آن انسان به عقل خود استناد می کند و همچنین آموخته است که میان نیک و شر تفاوت قائل شود ← ۳۱۵-۳۲۰.

۲۳۵ آیا می توانیم اگر گناه سنگینی هم مرتکب نشده ایم، اعتراف کنیم؟

اعتراف حتی زمانی که انسان ناگزیر نباشد به معنای سرسختانه کلمه اعتراف کند، باز هم هدیه ای بزرگ در مسیر نجات و ارتباطی ژرف با خداوند است [۱۴۵۸].

در مجالس کاتولیکی و در روز جهانی جوانان همه جا جوانانی را می بینیم که با خدا آشتی می کنند. مسیحیانی که در پیروی از عیسی جدید به خرج می دهند، در جست و جوی شادمانی ای هستند که از سرآغازی به کل نوین با خدا نشأت می گیرد. حتی مقدسین هم هرگاه میسر بود، به شکل منظم اعتراف می کردند. آنان معتقد بودند که از آن رو به این کار نیاز دارند که در فروتنی و محبت ترقی نمایند و زمینه آن را فراهم کنند که نور مقدس خدا همه زوایای روح آنان را لمس کند.

۲۳۶ چرا فقط کشیشان می توانند گناهان را ببخشند؟

هیچ انسانی قادر نیست گناهان را ببخشد، مگر آن که مأموریت انجام این کار از جانب خدا و قدرت عطاشده از او را داشته باشد تا اطمینان حاصل شود که بخشودگی وعده داده شده به شخص توبه کار برآستی رخ می دهد. برای این منظور پیش از هر کس ← اسقف مقرر شده است و پس از او، دستیاران وی که همان ← کشیشان هستند [۱۴۶۱-۱۴۶۶، ۱۴۹۵] ← ۱۵۰، ۲۲۸، ۲۴۹-۲۵۰.

۲۳۷ آیا گناهای وجود دارد که چنان سنگین باشند که یک کشیش عادی نتواند آنها را ببخشد؟

گناهای وجود دارد که در انجام آنها، انسان به طور کامل از خدا رویگردان می شود و همزمان به دلیل سنگینی این کردار، ← اخراج از کلیسا را برای خود به جان می خورد. درباره گناهای اینچنینی، بخشودگی فقط از سوی ← اسقف یا کشیشی که او مأمور ساخته و در برخی موارد حتی فقط از سوی شخص ← پاپ قابل اعمال است. در صورتی که خطر مرگ تهدید کند، هر ← کشیشی می تواند همه گناهان را ببخشد و اخراج از کلیسا را ملغی سازد [۱۴۶۳].

به عنوان مثال، فرد کاتولیکی که قتلی مرتکب می شود و یا در سقط جنین همکاری می کند، خود را به صورت خود به خود از مشارکت در آیین های فیض بخش محروم می کند (اخراج می کند) ← اخراج از کلیسا. کلیسا فقط این امر را اذعان می کند. هدف از اخراج، اصلاح فرد گناهکار و هدایت او به راه راست است.

۲۳۸ آیا کشیش حق دارد آنچه را که در آیین اعتراف شنیده است، در جای دیگر بازگو کند؟

خیر، به هیچ وجه. باقی ماندن مورد اعتراف به شکل یک راز، امری محتوم و همواره معتبر است. هر کشیشی در صورتی که از آنچه که در اعتراف شنیده است، برای دیگر انسان ها حکایت کند، از کلیسا اخراج می شود. کشیش حتی مجاز نیست به پلیس چیزی درباره این راز بگوید یا اشاره ای به آن داشته باشد [۱۴۶۷].

کشیشان به ندرت چیزی را مهم تر از راز اعتراف تلقی می کند. کشیشانی هستند که در این راه شکنجه هایی را متحمل شده اند و به کام مرگ رفته اند. از این رو می توان بدون ملاحظه، به صراحت برای آنان صحبت کرد و با خیالی آسوده به کشیشی اعتماد کرد که تنها وظیفه اش در این لحظه این است که به طور کامل «گوش شنوای خدا» باشد.

گشاده رویی در قبال یک برادر را نباید با توبه اشتباه گرفت. توبه در قبال خداوندگار مالک آسمان و زمین و در حضور انسانی ادا می شود که برای این کار مأموریت دارد. برادر روژه شوتس

اخراج از کلیسا  
EXCOMMUNI-  
CATION

(برگرفته از واژه های لاتین ex به معنای خروج و communicatio به معنای مشارکت، جماعت): ممانعت از شرکت یک مسیحی کاتولیک در آیین های فیض بخش.

توبه هرچقدر هم که سهل به نظر آید، به منزله مرحله سرنوشت سازی است که طی آن آدمی تازگی انجیل را تجربه می کند و از نو متولد می گردد. در توبه حتی می آموزیم که از شر ناراحتی های وجدان خلاصی یابیم، درست همان گونه که کودکی، به یک برگ فروافتاده پاییزی می دمد و آن را به اطراف می پراکند. در توبه، نیکبختی الهی و فجر یک شادمانی کامل را درمی یابیم.

برادر روژه شوتس





» عیسی را دوست بدار! هراسی نداشته باش! حتی اگر مرتکب همه گناهان این جهان شده باشی، عیسی با این سخنان به تو پاسخ می دهد: گناهان بسیاری بر تو بخشیده شد، چرا که بسیار دوست داشته ای.

پدر پیوری قدیس (۱۸۸۷-۱۹۶۸، یکی از محبوب ترین قدیسین ایتالیا)

» تا سخنی که به زبان اشعباری نبی گفته شده بود تمام گردد که «او ضعف های ما را گرفت و مرض های ما را برداشت»

مت، ۱۷، ۸

» فرد بیمار قادر است بیشتر از انسان های دیگر درک و احساس کند.

راینهولد اشتایندر (۱۹۱۳-۱۹۵۸، نویسنده آلمانی)

» عیسی چون این را شنید، بدیشان گفت: «تندرستان احتیاج به طبیب ندارند بلکه مرغان، و من نیامدم تا عادلان را بلکه تا گناهکاران را به توبه دعوت کنم».

مر، ۱۷، ۲

۲۳۹ اعتراف چه آثار مثبتی دارد؟

اعتراف گناهکار را با خدا و کلیسا آشتی می دهد [۱۴۶۸-۱۴۷۰، ۱۴۹۶].

ثانیه هایی که پس از بخشودگی گناهان فرامی رسند، به دوش گرفتن پس از ورزش، هوای خنک و تازه پس از یک طوفان تابستانی، بیدار شدن در یک صبح درخشان تابستانی، بی وزنی غواص و نظیر آن شبیه هستند. همان گونه که پدر، پسر گمشده خود را پس از بازگشت با آغوش باز به خود پذیرا شد، «آشتی» نیز به این معناست: باردیگر در نزد خدا، در صلح و صفا به سر خواهیم برد.

آیین فیض بخش تدهین بیماران

۲۴۰ در عهد عتیق «بیماری» چگونه تعبیر شده است؟

در عهد عتیق، بیماری را اغلب آزمایشی دشوار می دانستند که انسان می توانست در قبال آن مقاومت کند، اما همزمان آن را نشانه ای از سوی خدا بازشناسد. حتی این اندیشه در نزد پیامبران نیز ظاهر می شود که رنج کشیدن نه فقط یک نفرین و نه همیشه پیامد گناهی شخصی است، بلکه این که در رنج هایی که صبورانه به جان می خریم، می توانیم برای دیگران هم حضور موثری داشته باشیم [۱۵۰۲].

۲۴۱ به چه علت عیسی به بیماران تا این حد علاقه نشان می داد؟

عیسی آمد تا محبت خدا را نشان دهد. او اغلب این کار را آنجا انجام داده است که ما بویژه احساس خطر می کنیم، یعنی در وضعیت هایی از ناتوانی در زندگی مان که بر اثر بروز یک بیماری پیش می آیند. خدا خواهان آن است که ما در جسم و جان خود سالم بمانیم، که ما به این مورد ایمان آوریم و ملکوت خدا را که می آید، به رسمیت بشناسیم [۱۵۰۳-۱۵۰۵].

گاه ابتدا باید بیمار شویم تا دریابیم - چه در بیماری و چه در سلامتی - به چه چیزی بیشتر از هر چیز دیگر نیاز داریم: خدا. ما جز در وجود او، زندگی دیگری نداریم. از این رو، بیماران و گناهکاران، حس خاصی برای این اساسی ترین عامل وجودی دارند. در عهد جدید نیز بویژه بیماران بودند که در صدد نزدیکی با عیسی بودند؛ آنان می کوشیدند «او را لمس کنند، زیرا قوتی از وی صادر شده، همه را صحت می بخشید» (لو، ۶، ۱۹) ← ۹۱.

۲۴۲ چرا کلیسا باید نسبت به بیماران رسیدگی ویژه ای نشان دهد؟

عیسی به ما نشان داد که وقتی ما در رنج هستیم، ملکوت الهی نیز با ما رنج می کشد. خدا حتی می خواهد که در «برادران کوچک ترین» (مت، ۲۵، ۴۰) باز شناخته شود. از این روست که عیسی رسیدگی به وضعیت بیماران را وظیفه اصلی معین کرده بود. او از آنان چنین می خواهد: «بیماران را شفا دهید» (مت، ۸، ۱۷) و به آنان در این زمینه، اختیار کامل از سوی خدا را وعده می دهد: «که به نام من دیوها را بیرون کنند... و هرگاه دست ها بر مرغان گذارند، شفا خواهند یافت» (مر، ۱۶، ۱۷-۱۸) [۱۵۰۶-۱۵۱۰].

از جمله مهم ترین مشخصه مسیحیت همواره این بوده است که سالمندان، بیماران و نیازمندان به مراقبت در مرکز توجه قرار داشته اند. مادر ترزا که رسیدگی به انسان های مشرف به مرگ در جوی های آب کلکتا را وظیفه خود ساخته بود، تنها یک نام واحد در میان زنجیره ای از اسامی مسیحیانی است که مسیح را بویژه در آنانی کشف می کردند که از سوی دیگران طرد و مجزا شده بودند. اگر مسیحیان برآستی مسیحی باشند، از وجودشان نیرویی شفا بخش ساطع می شود. حتی عده ای بوده اند که دیگران را به نیروی روح القدس در جسمشان شفا بخشیده اند (عطیه روحانی شفا بخشی، ← عطایای روحانی).

۲۴۳ آیین فیض بخش تدهین بیماران برای چه کسانی در نظر گرفته شده است؟

← آیین فیض بخش تدهین بیماران را هر فرد ایماندار که وضعیت جسمی او به نحوی در خطر باشد، می تواند دریافت کند [۱۵۱۴-۱۵۱۵، ۱۵۲۸-۱۵۲۹].

انسان می تواند تدهین بیماران را در زندگی اش چندین بار نیز دریافت کند. به این ترتیب، معقول است که جوانان نیز، اگر برای نمونه عمل جراحی دشواری را در پیش داشته باشند، این آیین مقدس را بخواهند. بسیاری از مسیحیان در چنین لحظاتی، تدهین بیماران را با اعترافی (که شامل کل زندگی است) پیوند می دهند؛ آنان می خواهند در صورتی که اتفاقی برای آنان رخ می دهد، با وجدانی پاک در حضور خدا حاضر شوند.

» حتی بدترین جهان مسیحی، بر بهترین جهان کفر برتری دارد، زیرا در جهانی که مسیحی باشد، برای همه کسانی که در جهان کفر جایی ندارند، جایگاهی وجود دارد: برای افلیجان، سالخوردهگان و ناتوانان و برای این عده حتی چیزی فراتر از جا وجود دارد: محبت در قبال آنانی که برای جهان کفر و بی خدا، بی فایده به نظر می رسیدند و می رسند.

هاینریش بل (۱۹۱۷-۱۹۸۵، نویسنده آلمانی)

» رسیدگی به بیماران باید پیش از و فراتر از هر کاری قرار گیرد: باید به آنان چنان خدمت کرد که گویی برآستی شخص مسیح هستند.

بندیکت نرسیا

» و ما همچنین وعده ای ادا می کنیم که از هیچ انسان دیگری بر نمی آید، چرا که ما وعده می دهیم که برای بیماران خود خادم و برده باشیم.

از قواعد انجمن مذهبی Johanniter/Malteser





### ۲۴۷ منظور از توشه راه چیست

منظور از توشه راه، آخرین ← **قربانی مقدس** است که انسان پیش از مرگ دریافت می کند [۱۵۲۴-۱۵۲۵].

← **قربانی مقدس** به ندرت در موردی مانند لحظه ای که در آن آدمی خود را آماده ترک زندگی زمینی می کند، حیاتی است: در آینده درازای حیات او با پیوند با خدا سنجیده می شود.

### فصل سوم

آیین های فیض بخش خدمت به جامعه و رسالت

### ۲۴۸ آیین های فیض بخش خدمت به جامعه چه نام دارند؟

کسی که تعمیر شده و استواری یافته باشد، می تواند در کلیسا، فراتر از این دو، طی دو ← **آیین فیض بخش ویژه**، رسالتی ویژه دریافت دارد و از جانب خدا برای انجام آن به کار گماشته شود: رتبه های مقدس و ازدواج [۱۵۳۳-۱۵۳۴].

هر دو ← **آیین فیض بخش**، نقطه اشتراکی دارند: آنان به خاطر دیگران مقرر شده اند. هیچکس فقط برای خاطر خود رتبه روحانی نمی یابد و هیچکس فقط برای خود وضعیت تأهل نمی پذیرد. آیین تبرک رتبه های مقدس و آیین زناشویی به منظور آن مقرر می شوند که قوم خدا را گسترش دهند، یعنی به منزله مجرای هستند که از طریق آن، خدا محبت را به سوی جهان جاری می سازد.

### آیین مقدس رتبه های مقدس

### ۲۴۹ در آیین رتبه های مقدس چه رخ می دهد؟

کسی که به منظور دریافت رتبه های مقدس دستگذاری می شود، عطیه ای را از سوی روح القدس دریافت می کند که به او اختیاری مقدس می بخشد و از سوی مسیح از طریق ← **اسقف** به او اعطاء می شود [۱۵۳۸].

← **کهنانت** فقط به معنی پذیرفتن یک نقش یا یک منصب نیست. از راه تبرک به این رتبه مقدس، شبان، قدرت و رسالتی ویژه را در راه خواهران و برادران ایمانی خود به ارمغان می گیرد  
← ۱۵۰، ۲۱۵، ۲۲۸، ۲۳۶.

### ۲۴۴ تدهین بیماران به چه صورت انجام می شود؟

آیین اصلی در اجرای ← **آیین فیض بخش** تدهین بیماران از تدهین پیشانی و دست ها با روغن مقدس تدهین، همراه با قرائت یکی از دعاهاى مربوطه تشکیل شده است [۱۵۱۷-۱۵۱۹، ۱۵۳۱].

### ۲۴۵ تدهین بیماران چه اثری به دنبال دارد

تدهین بیماران، تسلی خاطر، آرامش و قدرت می بخشد و فرد بیمار را همراه با وضعیت دشوار و رنج و دردهایی که تجربه می کند، به شیوه ای ژرف با مسیح پیوند می بخشد. زیرا خداوند نیز هراس های ما را پشت سر گذاشته و دردهای ما را با جان خود حمل کرده است. برای برخی افراد تدهین بیماران به شفای جسمی می انجامد. اما اگر خدا بخواهد فردی را به منزل خود فرابخواند، مراسم تدهین به او برای پشت سر گذاشتن همه نبردهای جسمی و روحی اش در این راه واپسین، قدرت می بخشد. در هر صورت، تدهین بیماران بر بخشودگی گناهان تأثیر دارد [۱۵۲۰-۱۵۲۳، ۱۵۳۲].

بسیاری از بیماران از این ← **آیین فیض بخش** هراس دارند و آن را تا واپسین لحظه به تعویق می اندازند، زیرا معتقدند، انجام این آیین به نوعی به منزله صدور حکم مرگ است. اما دقیقاً عکس این مطلب مصداق دارد: تدهین بیماران نوعی تضمین برای زندگی است. کسی که در مقام مسیحی، فرد بیماری را همراهی می کند، باید هرگونه هراس بیهوده را از او بزاید. بسیاری از کسانی که به شدت در خطر مرگ به سر می برند، بنا به غریزه خود درک می کنند که در چنین لحظه ای هیچ چیز برای آنان مهم تر از آن نیست که خود را به فوریت و به شکل قطعی به کسی بسپارند که بر مرگ غلبه کرد و خود، زندگی است، یعنی به عیسی منجی.

### ۲۴۶ چه کسی اجازه دارد آیین تدهین بیماران را انجام دهد؟

تدهین بیماران به ← **اسقفان** و ← **کشیشان** واگذار شده است. مسیح بنا به رتبه روحانی آنان، از طریق آنان وارد عمل می شود [۱۵۱۶، ۱۵۳۰].

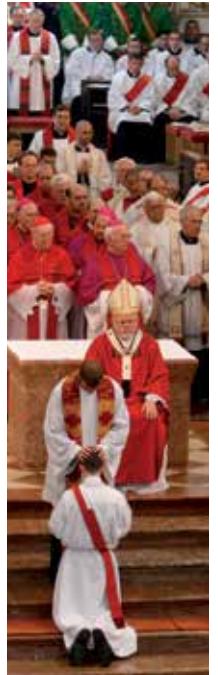
و هرگاه کسی از شما بیمار باشد، کشیشان کلیسا را طلب کند تا برایش دعا نمایند و او را به نام خداوند به روغن تدهین کنند.  
یح. ۱۴، ۵.

چون در وادی سایه موت نیز راه روم از بدی نخواهم ترسید زیرا تو با من هستی.  
مز. ۲۳، ۴.

و هر که جسد مرا خورد و خون مرا نوشید، حیات جاودانی دارد و من در روز آخر او را خواهم برپرخیزاند.  
یو. ۶، ۵۴.

» **باشد**  
که خداوند با رحمت بیکران خود تو را با این روغن مقدس یاری دهد و به نیروی روح القدس به تو کمک رساند... خداوندی که تو را از گناهان رهایی می بخشد، تو را نجات دهد و تو را با رحمت خود شفا بخشد.  
برگرفته از آیین تدهین بیماران





» برای شما، اسقف هستم و با شما مسیحی یکی، منصب را و دیگری عطیه ای مقدس را، یکی خطر و دیگری نجات را به نمایش می گذارد. آگوستین

» اسقف خود را همان گونه پیروی کنید که عیسی مسیح پدر را و سران کلیسا را بستان حواریون؛ اما به شماسان همان گونه دقت کنید که به فرمان خدا. هیچکس نباید بدون اسقف، کاری را که به کلیسا مربوط می شود، انجام دهد. ایگناتیوس انطاکیه

۲۵۰ درک کلیسا از آیین فیض بخش رتبه های مقدس چگونه است؟

کاهنان عهد عتیق وظیفه خود را میانجیگری میان امور آسمانی و امور زمینی، یعنی میان خدا و قوم خود می دیدند. از آنجا که مسیح تنها «متوسط میان خدا و انسان» (۱ تیم، ۲، ۵) است، این کهانیت را به کمال و به پایان رسانده است. پس از مسیح فقط یک کهانیت در مسیح می تواند وجود داشته باشد، آن هم در قربانی مسیح بر صلیب و از راه یک دعوت و یک رسالت از سوی مسیح [۱۵۳۹-۱۵۵۳، ۱۵۹۲].

« کشیش کاتولیک که آیین های فیض بخش را اجراء می کند، نه بنا به قوای شخصی خود یا براساس کمال اخلاقی خود (که اغلب هم متأسفانه ندارد)، بلکه «در شخص مسیح» عمل می کند. با تدهین و دستگذاری در مراتب روحانی، قوای دگرگون کننده، درمانگر و نجات دهنده مسیح در وجود او پیوند داده می شود. از آنجا که یک کشیش چیزی از خود ندارد، پیش از هر چیز یک خادم به شمار می رود. از این رو نشانه بارز شناخت یک کشیش واقعی، شگفت زدی همراه با فروتنی بابت دعوتی است که از او صورت می گیرد. ۲۱۵.»

۲۵۱ آیین فیض بخش رتبه های مقدس چه مراتبی دارد؟

آیین فیض بخش رتبه های مقدس، سه مرتبه دارد: « اسقف (EPISKOPAT)، کشیش (PRESBYTERAT)، شماس (DIAKONAT) [۱۵۹۸، ۱۵۵۴] ۱۴۰.»

۲۵۲ در آیین تدهین و دست گذاری فرد به مقام اسقفی چه رخ می دهد؟

در آیین تدهین و دستگذاری فرد به مقام اسقفی، سرشاری آیین فیض بخش رتبه های مقدس به طور کامل به یک « کشیش منتقل می شود. او در مقام جانشین « رسولان تدهین می گردد و به مجمع « اسقفان می پیوندد. او همراه با دیگر اسقفان و همراه با « پاپ از آن لحظه در کلیسا مسئولیتی سراسری برعهده می گیرد. کلیسا بویژه او را به منصب آموزش، تقدیس و هدایت می گمارد [۱۵۵۵-۱۵۵۹].

منصب اسقفی، خدمت شبانی واقعی در کلیسا است، چرا که به نخستین شاهدان عیسی، یعنی به « رسولان بازمی گردد و تداوم خدمت شبانی رسولان است که مسیح مقرر ساخت. « پاپ نیز یک « اسقف است، اما در رتبه خود، نخستین آنان و سرکرده مجمع اسقفان به شمار می رود « ۹۲، ۱۳۷.

۲۵۳ وجود اسقف برای یک مسیحی کاتولیک تا چه حد اهمیت دارد؟

یک مسیحی کاتولیک خود را در قبال « اسقف خود متعهد می داند؛ اسقف همچنین برای او به عنوان نماینده مسیح در این مقام مقرر شده است. از این گذشته، اسقف که همراه با « کشیشان و « شماسان، در مقام دستیارانی صاحب رتبه های مقدس، به کار شبانی می پردازد، به منزله اصل و بنیانی آشکار و ملموس برای کلیسای محلی (حوزه اسقفی یا خلیفه گری) است [۱۵۶۰-۱۵۶۱].

۲۵۴ در مراسم اعطای رتبه مقدس کشیشی چه رخ می دهد؟

در مراسم اعطای رتبه مقدس کشیشی، « اسقف نیروی الهی را به سوی نامزد دریافت رتبه مقدس فرامی خواند. او مَهْری نازدودنی را بر این انسان می نشاند که دیگر از بین نمی رود. « کشیش در مقام همکاری برای اسقف خود، کلام خدا را بشارت می دهد، « آیین های فیض بخش را اجراء می کند و پیش از هر چیز « آیین سپاسگزاری را برگزار می کند [۱۵۶۲-۱۵۶۸].

آیین اصلی اعطای رتبه روحانی در خلال مراسم قربانی مقدس با فراخواندن نامزد دریافت این مقام به نام، آغاز می شود. پس از موعظه از سوی « اسقف، « کشیش آینده فرمانبری خود را به اسقف و جانشینان او اعلام می کند. انتصاب اصلی به رتبه کشیشی از راه دست گذاری اسقف بر فرد مورد نظر و ادای دعا از سوی او صورت می گیرد « ۲۱۵، ۲۳۶، ۲۵۹.

۲۵۵ در اعطای رتبه شماسی چه رخ می دهد؟

در آیین دست گذاری شماسان، نامزد این رتبه برای خدمت ویژه در آیین فیض بخش رتبه های مقدس منصوب می شود. زیرا او نماینده مسیحی است که نیامده است که «مخدوم شود، بلکه تا خدمت کند و جان خود را در راه بسیاری فدا سازد» (مت، ۲۰، ۲۸). در آیین عبادی دست گذاری رتبه مقدس شماسی چنین آمده است: « « شماس، در خدمت کلام، قربانگاه و محبت، خود را خادم همگان خواهد ساخت» [۱۵۶۹، ۱۵۷۱].

الگوی اصلی برای یک « شماس، استفانوس شهید است. هنگامی که « رسولان در جماعت نخستین در اورشلیم خود را به دلیل تعهدات فراوان خیریه و مردمی در معرض فشار یافتند، هفت مرد را « برای خدمت در کنار میزها» برگزیدند که از سوی آنان دست گذاری شده بودند. استفانوس که نخستین فرد برگزیده بود، در راه ایمانداران




ZWEITER TEIL - WIE WIR DIE CHRISTLICHEN MYSTERIEN FEIERN


۱۴۴  
۱۴۵

شماس DEACON (برگرفته از واژه یونانی diakonos به معنای خادم) نخستین مرحله در میان رتبه های مقدس کلیسای کاتولیک است. همان گونه که از این واژه برمی آید، شماس، پیش از هر چیز در حوزه خیریه (مدد رسانی)، فعالیت می کند، اما تدریس هم می کند، تعلیمات دینی را عرضه می کند، انجیل را بشارت می دهد، در آیین قربانی مقدس، موعظه می کند و در مراسم قربانی مقدس کشیش را دستیار می کند.



III. KAPITEL: DIE SAKRAMENTE DER GEMEINSCHAFT UND SENDUNG

**۱۲ و ۸، ۱**  همچنین شماسان باوقار باشند، نه دو زبان و نه راغب به شراب زیاده و نه طماع سود قبیح... و شماسان صاحب یک زن باشند و فرزندان و اهل خانه خویش را نیکو تدبیر نمایند.

جدید و همچنین فقیران در آن جماعت، «در نهایت فیض و قدرت» ظاهر می شد. در طول قرون، شماسی به یکی از درجات منتهی به رتبه مقدس شبانی تبدیل شد، اما امروز این مقام، دعوتی مستقل هم برای مجردان و هم برای متأهلان به شمار می رود. از یک سو، باید به این ترتیب به جنبه خدمت در کلیسا از نو تأکید شود، از سوی دیگر قصد بر آن بود که مانند کلیسای نخستین به **← کشیشان** تکیه گاهی در کنارشان اعطاء شود که تعهدات ویژه ای را در حوزه شبانی و اجتماعی در کلیسا برعهده گیرد. دست گذاری برای رتبه مقدس شماسی نیز برای تمام عمر و به شیوه ای غیر قابل بازگشت، برای فرد دست گذاری شده به عنوان یک مَهر باقی می ماند  ۱۴۰.

**۲۵۶** چه کسی می تواند آیین فیض بخش رتبه های مقدس را دریافت کند؟

هر فرد مذکر کاتولیک و تعمید یافته که از طرف کلیسا برای یکی از این رتبه ها دعوت شده باشد، می تواند برای رسیدن به مقام **← شماس، ← کشیش یا ← اسقف** دست گذاری شود.


**۲۵۷** آیا این که فقط مردان می توانند دست گذاری شوند تا آیین فیض بخش رتبه های مقدس را دریافت دارند، از ارزش زنان نمی کاهد؟

این ضابطه که تنها مردان می توانند دست گذاری شوند تا آیین فیض بخش رتبه های مقدس را دریافت دارند، به معنای تنزل درجه برای زن نیست. مردان و زنان در نزد خدا، ارزشی یکسان دارند، اما آنان وظایف و **← عطایای** گوناگونی دارند. کلیسا خود را متعهد به این اصل می داند که عیسی در تأسیس کهنات در شام آخر، فقط مردان را برگزید. پاپ ژان پل دوم در سال ۱۹۹۴ در این زمینه چنین اعلام کرد: «کلیسا به هیچ روی اختیار آن را ندارد که برای زنان دست گذاری کهنات انجام دهد و این که همه ایمانداران کلیسا باید به شکل قطعی و نهایی پایبند این تصمیم باشند».

عیسی به گونه بی نظیر در قیاس با انسان های عصر قدیم، ارزش زنان را آگاهانه بالا می برد، دوستی خود را به آنان می بخشید و آنان را در پناه خود می گرفت. در جمع پیروان او زنانی نیز یافت می شدند و عیسی برای ایمان آنان ارزش فراوانی قائل بود. بعلاوه باید گفت که نخستین شاهد رستاخیز او، یک زن بود. از این رو، مریم مجدلیه را «رسول **← رسولان**» می نامند. به رغم آن، دست گذاری کهنات و در نتیجه کهنات شبانی، همواره فقط به مردان واگذار می شد. جماعت مسیحیان در **← کشیشان** مذکر، نمایندگان عیسی مسیح را می دید. کشیش بودن به منزله خدمتی ویژه است که جنبه های جنسیتی مردانه

**»** هیچکس کشیشی نمی توانست بهتر از او [مریم] باشد. او می توانست بدون تردید و وقفه بگوید: «این جسم من است»، چرا که او برآستی عیسی را از جسم خود اهداء کرده بود. با این حال، مریم، کنیز ساده خداوند باقی ماند، به گونه ای که ما همواره می توانیم به او در مقام مادر خود روی آوریم. او یکی از ماست و ما همواره با او یکی هستیم. او پس از مرگ پسرش، همچنان به زندگی زمینی خود ادامه داد تا حواریون را در خدمتشان قدرت بخشید و برایشان مادر باشد، تا زمانی که کلیسای نوپا، شکل گرفت.

مادر تریزا

- پدرانه را نیز به چالش می کشد. با این حال، این به منزله برتری مردان نسبت به زنان نیست. زنان در کلیسا، همان گونه که درباره مریم به عنوان نمونه می بینیم، نقشی ایفا می کنند که کمتر از نقش مردانه اهمیت و مرکزیت ندارد، اما این، نقشی زنانه است. حوا مادر همه آدمیان شد (پی، ۳، ۲۰). زنان در مقام «مادران همه آدمیان» از عطایا و توانایی هایی ویژه برخوردار هستند. بدون شیوه های آموزش، بشارت، محبت، معنویت و هدایت، کلیسا «نیمه فلج» می بود. هر کجا مردان در کلیسا، خدمت کشیشی را به عنوان ابزار قدرت به کار گیرند و یا اجازه ندهند که زنان با **← عطایای روحانی** ویژه خود فعالیت کنند، در مغایرت با محبت و روح قدوس عیسی عمل می کنند  ۶۴.

**۲۵۸** چرا کلیسا از کشیشان و اسقفان می خواهد که زندگی در تجرد را پیش گیرند؟

عیسی در تجرد می زیست و قصد او از این کار این بود که محبت تقسیم نشدنی خود نسبت به خدای پدر را نشان دهد. شیوه زندگی عیسی را در پیش گرفتن و «به جهت ملکوت» (مت، ۱۹، ۱۲) در **← پاکدامنی** بی همسری زیستن، از روزگار عیسی نشانه ای از محبت، تقدیم خود به شکل کامل و تقسیم نشده با دیگری به پروردگار و آمادگی کامل برای خدمت است. کلیسای کاتولیک رومی از **← اسقفان** و **← کشیشان** خود و حال آن که کلیساهای کاتولیکی شرقی آن را تنها از اسقفان خود طلب می کنند [۱۵۷۹-۱۵۸۰، ۱۵۹۹].


پاپ بندیکت می گوید که زندگی در تجرد نمی تواند به این معنا باشد که فرد «در محبت تهی بماند، بلکه باید به آن معنا باشد که اجازه دهیم شور و شغف برای خدا سراسر وجودمان را فراگیرد». **← کشیش** در مقام انسانی که در تجرد می زیست، باید به این معنا زایا باشد که نماینده خدای پدر و عیسی گردد. پاپ همچنین می گوید: «مسیح به کشیشانی نیاز دارد که از پختگی و مردانگی لازم برخوردار باشند و قادرند مقام پدری راستین و روحانی را به اجراء گذارند».

## تجرد روحانی CELBACY

زندگی در تجرد (برگرفته از واژه لاتین caelebs به معنای تنها زندگی کردن) تعمیدی است که یک انسان «بخاطر ملکوت» برای خود قائل می شود تا در تجرد زندگی کند. در کلیسای کاتولیک، بویژه افرادی که عضو انجمن های روحانی هستند و همچنین کشیشان این سوگند را یاد می کنند.

**»** آیا کلیسای کاتولیک می داند که [با لغو زندگی در تجرد] می تواند چه دگرگونی بنیادی را در ارزش ها ایجاد کند؟ زندگی در تجرد کشیشان، این امر فهم ناپذیر در انجیل، در خود واقعیتی پنهان را نگاه داشته است. کلیسا با این امر، به سوی امر نادیدنی و گیری کرده است.

برادر روژه شوتس

 شما نیز مثل سنگ های زنده بنا کرده

می شوید به عمارت روحانی و کهنات مقدس تا قربانی های روحانی و مقبول خدا را به واسطه عیسی مسیح بگذرانید.

۱ پط، ۵، ۲







**✚** ای شوهران، زنان خود را محبت نمایید، چنانکه مسیح هم کلیسا را محبت نمود و خویشتن را برای آن داد تا آن را به غسل آب به وسیله کلام طاهر ساخته، تقدیس نماید... به همین طور باید مردان زنان خویش را مثل بدن خود محبت نمایند، زیرا هرکه زوجه خود را محبت نماید، خویشتن را محبت می نماید.

اف، ۵، ۲۶-۲۵ و ۲۸ الف

» مسیحیان به گونه ای متفاوت با دیگر انسان ها محبت نمی ورزند، اما یاری بیشتری در اختیار دارند. منبع ناشناس



**✚** لیکن شما قبیله برگزیده و کهنات ملوکانه و امت مقدس و قومی که ملک خاص خدا باشد هستید تا فضایل او را که شما را از ظلمت به نور عجیب خود خوانده است، اعلام نمایید. که سابقاً قومی نبودید و الان قوم خدا هستید.

۱ پط، ۲، ۹-۱۱ الف

**✚** و تو برکت خواهی بود.

پی، ۱۲، ۲

» چگونه می توانم سعادت آن زندگی زناشویی را توصیف کنم که در کلیسا پیوند یافته است... چه ترکیبی: دو ایماندار، صاحب یک خواسته، یک شیوه زندگی و یک خدمت... نه جدایی در روح، نه جدایی در جسم. هرکجا جسم یکی باشد، روح نیز یکی است. ترتولیان (۱۶۰- پس از ۲۲۰، مؤلف کلیسای لاتینی)

**۲۵۹** تفاوت بین کهنات همگانی همه ایمانداران و کهنات دست گذاری شده چگونه است؟

مسیح ما را از راه تعمیم «نزد خدا و پدر خود، پادشاهان و کاهنان ساخت» (مکا، ۱، ۶). هر فرد مسیحی به آن فراخوانده شده است که از راه کهنات همگانی در جهان به نام خدا عمل کند و «برکت و فیض او را به دیگران انتقال دهد. اما مسیح در بالاخانه شام آخر و همچنین به هنگام اعزام «رسولان خود عده ای را با اقتدار مقدس برای خدمت به ایمانداران تجهیز کرد: این «کشیشان دست گذاری شده، در مقام سر بدن او و شبانان برای قوم او که همان کلیسا باشد، نمایندگان مسیح هستند [۱۵۴۶-۱۵۵۳، ۱۵۹۲].»

به کار بردن واژه ای یکسان، یعنی «کشیش (کاهن)، برای دو مورد نزدیک به هم که البته «از نظر ماهیت و نه فقط درجه» (بنا به اعلام شورای دوم واتیکان در رساله Lumen Gentium)، با یکدیگر تفاوت دارند، بارها به سوء تفاهم هایی انجامیده است. از یک سو باید با شادی این نکته را بپذیریم که همه ما تعمیم یافتگان، «کاهن» هستیم، زیرا در مسیح زندگی می کنیم و در هر آنچه که او هست و انجام می دهد، سهیم هستیم. پس چرا نباید پیوسته به سوی این جهان «برکت بفرستیم؟ از سوی دیگر، باید این هدیه خداوند به کلیسای خود، یعنی کشیشان دست گذاری شده را که نماینده شخص خدا در میان ما هستند، از نو کشف کنیم. ۱۳۸.

### آیین فیض بخش ازدواج

**۲۶۰** چرا خدا زن و مرد را برای یکدیگر مقرر کرده است؟

خدا زن و مرد را به این دلیل برای یکدیگر مقرر کرده است که «بعد از آن دو نیستند بلکه یک تن هستند (مت، ۱۹، ۶): بر این اساس، آنان باید محبت را زندگی کنند، زایا گردند و به این ترتیب به نشانه ای از خود خدا بدل گردند، او که چیزی جز محبت جاری نیست [۱۶۰۱-۱۶۰۵]» ۶۴، ۴۰۰، ۴۱۷.

**۲۶۱** آیین فیض بخش ازدواج چگونه پدید می آید؟

«آیین فیض بخش ازدواج از پیمانی منعقد شده در حضور خدا و در کلیسا میان زن و مرد پدید می آید که از سوی خدا پذیرفته شده، مهر تأیید می یابند و با اتحاد جسمی زوجین انجام می یابد. از آنجا که خدا خود پیمان ازدواج را در این آیین فیض بخش منعقد می کند، آن را تا روز مرگ یکی از طرفین منعقد می سازد [۱۶۲۵-۱۶۳۱].»

آیین فیض بخش ازدواج را زن و مرد متقابلاً به یکدیگر اهداء می کنند. «کشیش یا «شماس، برکت خدا را برای زوج مذکور طلب می کند. علاوه بر آن او باید شاهی برای آن باشد که ازدواج تحت شرایط درستی منعقد شود و وعده این پیوند به شکل همه جانبه و علنی ادا گردد. پیوند ازدواج فقط زمانی می تواند پدید آید که موافقت زوجین وجود داشته باشد، یعنی زمانی که مرد و زن با آزادی عمل و بدون هراس و اجبار، خواستار ازدواج باشند و موانع دیگر طبیعی یا کلیسایی مانع ازدواج نباشد (به عنوان مثال، ازدواج پیشین یا تعهد زندگی در تجرد روحانی).

**۲۶۲** برای عقد پیمان زناشویی براساس آیین فیض بخش و مسیحی ازدواج چه امری ضروری است؟

به منظور عقد پیمان زناشویی براساس این آیین فیض بخش، سه عامل ضروری است: الف: موافقت طرفین در کمال آزادی؛ ب: اظهار رضایت با پیوندی برای سراسر عمر و منحصر به فرد؛ ج: استقبال از به دنیا آوردن فرزندان. اما ژرف ترین نکته در ازدواج مسیحی این آگاهی برای زوجین است: ما نمونه ای زنده از محبت میان مسیح و کلیسا هستیم [۱۶۲۴-۱۶۵۴، ۱۶۶۴].»

## تک همسری MONOGAMY

## چند همسری POLYGAMY

(برگرفته از واژه های یونانی monos به معنای یک و polys به معنای بسیار و gamos به معنای زناشویی): زناشویی با یک یا چند نفر. مسیحیت چند همسری را قدغن می شمارد.

التزام یکی بودن و نگسستی بودن ازدواج، پیش از هر چیز نقض کننده ← چند همسری است که مسیحیت آن را نقض بنیادین محبت و حقوق بشر می داند؛ این التزام با آن چیزی هم تضاد دارد که می توان آن را «چند همسری گام به گام» نامید: مجموعه ای از هم گسیخته از مناسبات عشقی که بر یک «آری گویی» واحد، همه جانبه و تجدیدنظرناپذیر مبتنی نباشند. التزام وفاداری در زندگی زناشویی شامل آمادگی برای پیوندی برای سراسر عمر است که هرگونه رابطه عشقی خارج از زندگی زناشویی را ناممکن می سازد. التزام آمادگی به دنیا آوردن فرزندان به این معناست: زوج مسیحی نسبت به فرزندان که خدا به آنان می بخشاید، روی گشاده نشان می دهد. زوجینی که بدون فرزند می مانند، از سوی خدا فراخوانده شده اند که به شیوه

در زمانه ای که در آن، در بسیاری کشورها، ۵۰ درصد از ازدواج ها به طلاق می انجامد، هر زندگی زناشویی که دوام داشته باشد، نشانی ارزشمند و سرآخر نشانی برای خدا است. در این کره خاکی که بسیاری امور نسبی به شمار می رود، انسان ها باید به خدایی ایمان داشته باشند که تنها امر مطلق است. به همین دلیل است که هر امر غیرنسبی تا این حد اهمیت دارد: کسی که مطلقاً واقعیت را می گوید یا مطلقاً وفادار است. وفاداری مطلق در زندگی زناشویی کمتر نشانی از کارکردی انسانی و بلکه بیشتر نشانی از وفاداری خدا است که حتی

عاشق یک انسان شدن به معنای آن است که او را همان گونه ببینیم که خدا او را مدنظر داشته است. فیودور ام. داستایفسکی



عاشق یک نفر شدن به معنای آن است که تنها فردی باشیم که معجزه ای را که برای دیگران نادیدنی است، مشاهده می کند. فرانسوا موریاک



فردی که به دیگری عشق می ورزد، اجازه می دهد او همان گونه که هست، همان گونه که بوده و همان گونه که خواهد بود، خود را بنمایاند. میشل کونیست (۱۹۲۱-۱۹۷۷، شپان و نویسنده فرانسوی)

اگر بی ایمان شویم، او امین می ماند، زیرا خود را انکار نمی تواند نمود. تیم، ۱۳، ۲

زمانی که او را از هر لحاظ فراموش و به او خیانت کرده باشیم، برای ما حضور دارد. ازدواج کلیسایی به این معناست: بیشتر به یاری خدا تا توان خود برای محبت کردن اعتماد کنیم.

۲۶۴ **خطرهایی که ازدواج را تهدید می کنند، کدام اند؟**

آنچه ازدواج را پراستی تهدید می کند، گناه است: آنچه آن را احیاء می سازد، بخشش و چشم پوشی است؛ آنچه ازدواج را قدرت می بخشد، دعا و اعتماد کردن به حضور خدا است [۱۶۰۶-۱۶۰۸].

درگیری میان زنان و مردان که در زندگی زناشویی گاه تا سرحد نفرت متقابل پیش می رود، نشانی از سازش ناپذیری میان زن و مرد نیست؛ همچنین باید گفت که چیزی به نام استعداد ژنتیکی برای عدم وفاداری

دیگری «بارور» شوند. آن پیوند زناشویی که در آن یکی از این عناصر، نامحقق شود، فاقد اعتبار است.

۲۶۳ **چرا پیوند زناشویی ناگسستی است؟**

پیمان زناشویی به سه دلیل ناگسستی است. اول این که این کار با ماهیت محبت همخوانی دارد که زوجین خود را متقابلاً به شکل بی قید و شرط به یکدیگر تقدیم کنند؛ سپس این که آنان نمونه ای از وفاداری بی قید و شرط خدا به آفریده ها هستند و دیگر به این دلیل این پیوند ناگسستی است که نمایانگر فدا شدن مسیح برای کلیسایش است که تا به مرگ بر صلیب پیش رفت [۱۶۰۵، ۱۶۱۲-۱۶۱۷، ۱۶۶۱].

» Eine offene Ehe ist eine Ehe, die nie geschlossen wurde

Theodor Weißenborn (\*۱۹۳۳, deutscher Schriftsteller)

» عشق در وفاداری به کمال می رسد. سوزن کیرکگور



**✚** بغض نزاع‌ها می‌انگیزاند، اما محبت هر گناه را مستور می‌سازد.  
۱۲،۱۰، ۴۱

**✚** پس برای مسیح سفیرانی هستیم که گویا خدا به زبان ما و عظمی کند. پس بخاطر مسیح استدعا می‌کنیم که با خدا مصالحه کنید.  
۲۰، ۵، ۲۰

**✚** و تمام اندیشه خود را به وی واگذارید زیرا که او برای شما فکر می‌کند.  
۷، ۵، ۱



یا نوعی مانع روانی ویژه برای پیوند میان زن و مرد برای یک عمر وجود ندارد. البته بسیاری ازدواج‌ها به دلیل عدم گفت و گو میان زن و مرد و کمبود توجه به یکدیگر به خطر می‌افتند. به این عوامل باید مشکلات اقتصادی و اجتماعی را نیز افزود. اما نقش اساسی را واقعیتی به نام گناه ایفا می‌کند: حسادت، حرص و طمع استیلا بر دیگری، حرص و آز برای جدل، طمع ورزشی، شهوت، عدم وفاداری و دیگر نیروهای ویرانگر. به همین دلیل است که بخشش و آشتی، همچنین طی مراسم اعتراف و توبه، اصولاً جزئی از هر زندگی زناشویی به شمار می‌رود.

**۲۶۵** آیا همه انسان‌ها به تشکیل زندگی زناشویی فراخوانده شده‌اند؟

همه به تشکیل زندگی زناشویی فراخوانده نشده‌اند. حتی انسان‌هایی هم که تنها زندگی می‌کنند می‌توانند یک زندگی پر بار داشته باشند. عیسی به برخی از آنان راه ویژه‌ای نشان می‌دهد؛ او از آنان دعوت می‌کند، «به جهت ملکوت خدا» (مت، ۱۹، ۱۲) در تجرد زندگی کنند [۱۶۱۸-۱۶۲۰].

بسیاری از انسان‌هایی که تنها زندگی می‌کنند، از انزوای خود در عذاب هستند و آن را فقط نوعی کمبود و عیب تلقی می‌کنند. اما انسانی که موظف نباشد به امور همسر و خانواده رسیدگی کند، از آزادی و استقلال نیز برخوردار است و همچنین وقت آن را دارد که کارهایی مفید و مهم صورت دهد که متاهلان شاید هرگز نتوانند انجام دهند. شاید این خواست خدا باشد که این فرد به امور انسان‌هایی رسیدگی کند که دیگران به امور آنان رسیدگی نمی‌کنند. بارها رخ داده است که حتی خدا چنین انسانی را به شیوه‌ای خاص به نزدیکی خود فرامی‌خواند. هنگامی که فرد در خود این آرزو را حس کند که «به جهت ملکوت خدا»، از شریک زندگی برای خود چشم‌پوشی کند، یک چنین موردی صادق است. البته دعوت در مسیحیت هرگز نباید به این معنا باشد که فرد به زندگی زناشویی یا به رابطه جنسی به دیده تحقیر نگاه کند. زندگی داوطلبانه در تجرد می‌تواند فقط در و از روی محبت در پیش گرفته شود، یعنی در مقام نشانی برای آن که خدا مهم‌تر از هر چیز دیگر است. فرد مجرد از رابطه جنسی چشم‌پوشی می‌کند، اما از محبت چشم‌پوشی نمی‌کند؛ او با شور و شوق به استقبال مسیح، این دامادی که می‌آید (مت، ۲۵، ۶) می‌رود.



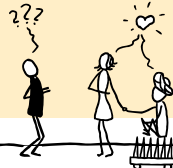
**۲۶۶** مراسم پیوند زناشویی در کلیسا به چه شکل صورت می‌گیرد؟

مراسم پیوند زناشویی باید اصولاً به شکل علنی برگزار شود. از همسران آینده درباره میل و اراده شان نسبت به عقد پیمان زناشویی می‌پرسند. ← **کشیش** یا ← **شماس**، حلقه‌های ازدواج را برکت می‌دهد. همسران آینده، حلقه‌ها را مبادله می‌کنند و به یکدیگر «وفاداری در دوران نیک بختی و دوران تیره روزی، در بیماری و سلامت را تا زمانی که مرگ ما را از یکدیگر جدا سازد» قول می‌دهند و به یکدیگر وعده می‌دهند: «ما پلم در تمام روزهای زندگی ام، تو را دوست بدارم، به تو توجه نشان دهم و تو را ارج و احترام گذارم». برگزارکننده مراسم، پیوند زناشویی را تأیید می‌کند و ← **برکت** می‌دهد [۱۶۲۱-۱۶۲۴، ۱۶۶۳].

کلیسا به شیوه زیر ابتدا از داماد و بعد از عروس پرس و جو می‌کند: برگزارکننده مراسم: «الف. از شما می‌پرسم: آیا شما به اینجا آمده اید تا از روی تعمق بالغانه و براساس تصمیم آزادانه خود با عروس خود، ب./ داماد خود ب. پیمان زناشویی ببندید؟» داماد/عروس: «بله». برگزارکننده مراسم: «آیا می‌خواهید زن/شوهر خود را دوست بدارید، به او توجه نشان دهید و به او وفادار بمانید در همه روزهای زندگی خود؟» داماد/عروس: «بله». پرسش‌های زیر را برگزارکننده مراسم از هر دو نفر به شکل مشترک می‌پرسد. برگزارکننده مراسم: «آیا شما هر دو آمادگی آن را دارید که پذیرای فرزندان باشید که خدا به شما می‌بخشد تا آنان را در روح مسیح و کلیسایش تربیت کنید؟» عروس و داماد: «بله». برگزارکننده مراسم: «آیا شما هر دو آمادگی دارید در مقام زوجی مسیحی، در کلیسا و در جهان مسئولیتی مشترک برعهده بگیرید؟» داماد و عروس: «بله».

**۲۶۷** هنگامی که یک فرد کاتولیک قصد داشته باشد با یک مسیحی غیر کاتولیک ازدواج کند، چه باید کرد؟

برای عقد پیوند زناشویی، موافقت کلیسا شرط است. توضیح آن که لازمه یک چنین ازدواجی میان مذاهب متفاوت، نشان دادن نوعی وفاداری ویژه از سوی هر دو شریک زندگی به مسیح است، برای این که این شکاف در مسیحیت که تاکنون برطرف نشده است، به شکل یک نقص کوچک خود را در زندگی آنان نمایان نسازد تا مبدا حتی به برچیده شدن کامل عملکرد ایمانی بیانجامد [۱۶۳۳-۱۶۳۷].



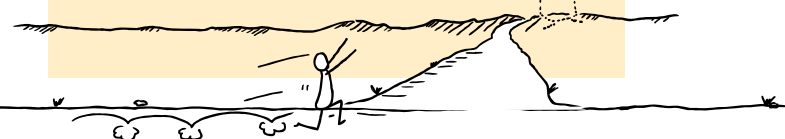
**✚** روت گفت: «بر من اصرار مکن که تو را ترک کنم و از نزد تو برگردم، زیرا هر جایی که روی می‌آیم و هر جایی که منزل کنی، منزل می‌کنم، قوم تو قوم من و خدای تو خدای من خواهد بود.  
رو، ۱۶، ۱۷

**»** اختلاف مذهب بین زوجین یک مانع زایل نشدنی بر سر راه ازدواج نیست، به شرطی که بتوانند درباره آنچه هر یک از جماعات خاص خود به دست می‌آورند به تفاهم برسند و به شرطی که روش زندگی توأم با وفاداری به مسیح را از یکدیگر بیاموزند.

تعالیم کلیسای کاتولیک، بند ۱۶۳۴

**معاذت**  
**DISPENSATION**

معاذت (برگرفته از واژه لاتین dispensare از قرون وسطی به معنای تضمین آزادی)، در کلیسای کاتولیک به معنای معاف شدن از یک قانون کلیسایی است. مسئولیت این کار را اسقف یا کرسی رسولی [پاپ] برعهده دارد.

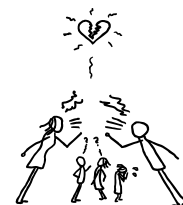


✎ خشم گیرید و گناه مورزید؛ خورشید بر غیظ شما غروب نکند. ایلیس را مجال ندهید.

اف. ۲۶-۲۷

» بی شک عشق در وفاداری آزموده می شود، لیکن با بخشیدن به کمال می رسد.

وزن برکن گرون (۱۸۶۲-۱۹۶۴، نویسنده آلمانی)



» مطلقه هایی که دوباره ازدواج می کنند به رغم وضعیتی که دارند، باز به کلیسا تعلق دارند. کلیسا با دقت نظر ویژه ای به آنان می پردازد، با این آرزو که تا حد امکان با مشارکت در قربانی مقدس، یک سبک زندگی مسیحی را پشت سر بگذارند، حتی اگر نان مقدس دریافت ندارند، از راه گوش دادن به کلام خدا، نیایش آیین سپاسگزاری، دعای شخصی، مشارکت کردن در زندگی در جماعت ←

۲۶۸ آیا یک مسیحی کاتولیک اجازه دارد، شریکی برای زندگی خود از دین دیگری برگزیند؟

اگر یک ایماندار کاتولیک با شریکی پیمان زناشویی ببندد که به ← دین دیگری تعلق دارد، این امر برای ایمان او و فرزندان که در آینده بدنیا می آیند، دشواری هایی به دنبال خواهد آورد. از این رو، کلیسای کاتولیک بنا به مسئولیتی که برای ایمانداران برعهده دارد، برای ازدواج میان افرادی با دین های متفاوت مانعی مقرر کرده است. به همین دلیل، یک چنین ازدواجی می تواند تنها زمانی به شکل معتبر منعقد شود که پیش از عقد پیمان زناشویی این مانع برطرف شده باشد (معافیت از منع ازدواج). یک چنین ازدواجی نمی تواند مشخصات آیین فیض بخش ازدواج را داشته باشد [۱۶۳۳-۱۶۳۷].

۲۶۹ آیا زوج هایی که با یکدیگر اختلاف دارند، اجازه جدایی دارند؟

کلیسا برای توان انسان ها در وفا کردن به یک وعده و برای سراسر عمر به یکدیگر وفادار ماندن، احترامی فراوان قائل است. کلیسا کلامی را که انسان به زبان می آورد، جدی تلقی می کند. امکان آن وجود دارد که هر زندگی زناشویی در خطر بحران هایی قرار گیرد. از راه گفت و گو با یکدیگر، دعای (مشترک) و گاه حتی مدد گرفتن از راه های درمانی می توان راه هایی برای خروج از بحران یافت. بویژه به یاد آوردن این نکته که در زندگی زناشویی معتقد شده براساس آیین فیض بخش ازدواج که همواره فرد سومی نیز در این پیمان شرکت دارد که همان مسیح است، همواره می تواند امید را برانگیزد. اما اگر زندگی زناشویی برای یک نفر تاب نیاوردنی شده یا به خشونت روحی یا جسمی انجامیده باشد، فرد مجاز به جدایی است. این را «جدایی بر سر میز غذا و در بستر» می نامند که باید به کلیسا اعلام شود. در چنین مواردی، حتی اگر در انجام امور به شکل مشترک در زندگی زناشویی خللی ایجاد شده باشد، زناشویی هنوز در اعتبار خود باقی می ماند [۱۶۲۹، ۱۶۴۹].

البته مواردی هم یافت می شود که در آنها بحران در زندگی زناشویی را باید به آن نسبت داد که یکی از طرفین یا هر دو در زمان عقد پیمان زناشویی، آمادگی ازدواج را نداشته اند یا موافقت کامل خود برای انتخاب زندگی زناشویی را ابراز نکرده اند. در این صورت، زناشویی در معنا و مفهوم حقوقی اش، نامعتبر است. در چنین مواردی امکان آن وجود دارد که در دادگاه اسقفی، رویه دادگاهی بطلان ازدواج به جریان افتد ← ۲۲۴.

۲۷۰ نظر کلیسا درباره طلاق گرفتگانی که دوباره ازدواج می کنند چیست؟

کلیسا آنان را بنا به الگوی عیسی در محبت می پذیرد. البته، فردی که پس از ازدواج کلیسایی از همسر خود جدا می شود و در زمان حیات همسر خود، رابطه جدیدی را برقرار می کند، در تضاد با خواست شفاف عیسی مبنی بر ناگسستن زندگی زناشویی عمل کرده است. کلیسا قادر به نادیده شمردن این خواسته نیست. نقض وفاداری، در مغایرت با ← آیین سپاسگزاری قرار دارد که طی آن، کلیسا دقیقاً خدشه ناپذیری محبت خدا را جشن می گیرد. از این رو، فردی که در یک چنین وضعیت متناقضی زندگی می کند، اجازه شرکت در مراسم ← تناول قربانی مقدس را ندارد [۱۶۶۵، ۲۳۸۴].

پاپ بندیکت شانزدهم بی آن که ذره ای بخواهد درباره همه موارد عینی به شکل یکسان عمل کند، از یک «وضعیت دردناک» سخن می گوید و از شبانان می خواهد، «وضعیت های گوناگون را به دقت بسنجند تا به ایماندارانی که در چنین وضعیت هایی قرار گرفته اند، راهنمایی روحانی مناسب را ارائه دهند» (Sacramentum Caritatis) ← ۴۲۴.

۲۷۱ معنی این عبارت چیست که «خانواده کلیسایی کوچک است»؟

خانواده در مقیاس کوچک، همان چیزی است که ← کلیسا در مقام بزرگ هست: تصویری از محبت خدا در جمع انسان ها. در واقع، هر زندگی زناشویی در نشان دادن روی گشاده برای دیگری، یعنی در پذیرش کودکانی که خدا اهداء می کند، آن هم در پذیرش متقابل، در میهمان پذیر بودن و در زیستن برای دیگری، به کمال می رسد [۱۶۵۵-۱۶۵۷].

در زمان کلیسای اولیه، در حوزه «راه نوین» مسیحیان، هیچ چیز برای انسان ها جذاب تر از «کلیساهای خانگی» نبود. بارها پیش می آمد که یک نفر «با تمام اهل بیتش به خداوند ایمان می آورد؛ و بسیاری... ایمان آورده، تعمید یافتند» (رس، ۱۸، ۸). در جهانی انباشته از بی ایمانی، جزایری از ایمان زنده شکل گرفت، مکان هایی برای دعا، برای تقسیم کردن با یکدیگر و برای میهمان نوازی های صمیمانه. روم، کورینتوس [قرنتس] و انطاکیه که شهرهای بزرگ باستانی بودند، چنان به شتاب به کلیساهای خانگی مجهز شدند که گویی به نقاطی نورانی تجهیز شده بودند. حتی این روزها هم خانواده هایی که در آنها مسیح منزل دارد، می توانند خمیرمایه ای باشند که جامعه را احیاء می کند ← ۳۶۸.

← دینی، همصحبتی همراه با اعتماد با شبان یا رهبری روحانی، محبت همراه با فداکاری نسبت به هممنوع، رجوع به عملکرد توبه و کارکردهای تربیتی فرزندان. بندیکت شانزدهم، در رساله Sacramentum Caritatis

» هیچکس در این

جهان، بدون خانواده نیست؛ کلیسا خانه و خانواده برای همه، بویژه برای کسانی است که در زنج و عذاب هستند و بارهای سنگینی را بردوش می کشند (مت، ۱۱، ۲۸).

ژان پل دوم، برگرفته از Familiaris Consortio





## طرده شیطان EXORCISM

طرده شیطان (برگرفته از واژه یونانی exorkismos به معنای به قطع و یقین بیرون تاراندن) نیایشی است که به کمک آن، انسان از شر در امان نگاه داشته یا از شر رهایی می یابد.

هشیار و بیدار باشید زیرا که دشمن شما، ابلیس مانند شیر غران گردش می کند و کسی را می طلبد تا ببلعد. پس به ایمان استوار شده، با او مقاومت کند، چون آگاه هستید که همین زحمات بر برادران شما که در دنیا هستند، می آید.

۱، ۵، ۸-۹

» زندگی ایمانی در میان مردم عادی، یکی از نقطه قوت های ماست، زیرا در آن پای نیایش هایی به میان کشیده می شود که ریشه ژرفی در قلب انسان ها دارند. حتی انسان هایی که از زندگی کلیسایی اندکی دور مانده اند و درک ایمانی گسترده ای ندارند، در قلب خود تحت تأثیر این نیایش ها قرار می گیرند. فقط کافایت این حرکات «روشن» گردند و این سنت ها «روشنایی» یابند تا به زندگی روزمره کلیسایی بدل شوند.

بنادیکت شانزدهم، ۲۲/۰۷/۲۰۰۷

## فصل چهارم سایر مراسم عبادی

### ۲۷۲ نشان های مقدس چه هستند؟

نشان های مقدس، علائم مقدس یا عملکردهای مقدسی هستند که طی آنها برکت اعطاء می شود [۱۶۶۷-۱۶۷۲، ۱۶۷۷-۱۶۷۸].

نشان های مقدس عبارتند از: آب مقدس، برکت ناقوس، ارگ، خانه، سفره و وسایل نقلیه، آیین خاکستر در آغاز فصل توبه، برکت شاخه نخل یا زیتون در یکشنبه رنج و عذاب مسیح، شمع عید فصح و برکات گوناگون بنا به اقتضای ایمانداران.

### ۲۷۳ آیا کلیسا هنوز مراسم طرده شیطان را انجام می دهد؟

در هر مورد تعمیم، امر موسوم به «**طرده شیطان**» در مقیاس کوچک برگزار می شود، یعنی قرائت نیایشی که در آن فرد تعمیم گیرنده از چنگ اشرا در امان نگاه داشته می شود و در مقابله با «قدرت ها و خشونت های» که عیسی بر آنها پیروز شد، قدرت می یابد. طرده شیطان در مقیاس بزرگ در واقع نیایشی است که با اقتدار و قوت مسیح تقدیم می گردد که طی آن یک مسیحی تعمیم یافته، به قدرت عیسی از نفوذ و خشونت اشرا در امان نگاه داشته می شود. «**کلیسا** این دعا را به ندرت و فقط به دنبال چند بار آزمون دقیق اجرا می کند [۱۶۷۳].»

آنچه در فیلم های هالیوودی درباره «**طرده شیطان**» به نمایش گذاشته می شود، اغلب با حقیقت عیسی و کلیسا مطابقت ندارد. بارها از عیسی نقل می شود که شیاطین را اخراج می کرد. او قدرتی فراتر از قدرت اشرا و خشونت ها داشت و می توانست انسان ها را از آنها برهاند. عیسی به «**شاگردان**» قدرت داد که ارواح پلید را بیرون کنند و هر بیماری و رنجی را شفا دهند» (مت، ۱۰، ۱). در کلیسا هم هنگامی که یک «**کشیش** مأمور به این امر، بنا به خواست یک نفر، دعای طرده شیطان را برای او قرائت می کند، کاری جز این انجام نمی دهد. پیشاپیش این امر به صراحت مردود اعلام می شود که پدیده ای روانی مطرح است (این موارد به حوزه اختیار روانکاوان اختصاص دارند). آنچه در طرده شیطان مطرح است، دور کردن قوای وسوسه و فشار روحی و رهایی یافتن از نیروی شریر است ← ۹۰-۹۱.

### ۲۷۴ امر موسوم به دینداری مردمی تا چه حد اهمیت دارد؟

دینداری مردمی که از طریق تکریم «**بقایای قدیسین**، راهپیمایی های مذهبی، زیارت ها و دیگر اعمال نیایشی صورت می گیرد، راهی مهم برای جذب شدن ایمان در فرهنگ است. این نوع دینداری تا جایی نیک است که در کلیسا و از طریق کلیسا صورت می گیرد و تلاش نمی کند بهشت را از طریق عمل جدا از فیض خدا به دست آورد. [۱۶۷۴-۱۶۷۶].»

یادگار مقدس RELIC  
یادگارهای مقدس (برگرفته از واژه لاتین relictum به معنای بازمانده) بازمانده هایی از کالبد قدیسین و همچنین اشیایی هستند که قدیسین در زمان حیات خود استفاده می کردند.



### ۲۷۵ آیا مجاز به تکریم بقایای قدیسین هستیم؟

تکریم «**بقایای قدیسین**، از جمله نیازهای طبیعی انسانی است تا بتوانیم برای شخصیت هایی شایسته ستایش، احترام و ارج قائل شویم. بقایای قدیسین را زمانی به درستی تکریم می کنیم که طی آن، کارکرد خدا در انسان هایی را بستیم که خود را به طور کامل وقف خدا کرده اند [۱۶۷۴].»

### ۲۷۶ معنا و مفهوم زیارت چیست؟

کسی که به زیارت می رود، با پاهای خود «دعا» می کند و با تمامی حواس خود درمی یابد که سراسر زندگی اش به منزله یک سفر واحد و طولانی به سوی خدا است [۱۶۷۴].»

شادمان می شدم چون به من می گفتند: «به خانه خداوند برویم». پای های ما خواهد ایستاد، به اندرون دروازه های تو، ای اورشلیم!...  
مز، ۱۲۲، ۲-۱



» راه های خدا، راه هایی هستند که او خود پیموده است و اکنون ما باید همراه او پشت سربگذاریم. دیتریش بُنهوفر

در اسرائیل کهن افراد به معبد در اورشلیم سفر می کردند. مسیحیان نیز این رسم را دنبال کردند. به این ترتیب بود که بویژه در قرون وسطا، جنبشی واقعی از سفرهای زیارتی به مکان های مقدس (بویژه اورشلیم و قبور رسولان در روم و سانتیاگو د کُمپستلا) شکل گرفت. افراد بارها و بارها به منظور توبه دست به سفری زیارتی می زدند و در بسیاری موارد هم این کار خالی از اندیشه های نادرست بر این مینا نبود که انسان باید با کارهایی همراه با خودآزاری، خود را در پیشگاه خدا عادل گرداند. این روزها زیارت، یک احیای کاملا منحصر به فرد را پشت سرمی گذارند. مردم در جست و جوی صلح و نیرویی هستند که از مکان های برکت یافته برمی خیزد. آنان از تکروری ها خسته شده اند، می خواهند از روزمرگی ها خلاصی یابند، خود را از بارها و فشارها برهانند و به سوی خدا به حرکت درآیند.

» صلیب خداوند، جهان را دربرمی گیرد: صلیب او قاره ها و زمان ها را پشت سرمی گذارد. ما نمی توانیم بر راه صلیب، فقط نظاره گر باشیم. ما نیز در این راه سهیم می شویم و از این رو باید جایگاه خود را بیابیم: جایگاه ما کیجاست؟

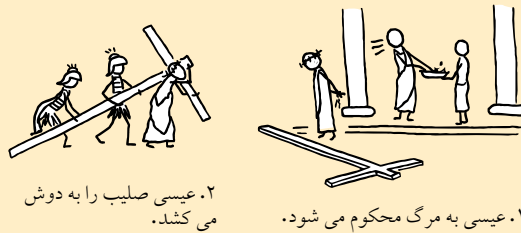
بندیکت شانزدهم، ۲۰۰۶/۰۴/۱۴

### ۲۷۷ مراسم راه صلیب چیست؟

۱۴ مرحله راه صلیب عیسی را با تعمق و دعا طی کردن، شیوه ای بسیار قدیمی از عملکرد ایمانی در ← کلیسا است که بویژه در فصل روزه و روزهای یادآوری درد و رنج مسیح ادا می شود [۱۶۷۴-۱۶۷۵].

۱۴ مرحله از راه صلیب عبارتند از:

» صلیب تو حکمت بی پایان، از ازل به آن اندیشیده است که صلیب ات را در مقام یک هدیه بارزش به تو بخشد. این صلیب را او و پیش از هرکس او برای تو فرستاد، مشاهده شده با چشمان همه چیزدان او، اندیشه شده با شعور الهی او، آزموده شده با عدالت نرم او، تأثیر گرفته از مهربانی ملاحظت آمیز او. آنگاه او آن را با دستان خود اندازه گرفت که مبادا بیش از حد بزرگ و بیش از حد سنگین باشد. پس از آن او آن را با نام مقدس خود فرستاد، ←



۱. عیسی به مرگ محکوم می شود.



۲. عیسی صلیب را به دوش می کشد.



۳. عیسی برای نخستین بار در زیر بار صلیب به زمین می افتد.

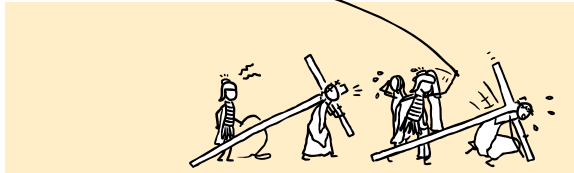


۴. عیسی با مادر خود ملاقات می کند.



۵. شمعون قیروانی به عیسی در حمل صلیب کمک می کند.

۶. ورونیکا با دستمالی صورت عیسی را پاک می کند.



۷. عیسی برای دومین بار زیر بار صلیب بر زمین می افتد.

۸. عیسی با زنان اورشلیم ملاقات می کند.



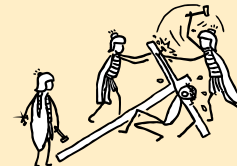
۹. عیسی برای سومین بار زیر بار صلیب بر زمین می افتد.



۱۰. لباس را از تن عیسی می کنند.



۱۱. عیسی بر صلیب میخکوب می شود.



۱۲. عیسی بر صلیب جان می دهد.



۱۳. جسد مقدس عیسی به گور سپرده می شود.



۱۴. عیسی از صلیب پایین آورده و در آغوش مادرش نهاده می شود.

### ۲۷۸ مراسم خاکسپاری مسیحی چه ویژگی دارد؟

مراسم خاکسپاری مسیحی به منزله خدمتی از سوی جماعت مسیحی به فرد در گذشته خود است. این مراسم پذیرای سوگواری بازماندگان است، اما همزمان نشانه های گذر را در خود دارد. سرآخر باید گفت که ما در مسیح از جهان می رویم تا همراه با او رستاخیز را جشن بگیریم [۱۶۸۶-۱۶۹۰].

← تدهین شده به رحمت او و تأثیر گرفته از تسلائی او. سپس او یکبار دیگر شجاعت تو را سنجید و بر همین اساس است که آن [صلیب] در مقام هدیه ای از سوی خدای دوست داشتی و در مقام هدیه ای از سر محبت همراه با شفقت او از آسمان به سوی تو نازل می شود. فرانسوا دو سال

» ما به هیچ وجه با مرگ از یکدیگر جدا نمی شویم، زیرا همگی راه یکسانی را می پیماییم و یکدیگر را در مکانی یکسان باز خواهیم یافت. سیمون اهل تسالونیک (متوفی به سال ۱۴۲۹، الهیات شناس و عارف)



# چگونه در مسیح، زندگی می یابیم

۲۷۹  
۴۶۸

به چه منظور بر این کره خاکی به سر می بریم، چه باید بکنیم و روح  
القدس چگونه ما را در این زندگی یاری می رساند ۱۶۲

منزلت بشری ۱۶۲

جامعه بشری ۱۸۰

کلیسا ۱۹۰

ده فرمان ۱۹۳

خداوند خدای خود را دوست بدار ۱۹۴

همنوع خود را بساز خود دوست بدار ۲۰۲

DRITTER TEIL





جدا از من هیچ نمی  
توانید کرد.

یو، ۱۵:۵

» از چیزی هراسان

مباش؛ ز چیزی در غم  
مباش؛ همه چیز فانی است.  
تنها خدا باقی است. با صبر  
هر چیز به دست آری. خدا  
را اگر در قلب داری، فاقد  
هیچ چیز نمی باشی. عشقش  
تو را کافی است.

ترزای آویلا

پس خدا آدم را به  
صورت خود آفرید.  
او را به صورت خدا آفرید.

پی، ۱: ۲۷

» هر کجا که خدا ناپدید

گردد، آدمی بزرگ تر نمی  
شود. عکس آن صادق  
است: او منزلت الهی اش  
را از دست می دهد، او  
درخشش الهی بر چهره اش  
را از دست می دهد. سرآخر  
او خود را تنها در قالب  
دستاوردی از تکاملی کور  
می نمایاند و در چنین هیبتی  
امکان آن هست که از او  
استفاده و بلکه سوءاستفاده  
شود. بویژه تجربیات دوره و  
زمانه ما چنین چیزی را نشان  
داده است.

بنگدیکت شانزدهم، ۲۰۰۵/۰۸/۱۵

### » بخش نخست

به چه منظور بر این کره خاکی  
به سر می بریم، چه باید بکنیم و  
روح القدس چگونه ما را در این  
زندگی یاری می رساند

» ۲۷۹ به چه علت برای این که به نیکی و درستی زندگی کنیم، به ایمان و آیین های فیض بخش نیاز داریم؟

چنانچه ما به خود و قوای خود واگذاشته می شدیم، با تلاش های خود برای نیک بودن، چندان ره به جایی نمی بردیم. ما از راه ایمان به این نکته دست می یابیم که ما فرزندان خدا هستیم و از خداوند نیرو می گیریم. هنگامی که خداوند نیروی خود را به ما می بخشد، ما آن را «فیض» می نامیم. خدا بویژه با نشانه های مقدسی که آنها را «آیین های مقدس» می نامیم، این توانایی را به ما می دهد که آن امر نیکی را که مایل به انجامش هستیم، به راستی انجام دهیم. [۱۹۶۹-۱۹۶۱].

از آنجا که خدا، ناتوانی ما را دیده است، از راه پسر خود عیسی مسیح «ما را از قدرت ظلمت رهاپنده» (کو، ۱: ۱۳). او به ما این امکان را داده است که در مشارکت با او، سرآغازی نوین را پی نهم و راه محبت را پیماییم. ۱۷۲-۱۷۸.

### » فصل نخست

منزلت بشری

» ۲۸۰ مسیحیان برای منزلت بشری چه استدلالی دارند؟

هر انسانی از لحظه نخست حیات خود در شکم مادرش، از منزلتی خدشه ناپذیر برخوردار است، زیرا خداوند او را از ازل طلبیده، به او محبت ورزیده، خلق کرده و همچنین برای او نجات و سعادت ابدی را مقرر فرموده است [۱۶۹۹-۱۷۱۵].

اگر شأن و منزلت انسان ها تنها بر موفقیت ها و کارکردهای موفقیت آمیزی مبتنی بود که هر یک از آنان از خود به نمایش می گذارند، آنانی که ضعیف، بیمار یا ناتوان بودند، از منزلتی برخوردار نمی بودند. مسیحیان اعتقاد دارند که منزلت بشری در درجه نخست از منزلت الهی ناشی می شود. او به تک تک انسان ها نظر دارد و به آنان محبت می ورزد، گویی که هر یک از آنان تنها مخلوق جهان باشند. از آنجا که خداوند به کوچک ترین فرزندان انسان نیز نظر افکنده است، چنین







» اراده خدا بر آن است که ما نیکبخت باشیم. اما سرچشمه این امید کجاست؟ سرچشمه آن در پیوند با خداست که در نهای روح هر انسانی می زید. برادر روژه شوئس

» نیکبختی در ما نیست و نیکبختی بیرون از ما هم نیست. نیکبختی تنها در خداست. و هنگامی که او را می یابیم، نیکبختی در همه جاست. بلز پاسکال

فرزندی از منزلتی برخوردار است که انسان ها قادر به مخدوش کردن آن نخواهند بود ← ۵۶-۶۵.

۲۸۱ از چه رو ما در حسرت سعادت هستیم؟

خدا چنان حسرت بی پایانی برای سعادت در قلب های ما نهاده است که هیچ چیز قادر به فرونشاندن آن نیست، مگر شخص خدا. کلبه لذت های دنیوی تنها به منزله پیش چشی سعادت اخروی ما هستند. ما باید فراسوی این لذت ها به سوی خدا حرکت کنیم [۱۷۱۸-۱۷۱۹، ۱۷۲۵] ← ۱-۳.

۲۸۲ آیا متون مقدس راهی را به سوی سعادت می شناسند؟ ما با اعتماد کردن به «وعده های سعادت» در کلام عیسی به سعادت می رسیم [۱۷۱۶-۱۷۱۷].

انجیل به معنای بشارتی برای همه انسان هایی است که مایل اند در راه خداوند گام بردارند. عیسی بویژه در وعده های سعادت خود (مت، ۵: ۱۲-۳) به وضوح اعلام داشته است که ← برکت ابدی بر این مبتنی است که از شیوه زندگی او پیروی کنیم و با قلبی پاک در جست و جوی آرامش و صفا برآییم.

۲۸۳ وعده های سعادت چگونه اند؟

خوش به حال مسکینان در روح، زیرا ملکوت آسمان از آن ایشان است.

خوشا به حال ماتیمان.

زیرا ایشان تسلی خواهند یافت.

خوشا به حال حلیمان.

زیرا ایشان وارث زمین خواهند شد.

خوشا به حال گرسنگان و تشنگان عدالت،

زیرا ایشان سیر خواهند شد.

خوشا به حال رحم کنندگان،

زیرا بر ایشان رحم کرده خواهد شد.

خوشا به حال پاک دلان،

زیرا ایشان خدا را خواهند دید.

خوشا به حال صلح کنندگان،

زیرا ایشان پسران خدا خوانده خواهند شد.

خوشا به حال زحمت کشان برای عدالت،

زیرا ملکوت آسمان از آن ایشان است.

خوشحال باشید چون به شما فحش گویند و جفا رسانند و به خاطر من هر سخن بدی بر شما کاذبانه گویند.

خوش باشید و شادی عظیم نمایید، زیرا اجر شما در آسمان عظیم است زیرا که به همینطور بر انبیای قبل از شما جفا می رسانیدند (مت، ۵: ۳-۱۲).

۲۸۴ چرا وعده های سعادت مهم هستند؟

آن که در آرزوی رسیدن به ملکوت خدا باشد، نگاهی به فهرست الویت های عیسی، یعنی همان وعده های سعادت خواهد داشت [۱۷۲۵-۱۷۲۶، ۱۷۱۶-۱۷۱۷].

خداوند از زمان ابراهیم به بعد، وعده هایی را نصیب قوم خود کرد. عیسی به همین ها اشاره دارد، اعتبار آنها را تا به ملکوت گسترش می دهد و از آنها طرح و برنامه هایی برای زندگی خود می سازد: پسر خدا فقیر می گردد تا در فقر ما سهیم شود؛ او با انسان های شاد، شاد می شود و با گریان ها می گرید (روم، ۱۲: ۱۵)؛ او خشونت به کار نمی گیرد، بلکه گونه دیگر را [برای فرود آمدن سیلی بر آن] می گرداند (مت، ۵: ۳۹)؛ او رحم و شفقت دارد، آرامش و صلح را بنیان می نهد و به این ترتیب راه ایمن رسیدن به ملکوت را نشان می دهد.

» زیرا تنها او راهی است که ارزش دنبال کردن را دارد، نوری که ارزش برافروختن را دارد، حیاتی که ارزش زیستن را دارد، و محبتی که ارزش دوست داشتن را دارد.

مادر ترزا



» خواستن همه آنچه خدا می خواهد، آن را همیشه خواستن، در هر فرصتی و بدون قید و شرط، این همان ملکوت خداست که امری به غایت درونی است.

فرانسوا فنلون



## » انسان چنان بزرگ

است که هیچ چیز روی زمین برای او کفایت نمی کند. تنها زمانی که او به خدا رو می آورد، رضایت خاطر دارد. یک عدد ماهی را از آب بگیرد: دیگر قادر به زندگی نخواهد بود. این همان انسان بدون خداست.

پدر روحانی اهل آرس

او را چنان که هست خواهیم دید.

۱ یو، ۳: ۲

## » آزاد بودن یعنی خود را مالک شدن.

دومینیک لاکورد (۱۸۶۱-۱۸۰۲)

واعظ صاحبنام دومینیکن

## » انسانی که خود را به

طور کامل به دستان خدا واگذار می کند، به عروسک خیمه شب بازی خدا بدل نمی شود و انسانی کسالت زده که خود را مطابقت داده باشد، به شمار نمی رود. فقط

انسانی که به طور کامل به خدا اعتماد کرده باشد، آزادی راستین را می یابد، یعنی

همان گستره وسیع و خلاقانه آزادی نیکی را. انسانی که

به خدا روی می آورد، نه کوچک تر، بلکه بزرگ تر می شود، چرا که او از راه خدا و به همراه او بسیار بزرگ می گردد، جنبه الهی به خود می پذیرد و براسستی به خود بدل می گردد.

بنديکٲ شانزدهم، ۲۰۰۵/۱۲/۰۸

## ۲۸۵ سعادت جاودانی چیست؟

سعادت جاودانی مشاهده خدا و ورود به سعادت الهی است [۱۷۲۰-۱۷۲۴، ۱۷۲۹].

در خدای پدر، پسر و روح القدس، زندگی، شادی و پیوند، بی پایان است. ورود به این مرحله، برای ما انسان ها، نیک بختی ای غیر قابل درک و بی پایان را به همراه خواهد داشت. این نیک بختی، عطیه بلافصل عنایت و بخشش الهی است، زیرا ما انسان ها نه قادریم آن را خود برقرار نماییم و نه با عظمتش درک کنیم. خداوند مایل است که ما تصمیم به نیکبختی بگیریم. او مایل است که در آزادی کامل، خدا را برگزینیم، او را فراتر از هر چیز دیگر دوست بداریم، دست به کردار نیک زنیم و تا آنجا که در قدرتمان است، از شر پرهیزیم. ۵۲، ۱۵۶-۱۵۸.

## ۲۸۶ آزادی چیست و به چه منظور است؟

آزادی قدرتی ارزانی شده از سوی خدا برای آن است که بتوان به طور کامل بر اساس اختیار خود اقدام کرد: آن که آزاد است، دیگر بر اساس اختیار غیر عمل نمی کند [۱۷۳۰-۱۷۳۳، ۱۷۴۳-۱۷۴۴].

خدا ما را انسان هایی آزاد آفریده است و خواستار آزادی ماست تا ما بتوانیم با خواسته قلبی خود، نیکی و حتی بالاترین درجه «نیکی» - یعنی خدا - را برگزینیم. هر چه ما بیشتر نیکی ورزیم، به همان اندازه آزادتر خواهیم بود. ۵۱.

## ۲۸۷ آیا «آزادی» بویژه در این نیست که بتوانیم تصمیم به شر نیز بگیریم؟

شر تنها به شکل ظاهری ارزش تلاش کردن را دارد و تصمیم گرفتن برای عمل شر، فقط به شکل ظاهری، انسان را آزاد می سازد. شر ما را سعادتمند نمی سازد، بلکه نیکی راستین را از ما می رباید؛ شر ما را به هیچ پیوند می زند و در نهایت کل آزادی مان را نابود می سازد [۱۷۳۰-۱۷۳۳، ۱۷۴۳-۱۷۴۴].

با نگاهی به امر اعتیاد، این نکته برایمان روشن می شود: فرد معتاد آزادی خود را به چیزی می فروشد که به نظر می رسد برایش خوب است. اما در واقعیت امر، او برده ای بیش نیست. انسان هنگامی در آزادترین شکل خود به سر می برد که قادر باشد همواره به نیکی آری

گوید؛ هنگامی که هیچ اعتیاد، جبر یا عادتى مانع از آن نشود که او دست به انتخاب یا عمل به امر صحیح یا نیک زند. تصمیم گرفتن برای انتخاب امر نیک، همواره تصمیم گرفتن در مسیر خداست. ۵۱.

## ۲۸۸ آیا انسان در قبال هر آنچه انجام می دهد، مسئول است؟

انسان مسئول همه آن چیزی است که آگاهانه و به اختیار خود انجام می دهد [۱۷۳۴-۱۷۳۷، ۱۷۴۵-۱۷۴۶].

هیچکس نمی تواند برای چیزی که به زور، از سر ترس و ناآگاهی، تحت تأثیر مواد مخدر یا در سیطره عادت های ناخوشایند انجام داده است، مورد مواخذه (کامل) قرار گیرد. هر چه فردی بیشتر درباره نیکی بداند و برای نیکی ورزیدن ممارست کند، به همان اندازه خود را از بندگی گناهان آزاد می کند (روم، ۶: ۱۷؛ ۱ قر، ۷: ۲۲). خداوند آرزوی چنین انسان های آزادمنشی را دارد که برای خود، محیط زیست خود و سراسر کره زمین مسئولیت برعهده می گیرند (و قادر به برعهده گرفتن مسئولیت هستند). اما محبت شفقت آمیز خداوند به طور کامل به انسان هایی نیز که آزاد نیستند، تعلق می گیرد؛ او هر روز به آنان فرصت می دهد که خود را در مسیر آزادی، رها سازند.



## ۲۸۹ آیا باید اختیار آزاد را برای انسان ها قائل شد، حتی اگر تصمیم به شر بگیرند؟

این که انسان بتواند با آزادی عمل کند، یکی از حقوق بنیادین برخاسته از منزلت بشری است. آزادی افراد را فقط زمانی می توان محدود کرد که در مسیر بهره برداری از این آزادی، منزلت بشری و آزادی دیگران خدشه دار شود [۱۷۳۸، ۱۷۴۰].

آزادی چنانچه شامل آزادی انتخاب راه نادرست هم نباشد، آزادی نخواهد بود. اگر برای آزادی انسان احترام قائل نباشیم، در واقع منزلت انسانی او را خدشه دار کرده ایم. یکی از وظایف اصلی دولت این است که حقوق مربوط به آزادی همه شهروندانش (آزادی دینی، آزادی تجمع و تشکیل اتحادیه، آزادی عقیده، آزادی شغلی و غیره) را حمایت کند. آزادی هر فرد به منزله مرزی برای آزادی دیگران است.

» نیکمرد، آزاد است، حتی اگر برده باشد. شرور برده است، حتی اگر پادشاه باشد.

آگوستین

» راه منتهی به هدف از روزی آغاز می شود که مسئولیت کامل کردار خود را به دوش گیری.

دانته آلیگیری (۱۲۶۵-۱۳۲۱)، فیلسوف و بزرگ ترین ادیب ایتالیایی

» شهدای کلیسای نخستین، در راه ایمان خود به خدایی جان باختند که

خود را در وجود عیسی مسیح متجلی ساخت. از

این رو، این عده همچنین به خاطر آزادی وجدان و آزادی

اعتراف به ایمان خود جان باختند - به خاطر اعترافی که

هیچ حکومتی قادر به ودار ساختن آدمی به آن نیست،

بلکه تنها از راه رحمت الهی با آزادی وجدان می توان آن

را به دست آورد. کلیسایی که خود را حامل رسالت

بداند، باید بی قید و شرط در راه تحقق آزادی عقیده

تلاش کند.

بنديکٲ شانزدهم، ۲۰۰۵/۱۲/۲۲





۲۹۰ خدا چگونه به ما کمک می کند که انسان هایی آزاد بمانیم؟

مسیح می خواهد که ما «به آن آزادی که به ما داد آزاد باشیم» (غل، ۵: ۱) و قادر به تبادل محبتی برادرانه گردیم. از این روست که او روح القدس را بر ایمان اعزام داشت که ما را از قدرت های جهانی آزاد و فارغ می سازد و برای یک زندگی انباشته از محبت و مسئولیت، تقویت می کند. [۱۷۴۸، ۱۷۴۲-۱۷۳۹].

ما هرچه بیشتر مرتکب گناه شویم، بیشتر به خود فکر می کنیم و به همان نسبت کمتر قادر به رشد و بلوغی آزادانه هستیم. ما در گناه، همچنین برای انجام کردار نیک و زیستن محبت پیوسته ناتوان تر می شویم. روح القدس که بر قلب های ما فرود آمده است، به ما قلبی می بخشد که انباشته از محبت نسبت به خدا و انسان هاست. ما روح القدس را نیرویی می دانیم که ما را به سوی آزادی باطنی رهنمون می سازد، درهای محبت را به رویمان می گشاید و ما را هر روز بیشتر و بیشتر به ابزارهایی برای بدل نیکی و محبت بدل می سازد. ۳۱۱-۳۱۰، ۱۲۰ ←

از آن رو که روح بندگی را نیافته اید که به آن ابا یعنی ای پدر ندا می کنیم. همان روح بر روح های ما شهادت می دهد که فرزندان خدا هستیم.

روم، ۸: ۱۵-۱۶

۲۹۱

انسان چگونه می تواند تشخیص دهد که کردارش نیک یا شر است؟

انسان قادر است میان کردارهای نیک و شر تفاوت قائل شود، زیرا از عقل و وجدانی بهره مند است که به او اجازه می دهند به داوری هایی شفاف برسند [۱۷۴۹-۱۷۵۴، ۱۷۵۷-۱۷۵۸].

برای آن که بتوان میان کردارهای نیک و شر بهتر تفاوت قائل شد، رهنمود زیر کارساز است: ۱. آنچه من انجام می دهم، باید نیک باشد؛ نیت خیر به تنهایی کافی نیست. سرعت از بانک، همیشه بد است، حتی اگر آن را با این نیت خیر انجام دهم که به انسان های فقیر کمک کنم. ۲. حتی اگر کاری که انجام می دهم، برآستی نیک باشد، نیت شر که با آن مبادرت به عمل نیک می کنم، کل این عملکرد را ناپسند می سازد. هنگامی که خانم مسنی را تا به خانه اش همراهی می کنم و در خانه اش به او کمک می کنم، این یک کردار خیر است. اگر این کار را فقط برای آن انجام می دهم که بتوانم بعدها به خانه او دستبرد بزنم، کل این کردار را به امری ناپسند بدل کرده ام. ۳. شرايطی که طی آن فردی دست به کرداری ویژه می زند، ممکن است از مسئولیت فرد بکاهد، اما در جنبه نیک یا شر کردار او چیزی را تغییر نمی دهند. کتک زدن مادر، امری همواره ناپسند است، حتی اگر پیش از آن او به کودک محبت کافی نشان نداده باشد ← ۲۹۵-۲۹۷.

۲۹۲

آیا اجازه داریم دست به کاری شر بزنییم تا از آن کاری نیک پدید آید؟

خیر، هرگز اجازه نداریم دست به کاری شر بزنییم تا از آن امری نیک پدید آید. گاه چاره دیگری جز آن نمی ماند که امر کمتر بد را انجام دهیم تا از یک امر بد بزرگ تر جلوگیری کنیم [۱۷۵۵-۱۷۵۶، ۱۷۵۹-۱۷۶۱].

هدف، ابزار را توجیه نمی کند. نمی توان در زندگی زناشویی برای تثبیت این رابطه، دست به خیانت زد. به همین نسبت، استفاده از جنین برای پژوهش های مربوط به سلول های بنیادی نادرست است، حتی اگر بتوان با این کار به موفقیتهای شایان توجهی در دانش پزشکی دست یافت. این نیز نادرست است که بخواهیم با عمل سقط جنین به قربانی یک تجاوز «کمک» کنیم.

» در این جهان انباشته از آزادی های ظاهری که محیط زیست و انسان را به ویرانی می کشند، ما می خواهیم به قدرت روح القدس همراه با یکدیگر آزادی راستین را بیاموزیم، آموزشدهنده های آزادی را بنیان نهیم و از راه زندگی خود به دیگران نشان دهیم که ما آزاد هستیم و برآستی آزاد بودن و در آزادی راستین فرزندان خدا بودن، چه زیباست.

بندیکت شانزدهم، جشن شب پنجاهم، ۲۰۰۶

» وجدان نهان ترین هسته و امری مقدس برای انسان است که در آن او با خدا تنهاست، خدا که ندای او در ژرفنای وجود انسان طنین اندز است.»

شورای دوم واتیکان، Gaudium et spes

» چنانچه انسانی برآستی خواستار نیکی باشد، باید برای نیکی دست به هر کاری بزند و برای نیکی تن به هر رنجی بسپارد. سوزن کبرکگور





» نیکی بدون شر وجود دارد، اما هیچ شری بدون نیکی وجود ندارد. توماس آکوئین

» در همه چیز شکبیا باش، بویژه با خویشتن خویش. فرانسوا دو سال

۲۹۳ چرا خدا به ما شورمندی بخشیده است؟

شورمندی ها از آن رو هستند که ما را از راه احساسات و دریافت های حسی مان برای رسیدن به امر خیر به سوی نیکی هدایت کنند و از شرارت و بدی دورمان سازند [۱۷۶۲-۱۷۶۲، ۱۷۷۱-۱۷۷۲].

خدا انسان را به گونه ای آفریده است که بتواند دوست بردار و متفر شو، چیزی را بطلبد یا خوار شمارد، به سمت چیزهایی جذب شود و از برخی چیزهای دیگر هراس داشته باشد و همزمان آناشته از شادی، غم یا خشم باشد. انسان همواره در ژرفنای قلب خود نیکی را دوست می دارد و نسبت به شرارت نفرت می ورزد - یا بهتر بگوییم نسبت به آنچه نیکی و شرارت می پندارد، این گونه واکنش نشان می دهد.



۲۹۴ آیا اگر شورمندی قدرتمندانه ای در خود حس کنیم، گناهکار هستیم؟

خیر، شورمندی ها می توانند بسیار ارزشمند باشند. شورمندی هایی که به منظور تحقق کامل نیکی در وجود ما تدارک دیده شده اند، فقط با جهت گیری های نادرست به همدستانی برای شر بدل می شوند [۱۷۶۷-۱۷۷۰، ۱۷۷۳-۱۷۷۵].

شورمندی هایی که به سوی نیکی جهت داده شده باشند، به فضایل تبدیل می شوند. در این صورت، آنها عوامل محرکه برای یک زندگی مبارزه طلبانه در راه رسیدن به محبت و عدالت هستند. شورمندی هایی که بر انسان مسلط می شوند، آزادی او را می ربایند و او را به سمت شر می برند، رذالت نامیده می شوند.

» فضیلت چیزبست است آدمی با شور و شعف انجام می دهد؛ رذالت چیزبست است که بنا به هوس نمی توان از آن چشم پوشید. آگوستین

۲۹۵ وجدان چیست؟

وجدان، ندای درونی انسان است که او را بدان سو حرکت می دهد که تحت هر شرایطی دست به کردار نیک زند و همچنین به هر طریق از شر بپرهیزد. وجدان همچنین توانایی تشخیص این دو از یکدیگر است. خدا با آدمی از طریق وجدانش سخن می گوید [۱۷۷۶-۱۷۷۹].

وجدان به ندایی درونی تشبیه می شود که خدا خود را با آن به انسان می نمایاند. این خداست که خود را در وجدان بر انسان می نمایاند. هنگامی که می گوئیم: «این با وجدان من همخوان نیست!» برای یک فرد مسیحی به این معناست: «هنگامی که آفریدگارم را در نظر می گیرم، می بینم که قادر به انجام این کار نیستم!» بسیاری از انسان ها در راه وفادار ماندن به وجدان خود به زندان افتاده اند یا حتی به اعدام محکوم شده اند. ۱۲۰، ۲۹۰-۲۹۲، ۳۱۲، ۳۳۳.

۲۹۶ آیا مجاز هستیم فردی را به کاری وادار کنیم که مغایر با وجدان او است؟

هیچکس نباید تا جایی که کردار او در قالب مرزهای ← منفعت عام می گنجد، وادار به آن شود که علیه وجدان خود دست به کاری زند [۱۷۸۰-۱۷۸۲، ۱۷۹۸].

کسی که از وجدان آدمی فراتر می رود، آن را نادیده می گیرد و کرداری را به زور پیش می برد، منزلت آن شخص را خدشه دار می سازد. توضیح آن که به ندرت چیزی انسان ها را بیشتر از این عطیه به انسان بدل می سازد که بتوانند خود میان نیک و شر فرق گذارند و دست به گزینش زنند. این امر حتی زمانی مصداق دارد که تصمیم فرد، به معنای دقیق کلمه، نادرست باشد. اگر وجدانی از تربیت نادرست بهره مند نشده باشد، ندای درون در هماهنگی با آن چیزی عمل خواهد کرد که به شکل همگانی معقولانه، عادلانه و در پیشگاه خدا خیر است.

۲۹۷ آیا می توان وجدان خود را تربیت کرد؟

بله؛ حتی باید گفت که این یک وظیفه است. وجدانی که به هر انسان صاحب عقل ارزانی شده است، ممکن است به راه نادرست هدایت و سپس گمراه شود. از این رو باید آن را به شکل ابزاری همواره دقیق تر برای دست زند به کردار درست تربیت کرد [۱۷۸۳-۱۷۸۸، ۱۷۹۹-۱۸۰۰].

نخستین جایگاه فراگیری برای وجدان، رفتار خودانتقادی انسان است. ما انسان ها این گرایش را داریم که به نفع خودمان دست به داوری

» هرآنچه در مغایرت با وجدان رخ دهد، گناه است. توماس آکوئین

» وقت آن رسیده است که کاری انجام شود. البته آنی که جسارت کاری را به خرج می دهد، باید آگاه باشد که بی شک در مقام خائن به تاریخ خواهد پیوست، اما اگر دست از این کار کشد، خائنی در پیشگاه وجدان خود خواهد بود. کلاوس گراف شک فن اشتاوفن برگ (۱۹۰۷-۱۹۴۴)، اندکی پیش از سوءقصد به هیتلر در روز ۲۰ ژوئیه ۱۹۴۴ که بعدها به جرم آن اعدام شد

» اگر خود را مسئول احساس کنیم، شرم و حیا داشته باشیم و بابت خطاهایمان درقبال ندای وجدان دستخوش وحشت باشیم، می توان نتیجه گرفت که در اینجا فردی حضور دارد که درقبال او مسئول هستیم؛ از او شرم داریم و از انتظاراتش از ما هراس می کنیم...

یوهان هنری یوهانسون

» کلیسا و تعلیمات دینی، مسیحیان را در تربیت وجدانشان بسیار یاری می بخشند. ژان پل دوم در Veritatis splendor





» ظلم رواداشتن نسبت به وجدان انسان ها، یعنی آنان را به شدت مجروح ساختن و بر منزلت آنان دردناک ترین ضربه را وارد آوردن. این کار به یک معنا، ناخوشایندتر از به قتل رساندن آنان است.

یوهان بیست و سوم (۱۸۸۱-۱۹۶۳، پاپی که شورای دوم واتیکان را افتتاح کرد)

» هرآنچه که با اخلاقیات سر و کار داشته باشد، سرآخر به شکل منطقی به الهیات شناسی برمی گردد و در هر صورت نه به بنیان های غیردینی.

ماکس هورک هایمر (۱۸۹۵-۱۹۷۳، فیلسوف و جامعه شناس آلمانی)



» از آن ترس که زندگی به پایان خواهد رسید، از آن ترس که هرگز آغازی نداشته باشد.

جان هنری نیومن

بزنیم. دومین جایگاه فراگیری برای وجدان، روی آوردن به کردار نیک دیگران است. آموزش صحیح وجدان، انسان را به سوی این آزادی سوق می دهد که آن امر نیکی را که به درستی نسبت به آن شناخت پیدا کرده است، انجام دهد. کلیسا به یاری روح القدس و متون کتاب مقدس در طول تاریخ درازمدت خود، دانش فراوانی در زمینه کردار صحیح گردآوری کرده است؛ این یکی از وظایف کلیساست که انسان ها را تربیت و راهنمایی کند. ← ۲۹۴.

۲۹۸ آیا انسانی که با نیتی خیر، دست به کرداری نادرست می زند، در پیشگاه خداوند گناهکار شمرده می شود؟

خیر. اگر انسان به دقت دست به آزمون زده و به یک داوری مطمئن رسیده باشد، باید تحت همه شرایط از ندای درون خود پیروی کند، حتی اگر این کار این خطر را در بر داشته باشد که او دست به کار نادرستی بزند [۱۷۹۰-۱۷۹۴، ۱۸۰۱-۱۸۰۲].

خدا ما را به خاطر ناپسامانی های عینی که از راه داوری نادرست وجدان پدید آید توبیخ نمی کند، به شرطی که خود در داشتن یک وجدان که بد تربیت شده، مسئول نباشیم. به همان اندازه که باید سرآخر از ندای وجدان خود پیروی کنیم، به همان شفافیت هم باید این را پیش چشم داشته باشیم که با سوءاستفاده از امر ظاهراً موسوم به وجدان، تقلب ها، قتل ها، شکنجه ها و فریبکاری هایی صورت گرفته است.

۲۹۹ منظور از «فضیلت» چیست؟

فضیلت به منزله رفتاری باطنی است، عادتی مثبت و نوعی شورمندی که به کار نیک می آید [۱۸۰۳، ۱۸۳۳].

«پس شما کامل باشید چنانکه پدر شما که در آسمان است کامل است» (مت، ۵: ۴۸). این بدان معناست که ما باید خود را در راه خدا متحول سازیم. ما با قوای بشری که در اختیار داریم، تنها تاحدودی قادر به این کار هستیم. خدا با رحمت خود از فضایل بشری حمایت می کند و علاوه بر آن به ما فضایل ابرسرشتی نیز می بخشد که به کمک آنها با اطمینان خاطر قادر به رسیدن به نور و نزدیکی خدا هستیم. ← ۲۹۴-۲۹۳.

۳۰۰ چرا ما باید روی شخصیت خود کار کنیم؟

ما از این رو باید روی شخصیت خود کار کنیم که بتوانیم آزادانه، با شادی و به سهولت، امر نیک را به انجام برسانیم. در این راه در درجه نخست، ایمان راسخ به خدا و همچنین این امر به ما یاری می رساند که فضایل را زندگی کنیم. این بدان معناست که به کمک خدا، رفتارهایی ثابت و مستحکم را در خود شکل دهیم، خود را به امیال ناهنجار و انسپاریم و دو قوای عقل و اراده را همواره آشکارتر به سمت امر نیک متوجه سازیم [۱۸۰۴-۱۸۰۵، ۱۸۱۰-۱۸۱۱، ۱۸۳۹، ۱۸۳۴].

مهم ترین فضایل عبارتند از: خردمندی، عدالت، بردباری، خویشنداری. به این صفات همچنین «فضایل رُکنی [کاردینال]» می گویند (برگرفته از واژه های لاتینی *cardo* به معنای لولای در، محور در و *cardinalis* به معنای مهم).

۳۰۱ آدمی چگونه می تواند خردمند شود؟

آدمی این گونه خردمند می شود که بیاموزد، میان امر مهم و غیرمهم تفاوت گذارد، اهداف درستی برای خود انتخاب کند و برای رسیدن به این اهداف، بهترین ابزار را برگزیند [۱۸۰۶، ۱۸۳۵].

فضیلت خردمندی، هدایت کننده سایر فضایل است. زیرا خردمندی به معنای توانایی تشخیص امر صحیح است. هر که مایل است زندگی نیک داشته باشد، باید بداند که «نیک» چیست و ارزش آن را بشناسد. درست مانند جمله مرد تاجر در انجیل که می گوید: «چون یک مروراید گرانها یافت، رفت و مایلمک خود را فروخته، آن را خرید» (مت، ۱۳: ۴۶). فقط انسان خردمند است که می تواند عدالت، بردباری و خویشنداری درست را به کار بندد تا بتواند دست به کردار نیک زند.

۳۰۲ چگونه می توان عادلانه رفتار کرد؟

انسان همیشه زمانی عادلانه رفتار می کند که به خدا و هموعان خود آن چیزی را که از آن آنان است، ببخشد [۱۸۳۶، ۱۸۰۷].

گرانگاه عدالت در این عبارت نهفته است: «به هر کس مال خودش». کودکی را که از نظر روحی دچار عقب ماندگی است باید به گونه ای متفاوت با کودکی که استعداد درخشانی دارد، آموزش داد تا هر دو بتوانند به توانایی های خود دست یابند. عدالت در تلاش برای رسیدن به تعادل است و درصدد است تا انسان ها به آنچه برایشان مقرر شده است، برسند. ما در قبال خدا نیز باید با عدالت رفتار کنیم و آنچه را که از آن اوست به او ببخشیم، یعنی محبت و پرستش.

» زندگی را به خوبی گذراندن چیزی جز آن نیست که خدا را با تمامی قلب، روح و حواس خود دوست بداریم. ما محبت کامل را (با ایجاد خویشنداری) برای او نگاه می داریم، محبتی که هیچ مصیبتی قادر به متزلزل ساختن آن نیست (امری که به جرات مربوط است)، محبتی که تنها و تنها از او فرمان می برد (این همان عدالت است) و محبتی که به هوش است تا همه چیز را به دقت زیر نظر داشته باشد، مبادا که آدمی دستخوش حيله و فریب گردد (و این خردمندی است).

آکوستین

» خردمندی دارای دو چشم است: یکی که پیشاپیش می نگرد که چه باید کرد؛ دومی که پس از آن به دقت می نگرد تا ببیند آدمی چه کرده است.

ایگناتیوس لیولا

» عدالت بی بخشندگی، عاری از محبت می ماند و بخشندگی بی عدالت، توهین آمیز می گردد.

فریدریش فن بودلشونگ (۱۸۳۱-۱۹۱۰، الهیات شناس انجیلی و بنیانگذار آسایشگاه های بتل)

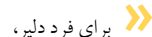




### ۳۰۳ بردبار بودن به چه معناست؟

کسی که بردبار است، پیوسته در مسیر امر نیک که یکبار به شناخت آن نائل آمده، گام برمی دارد، حتی اگر در حادثه‌ترین شکل قضیه، ناچار شود جان خود را در این راه فدا کند  
[۱۸۳۷، ۱۸۰۹] ← ۲۹۵.

که به کلام موعظه  
کنی و در فرصت  
و غیر فرصت مواظب باشی  
و تنبیه و توبیخ و نصیحت  
نمایی با کمال تحمل و  
تعلیم.  
۲:۴، تیم.



برای فرد دلیر،  
نیکیختی و تیره روزی به  
مثابه دست راست و چپ  
هستند؛ او از هر دو برای  
خود بهره می گیرد.  
کاترینای سبیه نا

### ۳۰۴ چرا خویشتن داری، یک فضیلت به شمار می رود

خویشتن داری، از آن رو یک فضیلت به شمار می رود که ثابت شده است، عدم تعادل در کلیه حوزه ها، قوایی ویرانگر است  
[۱۸۳۸، ۱۸۰۹].

کسی که نامتعادل باشد، خود را تسلیم نفس خود می سازد و با طمع اش به دیگران و به خود لطمه می زند. در «عهد جدید برای «خویشتن داری» واژه هایی نظیر «هوشیاری» و «اندیشمندی» به کار رفته است.



زیرا که فیض خدا  
که برای همه مردم  
نجات بخش است، ظاهر  
شده، ما را تادیب می کند که  
بی دینی و شهوات دنیوی را  
ترک کرده، با خرداندیشی  
و عدالت و دینداری در این  
جهان زیست کنیم.  
تیت، ۲:۱۱-۱۲

### ۳۰۵ سه فضیلت ابرسرشتی کدام اند؟

فضایل ابرسرشتی عبارت اند از: ایمان، امید و محبت. آنها را از آن رو «ابرسرشتی» می نامند که ریشه در خدا دارند، بی واسطه به خدا اشاره دارند و برای ما انسان ها به منزله راهی هستند که با حرکت در آن به شکل مستقیم به خدا می رسیم  
[۱۸۱۲-۱۸۱۳، ۱۸۴۰].

و الحال سه چیز  
باقی مانده است:  
یعنی همان ایمان و امید و  
محبت. اما بزرگ تر از اینها  
محبت است.  
قر، ۱۳:۱۳

### ۳۰۶ چرا ایمان، امید و محبت به منزله فضیلت هستند؟

ایمان، امید و محبت نیز قوایی راستین و البته از خدا نشأت گرفته هستند که آدمی می تواند آنها را از راه فیض الهی ترویج و رشد دهد تا به «وفور حیات» (یو، ۱۰: ۱۰) برسد  
[۱۸۱۲-۱۸۱۳، ۱۸۴۰-۱۸۴۱].

خدا محبت است  
و هر که در محبت  
ساکن است در خدا ساکن  
است و خدا در وی.  
یو، ۴:۱۶

### ۳۰۷ ایمان چیست؟

ایمان نیرویی است که ما با آن به خدا آری می گوئیم، حقیقت او را می شناسیم و شخصاً با او پیوند ایجاد می کنیم  
[۱۸۱۴-۱۸۱۶، ۱۸۴۲].

ایمان راهی گشوده به دست خدا به سوی حقیقت است که همان خداست. از آنجا که عیسی «راه و راستی و حیات» (یو، ۱۴: ۶) است، این ایمان نمی تواند صرفاً یک رفتار و نوعی «اعتماد» به چیزی باشد. ایمان از یک سو محتویاتی مشخص دارد که کلیسا در «CREDO (= اقرار ایمان) آن را به زبان در می آورد و حراست از آن در زمره وظایف کلیساست. فردی که عطیه ایمان را می پذیرد، یعنی کسی که می خواهد ایمان بیاورد، این ایمانی را که در طول زمان ها و فرهنگ ها راسخ برجای مانده است، می پذیرد. از سوی دیگر، در ایمان، مسأله رابطه معتمدانه با خدا در قلب و عقل و با کلیه قوای احساسی مطرح است. زیرا ایمان «به محبت عمل می کند» (غل، ۵: ۶). این که یک نفر برآستی به خدای محبت ایمان دارد یا خیر، براساس اعترافات او هویدا نمی شود، بلکه بر اساس عملکردهای او مبتنی بر محبت، خود را می نمایاند.

کسی که گوید  
او را می شناسم  
و احکام او را نگاه ندارد،  
دروغگوست و در وی  
راستی نیست.  
یو، ۲: ۴

پس هر که مرا پیش  
مردم اقرار کند، من  
نیز در حضور پدر خود که  
در آسمان است، او را اقرار  
خواهم کرد.  
مت، ۱۰: ۳۲



➤ امید داشتن به معنای ایمان یافتن به ماجراجویی ای به نام محبت است و همچنین اعتماد بستن به انسان ها، جهشی به سوی نادانسته ها و خود را به طول کامل به خدا واگذار کردن. آگوستین

➤ جایگاه تو در آسمان چنان به نظر خواهد رسید که گویی برای تو ساخته شده است و آن هم فقط برای تو به تنهایی، تیرا تو برای آن ساخته شده ای.

سی.اس. لوئیس

➤ محبت ورزیدن، فضیلتی فوق العاده است. این ویژگی، همزمان ابزار و مقصد است، جنبش و هدف و راهی که به خود محبت منتهی می شود. پس برای محبت ورزیدن چه باید کرد؟ برای این کار به هیچ تردستی دیگری جز آن نیاز نیست که به سادگی محبت بورزید؛ همان طور که انسان با نواختن تربط است که تربط نوازی می آموزد و رقصیدن را با رقصیدن فرامی گیرد.

فرانسوا دو سال

➤ خداوند برای آنانی که او را دوست می دارند، هر چیزی را به نیکی بدل می سازد؛ خدا حتی گمراهی ها و خطاهای آنان را به نیکی بدل می سازد.

آگوستین

### ۳۰۸ امید چیست؟

امید نیرویی است که به کمک آن با قدرت و به شکل مستمر آرزوی آن را داریم که به آنچه برای انجامش بر کره زمین زندگی می کنیم، نائل گردیم: ستایش خدا و خدمت به او؛ و این که نیکبختی راستین ما در کجاست: یافتن سرشاری خودمان در خدا؛ و این که جایگاه نهایی ما در کجاست: در خدا [۱۸۱۷-۱۸۲۱، ۱۸۴۳].

امید اعتماد به آن چیزی است که خدا در آفرینش، در وجود پیامبران و بویژه در وجود عیسی مسیح وعده داده است، حتی اگر هم اکنون هنوز شاهد آن نباشیم. روح قدوس خدا به ما عطا می شود تا بتوانیم با شکیبایی به حق امید ببندیم. ۳-۱.

### ۳۰۹ محبت چیست؟

محبت نیرویی است که می توانیم با آن در حالی که ابتدا از سوی خدا مورد محبت قرار گرفته ایم، خود را به خدا واگذاریم تا خود را با او یکی گردانیم و به خاطر خدا، دیگران را چنان بی حساب و کتاب و صمیمانه بپذیریم که خودمان را می پذیریم [۱۸۲۲-۱۸۲۹، ۱۸۴۴].

عیسی محبت را فراتر از هر قانونی قرار می دهد، بی آن که قوانین را ملغی اعلام کند. از این رو آگوستین به حق می گوید: «محبت بورز و آنگاه کاری را کن که دوست می داری». این امریست که به هیچ رو، آن گونه که به نظر می رسد، ساده نیست. از این رو محبت بزرگ ترین فضیلتی است که دیگر فضایل را روح و جان می بخشد و از حیات الهی پر می سازد.

### ۳۱۰ هفت عطیه روح القدس کدام اند؟

هفت عطیه روح القدس عبارت اند از: حکمت، بصیرت، همفکری، بردباری، شناخت، تقوا و خدا ترسی. روح القدس مسیحیان را با این ابزار مجهز می سازد؛ یعنی به آنان فراتر از توانایی های طبیعی شان، نیرویی ویژه و نیز این امکان را می بخشد که به ابزارهایی ویژه از خدا در این جهان تبدیل گردند [۱۸۳۰-۱۸۳۱، ۱۸۴۵].

پولس در این زمینه چنین می گوید: «زیرا یکی را به وساطت روح، کلام حکمت داده می شود و دیگری را کلام علم، به حسب همان روح. و یکی را ایمان به همان روح و دیگری را نعمت های شفا دادن

به همان روح. و یکی را قوت معجزات و دیگری را نبوت و یکی را تمیز ارواح و دیگری را اقسام زبان ها و دیگری را ترجمه زبان ها» (۱ قر، ۱۲: ۸-۱۰) ← [۱۱۳-۱۲۰].

### ۳۱۱ ثمرات روح القدس کدام اند؟

← ثمرات روح القدس عبارت اند از: «محبت، خوشی، سلامتی، حلم، مهربانی، نیکویی، ایمان، تواضع و پرهیزکاری» (رجوع شود به غل، ۵: ۲۲-۲۳) [۱۸۳۲].

از ← ثمرات روح القدس جهان قادر است ببیند که انسان هایی که اجازه می دهند خداوند آنان را به طور کامل دربرگیرد، هدایت کند و شکل دهد، به چگونه انسان هایی بدل می شوند. ثمرات روح القدس نشان می دهند که خدا در زندگی مسیحیان برآستی نقشی ایفا می کند. ← ۱۲۰.

### ۳۱۲ انسان از کجا می فهمد که گناه کرده است؟

انسان بر اثر وجدانی که او را محکوم می کند و او را او می دارد در پیشگاه خدا به اشتباهات خود اعتراف کند، پی می برد که دست به گناه زده است [۱۷۹۷، ۱۸۴۸] ← [۲۲۹، ۲۹۵-۲۹۸].

### ۳۱۳ چرا فرد گناهکار باید به خدا روی آورد و از او بخشش بطلبد؟

هر گناهی، نیکی را ویران و مخدوش می سازد یا به کل مردود می شمارد؛ اما خدا سراسر نیک و سرچشمه همه نیکی هاست. از این رو هر گناهی (همچنین) مغایر با خداست و باید از راه برقراری ارتباط با او از نو جبران شود [۱۸۴۷] ← [۲۲۴-۲۳۹].

### ۳۱۴ از کجا می دانیم که خدا رحیم است؟

در بخش های متعددی از متون کتاب مقدس، خدا با صفت رحیم آشکار می شود، بویژه در مثل پدر مهربان (لو، ۱۵) که به استقبال پسر گمشده خود می رود و او را بی قید و شرط به حضور می

➤ آمین آمین به شما می گویم هر که به من ایمان آرد، کارهایی را که من می کنم او نیز خواهد کرد و بزرگ تر از اینها نیز خواهد کرد، زیرا که من نزد پدر می روم. یو، ۱۴: ۱۲

➤ نیروی خود را به سادگی از شادمانی حضور عیسی دریافت کنید. نیکبخت و نباشته از صلح باشید. تصور کنید که او همواره چه به شما می بخشد. و هرآنچه را نیز که او می گیرد با لبخندی گشاده، به او ببخشایید.

مادر ترزا خطاب به همکاران خود

➤ اگر گوئیم که گناه نداریم خود را گمراه می کنیم و راستی در ما نیست. ۱ یو، ۱: ۸

➤ اگر به گناهان خود اعتراف کنیم، او امین و عادل است تا گناهان ما را ببامزد و ما را از هر ناراستی پاک سازد. ۱ یو، ۱: ۹

➤ هرگز نسبت به بخشندگی خدا تردید نورزید!

بندیکت نرسیا



» برخی می گویند:  
«من کارهای شر بسیار کرده ام؛ خدای مهربان دیگر نمی تواند مرا ببخشد».  
این کفرگویی سنگینی است. این به معنای مرز قائل شدن برای بخشندگی خداوند است. اما بخشندگی پروردگار مرزی ندارد و بی حد و حصر است. هیچ چیز فراتر از این به معنای توهین به خداوند مهربان نیست که نسبت به بخشندگی او تردید بوزیم.  
پدر روحانی اهل آرس

» یعنی در هر چه دل ما، ما را مذمت می کند، زیرا خدا از دل ما بزرگ تر است و هر چیز را می داند.  
۱ یو، ۳: ۲۰

» جز بخشندگی خدا، هیچ سرچشمه امید دیگری برای انسان ها نیست.  
ژان پل دوم

» فقط کسی که به شکل جدی در این زمینه تعمق کرده باشد که صلیب تا چه حد سنگین است، قادر است درک کند که گناه تا چه حد سنگین است.  
آنسلم کانتربری

پذیرد تا بازیافتن او و آشتی با او را شادمانه جشن بگیرد [۱۸۴۶، ۱۸۷۰].

در «عهد عتیق، خدا از طریق پیامبرش حزقیال چنین سخن می گوید: «به حیات خود قسم که من از مردن مرد شریر خوش نیستم بلکه (خوش هستم) که شریر از طریق خود بازگشت نموده، زنده ماند» (حز، ۳۳: ۱۱). عیسی به نزد «گوسفندان گمشده خاندان اسرائیل» (متی، باب ۱۵، آیه ۲۴) فرستاده شده است و می داند که «نه تندرستان بلکه مریضان احتیاج به طبیب دارند» (مت، ۹: ۱۲). از این روست که او با باجیگران و گناهکاران به صرف غذا می نشیند و پیش از پایان زندگی اش بر روی زمین، مرگش را در مقام ابتکاری محبت آمیز ز سوی خدا توصیف می کند: «زیرا که این است خون من در عهد جدید که در راه بسیاری به جهت آموزش گناهان ریخته می شود» (مت، ۲۶: ۲۸) ← ۲۲۷، ۵۲۴.

۳۱۵ گناه اصولاً به چه چیز اطلاق می شود؟

گناه، کلام، کردار یا نیتی است که فرد با آن آگاهانه و خودخواسته به نظم و نظام اصلی امور، آن گونه که مشیت پر محبت خدا پیش بینی کرده است، لطمه وارد می آورد [۱۸۴۹-۱۸۵۱، ۱۸۷۱-۱۸۷۲].

گناه کردن معنایی فراتر از آن دارد که ضوابطی را که از سوی انسان ها وضع شده است، خدشه دار سازیم. گناه به شکل آزادانه و آگاهانه مغایر با محبت خداست و این محبت را نادیده می گیرد. گناه، در نهایت «خودشیفتگی تا سر حد حقیر شمردن خدا» (به گفته آگوستین) است و در بدترین شکل ممکن، مخلوق گناهکار چنین می گوید: «می خواهم مانند خدا گردم» (پی، ۳: ۵). همان گونه که گناه شخص من را با قصور مبتلا و مجروح می سازد و با پیامدهایش رو به ویرانی می برد، محیط زندگی من را نیز مسموم می سازد و تحت تأثیر قرار می دهد. گناه و سنگینی آن، در نزدیکی با خدا قابل شناسایی می گردد ← ۲۲۴، ۶۷، ۲۳۹.

۳۱۶ چگونه می توان گناهان سنگین (کبیره) را از گناهان سبک (صغیره) تشخیص داد؟

گناهان سنگین، نیروی الهی محبت در قلب انسان را ویران می سازند، همان نیرویی که بدون آن، سعادت جاودانی حاصل نمی گردد. از این روست که این نوع گناه، گناه مرگبار نیز نامیده می شود. گناه سنگین باعث گسست از خدا می گردد، در حالی که

گناهان سبک فقط به رابطه انسان با خدا لطمه وارد می آورند [۱۸۵۲-۱۸۶۱، ۱۸۷۵].

گناه سنگین، رابطه انسان با خدا را به کل قطع می کند. پیش شرط یک چنین گناهی این است که به یک معیار ارزشی حائز اهمیت بسیار مربوط می شود، یعنی برای نمونه حیات، زندگی زناشویی یا شخص خدا را تهدید می کند (برای نمونه قتل، کفرگویی، زنا و امثال آن) و با شناخت کامل و عزم راسخ شخص صورت می گیرد. گناهان سبک گناهی هستند که معیارهای ارزشی درجه دوم را تهدید می کنند یا گناهی که با عدم شناخت کامل از گستره شان و یا در نبود عزم راسخ شخص صورت می گیرند. این نوع گناهان هر چند به رابطه با خدا لطمه وارد می آورند، اما به گسست کامل از او نمی انجامند.

۳۱۷ چگونه می توان از یک گناه سنگین رهایی یافت و بار دیگر به خدا پیوست؟

فرد مسیحی کاتولیک برای آن که به گسست خود با خدا که حاصل گناهی سنگین است، پایان دهد، باید از راه اعتراف با خداوند از نو آشتی کند [۱۸۵۶] ← ۲۲۴-۲۳۹.

۳۱۸ رذایل کدام اند؟

رذایل، خلق و خوی هایی منفی هستند که وجدان را ناتوان و تیره و تار می سازند، راه شر را به روی انسان می گشایند و به شکل یک خلق و خوی انس گرفته، آدمی را مهبای ارتکاب گناه می سازند [۱۸۶۷-۱۸۶۵].

رذایل را می توان در حاشیه گناهان اصلی، یعنی غرور، طمع، حسادت، خشم، شهوت، شکم بارگی، تنبلی و دلزدگی روحانی یافت.

۳۱۹ آیا ما مسئول گناهان انسان های دیگر نیز هستیم؟

خیر، ما مسئول گناهان انسان های دیگر نیستیم، مگر این که تقصیر از آن رو متوجه ما باشد که انسان دیگری را به سوی گناه سوق داده باشیم، در گناه سهیم باشیم، دیگری را در گناهِش تشویق کرده باشیم یا از هشدار یا یاری رسانی به موقع سر باز زده باشیم [۱۸۶۸].

» همین الان خاکستری بسیار پرارزش ایجاد کردم: یک اسکناس پانصد فرانکی را سوزاندم. آه، این در قیاس با آن که گناهی سبک مرتکب شده باشیم، به مراتب کمتر بد است.

پدر روحانی اهل آرس

» اگر در کلیسا،

بخشودگی گناهان وجود نمی داشت، امیدی به حیات جاودان و نجات جاودان نیز وجود نمی داشت. خداوند را سپاسگزار باشیم که بر کلیسای خود چنین هدیه ای روا داشته است.

آگوستین

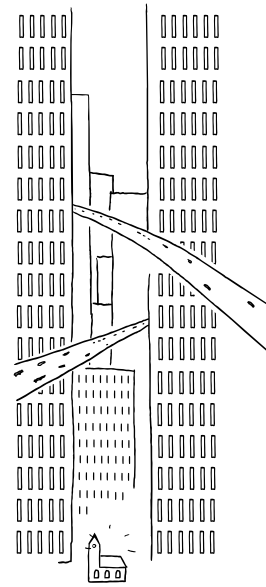
» پس فضیلت و همچنین گناه در ید قدرت اوست. پس هر کجا عملکرد در ید قدرت ماست، گذشتن نیز هست و هر کجا که «نه» باشد، «آری» هم هست.

ارسطو

(۳۲۲-۳۸۲ پیش از میلاد مسیح، همطراز با افلاطون از بزرگ ترین فیلسوفان عصر باستان)







### ۳۲۰ آیا چیزی تحت عنوان ساختارهای گناه آلود وجود دارد؟

ساختارهای گناه آلود فقط به شکل مجازی وجود دارند. گناه، همواره به فردی خاص ارتباط پیدا می کند که با انجام یک عمل شر به شکل آگاهانه و داوطلبانه موافقت کرده است [۱۸۶۹].

به رغم آن، ساختارها و نهادهایی اجتماعی وجود دارد که چنان با فرامین خدا در تناقض هستند که می توان از «ساختارهای گناه آلود» سخن گفت - اینها نیز پیامدهای گناه های فردی هستند.

### فصل دوم جامعه بشری

### ۳۲۱ آیا یک فرد مسیحی می تواند مطلقاً فردگرا باشد؟

خیر، یک فرد مسیحی هرگز نمی تواند مطلقاً فردگرا باشد، زیرا انسان براساس فطرت خود به سمت جامعه گرایش دارد [۱۸۷۷-۱۸۸۰، ۱۸۹۰-۱۸۹۱].



بالاترین عطیه ای که انسان ممکن است به زیر آسمان در اختیار داشته باشد این است: خوب زیستن با آنانی که همراهشان می زید.

سعادت‌مند اگیدئوس آمیزو (۱۲۶۲-۹)، یکی از نزدیک ترین افراد معتمد به فرانسیس قدیس

است، به دیگران کمک کند و استعدادهایش را به سود همگان پرورش دهد. از آنجا که انسان «تصویر مشابه» خدا است، تا حدودی چهره خدا را نیز بازتاب می بخشد، خدایی که در ژرفنای وجودش نه تنها، بلکه سه گانه (و به این ترتیب، حیات، محبت، گفت و گو و تبادل) است. سر آخر باید گفت این محبت است که فرمان اصلی برای کلیه مسیحیان به شمار می رود و ما از راه آن عمیقاً به هم تعلق داریم و اساساً به یکدیگر وابسته ایم: «همسایه خود را مثل خود محبت نما» (مت، ۲۳: ۳۹).

### ۳۲۲ کدام مهم تر است: جامعه یا فرد؟

در نزد خدا تک تک انسان ها ابتدا در مقام فرد و سپس در مقام موجودی اجتماعی ارزش دارند [۱۸۹۲، ۱۸۸۱].

جامعه هرگز نمی تواند مهم تر از تک تک انسان ها باشد. انسان ها هرگز نباید ابزاری برای هدفی اجتماعی گردند. به رغم آن، نهادهای اجتماعی نظیر دولت و خانواده برای تک تک افراد ضرورت دارند و حتی با فطرت انسان ها همخوان هستند.

### ۳۲۳ چگونه فرد می تواند در جامعه به نوعی همگرا شود که همزمان قادر باشد آزادانه رشد کند؟

فرد زمانی قادر است در جامعه آزادانه رشد کند که «اصل یاری رسانی جنبی» مورد توجه قرار گیرد [۱۸۸۳-۱۸۸۵، ۱۸۹۴].

اصل یاری رسانی جنبی که در کتاب تعلیمات اجتماعی کلیسای کاتولیک تشریح شده است، چنین می گوید: اگر فرد قادر باشد به نیرو و انگیزه شخصی خود کاری را انجام دهد، این کار نباید از سوی یک نهادی اجتماعی فرادست صورت گیرد. یک نهاد فرادست در حوزه اجتماعی اجازه ندارد وظایف فرد زیردست را برعهده گیرد و صلاحیت ها را از او غصب کند. این نهاد بیشتر از آن رو وضع شده است که وقتی افراد یا نهادهای کوچک تر با وظایف و تعهدات سنگینی مواجه هستند، به شکل یاری رسان (یعنی به شکل جنبی) مداخله کند.

### ۳۲۴ جامعه بر مبنای چه اصولی پی ریزی می شود؟

هر جامعه ای بر مبنای نظامی از ارزش ها بنا می شود که از راه عدالت و محبت به تحقق می پیوندد [۱۸۸۶-۱۸۸۹، ۱۸۹۵-۱۸۹۶].

هیچ جامعه ای اگر بر یک جهت گیری شفاف به سوی ارزش هایی مبتنی نباشد که در نظامی عادلانه از ارزش ها و تحقق عملی این عدالت بازتاب می یابند، قادر به دوام نخواهد بود. بر این اساس، هرگز مجاز نیست که انسان در مقام ابزار به هدفی برای یک عملکرد اجتماعی تبدیل شود. هر جامعه ای به رویگردانی هایی مکرر از ساختارهای ناعادلانه نیاز دارد. سر آخر باید گفت که فقط محبت است که بالاترین فرمان اجتماعی را تشکیل می دهد. محبت به دیگران احترام می گذارد، خواستار عدالت است و رویگردانی از مناسبات نادرست را امکان پذیر می سازد (۴۴۹).

اگر حتی هراسی از آن نداری که در تنهایی به زمین افتی، چرا فرض را بر آن می گذاری که به تنهایی قادری بایستی؟ بنگر: از دو تن همواره کار بیشتری برمی آید تا از یکی.

یوحنا صلیبی

هر یک از ما ثمره اندیشه ای از سوی خداوند است. هر یک از ما خواستنی است. هر یک از ما دوست داشتنی است و هر یک از ما به کاری می آید.

بندکیت شانزدهم به هنگام انصاف به مقام پای

### تعلیمات اجتماعی کاتولیکی/اصول اجتماعی

تعلیم کلیسایی برای برقراری نظم در جمعی همزیستانه و به منظور رسیدن به عدالت فردی و اجتماعی. چهار اصل اساسی آن عبارت اند از: امور فردی، رفاه عمومی، همبستگی و حق تصمیم گیری اختیاری فردی.

عدالت امروز، محبت دیروز است و محبت امروز، عدالت فردا.

سعادت‌مند اتین-میشل ژیلت (۱۷۵۸-۱۷۹۲، کشیش و شهید)



« کیلیسا نظام دموکراسی را تا آنجا قدر می شناسد که این نظام مشارکت شهروندان در تصمیم گیری های سیاسی را ضمانت دهد و این امکان را برای حکومت شونندگان تضمین کند که هم حکومت کنندگان خود را انتخاب و کنترل کنند و هم هرکجا که لازم باشد، براساس روش های صلح آمیز، جانیشینانی برایشان تعیین کنند. »  
ژان پل دوم، رساله «صدمین سال» [Centesimus Annus]

« Es gibt keine Gemeinschaft ohne eine letzte Instanz. »  
Aristoteles

« رفاه همگانی  
رفاه همگانی به منزله رفاهی برای همگان است و شامل است از: «مجموعه همه شرایط مبتنی بر زندگی اجتماعی که زمینه آن را فراهم می کند که افراد، خانواده ها و گروه های اجتماعی به شکل کامل و بلامانع به کمال خود دست یابند» (شورای دوم واتیکان، Gaudium et spes).

« خدا را می باید بیشتر از انسان اطاعت نمود. »

رس، ۲۹: ۵

۳۲۵ اقتدار در جامعه بر چه چیزی مبتنی است؟

هر جامعه ای موظف است، نظم، انسجام و توسعه خود را با تکیه بر یک قدرت مشروع، پرورش دهد و پیش برد. این امر با ذات بشری که خدا خلق کرده است مطابقت دارد که انسان خود را برای هدایت، به یک نهاد مقتدر و مشروع بسپارد [۱۸۹۷-۱۹۰۲، ۱۹۱۸-۱۹۱۹، ۱۹۲۲].

بدیهی است که هرگز مجاز نیست در جامعه، قدرت حاکمه صرفاً بر مبنای غضب غیر منصفانه قدرت شکل گیرد، بلکه باید از نظر قانونی مشروعیت داشته باشد. این که چه کسی حکومت کند و چه نظام قانونی متناسب آن جامعه باشد، به اراده شهروندان واگذار شده است. کیلیسا یک نظام قانونی مشخص را پی ریزی و تعیین نمی کند، بلکه فقط اظهار می دارد که این نوع نظام های قانونی نباید مغایر با « نفع عام باشند. »

۳۲۶ چه موقع می توان گفت که قدرت حاکمه، مبتنی بر قانون عمل می کند؟

قدرت حاکمه زمانی مبتنی بر قانون عمل می کند که در خدمت « نفع همگانی کار کند و برای رسیدن به اهداف خود، ابزاری قانونی به کار گیرد [۱۹۰۳-۱۹۰۴، ۱۹۲۱]. »

مردم در یک حکومت باید بتوانند اطمینان حاصل کنند که تحت لویای یک «حکومت قانونی» زندگی می کنند که در آن برای همگان قوانینی لازم الاجرا حاکم است. هیچکس مجبور نیست قوانینی را رعایت کند که خودسرانه و به ناحق وضع شده اند یا با نظام اخلاقی طبیعی بشر مغایرت دارند. در این حالت، انسان حق مخالفت دارد یا حتی در برخی موارد موظف به مخالفت است.

۳۲۷ رفاه همگانی چگونه می تواند گسترش یابد؟

« رفاه همگانی آنجا پدید می آید که حقوق بنیادی افراد مورد توجه باشد و انسان ها بتوانند از نظر فکری و دینی آزادانه رشد کنند. رفاه همگانی به آن معناست که انسان ها بتوانند در آزادی، صلح و صفا و امنیت اجتماعی زندگی کنند. در عصر جهانی شدن، رفاه همگانی باید حجمی جهانی به خود گیرد و حقوق و تعهدات همه انسان ها را لحاظ دارد [۱۹۰۷-۱۹۱۲، ۱۹۲۵، ۱۹۲۷]. »

« رفاه همگانی آنجا به بهترین شکل به اجرا در می آید که رفاه تک انسان ها و همچنین کوچک ترین سلول جامعه (یعنی خانواده) در مرکز توجه قرار گرفته باشد. تک تک افراد و این واحد کوچک اجتماعی به پشتیبانی و تشویق از سوی قدرتی نیرومندتر که همان نهادهای اجتماعی است، نیاز دارند. »

۳۲۸ فرد چه نقشی در تحقق رفاه همگانی می تواند داشته باشد؟

به نفع « رفاه همگانی کار کردن به معنای پذیرفتن مسئولیت در قبال دیگران است [۱۹۱۳-۱۹۱۷، ۱۹۲۶]. »

« رفاه همگانی باید موضوعی مربوط به همه باشد. این امر در درجه نخست به این شکل تحقق می یابد که انسان ها در حوزه های عینی زندگی خود - یعنی خانواده، همسایگی و زندگی شغلی - تعهد برعهده گیرند و مسئولیت بپذیرند. حرکت کردن به سمت مسئولیت پذیری اجتماعی و سیاسی نیز اهمیت دارد. اما هرکس که مسئولیتی می پذیرد، قدرتی نیز اعمال می کند و همواره در خطر سوء استفاده از قدرت قرار دارد. به این ترتیب است که از تک تک مسئولان خواسته می شود، به روندی پیگیر از اصلاح تن دهند تا بتوانند با رعایت همواره عدالت و محبت، به امور سایرین رسیدگی کنند. »

۳۲۹ عدالت اجتماعی در جامعه چگونه پدید می آید؟

عدالت اجتماعی آنجا پدید می آید که به منزلت خدشه ناپذیر تک تک انسان ها توجه شود و حقوق ناشی از آن بدون قید و شرط و محدودیت تضمین داده و به اجراء گذاشته شود. یکی از این حقوق، حق مشارکت فعالانه در حیات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه است [۱۹۲۸-۱۹۳۳، ۱۹۴۳-۱۹۴۴].

بنیان هر عدالتی، احترام به منزلت خدشه ناپذیر انسان است که «دفاع از آن را خالق به ما سپرده است و مسئولان آن به معنای واقعی کلمه، همه مردان و زنان در هر موقعیتی از تاریخ هستند» (پاپ ژان پل دوم در Sollicitudo Rei Socialis منتشره به سال ۱۹۸۷). حقوق بشر که هیچ حکومتی نمی تواند آنها را برچیند یا تغییر دهد، به شکل مستقیم از منزلت بشری نشأت می گیرند. حکومت ها و قدرت هایی که این حقوق را لگدمال می کنند، رژیم های ناحق هستند و اقتدار خود را از دست می دهند. اما جامعه نه به واسطه قوانین آن، بلکه از راه محبت به همونوع کمال می یابد، محبتی که «همه همونوعان را بدون استثناء به چشم من دیگر می نگرد» (رساله پاپی «شادی و امید» Gaudium et spes، فصل ۲۷، فراز ۱) ← ۲۸۰.

« نظم حاکم بر اشیاء باید تابع نظم حاکم بر انسان ها باشد و نه برعکس. »  
شورای دوم واتیکان، رساله «منزلت انسان» [Gaudium et spes]

« عدالت و انسانیت را باید در قبال همه انسان ها به اجراء گذاشت. »

شورای دوم واتیکان، Dignitatis humanae

« هیچ انسانی نمی تواند مانند قابیل مدعی شود که مسئول سرنوشت برادر خود نیست. »

ژان پل دوم

« مراقب آوازه خوش دشمنان خود باشید. پدر روحانی اهل آرس »

« آنچه به یکی از این برادران کوچک ترین من کردید، به من کرده اید. »  
م، ۴۰: ۲۵



» همه دانش ها و هنرها، سرمایه ای را در مقام هدف دارند... بالاترین سرمایه آنها، عدالت است؛ اما عدالت در تحقق رفاه عمومی نهفته است.

اوسطو

» شما مسیحیان، سندی چنان قدرتمند و پویا در اختیار دارید که قادر است کل تمدن بشری را قطعه قطعه کند، جهان را زیر و زبر سازد و برای این جهان جنگ زده، صلح به ارمغان آورد. اما شما با آن چنان رفتار می کنید که گویی فقط یک قطعه ادبی نیک باشد و بس.

ماهاتما گاندی (۱۸۶۹-۱۹۴۸)، رهبر روحانی جنبش استقلال خواهی هند و بنیانگذار یک جنبش سیاسی عاری از خشونت)



### ۳۳۰ انسان ها از چه لحاظ در نزد خدا مساوی هستند؟

انسان ها در نزد خدا از این لحاظ مساوی هستند که همگی خالق یگسان دارند، همگی براساس یک تصویر واحد و مشابه خدا با روحی مستعد و مجهز به عقل آفریده شده اند و همگی همان منجی را دارند [۱۹۳۴-۱۹۳۵، ۱۹۴۵].

از آن رو که همه انسان ها در نزد خدا مساوی هستند، هر انسانی صاحب منزلتی مساوی است و مختار است در مقام انسان، حقوقی مشابه دیگر انسان ها را مطالبه کند. از این روست که هر گونه تبعیض اجتماعی، نژادی، جنسی، فرهنگی یا دینی انسان، به منزله ظلمی غیر قابل قبول است.

» انسان نمی تواند خدا را ستایش و همزمان هموعان خود را تحقیر کند. این دو کار با یکدیگر همخوانی ندارند.

ماهاتما گاندی

### ۳۳۱ به رغم آن، به چه دلیل عدم تساوی میان انسان ها وجود دارد؟

همه انسان ها از منزلتی مساوی برخوردار هستند، اما همه آنان از شرایط زندگی یکسان برخوردار نیستند. هر کجا که نوعی عدم تساوی میان انسان ها حاکم باشد، این امر با پیام انجیل مغایر خواهد بود. هر کجا که خدا به انسان ها عطایا و استعدادهایی متفاوت بخشیده باشد، به ما این نکته را اشاره می کند که انسان ها باید به یکدیگر توکل و هر آنچه را که دیگری فاقد آن باشد، با محبت جبران کنند. [۱۹۳۶-۱۹۳۸، ۱۹۴۶-۱۹۴۷]

نوعی عدم تساوی میان انسان ها وجود دارد که از خدا نشأت نمی گیرد، بلکه ناشی از شرایط اجتماعی و بویژه تقسیم نامساوی ذخایر خام طبیعی، مایملک و سرمایه است. خدا ما را موظف می سازد، همه آنچه را که آشکارا با پیام انجیل مغایرت دارد و منزلت انسانی را نادیده می انگارد، از صحنه روزگار محو سازیم. اما نوعی عدم تساوی میان انسان ها نیز وجود دارد که با اراده الهی کاملاً مطابقت دارد: عدم تساوی در توانایی ها و استعدادها، ساختارهای ابتدایی تشکیل دهنده وجود انسان ها و امکانات. در این عدم تساوی، این نکته به ما یادآوری می شود که انسان بودن به معنای آن است که برای دیگر انسان ها در محبت حضور داشته باشیم، با آنها سهیم شویم و حیات را برای آنان میسر سازیم. ← ۶۱.

### ۳۳۲ همبستگی مسیحیان با دیگر انسان ها در کجا نمود می یابد؟

مسیحیان در تلاش برای دستیابی به ساختارهای اجتماعی عادلانه هستند. یکی از نشانه های این ساختارهای عادلانه این است که همه انسان ها به اقلام مادی، عقلانی و معنوی بر روی کره زمین دسترسی داشته باشند. مسیحیان همچنین دقت می کنند که به منزلت کار کردن انسان ها که یکی از جنبه های آن برخوردارگی از دستمزدهای عادلانه است، توجه شود. اهدای ایمان به سایرین نیز عملکردی دیگر از همبستگی با سایر انسان ها است [۱۹۳۹-۱۹۴۲، ۱۹۴۸].

همبستگی از شاخص های عملی فرد مسیحی به شمار می رود. این به آن معناست که همبسته بودن با دیگران، فقط فرمان عقل محسوب نمی شود. عیسی مسیح، خداوند ما، به طور کامل با فقرا و ناچیزان برابر شد (مت، ۲۵: ۴۰). دریغ کردن همبستگی از آنان، به معنای طرد مسیح است.

» خدا می گوید: می خواستم که یکی به دیگری وابسته باشد و جملگی در مقام خادمان من، عطایا و هدایایی را که از من دریافت کرده اند، با دیگران تقسیم کنند.

کاترینای سیه نا

» هیچ چیز برآستی از آن ما نیست، پیش از آن که تقسیم اش کنیم.

سی. اس. لویس

» به فقیران محبت کنید و به آنان پشت نکنید، زیرا اگر به فقیران پشت کنید، به مسیح پشت کرده اید. او خود را از گرسنگان، برهنگان و بی وطنان ساخت تا شما و من این فرصت را داشته باشیم که به او محبت ورزیم.

مادر ترزا

» هر که دو جامه دارد، به آن که ندارد بدهد و هر که خوراک دارد نیز چنین کند.

لوا، ۳: ۱۱

(برگرفته از واژه لاتین solidus به معنای فشرده، مستحکم، قدرتمند): اصلی در تعالیم اجتماعی کاتولیکی که هدف از آن همبسته ماندن انسان‌ها در کنار یکدیگر است و به سوی «تمدن محبت» (بنا به گفته ژان پل دوم) جهت گیری کرده است.

قانون طبیعی آداب و رسوم

«در همه فرهنگ‌ها، توافق‌های اخلاقی ویژه و گوناگونی وجود دارد که بیانگر یک طبیعت واحد انسانی و خدادادی هستند و حکمت اخلاقی بشری آنها را قوانین طبیعی می‌نامند.» (بندیکت شانزدهم، Caritas in Veritate)

آفریدگار، خود شخصاً

«قانون طبیعی» را در سرشت ما نگاشته است، قانونی که بازتاب نقشه آفرینش او در قلب ماست، در مقام راهنما و سنجش‌ای باطنی برای زندگی مان.

بندیکت شانزدهم، ۲۷/۰۵/۲۰۰۶

۳۳۳ آیا یک قانون اخلاقی فطری که برای همه قابل تشخیص باشد، وجود دارد؟

اگر قرار بر این باشد که انسان‌ها دست به کردار نیک زند و از شر بپرهیزند، باید این نکته در وجودشان قطعی شده باشد که نیک و شر چیست. در واقعیت امر باید گفت که گونه‌ای قانون اخلاقی تاحدودی «فطری» برای انسان‌ها وجود دارد که هر انسانی قادر است اساساً با عقل خود آن را بازشناسد [۱۹۶۹-۱۹۷۰، ۱۹۷۸-۱۹۷۹].

← قانون اخلاقی فطری برای همه معتبر است. این قانون به انسان می‌گوید که از چه حقوق و تعهدهای بنیادی برخوردار است و به این ترتیب بنیان اصلی همزیستی در خانواده، اجتماع و کشور را فراهم می‌سازد. از آنجا که رسیدن به شناخت فطری به دلیل وجود گناه و ناتوانایی‌های بشری اغلب مخدوش شده است، انسان به یاری خدا و وحی او نیاز دارد تا بتواند بر مسیر درست باقی بماند.

۳۳۴ میان «قانون اخلاقی فطری» و قانون حاکم بر عهد عتیق چه رابطه‌ای حاکم است؟

قانون عهد عتیق، حقایقی را بیان می‌دارد که بنا به فطریشان، برای عقل قابل درک و دریافت هستند، اما در مقام قوانین خدا شناخته شده و اعتبار یافته‌اند [۱۹۶۱-۱۹۶۳، ۱۹۸۱].

۳۳۵ «قانون» عهد عتیق از چه اهمیتی برخوردار است؟

در «قانون» (تورات) و در قلب آن که همان «ده فرمان» باشد، اراده خدا به قوم اسرائیل نمایان می‌شود: پیروی از تورات برای اسرائیل به منزله راه اصلی منتهی به نجات است. مسیحیان می‌دانند که از راه «قانون» می‌توان دریافت که چه باید کرد. اما آنان همچنین می‌دانند که این، «قانون» نیست که نجات می‌دهد [۱۹۶۳-۱۹۶۴، ۱۹۸۱-۱۹۸۲].

هر انسانی این تجربه را دارد که آدمی امری نیک را تاحدودی به شکل «از قبل مقرر» می‌یابد. اما انسان از قدرت کافی برای به انجام رساندن آن برخوردار نیست، این کار بسیار دشوار است و انسان خود را «ضعیف» احساس می‌کند (مراجعه کنید به روم، ۸: ۳ و همچنین روم، ۷: ۱۴-۲۵). انسان «قانون» را می‌بیند و احساس می‌کند که به گناه واگذار شده است. به این ترتیب بر ما آشکار می‌شود که تا چه حد به قوایی درونی برای تحقق بخشیدن به این «قانون» متکی هستیم. از این روست که «قانون»، با همه اهمیت و امتیازهایش، فقط بستر ایمان به خدای نجات‌دهنده را فراهم می‌سازد ← ۳۲۹.

۳۳۶ برخورد عیسی با «قانون» عهد عتیق چگونه است؟

«عیسی در موعظه بر روی کوه چنین می‌گوید: «گمان مبرید که آمده‌ام تا تورات یا صحف انبیا را باطل سازم. نیامده‌ام تا باطل نمایم بلکه تا تمام کنم» (مت، ۵: ۱۷) [۱۹۶۵-۱۹۷۲، ۱۹۸۳-۱۹۸۵].

عیسی در مقام یک یهودی ایماندار به طور کامل بنا بر تصورات و مطالبات اخلاقی زمانه خود زیست. اما در برخی امور، از تفسیر واژه به واژه و صرفاً صوری قانون سر باز زد.

۳۳۷ ما چگونه به نجات دست می‌یابیم؟

هیچ انسانی قادر نیست به تنهایی خود را نجات دهد. مسیحیان اعتقاد دارند که خدا آنان را نجات می‌دهد، خدایی که به این منظور پسر خود، عیسی مسیح را به جهان فرستاده است. نجات برای ما به این معناست که از طریق روح القدس از قدرت گناه‌رهایی می‌یابیم و از حیظه مرگ به درآییم و بار دیگر به زندگی جاودان که همان زندگی در نظاره خدا است، دست یابیم [۱۹۸۷-۱۹۹۵، ۲۰۱۷-۲۰۲۰].

پولس این گونه خاطرنشان می‌کند: «زیرا همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا قاصر می‌باشند» (روم، ۳: ۲۳). در پیشگاه خدا که سراسر عدالت و نیکی است، گناه حق وجود ندارد. اگر گناه هیچ‌گونه شأن و منزلتی ندارد، پس باید پرسید بر سر فرد گناهکار چه می‌آید؟ خدا، محبت را راهی می‌داند که بر آن، گناه را نابود می‌سازد، اما گناهکار را نجات می‌دهد. او گناهکار را یکبار دیگر «درست» یا به عبارتی عادل می‌سازد. از این روست که نجات از قدیم عادل شمرده‌گی نیز نامیده می‌شود. ما به نیروی خود عادل نمی‌شویم. انسان نه قادر است گناهان خود را ببخشد و نه می‌تواند خود را شخصاً از دام مرگ برهاند. برای این منظور خدا باید در وجود ما دست به عمل زند، آن هم از سر رحمت خود و نه از آن رو که ما مستحق آن هستیم. خدا با تعمید «عدالت خدا که بوسیله ایمان به عیسی مسیح است» (روم، ۳: ۲۲) را به ما می‌بخشد. از طریق روح القدس که در قلب‌های ما جاری می‌شود، ما در مرگ و رستخیز مسیح سهیم می‌گردیم - ما به خاطر گناه می‌میریم و به منظور یک زندگی نوین در خدا از نو متولد می‌شویم. ایمان، امید و محبت از سوی خدا ما را دربرمی‌گیرند و قادر می‌سازند در نور زندگی کنیم و خود را با اراده الهی همخوان سازیم.

قانون به منزله علوم تربیتی بود و همچنین پیش‌گویی سرمایه‌های آینده. ابرنئوس اهل لیون

خداوند بر لوح فرمان‌ها، آنچه را نوشت که انسان‌ها در قلب خود نخوانده بودند.

آگوستین

زیرا هر آینه به شما می‌گویم تا آسمان و زمین زایل نشود، همزه یا نقطه‌ای از تورات هرگز زایل نخواهد شد تا همه واقع شود. پس هر که یکی از این احکام کوچک‌ترین را بشکند و به مردم چنین تعلیم دهد، در ملکوت آسمان کمترین شمرده شود. اما هر که به عمل آورد و آسمان بزرگ خوانده خواهد شد.

مت، ۵: ۱۹-۱۸





**عادل شمردگی**  
 مفهومی اصولی در «تعالیم مربوط به رحمت» است. این مفهوم به معنای برقراری مجدد رابطه درست میان خدا و انسان است. از آنجا که فقط عیسی مسیح، این رابطه صحیح («عدالت») را فعال ساخته است، ما نیز فقط به این ترتیب می توانیم در پیشگاه خدا حضور یابیم که به دست مسیح عادل شمرده شویم و تاحدودی به رابطه بی عیب و نقص او با خدا پایبنداریم. بنابراین، ایمان آوردن به معنای پذیرفتن عدالت عیسی برای خود و زندگی خود است.

زیرا که محض فیض نجات یافته اید، به وسیله ایمان و این از شما نیست بلکه بخشش خداست.

اف، ۲: ۹-۸

» خداوند هرگز کمتر از خویشتن خود را به کسی نمی بخشد. آگوستین

» همه چیز فیض است. ترزا اهل لیزیو

### ۳۳۸ فیض چیست؟

آنچه ما از فیض درک می کنیم، رویکرد داوطلبانه و پرمحبت خدا به ما، شفقت یاری دهنده او و نیروی حیاتی است که از او منشأ می گیرد. خدا از راه صلیب و رستاخیز، به طور کامل به ما روی می آورد و خود را در فیض با ما سهیم می سازد. فیض، همه آن چیزی است که خدا به ما تقدیم می کند، بی آن که ذره ای مستحق آن باشیم [۱۹۹۶-۱۹۹۸، ۲۰۰۵، ۲۰۲۱].

پاپ بندیکت شانزدهم می گوید: «فیض معنای نظر خداوند به سوی ما و محبت نوازی او در حق ماست». فیض یک شیء نیست، بلکه تجلی خدا بر انسان است. خدا هرگز چیزی را کمتر از خود به انسان نمی بخشد. ما با برخورداری از فیض در خدا به سر می بریم.

### ۳۳۹ فیض خدا با ما چه می کند؟

فیض خدا ما را در حیات درونی تثلیث اقدس سهیم می سازد، در تبادل محبت میان پدر، پسر و روح القدس. فیض ما را قادر می سازد در محبت خدا زندگی و براساس این محبت عمل کنیم [۱۹۹۹-۲۰۰۰، ۲۰۰۳-۲۰۰۴، ۲۰۲۳-۲۰۲۴].

فیض از مراتب بالا به سوی ما فرستاده شده است و بنا به عوامل این جهانی قابل توضیح نیست (فیض فراطبیعی) فیض - بویژه از راه تعمید - ما را به فرزندان خدا و وارثان بهشت (فیض تقدس بخش یا الوهیت بخش) بدل می سازد. فیض به ما گونه ای گرایش پایدار به نیکی می بخشد (فیض خوبی). فیض به ما یاری می دهد، هرآنچه را که ما را به سوی نیکی، به سوی خداوند و به سمت بهشت سوق می دهد، بشناسیم، طلب کنیم و به انجام رسانیم (فیض موردی). فیض به شیوه ای ویژه از طریق «آیین های فیض بخش نازل می شود، آیین هایی که بنا به خواست منجی مان، به منزله جایگاه هایی رفیع از ملاقات با خدا هستند (فیض ناشی از آیین ها). فیض همچنین در عطایای فیض آمیزی که به برخی مسیحیان خاص ارائه شده است («عطایای روحانی) یا به شکل نیروهایی ویژه که به قشر متأهل، کاهنان یا روحانیون نوید داده شده اند (فیض ناشی از وضعیت اجتماعی) نمودار می شود.



### ۳۴۰ رابطه فیض خدا با آزادی ما چیست؟

فیض خدا در آزادی به سوی انسان جاری می شود و انسان را در آزادی کامل اش می جوید و فرا می خواند. فیض، جبری اعمال نمی کند. محبت خدا، موافقت داوطلبانه ما را می طلبد [۲۰۰۱-۲۰۰۲، ۲۰۲۲].

انسان می تواند به پیشنهاد فیض پاسخ منفی نیز بدهد. با این حال فیض برای انسان چیزی خارجی یا بیگانه نیست؛ فیض همان چیزی است که انسان در کمال آزادی در واقع در آرزوی آن است. خدا با به حرکت و جنبش در آوردن ما از راه فیض، بر پاسخ آزادانه انسان پیشی می گیرد.

چه چیز داری که نیافتی؟

قر، ۴: ۷

» گذشته ام دیگر برایم مهم نیست. آنچه گذشته، به رحم و شفقت خدا تعلق دارد. آینده ام هم هنوز برایم مهم نیست. آنچه می آید هم به تقدیر الهی تعلق دارد. آنچه برایم مهم است و مرا به چالش می کشد، امروز است که به رحمت خداوند، اینار قلب من و نیت خیر من تعلق دارد.

فرانسوا دو سال



مریم گفت: اینک  
کنیز خداوندم. مرا  
بر حسب سخن تو واقع  
شود.

لو، ۱: ۳۸

» دعوت را بر نمی  
گزینند، آن را دریافت می  
کنند و همچنین باید کوشید،  
آن را درک کرد و پذیرفت.  
باید به ندای خدا گوش  
سپرد تا نشان اراده او را  
کشف کرد. و چنانچه یک بار  
اراده او به شناخت ما درآمد،  
باید آن را به اجراء گذاشت،  
هر آن گونه هم که باشد و به  
هر بهایی هم که می خواهد  
باشد.

شارل دوفوکو

» خداوند از ما کارهای  
بزرگ نمی خواهد،  
بلکه فقط سرسپاری و  
سپاسگزاری. او نه به  
کارهای ما، بلکه فقط به  
محبت ما نیاز دارد.

ترز اهل لیزیو

» روی آوردن به امر  
قدسی، امری تجملی ویژه  
شعاری اندک از انسان ها  
نیست، بلکه وظیفه ای ساده  
برای تو و من است.

مادر ترزا

۳۴۱ آیا می توان از راه دستاوردهای نیک، خود را مستحق  
بهشت ساخت؟

خیر. هیچ انسانی قادر نیست تنها مبتنی بر قوای شخصی خود، به  
بهشت دست یابد. این که ما به نجات دست یابیم، صرفاً به منزله  
فیض الهی است که همزمان همکاری آزادانه انسان را نیز می طلبد  
[۲۰۰۶-۲۰۱۱، ۲۰۲۵-۲۰۲۷].

به همان نسبت که رحمت و ایمان هستند که به کمک آنها نجات می  
یابیم، باید از روی دستاوردهای نیکمان آن محبتی نمایان شود که  
کارکرد الهی برای ما به ارمغان می آورد.

۳۴۲ آیا قرار است همه ما «قدیس» گردیم؟

همخوان گردیم. ما باید به خدا اجازه دهیم (به گفته مادر ترزا)  
«زندگی اش را در ما زندگی کند». این به همان معنای «قدیس»  
بودن است [۲۰۱۲-۲۰۱۶، ۲۰۲۸-۲۰۲۹].

هر انسانی این پرسش را برای خود مطرح می کند: من که هستم،  
برای چه به دنیا آمده ام و چگونه به خود می رسم؟ ایمان چنین پاسخ  
می دهد: فقط در «قداست است که آدمی همان چیزی می شود که  
به منظور آن خدا او را آفریده است. فقط در قداست است که انسان  
همانگی واقعی با خود و خالقش را می یابد. اما قداست یک کمال  
خودساخته نیست که انسان خود به آن دست یابد، بلکه یکی شدن  
با محبت انسان شده، یعنی همان مسیح است. کسی که به یک چنین  
زندگی نوینی دست می یابد، خود را می یابد و مقدس می گردد.

## فصل سوم کلیسا

۳۴۳ کلیسا چگونه به ما یاری می رساند به یک زندگی نیک و  
مسئولیت پذیرانه دست یابیم؟

ما در کلیسا تعمید می یابیم. در کلیسا ما آن ایمانی را دریافت می  
کنیم که کلیسا در خلال قرون، دست نخورده حفظ کرده است.  
در کلیسا ما به کلام زنده خدا گوش می دهیم و درمی یابیم که اگر  
بخوایم خداپسندانه رفتار کنیم، چگونه باید زندگی کنیم. کلیسا  
از راه «آیین های فیض بخش» که عیسی به شاگردان خود سپرد،  
ما را بنا و تقویت می کند و تسلا می دهد. در کلیسا، بارقه ای از  
مقدسین همواره مشتعل است تا خود را با آن گرما بخشیم. در  
کلیسا «آیین سپاسگزاری برگزار می شود که طی آن، قربانی و

نیروی مسیح چنان از نو بر ایمان احیاء می شود که ما در پیوند با او،  
به جسم او بدل می شویم و به نیروی او به حیات ادامه می دهیم.  
به رغم کلیه ضعف های بشری که می توان برای کلیسا قائل شد،  
باید گفت که هیچ فردی نمی تواند کلیسا را نادیده بگیرد و همزمان  
مسیحی باشد [۲۰۳۰-۲۰۳۱، ۲۰۴۷].

۳۴۴ اصولاً چرا کلیسا درباره مسائل مربوط به اخلاق و شیوه  
زندگی شخصی نیز اظهار نظر می کند؟

ایمان داشتن به منزله یک راه است. این که انسان یاد می گیرد بر  
این راه باقی بماند، به درستی عمل کند و نیک زید، تنها از تعالیم  
اناجیل نشأت نمی گیرد. «مرجعیت تعلیمی کلیسای کاتولیک  
موظف است همچنین مطالبات قوانین اخلاقی طبیعی را نیز به انسان  
ها یادآور شود [۲۰۳۲-۲۰۴۰، ۲۰۴۹-۲۰۵۱].

حقیقت به شکل دوگانه وجود ندارد. آنچه از نظر انسانی صحیح است،  
نمی تواند از نقطه نظر مسیحی نادرست باشد. آنچه نیز که از لحاظ  
مسیحی صحیح است، نمی تواند از دیدگاه انسانی نادرست باشد. از این  
روست که کلیسا موظف است درباره مسائل اخلاقی به تفصیل تعلیم  
دهد.

۳۴۵ «پنج فرمان کلیسا» کدام اند؟

۱) شرکت در آیین قربانی مقدس در روزهای یکشنبه و اعیاد  
الزامی؛ پرهیز از کارها یا فعالیت هایی که با ماهیت این روزها  
مغایرت دارند. ۲) دستکم یک بار در سال شرکت در مراسم  
فیض بخش توبه. ۳) دستکم به هنگام عید فصیح شرکت در مراسم  
«تناول قربان مقدس» رعایت روزهای روزه و پرهیز (چهارشنبه  
خاکستر و جمعه مقدس). ۵) کمک به برآورده ساختن نیازهای  
مادی کلیسا [۲۰۴۲-۲۰۴۳].

۳۴۶ فرامین کلیسا به چه منظور وضع شده اند و چه تعهداتی را  
به همراه می آورند؟

هدف از «پنج فرمان کلیسا» این است که با مطالبات حداقل خود  
این نکته را یادآور شوند که مسیحی بودن بدون تلاش های اخلاقی،  
بدون مشارکت های شخصی در حیات مراسم فیض بخش کلیسایی  
و بدون پیوندی همبسته با کلیسا امکان ندارد. رعایت آنها برای هر  
فرد مسیحی کاتولیک الزام آور است. [۲۰۴۸، ۲۰۴۱].

» محبت ورزیدن به  
مسیح و محبت ورزیدن به  
کلیسا، یکی هستند.  
برادر روزه شوتس

» کلیسا امروزه هنوز هم  
عیسی را به من می بخشد.  
این خود گویای همه چیز  
است. بدون وجود کلیسا،  
درباره او چه می دانستم و  
چه پیوندی میان من او می  
توانست وجود داشته باشد؟  
کاردینال هنری دو لویاک  
(۱۸۹۶-۱۹۹۱، الهیات شناس  
فرانسوی)

» می خواهید به ایمان  
دست یابید و راه منتهی  
به آن را نمی شناسید؟ از  
آنانی بیاموزید که پیشتر  
از شما، دست به گریبان  
تردید بودند. از شیوه عمل  
آنان تقلید کنید و دست به  
هرکاری که ایمان مطالبه می  
کند بزنید، گویی که ایماندار  
باشید. در نمازهای عبادی  
شرکت کنید، آب مقدس را  
به کار گیرید و نظایر آن؛ این  
کارها بدون تردید شما را  
آماده و گشاده رو می سازند  
و به ایمان منتهی می شوند.

بلز پاسکال



## ریاکاری؟ منظور از آن، اخلاقیاتی همگانی یا اخلاقیاتی است که در خفا اجرا می شود

و «سنجش دوگانه» دارد. اخلاقیات دوگانه در ظاهر انسان ها را به اهداف و ارزش هایی رهنمون می شود که او در زندگی خصوصاً اش توجهی به آنها ندارد. «ای فرزندان، محبت را به جا آریم، نه در کلام و زبان، بلکه در عمل و راستی» (۱ یو، ۳: ۱۸).

جهان انباشته از انسان هایی است که در ستایش آب موعظه می کنند، اما خود شراب می نوشند.

جووانی گوارسکی (۱۹۰۸-۱۹۶۸، نویسنده ایتالیایی در اثر معروف خود «دن کامیلو و پسر ناخلف»

بلکه مثل آن قدوس که شما را خوانده است، خود شما نیز در هر سیرت، مقدس باشید.

۱ بط، ۱: ۱۵-۱۶

مسیح نه ستایشگر، بلکه پیرو می خواهد.

سوزن کبرکه گور

۳۴۷ چرا عدم رعایت آنچه وضع می کنیم، نقضی سنگین در یک فرد مسیحی به شمار می رود؟

هماهنگی میان زندگی و شهادت آن، نخستین شرط ابلاغ انجیل است. در نتیجه عدم عمل کردن به آنچه بشارت می دهیم، ریاکاریست و به منزله خیانتی است به رسالت مسیحیان که «نمک زمین» و «نور جهان» باشند [۲۰۴۴-۲۰۴۶].

این پولس بود که به جماعت مسیحیان در قرنتس چنین یادآور شد: «چون که ظاهر شده اید که رساله مسیح می باشید، خدمت کرده شده از ما و نوشته شده نه به مرکب بلکه به روح خدای حی، نه بر الواح سنگ، بلکه بر الواح گوشتی دل» (۲ قر، ۳: ۳). مسیحیان خود شخصاً، و نه آنچه که می گویند، به منزله «رساله» مسیح در جهان (۲ قر، ۳: ۳) هستند. به همین نسبت اگر حتی کشیشان و روحانیونی وجود داشته باشند که به کودکان تعدی کنند، این کار ویرانگرتر و مذموم تر خواهد بود. آنان نه فقط دست به جنایتی بازگوشدنی در حق قربانیان خود می زنند، بلکه به این ترتیب عده بسیاری را به خدا نیز سلب و در نزد عده بسیاری، چراغ ایمان را خاموش می کنند.

## بخش دوم ده فرمان

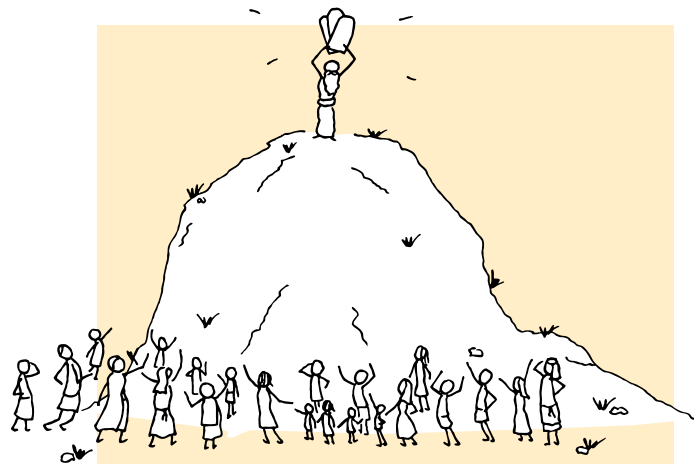
۳۴۸ «ای استاد نیکو، چه عمل نیکو کنم تا حیات جاودانی یابم» (مت، ۱۹: ۱۶)؟

عیسی می گوید: «اگر بخواهی داخل حیات شوی، احکام را نگاه دار!» (مت، ۱۹: ۱۷)؛ و سپس می افزاید: «آمده مرا متابعت نما!» (مت، ۱۹: ۲۱) [۲۰۵۲-۲۰۵۴، ۲۰۷۵-۲۰۷۶].

مسیحی بودن به معنای چیزی فراتر از یک زندگی سالم است که در آن فرامین رعایت می شود. مسیحی بودن به معنای رابطه ای زنده با عیسی است. فرد مسیحی ارتباطی ژرف و شخصی با خداوند دارد و همراه با او بر مسیری حرکت می کند که به حیات راستین می انجامد.

مسیح نه ستایشگر، بلکه پیرو می خواهد.

سوزن کبرکه گور



۳۴۹ «ده فرمان» کدام اند؟

۱. من هشتم بیهوه، خدای تو. تو را خدایان دیگر غیر از من نباشد.
۲. نام بیهوه خدای خود را به باطل مبر.
۳. روز خداوند (سبت) را یاد کن تا آن را تقدیس نمایی.
۴. پدر و مادر خود را احترام نما.
۵. قتل مکن.
۶. زنا مکن.
۷. دزدی مکن.
۸. بر همسایه خود شهادت دروغ مده.
۹. به زن همسایه خود طمع موز.
۱۰. به هیچ چیز که از آن همسایه تو باشد، طمع مکن.

۳۵۰ آیا ده فرمان به شکل تصادفی گردآوری شده اند

خیر. ده فرمان یک ترکیب بندی واحد هستند. هر فرمانی بر فرمان دیگر اشاره دارد. نمی توان خودسرانه فرمانی را از این ترکیب بندی جدا ساخت. کسی که یکی از فرامین را نقض می کند، در واقع کل قانون را هم نقض کرده است [۲۰۶۹، ۲۰۷۹].

ویژگی خاص «ده فرمان» در این است که دربرگیرنده کل حیات بشری است. توضیح آن که، ما انسان ها همزمان با خدا (فرامین ۱ تا ۳) و همچنین با هموعان خود (فرامین ۴ تا ۱۰) در ارتباط هستیم؛ ما انسان هایی هستیم مذهبی و همزمان اجتماعی.

بیشتر مردم خبر ندارند، اگر فقط خود را تسلیم خدا کنند، خدا از آنان چه خواهد ساخت.

آکوستین اهل لیولا

شکلی از «ده فرمان» که در اینجا آمده است، به این صورت در متن کتاب مقدس نیامده است؛ این متن بیشتر مبتنی بر دو منبع کتاب مقدس است: خروج، باب ۲۰، آیه ۱۷-۲ و تثنیه، باب ۵، آیه ۲۱-۶. از قدیم، این دو منبع به شکلی که آموزنده باشد، گردآوری می گشت و ده فرمان به شکلی که امروزه به عنوان روایت آموزشی موجود است، به ایمان داران عرضه می شده است.



## ❓ ده کلام DECALOGUE

❓ («ده کلام»، برگرفته از واژه های یونانی deka به معنای ده و logos به معنای کلام). ده فرمان چکیده ای از قوانین بنیادی در مناسبات انسانی در عهد عتیق هستند. یهودیان و همچنین مسیحیان به این کلام بنیادین استناد می کنند.

» ده فرمان به هیچ وجه تعهداتی نیستند که خودسرانه مقرر شده باشند... آنها انسان را از قدرت و پیرانگر خودخواهی، نفرت و فریب برحذر می دارند. آنها خدایان دروغینی را که انسان را برده خود می سازند، با او نشان می دهند: عشق به خود که همه درها را به روی خداوند می بندد، طمع قدرت و اعتیاد به لذت که نظام قوانین و ضوابط را بر هم می زند و منزلت بشری ما و هموعانمان را خار و خفیف می شمارند.   
ژان پل دوم در سخنرانی بر کوه سینا، ۲۰۰۲/۰۲/۲۶

» ما او را محبت می نماییم زیرا که او اول ما را محبت نمود.

۱۹۰۴، یو

## ۳۵۱ آیا ده فرمان کهنه نشده اند؟

خیر. ده فرمان به هیچ وجه منحصر به زمانی خاص نیستند. آنچه با ده فرمان بیان می شود، وظایف بنیادی بشر در قبال خدا و هموعان است که همواره و همه جا مصداق دارد و دگرگونی پذیر نیست. [۲۰۷۲-۲۰۷۰].

ده فرمان، فرامین عقلی هستند، همان گونه که بخشی از ← وحی تعهدآور خداوند به شمار می روند. آنها در نقش تعهدآوری خود چنان بنیادی هستند که هیچ احدی قادر به شانه خالی کردن از رعایت این فرامین نیست.

## 📖 فصل اول 📖

«خداوند، خدای خود را از صمیم قلب، با سراسر جان و با همه اندیشه هایت دوست داشته باش»



### فرمان نخست:

Ich bin der Herr, dein Gott. Du sollst keine anderen Götter neben mir haben.

## ۳۵۲ «من هستم پهوه، خدای تو» به چه معناست؟ (خرو، ۲:۲۰)

از آنجا که خدای قادر متعال خود را به ما در مقام خدا و خداوندگار نمایان ساخته است، مجاز نیستیم چیزی را فراتر از او قرار دهیم، چیزی را از او مهم تر ببنداریم و شیء یا شخصی را به او برتری دهیم. شناخت خدا، خدمت به خدا، پرستش خدا - این در زندگی آدمی اولویتی مطلق دارد. [۲۰۸۴-۲۰۹۳، ۲۰۳۳-۲۱۳۴].

خدا انتظار دارد که ما همه ایمان خود را به او ببخشیم؛ کل امید خود را متوجه او سازیم و کل توان خود در راه محبت را به سوی او معطوف سازیم. فرمان دوست داشتن خدا، مهم ترین فرمان در میان همه فرامین و به منزله کلیدی برای دیگر فرامین است. از این روست که در سرآغاز ده فرمان آورده شده است.

## ۳۵۳ چرا خدا را پرستش می کنیم؟

ما خدا را از آن رو پرستش می کنیم که او وجود دارد و تکریم و پرستش، پاسخی مناسب به تجلی و حضور او هستند. «خداوند خدای خود را سجده کن و او را فقط عبادت نما» (مت، ۴: ۱۰) [۲۰۹۵-۲۱۰۵، ۲۱۳۵-۲۱۳۶].

اما پرستش خدا به نفع بشر نیز هست، چرا که انسان را از بندگی قدرت های این جهان فارغ می سازد. آنجا که خدا پرستش نشود، آنجا که خدا دیگر خداوند زندگی و مرگ نباشد، قدرت های دیگر جای او را می گیرند و منزلت بشری را به خطر می اندازند. ← ۴۸۵.

## ۳۵۴ آیا می توان انسان ها را مجبور به ایمان آوردن به خدا کرد؟

خیر. هیچکس اجازه ندارد دیگری، حتی فرزندان خود را وادار به ایمان آوردن سازد، همان گونه که مجاز نیست هیچ انسان دیگری را به بی ایمانی وادار سازد. انسان می تواند فقط در آزادی مطلق تصمیم به ایمان آوردن گیرد. اما مسیحیان فراخوانده شده اند، از راه کلام و ارائه سرمشق، به دیگر انسان ها کمک کنند، راه ایمان را بیابند. [۲۱۰۴-۲۱۰۹، ۲۱۳۷].

پاپ ژان پل دوم می گوید: «اعلام مسیح و شهادت دادن به او، اگر با احترام به وجدان تحقق یابد، آزادی را مخدوش نمی سازند... ایمان مستلزم طبیعت آزادانه انسان است، اما همزمان باید آن را به او عرضه و تقدیم کرد» (رساله *Redemptoris Missio*، ۱۹۹۰، بند ۸).

## ۳۵۵ «تو را خدایان دیگر غیر از من نباشد» به چه معناست؟

آنچه این فرمان برای ما غیرمجاز می سازد، به این شرح است:

- پرستش خدایان یا بت های دیگر یا ستایش یک الگوی آرمانی زمینی یا وقف کردن خود به یک امر زمینی (ثروت، نفوذ، موفقیت، زیبایی، جوانی و غیره).
- خرافه پرستی، یعنی به جای ایمان داشتن به قدرت، مشیت و ← **برکات** خدا، وابسته شدن به عملکردهای مربوط به علوم غریبه، جادو یا فرقه های مرموز و ناشناخته یا مشغول کردن خود به غیغویی یا احضار ارواح.
- به چالش طلبیدن خدا با کلام یا کردار.
- ← **توهین به مقدسات**.
- از راه فساد به قدرت معنوی دسترسی پیدا کردن و با کردار خود قداست را خدشه دار کردن (تقدس نمایی) «شمعون گری» با رجوع به رس، ۸-۹ [۲۴].

[۲۱۱۰-۲۱۲۸، ۲۱۳۸-۲۱۴۰]

» آنجا که خدا بزرگ می شود، انسان کوچک نمی گردد؛ آنجا انسان نیز بزرگ می شود و جهان، روشن.   
بندیکت شانزدهم، ۲۰۰۶/۰۹/۱۱

» آدمی اگر دست به ستایش نزند، دوام ندارد.   
فیودور ام. داستایفسکی

» ما ایمان خود را به هیچکس تحمیل نمی کنیم. این گونه از تبلیغ و تحمیل دینی با ماهیت مسیحیت در تناقض است. ایمان فقط در آزادی کسب می شود. اما این آزادی بشر است که ما فرامی خوانیم تا به روی خداوند گشوده گردد، او را بجوید و به او گوش سپارید.   
بندیکت شانزدهم، ۲۰۰۶/۰۹/۱۰

## ❓ تبلیغ و تحمیل دینی PROSELYTISM

(برگرفته از واژه یونانی proserchomai به معنای پیوستن) سوءاستفاده از فقر فکری یا فیزیکی دیگران برای تحمیل کردن ایمان خود است.





**خرافه**  
فرض نادرست مبتنی بر این که بیانات، اعمال، رخدادهای و اشیایی ویژه، نیروهایی جادویی در خود دارند یا نیروهایی جادویی از خود ساطع می کنند.

**توهین به مقدسات SACRILEGE**  
(برگرفته از واژه لاتین) sacrilegium به معنای غارت (معبد): سرقت، اهانت یا لطمه به امری مقدس.

» ستایش یاد خداوند که مرا از خودم رهانید!  
تزی آویلا

**علوم غریبه ESOTERICISM**  
(برگرفته از واژه یونانی esoterikos به معنای دایره درونی، امری درونی که برای درک آن به تقدسی ویژه نیاز است): از سده ۱۹ به مفهومی کلی از آموزه ها و عملکردهای معنوی گفته می شود که طی آنها انسان ظاهراً به سوی یک «دانش راستین» هدایت می شود که همواره در وجود او یافت می شده است. در نقطه مقابل، وحی که طی آن خدا خود را در بیرون از آدمی به او می نمایاند، در اندیشه های مبتنی بر علوم غریبه، امری بیگانه است.



**۳۵۶ آیا علوم خفیه با مسیحیت همخوانی دارد؟**

**خیر.** ← **علوم خفیه** حقیقت وجود خدا را نادیده می گیرند. خدا یک وجود شخصی است؛ او محبت و سرچشمه حیات است نه یک انرژی سرد و بی روح کائناتی. خدا انسان را خواسته و آفریده است، اما انسان، خود ماهیتی الهی ندارد، بلکه مخلوقی است مجروح به گناه، در معرض مرگ و نیازمند رستگاری. در حالی که هواداران علوم خفیه اغلب فرض را بر این می گذارند که آدمی قادر است خود را نجات دهد، مسیحیان معتقد هستند که فقط عیسی مسیح و فیض الهی آنان را به رستگاری می رساند. طبیعت و کائنات هم خدا نیستند (آن گونه که ← **همه خدایی** [پانتئیسیم] مدعی است). بیشتر از آن باید گفت که خالق، با همه محبت خود نیست به ما، بی نهایت بزرگ تر و متفاوت تر از همه چیزهایی است که آفریده است [۲۱۱۰-۲۱۲۸].

عده بسیاری این روزها برای حفظ سلامتی جسمی خود، به کلاس های یوگا می روند یا در کلاس های مراقبه شرکت می کنند (← **مراقبه** [مدیتیشن]) تا آرام شوند و گرد هم بیایند یا به کارگاه های رقص می روند تا به تجربه های جسمی جدیدی دست پیدا کنند. این فنون همواره هم خالی از زبان نیستند. آنها برخی اوقات به ابزارهایی برای آموزه ای مغایر با مسیحیت تبدیل می شوند: ← **علوم خفیه**. هیچ انسان عاقلی نباید در آن دیدگاه نامعقولی شریک شود که در آن، ارواح، اجنه و فرشتگان (ناشناخته) در هم می لولند، افراد در آن به جادوگری اعتقاد دارند و در آن، «خبره ها» دانشی پنهان دارند که از

«مردم نادان» دریغ شده است. حتی در اسرائیل عهد عتیق نیز از ایمان به چند خدا و ارواح در اقوام پیرامون اسرائیل پرده برداشته شد. فقط خداست که خداوندگار است؛ هیچ خدای دیگری جز او وجود ندارد. همچنین هیچ فن (جادویی) وجود ندارد که با توسل به آن بتوان جلوی «امر خدایی» را گرفت، آرزوهای خود را بر کائنات تحمیل کرد و خود را به رهایی رساند. بسیاری موارد در علوم خفیه از دیدگاه مسیحی ← **خرافه** یا ← **علم غیب** به شمار می روند.

**۳۵۷ آیا خداناباوری و الحاد همواره به منزله گناهی مغایر با فرمان نخست است؟**

کسی که خدا را آگاهانه و به عمد انکار می کند، در قبال فرمان نخست دست به گناه می زند. اما اگر برای نمونه، یک نفر درباره خدا اطلاعاتی نداشته باشد یا در پیشگاه وجدان خود در حال سبک و سنگین کردن مسأله خدا باشد و هنوز قادر به ایمان یافتن نباشد، مسئولیت مربوط به این فرمان به شدت محدود می گردد. [۲۱۲۷-۲۱۲۸]

مرز میان «عدم توانایی به ایمان» و «عدم تمایل به ایمان» نامشخص و مبهم است. این رفتار که فردی ایمان را به سادگی در مقام امری فاقد اهمیت مردود شمارد، بی آن که آن را آزموده باشد، اغلب بدتر از انتخاب آگاهانه و اندیشه شده ← **خداناباوری** است. ← **۵**

**۳۵۸ چرا عهد عتیق تصویرسازی از خدا را قدغن می سازد و چرا ما مسیحیان این روزها دیگر این ممنوعیت را رعایت نمی کنیم؟**

فرمان نخست برای حفاظت از راز خدا و رویگردانی از پرستش های کفرآمیز، چنین مقرر کرد: «صورتی تراشیده و هیچ تمثالی از آنچه بالا در آسمان است و از آنچه پایین در زمین است و از آنچه در آب زیر زمین است، برای خود مساز» (خرو، ۴:۲۰) اما از آنجا که خدا در وجود عیسی مسیح، خود چهره ای انسانی به خود داده است، ممنوعیت تصویرپردازی در مسیحیت برچیده شد؛ در کلیسای شرق حتی ← **شمایل** مقدس به شمار می روند. [۲۱۲۹-۲۱۳۲، ۲۱۴۱].

آگاهی پدران اسرائیل از این امر که خدا برتر از همه چیز است (← **امر استعلایی**) و از هر چیزی در جهان بزرگ تر است، این روزها هنوز در یهودیت و اسلام زنده است، یعنی دو دینی که در آنها هنوز مانند گذشته تصویرپردازی از خدا مجاز نیست. در مسیحیت، ممنوعیت تصویرپردازی از خدا با استناد به شخص مسیح از سده چهارم خفیف شد و در شورای دوم نیقیه (سال ۷۸۷ میلادی) برچیده

**همه خدایی PANTHEISM**

(برگرفته از واژه های یونانی pan به معنای همه و theos به معنای خدا): نوعی جهان بینی که براساس آن هیچ چیز جز خدا وجود خارجی ندارد؛ براساس این جهان بینی، هر آنچه هست، خداست؛ و خدا، هرآن چیزی است که هست. این طرز فکر با ایمان مسیحی همخوانی ندارد.

**علم غیب OCCULTISM**

(برگرفته از واژه لاتین occultus به معنای پوشیده، مخفی، علم غیبی که این روزها اغلب معادل «علوم غریبه» شمرده می شود): مفهومی کلی برای آموزه ها و عملکردهایی که از طریق آنها انسان ظاهراً می تواند بر سرنوشت، اشیاء و محیط پیرامون خود اعمال قدرت نماید. عملکردهای مبتنی بر علم غیب، برای نمونه غیب گویی با پاندول، به حرکت درآوردن لیوان، ستاره شناسی و پیش گویی هستند.

**خداناباوری ATHEISM**

(برگرفته از واژه یونانی theos به معنای خدا): باور به عدم وجود خدا. مفهومی همگانی برای شکل های گوناگون انکار الهیات شناختی و عملی وجود خدا.



شد. خدا با انسان شدنش، دیگر به طور مطلق غیر قابل تصور نیست؛ از زمان ظهور عیسی، ما مجاز هستیم تصویری از ماهیت او را برای خود بسازیم: «کسی که مرا دید، پدر را دیده است» (یو، ۹:۱۴) ← ۹

## ندانم گرایی AGNOSTICISM

(برگرفته از واژه یونانی gnosis به معنای شناخت): برداشتی مبتنی بر شناخت ناپذیری خدا. مفهومی همگانی برای نوعی موضع گیری که مسأله خدا را سرگشوده می گذارد، از آن رو که نمی توان برای این مسأله تصمیمی اتخاذ کرد یا خدا را نمی توان با اطمینان خاطر درک و دریافت کرد.

## امر استعلایی TRANSCENDENT

(برگرفته از واژه لاتین transcendere به معنای گذر کردن): امر فراتر از تجربه حسی؛ امر فراسویی.

## تمثال ICON

برگرفته از واژه یونانی eikon به معنای تصویر): تمثال، تصویری ستایش کردنی در کلیسای شرق است که در حال نیایش و روزه و براساس نقش ها و الگوهای مقدس، نقاشی می شود و رابطه ای عرفانی میان فردی که به آن چشم می دوزد و فرد توصیف شده (مسیح، فرشتگان، قدیسمین) برقرار می کند.

» در چهره عیسی برآستی می بینم که خدا کیست و چگونه است!

بندیکت شانزدهم، سخنرانی همگانی ۲۰۰۶/۰۹/۰۶



## فرمان دوم:

نام پهوه خدای خود را به باطل مبر.



۳۵۹ چرا خدا می خواهد که ما «نام» او را مقدس بداریم؟

وقتی به یک نفر نام خود را می گوئیم، این نشانی از اعتماد است. از آنجا که خدا نام خود را به ما گفته است، خود را به ما شناسانده و از طریق این نام، دسترسی ما به او را ضمانت داده است. خدا حقیقت مطلق است. کسی که حقیقت را به نامش فرا می خواند، اما آن را برای شهادت یک امر باطل به کار می گیرد، دچار گناهی سنگین می شود

[۲۱۴۲-۲۱۴۹، ۲۱۵۰-۲۱۵۵، ۲۱۶۰-۲۱۶۲، ۲۱۶۳-۲۱۶۴].

نام خدا را نباید به دور از تکریم به زبان آورد. زیرا ما فقط از آن رو او را می شناسیم که او خود را به ما شناسانده است. این نام به منزله کلیدی برای گشودن قلب خدای قادر متعال است. از این رو، این یک جرم سنگین به شمار می رود که از این نام به بدی یادکنیم، با استناد

به نام او ناسزا گوئیم یا با نام او وعده های نادرست دهیم. از این رو می توان گفت که فرمان دوم، به طور کلی به منزله فرمان حفاظت از «قدوسیت» نیز به شمار می رود. مکان ها، اشیاء و انسان هایی که خداوند آنها را لمس نموده است، «مقدس» هستند. حساسیت نشان دادن نسبت به قدوسیت را تکریم می نامیم ← ۳۱.

## ۳۶۰ نشان صلیب به چه معناست؟

ما با نشان صلیب خود را در چتر حمایت خدای سه گانه قرار می دهیم [۲۱۵۷، ۲۱۶۶].

فرد مسیحی در آغاز روز، در آغاز دعای خود و همچنین در ابتدای انجام هر کار دشوار، نشان صلیب بر خود می کشد و به این ترتیب، کار خود را «به نام پدر و پسر و روح القدس» آغاز می کند. به زبان آوردن نام خدای سه گانه که ما را از همه سو در بر گرفته است، کارهایی را که انجام می دهیم، تقدیس می کند؛ این کار به ما ← برکت می بخشد و در دشواری ها و در کشاکش با وسوسه ها به ما قدرت می دهد.

## ۳۶۱ نامیده شدن به یک نام ویژه به هنگام تعمیم گرفتن، برای فرد مسیحی به چه معناست؟

انسان «به نام پدر و پسر و روح القدس» براساس یک نام ویژه، تعمیم می گیرد. این نام و چهره آدمی هستند که از انسان موجودی منحصر به فرد می سازند، این امر همچنین و بویژه در پیشگاه خدا مصداق دارد. «مترس زیرا که من تو را فدیه دادم و تو را به اسمت خواندم پس تو از آن من هستی» (اش، ۴۳: ۱) [۲۱۵۸].

مسیحیان با نام افراد به تکریم رفتار می کنند، زیرا نام انسان، در ژرفنا با هویت و منزلت او پیوند دارد. مسیحیان از دیر هنگام برای فرزندان خود از میان فهرست قدسین، نامی را برمی گزیده اند؛ آنان این کار را بر مبنای این اعتقاد انجام می دهند که صاحب اصلی نام از نظرشان سرمشق بوده و قادر است برای آنان در نزد خدا به نحوی خاص شفاعت بطلبد ← ۲۰۱.

## MONIQUE

نام خداوند متبارک باد، از الان و تا ابدالابد.

مز، ۲۰۱۱۳

» از آن شرمزده نباشیم که مصلوب را شهادت می دهیم؛ معتمدانه انگشتانمان را بر پیشانی کشیم، بر همه چیز نشان صلیب بکشیم، بر نانی که می خوریم و بر گیلاسی که از آن می نوشیم؛ به هنگام آمدن و رفتن هم چنین کنیم، به هنگام راه رفتن، پیش از خوابیدن، هنگامی که دراز می کشیم و در هنگامی که برمی خیزیم، در رفت و آمد و استراحت!

سیریل اهل اورشلیم

ROGER	JANE	FERNANDO	GIULIANO	BENJAMIN	LISA	
FELICITAS	GUNTHER	MARY	FERNANDO	LEONARD	FRIDA	GIACOMO
MARTIN	CARLOS	JUANITA	BÉLA	THORBEN	GABRIEL	BRANDON
BRUNO	JEREMY	SOPHIE	EMILIA	ESTEBAN	JORGE	
JOHANNES	TAMARA	JESSICA	GERTRUD	CLARK	DOROTHÉE	

و اسم او را از دفتر حیات محو نخواهم ساخت، بلکه به نام وی در حضور پدرم و فرشتگان او را اقرار خواهم نمود.

مک.ا: ۰۳:۰۳



## فرمان سوم:

روز خداوند (سبت) را تقدیس نما!

۳۶۲

چرا در اسرائیل سبت را جشن می گیرند؟

← سبت از نظر قوم اسرائیل به منزله نشانی شاخص از یادآوری خدا، آفریدگار و منجی است [۲۱۶۸-۲۱۷۲، ۲۱۸۹].

← سبت از یک سو یادآور هفتمین روز آفرینش است: آنگاه که خدا می فرماید: «آرام فرموده، استراحت یافت» (خرو، ۱۷: ۳۱)، این تاحدودی به منزله صدور جوازی برای همه انسان هاست که بتوانند در این روز کار را تعطیل کنند و نفسی تازه بیابند. حتی غلامان نیز باید سبت را نگه می داشتند. این امر یادآور نشانی دیگر نیز هست که همان رهایی اسرائیل از بندگی مصر است: «و بیاد آور که در زمین مصر غلام بودی...» (تث، ۵: ۱۵). بنابراین، سبت به معنای جشن و سروری به مناسبت رهایی انسان است، در این روز می توان نفسی تازه کرد و در این روز است که تقسیم بندی جهان به اربابان و غلامان برچیده می شود. در سنت یهود، این روز، روز رهایی و آرامش و همچنین نوعی پیش چشی برای جهانی که می آید، به شمار می رود. ۴۷ ←

روز سبت را یاد کن تا آن را تقدیس نمای... در آن هیچ کار مکن، تو و پسر و دخترت و غلامت و کنیزت و بهیمه ات و مهمان تو که درون دروازه های تو باشد.

خرو، ۱۰: ۲۰

## سبت SABBAT

(در عبری، تاحدودی به معنای «وقفه ای برای استراحت» است: روز استراحت یهودیان به یاد هفتمین روز آفرینش و خروج از مصر. این روز از جمعه عصر آغاز می شود و شبه عصر به پایان می رسد. در میان یهودیان متعصب، برای حفظ آرامش و استراحت در روز سبت، انبوهی از قوانین مصداق دارد.

۳۶۳

کردار عیسی در قبال سبت چگونه است؟

عیسی ← سبت را مراعات می کند، اما همزمان به شیوه ای به غایت خودمختارانه و آزادانه با این روز برخورد می کند: «سبت به جهت انسان مقرر شد نه انسان برای سبت» (مر، ۲: ۲۷) [۲۱۷۳].

این که عیسی این امر را برای خود مجاز می شمارد که در روز سبت شفا دهد و فرمان نگاه داشتن سبت را به شکل ملاحظت آمیز تفسیر می کند، همعصران یهودی او را رویاروی این تصمیم گیری قرار می دهد: یا عیسی، همان مسیح فرستاده شده از سوی خدا است که در این صورت «مالک سبت» (مر، ۲: ۲۸) به شمار می رود یا او فقط انسانی ساده است که در این صورت، رفتار او در قبال سبت، به منزله گناهی در پیشگاه شریعت است.

۳۶۴ چرا مسیحیان یکشنبه را جایگزین سبت کردند؟

مسیحیان برگزاری روز یکشنبه را جایگزین برگزاری ← سبت کردند، زیرا عیسی مسیح در روز یکشنبه از میان مردگان رستاخیز کرده است. اما «روز خداوند» دربرگیرنده عناصری از سبت نیز هست [۲۱۷۴-۲۱۷۶، ۲۱۹۰-۲۱۹۱].

بر این اساس، روز یکشنبه مسیحی دارای سه عنصر اساسی است: ۰۱. یادآور آفرینش جهان و تجلی شکوه سرورآمیز نیکی خداوند در طول زمان است؛ ۰۲. یادآور «روز هشتم آفرینش» است، هنگامی که جهان در وجود مسیح نو گشت (این اصطلاح در یکی از سرودهای نهایی شب عید رستاخیز آورده شده است که می گوید: «تو انسان را خارق العاده آفریدی و خارق العاده تر رهایی بخشیدی»); ۰۳. این روز، به مضمون استراحت استناد می کند، نه فقط برای تجلیل وقفه در کار، بلکه همچنین از هم اکنون به منظور اشاره به آرامش ابدی آدمی در خداوند.

۳۶۵

مسیحیان یکشنبه را چگونه به شکل «روز خداوند» برپا می دارند؟

یک مسیحی کاتولیک، در روز یکشنبه یا شنبه شب در آیین قربان مقدس شرکت می کند. او در این روز کلیه امور خود را که مانع پرستش و جلال خدا و مخل جنبه سرورآوری، شادمانی، آرامش و استراحت این روز باشد، کنار می گذارد [۲۱۸۶-۲۱۷۷، ۲۱۳۲-۲۱۹۲].

از آنجا که یکشنبه به منزله جشن رستاخیزی است که هر هفته برپا می شود، مسیحیان از روزگاران نخست در این روز گردهم می آیند تا ظهور منجی خود را جشن گیرند، او را سپاس گویند و خود را با او و دیگر نجات یافتگان از نو پیوند زند. بر این اساس، این در زمره وظیفه اصلی یک فرد مسیحی کاتولیک آگاه است که یکشنبه و دیگر جشن های کلیسایی را «مقدس» دارد. فقط بنا به تعهدات خانوادگی اولویت دار و وظایف اجتماعی مهم است که انسان از انجام این وظیفه معاف می گردد. از آنجا که شرکت در ← آیین سپاسگزاری در روزهای یکشنبه در زندگی مسیحی نقشی بنیادی ایفا می کند، کلیسا عدم حضور در قربانی مقدس روزهای یکشنبه را که ضرورتی ویژه نداشته باشد، به تأکید، گناهی سنگین می خواند. ۲۱۹ ← ۳۴۵.

اگر خداشناسان آن را روز خورشید می نامند، ما نیز آن را با رغبت چنین می شناسیم، چرا که امروز، نور جهان برآمده است، امروز، نور عدالت تابیده است که پرتوهای آن، نجات را به همراه می آورد.

هیرونیوس

تفاوت میان حیوان و انسان این است که دومی، حتی لباسی برای روز یکشنبه دارد.

مارتین لوتر

بدون یکشنبه، قادر به زیستن نیستیم.

شعار شهدای مسیحی آیین، پیش از آن که در سال ۳۰۴ به دست قیصر دیوکلیان به این جرم اعدام شوند که در قبال منوعیت بزرگداشت یکشنبه ها از سوی او، مقاومت کرده بودند.

در گذشته گفته می

شده: به روح خود، یکشنبه ای عطا کن! اکنون گفته می شود: به یکشنبه خود، روحی عطا کن!

پتر روزگِر

(۱۸۲۳-۱۹۱۸، نویسنده اتریشی)





» خانواده، سرمایه ای لازم برای ملت هاست، بنیانی غیرقابل چشم پوشی برای جامعه و گنجینه ای بزرگ برای همسران در تمام طول زندگی شان. خانواده، سرمایه ای بی همتا برای فرزندان است که باید ثمره عشق و سرسپاری تمام عیار والدین از دل و جان باشند. بندیکت شانزدهم، ۲۰۰۶/۰۷/۰۸

» سل و سرطان، بدترین بیماری ها نیستند. به گمان من، بیماری ای که به مراتب بدتر است، این است که فردی باشیم که کسی او را نمی خواهد و به او محبت نمی کند. مادر ترزا

» فقط صخره مستحکم عشقی تمام عیار و خدشه ناپذیر میان مرد و زن است که می تواند بنیانی برای تشکیل جامعه ای باشد که برای همه انسان ها به منزله یک سرپناه است. بندیکت شانزدهم، ۲۰۰۶/۰۵/۱۱

### ۳۶۸ خانواده در نقشه آفرینش خداوند چه جایگاهی دارد؟

مرد و زنی که با یکدیگر ازدواج کرده اند، همراه با فرزندان خود یک خانواده را تشکیل می دهند. خدا می خواهد، تا آنجا که میسر باشد، فرزندان از عشق میان والدین بدنیا آیند. این فرزندان که از حمایت و نگهداری والدین خود بهره مند هستند، از منزلی مانند والدین خود برخوردار هستند [۲۲۰۱-۲۲۰۶، ۲۲۴۹].

خدا خود در ژرفنای تثلیث، یک شراکت است. در حوزه انسانی، خانواده نخستین شکل یک شراکت را تشکیل می دهد. خانواده مدرسه ای منحصر به فرد برای زندگی سراسر انباشته از ارتباطات آدمی است. فرزندان در هیچ کجا به خوبی درون یک خانواده سالم رشد نمی یابند، خانواده ای که در آن عاطفه قلبی، احترام متقابل و مسئولیت پذیری های متقابل حیات دارند. سرآخر باید گفت که ایمان نیز در خانواده رشد می کند؛ کلیسا معتقد است که خانواده به منزله کلیسایی کوچک است، «کلیسایی خانگی» که نیروی درخشش آن باید دیگران را به پیوند ایمان، محبت و امید دعوت کند ☀️ ۲۷۱.

### ۳۶۶ چرا این امر حائز اهمیت است که دولت روزهای یکشنبه را پاس دارد؟

پاسداشت روز یکشنبه به منزله خدمتی راستین در راستای رفاه جامعه است، زیرا نشانی از مخالفت ورزیدن علیه استیلا کامل بازار کار بر آدمی به شمار می رود [۲۱۸۸، ۲۱۹۲-۲۱۹۳].

مسیحیان از همین رو، در کشورهایی که مشخصاً مسیحی هستند، نه فقط خواستار پاسداشت روز یکشنبه از سوی دولت هستند، بلکه حتی کارهایی را که خود در این روز مایل به انجامشان نیستند، به دیگران نیز نمی سپارند. همه باید در «نفس تازه کردن» در آفرینش مشارکت داشته باشند.

### 📖 فصل دوم 📖

«همنوع خود را بسان خود دوست بدار»

### فرمان چهارم:

پدر و مادر خود را احترام نما.



### ۳۶۷ فرمان چهارم به چه کسی برمی گردد و از ما چه می خواهد؟

فرمان چهارم در درجه نخست به پدر و مادر تنی انسان و همچنین به افرادی مربوط می شود که زندگی، رفاه حال، امنیت و ایمان خود را مرهون آنان هستیم [۲۱۹۶-۲۲۰۰، ۲۲۴۷-۲۲۴۸].

همان چیزهایی که ما در درجه نخست مرهون والدین خود هستیم، یعنی محبت، سپاسگزاری و احترام، باید رابطه ما با انسان هایی را نیز شکل دهد که برای ما به منزله شخصیت هایی کلیدی هستند که از سوی خدا به ما عطیه شده اند و طبیعی و نیک به شمار می روند: والدین ناتنی، والدین همسران، اقوام و پیشینیان مسن تر، مربیان، آموزگاران، کارفرمایان و مدیران. فرمان چهارم را باید درباره آنان نیز رعایت کنیم. این فرمان به معنای وسیع کلمه حتی به تعهدات شهروندی ما در قبال دولت اشاره دارد ☀️ ۳۲۵.

» یکشنبه برای ما چه هزینه ای دربردارد؟ این پرسش به خودی خود به منزله برآوردی برای روز یکشنبه است. به این معنا که یکشنبه از این رو یکشنبه است که هیچ هزینه ای دربر ندارد و به معنای اقتصادی اش، هیچ دستاوردی هم ندارد. توضیح آن که این پرسش که حراست از این روز در مقام یک روز فارغ از کار، چه هزینه ای دربردارد، این پیش زمینه را می طلبد که در اندیشه خود، روز یکشنبه را پیشاپیش به یک روز کاری بدل کرده باشیم.

روبرت اشپمان  
(متولد ۱۹۲۷، فیلسوف آلمانی)

پدر و مادر خود را احترام نما تا روزهای تو در زمینی که بپوهه خدایت به تو می بخشد، دراز شود.

خرو، ۱۲:۲۰

» زندگی والدین به منزله کتابی است که فرزندان مطالعه می کنند.

آگوستین







و بچه های کوچک را نزد او آوردند تا ایشان را لمس نمایند؛ اما شاگردان آورندگان را منع کردند. چون عیسی این را بدید، خشم نموده، بدیشان گفت: «بگذارید که بچه های کوچک نزد من آیند و ایشان را مانع نشوید، زیرا ملکوت خدا از امثال اینها است.

مر، ۱۴:۱۳:۱۰

اگر امر سعادت بار دربارۀ کودکان این است که با هر یک از آنان، همه چیز از نو خلق می گردد و کائنات باردیگر به آزمون گذاشته می شود.

جی. کی. چسترین

کودکان دو چیز را باید از والدین خود دریافت دارند: ریشه ها و بال ها.

یوهان ولفگانگ فن گوته



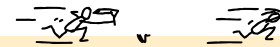
ای پدران، فرزندان خود را خشمگین مسازید، مبدا شکسته دل شوند.

کو، ۲۱:۳۰

والدین چگونه می توانند به فرزندان خود احترام نشان دهند؟

خدا، فرزندان را به والدین سپرده است تا برای آنان سرمشقی راسخ و صحیح باشند، آنان را دوست بدارند، به آنان احترام گذارند و دست به هر کاری بزنند تا فرزندان بتوانند از نظر جسمی و روحی رشد کنند [۲۲۲۱-۲۲۳۱].

کودکان هدایای خداوند هستند و نه مایملک والدین. آنان پیش از آن که فرزندان والدین باشند، فرزندان خدا هستند. مهم ترین وظیفه والدین این است که خیر خوش نجات را به فرزندان خود هدیه کنند و ایمان مسیحی را به آنان منتقل نمایند. ۳۷۴.



چرا نمی توان برای خانواده جایگزینی یافت؟

هر کودکی از پدر و مادری بدنیا می آید و گرما و امنیت خانوادۀ می جوید تا بتواند در امنیت و خوشبختی رشد کند [۲۲۰۷-۲۲۰۸].

خانواده سلول بنیادی جامعه بشری است. تازه همان ارزش ها و اصولی که در حوزه کوچک خانواده به اجراء گذاشته می شوند، همبستگی در زندگی اجتماعی را در قالب بزرگ تر امکان پذیر می سازند. ۵۱۶.

چرا دولت باید از خانواده حمایت کند و آن را ترویج دهد؟

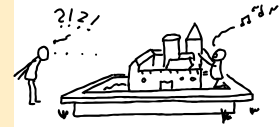
رفاه و آینده یک دولت بستگی به آن دارند که کوچک ترین واحد آن، یعنی خانوادۀ قادر به حیات و رشد باشد [۲۲۰۹-۲۲۱۳، ۲۲۵۰].

هیچ دولتی حق ندارد مدیریت حکومتی خود را تا به درون سلول نخستین جامعه، یعنی خانوادۀ بسط دهد و حق حیات را از آن بگیرد. هیچ دولتی حق ندارد خانوادۀ را به گونه ای متفاوت با مأموریتی که از سوی آفریدگار به آن محول شده است، تعریف کند. هیچ دولتی حق ندارد، حقوق بنیادین خانوادۀ، بویژه در حوزه تعلیم و تربیت را از آن سلب کند. برعکس باید گفت که دولت وظیفه دارد، خانوادۀ ها را یاری و پشتیبانی رساند و نیازهای مادی آنها را تأمین کند.

کودک چگونه می تواند به والدین خود احترام ورزد؟

کودک با نشان دادن محبت و سپاس خود نسبت به والدین، به آنان احترام می گذارد [۲۲۱۴-۲۲۲۰، ۲۲۵۱].

کودکان فقط بنا این دلیل که زندگی و محبت خود را از والدین دریافت می کنند، باید از آنان سپاسگزار باشند. این سپاسگزاری، رابطه ای از محبت، احترام، مسئولیت و فرمانبری صحیح را که تا آخر عمر ادامه دارد، شکل می دهد. کودکان بویژه به هنگام تنگنا، بیماری و کهولت باید با محبت و وفاداری به والدین خود رسیدگی کنند.



خانوادۀ ای که اعضای آن همراه یکدیگر نیایش می کنند، منسجم می ماند. مادر ترزا

پس جوانان، سالخوردگان را احترام بگذارند و سالخوردگان به جوانان محبت ورزند. بندیکت اهل نورسیا

اگر امور خانوادۀ به انتظام باشد، کشور نیز به نظم خواهد بود؛ اگر کشور به نظم باشد، جامعه بزرگ بشری نیز در صلح و صفا خواهد زیست.

لو بو وی (حدود ۳۰۰-۲۳۶ پیش از میلاد مسیح، فیلسوف چینی)

پدر خود را به تمامی جان احترام کن و هرگز دردهای مادر خود را از یاد مبر!... چگونه می توانی همه آنچه را که آنان برای تو کرده اند، جبران کنی؟

سی، ۲۷:۲۸



با محبت برادرانه یکدیگر را دوست بدارید و هر یک دیگری را بیشتر از خود اکران نماید. در اجتهاد کاملی نوزید و در روح سرگرم شده، خداوند را خدمت نمایند. ۱۱-۱۰:۱۲، روم

و خداوند شما را نمو دهد و در محبت یکدیگر و با همه افزونی بخشد، چنانکه ما شما را محبت می نماییم تا دل های شما را استوار سازد، بی عیب در قدوسیت، به حضور خدا و پدر ما در هنگام ظهور خداوند ما عیسی مسیح، با جمیع مقدسین خود. ۱۳-۱۲:۳، ۱ تسا



**۳۷۳** افراد یک خانواده چگونه باید با یکدیگر در ایمان زندگی کنند؟

یک خانواده مسیحی باید یک ← کلیسا در مقیاس کوچک باشد. همه اعضای یک خانواده مسیحی به آن دعوت شده اند که یکدیگر را در ایمان تقویت کنند و در شور و شوق برای خداوند از یکدیگر پیشی جویند. آنان باید برای یکدیگر و به همراه یکدیگر دعا کنند و در انجام کارکردهای محبت به همنوع همکاری نمایند [۲۲۲۶-۲۲۲۷].

والدین به کمک ایمان خود به نفع فرزندان گام برمی دارند، آنان را تعمیم می دهند و برای آنان سرمشقی از ایمان هستند. این بدان معناست که والدین باید این نکته را برای فرزندان روشن سازند که زیستن در حضور و در نزدیکی خدای مهربان تا چه اندازه ارزشمند و نیکبختی آور است. البته زمانی هم خواهد رسید که والدین نیز از ایمان فرزندان درس می آموزند و گوش به آن می سپارند که چگونه خداوند از طریق آنان سخن می گوید، زیرا ایمان جوانان اغلب با ایثار و از خودگذشتگی فراوانی همراه است و «از آن رو که خداوند اغلب به فردی جوان تر آشکار می سازد که چه امری بهتر است» (بندیکت نرسیا، رگولا، فصل ۳، ۳).

**۳۷۴** چرا خدا مهم تر از خانواده است؟

انسان بدون برخورداری از ارتباطات قادر به زندگی نیست. مهم ترین رابطه یک انسان همواره با خدا برقرار می شود. این رابطه به همه روابط انسانی و حتی روابط خانوادگی ارجحیت دارد [۲۲۳۲-۲۲۳۳].

فرزندان به والدین خود و والدین به فرزندان خود تعلق ندارند. آدمی به شکل مطلق و ابدی، فقط به خدا وابسته است، مستقیم به خدا تعلق دارد و بر همین مبنا هم می توان کلام عیسی خطاب به شاگردان برگزیده خود را درک کرد: «و هر که پدر یا مادر را بیش از من دوست دارد، لایق من نباشد و هر که پسر یا دختر را از من زیاده دوست دارد، لایق من نباشد» (مت، ۱۰: ۳۷). به همین دلیل، هنگامی که خداوند فرزندان را به یک زندگی وقف شده در یک انجمن روحانی یا به کار در مقام ← کشیش دعوت می کند، والدین باید آنان را با اعتماد کامل به دستان خدا سپارند ← ۱۴۵.

**۳۷۵** اقتدار چگونه به شکل صحیح به اجراء گذاشته می شود؟

اقتدار زمانی به شکل صحیح به اجراء گذاشته می شود که بنا به الگوی عیسی، به عنوان خدمت، درک شود. این نوع اقتدار هرگز نباید خودکامانه باشد [۲۲۳۴-۲۲۳۴، ۷۴، ۲۲۵۴].

عیسی یکبار برای همیشه به ما نشان داده است که چگونه می توان اقتدار را به اجراء گذاشت. او که خود بالاترین سرچشمه اقتدار است، خادم بود و خود را همواره در مقام آخر قرار داد. عیسی حتی پاهای شاگردان خود را شست (یو، ۱۳: ۱-۲۰). والدین، آموزگاران، مربیان و مدیران، اقتدار خود را از خدا می گیرند، نه برای این که بر آنانی که به ایشان سپرده شده اند، تحکم کنند، بلکه برای آن که وظیفه هدایت و تربیت را به عنوان یک خدمت درک کنند و به اجراء گذارند ← ۳۲۵.

**۳۷۶** شهروندان در قبال دولت چه وظایفی دارند؟

هر شهروندی وظیفه دارد با نهادهای دولتی وفادارانه همکاری کند و با رعایت حقیقت، عدالت، آزادی و همبستگی به تحقق ← رفاه عمومی یاری رساند [۲۲۳۸-۲۲۴۶].

فرد مسیحی نیز باید وطن خود را دوست داشته باشد، در صورت ضرورت به شکل های متفاوت و گوناگون از آن دفاع کند و با اشتیاق به نهادهای مدنی خدمت کند. او باید به شکل بالقوه و بالفعل از حق انتخاب خود بهره برد و از پرداخت مالیات عادلانه سر باز نزند. به رغم آن، تک تک شهروندان در دولت به منزله موجوداتی آزاد و برخوردار از حقوق بنیادی باقی می مانند؛ شهروندان از حق انتقاد سازنده از دولت و نهادهای آن برخوردار هستند. دولت برای مردم است و نه مردم برای دولت.

**۳۷۷** چه موقع باید از پیروی از دولت سر باز زد؟

هیچکس مجاز به پیروی از آن دستورات حکومتی نیست که مغایر با قوانین الهی باشد [۲۲۴۲-۲۲۴۶، ۲۲۵۶-۲۲۵۷].

پطرس ← رسول بود که افراد را دعوت کرد فقط نوعی فرمانبری نسبی از دولت داشته باشند: «خدا را می باید بیشتر از انسان اطاعت نمود» (رس، ۵: ۲۹). اگر دولتی قوانینی نژادپرستانه، همراه با تبعیض جنسی یا قواعدی ویرانگر زندگی وضع نماید یا دست به اقداماتی در این حوزه زند، فرد مسیحی در وجدان خود موظف است، از اطاعت سر باز زند، از مشارکت دوری جوید و دست به مخالفت و مقابله زند.

و هر که می خواهد در میان شما مقدم بود، غلام شما باشد. چنان که پسر انسان نیاید تا مخدوم شود، بلکه تا خدمت کند و جان خود را در راه بسیاری فدا سازد. مت، ۲۰: ۲۷-۲۸

بر اساس مکان تولد، اهل آلبانی هستم، بر اساس تابعیت، هندی؛ من یک خواهر روحانی کاتولیک هستم. بر مبنای فعالیت های تبلیغی و دینی ام، من به کل جهان تعلق دارم، اما قلب من فقط به عیسی تعلق دارد.

مادر تریزا

مال قیصر را به قیصر ادا کنید و مال خدا را به خدا! مت، ۲۲: ۲۱



شنبه اید که به اولین گفته شده است «قتل مکن و هر که قتل کند سزاور حکم شود.» لیکن من به شما می گویم، هر که به برادر خود بی سبب خشم گیرد، مستوجب حکم باشد هر که برادر خود را راقا گوید، مستوجب قصاص باشد.

مت: ۵: ۲۱-۲۲



**فرمان پنجم:**  
قتل مکن!

**۳۷۸** چرا مجاز به گرفتن حیات از خود و دیگران نیستیم؟  
خدا به تنهایی حاکم بر زندگی و مرگ است. جز در موارد دفاع از خود یا دیگری، هیچ انسانی حق ندارد انسان دیگری را به قتل برساند [۲۲۵۸-۲۲۶۲، ۲۳۱۸-۲۳۲۰].

خدا شده دار کردن حیات به منزله جرمی در پیشگاه خدا است. زندگی انسان امری مقدس است؛ این بدان معناست که زندگی به خدا تعلق دارد و مایملک اوست. حتی زندگی ما به ما به امانت داده شده است. خدا خود زندگی را به ما بخشیده است و فقط اوست که قادر است آن را از ما پس بگیرد. در کتاب خروج به بیان دقیق کلمه آمده است: «قتل مکن!» (خرو، ۲۰: ۱۳).



**۳۷۹** بنا به فرمان ممنوعیت قتل، چه اقداماتی ممنوع هستند؟  
قتل و همدستی در قتل غیر مجازند. قتل غیر نظامیان بی سلاح در حین جنگ نیز ممنوع است. سقط جنین نیز از لحظه بسته شدن نطفه ممنوع است. خودکشی، آزار خود و یا صدمه زدن به خود نیز قذغن است. همچنین قتل ترحمی، یعنی کشتن انسان های معلول، بیمار یا رو به موت نیز مجاز نیست [۲۲۶۸-۲۲۸۳، ۲۳۲۲-۲۳۲۵].

این روزها ممنوعیت قتل به کرات با استناد به استدلال هایی به ظاهر بشردوستانه نادیده گرفته می شود. اما نه قتل ترحمی و نه سقط جنین، راه حل هایی بشردوستانه هستند. از این رو، کلیسا در چنین مواردی حکمی شفاف و قطعی صادر می کند. هرکس به نوعی در سقط جنین سهیم باشد، زنی را به انجام آن مجبور سازد یا حتی او را به آن تشویق کند - درست مانند اقدامات دیگر در مغایرت با حق حیات - خود به خود از کلیسا طرد می شود. اگر انسانی که از نظر روانی بیمار است، خود را بکشد، مسئولیت او در این کار اغلب محدود و در بسیاری موارد حتی به کل سلب می شود ← ۲۸۸.

**۳۸۰** چرا در موارد دفاع از خود مجاز هستیم جان فرد دیگری را بگیریم؟

ما مجاز هستیم و باید جلوی کسی را که آگاهانه و به قصد کشتن به دیگری حمله می کند، بگیریم، آن هم در موارد اضطراری و حتی زمانی که فرد مهاجم به قتل برسد [۲۲۶۳-۲۲۶۵، ۲۳۲۱].

دفاع به وقت ضرورت، فقط یک حق نیست و حتی ممکن است برای فردی که مسئول حفظ جان دیگران است، به یک وظیفه تبدیل شود. با این حال در موارد دفاع از خود نباید از آن سوءاستفاده کرد و آن را به شکل نامتناسب و افراطی به کار گرفت.

**۳۸۱** چرا کلیسا مخالف حکم اعدام است؟  
کلیسا از این رو با صدور حکم اعدام مقابله می کند که (بنا به گفته پاپ ژان پل دوم، در شهر سن لوئیس به تاریخ ۹۹/۰۱/۲۷) این کار «هم خشونت بار و هم غیر ضروری» است [۲۲۶۶-۲۲۶۷].

هر دولت قانونی، اصولاً این حق را دارد که مجازات را به شکل متناسب وضع کند. پاپ هر چند در رساله *Evangelium Vitae* (انجیل حیات) (۱۹۹۵) نمی گوید که اجرای حکم اعدام، مجازاتی از همه لحاظ غیر قابل قبول و غیر قانونی است. اما گرفتن جان یک تبهکار، اقدامی سنگین است که دولت مجاز است فقط «در موارد ضرورت مطلق» دست به این اقدام زند. این ضرورت زمانی وجود دارد که نتوان جامعه بشری را به نحو دیگری جز گرفتن جان مجرم، حفاظت کرد. اما به گفته ژان پل دوم، این موارد «اگر در عمل کاملاً نامحق نباشند، بسیار نادر هستند».

**۳۸۲** آیا قتل ترحمی مجاز است؟  
باری رسانی مستقیم به گرفتن جان یک انسان، همواره مغایر با فرمان «قتل مکن» (خرو، ۲۰: ۱۳) است. اما همراهی با یک انسان رو به موت، حتی فرمانی در راستای انسان دوستی به شمار می رود [۲۲۷۸-۲۲۷۹].

اصطلاح های مرگ ترحمی فاعلانه و مرگ ترحمی منفعلانه اغلب بحث را مبهم می سازد. در واقع موضوعی که در اینجا مطرح است این است که آیا انسان رو به موت را می کشیم یا اجازه می دهیم به مرگ طبیعی بمیرد. کسی که آگاهانه به مرگ یک انسان در حال موت کمک می کند (مرگ ترحمی فاعلانه)، فرمان پنجم را زیر پا می گذارد. اما کسی که انسانی را در روند مرگش همراهی می کند (مرگ ترحمی منفعلانه)، از فرمان محبت به همنوع پیروی کرده است. مرگ ترحمی منفعلانه به این معناست که با آگاهی از مرگ قطعی یک انسان، از

مطرودان از نظر نژادی نیز در زمره آن قرار گرفتند. اما امر سرنوشت ساز این است که به این شناخت برسیم که واکنش نسبت به بیمارهای لاعلاج، تنها به منزله انگیزه آغازین کوچک و بی ارزشی بود که کل این دگرگونی فکری را به دنبال آورد.

لئو الکساندر (۱۹۰۵-۱۹۸۵)، پزشک یهودی امریکایی در سخنرانی درباره جنایات نازی ها در حوزه مرگ اختیاری

در مجازاتی که از سوی حکومت وضع می شود، باید چهار شرط اساسی رعایت شده باشد تا متناسب و به حق باشد:

۱. برای جرم، زمینه های جبران فراهم گردد.
۲. حکومت بخواهد از طریق وضع این مجازات، نظم عمومی را از نو برقرار سازد و در راستای برقراری امنیت شهروندان خود گامی بردارد.
۳. مجازات، زمینه اصلاح مجرمان را فراهم آورد.
۴. مجازات با سنگینی جرم همخوانی داشته باشد.

انسان ها باید در دستان انسانی دیگر و نه به دست انسانی دیگر جان دهند.

کاردینال فرانسیس کونینگ (۲۰۰۴-۲۰۰۵)، اسقف اعظم (وین)



» جنبش تأسیس آسایشگاه برای افراد رو به موت و نه جنبش هوادار مرگ اختیاری، پاسخی شایان منزلت بشری برای وضعیتی است که با آن مواجه هستیم. قوای فکری و همبستگی‌ها، بنا به مشکلات غول‌آسایی که به ما هجوم می‌آورند، فقط زمانی بسیج می‌شوند که راه‌گريزهای پیش‌پاافتاده و بی‌ارزش، قاطعانه مسدود شود. هر کجا که مرگ در مقام بخشی از زندگی درک و با آن برخورد نشود، تمدن مرگ آغاز می‌گردد.

روبرت اشپمان

اقدامات پزشکی غیرمعمول، پرهیز و همچنین از اقداماتی که به هیچ وجه به نتیجه‌ای مثبت منجر نمی‌شود، چشم‌پوشی شود. تصمیم به این امر برعهده شخص بیمار است که باید پیشاپیش طی یک روند قانونی تصریح شده باشد. اگر فرد بیمار قادر به این کار نباشد، باید فردی که وکالت تام‌الاختیار او را برعهده دارد، این امر را برای وی توضیح دهد یا بنا به خواسته‌های احتمالی فرد رو به موت اقدام کند. هرگز نباید در پرستاری از فرد محتضر کوتاهی کرد؛ این جزئی از فرمان محبت به هم‌نوع و عملی از سر شفت است. هم‌زمان باید گفت که این امر مشروعیت دارد و با منزلت بشری نیز همخوان است که داروهای مسکن به کار گرفته شود، حتی با در نظر گرفتن این خطر که به کمک آنها طول زندگی فرد بیمار کوتاه‌تر می‌شود. امر تعیین‌کننده این است که با به کار گرفتن این داروها، مرگ نه به عنوان هدف و نه به عنوان ابزار برای پایان بخشیدن به درد مدنظر قرار گیرد.

◀ ۳۹۳

» اگر آدمی، دیگر در آغوش مادر ایمن نباشد، در کجای این جهان می‌تواند ایمن باشد؟

فیل بوسمانس  
(متولد ۱۹۲۲، کشیش بلژیکی)

» مسیحیان... آنان از دواج می‌کنند و مانند دیگران صاحب بچه می‌شوند، اما نورسیده‌های خود را هرگز در خیابان‌رها نمی‌کنند.

نامه‌رسولی از سده سوم

» سقط جنین و به قتل رساندن کودک، جنایاتی انزجارآمیز هستند.

شورای دوم واتیکان، رساله «Gaudium et spes»



۳۸۳ چرا سقط جنین در هیچ یک از مراحل حمل جنین، پذیرفتنی نیست؟

زندگی انسان که هدیه خدا است، مایملک مستقیم خداست؛ این زندگی از لحظه نخست مقدس است و باید از هرگونه مداخله انسانی در آن پرهیز کرد. «قبل از آن که تو را در شکم صورت بندم تو را شناختم و قبل از بیرون آمدنت از رحم تو را تقدیس نمودم و تو را نبی امت‌ها قرار دادم» (ار، ۵:۱) [۲۲۷۰-۲۲۷۴، ۲۳۲۲].

تنها حاکم بر زندگی و مرگ خدا است. حتی زندگی «من» به من تعلق ندارد. هر کودکی از زمان بسته شدن نطفه‌اش، از حق حیات برخوردار می‌شود. هر انسان به دنیایماده‌ای از همان ابتدا، یک فرد مجزا محسوب می‌شود که هیچ‌احدی از جهان خارج از او، حق خدشه‌دار کردن حقوق او را ندارد، نه دولت، نه پزشک و نه حتی مادر یا پدر. شفافیت و صراحت کلیسا در این زمینه، نشانی از کمبود شفت نیست، بلکه کلیسا بیشتر مایل است به زیان‌های جبران‌ناپذیری اشاره کند که در حق کودک بی‌گناه به قتل رسیده، والدین و کل جامعه روا می‌شود. حفاظت از جان‌های بی‌گناه در زمره اولویت‌دارترین وظایف دولت است. اگر دولتی از انجام این وظیفه سر باز زند، خود به زیربناهای خود در مقام دولت قانونی ضربه می‌زند. ◀ ۲۳۷، ۳۷۹.

۳۸۴ آیا سقط جنین کودک معلول مجاز است؟

خیر. سقط جنین کودک معلول همواره به منزله جنایتی سنگین بوده است، حتی اگر با این انگیزه صورت بگیرد که از رنج و دردهای این انسان در آینده جلوگیری شود. ◀ ۲۸۰.

۳۸۵ آیا پژوهش روی جنین‌های زنده یا سلول‌های بنیادی جنین مجاز است؟

خیر. جنین‌ها انسان هستند، زیرا زندگی انسان‌ها با ترکیب شدن سلول‌های جنسی نر و ماده آغاز می‌شود [۲۲۷۵، ۲۳۲۳].

جنین را به چشم ماده‌ای زیستی نگرستن، آن را «تولید» کردن و «استفاده» از سلول‌های بنیادی آن برای مقاصد پژوهشی، عملی کاملاً غیراخلاقی است و در زیر مجموعه ممنوعیت قتل می‌گنجد. پژوهش بر سلول‌های بنیادی بزرگسالان را باید به گونه دیگری ارزیابی کرد، زیرا این سلول‌های به شکل یک انسان رشد نمی‌کنند. مسئولیت مداخله‌های پزشکی روی جنین را تنها زمانی می‌توان برعهده گرفت که به قصد درمان صورت گیرند، طی آنها حیات و رشد بدون مانع کودک تضمین شود و همچنین خطرهای این مداخله به نسبت گسترده نباشد. ◀ ۲۹۲.

» هرآنچه باید درباره سقط جنین بدانیم، در فرمان پتجم آورده شده است. کاردینال کریستف شوئربرگ

» نباید سقط جنین کنی و یا فرزند تازه به دنیا آمده را به قتل برسانی. تعالیم دوازده‌رسول (۲:۲) از سده سوم

» خدایا به ما شجاعت آن راه که از زندگانی هر کودک به دنیایماده‌ای حراست کنیم. چرا که فرزند، بالاترین هدیه خدا برای خانواده، ملت و جهان است.

مادر ترزا در مراسم اهدای جایزه نوبل صلح در سال ۱۹۷۹

» حتی تشخیص معلولیت جنین نمی‌تواند دلیلی برای سقط جنین باشد. زیرا حتی زندگی که مانع بروز آن می‌شویم، به یک اندازه بالارزش و مورد استقبال خداست و همچنین از آن رو که بر روی زمین هرگز و برای هیچ‌احدی، تضمینی برای یک زندگی عاری از محدودیت‌های جسمی، روحی یا روانی وجود ندارد.

بندیکت شانزدهم، ۲۰۰۶/۰۹/۲۸





و که یکی از این صفار را که به من ایمان دارند، لغزش دهد او را بهتر می بود که سنگ آسیابی بر گردشش آویخته، در قعر دریا غرق می شد!

مت، ۱۸: ۶

» اگر خود را دوست می داری، پس همه انسان ها را بسان خود دوست می داری. تا زمانی که حتی یک انسان را کمتر از خود دوست داری، پس هرگز خود را برآستی دوست نداشته ای.

استاد اکهارت

» خدا ما را بسیار فراتر از آنچه ما خود را دوست داریم، دوست دارد.

ترزای آویلا

یا نمی دانید که بدن شما معبد روح القدس است که در شما است که از خدا یافته اید و از آن خود نیستید؟

قر، ۱: ۶

۳۸۶ چرا فرمان پنجم از تمامیت جسمی و روحی انسان دفاع می کند؟

حق حیات انسان و منزلت بشری همانند یک واحد یکسان هستند؛ آنها به گونه ای غیر قابل تفکیک به هم پیوند خورده اند. می توان انسانی را از لحاظ روحی نیز به سوی مرگ سوق داد [۲۲۸۴-۲۲۸۷، ۲۳۲۶].

فرمان «قتل مکن» (خرو، ۲۰: ۱۳) هم به خدشه ناپذیری روحی و هم به خدشه ناپذیری جسمی مربوط می شود. هرگونه انحراف و گمراه سازی در مسیر شر و هر نوعی از به کار گرفتن خشونت به منزله گناهی سنگین است، بویژه زمانی که در مناسبات خویشاوندی صورت گیرد. جرم بویژه زمانی سنگین است که خویشاوندی میان بزرگسالان و کودکان به اثبات رسد. در اینجا نه فقط سوء استفاده های جنسی، بلکه همچنین فریفتگی روحی از سوی والدین ← کشمیشان، آموزگاران یا مربیان که نقش خود را از ارزش ها منحرف می سازند و غیره نیز مد نظر است.

۳۸۷ با بدن خود باید چه رفتاری داشته باشیم؟

در فرمان پنجم، به کارگیری خشونت در قبال بدن خودمان نیز ممنوع شده است. عیسی به تأکید از ما می خواهد، خود را بپذیریم و دوست بداریم: «همسایه خود را مثل خود محبت نما» (مت، ۲۲: ۳۹).

دست زدن به اموری خودویرانگرانه مغایر با سلامتی جسمی خودمان (خراش دادن بدن و نظایر آن) در اغلب موارد، واکنش هایی روانی نسبت به تجربیاتی در زمینه طردشدگی و کمبود محبت هستند؛ از این رو این کارها در درجه نخست، محبت همه جانبه ما به سوی یک چنین انسان هایی را مطالبه می کنند. در خصوص اهدای عضو از بدن، باید این نکته نیز آشکار گردد که انسان از هیچ حقی برای آن برخوردار نیست که جسمی را که خدا به او هدیه داده است، از بین ببرد. ← ۳۷۹.

۳۸۸ تندرستی تا چه حد اهمیت دارد؟

تندرستی به منزله ارزشی مهم است که البته به هیچ وجه مطلق به شمار نمی رود. ما باید با جسمی که خداوند به ما هدیه کرده است با سپاسگزاری و دقت رفتار کنیم، اما همزمان نباید اسیر و بنده تن شویم [۲۲۸۸-۲۲۹۰].

دقت نظر مناسب در زمینه تندرستی، یکی از وظایف بنیادی دولت است که باید شرایط لازم برای حیات شهروندان را فراهم کند، شرایطی که طی آن، تغذیه، اسکان سالم و مراقبت های پزشکی برای همه تضمین شده باشد.

۳۸۹ چرا استفاده از مواد مخدر گناه به شمار می رود؟

استفاده از مواد مخدر از آن رو گناه به شمار می رود که عملکردی در مسیر خودویرانگری و به این ترتیب مغایر با حیاتی است که خداوند از سر محبت به ما اهداء کرده است [۲۲۹۰-۲۲۹۱].

هرگونه وابستگی انسان به مواد تخدیری مجاز (الکل، دارو، تنباکو) و به میزان افراطی به مواد مخدر غیرمجاز، به منزله انتخاب بردگی در ازای آزادی است؛ این کار به تندرستی و حیات فرد لطمه می زند و به هموعان او نیز زیان هایی سنگین وارد می آورد. هرگونه خودفراموشی و از خود بیخودی انسان در حالت تخدیر که افراط در غذاخوردن و نوشیدن، تن سپاری مطلق به تمایلات جنسی یا راندگی با سرعت جنون آمیز همه و همه جزو آن هستند، به معنای خدشه دار کردن منزلت انسانی و آزادی و از این رو، گناهی در پیشگاه خداست. استفاده معقولانه، آگاهانه و متناسب از مواد لذت بخش را باید از این استفاده افراطی تفکیک کرد ← ۲۸۶.

۳۹۰ آیا پژوهش روی انسان زنده مجاز است؟

آزمایش های علمی، روانشناسانه و یا پزشکی روی انسان زنده فقط زمانی مجاز است که نتایجی که از این آزمایش های انتظار می رود، برای رفاه حال بشر مهم باشند و از راه دیگری نتوان به آن نتایج دست یافت. اما کل این روند باید با موافقت داوطلبانه افراد مربوطه صورت گیرد [۲۲۹۲-۲۲۹۵].

و خدای ایشان شکم ایشان و فخر ایشان در ننگ ایشان و چیزهای دنیوی را اندیشه می کند. قی، ۳: ۱۹





ما را به ترتیب به بیرون هدایت کردند. بی رمق و بی جان بودیم. جلوی در اتاق عمل، دکتر شیدلاوسکی ما را با یک آمپول وریدی بیهوش کرد. پیش از این که بی هوش شوم، فکری به سرعت برق آسا از ذهنم گذشت که البته دیگر نتوانستم به زبانش بیاورم: «ما که موش آزمایشگاهی نیستیم». خیر، ما موش آزمایشگاهی نبودیم. ما انسان بودیم!

واندا پولتاوسکا

علاوه بر آن، آزمایش ها نباید به شکل نامتناسبی خطرناک باشند. انسان ها را برخلاف خواسته شان به ابزارهای پژوهشی تبدیل کردن، یک جرم است. سرنوشت دکتر واندا پولتاوسکا، خانم مبارز لهستانی و یکی از نزدیکان معتمد پاپ ژان پل دوم، یادآور آن است که در گذشته و همچنین امروزه چه خطرهایی کمین کرده اند. واندا پولتاوسکا در خلال دوران حکومت نازی ها قربانی آزمایش های جنایتکارانه بر انسان ها در اردوگاه اجباری راوَنسبروک (Ravensbruck) شد. این خانم روانپزشک، بعدها مدافع نوآوری در اخلاقیات پزشکی شد و در زمره اعضای بنیانگذار فرهنگستان پاپی مدافع زندگی بود.

### ۳۹۱ اهدای عضو به چه دلیل اهمیت دارد؟

اهدای عضو می تواند طول زندگی را افزایش یا کیفیت آن را بهبود بخشد، به همین دلیل این کار، تا زمانی که کسی مجبور به آن نشده باشد، خدمتی واقعی به همونوع به شمار می رود [۲۲۹۶].

این امر باید قطعی شده باشد که فرد اهداءکننده در زمان حیاتش آزادانه و آگاهانه با این امر موافق بوده است و به قصد اهدای عضو، به قتل نرسیده باشد. اهدای عضو به هنگام حیات هم امکان پذیر است، برای نمونه در موارد اهدای مغز استخوان یا اهدای یک کلیه. شرط اهدای عضو از جسد، اطمینان قطعی از مرگ فرد اهداءکننده و موافقت او در زمان حیات یا موافقت بستگان او است.

### ۳۹۲ به خدشه ناپذیری جسمی انسان از چه راه هایی لطمه وارد می شود؟

این حق با به کار گرفتن خشونت، از راه آدم ربایی و گروگان گیری، تروریسم، شکنجه، تجاوز، عقیم سازی اجباری و خشونت آمیز و همچنین قطع عضو و وارد آوردن نقص عضو خدشه دار می گردد [۲۲۹۷-۲۲۹۸].

این تخطی های بنیادی علیه عدالت، محبت و منزلت بشری، حتی آن زمان که در پوشش اقتدار دولتی صورت گیرند، قابل توجیه نیستند. کلیسا همچنین این روزها با آگاهی از گناهان تاریخی مسیحیان، با هر گونه خشونت جسمی و روحی، بویژه در قالب شکنجه، مبارزه می کند.

مسیحیان بارها انجیل را انکار کردند و تسلیم منطقی زور شدند. آنان حقوق اقوام و ملت ها را مخدوش ساختند و فرهنگ ها و سنت های دینی شان را خوار شمردند: شکیبایی و رحم خود را به ما نشان ده! ما را بیخوشای!

ژان پل دوم، اعتراف به گناه کلیسا در سال ۲۰۰۰

### ۳۹۳ مسیحیان چگونه به فرد محتضر کمک می کنند؟

مسیحیان فرد محتضر را تنها نمی گذارند. آنان به او کمک می کنند که بتواند با برخورداری از اعتمادی ناشی از ایمان، در منزلت و صلح، تن به مرگ بسپارد. آنها همراه با او دعا می کنند و به فکر آن هستند که او بتواند به موقع ← آیین های فیض بخش را دریافت دارد [۲۲۹۹].



### ۳۹۴ رفتار مسیحیان با جسد فرد متوفی چگونه است؟

مسیحیان با جسد فرد متوفی با احترام و محبت رفتار می کنند و همچنین با آگاهی از این که خدا او را به رستاخیز از مردگان فراخوانده است [۲۳۰۰-۲۳۰۱].

این جزئی از نوع نگرش و برخورد مسیحیان با مرگ است که فرد متوفی با منزلت و احترام به خاک سپرده شود و همچنین گور او تزئین و مراقبت شود. این روزها کلیسا انواع دیگر خاکسپاری را نیز می پذیرد (برای نمونه سوزاندن جسد)، البته به شرط آن که این کار به عنوان نشانه ای از مخالفت با ایمان به رستاخیز جسم صورت نگیرد.

### ۳۹۵ صلح چیست؟

صلح پیامد عدالت و نشانه ای از محبت تحقق یافته است. هر کجا که صلح باشد (بنا به گفته توماس آکوئین) «هر آفریده ای می تواند در نظامی خوب، به آرامش دست یابد». صلح زمینی تصویری از صلح مسیح است که زمین و آسمان را آشتی داده است [۲۳۰۴-۲۳۰۵].

صلح چیزی فراتر از عدم جنگ و همچنین فراتر از برقراری دقیق تعادلی میان نیروها است («تعادل وحشت»). در وضعیت صلح، انسان ها می توانند با مایملک خود که از راه عادلانه حاصل کرده اند، در امنیت زندگی کنند و با یکدیگر تبادل آرزو داشته باشند. در صلح، به منزلت انسان ها و حق تصمیم گیری آزادانه افراد و ملت ها توجه می شود. در صلح، شاخص همزیستی انسانی، همبستگی برادرانه است ← ۲۸۳، ۲۸۴، ۳۲۷.

محبت کردن به یک انسان یعنی به او بگوییم: تو نخواهی مُرد.

گابریل مارسل (۱۸۸۹-۱۹۷۳)، فیلسوف فرانسوی

توسعه - نامی جدید برای صلح.

پل ششم، Populorum Progressio

میلاد خداوندگار، میلاد صلح است.

پاپ لئوی کبیر

این تجربه را دارم که هر بار وقتی انسان ها به خود زحمت می دهند، انجیل را همان گونه زندگی کنند که عیسی به ما می آموزد، همه چیز آغاز به دگرگونی می کند: نگاه همه حالات تهاجمی، ترس ها و غم ها جای خود را به صلح و شادمانی می دهند.

شاه بادوئین بلژیکی (۱۹۳۰-۱۹۹۳)

خوشا به حال صلح کنندگان.

مت، ۹:۵

او سلامتی ما است.

اف، ۱۴:۲





۳۹۷

عیسی درباره پرهیز از خشونت چه فکر می کند؟

کردار عاری از خشونت از نظر عیسی جایگاه بسیار بالایی دارد؛ او از شاگردان خود چنین می خواهد: «لیکن من به شما می گویم، با شریر مقاومت کنید بلکه هر که به رخساره راست تو سیلی زند، دیگری را نیز به سوی او بگردان» (مت، ۵: ۳۹) [۲۳۱۱].

عیسی پطرس را که قصد داشت با خشونت از او دفاع کند، از این کار باز می دارد: «شمشیر خود را غلاف کن!» (یو، ۱۸: ۱۱). عیسی فرمان استفاده از اسلحه صادر نمی کند. او در قبال پیلاتوس سکوت می کند. راه او این است که جانب قربانیان را بگیرد، به روی صلیب رود، جهان را از راه محبت خود نجات دهد و صلح طلبان را سعادتمند بخواند. از این رو، کلیسا همچنین به انسان هایی توجه دارد که بنا به دلایل وجدانی از خدمت نظام سرباز می زنند، اما به نحوی دیگر به خدمت جامعه درمی آیند ← ۲۸۳-۲۸۴

۳۹۸

آیا مسیحیان باید الزاماً صلح طلب باشند؟

کلیسا در راه احقاق صلح تلاش می کند، اما پشتیبان یک صلح گرایبی افراطی نیست. توضیح آن که نمی توان نه افراد و نه نهادهای دولتی و جماعات را از حق بنیادی دفاع از خود در موارد ضروری و همچنین دفاع با اسلحه محروم ساخت. جنگ از نظر اخلاقی، فقط به عنوان آخرین ابزار ممکن قابل توجیه است [۲۳۰۸].

کلیسا به گونه ای سوء تفاهم ناپذیر به جنگ جواب رد می دهد. مسیحیان باید دست به هر کاری بزنند تا به موقع از جنگ جلوگیری شود: آنان مخالف تجمع سلاح و معاملات اسلحه هستند؛ آنان با تبعیض های نژادپرستانه، قومی و دینی می جنگند؛ آنان به پایان دادن به بی عدالتی های اقتصادی و اجتماعی کمک می کنند و به این ترتیب، صلح را قدرت می بخشند. ← ۲۸۳-۲۸۴.

ایشان شمشیرهای

خود را برای گاوآهن و نیزه های خویش را برای اره ها خواهند شکست و امتی بر امتی شمشیر نخواهد کشید و بار دیگر جنگ را نخواهند آموخت.

می، ۳: ۴

» به گمان من، بهبود بخشیدن شرایط زندگی انسان های فقیر، راهبردی بهتر از هزینه کردن برای سلاح است. در نبرد علیه تروریسم، نمی توان با عملیات نظامی به پیروزی دست یافت.

محمد بونس، در مراسم دریافت جایزه نوبل صلح

و عمل عدالت، سلامتی و نتیجه

عدالت آرامی و اطمینان خواهد بود تا ابدالاباد.

اش، ۳۲: ۱۷

۳۹۶

یک فرد مسیحی چگونه با مسأله خشم برخورد می کند؟

پولس می گوید: «خشم گیرید و گناه مورزید؛ خورشید بر غیظ شما غروب نکند» (اف، ۴: ۲۶) [۲۳۰۴-۲۳۰۲].

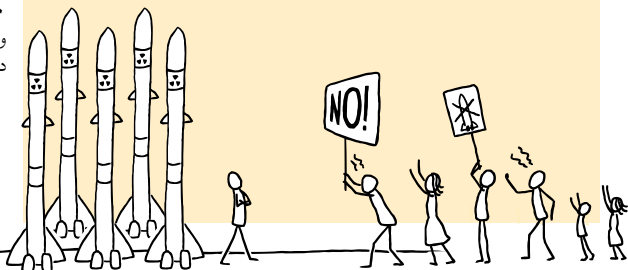
خشم در ابتدا همواره هیجانی طبیعی و واکنشی به بی عدالتی است که فرد تجربه می کند. اما اگر خشم به نفرت تبدیل شود و انسان برای همنوع خود، شر آرزو کند، احساسی طبیعی به گناهی سنگین در قبال محبت تبدیل می شود. هر خشم مهارنشده ای، بویژه با اندیشه به انتقام، با صلح مغایرت دارد و «آرامش نظام» را مختل می کند.

شنیده اید که گفته

شده است «همسایه

خود را محبت نما و با دشمن خود عداوت کن. اما من به شما می گویم که دشمنان خود را محبت نمایید و برای لعن کنندگان خود برکت بطلبید و به آنانی که از شما نفرت کنند، احسان کنید و به هر که به شما فحش دهد و جفا رساند، دعای خیر کنید.

مت، ۵: ۲۳-۲۴



### ۳۹۹ چه زمانی به کارگیری خشونت نظامی مجاز است؟

به کارگیری خشونت نظامی فقط در حادترین وضعیت اضطراری امکان پذیر است. برای یک «جنگ عادلانه»، معیارهای فراوانی وجود دارد، از جمله: ۱. اعلام چنین تصمیمی از سوی مقامات ذیصلاح؛ ۲. دلیلی محکمه پسند و منصفانه؛ ۳. هدفی عادلانه؛ ۴. جنگ باید آخرین راه حل ممکن باشد؛ ۵. ابزار به کار گرفته شده برای جنگ باید متناسب با شرایط و اوضاع باشند؛ ۶. باید چشم اندازی مثبت برای دستیابی به موفقیت وجود داشته باشد [۲۳۰۹-۲۳۰۷].

و خداوند خدا

گفت: «خوب»

نیست که آدم تنها باشد. پس برایش معاونی موافق وی بسازم... از این سبب مرد پدر و مادر خود را ترک کرده، با زن خویش خواهد پیوست و یک تن خواهند بود.

پی، ۲: ۱۸، ۲۴

فرمان ششم:  
زنا مکن!



### ۴۰۰ این به چه مناسبت که انسان موجودی جنسی است؟

خدا انسان را به شکل مرد و زن آفرید. او آنان را برای یکدیگر و برای محبت به یکدیگر آفرید. او همچنین آنان را با گرایش های شهوانی و توان های جنسی خلق کرد. خدا آنان را برای انتقال حیات آفرید [۲۳۳۱-۲۳۳۳، ۲۳۳۵، ۲۳۹۲].

هیچ ممکن نیست

که یهود باشد یا یونانی و نه غلام و نه آزاد و نه مرد و نه زن، زیرا که همه شما در مسیح عیسی یک می باشید.

غل، ۳: ۲۸

مرد یا زن بودن، شاخص هایی ژرف و بنیادی در وجود انسان ایجاد می کند؛ این به منزله گونه ای متفاوت از احساس کردن، گونه ای دیگر از محبت ورزیدن، گونه ای متفاوت از تعهدپذیری از نظر نگهداری فرزند و راهی متفاوت از ایمان است. از آنجا که خدا می خواست که مرد و زن برای یکدیگر باشند و در محبت یکدیگر را تکمیل کنند، آنان را متفاوت نیز آفرید. از این روست که زن و مرد از لحاظ جنسی و روحی جذب یکدیگر می شوند. هنگامی که زن و مرد به یکدیگر عشق می ورزند و با یکدیگر همبستر می شوند، عشق آنان ژرف ترین شکل معنایی را به خود می گیرد. همان گونه که خدا در محبت خود، خلاقانه عمل می کند، انسان ها نیز می توانند در عشق خود نقش آفرینشگری داشته باشند و به فرزندان شان حیات بخشند ۶۴، ۲۶۰، ۴۱۶-۴۱۷.

### ۴۰۱ آیا جنسیتی بر جنسیت دیگر برتری دارد؟

خیر، خدا مرد و زن را در مقام افراد انسانی، منزلی یکسان بخشیده است [۲۳۳۱، ۲۳۳۵].

مسیحیت، زنان را از

وضعیتی بیرون کشید که به برده داری بی شباهت نبود.

مادام دو استائل،

(۱۷۶۶-۱۸۱۷، نویسنده فرانسوی)

مردان و زنان، انسان هایی آفریده شده به صورت خدا و به واسطه عیسی مسیح، فرزندان نجات یافته خدا هستند. تبعیض قائل شدن برای این انسان یا طرد کردن او فقط به این دلیل که او مرد یا زن است، همان اندازه غیرمسیحیایی است که غیرانسانی. اما منزلت مساوی و حقوق مساوی به معنای همسانی نیست. همسان پنداری که در آن ویژگی های خاص زن و مرد نادیده گرفت شده باشد، با آرمان آفرینش از سوی خدا مغایرت دار ← ۶۱، ۲۶۰.



کلیه استدلال های مربوط به «زیردست» بودن زن درقبال مرد در زناشویی باید به عنوان یک «زیردستی متقابل» برای هر دو تن در احترام نسبت به مسیح از نو تعبیر گردد.

ژان پل دوم، نامه رسولی «منزلت زن»

[Mulieris Dignitatem]، ۱۹۸۸

محبت از خداست و هر که محبت می نماید از خدا مولود شده است و خدا را می شناسد.

یو، ۴: ۷

نمی توان فقط به شکل امتحانی زندگی کرد، نمی توان فقط به شکل امتحانی از دنیا رفت. نمی توان فقط امتحانی عشق ورزید و فقط محض آزمودن و به شکل موقت، انسانی را در زندگی خود پذیرفت.

ژان پل دوم

زندگی جنسی که زن و مرد، متناسب با زندگی زناشویی خود و با کردارهایی مقبول با یکدیگر برقرار می کنند، به هیچ وجه امری صرفاً بیولوژیکی نیست، بلکه به درونی ترین هسته هر فرد انسانی در مقام

### ۴۰۲ محبت چیست؟

محبت اهدای آزادانه قلب خود است [۲۳۴۶].

انباشته از محبت بودن یعنی چیزی را چنان خواستنی دانستن که انسان بتواند از خود بیرون آید و خود را وقف آن سازد. یک موسیقیدان می تواند خود را وقف آثار موسیقایی خود کند. یک مربی مهد کودک می تواند با تمام وجود، خود را وقف کودکانی کند که به او سپرده شده اند. محبت را در هر نوعی از دوستی می توان یافت. اما زیباترین شکل از محبت بر زمین، عشق میان زن و مرد است که در آن دو انسان برای همیشه خود را وقف یکدیگر می کنند. هر نوع از محبت میان انسان ها، صورتی از محبت الهی است، محبت خدا که خاستگاه اصلی همه محبت است. محبت، درونی ترین امر مربوط به خدای سه گانه است. در خدا، تبادل پایدار و یک از خودگذشتگی همیشگی وجود دارد. با جاری شدن محبت الهی، ما انسان ها در محبت جاودان خدا مشارکت داریم. هر چه یک انسان بیشتر محبت بورزد، به همان نسبت بیشتر به خدا شباهت می یابد. محبت باید شاخص سراسر زندگی بشر باشد، اما بویژه عمیقاً و مشخصاً در آنجا به تحقق رسد که مرد و زن در زندگی زناشویی خود به یکدیگر عشق بورزند و «یک تن» گردند (پی، ۲: ۲۴) ← ۳۰۹.





انسان مربوط می شود. این رابطه به معنای واقعی انسانی اش تنها زمانی به تحقق می پیوندد که در آن عشقی ادغام شده باشد که زن و مرد تا لحظه مرگ خود به شکل بی قید و شرط نسبت به یکدیگر متعهد شده اند. سرسپاری کامل جسمی، اگر نشان و ثمره ای از سرسپاری کامل شخصیتی نباشد، دروغی بیش نخواهد بود.

ژان پل دوم، رساله «تمکین خانواده»  
[Familiaris Consortio]

هرچه که مراوده جنسی را ساده سازد، همزمان زمینه های سرنگونی آن به سمت یک امر بی اهمیت را فراهم می آورد.

پل ربکور  
(۱۹۱۳-۲۰۰۵، فیلسوف فرانسوی)

پاکدامنی (برگرفته از واژه لاتین castus به معنای پاکدامن) فضیلتی است که به کمک آن، انسان صاحب گرایش جنسی، میل جنسی خود را آگاهانه و قاطعانه برای زندگی عشقی خود حفظ و حراست می کند و طی آن با این وسوسه مقابله می کند که به کمک رسانه ها، شهوت خود را دامن زند یا از چیزهایی دیگر برای ارضای جنسی خود استفاده کند.

#### ۴۰۳ رابطه جنسی و عشق چه ارتباطی با یکدیگر دارند؟

رابطه جنسی و عشق ارتباطی غیرقابل تفکیک با یکدیگر دارند. برای برقراری رابطه جنسی به چهارچوبی از عشقی وفادارانه و معتمدانه نیاز است [۲۳۳۷].

هرکجا که رابطه جنسی از عشق مجزا باشد و فقط به قصد ارضای جنسی صورت گیرد، معنا و مفهوم پیوند جنسی میان زن و مرد مختل می شود. پیوند جنسی، زیباترین شکل بیانی عشق در قالب جسمی - ذهنی است. انسان هایی که در جست و جوی رابطه جنسی بدون عشق هستند، دروغ می گویند، زیرا نزدیکی جسمی در این حالت با نزدیکی قلب های با یکدیگر همخوانی ندارد. کسی که مسئولیت زبان بدن خود را برعهده نمی گیرد، به جسم و روح خود لطمه ماندگار وارد می آورد. در این حالت، رابطه جنسی غیرانسانی می گردد و به ابزار لذت تنزل می یابد و تا سرحد یک کالا خود را خوار می سازد. فقط عشق همراه با تعهد و پایداری در پیوند زناشویی است که فضا را برای یک رابطه جنسی انسانی و سعادت پایدار فراهم می سازد.

#### ۴۰۴ عشق پاک چیست؟ چرا باید فرد مسیحی با پاکدامنی زندگی کند؟

عشق پاکدامنه، عشقی است که با کلیه نیروهای درونی و بیرونی که قصد ویرانی این عشق را دارند، مقابله می کند. فردی پاکدامن است که آگاهانه زندگی جنسی خود را پذیرفته باشد و آن را به خوبی با شخصیت خود همگرا ساخته باشد. ← پاکدامنی و ریاضت به یک معنا نیستند. فردی هم که در زندگی زناشویی خود از یک زندگی جنسی فعالانه برخوردار است، باید پاکدامن باشد. انسان زمانی پاکدامنه رفتار می کند که عملکرد جسمی او بیانی از عشق معتمدانه و وفادارانه او باشد [۲۳۳۸].

← پاکدامنی را نباید با زهدفروشی اشتباه گرفت. کسی که با پاکدامنی زندگی می کند، بازیچه شهوات خود نیست، بلکه زندگی جنسی خود را آگاهانه، از سر عشق و به عنوان بیانی از این عشق نگاه می دارد. عدم پاکدامنی، محبت را تضعیف می کند و معنا و مفهوم آن را تیره و تار می سازد. کلیسای کاتولیک مدافع یک رویکرد کامل با عشق و امور جنسی است. این در درجه اول شامل لذت جنسی است که چیزی نیک و زیباست. در درجه دوم، عشق شخصی انسان قرار دارد و در درجه سوم، حس پاسداشت حیات، یعنی آمادگی پذیرفتن فرزند. کلیسای کاتولیک بر این باور است که این سه جنبه، به یکدیگر تعلق دارند. یعنی اگر مردی زنی را فقط برای لذت جنسی در اختیار داشته باشد، زن دومی را برای عشق و عاشقی شخصی و زن سوم را برای بچه دار شدن، هر سه نفر را آلت دست قرار داده و هیچ یک را برآستی دوست ندارد.

#### ۴۰۵ چگونه می توان عشقی پاکدامنه را زندگی کرد؟ چه عواملی در این زمینه انسان را یاری می رسانند؟

کسی پاکدامنه زندگی می کند که در راه عشق خود آزاد باشد و برده شهوات و خواسته های خود نگردد. بنابراین هر آنچه به آن کمک کند که انسان به فردی بالغ تر، آزادتر و دوست داشتنی تر، با روابط اجتماعی پربرآثر تبدیل شود، به عشق پاکدامنه نیز یاری می رساند [۲۳۳۸-۲۳۴۵].

انسان از راه پرورش اخلاقیات فردی در راه عشق خود آزاده می گردد، اخلاقیاتی که هر انسانی باید در هر سنی که باشد، کسب، تمرین و حراست کند. همزمان این امر به انسان کمک می کند که او در هر موقعیتی که باشد به فرامین خداوند وفادار بماند، به دام و وسوسه ها فرو نغلتد، از هر شکلی از زندگی دوگانه و یا ← ریاکاری بپرهیزد و از خدا بخواهد او را از وسوسه ها در امان نگاه دارد و در عشقش قوی سازد. سرآخر باید گفت که توانایی زیستن یک عشق پاک و منحصر به یک نفر، رحمت و یک عطیه الهی فوق العاده به شمار می رود.

#### ۴۰۶ آیا همه و از جمله افراد متأهل باید پاکدامن باشند؟

بله، هر فرد مسیحی باید عشق خود را پاکدامنه زندگی کند، چه جوان باشد چه مسن، به تنهایی زندگی کند یا متأهل باشد [۲۳۴۸-۲۳۴۹، ۲۳۹۴].

همه انسان ها به زندگی زناشویی فراخوانده نشده اند، اما هر انسانی به عشق فراخوانده شده است. ما برای آن ساخته شده ایم که زندگی خود را وقف کنیم؛ بسیاری در قالب زندگی زناشویی، برخی دیگر به شکل مجرد داوطلبانه در راه ملکوت خدا و عده ای دیگر به این شکل که تنها، اما برای دیگران زندگی کنند. سراسر زندگی انسان در عشق و محبت معنا می یابد. پاکدامن بودن به معنای عشق ورزیدن با قلب تقسیم نشده است. انسانی که پاکدامن نیست، از هم گسیخته و اسیر است. انسانی که عشقی راستین را در خود پرورش می دهد، آزاد، قدرتمند و نیک است؛ او قادر است در محبت دست به فداکاری زند. مسیح اینچنین بود که خود را به طور کامل وقف ما و همزمان به طور کامل وقف پدر آسمانی کرد، یعنی نمونه ای از ← پاکدامنی، زیرا که او الگوی راستین محبت قدرتمندانه است.

هنوز نمی دانم چه موقع ازدواج خواهم کرد، اما مایل نیستیم، از امروز همسر آینده ام را فریب دهم.

پاسخ یک دانشجو به این پرسش که چرا هرگز با یک دختر همبستر نشده است

هرکجا که عشق ظاهر می شود، همه امیال دیگر را دربرمی گیرد و به سوی عشق هدایت می کند.

برنار کلدرو

تسلط بر لحظه، تسلط بر زندگی است.

ماری فن اینریشن باخ



زیرا که این است اراده خدا یعنی قدوسیت شما تا از زنا بپرهیزید. تا هرکسی از شما بداند چگونه باید ظرف خوشیستن را در قدوسیت و عزت دریابد. و نه در هوس شهوت، مثل امت هایی که خدا را نمی شناسند.

ا.تسا، ۵-۳:۴



» جسم خود را به انسانی دیگر هدیه کردن، به معنای اهدای کامل و تمام عیار خود به این انسان است.

ژان پل دوم،  
دیدار با جوانان  
در کامپالا/اوگاندا،  
۱۹۹۳/۰۲/۰۶

» شما باید آن گونه هایی از عشق و ظرافت عمل را پرورش دهید که با گذرا بودن مناسبات دوستانه شما همخوان باشند. این که بیاموزید شکیبایی به خرج دهید و چشم پوشی کنید، بعدها این را نیز برایتان سهل تر خواهد کرد که نسبت به شریک زندگی خود ملاحظه به خرج دهید.

ژان پل دوم،  
۱۹۸۵/۰۹/۰۸  
خطاب به جوانان در وادوز

» D جوانان خواهان بزرگی هستند... مسیح، زندگی آسوده را به ما وعده نداده است. هر کس خواستار آسودگی باشد، بیهوده به او مراجعه کرده است. اما او راه رسیدن به بزرگی، نیکی و زندگی صحیح انسانی را به ما نشان می دهد.

بنديکت شانزدهم، ۲۰۰۵/۰۴/۲۵

۴۰۷ به چه دلیل کلیسا مخالف روابط جنسی پیش از ازدواج است؟

زیرا کلیسا می خواهد عشق را پاس بدارد. هیچ انسانی قادر نیست چیزی ارزشمندتر از خود را به دیگری هدیه کند. «تو را دوست دارم» برای هر دو طرف به این معناست: «فقط تو را می خواهم، تو را به طور کامل می خواهم و تو را برای همیشه می خواهم!» از آنجایی که این امر همواره مصداق دارد، در واقع نمی توان «تو را دوست دارم» را به طور موقت یا به منظور آزمایش ادا کرد، حتی با زبان جسم [۲۳۹۱، ۲۳۵۰].

عده بسیاری در روابط جنسی خود پیش از ازدواج، جدیت دارند. اما این نوع روابط دو ایراد دارند که با عشق سازگار نیست: «گزینه خروج» و هراس از بچه دار شدن. به دلیل آن که عشق بی نهایت بزرگ، بی نهایت مقدس و بی نهایت منحصر به فرد است، کلیسا به تأکید از جوانان می خواهد برای برقراری روابط جنسی، تا پس از ازدواج شکیبایی به خرج دهند [۴۲۵].

۴۰۸ اگر انسان رابطه ای جنسی خارج از ازدواج داشته باشد یا پیش از آن، این گزینه را تجربه کرده باشد، چگونه می تواند به عنوان یک جوان مسیحی زندگی کند؟

خدا ما را در هر لحظه از زمان و در هر وضعیت بغرنجی از زندگی، حتی در زمانی که گناه می ورزیم، دوست دارد. خدا به ما کمک می کند تمامی حقیقت مربوط به عشق را جست و جو کنیم و راه هایی بیابیم تا این عشق را پیوسته به شکل واضح تر و قاطعانه تری به تحقق برسانیم.

جوانان می توانند با صحبت کردن با یک کشمیش یا مسیحیان قابل اعتماد و باتجربه در جست و جوی راهی برآیند که به تحقق هر چه شفاف تر عشق آنان می انجامد. آنان همزمان در خواهند یافت که هر زندگی به منزله یک روند جاری است و هر چه هم که همواره رخ داده باشد، می تواند به کمک خدا، سرآغاز تازه ای بیابد.

۴۰۹ آیا خودارضایی به منزله تخلفی در قبال عشق است؟

خودارضایی نوعی شدید از تخلف در قبال عشق است، زیرا تحریک شهوات را به ابزاری شخصی تبدیل می سازد و مانع شکوفایی کامل عشق میان زن و مرد می گردد. از این رو «رابطه جنسی با خود»، به خودی خود یک تناقض است [۲۳۵۲].

کلیسا خودارضایی را تا سرحد عملی شیطانی مردود نمی شمارد، اما نسبت به بی زبان جلوه دادن آن نیز هشدار می دهد. در حقیقت امر نیز عده بسیاری از جوانان و بزرگسالان در خطر آن قرار دارند که با روی آوردن به تصاویر، فیلم ها و کالاهای عرضه شده در اینترنت که شهوت آفرین هستند، به جای آن که با برقراری رابطه ای شخصی، عشق را بیابند، به انزوا برسند. انزوا می تواند به بن بست منجر شود تا جایی که خودارضایی به اعتیاد تبدیل گردد. اما هیچ انسانی با این شعار به خوشبختی نمی رسد که «برای رابطه جنسی به کسی نیاز ندارم؛ این کار را هر طور که بخواهم و هر زمان که نیازش باشد، با خودم انجام می دهم».

۴۱۰ «زنا» به چه معناست؟

منظور از زنا (برگرفته از واژه یونانی *pornei*) در اصل برقراری روابط جنسی بت پرستانه است، برای نمونه روسپیگری در معابد. بعدها این اصطلاح به کلیه انواع عملکردهای جنسی خارج از فضای تأهل اطلاق شد.

زنا اغلب بر پایه فریفتگی، دروغ، خشونت، اعتیاد و سوء استفاده صورت می گیرد. بنابراین می توان گفت که زنا تخلف سنگینی در قبال عشق است؛ این کار به منزلت بشری آسیب می زند و معنا و مفهوم رابطه جنسی در انسان ها را مخدوش می سازد. دولت ها وظیفه دارند، بویژه افراد نابالغ را در قبال این گونه عملکردها حفظ و حراست کنند.

۴۱۱ چرا فحشاء نوعی زنا به شمار می رود؟

در فحشاء، «عشق» به کالا تبدیل می شود و انسان تا سرحد ابزاری برای ارضای شهوات تنزل درجه پیدا می کند. از این رو، فحشاء به منزله تخلفی سنگین در قبال منزلت بشری و گناهی سنگین در قبال عشق است [۲۳۵۵].

سوداگران فحشاء - معامله گران انسان و دلالان محبت - بدون شک در مقایسه با زنان، مردان، کودکان و جوانانی که اغلب به زور یا براساس اعتیاد، تن خود را می فروشند، مرتکب گناه سنگین تری می شوند.

استمناء (MASTURBATION)  
(آنچه از استمناء درمی یابیم، تحریک آگاهانه و عمدی اعضای جنسی با هدف برانگیختن شهوت جنسی است.)

» برای این که درباره مسئولیت اخلاقی کسانی که در این زمینه راه خطا را انتخاب کرده اند [منظور خود ارضایی است] به یک ارزیابی متناسب دست یابیم، و به دنبال آن، مشاوره روحانی صحیح ارائه دهیم، باید عدم پختگی احساسی، قدرت عادات ماندگار، موقعیت های همراه با وحشت و آن عوامل روانی یا اجتماعی را در نظر بگیریم که می توانند گناه اخلاقی را کاهش دهند یا حتی به حداقل محدود سازند [...].

کتاب تعلیمات دینی کاتولیکی،  
بند ۲۳۵۲



» از آنجا که عشق امری تجاری نیست، پول آن را به قطع و یقین به قتل می رساند.

ژان ژاک روسو

» کسی که گمان دارد، عدم پاکدامنی برای مسیحیان به منزله بزرگ ترین گناه است، اشتباه می کند. گناهان مربوط به تن، ناخوشایند هستند، اما ناخوشایندترین نیستند... چرا که دو نیرو در وجود آدمی می کوشند، او را از نظم و نظام زندگی اش بازدارند: نیروی حیوانی و نیروی شیطانی. نیروی شیطانی بدتر از آن دیگری است. از این رو، یک

فریبکار بی احساس که می پندارد هیچ خطایی متوجه او نیست و مرتب به کلیسا می رود، به جهنم نزدیک تر است تا یک زن بدکاره. اما بدون شک بهتر است که انسان هیچ یک از این دو نباشد.

سی. اس. لویس

» مسئولیت متوجه آنانی است که سکوت می کنند. ادیت اشتاین

» خوشا به حال حلیمان، زیرا ایشان وارث زمین خواهند شد.

مت: ۵:۵

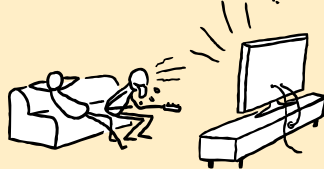
Th! Th! Th!  
Eh Eh Eh!

Ä! Ä! Ä! Ä!  
Uh-Uh-Uh-

ÄhÄhÄh

Oh Oh Oh!

YEA YEA!! HAHAHA  
YEA YEA AAAAA!  
WOW! Ooh ja, hmm  
hmm ja aa...



۴۱۲ به چه دلیل تولید و استفاده از پرنوگرافی گناهی در قبال محبت به حساب می آید؟

کسی که از عشق سوءاستفاده می کند تا روابط جنسی انسانی را از حالت یک رابطه صمیمانه و نزدیک میان دو همسر که کلی سالم به یکدیگر عشق می ورزند، خارج سازد و آن را به کالایی تجاری تبدیل سازد، مرتکب گناه سنگینی می شود. کسی که محصولات پرنو تولید یا استفاده می کند یا آنها را به فروش می رساند، منزلت بشری را خدشه دار ساخته دیگران را به سوی گناه گمراه می سازد. [۲۵۲۳]

پرنوگرافی گونه ای انحرافی از فحشاء است، زیرا در آن، این نکته القاء می شود که در ازای پرداخت هزینه، «عشق» عرضه می شود. بازیگران، تولیدکنندگان و سوداگران این بازار، به یک اندازه در این جرم سنگین درقبال محبت و منزلت بشری سهیم هستند. کسی که از دستاوردهای پرنو استفاده می کند، در فضای مجازی پرنو فعالیت دارد یا در فعالیت های پرنوگرافی شرکت می کند، در حوزه گسترده ای از فحشاء جای دارد و درواقع از تجارت های میلیاردی و آلوده در حوزه امور جنسی پشتیبانی می کند.

۴۱۳ به چه علت تجاوز، گناه سنگینی به شمار می آید؟

کسی که به دیگری تجاوز می کند، به طور کامل منزلت او را پامال کرده است. او با خشونت وارد خصوصی ترین فضای انسانی می شود و بنیان قابلیت این انسان برای عشق ورزیدن را متزلزل می سازد [۲۳۵۶].

فرد متجاوز مرتکب جرمی در قبال ماهیت عشق می شود. این که پیوند جنسی، منحصرأ در چهارچوب عشق و به شکل آزادانه صورت گیرد، جزئی ماهوی از این پیوند است. با این تعریف، امکان دارد حتی در زندگی زناشویی، تجاوز صورت گیرد. سنگین ترین نوع تجاوز به عنوان یک جرم در قالب مناسبات اجتماعی، سلسله مراتبی، شغلی یا خویشاوندی صورت می گیرد، برای نمونه میان والدین و فرزندان یا میان آموزگاران، مربیان، روحانیون و افراد تحت حمایت ایشان ۳۸۶.

۴۱۴ نظر کلیسا درباره استفاده از کاندوم برای مبارزه با بیماری ایدز چیست؟

صرفنظر از این واقعیت که کاندوم، راه صد در صد مطمئنی برای جلوگیری از ابتلا به این بیماری به شمار نمی رود، کلیسا استفاده از آن را به عنوان ابزاری صرفاً یک طرفه و مکانیکی برای مبارزه با ویروس بیماری ایدز مردود می شمارد و مدافع رواج اخلاقیات جدیدی در حوزه ارتباط های انسانی و ایجاد دگرگونی در ذهنیت های اجتماعی است.

فقط وفاداری واقعی و چشم پوشی از برقراری روابط جنسی سبکسرانه است که انسان را از ویروس ایدز در امان نگاه می دارد و رفتاری بی عیب و نقص و یکپارچه را در قبال عشق به انسان می آموزد. احترام گذاشتن به منزلت برابر زنان و مردان، دغدغه نشان دادن نسبت به سلامتی خانواده، رفتار مسئولانه درقبال غرایز و چشم پوشی (به زمان مناسب) از پیوند جنسی، درزمره این رفتار همه جانبه هستند. در کشورهای افریقایی که با رواج فعالیت های اجتماعی همه جانبه در این زمینه، یک چنین رفتاری تشویق شده، میزان آلودگی به ویروس این بیماری به مراتب کاهش یافته است. از این گذشته، کلیسای کاتولیک دست به هر کاری می زند تا به انسان های مبتلا به ایدز یاری رساند.

۴۱۵ داوری کلیسا درباره همجنس گرایی چیست؟

خدا انسان را زن و مرد آفریده و آنان را از نظر جسمی نیز برای یکدیگر ساخته است. کلیسا، انسان هایی را که احساسات همجنس گراییانه دارند، بی قید و شرط پذیرا می شود. درقبال آنان نباید رفتاری تبعیض آمیز صورت گیرد. همزمان کلیسا درباره کلیه روابط همجنس گراییانه اعلام می کند که آنها با نظام آفرینش انسان سازگاری ندارند [۲۳۵۸-۲۳۵۹] ۶۵.


» امکان دارد موارد استثنایی قابل توجهی وجود داشته باشد، برای نمونه زمانی که زنی بدکاره کاندوم را به کار می گیرد، که طی آن ممکن است این به منزله نخستین گام به سوی اخلاقیات باشد، یا یک مسئولیت پذیری کوچک تا باری دیگر آگاهی در این زمینه ایجاد شود که همه چیز مجاز نیست و انسان نمی تواند هر کاری که می خواهد بکند. اما این روش اصلی و واقعی برای بری ماندن از بیماری ایدز نیست. راه حل را باید در انسانی ساختن امور جنسی جست و جو کرد. بندیکت شانزدهم، در «نور جهان»

» وفاداری در زناشویی و پرهیز در خارج از فضای زناشویی، بهترین راه برای پرهیز از بیماری و جلوگیری از شیوع ویروس بیماری هستند. در واقع، ارزش هایی که از درک راستین زندگی زناشویی و زندگی خانوادگی نشأت می گیرند، تنها بنیان مطمئن برای یک جامعه باثبات را تشکیل می دهند.

بندیکت شانزدهم، ۲۰۰۶/۱۲/۱۴





 مرا مثل خاتم بر  
دلت و مثل نگین  
بر بازویت بگذارد، زیرا که  
محبت مثل موت زورآور  
است و غیرت مثل هاویه  
ستم کیش می باشد. شعله  
هایش شعله های آتش و  
لهیب یهوده است. آب های  
بسیار محبت را خاموش  
نمی تواند کرد و سیل ها آن را  
نمی تواند فرو نشانیاند. اگر کسی  
تمامی اموال خانه خویش را  
برای محبت بدهد، آن را البته  
خوار خواهند شمرد.

غز، ۸: ۸۰۶

**۴۱۶** مهم ترین عناصر در زندگی زناشویی مسیحی کدام اند؟

۱. یگانگی: ازدواج پیمانی است که بنا به ماهیتش، باعث یکپارچگی جسمی، فکری و روحی میان زن و مرد می گردد؛
۲. فسخ ناپذیری: ازدواج «تا زمانی که مرگ شما را از یکدیگر جدا سازد» اعتبار دارد؛
۳. آمادگی بچه دار شدن: درهای هر زندگی زناشویی باید به روی بچه دار شدن باز باشد؛

۴. تلاش برای رفاه حال شریک زندگی  
[۲۳۶۰-۲۳۶۱، ۲۳۹۷-۲۳۹۸-۲۳۹۸].

اگر یکی از طرفین در زمان عقد پیمان زناشویی، یکی از عناصر یادشده را قبول نداشته باشد، ← آیین فیض بخش از دواج اصلاً صورت نمی گیرد ← ۶۴، ۴۰۰.

**۴۱۷** رابطه جنسی در زندگی زناشویی چه معنا و مفهومی دربردارد؟

بنا به خواسته خدا، مرد و زن باید با یکدیگر رابطه ای جنسی و شهوانی داشته باشند تا پیوسته پیوند عمیق تری در عشق خود بیابند و بر مبنای عشق خود فرزندان به دنیا آورند [۲۳۶۷-۲۳۶۲].


جسم انسان، شهوات او و شادمانی های شهوانی او در مسیحیت از جایگاهی متعالی برخوردارند: «مسیحیت... بر این باور است که این یک ماده نیک است که خدا خود زمانی به شکل انسان درآمد، این که حتی در ملکوت خداوند به ما گونه ای پیکره انسانی عطا می شود و این پیکره، بخشی اساسی از سعادت، زیبایی و نیروی ما است. مسیحیت بیشتر از هر دین دیگری، زندگی زناشویی را ارج می گذارد و جلال می بخشد. تقریباً همه اشعار عاشقانه ارزشمند جهان ادبیات را مسیحیان سروده اند و مسیحیت با هر فردی که ادعا کند، رابطه جنسی به خودی خود امر بدی است، مخالفت می ورزد» (سی.اس. لوئیس C.S. Lewis). البته لذت به خودی خود مقصود و هدف نیست. هر کجا که لذت طرفین تنها هدف باشد و پذیرای زندگی جدیدی نباشد که قرار است از آن حاصل گردد، لذت با ماهیت عشق همخوانی ندارد.

**»** این روزها بویژه این پرهیز ضرورت دارد که زندگی زناشویی با دیگر شکل های ارتباط که بر پایه یک عشق ضعیف بنیان نهاده شده اند، التقاط نیابد. فقط صخره عشق مطلق و خدشه ناپذیر میان زن و مرد قادر است، بنیانی برای ساخت جامعه ای باشد که برای همه انسان ها به معنای یک سرپناه است.

بنديکت شانزدهم، ۱۱/۰۵/۲۰۰۶

**»** خدا نمی خواهد لذت را از ما بگیرد، بلکه می خواهد به ما لذت ابدی ببخشد.

هاینریش ژبیه  
(۱۲۹۵-۱۳۶۶،  
عارف و الهیات شناس آلمانی)

 زیرا که هر مخلوق خدا نیکو است و هیچ چیز را رد نباید کرد، اگر به شکرگزاری پذیرند.  
۱ تیم، ۴: ۲





» کودک از این حق برخوردار است که «از نخستین لحظه بسته شدن نطفه، در مقام یک فرد انسانی مورد توجه قرار گیرد».

رهنمود پای ۸.۲، Donum Vitae.

» کودکان برکت خدا هستند.

و پلیم شکسپیر (۱۶۱۶-۱۵۶۴)، نمایشنامه نویس انگلیسی

» هر کودکی ارزشمند است. هر کودکی آفریده ای از سوی خداست.

مادر تریزا

» صاحب فرزند شدن همراه با مسئولیت

پذیری کلیسا مدافع و آری گوی حق زوجین برای آن است که آنان در چهارچوب ضوابط تنظیم بارداری، تعداد فرزندان و فاصله میان آنان را خود تعیین کنند.

» تنظیم خانواده به روش طبیعی، چیزی جز خویش شدن در خارج از فضای عشق میان دو نفر نیست.

مادر تریزا، در مراسم دریافت جایزه نوبل سال ۱۹۷۹

۴۱۸ فرزند در زندگی زناشویی چه اهمیتی دارد؟

فرزند به منزله آفریده و عطیه ای از سوی خداست که از طریق عشق والدین خود به دنیا می آید [۲۳۹۸، ۲۳۷۸].

عشق راستین خواستار در خود فرورفتن طرفین نیست. عشق درهای خود را زمانی می گشاید که کودکی از آن حاصل گردد. کودکی که نطفه اش بسته می شود و سپس به دنیا می آید، «درست» نشده و محصول زن های پدر و مادر خود نیز نیست. او یک آفریده کاملاً جدید و منحصر به فرد، مجهز به روح ویژه خود است. بنابراین کودک درواقع به والدین تعلق ندارد و دارایی آنان به شمار نمی رود. ۳۶۸، ۳۷۲

۴۱۹ یک زوج مسیحی باید چه تعداد فرزند داشته باشد؟

یک زوج مسیحی آن تعداد از فرزندان را دارد که خدا به آنان می بخشد و خود قادر به پذیرفتن مسئولیت آنان هستند [۲۳۷۳].

همه فرزندان که خدا به انسان می بخشد، به منزله عطیه و برکتی بزرگ هستند. این بدان معنا نیست که یک زوج مسیحی نباید ملاحظه ای در این زمینه داشته باشد که با وضعیت اقتصادی، اجتماعی و بهداشتی خود مسئولیت چه تعدادی از فرزندان را می تواند برعهده داشته باشد. اگر «به رغم» شرایط نامساعد، کودکی به دنیا آمد، باید از او با شادمانی و آمادگی استقبال کرد و او را با عشق فروان پذیرا شد. عده بسیاری از زوج های مسیحی با اعتماد به خدا، جسارت تشکیل خانواده هایی را به خرج داده اند که به شکل نامتعارفی بزرگ هستند.

۴۲۰ آیا یک زوج مسیحی مجاز به پی ریزی یک برنامه تنظیم خانواده هست؟

بله، یک زوج مسیحی مجاز است و همچنین باید با عطیه بخشیدن حیات به دیگری مسئولیت پذیرانه برخورد کند [۲۳۶۸-۲۳۶۹، ۲۳۹۹].

برخی اوقات، موقعیت هایی اجتماعی، روانی یا بهداشتی حاکم است که در آنها، تولد فرزندی دیگر می تواند به منزله چالشی بزرگ و تقریباً فراتر از توانایی بشر باشد. از این رو، معیارهایی شفاف وجود دارد که والدین باید به آنها توجه کنند: تنظیم خانواده در درجه نخست نمی تواند به آن معنا باشد که یک زوج، بچه دار شدن را به کل مردود بشمارند. دوم آن که نمی تواند به آن معنا باشد که بچه دار شدن بنا به

دلایل ناشی از خودخواهی مردود شمرده شود. سوم آن که نمی تواند به آن معنا باشد که جبری خارجی در کار باشد (برای نمونه اگر دولت تعیین کننده آن باشد که زوجین مجاز به بهره مندی از چه تعداد فرزند هستند)، در درجه چهارم، این امر نمی تواند به آن معنا باشد که برای این منظور استفاده از هر ابزاری مجاز است.

۴۲۱ چرا همه ابزاری که مانع بچه دار شدن می شوند، به یک میزان مقبول نیستند

کلیسا در بیان روش های تنظیم آگاهانه خانواده، به روش های ظریف تری از توجه های شخصی و «روش جلوگیری طبیعی» اشاره می کند. این روش ها با منزلت مرد و زن همخوانی دارند؛ در آنها به ضوابط داخلی جسم زنانه توجه می شود؛ این روش ها، لطافت و توجهی متقابل را مطالبه می کنند و از این رو به منزله مدرسه ای برای عشق هستند [۲۳۷۰-۲۳۷۲، ۲۳۹۰].

کلیسا با دقت، نظام طبیعت را زیر نظر دارد و معنا و مفهومی عمیق در آن می بیند. به همین دلیل برای کلیسا این امر علی السویه نیست که آیا زوجی در مسأله باروری زن دخالت مستقیم می کند یا از نظم طبیعی روزهای باروری و عدم باروری برای زنان به نفع خود بهره می جوید. بیهوده نیست که «روش جلوگیری طبیعی، طبیعی نامیده شده است: این روش، همخوان با معیارهای زیستی انسان، فراگیر، همسردستانه و همچنین سالم است. این روش همچنین در صورتی که به شکل صحیح به کار گرفته شود، حتی موثرتر از قرص های ضدبارداری است. در نقطه مقابل، کلیسا استفاده از روش های دیگر جلوگیری، یعنی استفاده از ابزار مصنوعی را مردود می شمارد - منظور ابزارهای شیمیایی (قرص های ضدبارداری)، ابزار مکانیکی (برای نمونه کاندوم و دستگاه جلوگیری برای بانوان و غیره) و همچنین روش های جراحی (عقیم سازی) است - زیرا این روش ها به منزله دستکاری در معنا و مفهوم واقعی پیوند میان مرد و زن هستند. برخی ابزار حتی ممکن است، تدرستی زن را به خطر اندازند، باعث سقط جنین زودرس شوند و در دراز مدت بر زندگی عاشقانه میان زن و مرد تأثیر منفی بگذارند.

۴۲۲ زوجی که بچه دار نمی شوند مجاز به چه کارهایی هستند؟

زوجی که با مسأله ناباروری مواجه هستند، می توانند از هر ابزار پزشکی بهره برند که مغایر با منزلت فردی، حقوق فرزند آنان در آینده و «قداست» آیین فیض بخش از دواج نباشد.

این گونه نیست که بچه دار شدن یک حق مسلم و مطلق باشد. هر کودکی به منزله هدیه ای از سوی خدا است. زوج هایی که از این

» تنظیم خانواده به روش جلوگیری طبیعی

به روشی از تنظیم بارداری گفته می شود که در آن از نشانه های مربوط به دوران باروری زن در حدفواصل قاعدگی ها و آگاهی از توان باروری زن و مرد استفاده می گردد تا به شکل هدفمند در راه بارداری یا پرهیز از آن تلاش شود.

» در همان حال که پیوند جنسی، برمبنای ماهیت اصلی اش، بیانگر اهدای بی قید و شرط و متقابل خود است، پیشگیری از بارداری به حرکتی در اصل دارای تناقض و نوعی خود را اهداء کردن ناقص تبدیل می شود.

به این ترتیب است که به بطلان عمدی آری گویی به حیات، تقلبی درواقع باطنی در عشق زناشویی نیز افزوده می شود، عشقی که در اصل به سرسپردگی با تمامیت وجود دعوت شده است.

ژان پل دوم، «Familiaris Consortio» شماره ۳۲ (پیشگیری از بارداری) در نقطه مقابل «تنظیم بارداری»



» فراموش نکنند که کودکان، زنان و مردان بسیاری در این دنیا زندگی می کنند که آنچه را که شما دارید، ندارند و همچنین به آنان نیز محبت کنید، تا سرحد دردمندی.

مادر تریزا



» بدترین بخش از همه تراژدی های جهان، خشونت اعمال شده از سوی شریران نیست، بلکه سکوت نیکان است.

مارتین لوتر کینگ (۱۹۲۹-۱۹۶۸، مدافع آمریکایی حقوق شهروندی در سخنرانی ای که طی آن شهروندان رنگین پوست خود را به اعتراض مدنی فراخواند)

هدیه محروم می مانند، به رغم آن که کلیه ابزار پزشکی مجاز را آزموده اند، می توانند کودکانی را به فرزندی قبول کنند یا برای نمونه با رسیدگی به وضعیت کودکان طردشده از خانواده، به شکل های دیگری در عرصه اجتماعی فعالیت نمایند.

### ۴۲۳ دآوری کلیسا درباره باروری مصنوعی و اجاره رحم چیست؟

هر کجا که با مداخله یک فرد سوم، پیوند و اشتراک میان زوجین خدشه دار یا نابود شود یا باروری به روشی مکانیکی بدون پیوند جنسی در زندگی زناشویی حاصل آید، باید کلیه یاری رسانی ها به بسته شدن نطفه یک کودک از راه پژوهش و پزشکی خاتمه یابد [۲۳۷۴-۲۳۷۷].

کلیسا بنا به احترامی که به منزلت انسان قائل است، بسته شدن نطفه کودک با روش باروری مصنوعی از طریق تلقیح همولوگ را رد می کند. هر کودکی در نقشه خدا از این حق برخوردار است که پدر و مادری داشته باشد، این پدر و مادر را بشناسد و تا آنجا که ممکن باشد، در چهارچوب عشق آنان رشد کند. باروری مصنوعی با اسپرم های مردی بیگانه یا سلول های تخم زنی بیگانه (تخمک گذاری مصنوعی یا باروری مصنوعی) روح حاکم بر زندگی زناشویی را نیز که مرد و زن در آن فقط مجاز هستند با یکدیگر پدر یا مادر گردند، مخلدوش می سازد. اما تخمک گذاری مصنوعی یا باروری مصنوعی (زمانی که اسپرم و سلول تخم از شخص زوج ها گرفته شده باشد)، کودک را به محصولی از یک روند فنی بدل می کند و مانع آن می شوند که این فرزند بر مبنای پیوندی عاشقانه برآمده از رابطه ای جنسی میان والدین به دنیا آید. اما اگر کودک به یک محصول تبدیل شود، بی درنگ پرسشی کنایه آمیز درباره کیفیت محصول و مسئولیت پذیری درقبال آن مطرح می شود. کلیسا همچنین آزمایش های مقدماتی کشت تخمک در رحم را مردود می شمارد که به قصد از بین بردن جنین هایی صورت می گیرد که رشد کامل و درست ندارند. اجاره رحم نیز که در آن جنینی که به شکل مصنوعی نطفه آن بسته شده است در بدن زنی ناشناس رشد می کند، با منزلت بشری در تناقض هستند. ۲۸۰ ←

### ۴۲۴ زنا چیست؟ آیا طلاق مجاز است؟

زنا زمانی صورت می گیرد که دو نفر که دستکم یکی از آنان با فرد دیگری ازدواج کرده باشد، به یکدیگر نزدیک شوند. زنا خیانت اصلی در قبال عشق، شکستن پیمانی که در پیشگاه خدا بسته شده است و ظلمی درقبال همنوع است. عیسی خود شخصاً فسخ ناپذیری پیمان زناشویی را به تأکید روشن ساخته است: «پس آنچه خدا پیوست، انسان آن را جدا نکند» (مر ۱۰: ۹). به این ترتیب، عیسی با استناد به اراده اولیه خالق، پذیرش و تاب آوردن جدایی در زندگی زناشویی را که در عهد عتیق آمده بود، ملغی ساخت [۲۳۵۳، ۲۳۶۴-۲۳۶۵، ۲۳۸۲-۲۳۸۴].

و دیعه شهامت بخش این پیام عیسی چنین است: «شما در مقام فرزندان پدر آسمانی تان، قادر به عشقی مادام العمر هستید!» به رغم آن این ساده نیست که انسان در سراسر زندگی اش به شریک زندگی خود وفادار بماند. ما مجاز نیستیم انسان هایی را که زندگی زناشویی شان با شکست مواجه می شود، متهم سازیم. اما مسیحیانی که در این زمینه سبکسرانه تصمیم به طلاق می گیرند، گناهی را متوجه خود می سازند. آنان در قبال محبت خدا که در زندگی زناشویی هویدا می شود، گناه می کنند. آنان در قبال شریک زندگی که او را ترک کرده اند و فرزندی که آنان را ترک کرده اند، مرتکب گناه می شوند. البته طرف وفادار در آن زندگی مشترکی که غیر قابل تحمل شده باشد، می تواند محل زندگی مشترک را ترک کند. ممکن است حتی به دلیل خطیر شدن اوضاع، لغو قانونی پیمان زناشویی اجتناب ناپذیر گردد. در مواردی که در آنها دلایل کافی موجود باشد، کلیسا می تواند در طول روند بطلان پیمان زناشویی، اعتبار زناشویی را به بررسی و آزمون بگذارد ← ۲۶۹.

### ۴۲۵ چرا کلیسا مخالف «همزیستی بدون ازدواج» است؟

از نظر کاتولیک ها، ازدواج نمی تواند بدون برگزاری مراسم ازدواج کلیسایی صورت گیرد. در این مراسم، مسیح در پیوند میان مرد و زن حضور می یابد و بزرگمشتانه عطا یا و هدایای خداوند را به این زوج اهداء می کند [۲۳۹۰-۲۳۹۱].

افرادی که سن بیشتری دارند گاه ممکن است خود را ناگزیر به بیان این اندرز خطاب به جوانان ببینند که از ازدواج با روش «برای ابد و با لباس عروسی» پرهیز کن. آنان ممکن است این نظر را داشته باشند که ازدواج چیزی جز ادغام شتابزده دارایی ها، آینده و نیت خیر و همزمان لغو رسمی وعده های توخالی نیست. اما ازدواج مسیحی به منزله معامله ای محیالانه نیست، بلکه بزرگ ترین هدیه ای است که

» وفاداری، در هر جا مطلق است و یا اصلاً وجود خارجی ندارد.

کارل یاسپرس (۱۸۸۳-۱۹۶۹، فیلسوف آلمانی)

» ریشه بحران زناشویی و خانواده را باید در تعریفی نادرست از آزادی یافت.

ژان بل دوم

» زناشویی میان تعمید یافتگان که به شکل معتبر منعقد شده باشد، با هیچ خشونت انسانی و بر مبنای هیچ دلیلی، مگر مرگ، گسستی نیست.

کتاب قانون کاتولیکی، شماره ۱۱۴۱

» بلکه سخن شما بلی و نی نی باشد، زیرا که زیاده بر این از شریر است.

مت: ۵: ۳۷





» در پیشگاه خدا تو را به زنی/شوهری می پذیرم. به تو قول وفاداری می دهم، در خوشی و در ناخوشی، در تندرستی و بیماری تا زمانی که مرگ ما را از هم جدا سازد. من می خواهم تو را دوست بدارم، به تو توجه کنم و تمام روزهای زندگی ام به تو احترام بگذارم.

از آیین عقد پیمان مقدس زناشویی



فرمان هفتم:  
دزدی مکن!

» زیر که فیض خداوند ما عیسی مسیح را می دانید که هرچند دولتمند بود، برای شما فقیر شد تا شما از فقر او دولتمند شوید.

قر ۲: ۸-۹

» هرکجا که ثروتی نباشد، از شادمانی بخشیدن نیز خبری نخواهد بود؛ در آنجا هیچکس نمی تواند از این لذت بهره مند باشد که به دوستان، آوارگان و رنجدیدگان در برطرف شدن نیازهایشان یاری رساند.

ارسطو

خدا برای دو فرد عاشق در نظر گرفته است. خدا خود آنان را در آن ژرفنایی با یکدیگر پیوند می دهد که ایجاد آن از دست انسان ها بر نمی آید. عیسی مسیح که گفت: «جدا از من هیچ نمی توانید کرد» (یو، ۱۵: ۵)، خود در آیین فیض بخشش ازدواج به شکل پایدار حضور دارد. او به منزله محبتی در عشق میان زوجین است. این قوای اوست که حتی هنگامی که قوای دو فرد عاشق آشکارا رو به افول می رود، همچنان مهیاست. از این رو، امر مقدس ازدواج، به کل فراتر از یک تکه کاغذ است. ازدواج مانند خودرویی مهیا شده از سوی خداوند است که زوجین می توانند سوار آن شوند - خودرویی که عروس و داماد درباره آن می دانند که به اندازه کافی سوخت دارد که به یاری خدا به سر منزل شور و عشق آنان نسبت به یکدیگر برسد. اگر این روزها عده بسیاری می گویند که ایرادی در این کار نمی بینند که رابطه جنسی غیرتعهدآور پیش یا خارج از فضای ازدواج و زناشویی برقرار شود، کلیسا افراد را دعوت می کند، با این فشار اجتماعی به گونه ای شفاف و قدرتمندانه مقابله کنند.

فرمان هفتم با ادای «دزدی مکن» (خرو، ۲۰: ۱۵) چه می خواهد بگوید؟

فرمان هفتم فقط این را قدغن نمی شمارد که از انسانی دیگر، چیزی را برابیم، بلکه مدیریت و تقسیم عادلانه کالاها بر زمین را نیز مطالبه می کند، این قانون، مسأله مالکیت خصوصی و تقسیم درآمدهای ناشی از کار کردن انسان ها را انتظام می بخشد. تقسیم ناعادلانه مواد خام نیز در این فرمان به انتقاد گذاشته می شود. [۲۴۰۱].

فرمان هفتم در ابتدا در واقع فقط این نکته را ممنوع می سازد که دارایی دیگری را به شکل غیرقانونی صاحب شویم. اما در واقع دربرگیرنده این تلاش بشری هم هست که جهان باید به شکل اجتماعی و عادلانه نظام بندی شود و همه باید به فکر توسعه مناسب آن باشند. فرمان هفتم می گوید که ما با ایمان خود متعهد هستیم، در راه حفاظت از آفرینش و حفظ و حراست از منابع طبیعی آن گام برداریم.

۴۲۷

چرا حق مطلق نسبت به دارایی خصوصی وجود ندارد؟

نه یک حق مطلق، بلکه فقط حقی نسبی نسبت به دارایی ها وجود دارد، زیرا خدا زمین و کالاهای آن را برای همه انسان ها آفریده است [۲۴۰۲-۲۴۰۶، ۲۴۰۶-۲۴۵۲].

پیش از آن که بخشی از واقعیت های آفریده شده بتواند به برخی انسان ها «تعلق» پیدا کند، از آن رو که به شکل قانونی کسب شده، به ارث گرفته شده یا به عنوان هدیه دریافت شده است، باید این مالکان بدانند که هیچ دارایی بدون تعهد اجتماعی وجود ندارد. همزمان کلیسا با آنانی مخالفت می ورزد که از تعهدآوری اجتماعی مربوط به دارایی هایشان این نتیجه را می گیرند که امکان برخوردراری از دارایی های خصوصی وجود ندارد و همه چیز باید به همگان و یا به دولت تعلق داشته باشد. یک مالک خصوصی که بر سرمایه ای به معنا و مفهوم مدنظر خالق خود مدیریت می کند، آن را نگهداری می کند، تکثیر می بخشد و درآمدهای ناشی از آن را به گونه ای تقسیم می کند که هرکس سهم خود را دریافت دارد، به طور کامل مبتنی بر تعهدات الهی خلقت عمل کرده است.

۴۲۸

دزدی چیست و چه چیزی در ذیل فرمان هفتم می گنجند؟

دزدی به معنای گرایش غیرقانونی به سمت کالای غیر است [۲۴۰۸-۲۴۱۰].

تصاحب کردن کالای غیر به شکل غیرقانونی حتی زمانی هم که نتوان از این عمل بنا به قوانین مدون کشوری شکایت کرد، به منزله نقض فرمان هفتم است. هرچه در نزد خدا ناحق است، غیرقانونی نیز هست. البته فرمان هفتم فقط به دزدی کردن مربوط نمی شود، بلکه به عدم پرداخت غیرقانونی دستمزدهای قانونی، نگه داشتن و بازپس ندادن اشیاء گمشده که فرد قادر به پس دادن آن باشد و به طور کلی به کلاهبرداری ها مربوط می شود. آنچه در فرمان هفتم قدغن شمرده می شود، همچنین به قرار ذیل است: استخدام کارمندان بنا به شرایط غیرانسانی، رعایت نکردن مفاد قراردادها، به هدر دادن سودهای حاصله بدون ملاحظه تعهدات اجتماعی، بالابردن یا پایین بردن مصنوعی قیمت ها، به خطر انداختن موقعیت های شغلی کارمندان قابل اطمینان، رشوه پذیری و فساد مالی، کارمندان وابسته به دستگاهی ویژه را به سوی استفاده غیرقانونی از پرونده های آن سازمان سوق دادن، کار را درست ارائه ندادن یا مطالبه دستمزدهایی نامتناسب، به هدر دادن سرمایه های اجتماعی و مدیریت نسجیده بر آنها، تقلب در پول، صورت حساب یا ترازنامه های مالی یا عدم پرداخت مالیات.

» پس ثروت خصوصی برای هیچکس یک حق محتوم و بی قید و شرط نیست.

پل ششم،  
Populorum Progressio

» داشتن و نبخشیدن در برخی موارد بدتر از دزدیدن است.

ماریا فُن اینتر ایشن باخ

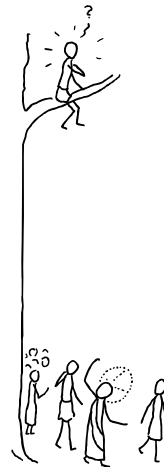
» پاپ پل ششم در رساله اجتماعی خود با نام «پیشرفت ملت ها» [Populorum Progressio]

این عبارت [Progressio] بنیادی را ایراد می کند که «اقتصاد باید منحصرأ در خدمت انسان باشد» (۳، ۲۶). او همه تصورات مبتنی بر این امر را مردود می شمارد که «سودآوری، نیروی محرکه اصلی پیشرفت اقتصادی، رقابت، نخستین قانون اقتصاد و ثروت در حیطه ابزار تولیدی، یک حق مطلق، بدون محدودیت و بدون مسئولیت هایی در این زمینه درقبال جامعه است.»



## ایده دزدی PLAGIARISM

(برگرفته از واژه لاتین plagium به معنای آدم ربایی): دستبرد مخفیانه و بدون کسب اجازه به یک سرمایه یا ایده فکری است که فرد آن را دستاورد خود جلوه می دهد.



اما زکی برپا شده، به خداوند گفت: «الحال ای خداوند نصف مایملک خود را به فقرا می دهم و اگر چیزی ناحق از کسی گرفته باشم، چهار برابر بدو رد می کنم» (یو، ۱۹: ۸).

» من عاشق پول هستم، پول به من این امکان را می دهد که به دیگران کمک کنم.  
بلز پاسکال

» مرد ثروتمند اغلب فقط مردی فقیر با پول فراوان است.

ارسطو اوناسیمس

## ۴۲۹ چه قوانینی درباره ثروت های فکری وجود دارد؟

به سرتقت بردن ثروت های فکری هم دزدی به شمار می رود [۲۴۰۸-۲۴۰۹].

فقط ← ایده دزدی (انتحال) نیست که دزدی به شمار می رود. دزدی ثروت های فکری با از روی دست هم نوشتن در مدرسه آغاز می شود، با استخراج غیرقانونی داده های اینترنتی ادامه می یابد، شامل صدور رونوشت های تقلبی و همچنین رونوشت های غیرمجاز از پایگاه های گوناگون رسانه ای نیز می شود و به معامله با رونوشت ها و عقاید رپوده شده می رسد. هرگونه استناد به یک سرمایه فکری مربوط به غیر، مستلزم موافقت اختیاری او و پرداخت وجهی قابل قبول به صاحب اثر و همچنین مشارکت دادن صاحب اثر در درآمدهای حاصله است.

## ۴۳۰ منظور از عدالت مبادله ای چیست؟

عدالت مبادله ای، قوانین مربوط به مبادلات میان افراد را با بذل دقت نظر کامل نسبت به حقوق آنان تنظیم می کند. براساس آن، این امکان فراهم می آید که از قوانین مربوط به دارایی ها حراست شود، بدهی ها بازپرداخت شود، تعهدهایی که داوطلبانه برعهده گرفته شده اند، به اجراء گذاشته شوند، زیان های وارده به شکل متناسب جبران گردند و اموال مسروقه به صاحبانشان بازگردانده شوند [۲۴۱۱-۲۴۱۲].

## ۴۳۱ آیا مجازیم دست به ترفندهای مالیاتی بزنیم؟

زیرکی به خرج دادن در برخورد با نظام های مالیاتی پیچیده کار موجه و مقبولی نیست. عدم پرداخت مالیات یا کلاهبرداری های مالیاتی اموری غیراخلاقی هستند، یعنی تقلب، پنهان کاری یا پرده پوشی در زمینه داده ها برای آن که از محاسبات صحیح مالیاتی جلوگیری شود [۲۴۰۹].

با پرداخت مالیات، شهروندان بنا به توان مالی خود به این امر یاری می رسانند که دولت بتواند وظایف خود را به انجام برساند. از این رو، احتراز از پرداخت مالیات یکی از جرائم کیفری به شمار نمی رود. مالیات ها باید به شکل قانونی و متناسب وضع شده باشند و همچنین باید بر اساس راه های قانونی فسخ پذیر باشند.

## ۴۳۲ آیا یک فرد مسیحی مجاز است در بازار بورس یا در اینترنت دست به خرید و فروش بزند؟

یک فرد مسیحی تا زمانی مجاز است در بورس یا اینترنت دست به معامله بزند که این امر در چهارچوب آداب و رسوم متعارف معامله با سرمایه های شخصی یا سرمایه های به ودیعه گذاشته شده صورت بگیرد و همزمان مغایر با هیچ فرمان اخلاقی دیگری نباشد.

معاملات بازار بورس زمانی غیراخلاقی می گردند که طی آن ابزاری غیرقانونی (برای نمونه سفته بازی هایی با استفاده از اطلاعات محرمانه) به کار گرفته شود؛ هنگامی که برای نمونه انجام معاملات، بنیان های حیاتی شخص یا دیگران را درازای اطمینان بخشیدن، به خطر اندازد و همچنین هنگامی که معاملات در چهارچوب بخت آزمایشی ها، جنبه اعتیاد به خود گیرد.

## ۴۳۳ رفتار ما با دارایی که به همگان تعلق دارد، چگونه باید باشد؟

ویرانگری و خرابکاری های عمدی در تأسیسات عمومی یا اموال عمومی، شکل هایی از سرتقت به شمار می روند و باید خسارات مربوط به آن را جبران کرد [۲۴۰۹].

## ۴۳۴ آیا فرد مسیحی اجازه شرکت در شرط بندی ها و بخت آزمایی ها را دارد؟

شرط بندی ها و قمار زمانی غیراخلاقی و خطرناک به شمار می آیند که فرد شرکت کننده در آنها، بنیان های مالی خود را به خطر اندازد. هنگامی که زیربناهای حیاتی دیگران به خطر می افتد، بویژه افرادی که به فرد مورد نظر اعتماد کرده اند، وضع وخامت بیشتری به خود می گیرد [۲۴۱۳].

این امر از نظر اخلاقی به کل مشکوک است که فردی مبالغه بالایی را برای قمار به کار گیرد، آن هم در زمانی که عده ای دیگر از ضروری ترین نیازهای خود در زندگی محروم هستند. از آن گذشته، امکان دارد، شرط بندی و قمار، فرد را معتاد و به برده تبدیل سازند.

## ۴۳۵ آیا «خرید» و «فروش» انسان ها مجاز است؟

هیچ انسانی و حتی هیچ عضوی از انسان نباید به کالا تبدیل شود. همچنین انسان مجاز نیست خود را به کالا تبدیل سازد. انسان به

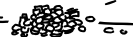
آن که نقره را دوست دارد، از نقره سیر نمی شود.  
جا، ۵: ۹

» بیشتر از آن که او صاحب پول خود باشد، پول صاحب اوست.

سپیریانوس مقدس اهل کارناژ (حوالی ۲۵۸-۲۰ از آباه کلیسایی)

» در هر بار خرید و استفاده از یک شیء، به فکر آن باش که این، محصولی از کار انسان ها است و تو از آن استفاده و آن را خراب می کنی، به آن لطمه می زنی، کاری را که بر روی آن انجام گرفته تخریب می کنی و به این ترتیب، این به بهای جان انسان ها تمام می شود.

لئو تولستوی (۱۸۱۸-۱۹۱۰، نویسنده روس)





» به دلیل خشونت حاکم بر سرمایه داری که انسان ها را تا سر حد کالا تنزل داده است، یکبار دیگر از نو منظور عیسی از هشدار نسبت به ثروت را درک می کنیم که به خدا شدن مَمُونَا (پول) که برای انسان ها بسیار ویرانگر است و بخش بزرگی از جهان را در چنبره خود خفه می کند، اشاره دارد.

بنديکت شانزدهم در کتاب «عیسی ناصری»

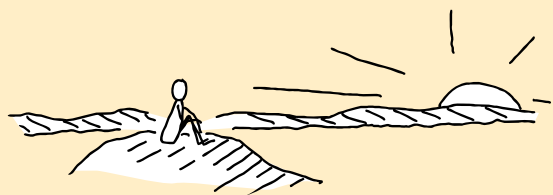
» Ca. 12.3 Millionen Menschen leben versklavt in Zwangsarbeit. Ca. 2.4 Millionen von ihnen sind Opfer des Menschenhandels. Summe der Gewinne: ca. 10 Milliarden US-Dollar. Schätzungen der IOL (Internationale Organisation der Arbeit) für das Jahr 2005

» تجربه نشان می دهد که هر بی ملاحظگی نسبت به محیط زیست، به همزیستی انسانی زبان های وارد می آورد و عکس این موضوع نیز صادق است. ارتباط جدایی ناپذیر میان صلح با آفرینش و صلح در میان انسان ها، هر روز آشکارتر بروز می کند.

بنديکت شانزدهم، ۲۰۰۷/۰۱/۰۱

خدا تعلق دارد و آزادی و منزلت بشری از سوی خدا به او اهداء شده است. خرید و فروش انسان ها، نظیر آنچه که امروزه در حوزه فحشاء و نه فقط هم در این حوزه، کاملاً رایج است. عملکردی به کل نکوهیده است [۲۴۱۴].

آچه در قاچاق اعضای بدن، قاچاق جنین انسان در فناوری زیستی، قاچاق کودکان به منظور قبول به فرزندی، به کار گرفتن کودکان در مقام سرباز و چه در عرصه های فحشاء، در همه این موارد، شکل کهنه و غیرقانونی تجارت انسان و بردگی از نو ظهور می کند. در همه این موارد، آزادی، منزلت، حق تعیین سرنوشت و بلکه حتی حیات از انسان ها سلب می شود. انسان ها در حد اشیایی تنزل می کنند که مالکشان قادر است با آنها تجارت کند. به کار گرفتن انسان ها در حوزه هایی نظیر فوتبال و دیگر شکل های ورزش را باید از تجارت انسان به معنا و مفهوم ظالمانه اش جدا پنداشت. در اینجا نیز از «خرید» و «فروش» سخن گفته می شود، اما اینها روندهایی هستند که برای به جریان افتادن آنها فرد بازیگر قادر به انتخاب داوطلبانه است ← ۲۸۰.



۴۳۶ رفتار ما در قبال آفرینش چگونه باید باشد؟

ما هنگامی به وظیفه محوله خود از سوی خدا تحقق بخشیده ایم که زمین را با قوانین زیست شناختی اش، با تنوع زیستی اش، زیبایی های طبیعی اش و نیز ثروت های احیاء پذیر آن، به عنوان فضای زندگی خود حفظ و حراست کنیم و در قبال آن چنان با تعهدپذیری زیست محیطی رفتار کنیم که نسل های آینده بتوانند روی زمین به خوبی زندگی کنند [۲۴۱۵].

در کتاب ← پیدایش چنین آمده است: «بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید و در آن تسلط نمایید و بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و همه حیواناتی که بر زمین می خزند، حکومت کنید» (پی، ۱: ۲۸). منظور از «حکومت بر زمین» این نیست که آدمی حق و حقوقی مطلق برای آن دارد که خودسرانه کل طبیعت جاندار و بی جان، حیوانات و گیاهان را تصاحب کند. انسان از آنجایی که به صورت خدا آفریده شده، باید بتواند در مقام شبان و محافظ، از آفرینش الهی نگهداری کند. زیرا در کتاب پیدایش همچنین آمده است: «پس خداوند خدا آدم را گرفت و او را در باغ عدن گذاشت تا کار آن را بکند و آن را محافظت نماید» (پی، ۲: ۱۵) ← ۴۲-۵۰، ۵۷.

۴۳۷ رفتار ما با حیوانات چگونه باید باشد؟

حیوانات نیز جزو مخلوقات خدا هستند که باید آنها را دوست بداریم و از وجودشان شاد باشیم، همان گونه که خدا از وجود آنان شاد است [۲۴۱۶-۲۴۱۸، ۲۴۵۶-۲۴۵۷].

حیوانات هم مخلوقاتی از خدا هستند که صاحب احساس اند. آزار دادن آنها، در رنج و درد رهایشان کردن و بیهوده کشتن آنها گناه به شمار می رود. به رغم آن، انسان مجاز نیست محبت به حیوانات را بالاتر از محبت به انسان ها قرار دهد.

۴۳۸ چرا کلیسای کاتولیک تعلیم اجتماعی ویژه خود را دارد؟

از آنجا که همه انسان ها در مقام فرزندان خدا صاحب منزلتی ویژه هستند، کلیسا با تعلیمات اجتماعی اش می کوشد این منزلت انسانی را در حوزه اجتماعی برای همه انسان ها به تحقق برساند. کلیسا مایل نیست برای حوزه سیاسی یا اقتصادی قیومیت کند. اما هر کجا که در حوزه سیاسی و اقتصادی، منزلت بشری خدشه دار می شود، کلیسا خود را ملزم به مداخله می داند [۲۴۱۹-۲۴۲۰، ۲۴۲۲-۲۴۲۳].

«شادمانی و امید، غم و هراس انسان های امروزی، بویژه فقرا و افرادی که به هر عنوان در معرض نوعی فشار هستند، به منزله شادمانی و امید، غم و هراس پیروان مسیح هستند» (شورای دوم واتیکان، Gaudium et spes). کلیسا در تعلیم اجتماعی خود عبارت فوق را به شکل عینی تری باز می کند. و چنین می پرسد: چگونه می توانیم برای رفاه حال و رفتار عادلانه همگانی و حتی غیرمسیحیان، مسئولیتی برعهده گیریم؟ شکل گیری عادلانه همزیستی انسانی و نهادهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی چگونه باید باشد؟ انگیزه کلیسا در تلاش هایش در حوزه عدالت، محبتی است که از سوی محبت مسیح به سوی انسان ها معطوف شده است.

۴۳۹ تعلیم اجتماعی کلیسا چگونه پدید آمد؟

کلیسا با ارائه ← تعلیم اجتماعی کاتولیک خود در واقع به پرسش های کارگران در سده نوزده پاسخ داده است. هر چند صنعتی شدن به افزایش استانداردها رفاه انجامیده بود، اما بویژه فقط کارخانه داران بودند که از آن بهره مند می شدند، در حالی که عده بسیاری تقریباً به عنوان کارگرانی فاقد حق و حقوق به فقر و فلاکت دچار شده

» شما به حق در راه حفظ سلامت محیط زیست، گیاهان و حیوانات تلاش می کنید. به زندگی بشری که در سلسله مراتب خلقت، در رده ای بسیار فراتر از همه مخلوقات در جهان مرئی قرار دارد، به همین نسبت بسیار قاطعانه تر آری گویند. ژان پل دوم، ۱۹۸۵/۰۹/۰۸

» محبت، شاهراه اصلی تعلیم اجتماعی کلیساست.

بنديکت شانزدهم، رساله «محبت در حقیقت» [Caritas in Veritate]

» کلیسا همرا با انسان های زمانه ما در آرزوی ژرف و شورمندانه یک زندگی از هر لحاظ عادلانه سهم است و این رانیز نادیده نمی گیرد که دربارہ جنبه های گوناگون عدالت اندیشه کند و نیز درباره این که آنها چگونه زندگی انسان و گروه های اجتماعی را به چالش می کشند.

ژان پل دوم، رساله «غنی در رحمت» [Dives in Misericordia]





پشته هایش را  
سیراب می کنی  
و مرزهایش را پست می  
سازی. به بارش ها آن را  
شاداب می نمایی. نباتاتش  
را برکت می دهی. چمن  
ها به گوسفندان آراسته  
شده است و دره ها به غله  
پیراسته؛ از شادی بانگ می  
زنند و نیز می سرایند.  
مز، ۱۰: ۶۵، ۱۳-۱۴





همان اندازه که سرمایه بدون کار قادر به دوام نیست، کار بدون سرمایه هم دوام نمی آورد.

لئوی سیزدهم،  
Rerum novarum، سال ۱۸۹۱



باید در اینجا بر نقشی که غیرروحانیون، مردان و زنان برعهده می گیرند، تأکید گردد [۱۰۰]. این برعهده آنان است که با تعهدپذیری مسیحی، حوزه های حیاتی زمینی را احیاء کنند و در آنها در مقام شاهدان و همیاران صلح و عدالت ظاهر گردند.

ژان پل دوم، رساله  
«پروای امور اجتماعی»  
[Sollicitudo rei socialis]

به همان اندازه که وقتی فردی قدرت در حکومت را به کاربردهای نیک فراوان می رساند، بالاترین درجه نیکی را به نمایش می گذارد، به همان اندازه هم شایان نكوهش است که او از قدرت سوءاستفاده کند.

توماس آکوئین

بودند. کمونیسم از این تجربه به این نتیجه گیری رسید که میان کار و سرمایه، تناقضی آشتی ناپذیر حاکم است که باید با نبرد طبقاتی، آن را حل و فصل کرد. کلیسا در نقطه مقابل، از ایجاد تعادلی عادلانه میان کارگران و کارخانه داران حمایت کرد [۲۴۲۱].

کلیسا در این راه تلاش کرد که از راه روند صنعتی شدن و رقابت ها، عده ای نه فقط اندک، بلکه همگان از رفاه جدیدی که میسر شده بود، بهره مند شوند. از این رو، کلیسا با تأسیس اصناف موافقت کرد و تلاش نمود تا کارگران به کمک قوانین اجتماعی و از راه بیمه از چپاول های مالی در امان بمانند و خود و خانواده هایشان در زمان بیماری و تنگدستی امنیت مالی داشته باشند.

۴۴۰ آیا مسیحیان موظف هستند در حوزه های سیاسی و اجتماعی تعهدپذیری کنند؟

این یکی از وظایف ویژه ← غیرروحانیون مسیحی است که با روح برگرفته از انجیل، برای تحقق محبت، حقیقت و عدالت در سیاست، اجتماع و اقتصاد تعهدپذیری نمایند. ← **تعلیم اجتماعی کلیسای کاتولیک** به این منظور جهت گیری روشنی پیش روی آنان می گذارد [۲۴۴۲].

خدماتی که ← اسقفان، ← کشیشان و روحانیون انجام می دهند، با فعالیت های حزبی - سیاسی همخوانی ندارد. آنان باید در خدمت همگان باشند.

۴۴۱ نظر کلیسا درباره دموکراسی چیست؟

کلیسا مدافع دموکراسی است، از آن رو که دموکراسی در میان نظام های سیاسی، بهترین شرایط را برای آن فراهم می سازد که برابری درقبال قانون و همچنین حقوق بشر به تحقق برسند. اما به این منظور باید دموکراسی چیزی فراتر از صرفاً حاکمیت اکثریت باشد. دموکراسی واقعی فقط در بطن یک دولت قانونی میسر است که حقوق بنیادی همگان را به رسمیت می شناسد و در صورت لزوم در مخالفت با خواست اکثریت از آنها دفاع می کند [۱۹۲۲].

تاریخ به ما می آموزد که حتی دموکراسی نیز حفاظتی صد در صد مطمئن درقبال خدشه دار شدن منزلت بشری و حقوق بشر نیست. این نوع حکومت همواره در خطر آن قرار دارد که به حکومتی استبدادی از سوی اکثریت بر اقلیت تبدیل گردد. دموکراسی برپایه شروطی به حیات خود ادامه می دهد که خود قادر به ضمانت دادن آنها نیست. از این رو، بویژه مسیحیان باید متوجه آن باشند که ارزش های اجتناب ناپذیر دموکراسی لگدمال نشود.

۴۴۲ نظر کلیسا درباره سرمایه داری و همچنین اقتصاد بازار چیست؟

سرمایه داری که در بستری مستحکم از نظامی قانونی جای نداشته باشد، در معرض این خطر قرار دارد که از حوزه ← رفاه همگانی خارج شود و تنها به ابزاری برای عده ای سودجو بدل گردد. این چیز است که کلیسا قاطعانه مردود می شمارد. در نقطه مقابل، کلیسا آن اقتصاد بازاری را که در خدمت انسان ها باشد، مانع انحصارطلبی ها گردد و بهره مندی همگانی از کالاهای حیاتی و کار را ضمانت دهد، پشتیبانی می کند [۲۴۲۶].

← **تعلیم اجتماعی کاتولیک** کلیه نهادهای اجتماعی را بر این اساس ارزشیابی می کند که آیا آنها در خدمت ← رفاه همگانی هستند یا خیر؛ این بدان معناست که این نهاد ها تا چه اندازه «به افراد، خانواده ها و گروه های اجتماعی اجازه می دهند به شکل کامل تر و بدون مانع به کمال خود دست یابند» (شورای دوم واتیکان، Gaudium et spes). این امر همچنین درباره اقتصادی مصداق دارد که در درجه نخست باید در خدمت انسان ها باشد.

۴۴۳ وظیفه مدیران و صاحبان شرکت ها چیست؟

صاحبان شرکت ها و مدیران در تلاش برای رسیدن به موفقیت اقتصادی شرکت های خود هستند. اما در کنار منافع (سودآور) مشروع، مسئولیت هایی اجتماعی نیز برای این افراد وجود دارد: مدنظر قرار دادن خواسته های به حق کارمندان، تحویل دهندگان کالا، مشتریان و نیز کل جامعه و همچنین محیط زیست [۲۴۳۲].

همان گونه که تاریخ نشان داده است، دموکراسی بدون ارزش ها، به سادگی به یک تمامت طلبی علنی یا فریبکارانه بدل می گردد.

ژان پل دوم، رساله «صدمین سال»  
[Centesimus Annus]

همان گونه که تاریخ نشان می دهد، همبستگی و عدالت، فاقد اخلاقیات و همچنین فاقد آینده است.

کاردینال رابنهارد مارکس (متولد ۱۹۵۳، اسقف اعظم مونیخ و فریزینگ)

استخراج منابع، تأمین مالی هزینه ها، تولید، مصرف و همه مراحل دیگر، به شکلی اجتناب ناپذیر دارای پیامدهای اخلاقی هستند. به این ترتیب، هر تصمیم گیری اقتصادی، واجد یک پیامد اخلاقی است.

بندیکت شانزدهم، رساله «محبت در حقیقت»  
[Caritas in veritate]

بندیکت شانزدهم، رساله «محبت در حقیقت»  
[Caritas in veritate]



» کار به منزله سرمایه ای برای انسان است - و نیز برای انسان بودن او - زیرا او از راه کار نه تنها طبیعت را دگرگون و با نیازهای خود همخوان می‌سازد، بلکه همچنین خود را در مقام انسان به تحقق می‌رساند و آری حتی تاحدودی، انسان «تر» می‌شود.

ژان پل دوم، رساله «از طریق کار» [Laborem Exercens]

» Niemals wird der Mensch sich einverstanden erklären, wie ein Sisyphus zu arbeiten.

PIERRE TEILHARD DE CHARDIN  
frz. Jesuit und (۱۸۸۱-۱۹۵۵)  
(Naturforscher)

#### ۴۴۴ ► ► ► تعلیم اجتماعی کاتولیک درباره مضامین کار و بیکاری چه نظری دارد؟

کار کردن به منزله وظیفه ای است که خدا به ما انسان ها واگذار کرده است. ما موظف هستیم با تلاشی مشترک، ساز و کار آفرینش او را حفظ کنیم و تداوم بخشیم: «پس خداوند خدا آدم را گرفت و او را در باغ عدن گذاشت تا کار آن را بکند و آن را محافظت نماید» (پی، ۲: ۱۵). کار برای بیشتر انسان ها به منزله بنیانی برای هستی شان است. بیکاری، وضعیتی ناخوشایند است که باید قاطعانه با آن مبارزه کرد.

در همان حال که امروزه عده بسیاری که مایل هستند کار کنند، فرصتی شغلی پیدا نمی‌کنند، «معتادانی به کار» هم یافت می‌شوند که از شدت کار، برای خدا و هموعان خود وقت آزاد ندارند. و در همان حال که عده بسیاری به دشواری قادر هستند با درآمدهای خود شکم خود و خانواده هایشان را سیر کنند، دیگری هستند که قادرند، زندگی خود را با تجملاتی غیرقابل تصور بگذرانند. کار، خود یک هدف نیست، بلکه باید در خدمت تحقق جامعه ای سرشار از منزلت بشری باشد. ← تعلیم اجتماعی کاتولیک نیز بنا به همین دلیل، هوادار نظامی اقتصادی است که در آن همه انسان ها بتوانند فعالانه شراکت داشته باشند و در رفاه کسب شده سهیم باشند. کلیسا مدافع دستمزدهای عادلانه ای است که زندگی درخور انسان را برای او میسر می‌سازد و ثروتمندان را به سوی فضایی نظیر رعایت اعتدال و تقسیم دلسوزانه اموال تشویق می‌کند. ۴۷، ۳۳۲.



#### ۴۴۵ ► ► ► منظور از اصل «کار پیش از سرمایه» چیست؟

کلیسا همواره «اصل اولویت کار بر سرمایه» (به گفته ژان پل دوم در **Laborem exercens**) را تعلیم داده است. انسان پول و سرمایه را به عنوان یک شیء در اختیار دارد. اما کار، در نقطه مقابل از وجود انسانی که به آن مبادرت می‌ورزد، قابل تفکیک نیست. از این رو است که نیازهای بنیادی افرادی که کار می‌کنند به منافع آنان در مسیر سرمایه گذاری اولویت دارد.

صاحبان سرمایه و سرمایه گذاران نیز واجد منفععی قانونی هستند که باید از آنها حفظ و حراست شود. اما بی‌عدالتی سنگینی روا خواهد رفت، اگر صاحبان شرکت ها و سرمایه گذاران بکوشند به بهای حقوق بنیادی کارگران و کارمندان به سودهای خود بیفزایند.

#### ۴۴۶ ► ► ► نظر کلیسا درباره جهانی شدن چیست؟

جهانی شدن به خودی خود نه خوب و نه بد است، بلکه توصیفی است از یک واقعیت که باید شکل گیرد. «این روند که در کشورهای توسعه یافته پدید آمد، بنا به ماهیتش، دربرگیرنده همه اقتصادها شد. این روند، محرک اصلی خروج مناطق متعددی از وضعیت توسعه نیافتگی بود و به خودی خود به منزله فرصتی مناسب است. البته بدون رهبری از سوی عنصر محبت در بطن حقیقت، امکان آن هست که این محرک جهانی به آنجا بینجامد که خطر زیان هایی تاکنون شناخته نشده و شکاف هایی جدید را در خانواده بشری پیش کشد.» (بندیکت شانزدهم در **Caritas in Veritate**).

هنگامی که شلوار جین ارزانی خریداری می‌کنیم، نباید شرایطی که این کالا طی آن تولید شده است و این که آیا کارگران دستمزدی عادلانه برای آن دریافت کرده اند یا خیر، برایمان علی السویه باشد. سرنوشت تک تک انسان ها حائز اهمیت است. تنگنای هیچ انسانی نباید برای ما علی السویه باشد. در حوزه سیاست به یک «قدرت جهانی واقعی در حوزه سیاست» (بنا به گفته بندیکت شانزدهم در **Caritas in Veritate**) نیاز است که مراقب آن باشد که میان انسان ها در کشورهای ثروتمند و کشورهای توسعه نیافته تعادلی عادلانه حاکم شود. کشورهای اخیر در بیشتر موارد از امتیازهای جهانی شدن در حوزه اقتصادی محروم هستند و فقط بارها و دشواری های آن را به دوش می‌کشند.

» هر آنچه دربرگیرنده مفهوم «سرمایه» به معنای وسیع کلمه است، فقط مجموعه ای از اشیاء است. انسان در مقام فرد کننده کاری و بدون درنظر گرفتن کاری که انجام می‌دهد - یعنی فقط او در مقام انسان - شخص و نه شیء به شمار می‌رود.

ژان پل دوم، رساله «از طریق کار» [Laborem Exercens]

» وحشتناک است که شاهد نوعی از جهانی شدن باشیم که شرایط زندگی برای فقرا را بدتر می‌سازد و برای برطرف کردن گرسنگی، فقر و بی‌عدالتی اجتماعی، در آن هیچ اقدامی صورت نمی‌گیرد و بلکه محیط زیست را هم لگدمال می‌کند. این جنبه های جهانی شدن ممکن است به بروز واکنش های متقابلی همراه با افراط و تندرزی بیانجامد، یعنی به ملی گرایی، تعصب های دینی و حتی به تروریسم.

ژان پل دوم، ۲۰۰۳







» ملت های مبتلا به گرسنگی از ملت های مرفه تقاضای فوری و موکد کمک دارند. کلیسا از این فریاد وحشت به خود می لرزد و برای پاسخ دادن به فریاد یاری خواهی برادران خود در محبت، به تک تک افرادی که ممکن باشد، روی می آورد.

پل ششم، رساله  
«پیشرفت ملت ها»  
[Populorum Progressio]

۴۴۸ آیا فقر و توسعه نیافتگی سرنوشت هایی اجتناب ناپذیر هستند؟

خداوند زمینی غنی را به ما سپرد که می تواند برای همه انسان ها غذا و فضای کافی برای زندگی عرضه کند. به رغم آن، مناطق فراوان، کشورها و بخش هایی از جهان هستند که در آنها بسیاری انسان ها حتی برای زندگی ساده خود از واجبات زندگی محروم هستند. این شکاف در جهان، علت و عوامل تاریخی پیچیده ای دارد، اما جبران ناشدنی نیست. کشورهای ثروتمند این تعهد اخلاقی را دارند که با یاری رسانی های خود به توسعه و فراهم آوردن شرایط اقتصادی و تجاری عادلانه، به کشورهای توسعه نیافته کمک کنند تا از فقر خارج شوند.

بر زمین ما ۱.۴ میلیارد نفر زندگی می کنند که باید با کمتر از یک یورو در روز زندگی خود را بگردانند. آنان دچار سوء تغذیه هستند و اغلب نیز آب نوشیدنی تصفیه شده در اختیار ندارند، آنان اغلب از تأسیسات آموزشی و پزشکی نیز محروم هستند. گمان می رود که روزانه بالغ بر ۲۵۰۰۰ نفر از سوء تغذیه جان خود را از دست می دهند. عده بسیاری از آنان نیز کودک هستند.

۴۴۷ آیا جهانی شدن فقط وظیفه حوزه سیاست و اقتصاد است؟

در گذشته، عقیده تقسیم وظایف حاکم بود: اقتصاد موظف به افزودن ثروت ها و سیاست مسئول تقسیم عادلانه آن بود. اما در زمانه جهانی شدن، سودها در سطح جهانی عاید می شوند و همزمان سیاست تاحدود بسیاری در مرزهای کشورها محدود می ماند. از این رو امروزه نه فقط تقویت نهادهای سیاسی فراکشوری لازم است، بلکه به ابتکار عمل تک تک افراد و گروه های اجتماعی نیز نیاز است تا در درجه نخست نه به خاطر منافع، بلکه برپایه روح همبستگی و محبت، در مناطق فقیرتر جهان از نظر اقتصادی فعالیت کنند. در کنار بازار و دولت، به یک جامعه مدنی قوی نیز نیاز است.

در بازار، خدمات و کارها به شکل متقابل با یکدیگر تعویض می شوند. اما در بسیاری از مناطق این جهان، مردم چنان فقیر هستند که برای تعویض چیزی برای عرضه ندارند و هر روز هم وابسته تر می شوند. به این ترتیب، به ابتکار عمل های اقتصادی نیاز است که نه فقط بر مبنای «اصل مبادله»، بلکه از راه «اصل اهداء بدون دریافت» (به گفته بندیکت شانزدهم در Caritas in Veritate) نیز کارساز باشند. همزمان موضوع این نیست که فقط به فقرا صدقه داده شود، بلکه این که در قالب یاری رسانی تا این افراد بتوانند به خود کمک کنند، راه های آزادی اقتصادی به سویشان گشوده شود. طرح هایی ابتکاری از سوی مسیحیان نظیر طرح «اقتصاد در مشارکت» وابسته به جنبش فوکولار با در این بین بالغ بر ۷۵۰ موسسه اقتصادی در سراسر جهان وجود دارد. همچنین «کارآفرینی های اجتماعی» (social entrepreneurs) غیرمسیحی نیز وجود دارند که هرچند هدف آنها نیز سودآوری است، اما با آرمان «فرهنگ اهداء» و با هدف کاهش فقر و محدودیت ها کار می کنند.

» به نظر می رسد که اقتصاد جهانی شده، منطق اولیه، یعنی تبادل سرمایه ها را که از ابتدا بر سر آن توافق شده بود، ارجح می شمارد، اما این نوع اقتصاد همچنین به شکل مستقیم و غیرمستقیم نشان می دهد که به دو نوع دیگر منطق نیز نیاز دارد، یعنی منطق سیاست و منطق اهداء کردن بدون تلافی.

بندیکت شانزدهم، رساله  
«محبت در حقیقت»  
[Caritas in veritate]

» جامعه هر روز پیش از پیش جهانی شده، ما را به همسایه بدل می سازد، اما نه به خواهران و برادران یکدیگر. عقل به تنهایی قادر است تساوی میان انسان ها را درک کند و نوعی همزیستی شهروندی برقرار سازد، اما موفق نخواهد شد، برادری ایجاد کند.

بندیکت شانزدهم، رساله  
«محبت در حقیقت»  
[Caritas in veritate]

» «اقتصاد جمعی» پدید آمده است تا ما روزی بتوانیم این نمونه را ارائه دهیم: ملتی که در میان افراد آن هیچ دردمند و فقیری وجود ندارد.

کیارا لویبک  
(۲۰۰۸-۱۹۲۰)  
بنیانگذار جنبش فوکولار



» سهم نساختن فقیران در ثروت هایمان به معنای دزدی کردن از آنان و گرفتن حیات از آنان است. این، نه ثروت های ما، بلکه ثروت های آنان است که در اختیار داریم.

یوهانس کریستوستوموس

#### ۴۴۹ فقرا برای مسیحیان چه اهمیتی دارند؟

محبت به فقرا باید در همه اعصاب مشخصه مسیحیان باشد. نباید فقط به فقرا صدقه هایی بخشید؛ آنان حق برخورداری از عدالت را نیز دارند. مسیحیان از این وظیفه خاص برخوردارند که کالاها را تقسیم کنند. الگوی محبت نسبت به فقرا، مسیح است. [۲۴۴۳-۲۴۴۶].



» چرا که هرکس بدهد، دریافت هم خواهد کرد؛ هرکس خود را کم کند، پیدا خواهد شد؛ هرکس ببخشاید، بخشوده خواهد شد و هرکس جان دهد، چشم به سوی یک زندگی جاودان خواهد گشود.

نمایش جنبش فرانسیسکنی فرانسه در سال ۱۹۱۳

» خوشا به حال مسکینان در روح، زیرا ملکوت آسمان از آن ایشان است» (مت، ۵: ۳) - این نخستین عبارت در موعظه عیسی بر کوه است. فقر به شکل های مادی، روحی، فکری و معنوی وجود دارد. مسیحیان باید با توجه، محبت و سازندگی فراوان، خود را وقف نیازهای این جهان سازند. توضیح آن که، مسیح آنان را از هیچ نقطه نظری بیشتر از روشی که با آن با فقرا برخورد می کنند، به سنجش و آزمون نمی گذارد. «آنچه به یکی از این برادران کوچک ترین من کردید، به من کردید» (مت، ۲۵: ۴۰) ← ۴۲۷.

#### ۴۵۰ «کارکردهای مادی نیکوکاری» کدام اند؟

کارکردهای مادی نیکوکاری عبارتند از: گرسنگان را غذا دادن، تشنگان را آب دادن، برهنگان را پوشاندن، غریبان را پذیرا شدن، بیماران و زندانیان را عیادت کردن و درگذشتگان را به خاک سپردن [۲۴۴۷].

#### ۴۵۱ «کارکردهای معنوی نیکوکاری» کدام اند؟

کارکردهای معنوی نیکوکاری عبارتند از: نادانان را آموزش دادن، درماندگان را مشورت کردن، سوگواران را تسلا دادن، گناهکاران را سرزنش کردن، اهانت کنندگان را بخشیدن، درقبال بی عدالتی ها شکیبایی نشان دادن و دعا کردن برای مردگان و زندگان دعا کردن.



فرمان هشتم: شهادت دروغ مده.

#### ۴۵۲ فرمان هشتم از ما چه می خواهد؟

فرمان هشتم به ما می آموزد که دروغ نگوئیم. دروغ گفتن به معنای آن است که آگاهانه و به عمد در مغایرت با واقعیت سخن بگوئیم یا عمل کنیم. کسی که دروغ می گوید، خود را فریب می دهد و همچنین دیگرانی را می فریبد که حق دارند از حقیقت کامل یک امر آگاه شوند [۲۴۶۴، ۲۴۶۶-۲۴۶۸، ۲۴۸۳، ۲۴۸۵-۲۴۸۶].

هر دروغی، عدالت و محبت را نقض می کند. دروغ نوعی خشونت است؛ با دروغ، بذرهای نفاق به جامعه تزریق می شود و اعتمادی را که هر جامعه بشری بر آن تکیه دارد، مختل می سازد.

#### ۴۵۳ رابطه ما با حقیقت، چه ارتباطی با خدا دارد؟

زندگی کردن با ادای احترام نسبت به حقیقت تنها به این معنا نیست که انسان فقط به خود وفادار باشد. به بیان دقیق تر، صادق بودن به معنای وفادار ماندن در قبال خداست، زیرا او سرچشمه همه حقایق است. حقیقت مربوط به خدا و کل حقایق را به شکل کاملاً بلاواسطه در عیسی می یابیم که «راه و راستی و حیات است (یو، ۱۴: ۶) [۲۴۶۵-۲۴۷۰، ۲۴۷۰، ۲۵۰۵].

» به فقرا ببخشای و ثروتمند خواهی شد.

ضرب المثل عربی

» هنگامی که متقاضیان

کار به فرقه مادر ترزا مراجعه می کردند، مادر ترزا اغلب آنان را به گوشه ای می برد، انگشتان دست راست خود را می گشود و سپس آنها را یکی یکی دوباره می بست. او در حین خم کردن هر انگشت یک از این واژه ها را به زبان می آورد: این / برای / من / کردی! - اینها پنج کلام عیسی در آیه ۴۰ از باب ۲۵ در انجیل متی هستند. برای خواهران این فرقه، این کلام و این تمرین کوچک بزرگ ترین ابزار کمک رسانی در نبردشان علیه دزدگی و گریز در خدمت به بیماران و محتضران بوده و هستند.

» در این زمانه، حقیقت

چنان تیره و تار و دروغ و فریب چنان شایع است که اگر آدمی عاشق حقیقت نباشد، قادر به تشخیص آن نخواهد بود.

بلز پاسکال



✎ اگر گوییم که با وی شراکت داریم، در حالی که در ظلمت سلوک می نماییم، دروغ می گوییم و براستی عمل نمی کنیم. یو، ۱: ۶۰

کسی که براستی از عیسی پیروی می کند، هر روز صداقت بیشتری را برای زندگی خود به ارمغان می آورد. او همه دروغ ها، نادرستی ها، فریب ها و ناهماهنگی ها را از عملکردهایش در زندگی دور می سازد و دیدی باز به روی حقایق می یابد. ایمان به منزله تبدیل شدن به شاهدان حقیقت است.

**۴۵۴** حقیقت ایمان تا چه حد انسان را در زندگی موظف و متعهد می سازد؟

هر فرد مسیحی باید به نفع حقیقت شهادت دهد و در این راه از مسیح پیروی کند که در حضور پیلطس گفته بود: «از این جهت من متولد شدم و به جهت در جهان آمدم تا به راستی شهادت دهم» (یو، ۱۸: ۳۷) [۲۴۷۲-۲۴۷۴]

این موضوع حتی می تواند به این معنا باشد که فرد مسیحی از سر وفاداری به حقیقت و عشق به خدا و انسان ها، زندگی خود را فدا کند. این قدرتمندترین شکل دفاع از حقیقت را شهادت می نامیم.

**۴۵۵** صادق بودن به چه معناست؟

صداقت به آن معناست که انسان رفتاری راست و صحیح داشته باشد و موثق سخن بگوید. صداقت از دورویی، فریبکاری، حيله گری و حقه بازی جلوگیری می کند. ناخوش ترین شکل از عدم صداقت، ادای ← سوگند دروغ است [۲۴۶۸-۲۴۷۶].

یکی از ناخوشایندترین چیزهایی که در همه جمع ها رخ می دهد، بدگویی از دیگران و سخنان را دهان به دهان انتقال دادن است: فرد الف با ذکر «بین خودمان بماند» برای فرد ب. امر ناخوشایندی را تعریف می کند که ج. پیشاپیش درباره ب. گفته است.

**۴۵۶** اگر فردی دروغ بگوید، فریب دهد یا کلاه برداری کند باید چه کند؟

هر گونه تخطی نسبت به حقیقت و عدالت، حتی اگر بخشوده شده باشد، به جبران خسارت نیاز دارد [۲۴۸۷].

اگر نتوان دروغ یا شهادت دروغ را علناً جبران کرد، باید دستکم در خفا دست به هر کار ممکن زد. اگر نتوانیم خسارت وارده را به شکل مستقیم برای فرد خسارت دیده جبران کنیم، در وجدان خود موظف هستیم، خسارت وارده را به شکل اخلاقی برای او جبران کنیم، یعنی انسان باید حداکثر تلاش خود را بکند تا دستکم موضوع را به شکل نمادین جبران کند.

✎ شهید MARTYR (برگرفته از واژه یونانی martyria به معنای شاهد):

شهید مسیحی، انسانی است که آمادگی آن را دارد، برای مسیح که حقیقت است یا برای یک تصمیم وجدانی برآمده از ایمان، خشونت ها را تحمل کند و حتی تن به مرگ دهد. این دیدگاه درست برعکس دیدگاه سوء قصدکنندگان انتحاری اسلامگرا است. آنان بر اساس باورهای به انحراف افتاده در حق خود و دیگران خشونت به خرج می دهند، از این رو، اسلامگرایان از آنان در مقام «شهید» تجلیل می کنند.



**۴۵۷** به چه دلیل باید در حقیقت امانت دار بود؟

بیان حقیقت باید با هوشمندی صورت گیرد و ریشه در محبت داشته باشد. در اغلب موارد حقیقت به عنوان یک سلاح به کار گرفته می شود و به این ترتیب به جای تأثیری سازنده، اثری ویرانگر خواهد داشت [۲۴۸۸-۲۴۸۹، ۲۴۹۱].

در امر اطلاع رسانی باید همواره «سه غریبال» سقراط را در نظر داشت: آیا آنچه انتقال می دهم، حقیقت دارد؟ آیا نیک است؟ آیا به کسی کمکی می کند؟ حفظ ← امانت داری و احتیاط همچنین در حوزه رازهای شغلی مصداق دارد. این رازها را باید جز در موارد بسیار استثنایی با دلایل ضروری، همواره حفظ و حراست کرد. کسی هم که اخبار سری را که به شرط رازداری گفته شده باشد، برملا کند، به همین نسبت مرتکب گناه می شود. هر چه آدمی بر زبان می آورد باید حقیقت داشته باشد، اما هر چه را که حقیقت است نباید الزاماً به زبان آورد.

**۴۵۸** راز توبه (اعتراف) تا چه اندازه محرمانه است؟

راز توبه (اعتراف)، مقدس است و به هیچ وجه حتی بنا به دلیل ضروری، نباید خدشه دار شود [۲۴۹۰].

← کشیش حتی اجازه ندارد بالاترین جنایات را برملا سازد. کشیش حق ندارد، حتی اموری را که کاملاً پیش پافتاده به نظر می رسند، فاش سازد، حتی اگر او را با تهدید به شکنجه و آزار به آن سازند ← ۲۳۸.

✎ سوگند دروغ

سوگند دروغ تأکید بر یک اظهار نظر نادرست است که در آن خدا آگاهانه برای امری که حقیقت ندارد، به شهادت طلبیده می شود. این نوع سوگند، گناه سنگینی به شمار می آید.

» هرگز شایعه ای را پیش از آن که آن را آزموده باشی، برای دیگران تعریف نکن. و اگر هم حقیقت دارد، آن را ترجیحاً برای خود نگاه دار. سلما لاگرتف، (۱۸۵۸-۱۹۴۰، نویسنده سوئدی)

✎ رازداری DISCRETION

(برگرفته از واژه لاتینی discernere به معنای تشخیص دادن) توان تشخیص آن است که چه موقع می توان چه چیز را به چه کسی گفت.







۴۵۹ ما در حوزه وسایل ارتباط جمعی چه مسئولیت های اخلاقی داریم؟

دست اندرکاران رسانه ای در قبال کاربران رسانه ای مسئولیتی برعهده دارند. آنان پیش از هر چیز باید مطابق با حقیقت اطلاع رسانی کنند. چه در زمینه جست و جو در حوزه واقعیت های موجود و چه در انتشار اخبار مربوط به آن باید به حقوق و منزلت افراد دقت شود [۲۴۹۳-۲۴۹۹].

← وسایل ارتباط جمعی اجتماعی باید به ساخت و ساز جهانی عادلانه، آزاد و همبسته یاری رسانند. رسانه ها در واقعیت امر، به کرات در مقام سلاح هایی در جدل های عقیدتی به کار گرفته می شوند یا متولیان آنها در حسرت دستیابی به یک طیف گسترده تر («نرخ بالای مصرف کننده») هرگونه هدایت اخلاقی محتویات رسانه ای را نادیده می گیرند و آنها را به ابزاری برای گمراه و وابسته ساختن انسان ها تبدیل می سازند.

ابزار ارتباطات اجتماعی

منظور آن رسانه هایی است که رویکردشان نه فقط به عده ای خاص در جامعه، بلکه کل جامعه بشری است و آنان را در معرض نفوذ خود قرار می دهند: مطبوعات، فیلم، رادیو، تلویزیون، اینترنت و غیره.



۴۶۰ چه خطراتی ممکن است از رسانه ها ناشی شود؟

بسیاری از انسان ها، بویژه کودکان، هر چه را که در رسانه ها می بینند، حقیقت می پندارند. هنگامی که در قالب سرگرمی خشونت رواج داده می شود، رفتارهای غیراجتماعی تأیید می شود و امور

زیرا هرکجا گنج تو است، دل تو نیز در آنجا خواهد بود.

مت. ۲۱:۶

جنسی انسانی در حد مبتذل تنزل درجه داده می شود، هم مسئولان رسانه ای و هم نهادهای نظارت کننده که باید مانع پخش این نوع محتویات شوند، مرتکب گناه می شوند [۲۴۹۶، ۲۵۱۲].

افرادی که در حوزه رسانه ای کار می کنند، باید همواره از این نکته آگاه باشند که تولیدات آنان دارای نقشی تربیتی است. جوانان باید بارها و بارها این نکته را به سنجش بگذارند که آیا می توانند رسانه ها را در کمال اختیار و با نوعی حفظ فاصله همراه با انتقاد استفاده کنند یا پیشاپیش وابسته و معتاد رسانه هایی ویژه شده اند. هر انسانی مسئول روح خود است. کسی که از طریق رسانه ها، مصرف کننده خشونت، نفرت و پرنوگرافی می گردد، از نظر روحی به بلاهت دچار می شود و لطمه هایی را متوجه خود می سازد.

۴۶۱ هنر چگونه در حد فاصل میان زیبایی و حقیقت، میانجیگری می کند؟

حقیقت و زیبایی به یکدیگر تعلق دارند، زیرا خدا هم سرچشمه زیبایی و هم سرچشمه حقیقت است. از این رو، هنری که وقف زیبایی شده باشد، به منزله راهی مستقل به سوی کمال و خدا است. [۲۵۰۰-۲۵۰۳، ۲۵۱۳]

آنچه آدمی با کلام قادر به بیان و با اندیشه قادر به ابراز آن نیست، به کمک هنر به بیان درمی آید. هنر به منزله «فوران آزادانه ثروت های نهفته در وجود آدمی» (کتاب تعلیمات دینی کلیسای کاتولیک، بند ۲۵۰۱) است. هنرمندان با شباهتی بسیار به خلاقیت خدا، الهام و قابلیت های بشری را با یکدیگر تلفیق می کنند تا چیزی نو و جنبه ای از واقعیت را که پیش از آن به دیده در نمی آمد، به شکلی معتبر و مقبول در آورند. هنر به خودی خود هدف نیست. هدف از هنر این است که انسان را اعتلا بخشد، او را دگرگون سازد، بهبود بخشد و سرآخر به سوی پرستش و سپاسگزاری خدا رهنمون شود.

فرمان نهم:

به زن همسایه خود طمع موز.



۴۶۲ چرا در فرمان نهم در مغایرت با حرص و آز جنسی جهت گیری شده است؟

فرمان نهم مغایر با نیاز جنسی به خودی خود نیست، بلکه در آن با طمع لجام گسیخته مخالفت شده است. «طمع ورزی» که کتاب مقدس نسبت به آن هشدار می دهد، استیلائی میل جنسی بر روح آدمی، مسلط شدن مسائل جنسی بر کل وجود آدمی و به این ترتیب آمادگی ارتکاب گناه است [۲۵۱۴، ۲۵۱۵، ۲۵۲۸، ۲۵۲۹].

آفریننده زیبایی، آن جهان را آفریده است. حک. ۳:۱۳

از عظمت و زیبایی مخلوقات می توان به خالق آن پی برد. حک. ۳:۱۳

از نظر من، سرچشمه کمال در هنر و زندگی، کتاب مقدس است.

مارک شاگال (۱۸۸۷-۱۹۸۴، نقاش روس)

زیبایی یعنی بازتاب نور حقیقت. توماس آکوئین

پس اعضای خود را که بر زمین است مقتول سازید: زنا و ناپاکی و هوی و هوس و شهوت قبیح و طمع که بت پرستی است. کو. ۳:۵





✎ خوشا به حال پاکدلان، زیرا ایشان خدا را خواهند دید.

مت. ۵: ۸

✎ و اعمال جسم آشکار است، یعنی زنا و فسق و ناپاکی و فجور و بت پرستی و جادوگری و دشمنی و نزاع و کینه و خشم و تعصب و شقاق و بدعت ها، و حسد و قتل و مستی و لهو و لعب و امثال اینها که شما را خبر می دهم چنان که قبل از این دادم که کنندگان چنین کارها وارث ملکوت خدا نمی شوند.

غل. ۵: ۱۹-۲۱

✎ شادی نجات خود را به من باز ده و به روح آزاد مرا تأیید فرما. آنگاه طریق تو را به خطاکاران تعلیم خواهم داد و گناهکاران به سوی تو بازگشت خواهند نمود. مرا از خون ها نجات ده! ای خدایی که نجات من هستی! تا زبانم به عدالت تو ترنم نماید.

مز. ۵۱: ۱۲-۱۴

➤ امروز به گونه ای عمل کنید که فردا چهره تان از شرم سرخ نگردد.

دن بسکوی مقدس (۱۸۱۵-۱۸۸۸، کشیش و بنیانگذار انجمن سالزین)

جذابیت های جنسی میان مرد و زن امری خدادادی و از این رو نیک است؛ این جذابیت ها بخشی از ماهیت جنسی انسان است و ویژگی های زیستی اوست. این ویژگی باعث می شود که مرد و زن بتوانند با یکدیگر پیوند یابند و بر مبنای عشق خود، فرزندان به دنیا آورند. فرمان نهم کارکرد محافظت از این پیوند را دارد. انسان مجاز نیست با بازی کردن با آتش، یعنی در واقع با رفتاری سبکسرانه در مراودات جنسی گذرا و سطحی، فضای حفاظت شده زناشویی و خانواده را به خطر بیندازد. از این رو این امر بویژه برای مسیحیان مصداق دارد که باید از دست درازی به مردان و زنان متأهل خودداری کرد

← ۴۰۰-۴۲۵

۴۶۳ انسان چگونه به «خلوص قلب» می رسد؟

خلوص قلب که برای عشق امری ضروری است، در درجه نخست در پیوند با خدا در دعا حاصل می شود. هر کجا که رحمت خدا شامل حال ما گردد، راهی به سوی عشق پاک انسانی که تنها با یک نفر آن را سهم می شویم، گشوده می شود. انسانی که پاکدامن باشد، قادر است با قلبی صادق و تقسیم نشده عشق بورزد [۲۵۲۰، ۲۵۳۲].

هنگامی که ما با نیتی راستین به خدا روی می آوریم، قلب ما دگرگون می شود. در این زمان قلبمان به ما قدرت آن را می دهد که با اراده اش هماهنگ شویم و اندیشه ها، تخیلات و آرزوهای ناپاک را از خود دور کنیم ← ۴۰۴-۴۰۵.

۴۶۴ شرم و حیا چه مزیتی دارد؟

شرم و حیا به منزله محافظی برای فضای خصوصی آدمی است، یعنی برای رازها، خصوصی ترین امور و مسائل، منزلت و بویژه قابلیت عشق ورزی و فداکاری انسان در حوزه جنسی. شرم به چیزی مربوط می شود که فقط عشق مجاز به دیدن آن است [۲۵۲۵-۲۵۲۱، ۲۵۳۳].

بسیاری مسیحیان جوان در محیطی زندگی می کنند که در آن همه چیز، گویی که بدیهی باشد، به نمایش گذاشته می شود و بدین ترتیب، دیگر جایی برای احساس شرم و حیا باقی نمی ماند. اما بی شرمی، امری غیر انسانی است. حیوانات دارای احساس شرم و حیا نیستند. اما درباره انسان ها، این یک ویژگی اصلی است. این خصلت، یک امر پیش پا افتاده را پنهان نمی کند، بلکه از امری ارزشمند محافظت می کند، یعنی منزلت فرد برای آن که با قابلیت های خود قادر به عشق ورزیدن باشد. احساس شرم و حیا در همه فرهنگ ها، هر چند با درجه و اهمیت کم و بیش، وجود دارد. این ویژگی هیچ ربطی به خشکه مقدسی یا تربیت توأم با سختگیری ندارد. انسان از گناهان خود یا از



» هر کجا که یک راز در کار باشد، شرم و حیا را نیز می توان همانجا یافت.

فریدریش نیچه  
(۱۸۴۴-۱۹۰۰، فیلسوف آلمانی)

» به خانه همسایه خود طمع مورز، و به زن همسایه ات و غلامش و کنیزش و گاوش و الاغش و به هیچ چیزی که از آن همسایه تو باشد، طمع مکن.

خرو، ۱۷:۲۰

» زنهار از طمع بپرهیزید زیرا اگر چه اموال کسی زیاد شود، حیات او از اموالش نیست.

لو، ۱۵:۱۲

» زیرا همان گونه که زنگ، آهن را می خورد، طمع نیز روحی را که به آن مبتلا شده است.

بازیل قدیس در مجموعه قوانین خود

چیزهایی هم که درز کردن آنها از منزلت و ارزش او می کاهد، شرم دارد. کسی که با کلام، نگاه، حرکات یا کردارهای خود، احساس طبیعی شرم در انسانی دیگر را خدشه دار می کند، منزلت او را از وی سلب کرده است. ← ۴۱۲-۴۱۳.

فرمان دهم:

به هیچ چیز که از آن همسایه تو باشد، طمع مکن



۴۶۵ فرد مسیحی در قبال مال و اموال غیر چه رفتاری باید اتخاذ کند؟

فرد مسیحی باید پیاموزد که آرزوهای منطقی را از آرزوهای نامعقول و نامنصفانه تمیز دهد و به رفتاری ناشی از احترام به مال و اموال غیر برسد [۲۵۳۴-۲۵۳۷، ۲۵۵۲].

طمع، دزدی، سرقت و کلاهبرداری، خشونت و بی عدالتی، حسادت و گرایش بی حد و حصر برای از آن خود کردن مال و اموال دیگران، ویژگی هایی هستند که از حرص و آز ناشی می شوند.

۴۶۶ حسادت چیست و چگونه می شود با آن در وجود خود مبارزه کرد؟

حسادت، بدخواهی و آزردهی به هنگام مشاهده رفاه دیگران و آرزوی کسب نامنصفانه چیزی است که دیگران دارند. کسی که برای دیگران آرزوهای ناخوش می کند، مرتکب گناه شده است. هنگامی که بکوشیم هر روز بیشتر از گذشته از موفقیت ها و داشته های دیگران شاد شویم، هنگامی که نیت خیر خدا برای خود را نیز باور داشته باشیم و وقتی که قلب خود را معطوف به ثروت واقعی کنیم، حسادت رو به کاهش می رود. این ثروت در این است که از راه روح القدس در حیات خدا سهیم هستیم [۲۵۳۸-۲۵۴۰، ۲۵۴۳-۲۵۵۴].



» به هیچ کس تنفر نورزیم، به کسی حسادت نکنیم. بر اساس رشک و غبطه عمل نکنیم، جدل را دوست نداشته باشیم، از تکبر بپرهیزیم.

بندیکت نرسا در مجموعه قوانین خود

» حتی خدا نمی تواند برای کسی که برای او جایی در وجودش باقی نگذاشته است، کاری انجام دهد. آدمی باید به کل خالی باشد تا به او اجازه ورود بدهد و او بتواند همانی را انجام دهد که می خواهد.

مادر ترزا

۴۶۷ به چه دلیل عیسی خواستار آن است که ما «مسکین در روح» گردیم؟

«هر چند دولت مند بود، برای شما فقیر شد تا شما از فقر او دولت مند شوید» (۲ قر، ۹:۸) [۲۵۴۴-۲۵۴۷، ۲۵۵۵-۲۵۵۷].

حتی جوانان هم ممکن است زمانی احساس خلاء درونی کنند. اما فقر در این زمینه آنقدرها هم بد نیست. فقط کافیست با همه قلب خود آن کسی را جست و جو کنیم که خلاء من را پر کند و بتواند فقر مرا به ثروت تبدیل سازد. از این روست که عیسی می گوید: «خوشبحال مسکینان در روح، زیرا ملکوت آسمان از آن ایشان است» (مت، ۵: ۳) ← ۲۸۳-۲۸۴.

۴۶۸ انسان باید بالاترین حد شوق و تمایل خود را معطوف به چه سازد؟

بالاترین شور و شوق آدمی فقط می تواند خدا باشد. مشاهده او، آفریننده ما، خداوندگار و منجی، همان سعادت لایتناهی است [۲۵۴۸-۲۵۵۰، ۲۵۵۷] ← ۲۸۵.



# چگونه باید دعا کنیم



دعا در زندگی مسیحی ۲۵۸

دعا: چگونه خدا حضور خود را به ما اهداء می کند ۲۵۸

سرچشمه های دعا ۲۷۰

راه دعا ۲۷۴

دعای خداوند: دعای «ای پدر ما» ۲۸۰

VIERTER TEIL





» نیایش برای من محرکه ای برای قلب، نگاهی ساده به سوی آسمان، ندایی از سر سپاسگزاری و محبت در میانه یک آزمون و در میانه شادمانی هاست.

ترزا اهل لیزبو

» آرزوی آن که نیایش کنیم، خود یک نیایش است.

ژرژ برنانوس

» هرآنچه که از دستت برمی آید، انجام بده و برای هر آنچه از دستت بر نمی آید، دست به نیایش بردار؛ با این کار خدا چیزی به تو خواهد بخشید که از پس آن برآیی.

آگوستین

✎ تا خدا را طلب کنند که شاید او را تفحص کرده، بیابند، با آنکه از هیچ یکی از ما دور نیست.

رس، ۱۷: ۲۷

» شاید بیشتر از هر زمان آنگاه نیایش می کنیم که کمترین حرف را به زبان می آوریم و همچنین کمترین نیایش را زمانی می کنیم که بیشترین سخن را بیان می کنیم.

آگوستین

## بخش نخست

### دعا در زندگی مسیحی

۴۶۹ دعا چیست؟

دعا متوجه ساختن قلب به سوی خدا است. هنگامی که انسانی دعا می کند، وارد رابطه ای زنده با خدا می شود. [۲۵۶۵-۲۵۵۸].

دعا بزرگ ترین دروازه ایمان است. کسی که دعا می کند، دیگر از درون خود، برای خود و بر مبنای قوای خود زندگی نمی کند. او می داند که خدایی وجود دارد که باید با او راز و نیاز کرد. انسانی که دعا می کند، هر روز بیش از پیش به خدا اعتماد می کند. او از هم اکنون به دنبال برقرار ساختن ارتباط با کسی است که روزی با او به شکل رو در رو ملاقات خواهد کرد. از این روست که تلاش برای دعا به شکل روزانه، جزئی از زندگی مسیحی است. البته دعا چیزی نیست که بتوان به شکل یک فن آن را آموخت. دعا، هر چند ممکن است عجیب به نظر برسد، به منزله هدیه ای است که فقط با دعا کردن می توان آن را نگاه داشت.

## فصل نخست

دعا: چگونه خدا حضور خود را به ما اهداء می کند

۴۷۰ انسان چطور به این فکر می رسد که دعا کند؟

ما از آن رو دعا می کنیم که انباشته از شور و شوقی بی پایان هستیم و خدا انسان ها را برای حرکت به سوی خود آفریده است: «قلب ما آسوده نیست تا در تو آرامش یابد» (آگوستین). اما ما به این دلیل هم دعا می کنیم که به آن نیاز داریم؛ مادر ترزا چنین می گوید: «از آنجا که نمی توانم خودم را به خودم واگذار کنم، خود را، ۲۴ ساعت در روز، به او واگذار می کنم» [۲۵۶۶-۲۵۶۷، ۲۵۹۱]

ما اغلب خدا را فراموش می کنیم، از او دور می شویم و خود را پنهان می کنیم. چه ما از اندیشیدن به خدا پرهیز کنیم و چه او را انکار کنیم، او همواره برای ما حضور دارد. او پیش از آن که ما او را بجوئیم، ما را می جوید، نسبت به ما شور و شوق دارد و ما را صدا می کند. انسان با وجدان خود سخن می گوید و ناگهان درمی یابد که با خدا صحبت می کند. انسان احساس انزوا می کند و کسی را ندارد که بتواند با او صحبت کند و در این هنگام است که احساس می کند که خدا همواره برای آن که با او صحبت کند، حضور دارد. انسان دچار خطر می شود و در می یابد که این خداست که ندای یاری خواهی او را پاسخ

» نیایش کردن به این معنا نیست که سخنان خود را بشنویم؛ نیایش یعنی ساکت شویم، ساکت بمانیم و منتظر شویم تا در مقام نیایشگر، صدای خدا را بشنویم.

سورن کپرکه گور

» ناگهان سکوت را مانند یک حضور دریافتیم. در قلب این سکوت، او قرار داشت، اوایی که خود سکوت، صلح و بی دغدگی است.

ژرژ برنانوس

» نیایش کردن یعنی از وحشت جهان به حرکت درآمدن و به سوی پدر رفتن.

فریدریش فُن بُدل شونینگ

» نیایش به نظر من چیزی جز گفت و گو با دوستی نیست که اغلب و با کمال رغبت با او خلوت می کنیم تا با او سخن بگوئیم، از آن رو که او به ما محبت می ورزد.

ترزای آویلا

۴۷۱ چرا ابراهیم الگویی برای دعا است؟

ابراهیم به ندای خدا گوش سپرد. او آماده بود به هر کجا که خدا طلب می کند برود و هرآنچه را که خدا می خواهد انجام دهد. او به دلیل گوش سپردن و آمادگی اش برای حرکتی جدید، به نمونه ای برای دعای ما بدل شد.

از ابراهیم دعاهای چندانی به ما نرسیده است. اما او به هر کجا که می رفت، برای خدا قربانگاه ها و مکان هایی برای نیایش تدارک می دید.





## تعمق CONTEMPLATION

(برگرفته از واژه لاتینی *contemplare* به معنای نظاره کردن): غرق شدن در حضور خدا در نیایش. تعمق (زندگی روحانی - درونی) و عملکرد (زندگی عملی) دو وجه سرسپاری به خدا هستند. در مسیحیت این دو به شکل جدایی ناپذیری به یکدیگر تعلق دارند.

## Contemplata aliis

tradere: (فقط آنچه را که در نیایش برآستی درک و دریافت کرده ای، باید به دیگری انتقال دهی).

شعار دومینکن ها

## ابراهیم در حضور خداوند هنوز

ایستاده بود و ابراهیم نزدیک آمده گفت: «آیا عادل را با شریر هلاک خواهی کرد؟ شاید در شهر پنجاه عادل باشند، آیا آن را هلاک خواهی کرد و آن مکان را به خاطر آن پنجاه عادل که در آن باشند، نجات نخواهی داد؟ حاشا از تو که مثل این کار بکنی که عادلان را با شریران هلاک سازی و عادل و شریر مساوی باشند.»

پی. ۲۲: ۱۸-ب. ۲۵-الف



خود را به طور کامل در خدمت او قرار داد، ما نیز به همان گونه باید دعا کنیم و وارد آموزش‌شده الهی گردیم [۲۵۷۴-۲۵۷۷].

← کتاب مقدس از موسی ۷۶۷ بار نام می برد - نقش او برای قوم اسرائیل در مقام نجات دهنده و قانونگذار تا به این حد مهم است. موسی همزمان شفیع بزرگ قوم خود بود. او مأموریت هایش را در حین دعاهايش دریافت می کرد و از دعاهايش نیرو می گرفت. موسی دارای رابطه ای صمیمی و شخصی با خدا بود: «و خداوند با موسی روبرو سخن می گفت، مثل شخصی که با دوست خود سخن گوید» (خرو، ۳۳: ۱۱ الف). پیش از آن که موسی دست به عمل بزند یا قوم خود را تعلیم دهد، به کوه پناه می آورد تا دعا کند. به این ترتیب، او نخستین الگوی دعای همراه با تعمق به شمار می رود.

## ۴۷۳ مزامیر چه نقشی را در دعاها می ایفا می کنند؟

مزامیر در کنار دعای ای پدر ما در زمره غنی ترین گنجینه های عبادی در کلیسا هستند. در این متون، سرود ستایش خدا به شکلی جاودانی سر داده می شود.

۱۵۰ مزمور را می توان در عهد عتیق یافت. آنها تاحدودی به منزله مجموعه ای چندین هزارساله از سروده ها و دعاها هستند که این روزها هنوز در جمع کلیسایی خوانده می شوند - یعنی در دعایی موسوم به نیایش ساعات. مزامیر در زمره زیباترین متون ادبیات جهان هستند و با قدرت روحانی خود، حتی انسان متجدد را به شکل مستقیم تحت تأثیر قرار می دهند. ← ۱۸۸.

## ۴۷۴ عیسی چگونه دعا را آموخت؟

عیسی در خانواده خود و در کنیسه دعا کردن را آموخت. اما عیسی پا را از مرزهای دعاهاى سنتی فراتر گذاشت. دعای او چنان نشانی از ارتباط او با پدر آسمانی دارد که فقط او در مقام «پسر خدا» می تواند از آن بهره مند باشد [۲۵۹۸-۲۵۹۹].

عیسی که همزمان خدا و انسان بود، مانند دیگر کودکان یهودی در زمان خود با آداب و رسوم و شیوه های دعای قوم خود، قوم اسرائیل، بزرگ شد. اما همان گونه که داستان عیسی ۱۲ ساله در معبد نشان می دهد (لو، ۲: ۴۱ و ادامه)، در وجود او چیزی نهفته بود که نمی توانست آموختنی باشد: ارتباطی بنیادی، ژرف و منحصر به فرد با خدا، پدر او در آسمان. عیسی مانند همه انسان ها به جهان دیگر امید داشت و به درگاه خدا دعا می کرد. اما او همزمان خود بخشی از این جهان دیگر بود. در همینجا این نکته فاش شد که روزی خواهد رسید که در آن انسان به عیسی دعا کند، او را در مقام خدا بشناسد و فیض او را طلب کند.

## ۴۷۲ موسی چگونه دعا می کرد؟

از موسی می توان آموخت که «دعا کردن» به معنای «صحبت کردن با خدا» است. خدا در کنار بوته مشتعل خار با موسی وارد بحثی اساسی شد و به او مأموریتی داد. موسی ایرادهایی وارد آورد و پرسش هایی مطرح کرد. سرآخر خدا، نام مقدس خود را برای او فاش کرد. همان گونه که موسی در آن روزها به خدا اعتماد کرد و

## ]] از مزامیر داود]]

خداوند شبان من است؛ محتاج به هیچ چیز نخواهم بود. در مرتع های سبز مرا می خواباند. نزد آب های راحت مرا رهبری می کند. جان مرا برمی گرداند و به خاطر نام خود به راه های عدالت هدایت می نماید. چون در وادی سایه موت نیز راه روم از بدی نخواهم ترسید زیرا تو با من هستی؛ عصا و چوب دستی تو مرا تسلی خواهد داد. [...]

مزمور ۲۳: ۱-۴

## از بهر چه مرا طلب می کردید، مگر ندانسته اید که باید من در امور پدر خود باشم؟

لو، ۲۹: ۴

## ]] نیایش کردن یعنی با

محبت و عشق به عیسی فکر کردن. نیایش توجه آن روحی است که بر عیسی تمرکز کرده است. هر چه عیسی را بیشتر دوست داشته باشیم، بهتر نیایش می کنیم.

شارل دوفوکو



» عیسی مزمور ۲۲ را باز می خواند که با این عبارت آغاز می شود: «ای خدای من، ای خدای من، چرا مرا ترک کرده ای؟...» (مز، ۱: ۲۲). این مزمور کل اسرائیل را که در حال عذاب است، در برمی گیرد، کل بشریت در حال عذاب را و نیز تنگنای آنان در بی خدایی را و به این ترتیب، خدا را در آنجایی که ظهور می رساند که کاملاً شکست خورده و غایب به نظر می رسد.

بندیکت شانزدهم،  
جمعه مقدس ۲۰۰۵

» بنابراین به شما می گویم آنچه در عبادت سوال می کنید، یقین بدانید که آن را یافته اید و به شما عطا خواهد شد.

مر، ۱۱: ۲۴

» امید چیزی جز اعتماد به جاودانگی محبت الهی نیست.

شارل دوفوکو

#### ۴۷۵ عیسی چگونه دعا می کرد؟

زندگی عیسی به خودی خود به منزله دعا بود. در لحظات حساس (و سوسه در بیابان، گزینش رسولان، مرگ بر صلیب)، دعای او به شکل ویژه ای پربار بود. او اغلب برای دعا گوشه خلوتی برمی گزید، بویژه به هنگام شب. یکی شدن با پدر در روح القدس، همان خط مشی حیات زمینی او بود [۲۶۰۰-۲۶۰۵].

#### ۴۷۶ عیسی هنگام مواجه شدن با مرگش چگونه دعا کرد؟

عیسی هنگام مواجه شدن با مرگش، ژرفنای وحشت انسانی را به شکل کامل تجربه کرد. اما او همچنین قدرت آن را یافت که در این ساعات نیز به پدر آسمانی اعتماد کند: «با ابا پدر، همه چیز نزد تو ممکن است. این پیاله را از من بگذران، لیکن نه به خواهش من، بلکه به اراده تو» (مر، ۱۴: ۳۶) [۲۶۰۵-۲۶۰۶، ۲۶۲۰].

«تقریباً هر انسانی در زندگی خود دریافته است که «نیاز، دعا را می آموزاند». عیسی در زمانی که خطر مرگ او را تهدید می کرد، چگونه دعا کرد؟ آنچه در این ساعات راهبر او بود، آمادگی کامل برای آن بود که به محبت و پشتیبانی پدر خود اعتماد کند. به رغم آن، عیسی همان ناامیدانه ترین کلام نیایشی را به زبان آورد که از دعاها ی یهودی به هنگام مرگ برگرفته بود: «الهی، الهی چرا مرا واگذاری؟» (مر، ۱۵: ۳۴؛ منطبق با مز، ۲: ۲۲). همه یأس و حرمان ها، همه شکوه ها، همه فغان های انسان ها در همه زمان ها و همه حسرت های بشر برای آن که دست یاری رسان خدا او را یاری کند، در همین کلام این فرد مصلوب لحاظ شده است. او با عبارت «ای پدر، به دست های تو روح خود را می سپارم» (لو، ۲۳: ۴۶)، روح خود را به خدا سپرد. در این عبارت، نهایت اعتماد به پدر طنین انداز است، پدری که قدرتش راه غلبه بر مرگ را می شناسد. به این ترتیب است که دعای عیسی در کشاکش مرگ، در واقع پیشاپیش از پیروزی او در رستاخیزش که با عید فصح آن را جشن می گیریم، خبر می دهد. ← ۱۰۰.

#### ۴۷۷ آموختن دعا از عیسی به چه معناست؟

آموختن دعا از عیسی یعنی مشارکت جستن در اعتماد بی حد و مرز او، هم آوا شدن در دعاها ی او و گام به گام راهنمایی شدن توسط او به سوی پدر [۲۶۰۷-۲۶۱۴، ۲۶۲۱].

شاگردانی که در جمع عیسی زندگی می کردند، دعا کردن را از راه گوش سپردن و تقلید از عیسی که سراسر زندگی اش دعا بود، آموختند. آنان نیز باید مانند او بیدار می بودند تا برای رسیدن به قلبی پاک مبارزه کنند، برای فرارسیدن ملکوت خدا از همه چیز بگذرند، دشمنان خود را ببخشند، تا سر حد رسیدن به بی باکی، به خدا اعتماد کنند و عشق به خدا را والاتر از هر چیزی قرار دهند. عیسی در این نمونه از فداکاری، شاگردان خود را دعوت کرد، به خدای قادر مطلق، «با، پدر عزیز» بگویند. هنگامی که ما در روح عیسی دعا می کنیم، بویژه در قرائت دعای ای پدر ما، در واقع با عیسی گام برمی داریم و می توانیم اطمینان داشته باشیم که عاری از خطه، در قلب پدر آسمانی فرود خواهیم آمد. ← ۴۹۵-۴۹۶، ۵۱۲.

#### ۴۷۸ چرا می توانیم اطمینان کنیم که خدا دعای ما را خواهد شنید؟

ندای انسان های بسیاری که در خلال زندگی زمینی عیسی، او را به نجات خود خواندند، شنیده شد. عیسی که از مرگ برخاسته است، در میان ما زندگی می کند، به دعاها ی ما گوش می دهد و آنها را به پدر می رساند [۲۶۱۵-۲۶۱۶، ۲۶۲۱].

حتی این روزها هنوز نام آن رئیس کنیسه را به یاد داریم: مردی که از عیسی تمنای یاری کرد و عیسی ندایش را شنید، یایزس نام داشت. دختر کوچک او از شدت بیماری مشرف به مرگ بود. دیگر از دست هیچکس کاری بر نمی آمد. عیسی نه فقط دخترک او را شفا بخشید، بلکه او را از میان مردگان برخیزاند (مر، ۵: ۲۱-۴۳). از عیسی انبوهی از شفا بخشی هایی که شواهد قطعی برای آنها در دست است، سر زد. او نشانه ها و معجزاتی از خود نشان داد. افلیجان، جزامیان و ناپینایان بهبود یافته از عیسی طلب شفا نمی کردند. همه قدیسان کلیسایی نیز شواهدی از آن ارائه داده اند که دعاها یشان شنیده شده است. بسیاری از مسیحیان قادرند حکایت کنند که چگونه خدا را ندا دادند و خدا ندایشان را شنید. اما خدا یک دستگاه خودکار نیست. این که خدا چگونه ندای ما را می شنود، امریست که باید به خود او واگذار کنیم. ← ۴۰، ۵۱.

لیکن تو چون عبادت کنی، به حجره خود داخل شو و در را بسته، پدر خود را که در نهن است عبادت نما؛ و پدر نهن بین تو، تو را آشکارا جزا خواهد داد.

مت، ۶: ۶

نه هر که مرا خداوند، خداوند

گوید، بلکه ملکوت آسمان گردد، بلکه آنکه اراده پدر مرا که در آسمان است بجا آورد.

مت، ۷: ۲۱

» در نیایش استغاثه این دو مورد باید لحاظ گردد: اطمینان از این که نیایش ما شنیده خواهد شد و چشم پوشی قاطعانه برای این که بخواهیم بنا به طرح و نقشه خود شنیده شویم.

کارل رانر

» اگر از او برآستی طلب بخشش و بازگشت کنی، به تو داده خواهد شد.

پدر روحانی اهل آرس



» فقط در حال مراقبه،  
مریم را ندا بده؛ او به نیاز تو  
بی توجه نمی ماند، چرا که  
او مهربان و بلکه مادر همه  
مهربانی هاست.

برنارد کلروو

» او به ما روی می آورد  
و می گوید: «از او نترس!  
جسارت به خرج بده تا به  
شجاعتی به نام ایمان تن  
دهی! جسارت به خرج بده  
تا به شجاعتی به نام نیکی  
تن دهی! اجازه بده خدا تو  
را به جنگ آورد و سپس  
خواهی دید که دقیقاً به این  
ترتیب، زندگی ات گسترده  
و روشن خواهد شد، دیگر  
یکنواخت نخواهد بود، بلکه  
انباشته از غافلگیری هایی بی  
پایان خواهد شد، زیرا نیکی  
بی پایان خدا هرگز به پایان  
نمی رسد!»

بندیکت شانزدهم، ۲۰۰۵/۱۲/۰۸

### آوه ماریا AVE MARIA

(برگرفته از زبان لاتین به  
معنای: درود بر تو ای  
مریم): بخش نخست از مهم  
ترین و محبوب ترین نیایش  
پس از دعای «پدر ما» که  
به کتاب مقدس استناد دارد  
(لو، ۱: ۲۸، لو، ۱: ۴۲).  
بخش دوم، یعنی «هم اکنون  
و به هنگام مرگ ما»، افزوده  
ای از قرن شانزدهم است.



### ۴۷۹ از شیوه ای که مریم با آن دعا می کرد، چه می توانیم بیاموزیم؟

دعا را آموختن از مریم به این معناست که همراه او بگوییم: «مرا  
برحسب سخن تو واقع شود!» (لوقا، باب ۱، آیه ۳۸). دعا سرآخر  
به منزله آن سرسپردگی است که به محبت خدا پاسخ می دهد.  
هنگامی که ما مانند مریم «آری» می گوییم، خدا این امکان را می  
یابد که هدایت زندگی خود در زندگی ما را به دست گیرد.  
[۲۶۱۷-۲۶۱۸، ۲۶۲۲، ۲۶۷۴] ← ۸۴-۸۵، ۱۱۷.

### ۴۸۰ سرود ستایش مریم چگونه است؟

درود به تو ای مریم، پر از نعمت، خدا با تو ست،  
میان همه زنان تو خجسته هستی  
و عیسی میوه درون تو خجسته است.  
ای مریم مقدس، مادر خدا،  
برای ما گناهکاران، اکنون و در هنگام مرگ ما دعا کن. آمین.

متن این سرود به زبان لاتین:  
**Ave Maria, gratia plena. Dominus tecum.  
Benedicta tu in mulieribus.  
et benedictus fructus ventris tui, Jesus.  
Sancta Maria, Mater Dei.  
ora pro nobis peccatoribus.  
nunc et in hora mortis nostrae. Amen.**

### ۴۸۱ تسبیح مریم را چگونه می خوانند؟

- (۱) به نام پدر ...
- (۲) اقرار ایمان (روک. ← ۲۸)
- (۳) دعای ای پدر ما
- (۴) سه بار دعای درود به تو ای مریم
- (۵) فرّ و شکوهمندی باد به پدر و پسر و روح القدس، چنان  
که از روز نخست بوده اکنون هم هست و تا ابد خواهد  
بود. آمین.
- (۶) پنج بار گروه ده تایی، هر بار با یک دعای ای پدر  
ما و ده بار دعای درود به تو ای مریم و یکبار فر و  
شکوهمندی باد به پدر.

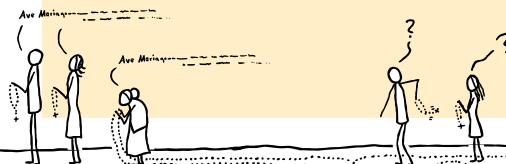
در تسبیح مریم، رازهای شادمانی، رازهای روشنایی، رازهای اندوه و  
رازهای شکوه و جلال وجود دارد.  
رازهای شادمانی (روزهای شنبه و دوشنبه)  
بشارت فرشته به مریم مقدس  
دیدار مریم از خویشتاوند خود الیزابت  
ميلاد مسیح در بیت الحم  
تقدیم عیسی به خدای پدر در معبد  
بازیافتن عیسی در میان معلمین معبد

رازهای روشنایی (روزهای پنجشنبه)  
تعمید عیسی در رود اردن  
اولین آیت عیسی در قانای جلیل  
عیسی آمدن ملکوت را بشارت می دهد  
تجلی عیسی در حضور شاگردانش  
تأسیس راز قربان مقدس

» تسبیح حضرت  
مریم، نیایش محبوب من  
است. این، نیایشی فوق  
العاده است، فوق العاده از  
نظر سادگی و زرفنا... در  
واقع، در پس زمینه کلام در  
نیایش آوه ماریا، مهم ترین  
رخدادهای زندگی عیسی  
از پیش چشمان روح ما می  
گذرند... همزمان قلب ما

قادر است با دنبال کردن  
این رازهای تسبیح حضرت  
مریم، همه رخدادهایی را  
لحاظ کند که زندگی فرد،  
خانواده، ملت، کلیسا و  
بشریت را تشکیل می دهند؛  
تجربه های شخصی و تجربه  
های همونوعان، بویژه آن  
انسان هایی که از همه به ما  
نزدیک تر هستند و در قلب  
ما جای دارند. به این ترتیب  
است که نیایش ساده ای  
مانند تسبیح حضرت مریم،  
ضرباهنگ زندگی بشری را  
به خود می گیرد.

ژان پل دوم، ۱۹۷۸/۱۰/۲۹





### تسبیح حضرت مریم

نام تسبیحی که برای نیایش به کار می رود و همچنین نام یک نوع نیایش که در سده دوازدهم در میان سیسترسی ها و کارتوزی ها رواج یافت که برادران ایمانی غیرروحانی شان در نیایش های ساعتی (لاتینی) شرکت نمی کردند و تسبیح حضرت مریم برایشان حکم یک شکل ویژه از نیایش (دعای حضرت مریم) را داشت. بعدها، تسبیح حضرت مریم بویژه از سوی دومنچین ها و همچنین دیگر فرقه ها رواج یافت. پاپ ها پیوسته این نیایش را توصیه می کردند و این نیایش در میان انسان های بسیاری محبوبیت فراوان دارد.

رازهای اندوه (روزهای سه شنبه و جمعه)  
دعای عیسی در باغ زیتون  
عیسی را تازیانه می زنند  
بر سر عیسی تاج خار می نهند  
عیسی صلیب خود را حمل می کند  
مصلوب شدن و جان سپردن عیسی

رازهای شکوه و جلال (روزهای یکشنبه و چهارشنبه)  
رستاخیز عیسی  
صعود عیسی به آسمان  
نزول روح القدس بر مریم و رسولان  
برشدن مریم عذرا به آسمان  
جلال یافتن مریم و شکوه فرشتگان و مقدسین

۴۸۲ دعا در میان مسیحیان نخستین چه نقشی ایفا می کرد؟  
نخستین مسیحیان، نیایشگرانی کوشا و دقیق بودند. کلیسای اولیه، تکاپوی خود را از روح القدس می گیرد که نزد شاگردان نازل شده بود و آنان تمامی فر و شکوه خود را موهون او بودند: «او در تعلیم رسولان و مشارکت ایشان و شکستن نان و دعاها مواظبت می نمودند» (رس، ۲: ۴۲).

۴۸۳ پنج شیوه بنیادی دعا کردن کدام اند؟  
پنج شیوه بنیادی دعا کردن، دعای ← **برکت و پرستش**، دعای تمنا و استغاثه، دعای شفاعت، دعای سپاسگزاری و دعای تمجید و ستایش هستند [۲۶۲۶-۲۶۴۳].

۴۸۴ دعای برکت چیست؟  
دعای برکت دعایی است که ← **برکت** خدا را بر ما می طلبد. فقط خداست که همه برکت ها از او برمی آید. نیکی خدا، نزدیکی خدا و رحمت و شفقت خدا، همه برکت هستند. «خدا تو را برکت دهد» کوتاه ترین شکل طلب برکت است [۲۶۲۶-۲۶۲۷].

هر فرد مسیحی باید ← **برکت** خدا را برای خود و دیگران بطلبد. والدین می توانند نشانه صلیب را روی پیشانی فرزندشان بکشند. دو فردی که به یکدیگر عشق می ورزند، می توانند یکدیگر را برکت دهند. از این گذشته، ← کشمیش هم به نیروی منصبی که دارد، قادر است آشکارا به نام عیسی و به مأموریت از جانب کلیسا، برکت دهد.

### یهوه تو را برکت دهد و تو را

محافظت نماید. یهوه روی خود را بر تو تابان سازد و بر تو رحمت کند. یهوه روی خود را بر تو برافزارد و تو را سلامتی بخشد.

اع، ۲۶: ۴

برکت او به شیوه ای ویژه از راه مراسم تدهین و دستگذاری کاهنی او و با قوای دعای کلیسا تأثیرگذار می شود.

» همه چیز به برکت خدا واگذار شده است.  
ضرب المثل آلمانی



### ۴۸۵ چرا باید خدا را پرستش کنیم؟

هر انسانی که درمی یابد که او مخلوق خدا است، این قادر متعال را با فروتنی احترام می گذارد و پرستش می کند. اما پرستش مسیحی، فقط عظمت، قدرت لایزال و ← **قداست** خدا را زیر نظر ندارد. در این پرستش، انسان در پیشگاه محبت الهی که در وجود عیسی مسیح، انسان شده است، به زانو درمی آید.

کسی که خدا را براستی پرستش می کند، در پیشگاه او به زانو می افتد یا خود را بر زمین می افکند. با این حرکت، ماهیت اصلی رابطه میان انسان و خدا به بیان درمی آید: او بزرگ است و ما کوچکیم. همزمان باید گفت که انسان در هیچ زمانی به مانند زمانی که با اهدای آزادانه خود در پیشگاه خدا به زانو در می آید، بزرگ تر نیست. خدا به زانو درمی آید. فرد بی ایمانی که در جست و جوی خداست و آغاز به دعا می کند، می تواند از این طریق خدا را بیابد. ← ۳۵۳

» نیایش چیزی جز بذل دقت به ناب ترین شکل ممکن نیست.  
سیمون ویل





**کیست که بر ایشان فتوا دهد؟ آیا مسیح که مُرد بلکه نیز برخواست، آنکه به دست راست خدا هم هست و ما را نیز شفاعت می کند؟ کیست که ما را از محبت مسیح جدا سازد؟ آیا مصیبت یا دلنگنی یا جفا یا قحط یا عربانی یا خطر یا شمشیر؟**

روم، ۸: ۳۴-۳۵

**یعقوب گفت: تا مرزا برکت ندهی، تو را رها نکنم.**

پی، ۲۶: ۳۲

**»» خدای عزیز دوست دارد مزاحم او شویم.**

پدر روحانی اهل آرس

**»» ای انسان، تو موجود مفلوک هستی که باید برای همه چیز به خدا التماس کنی.**

پدر روحانی اهل آرس

**»» همه پدران روحانی که برای نیایش اهمیت بسیاری قائل شده اند، بر این نظر هستند که رفتاری ناشی از ایمان‌داری، مانند زانو زدن، دست‌ها را در هم گره کردن و بر سینه صلیب رسم کردن، نتیجه بسیاری دربر دارد. این رفتار به شیوه ای که**

**۴۸۶ چرا باید به خدا التماس کنیم؟**

خدا که ما را به طور کامل می شناسد، می داند که ما به چه چیز نیاز داریم. با این حال خدا می خواهد که ما «التماس» کنیم: که ما در تنگنای زندگی مان به او روی بیاوریم، به سوی او فریاد سردهیم، تمنا کنیم، شکوه نماییم، او را صدا زیم و حتی در دعاهایمان با او بجنگیم [۲۶۲۹-۲۶۳۳].

شکی نیست که خدا برای کمک کردن به ما نیازی به التماس های ما ندارد. این که ما باید التماس کننده باشیم، به خاطر خودمان است. کسی که التماس نمی کند و نمی خواهد التماس کند، در خود فرومی رود. فقط انسانی که التماس می کند، درهای روح خود را باز می کند و به سرچشمه تمامی نیکی ها روی می آورد. کسی که التماس می کند، گویی که به خانه و به نزد خدا بازمی گردد. به این ترتیب است که دعای استغاثه، انسان را به سوی رابطه ای درست با خدا رهنمون می شود، خدایی که به آزادی ما احترام می گذارد.

**مسیحیان با رفتارهای نیایشی خود بیانگر چه حالاتی هستند؟**

مسیحیان با زبان بدن، زندگی خود را در پیشگاه خدا قرار می دهند: آنان خود را در پیشگاه خدا به زمین می اندازند. در دعا دست‌ها را به هم گره می زنند یا از هم می گشایند (حالت فرد نیایشگر). آنان زانو‌ها را خم می کنند یا پیش روی این خدای قدوس زانو می زنند. به حالت ایستاده به انجیل گوش می دهند. در حالت نشسته، تعمق می کنند.

در حالت ایستاده، در پیشگاه خدا، احترام به بیان در می آید (هنگامی که مقامی بالاتر وارد مکانی می شود، افراد در جای خود می ایستند)، همزمان این حالت نشانگر هوشیاری و آمادگی است (فرد آماده است بی درنگ به راه افتد). اگر در این حالت دست‌ها برای ستایش خدا از هم گشوده شود (حرکت دست های گشوده در دعا)، فرد نیایشگر در واقع نخستین حالت از ستایش را به خود گرفته است.



در حالت نشسته، در پیشگاه خدا، فرد مسیحی به ندای درون گوش می دهد و کلام را در قلب خود می پذیرد (لو، ۲: ۵۱) و در آن تعمق می کند.



در حالت به زانو درآمده، فرد خود را در قبال عظمت خدا کوچک می سازد. او همچنین وابسته بودن خود به فیض الهی را با این حرکت می پذیرد.



در حالت سجده، فرد خدا را پرستش می کند.



در حالت گره زدن دست‌ها، انسان از پریشانی به تمرکز می رسد و خود را با خدا پیوند می بخشد. گره زدن دست‌ها هم در زمره حالات اولیه استغاثه است.



**۴۸۷ چرا باید به خاطر انسان‌های دیگر در پیشگاه خدا تمنا نماییم؟**

همان گونه که ابراهیم برای ساکنان صدموم به درگاه خدا استغاثه کرد، همان گونه که عیسی برای شاگردان خود دعا می کرد، همان گونه که جمع اولیه مسیحیان فراخوانده شد تا «هیچ یک از شما تنها به فکر خود نباشد، بلکه به دیگران نیز بیاندیشد» (فی، ۴: ۲). به همان نسبت هم مسیحیان همواره برای همگان دعا می کنند - برای آنانی که برایشان عزیز هستند: برای انسان‌هایی که از آنان دور هستند و حتی برای دشمنان خود [۲۶۳۴-۲۶۳۶؛ ۲۶۴۷].

انسان به همان نسبت که بیشتر دعا کردن را بیاموزد، به همان نسبت نیز ژرف تر احساس خواهد کرد که با خانواده ای روحانی پیوند یافته است که به کمک افراد آن، قدرت نهفته در دعا تأثیرگذار می گردد. من با همه دغدغه‌هایم در قبال انسان‌هایی که دوستشان دارم، در میانه خانواده بشری قرار دارم، مجاز هستم از قوای دعا‌های دیگران بهره مند شوم و خود نیز برای دیگران استمداد الهی را بجوم.

**۴۸۸ چرا باید از خدا سپاسگزار باشیم؟**

هر آنچه که ما هستیم و هر آنچه که ما داریم، از خدا می آید. پولس می گوید: «چه چیز داری که نیافتی؟» (۱ قر، ۴: ۷). سپاسگزار بودن از خدایی که بخشنده همه نیکی هاست، انسان را نیکبخت می سازد [۲۶۳۷-۲۶۳۸، ۲۶۴۸].

بالاترین شکل سپاسگزاری، آیین «سپاسگزاری ای است (واژه یونانی Eucharistie به معنای ادای سپاس است) که در آن عیسی نان و شراب را گرفت تا با آن کل آفرینش متحول شده را به خدا تقدیم کند. سپاسگزار بودن در قبال همه چیز از نظر مسیحیان به معنای همراهی با این سپاسگزاری بزرگ عیسی است. زیرا ما نیز از راه عیسی، تبدیل می گردیم و نجات می یابیم: به این ترتیب است که می توانیم از صمیم قلب سپاسگزار باشیم و به شیوه ای همه جانبه آن را به خدا بازگو کنیم.

محسوس نیست به ما کمک می کند، در حضور خدا گرد هم آییم و تمرکز خود را بر او حفظ کنیم.

فرانسوا دوسال

**»» بی شک باید انسان‌هایی یافت شوند که برای آنانی نیایش کنند که هرگز دست به نیایش نمی برند.**

ویکتور هوگو  
۱۸۰۲-۱۸۸۵، نویسنده خداناباور فرانسوی

**»» شفاعت کردن یعنی برای یک نفر فرشته ای گسیل داشتن.**

مارتین لوتر

**»» در هر امری شاکر باشید که این است اراده خدا در حق شما در مسیح عیسی.**

۱ تسلا، ۵: ۱۸

**»» ستایش ما نمی تواند به بزرگی تو بیافزاید، اما برایمان برکت و نجات به همراه می آورد.**

از دیباچه چهارم برای نیایش هفتگی



و با یکدیگر به  
مزامیر و تسبیحات  
و سرودهای روحانی گفتگو  
کنید و در دل های خود  
به خداوند بسرایید و ترنم  
نمایید.

اف. ۱۹:۵

در دعا مواظب  
باشید و در آن با  
شکرگزاری بیدار باشید.  
کو. ۲:۴

پیش از هر چیز انجیل  
در خلال نیایش های درونی  
ام یا من سخن می گوید؛  
در آنها هر چیزی را که  
روح نیازمند من، محتاجش  
باشد، می یابم. همیشه در  
آن معرفت هایی می یابم و  
نیز مفاهیمی پنهان و پرمز  
و راز.

ترزا اهل لیزبو

هر روز تو را هفت  
مرتبه تسبیح می  
خوانم، برای داوری های  
عدالت تو.

مز. ۱۱۹:۱۶۴

این عدد مقدس هفت  
هنگامی که ما [زاهدان] در  
وعده های هفت گانه در  
طول روز دست به خدمات  
روحانی خود می زنیم، به  
تحقق می رسد.

بندیکت نرسیا

#### ۴۸۹ ستایش کردن خدا به چه معناست؟

خدا به تشویق ما نیاز ندارد. اما ما خود نیاز داریم که به شکل فی  
البداهه شادی خود بابت خدا و غوغای شادمانه قلبمان را به بیان  
دریابوریم. ما خدا را از آن رو ستایش می کنیم که او وجود دارد و  
نیک است. به این ترتیب است که از هم اکنون با ستایش جاودانه  
فرشتگان و قدیسن در آسمان هم نوا می شویم  
[۲۶۴۲-۲۶۳۹] ۴۸

#### فصل دوم سرچشمه های دعا

#### ۴۹۰ آیا دعا کردن زمانی که میل آن را در خود احساس می کنیم، کفایت می کند؟

خیر. کسی که فقط براساس میل و حوصله خود دعا می کند،  
خدا را جدی نمی گیرد و دعا را از یاد می برد. دعا کردن براساس  
وفاداری انسان به آن، حیات می یابد [۲۶۵۰-۲۶۵۱].

#### ۴۹۱ آیا می توان دعا کردن را از کتاب مقدس آموخت؟

← کتاب مقدس به مانند سرچشمه ای برای دعا است. دعا کردن  
با کلام خدا به معنای استفاده کردن از کلام و رخدادهای کتاب  
مقدس برای دعاها ایمان است. «عدم شناخت کلام مقدس به معنای  
عدم شناخت مسیح است» (هیرونیموس قدیس) [۲۶۵۲-۲۶۵۳].

کتاب مقدس، بویژه مزامیر و ← عهد جدید، گنجینه ارزشمندی  
است؛ زیباترین و قوی ترین دعاها، جهان یهودی - مسیحی در این  
گنجینه نهفته است. خواندن این دعاها، ما را با میلیون ها نیایشگر دیگر  
از سراسر زمان ها و فرهنگ ها، و بویژه با شخص مسیح که در همه این  
نیایش ها حضور دارد، پیوند می دهد. ۱۶

#### ۴۹۲ آیا دعای شخصی من ارتباطی با دعای کلیسایی دارد؟

در عبادت عمومی ← کلیسا، در نیایش ساعات آن و در قربانی  
مقدس، دعاهایی به شکل مشترک خوانده می شود که از کتاب  
مقدس یا سنت کلیسایی سرچشمه می گیرند. آنها تک تک افراد را  
با جماعت دعا کننده کلیسایی پیوند می بخشند  
[۲۶۵۵-۲۶۶۲].

دعای مسیحی یک امر خصوصی نیست، اما بسیار شخصی است.  
دعای شخصی، در صورتی که به شکل مرتب با دعا در سراسر کلیسا  
هم جریان شود، پالایش و گسترش می یابد و تقویت می گردد.  
هنگامی که در سراسر جهان، ایمانداران در یک زمان واحد با خواندن  
دعاهایی واحد با یکدیگر متحد می شوند و به این ترتیب، خدا را یک  
نوا ستایش می کنند، این به منزله نشانه ای پرشکوه و زیباست  
← ۱۸۸

#### ۴۹۳ ویژگی های دعای مسیحی کدام اند؟

دعای مسیحی، نیایشی در حالت ایمان، امید و محبت است. این  
دعا، نیایشی پایدار و تسلیم اراده الهی است  
[۲۶۵۶-۲۶۵۸، ۲۶۶۲].

آنکه در مقام یک فرد مسیحی دعا می کند، در لحظه دعا از خود بیرون  
می آید و با کرداری از سر اعتماد مبتنی بر ایمان به سوی خدای واحد  
حرکت می کند؛ او همزمان کل امید خود را متوجه خدا می سازد -  
امید به این که او همزمان کل امید خود را بپذیرد و به انجام رساند.  
دن بسکوی قدیس زمانی چنین گفت: «برای شناخت اراده الهی، سه  
چیز لازم است: دعا، شکیبایی و مشورت خواهی از دیگران». سرآخر  
باید گفت که دعای مسیحی همواره بیانی از محبتی است که از مسیح  
سرچشمه می گیرد و محبت الهی را می جوید.

#### ۴۹۴ چگونه ممکن است که زندگی روزمره من، به آموزشکده ای برای دعا بدل گردد؟

هر رخداد و هر ملاقاتی می تواند به فرصتی برای دعا تبدیل گردد.  
زیرا هر چه ما بیشتر در اتحاد با خدا به سر بریم، به همان نسبت هم  
جهان پیرامون خود را ژرف تر درک می کنیم [۲۶۵۹-۲۶۶۰].

کسی که از همان صبحگاه در صدد اتحاد با عیسی برمی آید، می تواند  
برای انسان هایی که با آنان ملاقات می کند، حتی دشمنان و مخالفانش  
برکت باشد. او در خلال روز، تمامی دغدغه های خود را به خداوند  
واگذار می کند. او در درون خود آرامش بیشتری دارد و این آرامش  
چهره او را نیز درخشان می سازد. او در حالتی دست به تصمیم گیری  
و داوری می زند که از خود می پرسد، عیسی در یک چنین موقعیتی  
چگونه تصمیم گیری می کرد. او با نزدیکی یافتن به خدا، بر هراس  
های خود غلبه می کند. او در موقعیت های دشوار، عاری از تکیه  
گاه نیست. او آرامش آسمان را در خود دارد و آن را به سراسر جهان  
اشاعه می دهد. او انباشته از سپاس و شادمانی بابت زیبایی هاست،  
اما همزمان دشواری هایی را نیز که با آنها مواجه می شود، تاب می  
آورد. این توجه نشان دادن به خدا، امری ممکن است، حتی در زمان  
کار کردن.

انتظار بسیار برای  
خدا کشیده ام و  
به من مایل شده، فریاد مرا  
شنید.

مز. ۴:۱۰

روح خود را در صلح و  
صفا نگاه دار. اجازه بده خدا  
در وجود تو کارساز شود.  
اندیشه های پرشوری را  
که روح تو را به سوی خدا  
ارتقاء می دهند، خوشامدگو  
باش. پنجره روح خود را  
کاملاً باز کن.

ایگناتیوس لیولا

راز من بسیار ساده  
است: من نیایش می کنم.  
و از راه نیایش، با محبت  
مسیح یکی می گردم و می  
بینم که نیایش کردن، محبت  
ورزیدن به او و همچنین  
همراه با او زیستن است  
و این یعنی کلام او را به  
واقعیت رساندن... نیایش  
برای من یعنی ۲۴ ساعت  
متوالی یکی بودن با اراده  
عیسی، برای او، از راه او و  
همراه با او زیستن.

مادر ترزا





» روح القدس، روح عیسی مسیح است، روحی که پدر را با پسر در محبت پیوند می بخشد.

بنديکت شانزدهم، جشن شب پنجاهه، ۲۰۰۶

» به نزد بیا ای روح القدس که شب تیره را می شکافی! بر این جهان نور بیافشان...

ترجمه بند عید بنطیکاست

» و همچنین روح نیز ضعف ما را مدد می کند.

روم، ۸: ۲۶الف

۴۹۵ آیا می توانیم اطمینان داشته باشیم که دعاهای ما مستجاب می شوند؟

دعاهایی که ما به نام عیسی ادا می کنیم، به همانجایی می رسد که دعاهای شخص عیسی رسید، یعنی به قلب پدر آسمانی [۲۶۶۴-۲۶۶۹، ۲۶۸۰-۲۶۸۱].

ما می توانیم از هر آنچه به عیسی سپرده ایم، اطمینان خاطر کامل داشته باشیم. زیرا عیسی است که راه آسمان را دوباره به روی ما گشود، همان راهی که به دلیل گناه به رویمان بسته بود. از آنجا که عیسی راه منتهی به خداست، مسیحیان دعاهای خود را با عبارت «... این را از راه عیسی مسیح، خداوند خود می طلبیم» به پایان می برند. ۴۷۷

۴۹۶ هنگامی که دعا می کنیم، به چه دلیل به روح القدس نیاز داریم؟

در کتاب مقدس چنین آمده است: «آنچه که دعا کنیم، به طوری که می باید نمی دانیم، لکن خود روح برای ما شفاعت می کند به ناله هایی که نمی شود بیان کرد» (روم، ۸: ۲۶).

خطاب به خدا دعا کردن، تنها از راه با خدا دعا کردن میسر است. این که دعای ما برآستی به خدا برسد، در درجه نخست درزمره کارایی های ما نیست. ما مسیحیان روح عیسی را دریافت کرده ایم، روحی که به طور کامل وقف آن است که با پدر یکی گردد: سراسر محبت، سراسر گوش سپاری متقابل، سراسر درک کردن متقابل و سراسر همانی را خواستن که دیگری می خواهد. این روح قدوس عیسی در وجود ماست و اوست که به هنگام دعا، از درون ما سخن می گوید. در واقع دعا کردن به این معناست: از ژرفنای قلب من، خدا با خدا سخن می گوید. روح القدس به روح ما یاری می دهد تا دست به دعا زند. از این روست که باید پیوسته چنین بگوییم: «بیا، ای روح القدس، بیا و به من یاری ده تا دعا کنم» ۱۲۰

۴۹۷ چرا روی آوردن به قدیسین به هنگام دعا، یاری رسان است؟

قدیسین، انسان هایی مشتعل از روح القدس هستند؛ آنان آتش الهی را در کلیسا روشن نگاه می دارند. قدیسین در خلال زندگی زمینی خود، نیاشگرانی مشتعل بودند که آتش خود را به دیگران تسری می دادند. در نزدیکی با آنان می توان آسان تر دعا کرد. هر چند ما مجاز نیستیم که شخص قدیسین را پرستش کنیم، اما مجاز هستیم،



آنان را در آسمان ندا دهیم تا در عرش خدا بر ایمان شفاعت کنند [۲۶۸۳-۲۶۸۴].

در پیرامون قدیسین بزرگ، مکتب های ویژه ای از ایماننداری گرد آمده اند (← زندگی روحانی) که مانند رنگ های طیف رنگ ها، همگی به نور پاک الهی اشاره دارند. آنها همگی فعالیت خود را با یک عنصر اساسی واحد از ایمان آغاز می کنند تا از راه آن به دروازه ای دیگر در میانه راه ایمان و وقف کردن خود به خدا دست یابند. به این ترتیب، برای نمونه مکتب روحانی فرانسیسکن ها کار خود را از فقر در روح، مکتب روحانی بندیکتین ها در ستایش خدا و مکتب ایگناتیوس قدیس با قاطعیت در تصمیم گیری و دعوت دیگران آغاز می کنند. آن زندگی روحانی که هر فرد بنا به ویژگی های شخصی خود به آن احساس تعلق می کند، همواره خود به منزله مکتبی برای دعا است.

۴۹۸ آیا می توان همه جا دعا کرد؟

بله، می توان همه جا دعا کرد. با این حال، فرد کاتولیک همواره در جست و جوی مکان هایی نیز برمی آید که خدا به شیوه ای ویژه در آن «ساکن است». این مکان ها پیش از هر چیز، کلیساهای

» اگر در جست و جوی خدا هستی و نمی دانی از کجا باید بیازاری، نیایش را بیاموز و این دشواری را به جان بخر که هر روز نیایش کنی.

مادر ترزا

» هر چه در برابر خدا دست و دل باز باشی، به همان نسبت هم او را در قبال خود دست و دل بازتر خواهی یافت.

ایگناتیوس لیولا

» همه قدیسین، شیوه ای یکسان از قداست را دارا نیستند. برخی هستند که شاید هرگز نمی توانستند با دیگر قدیسان زندگی کنند. همگی آنان راهی مشابه ندارند. اما راه همگی آنان به خدا منتهی می شود.

پدر روحانی اهل آرس

معنویت SPIRITUALITY

(برگرفته از واژه لاتین spi-ritus به معنای روح): شکل هایی از ایماننداری در کلیسا، برگرفته از زندگی عملی قدیسان که به صورت های گوناگون تحت تأثیر روح القدس بوده است. بر این اساس از معنویت بندیکتی، فرانسیسکنی یا دومینیکنی سخن گفته می شود.



» ما به روشی معنوی [از] راه نیایش هایمان] به کل آفرینش الهی دسترسی می یابیم، از دورترین سیاره ها تا زرفنای دریاها، صومعه ای دورافتاده و کلیسایی خالی و تک افتاده، درمانگاهی برای سقط جنین در یک شهر و سلولی از زندان در شهری دیگر، بلکه حتی آسمان و دروازه های جهنم. ما با هر بخشی از آفرینش متصل هستیم. ما همراه با هر آفریده خداوند و برای هر آفریده او نیایش می کنیم تا همه آنانی که خون پسر خدا برایشان ریخته شد، نجات یابند و تقدیس شوند.

مادر ترزا

کاتولیک هستند که خداوندگاران در آنها به شکل نان تقدیس شده در صندوقچه قربان مقدس حضور دارد [۲۶۹۱، ۲۶۹۶].

این بسیار اهمیت دارد که ما در همه جا دعا کنیم: در مدرسه، در قطار، در خلال یک میهمانی و در جمع دوستان. ← برکت باید به سراسر جهان رخنه کند. اما این نیز حائز اهمیت است که در جست و جوی مکان های مقدسی براییم که در آنها خدا به شیوه ای ویژه در انتظار ماست تا در کنار او آرامش یابیم و از سوی او قوت، فیض و رسالت را دریافت داریم. یک مسیحی واقعی هنگامی که به بازدید یک کلیسا می رود، هرگز فقط از یک مکان دیدنی دیدن نمی کند. او اندکی در سکوت وقت می گذارد، خدا را نیایش می کند و از نو با او پیمان رفاقت و محبت می بندد ← ۲۱۸.

## فصل سوم راه دعا

۴۹۹ چه موقع باید دست به دعا زد؟

مسیحیان از زمان های بسیار قدیم دستکم صبح، پیش از صرف هر وعده غذایی و شب دست به دعا برمی داشتند. کسی که به شکل منظم دعا نمی کند، پس از گذشت زمان اندکی، دعا را به کل فراموش خواهد کرد [۲۶۹۷-۲۶۹۸، ۲۷۲۰].

کسی که به انسان دیگری عشق می ورزد و در تمامی طول روز کوچک ترین نشانه ای از عشق خود را برای او ارسال نمی کند، براستی به او عشق نمی ورزد. درباره خدا نیز چنین است. کسی که براستی خدا را می جوید، پیوسته نشانه هایی از گرایش خود به نزدیکی و دوستی با او را از خود صادر می کند. صبح از خواب برخاستن و روز را به خدا اهداء کردن، ← برکت او را خواستن و تمنای «همراهی» او، در هر دیدار و هر تنگنایی، سپاسگزای از او بویژه پیش از صرف غذا، در پایان روز، همه چیز را به او سپردن، از او طلب بخشش کردن و برای خود و دیگران صلح و آرامش خواستن، همه اینها به منزله یک روز فوق العاده است، انباشته از نشانه های حیات که همگی به خدا منتهی می شوند. ← ۱۸۸.

۵۰۰ آیا روش های گوناگونی برای دعا وجود دارد؟

بله، دعا می تواند به شکل کلام، تعمق یا اندرنگری باشد. لازمه هر سه نوع دعا، توجه قلبی کامل است [۲۶۹۹، ۲۷۲۱].

۵۰۱ دعای کلامی چیست؟

دعا در درجه نخست، اعتلا بخشیدن به قلب تا سرحد خداست. لیکن عیسی خود، دعا کردن با کلام را آموزش داد. او با دعای پدر ما، کامل ترین نوع دعای کلامی را به شکل وصیت خود، مبنی بر این که چگونه باید دعا کنیم، برای ما برجای گذاشت [۲۷۰۰-۲۷۰۴، ۲۷۲۲].

به هنگام دعا نباید فقط اندیشه های مبتنی بر تقوا را به خود راه دهیم. باید هر آنچه را هم در قلب داریم، بازگو کنیم و در قالب شکایت، تمنا، ستایش و سپاس به درگاه خدا تقدیم کنیم. در اغلب موارد، این دعاها کلامی مفصل - مزامیر و سروده های کتاب مقدس، ای پدر ما و ← درود به تو ای مریم - هستند که ما را به سوی محتوای راستین دعا رهنمون می شوند و داوطلبانه به یک دعای باطنی می انجامند [۵۱۱-۵۲۷].



۵۰۲ ماهیت دعای تعمق چیست؟

ماهیت دعای تعمق، جست و جویی همراه با نیایش است که از متن یا تصویری مقدس نشأت می گیرد و فرد طی آن، برای دریافتن اراده الهی، نشانه ای الهی یا حضور خدا، دست به پژوهش و مطالعه می زند [۲۷۰۵-۲۷۰۸].

متون و تصاویر مقدس را نمی توان، همانند مطالب درج شده در یک روزنامه که بی واسطه به ما مربوط نمی شوند، «خواند». باید در این

← او را بجویید. اگر نمی دانید چگونه باید دست به نیایش زبانی، از او بخواهید که به شما آن را بیاموزد و از مادر آسمانی خود بخواهید همراه با شما و برای شما دعا کند.

بندیکت شانزدهم، خطاب به جوانان هلندی، ۲۰۵/۱۱/۲۱

» راه های بسیاری

برای نیایش هست. برخی تنها یکی از این راه ها را می پیمایند و برخی دیگر همه آنها را. لحظاتی از قطعیتی زنده و پویا یافت می شود: مسیح حضور دارد و در درونمان سخن می گوید. لحظاتی هم هست که او سکوت می کند و غریبه ای دور دست می نماید... نیایش با شکل های گوناگون بی پایانش، برای همه به منزله راه دسترسی به حیاتی است که نه از شخص ما، بلکه از جای دیگری می آید.

برادر روزنه شوتس

» این که آیا نیایش ما

شنیده می شود یا خیر، نه به حجم کلام ما، بلکه به شورمندی روح ما بستگی دارد.

یوهانس کریستوستوموس





» نه همه چیزدانی، بلکه بصیرت درونی و به سنجش گذاشتن چیزها است که روح را سیراب می کند و رضایت می بخشد.

ایگناتیوس لویولا

» من به او می نگرم و او به من می نگرد.

دهقانی خطاب به پدر روحانی اهل آرس، هنگامی که از او درباره نیایش پرس و جو شد

**مراقبه MEDITATION** (برگرفته از واژه لاتین meditare) مراقبه تمرین معنوی عملی در ادیان و فرهنگ های گوناگون است که در آن انسان قصد دارد خود (و خدای خود) را بازیابد. مسیحیت تمرین های گوناگونی از مراقبه را می شناسد و ارجح می گذارد، اما آن کارکردهایی را که یکی شدن با خدا و امر الهی را به عنوان نتیجه یک فن ویژه مراقبه وعده می دهند، مردود می شمارد.



متون و تصاویر تعمق کرد، یعنی باید قلب را به سوی خدا ارتقاء داد و خطاب به او گفت که برای آنچه خدا از راه مطلب مطالعه شده یا تصویر نظاره شده به ما می گوید، آمادگی کامل و روی گشاده وجود دارد. علاوه بر متون کتاب مقدس، متون بسیاری که آدمی را به سوی خدا رهنمون می شوند، برای کاوشی همراه با تعمق مناسب هستند. ۱۶

### ۵۰۳ دعای اندرنگرانه چیست؟

دعای اندرنگرانه، محبت، سکوت، گوش سپردن و حضور داشتن در پیشگاه خدا است [۲۷۰۹-۲۷۱۹، ۲۷۲۴].

برای دعای اندرنگرانه به زمان، قاطعیت و بویژه قلبی پاک نیاز داریم. این نیایش به معنای سرسپاری فروتنانه و همراه با نیازمندی از سوی مخلوقی است که با فرو افکندن همه صورتک ها، به محبت ایمان دارد و خدا را با قلب خود می جوید. دعای باطنی اغلب، دعای قلبی و اندرنگرانه نیز نامیده می شود ۴۶۳.

۵۰۴ یک فرد مسیحی از راه تعمق به چه دستاوردهایی می تواند برسد؟

یک فرد مسیحی در تعمق در جست و جوی سکوت است تا نزدیکی خدا را تجربه کند و در حضور او به آرامش دست یابد. او به تجربه ملموس حضور او به شکل یک عطیه که شایستگی آن را نداشته است، امید دارد؛ اما او انتظار ندارد که به این عطیه به عنوان دستاورد یک فن خاص برای تعمق دست یابد.

تعمق می تواند برای ایمان، تقویت و بلوغ انسان ها بسیار یاری رسان باشد. اما فتنونی از تعمق که تجربه کردن خدا و یا حتی پیوند روحانی با خدا را وعده می دهند، به منزله کلاهبرداری هستند. بسیاری انسان ها بنا به این گونه وعده و وعید های نادرست، اعتقاد دارند که خدا آنان را ترک کرده است، زیرا او را احساس نمی کنند. اما نمی توان خدا را مجبور کرد که خود را به واسطه روش هایی ویژه به زور به انسان ها آشکار سازد. اوست که خود هر وقت و به هر نحوی که بخواهد با ما ارتباط برقرار می کند.

### ۵۰۵ چرا دعا گاه یک مبارزه است؟

میرشدان روحانی در همه زمان ها، رشد و بالندگی در ایمان و در محبت خدا را نبردی تشریح کرده اند که در آن، مسأله مرگ و زندگی مطرح است. رزمگاه، باطن آدمی است. سلاح فرد مسیحی

همان نیایش اوست. ما مختار هستیم اجازه دهیم خودخواهی بر ما غلبه کند، خود را به هیچ و پوچ سپاریم و سردرگم شویم یا خدا را از آن خود سازیم [۲۷۲۵-۲۷۵۲].

کسی که مایل است دست به دعا زند، باید ابتدا بر تنبلی خود غلبه کند. حتی پدران در بیابان نیز با چیزی که امروزه «بی حوصلگی» نامیده می شود، در مقام کاهلی (Akedia) آشنایی داشتند. بی میلی نسبت به خدا، معضل بزرگی در زندگی روحانی آدمی است. روح حاکم بر زمانه نیز برای دعا معنا و مفهومی قائل نیست و تقویم های انباشته از برنامه های کاری و ملاقات ها نیز جایی برای دعا باقی نمی گذارند. همچنین باید با آن ابلیسی مبارزه کرد که دست به هر کاری می زند تا آدمی را از سرسپاری اش به خدا باز دارد. اگر خدا مایل نبود که ما در ، به سوی او رهنمون شویم، امکان پیروزی ما در این نبرد هم فراهم نمی آمد.

### ۵۰۶ آیا دعا گونه ای گفت و گو با خود نیست؟

ویژگی دعا درحقیقت این است که آدمی از من به تو و از خودمحموری به گشاده رویی کامل می رسد. کسی که به راستی دعا می کند، می تواند این را دریابد که خدا سخن می گوید و این که او اغلب به گونه ای متفاوت با آنچه آرزویش را می کنیم یا انتظارش را داریم، سخن می گوید.

نیایشگران صاحب تجربه، گزارش می دهند که فردی که از حالت دعا بیرون می آید، اغلب حال و هوای دیگری نسبت به زمان پیش از دعا دارد. گاه انتظارهایی برآورده می شود؛ انسان غمگین است و تسلا می یابد؛ انسان جسارت خود را از دست داده و قوایی تازه می یابد. اما ممکن است آدمی مایل باشد دشواری هایی را فراموش کند، اما به ناآرامی های ژرف تری گرفتار آید؛ این که شخص بخواهد آرام بگیرد، اما در عوض، خود را در پیشگاه تعهدی تازه بیابد. امکان دارد ملاقاتی راستین با خداوند، یعنی ملاقاتی که پیوسته در دعا دست می دهد، تصوراتی را که ما نسبت به خدا و دعا داشته ایم، به کل مختل سازد.

۵۰۷ اگر به این تجربه برسیم که دعا به ما کمکی نمی کند، چه باید کرد؟

در دعا، هدف موفقیته سطحی نیست، بلکه دست یافتن به اراده و نزدیکی خداست. بویژه باید گفت که سکوت ظاهری خداوند به منزله دعوتی برای آن است که گامی فراتر رویم - با یک سرسپاری خستگی ناپذیر، ایمانی بی حد و مرز و انتظاری بی پایان. کسی که

» تا زمانی که زنده هستیم، می جنگیم و تا زمانی که می جنگیم، این نشانی از آن است که مغلوب نیستیم و روح نیک در ما می زید. و تا هنگامی که مرگ در مقام فاتح تو را در نمی گیرد، باشد که تو را یک مبارز بیابد.

آگوستین

» نیایش کردن بیشتر به معنای گوش سپردن است تا سخن گفتن. نظاره کردن، بیشتر به معنای نگرسته شدن است تا چشم دوختن.

کارلو کاروتو (۱۹۱۰-۱۹۸۸، نویسنده و عارف ایتالیایی، ملقب به «برادر کوچک عیسی»)

» همه دشواری ها در نیایش یک خاستگاه مشترک دارند: چنان نیایش می کنیم که گویی خدا حضور ندارد. تریزای آویلا

» طمع می ورزید و ندارید؛ می کشید و حسد می نماید و نمی توانید به چنگ آید؛ و جنگ و جدال می کنید و ندارید از این جهت که سوال نمی کنید. و سوال می کنید و نمی یابید. از این رو که به نیت بد سوال می کنید تا در لذات خود صرف نمایید.

بع، ۲:۴-۳



» هر انسانی نیایشی دارد که تنها متعلق به اوست، همان گونه که روحی دارد که تنها متعلق به اوست. درست همان گونه که برای انسان دشوار است که روح خود را بیابد، یافتن نیایش ویژه خود نیز دشوار است.

الی ویزل  
(متولد ۱۹۲۸،  
نویسنده رومانهای - امریکایی و  
از بازماندگان هولوکاست)

دعا می کند، باید این آزادی کامل را برای خدا قائل باشد که هر زمان که خواست با او سخن بگوید، هر زمان که می خواهد هر آنچه را که می خواهد تحقق بخشد و خود را آن گونه به فرد اهداء کند که خود می خواهد [۲۷۳۷-۲۷۳۵].

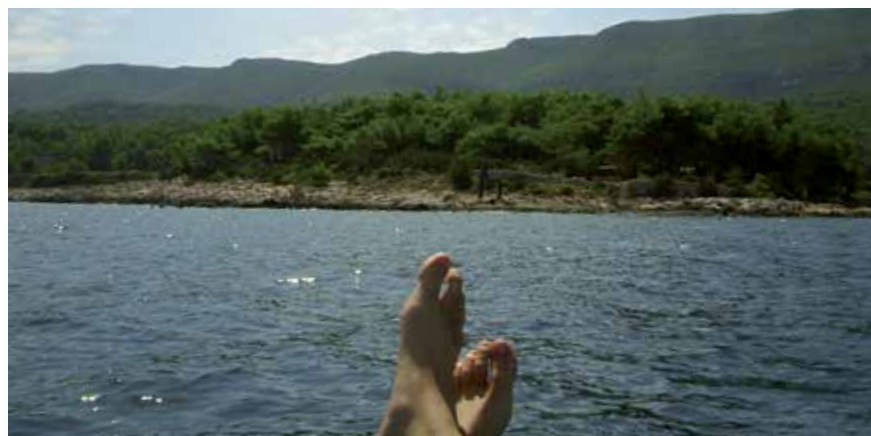
ما اغلب می گوییم: دعا کردم و فایده ای نداشت. شاید به اندازه کافی با قدرت و تمرکز دعا نمی کنیم. براین اساس، پدر روحانی [شهر] آرس یکبار به یکی از برادران دینی خود که از ناکام ماندن دعاهای خود شکوه سرداده بود، گفت: «تو دعا کردی، ناله و فغان سر دادی... اما آیا روزه هم گرفتی؟ شب ها بیدار ماندی؟» ممکن هم هست که ما از خدا چیزهای نادرستی را مطالبه می کنیم. قدیس ترزای آویلا یکبار چنین گفت: «نه برای بارهای سبک تر در زندگی، بلکه برای شانه های قوی تر دعا کن!» ☺ ۴۰، ۴۹.

» معنویت فرد مسیحی نه می تواند گریز از جهان باشد و نه این که چنان درگیر آن باشد که او را به دنبال هر مد جدید بکشاند. این معنویت که روح القدس در آن نفوذ کرده است، درصدد دگرگون ساختن جهان است.

ژان پل دوم، ۱۹۹۸/۱۲/۰۲

### ۵۰۹ آیا دعا کردن، گریز از واقعیت نیست؟

کسی که دست به دعا برمی دارد، از واقعیت نمی گریزد؛ بیشتر باید گفت که او چشمان خود را به روی تمامی واقعیت می گشاید. او از خدای قادر متعال برای پایداری ورزیدن در واقعیت، قدرت و نیرو می گیرد.



» بهترین درمان برای مقابله با رخوت روح این است که خود را همچون دربوزه گران در پیشگاه خدا و قدیسین قرار دهیم. و مانند دربوزه ای از قدیسی به قدیس دیگر رویم و از آنان صدقه های روح بطلبیم، با همان سماجتی که فقیری در خیابان صدقه می خواهد.

فیلدپ یری

۵۰۸ اگر در خلال دعا هیچ احساس ویژه ای نداشته باشیم و حتی احساس اکراه از دعا در خود داشته باشیم، چه باید کرد؟

حواس پرتی در حین دعا، احساس خلاء و بی حسی درونی، و حتی احساس اکراه نسبت به دعا، تجربه هایی هستند که هر نیایشگری پشت سرمی گذارد. در این حالت، پایداری ورزیدن در وفاداری، خود به منزله یک دعا است [۲۷۲۹، ۲۷۳۳].

حتی ترز قدیس اهل لیزیو نیز برای درازمدت قادر نبود نشانه ای از محبت خدا را در خود احساس کند. اندکی پیش از مرگش، خواهر

دعا کردن مانند پمپ بنزینی است که بتوان در آن برای راه دراز زندگی و چالش های جهان خارج نیرو و انرژی دریافت کرد. دعا به منزله گریز از واقعیت نیست، بلکه به معنای ژرف تر شدن در آن است. دعا، زمان را نمی رباید، بلکه زمان باقی مانده را دوبرابر می افزاید و آن را با معنای درونی انباشته می سازد.

### ۵۱۰ آیا امکان پذیر هست که همیشه در دعا باشیم؟

دعا همیشه امکان پذیر است. دعا حیاتی است. دعا کردن و زیستن را نمی توان از یکدیگر جدا ساخت [۲۷۴۲-۲۷۴۵، ۲۷۵۴].

پوسته شادمان  
باشید. همیشه دعا کنید. در هر امری شاکر باشید که این است اراده خدا در حق شما در مسیح عیسی. روح را اطفأ مکنید.

۱ تسا، ۱۶-۱۹



» به یاد داشته باش که خدا در میان قابلمه ها و ماهیتابه ها هم حضور دارد و در انجام تکالیف درونی و بیرونی در کنار توست.

ترزی آویلا

این گونه نیست که بتوان با ادای چند کلمه به هنگام صبح و شب خدا را قانع کرد. زندگی ما باید خود به دعا تبدیل شود و دعاها را ما باید به زندگی بدل گردانیم. هر تاریخچه زندگی مسیحی نیز به منزله یک تاریخچه دعا است، تلاشی منحصر به فرد و درازمدت برای این که پیوسته ژرف تر و ژرف تر با خدا یکی شویم. از آنجا که در وجود بسیاری مسیحیان این حسرت وجود دارد که در قلب خود همواره با خدا باشند، آنان به دعا موسوم به «دعای عیسی» روی می آورند که بویژه در کلیساهای شرق از قدیم مرسوم بوده است. فرد نیایشگر می کوشد یک فرمول نیایشی ساده را که معروف ترین آن عبارت است از: «ای عیسی خداوند، پسر خدای زنده، بر من گناهکار رحم کن!» چنان در زندگی روزمره خود همراه سازد که به یک نیایش دائمی تبدیل شود.

### » خوش دوم «

نیایش خداوند: «دعای ای پدر ما»

### » ۵۱۱ دعای ای پدر ما چگونه است؟

ای پدر ما که در آسمانی، تقدیس شود نام تو، بیاید ملکوت تو. انجام شود اراده تو، روی زمین، چنان که در آسمان. نان روزانه ما را امروز به ما ده. بیخشای گناهان ما را. چنانکه ما نیز می بخشیم بدهکاران خود را. و ما را در وسوسه میاور. بلکه ما را از شریر رهایی ده. زیرا ملکوت و قدرت و جلال از آن توست. آمین.

دعای ای پدر ما به زبان لاتین:

**Pater noster, qui es in caelis: sanctificetur nomen tuum; adveniat regnum tuum; fiat voluntas tua, sicut in caelo et in terra. Panem nostrum cotidianum da nobis hodie; et dimitte nobis debita nostra, sicut et nos dimittimus debitoribus nostris; et ne nos inducas in tentationem; sed libera nos a malo. Quia tuum est regnum, et potestas, et gloria in saecula. Amen.**



دعای ای پدر ما تنها داعی است که عیسی خود به شاگردانش آموخته است (مت، ۶: ۹-۱۳؛ لو، ۱۱: ۲-۴). به همین دلیل هم دعای ای پدر ما، «نیایش خداوند» نیز نامیده می شود. مسیحیان همه مذاهب مسیحی این نیایش را روزانه، چه در مراسم نیایشی کلیسایی و چه به صورت شخصی می خوانند. عبارت تکمیلی «زیرا ملکوت...» در آموزه دوازده حواری (Didache)، نشأت گرفته تقریباً از سال ۱۵۰ پس از مسیح) نیز ادا شده است و همواره می توان آن را به دعای ای پدر ما افزود.

### » ۵۱۲ دعای ای پدر ما چگونه شکل گرفت؟

دعای ای پدر ما بنا به خواش یکی از حواریون عیسی پدید آمد که استاد خود را در حال دعا دید و خواست از شخص عیسی بیاموزد که چگونه می توان به شکل درست دعا کرد. ۴۷۷.

### » ۵۱۳ دعای ای پدر ما چه ساختاری دارد؟

دعای ای پدر ما از هفت درخواست خطاب به پدر مهربان ما در آسمان تشکیل شده است. سه درخواست نخست، به خدا و روشی مربوط می شوند که می توانیم با آن او را به شکل درست خدمت کنیم. چهار درخواست واپسین به نیازهای بنیادی ما در مقام انسان مربوط می شوند که در پیشگاه پدرمان در آسمان ادا می کنیم [۲۸۰۳-۲۸۰۶، ۲۸۵۷].

### » ۵۱۴ دعای ای پدر ما در میان دعاها چه مرتبه ای دارد؟

دعای ای پدر ما «کامل ترین دعا» (به گفته توماس آکوئین قدیس) و «چکیده کل انجیل» (به گفته ترتولیان قدیس) است [۲۷۶۱-۲۷۷۲، ۲۷۷۴، ۲۷۷۶].

دعای ای پدر ما فراتر از یک دعا است - این دعا به منزله راهی است که به شکل مستقیم به قلب پدر ما منتهی می شود. مسیحیان نخستین این نیایش کهن کلیسایی را که در تعمیم به هر فرد مسیحی عطا می شود، سه بار در روز می خواندند. ما هم نباید روزی را بدون آن بگذرانیم که بکشیم نیایش پروردگار را به زبان آوریم، در قلب خود جای دهیم و در زندگی واقعی خود به آن واقعیت بخشیم.

» و هنگامی که او در موضعی دعا می کرد، چون فارغ شد، یکی از شاگردان به وی گفت: «خداوند، دعا کردن را به ما تعلیم نما، چنان که یحیی شاگردان خود را بیاموخت.» لو، ۱۱: ۱

» پس ای عزیزترین برادران، بیایید دعا کنیم، همان گونه که خدا، این استاد، به ما آموخت. هنگامی که با آنچه هست خدا را نیایش می کنیم و نیایش مسیح را به گوش او می رسانیم، این، نیایشی معتمدانه و درونی است. باشد که وقتی نیایش می کنیم، پدر کلام پسرش را بازشناسد... به یاد داشته باشیم که ما در معرض دید خدا هستیم. سپیریانوس مقدس اهل کارتاژ



» ما همگی به طور مشترک در نیایش خداوند از «پدر ما» سخن می‌گوییم. این را فرماندار و سرباز، غلام و ارباب یکسان ادا می‌کنند. آنان همه برادران یکدیگر هستند، زیرا پدر واحدی دارند. آگوستین

» بهشت بر زمین می‌تواند همه جا باشد، هر کجا که انسان‌ها سرشار از محبت به خدا، هموعان و خود باشند.

هیله گارد فن بینگن

**۵۱۸** اگر خدا «در آسمان» است، باید پرسید که این آسمان کجا واقع شده است؟

آسمان آنجاست که خدا باشد. واژه آسمان به مکان خاصی اشاره ندارد، بلکه به حضور خدا اشاره می‌کند که وابسته به مکان و زمان خاصی نیست [۲۷۹۴-۲۷۹۶، ۲۸۰۲].

نباید آسمان را در مکانی بر فراز ابرها بجوییم؛ هر کجا که ما به خدا در جلالش و به هموع خود در تنگنا روی آوریم، هر جا که از شادمانی محبت بهره مند شویم، هر جا که توبه کنیم و با خدا آشتی کنیم، همانجا به آسمان منتهی می‌شود. «نه آن که جایی که آسمان باشد، خدا هست؛ بلکه آنجا که خداست، همانجا آسمان است» (به گفته گرهارد ابلینگ Gerhard Ebeling) ۵۲ ←

**۵۱۹** «تقدیس شود نام تو» به چه معناست؟

تقدیس کردن نام خدا به معنای آن است که او را فراتر از هر چیز قرار دهیم [۲۸۰۷-۲۸۱۵، ۲۸۵۸].

«نام» در کتاب مقدس به ماهیت اصلی یک فرد اشاره دارد. نام خدا را تقدیس کردن به معنای آن است که حق واقعیت وجودی او را ادا کنیم، او را به رسمیت بشناسیم، او را ستایش کنیم، برای او اعتبار و احترام قائل شویم و بنا به فرامین او زندگی کنیم ← ۳۱.

**۵۱۵** این اعتماد را که خدا را پدر خطاب کنیم از کجا اخذ می‌کنیم؟

ما از این رو شهامت آن را به خرج می‌دهیم که خدا را پدر خطاب کنیم که عیسی ما را به نزد خود فراخوانده و به فرزندان خدا بدل کرده است. ما در پیوند با او که «در آغوش پدر است» (یو، ۱: ۱۸)، اجازه آن را می‌یابیم که او را «آبا، پدر» خطاب کنیم [۲۷۷۷-۲۷۷۸، ۲۷۹۷-۲۸۰۰] ← ۳۷.

**۵۱۶** اگر انسان‌ها از طرف پدر یا والدین تنی خود آزار دیده یا ترک شده باشند، چگونه می‌توانند خدا را «پدر» بنامند؟

پدران و مادران انسانی فرد، اغلب تصویر خدایی مهربان را که حکم پدر داشته باشد، مخدوش می‌سازند. اما پدر ما در آسمان با تجربه‌هایی که از والدین انسانی خود داریم، یکی نیست. ما باید تصویر خود از خدا را از تمامی تصاویر ناقص دیگر پاک سازیم تا بتوانیم با اعتمادی بی‌قید و شرط با او رویارو شویم. [۲۷۷۹].

حتی انسان‌هایی که پدر تنی شان به آنان تجاوز کرده است، می‌توانند دعا کردن با دعای ای پدر ما را بیاموزند. اغلب این به منزله وظیفه ای در زندگی آنان است که خود را به محبتی سپارند که انسان‌ها با سنگدلی از آنان دریغ می‌دارند، اما به گونه‌ای فوق‌العاده و فراتر از هر درک و تصور انسانی، وجود دارد.

**۵۱۷** ما چگونه با دعای ای پدر ما دگرگون می‌شویم؟

دعای ای پدر ما این امکان را فراهم می‌آورد که ما سراپا شادمانه دریابیم که فرزندان پدری واحد هستیم. فراخوان همگانی ما به آن است که پدرمان را ستایش کنیم و «یک دل و یک جان» (رس، ۴: ۳۲) با یکدیگر زندگی کنیم [۲۷۸۷-۲۷۹۱، ۲۸۰۱].

از آنجا که خدای پدر تک تک فرزندان را به گونه‌ای منحصر به فرد محبت می‌کند، یعنی گویی ما تنها موجودات خواستنی او هستیم، ما نیز باید با یکدیگر به شیوه‌ای نوین رفتار کنیم: سراسر صلح، توجه و محبت - تا هر فردی بتواند همان معجزه شورش‌آفرینی باشد که در نظر خدا برآستی هست ← ۶۱، ۲۸۰.

از آن رو که روح بندگی را نیافته‌اید تا باز ترسان شوید بلکه روح پسر خواندگی را یافته‌اید که به آن آبا یعنی پدر ادا می‌کنیم. روم، ۸: ۱۵

» خدا هرگز از آن که پدر فرزنداناش باشد دست نمی‌کشد. آنتونیوی مقدس اهل بادوا (۱۱۹۵-۱۲۳۱، از فرانسیسکن‌ها)

» همه آفریده‌ها، فرزندان یک پدر و از این رو برادران یکدیگر هستند. فرانسیس آسیزی

» فرد مسیحی نمی‌گوید: «پدر من»، بلکه «پدر ما» و این برای او حتی تا عمق اتاق‌های دورافتاده منزوی هم مصداق دارد، زیرا که او می‌داند که در هر مکان و هر وضعیتی از زندگی که باشد، عضوی از یک جسم واحد است.

بندیکت شانزدهم، ۲۰۰۷/۰۶/۰۶





» می توان گرسنه نان عادی بود، اما می توان همچنین گرسنه محبت، نیکی و توجه متقابل بود - و این همان فقر بزرگی است که انسان ها امروزه از آن رنج می برند.  
مادر ترزا

زیرا ملکوت خدا آکل و شرب نیست، بلکه عدالت و سلامتی و خوشی در روح القدس.  
روم، ۱۴: ۱۷

### ۵۲۰ «بیاید ملکوت تو» به چه معناست؟

هنگامی که در دعا می گوئیم «بیاید ملکوت تو»، ندای آن را سر می دهیم که مسیح، همان گونه که نوید داده است، دوباره بیاید و حاکمیت خدا را که پیشاپیش بر زمین آغاز کرده است، به شکل نهایی به اجرا گذارد [۲۸۱۶-۲۸۲۱، ۲۸۵۹].

فرانسوا فنلون Francois Fenelon می گوید: «خواستن همه آنچه خدا می خواهد، آن را همیشه خواستن، در هر فرصتی و بدون قید و شرط، این همان ملکوت خداست که امری به غایت درونی است» ۸۹، ۹۱.

### ۵۲۱ «انجام شود اراده تو، روی زمین چنانکه در آسمان» به چه معناست؟

هنگامی که برای تحقق فراگیر اراده خدا دعا می کنیم، خواستار آن هستیم که بر روی زمین و همچنین در قلب های تک تک ما، همان گونه شود که در آسمان واقع شده است [۲۸۲۲-۲۸۲۷، ۲۸۶۰].

تا زمانی که هنوز به نقشه های خود، اراده خود و تصورات خود وابسته باشیم، زمین نمی تواند به آسمان بدل گردد. یکی به نوعی خواستار چیزی نیست و دیگری خواستار چیزی دیگر. اما نیکبختی را زمانی می یابیم که به شکل مشترک همان چیزی را بخواهیم که خدا می خواهد. دعا به این معناست: برای خواست خدا بر زمین، تکه تکه جا باز کنیم ۴۹-۵۰، ۵۲.

### ۵۲۲ «نان روزانه ما را امروزه به ما بده»، به چه معناست؟

خواست نان روزانه، ما را به انسان هایی بدل می سازد که از نیکی خدای آسمانی شان هر چیزی را انتظار دارند، یعنی حتی کالاهای مادی و معنوی لازم برای زندگی. هیچ فرد مسیحی نمی تواند چنین خواسته ای را به زبان آورد، مگر آن که ابتدا به مسئولیت واقع بینانه خود برای آن عده در جهان بیندیشد که در زندگی از حیاتی ترین چیزها بی بهره هستند.

### ۵۲۳ چرا انسان فقط با نان زنده نیست؟

» «مکتوب است انسان نه محض نان زیست می کند، بلکه به هر کلمه ای که از دهان خدا صادر گردد» (مت، ۴: ۴، معادل تث.، ۳: ۸) [۲۸۳۵].

» مرکز نقل بشارت عیسی ملکوت خداست، یعنی خدا به عنوان سرچشمه و مرکز نقل زندگی ما؛ و او به ما چنین می گوید: خدا به تنهایی نجات انسان است. و در تاریخ گذشته نیز می توانیم ببینیم که در کشورهایی که خداوند از صحنه روزگار محو شده است، نه فقط اقتصاد به نابودی رفته است، بلکه بویژه روح ها به فنا رفته اند.

بنديکت شانزدهم، ۲۰۰۶/۰۲/۰۵

» از خودگذشتگی کامل به این معناست که با لبخندی بر لب همانی را بپذیریم که او می دهد و او می گیرد... هر چه را مطالبه می شود، بدهیم - حتی اگر آن، آوازه نیک تو یا تندرستی ات باشد - این یعنی از خودگذشتگی و سپس تو را و آزاد هستی.

مادر ترزا



### نیایش افزوده EMBOLISM

(برگرفته از واژه یونانی emballein به معنای افزودن و چیزی را در مکانی جای دادن): در آیین قربانی مقدس، افزوده ای به دعای پدر ما با این مضمون: ما را از همه بدی ها برهان، ای خداوند. و روزگار ما را آرامش عطا فرما تا به یاری رحمت تو همیشه از گناه آزاد و از هر آشفتگی در امان باشیم؛ ما که امید فرخنده و آمدن نجات دهنده خود عیسی مسیح را در انتظاریم.

» آمین گفتن در ایمان ما، نه مرگ، بلکه حیات است. کاردینال میشائیل فُن فاولهاپر

هیچکس مایل نیست منکر شود که شریر در جهان، خوشنوی ویرانگر دارد، پیرامون ما را نجوهای شیطانی فراگرفته است و این که در تاریخ پیوسته رویه هایی شیطانی در جریان بوده است. فقط در کتاب مقدس است که این امور به نام آورده شده اند: «زیرا ما را کشتی گرفتن با خون و جسم نیست بلکه با ریاست ها و قدرت ها و جهانداران این ظلمت و با فوج های روحانی شرارت در جای های آسمانی» (اف، ۱۲:۶). تمنای ادا شده در دعای ای پدر ما برای رهایی از شر، به کل فلاکت این جهان در پیشگاه خدا اشاره دارد و خواستار آن است که خدای قادر مطلق، ما را از همه بدی ها برهاند.

۵۲۷ چرا دعای ای پدر ما را با «آمین» به پایان می بریم؟

از زمان های دور، مسیحیان نیز مانند یهودیان همه دعاها را با «آمین» به پایان می برند و به این ترتیب در واقع می گویند: «بله، چنین باشد!» [۲۸۵۵-۲۸۵۶، ۲۸۶۵].

آنجا که فردی به کلام خود، به زندگی و سرنوشت خود یا به شادمانی که در انتظار اوست، «آمین» می گوید، آسمان و زمین به یکدیگر می آیند و ما به هدف رسیده ایم، یعنی به محبتی که از ازل ما را آفرید. ۱۶۵



این کلام کتاب مقدس به ما یادآور می شود که انسان ها گرسنگی معنوی دارند که با ابزارهای مادی سیر نمی شود. ممکن است انسان از کمبود نان جان دهد؛ اما ممکن است از این رو هم جان بدهد که فقط نان دریافت کرده است. ما در ژرفنای خود از راه همانی که «کلام حیات جاودانی» (یو، ۶:۶۸) را دارد، تغذیه می شویم و آن هم غذایی است که فاسد نمی شود (یو، ۶:۲۷) - این یعنی همان «قربانی مقدس در آیین سپاسگزاری».

۵۲۴ «ببخشای گناهان ما را، چنانکه ما نیز می بخشیم بدهکاران خود را» به چه معناست؟

بخشش رحمت آمیز - آنی که ما به دیگران می بخشیم و آنی که خود در جست و جوی آن هستیم - امری قابل تفکیک نیست. اگر ما خود رحمت نداشته باشیم و به دیگران هیچ نبخشیم، رحمت خدا نیز به سوی قلب ما جاری نخواهد شد [۲۸۳۸-۲۸۴۵، ۲۸۶۲].

انسان های بسیاری هستند که عمری متمادی با خود در جنگ اند، زیرا قادر به بخشیدن نیستند. سد و مانع قطعی و نهایی عدم بخشندگی در آدمی سرآخر تنها در باز شدن چشم بصیرت به روی خدا برطرف می شود، خدایی که ما را زمانی به خود پذیرفته که «هنوز گناهکار بودیم» (روم، ۵:۸). از آنجایی که ما پدری نیک داریم، بخشایش و زندگی مسالمت آمیز امری میسر است. ۲۲۷، ۳۱۴.

۵۲۵ «و ما را در وسوسه میاور» به چه معناست؟

از آنجا که ما هر روز و هر ساعت در خطر آن هستیم که به گناه فرو غلتیم و به خدا پاسخ رد دهیم، از خدا تمنا داریم که ما را در وسوسه های دژخیمانه، بدون محافظت نگذارد [۲۸۴۶-۲۸۴۹].

عیسی که خود در معرض وسوسه قرار گرفت، می داند که ما انسان هایی ناتوان هستیم که با قوای خود به دشواری قادر به مقابله با شر هستیم. او دعای ملتسمانه ای پدر ما را به ما اهداء می کند که به ما می آموزد چگونه به وقت آزمون، به یاری رسانی خدا اعتماد کنیم.

۵۲۶ هنگامی که می گوئیم «بلکه ما را از شریر رهایی ده»، منظور از شریر چه کسی است؟

«شریر» در دعای ای پدر ما، به یک قدرت یا انرژی منفی روحی اشاره نمی کند، بلکه شریر در مقام یک شخص است که در کتاب مقدس با نام های وسوسه گر، پدر دروغ، ابلیس یا شیطان از آن نام برده شده است [۲۸۵۰-۲۸۵۴، ۲۸۶۴].

Vater im Himmel, ich bitte weder um Gesundheit noch um Krankheit, weder um Leben noch um Tod, sondern darum, dass du über meine Gesundheit und meine Krankheit, über mein Leben und meinen Tod verfügst zu deiner Ehre und zu meinem Heil. Du allein weißt, was mir dienlich ist. Amen

Blaise Pascal

اگر کسی گوید که خدا را محبت می نمایم و از برادر خود نفرت کند، دروغگوست، زیرا کسی که برادری را که دیده است محبت ننماید، چگونه ممکن است خدایی را که ندیده است محبت نماید؟

۱، یو، ۴:۲۰

» کسی که دچار وسوسه نگردد، دستخوش آزمون نمی گردد؛ کسی که دستخوش آزمون نگردد، پیشرفتی نمی کند. آگوستین

و می دانیم که از خدا هستیم و تمام دنیا در شریر خوابیده است.

۱، یو، ۵:۱۹

.Diskriminierung 398, 410  
 Dogma 83, 143  
 Doppelmoral 347, 405  
 Doxologie 214  
 Dreieinigkeit/Dreifaltigkeit 25, 36, 122, 164  
 Drogen 289  
 Ehe mit Nichtchristen 268  
 Ehe mit Nichtkatholiken 267  
 Ehe ohne Trauschein 425  
 Ehe und Kinder 418, 419  
 Ehe, Band der 261  
 Ehe, gemischtkonfessionelle 267  
 Ehe, Wesensmerkmale der 266  
 Ehe, Zeichencharakter der 263  
 Eheannullierung 269  
 Ehebruch 424  
 Ehehindernis 261, 268  
 Ehekonsens 261  
 Ehelose Keuschheit 145  
 Ehepartner, Trennung vom 269  
 Eheprobleme 264  
 Ehesakrament 193, 260–267  
 Ehesakrament(s), Spender des 261  
 Ehesakrament(s), Wirkungen des 261  
 Ehescheidung 424  
 Eheschließung in Freiheit 261  
 Eheschließung, Bedingungen einer sakramentalen 262  
 Eheversprechen 261  
 Ehevollzug 261  
 Eigentum 426–428, 433, 465  
 Eigentum, geistiges 429  
 Einheit der Kirche 25, 92, 129, 131, 134, 137, 141, 143, 222  
 Einsetzung des Bußsakraments 227  
 Einsetzungsbericht 210  
 Elternliebe 367, 368, 372, 418, 516  
 Embryonale Stammzellenforschung 385  
 Embryonenhandel 425  
 Empfängnisregelung 420

Bibel, ihre Irrtümer 15  
 Bibel, Verzeichnis der einzelnen Bücher 22  
 Bilderverbot 358  
 Binde- und Lösegewalt 140  
 Biotechnologie 435  
 Bischöfe 92, 134, 137, 142–144, 213, 253, 258  
 Bischöfe und Papst 142  
 Bischöfe, ihre Aufgabe 144, 246, 440  
 Bischofsweihe 252  
 Bittgebet 471, 483  
 Blasiussegen 272  
 Börsenspekulation 422  
 Böse, das/der 51, 111, 161, 163, 164, 234, 273, 285–296, 315, 318, 320, 333, 386, 396, 397, 525, 526  
 Brechen des Brotes 212, 223, 482  
 Brot und Wein 99, 181, 208, 213, 216, 218, 488  
 Brotbitte 522, 523  
 Brüder und Schwestern Jesu 81  
 Bund Gottes 8, 116, 194, 210, 234–236  
 Buße 195, 230, 232, 276  
 Bußsakrament (siehe auch: Beichte) 151, 172, 224–229, 345  
 Bußsakrament, Voraussetzungen 231  
 Charisma 113, 119, 120, 129, 257, 393  
 Chrisam, Salbung mit 203  
 Christus, das Ursakrament 193  
 Christus, der Herr 110, 363  
 Christus, der Richter der Welt 112  
 Credo 24, 26, 26, 214, 307  
 Dankbarkeit 59, 371  
 Dankgebet 371, 469, 483, 485, 488  
 Demut 225, 485  
 Diakon 140, 255  
 Diakon(s), Aufgaben des 255  
 Diakonenweihe 255  
 Diebstahl 426  
 Diskretion 457

## Stichwortverzeichnis

Die genannten Zahlen im Register beziehen sich auf die Nummern der einzelnen Fragen. Eine **fettgedruckte** Nummer nennt die Hauptbezugsstelle; die anderen Nummern weisen auf ergänzende Aspekte hin

Armut des Herzens 467  
 Armut, evangelischer Rat der 138, 145  
 Aschenkreuz 272  
 Atheismus 5, 357  
 Auferstehung 104–108  
 Auferstehung der Toten 152  
 Auferstehung des Fleisches 153  
 Auferstehung, Beweise für die 106  
 Auferstehungsleib Christi 107  
 Autorität 325, 326, 329, 367, 375, 392, 399, 446  
 Autorität des Papstes 141  
 Ave-Maria 480  
 Barmherzigkeit 302, 450, 451, 524  
 Barmherzigkeit Gottes 89, 226, 314, 337, 524  
 Begierde 264, 406, 462  
 Begräbnis 278  
 Beichte 151, 173, 175, 193, 206, 220, 225–229, 317, 458  
 Beichte, Pflicht zur 224  
 Beichtgeheimnis 228, 458  
 Beichtvater 226  
 Bekehrung 131, 225, 228  
 Bekenntnis des Glaubens 24, 26–29, 136, 165, 307  
 Beruf 138, 228  
 Berufung 73, 138, 139, 144, 145, 205, 250, 255, 265, 340  
 Bestattung 394  
 Bestechlichkeit 428  
 Betrug 428, 465  
 Bibel 12–19  
 Bibel richtig lesen 16  
 Bibel und Gebet 491  
 Bibel und Heiliger Geist 119  
 Abba, lieber Vater 28, 290, 477  
 Abbild Gottes 29, 58, 64, 122, 262–263, 271, 279, 402  
 Abendmahl Jesu 92, 99, 166, 171, 192, 208–223, 259  
 Aberglauben 255, 256  
 Absolution 232  
 Abtreibung 227, 292, 379, 383, 421, 498  
 Adam und Eva 66, 68  
 Adoption 222, 425  
 Agnus Dei 214  
 Aids 414  
 Alleinlebende Menschen 265  
 Allerheiligste, das 212, 218  
 Allmacht Gottes 40, 66, 485  
 Allwissenheit Gottes 51  
 Almosen 325, 447, 449  
 Altar 191, 213, 214, 215–217, 255  
 Altardienste 214  
 Amen 165, 527  
 Anbetung 149, 218, 461, 483, 485  
 Andachten 274  
 Angst 245, 428, 470, 476, 494  
 Apostel 12–13, 26, 92, 99, 106, 118, 129, 137, 140–141, 143, 175, 209, 227, 252, 259, 482  
 Apostelberufung 92  
 Apostolische Sukzession 92, 137, 141  
 Apostolizität der Kirche 137, 141  
 Arbeit 27, 50, 66, 222, 362, 366, 426, 428, 439, 442, 444–445, 494  
 Arbeit und Kapital 429  
 Arbeiterfrage 429  
 Arbeitslosigkeit 444  
 Armut 27, 254, 446–449, 497, 522  
 Armut Christi 284, 449, 467



Glaube und Naturwissenschaft 10, 23, 21, 22, 22, 106  
 Glauben 20, 21–22  
 Glaubensbekenntnis 22, 20, 26, 27, 307  
 Glaubensbekenntnis von Nizäa-Konstantinopel 29  
 Glaubensbekenntnis, Apostolisches 28  
 Glaubenszwang 352  
 Gleichheit aller Menschen 61, 33–331, 401, 441  
 Gleichnis vom Barmherzigen Vater 227  
 Globalisierung 327, 446–447  
 Gloria 212  
 Glück, Streben nach 3, 05, 281, 282, 280  
 Glücksspiel 322  
 Gnade 197, 206, 272, 279, 280, 327, 338–341  
 Gnade als Selbstmitteilung Gottes 338  
 Gnade, habituelle 339  
 Gnade, heiligmachende 339  
 Gnade, helfende 339  
 Gnade, sakramentale 339  
 Gott danken 61, 49, 494, 01  
 Gott gehorchen 20, 32  
 Gott ist barmherzig 312  
 Gott ist Liebe 2, 33, 140, 106, 309  
 Gott loben 48, 183, 489, 019  
 Gott suchen 3–4, 89, 136, 199, 467, 470  
 Gott, der Heilige Geist 28, 113–120  
 Gott, der Schöpfer 41, 44, 330  
 Gott, der Sohn 39  
 Gott, der Vater 37  
 Gottes Allmacht 40, 49, 66, 480  
 Gottes Allwissenheit 01  
 Gottes Existenz leugnen 0  
 Gottes Name 31, 309  
 Gottes Treue 8, 49, 64, 176, 262  
 Gottes Vorsehung 49, 00, 466  
 Gottes Wahrheit 12, 32, 307, 309, 402, 461  
 Gottesbilder 300, 308  
 Gottesdienst 166

Gebet, Unlust zum 490  
 Gebet, wirkungslos? 007  
 Gebet, Zeit für das 499  
 Gebet, Zerstreuung beim 008  
 Gebet(s), Hauptarten des 482  
 Gebet(s), Ort des 498  
 Gebetserhöhung 478, 490  
 Gebetszeiten 188  
 Gebote 17, 67, 307, 348, 327, 302  
 Gedächtnis des Leidens 212  
 Gefangene besuchen 400  
 Gehorsam 140, 326  
 Geiselnahme 392  
 Geistliche Werke der Barmherzigkeit 401  
 Gemeinschaft 12, 22, 64, 86, 99, 122, 211, 248, 321, 368, 397  
 Gemeinschaft der Heiligen 146  
 Gemeinwohl 296  
 Generalabsolution 222  
 Gerechtigkeit 89, 111, 122, 164, 282, 300, 302, 322–329, 326, 392, 390, 388, 020  
 Gerechtigkeit, ausgleichende 420  
 Gerechtigkeit, soziale 329, 449  
 Gericht, individuelles 112, 107  
 Geschiedene, wiederverheiratete 270  
 Gesellschaft 129, 271, 322–320, 329, 369, 440, 444  
 Gesetz des Alten Bundes 8, 120, 324, 320, 326, 362  
 Gesetze 326, 327  
 Gesundheit 288, 389  
 Gewalt 284, 296, 386, 392, 397, 399, 412, 402, 460  
 Gewalt, militärische 398–399  
 Gewaltlosigkeit 397  
 Gewaltverherrlichung 460  
 Gewissen 1, 4, 20, 120, 126, 222, 291, 290–298, 312, 304, 397–398, 470  
 Gewissensbildung 297  
 Gewissensdruck 296  
 Gewissensforschung 222, 222  
 Glaube und Kirche 22

Freiheit 49, 01, 09, 68, 120, 126, 161, 178, 280, 286, 290  
 Freiheit und Sucht 287  
 Freiheitsrechte 289  
 Fremdbestimmung 286  
 Fremde aufnehmen 271, 400  
 Freude 1, 2, 21, 28, 271, 108, 120, 170, 179, 187, 200, 229, 280, 311, 314, 360, 338, 489, 017, 020, 022  
 Frieden 66, 110, 164, 282, 284, 327, 370, 390, 396, 398, 426  
 Frieden, innerer 28, 109, 222, 240, 311, 392, 494, 020, 040, 017  
 Frömmigkeit 497  
 Früchte des Heiligen Geistes 311  
 Fürbitte(n) 80, 214, 361, 497  
 Fürbittgebet 146, 212, 482, 487  
 Fußwaschung 99, 370  
 Gaben des Heiligen Geistes 310  
 Gabenbereitung 212  
 Gebet 469–470  
 Gebet als Gespräch 472  
 Gebet der Heiligen 497  
 Gebet der Kirche 492  
 Gebet der Psalmen 472  
 Gebet in der Not 476  
 Gebet in der Urkirche 482  
 Gebet und Alltag 492  
 Gebet und Heiliger Geist 496  
 Gebet und Kampf 000  
 Gebet, Abraham und das 471  
 Gebet, betrachtendes 000, 002  
 Gebet, christliches 492  
 Gebet, ein Selbstgespräch 006  
 Gebet, eine Flucht? 009  
 Gebet, immerwährendes 010  
 Gebet, inneres 000, 002  
 Gebet, kontemplatives 472  
 Gebet, Mose und das 472  
 Gebet, mündliches 000, 001  
 Gebet, persönliches 492  
 Gebet, regelmäßiges 499

Empfängnisverhütung 421  
 Ende der Welt 111, 164  
 Engel 02, 04, 00, 179, 182, 489  
 Entführung 392  
 Entscheidungsfreiheit 68, 69, 161, 287, 296  
 Erbsünde 68–70, 82, 197  
 Erfahrung 148, 004, 007, 008  
 Erotik 60, 217, 462  
 Esoterik 00, 300, 306  
 Eucharistie 19, 99, 126, 160, 167, 192, 208–222, 360, 488, 022  
 Eucharistie, Bedingungen zur Teilnahme an der 220  
 Eucharistie, Einsetzung der 99, 209  
 Eucharistie, Wirkungen der 221  
 Eucharistische Anbetung 218, 270  
 Eucharistisches Hochgebet 214  
 Euthanasie 379  
 Evangelische Räte 140  
 Evangelium 10, 18, 19, 271, 199, 212, 282, 491  
 Evolution 42, 42, 280  
 Ewiges Leben 61, 98, 108, 126, 100, 106, 161, 227, 280, 317, 348, 364  
 Ewiges Licht 191  
 Ex cathedra 142  
 Ex opere operato 178  
 Exkommunikation 227  
 Exorzismus 222  
 Familie 86, 128, 129, 271, 322, 327, 368–370, 372, 374, 419, 474  
 Fasten- und Abstinenzgebot 101, 320  
 Fegefeuer 109, 160  
 Feindesliebe 34, 329, 396, 477, 487, 494  
 Firmbedingungen 206  
 Firmspender 207  
 Firmung 192, 202–207  
 Fluchen 309  
 Forschung am lebenden Menschen 390  
 Frau sein 64, 401  
 Frauen als Priester? 207



- 119, 128, 189  
**Kirche als Volk Gottes** 121, 125, 128, 138, 191, 204  
**Kirche und Demokratie** 140  
**Kirche und Heilige Schrift** 19  
**Kirche und Heiliger Geist** 119  
**Kirche und nichtchristliche Religionen** 136, 198, 238  
**Kirche und Reich Gottes** 89, 91, 110, 123, 125, 128, 139, 284, 520  
**Kirche, Aufgabe der** 123, 150  
**Kirche, Begriff der** 121  
**Kirche, Heiligkeit der** 124, 132  
**Kirche, ihr Aufbau** 138  
**Kirche, ihre Apostolizität** 137, 140  
**Kirche, ihre Einheit und Einzigartigkeit** 129, 141  
**Kirche, ihre hierarchische Struktur** 140  
**Kirche, ihre Irrtumslosigkeit** 13, 143  
**Kirche, ihre Katholizität** 133, 134  
**Kirche, ihre Kollegialität** 140  
**Kirche, Wesen der** 125  
**Kirchengebote** 245  
**Kirchenraum** 189, 190, 214, 298  
**Kirkenspaltung** 130, 131, 267  
**Klage** 111, 164, 276, 286, 501  
**Klassenkampf** 239  
**Kleriker** 138  
**Klugheit** 200, 201  
**Kniebeuge** 250, 218, 285  
**Kommunikationsmittel** 259  
**Kommunion, Heilige** 208, 212, 213, 221  
**Kommunionempfang von Nichtkatholiken** 222  
**Kommunismus** 239  
**Komplet** 188  
**Kondome** 214  
**Konsekration** 213  
**Konzil** 140  
**Körperliche Selbstzerstörung** 287  
**Korruption** 228  
**Kranken, Sorge für die** 222
- Jesu Verurteilung zum Tod** 96  
**Jesu Wunder** 90, 91  
**Jesus als Beter** 272-277  
**Jesus als Vorbild** 60, 229  
**Jesus und der Heilige Geist** 114  
**Jesus und die Kranken** 221  
**Jesus, Beziehung zu** 228, 254, 291  
**Jesus, der Christus** 27  
**Jesus, der Erlöser** 70, 27, 101, 126, 220, 228, 230, 231, 232, 233, 234, 235, 236, 237, 238, 239, 240, 241, 242, 243, 244, 245, 246, 247, 248, 249, 250, 251, 252, 253, 254, 255, 256, 257, 258, 259, 260, 261, 262, 263, 264, 265, 266, 267, 268, 269, 270, 271, 272, 273, 274, 275, 276, 277, 278, 279, 280, 281, 282, 283, 284, 285, 286, 287, 288, 289, 290, 291, 292, 293, 294, 295, 296, 297, 298, 299, 300, 301, 302, 303, 304, 305, 306, 307, 308, 309, 310, 311, 312, 313, 314, 315, 316, 317, 318, 319, 320, 321, 322, 323, 324, 325, 326, 327, 328, 329, 330, 331, 332, 333, 334, 335, 336, 337, 338, 339, 340, 341, 342, 343, 344, 345, 346, 347, 348, 349, 350, 351, 352, 353, 354, 355, 356, 357, 358, 359, 360, 361, 362, 363, 364, 365, 366, 367, 368, 369, 370, 371, 372, 373, 374, 375, 376, 377, 378, 379, 380, 381, 382, 383, 384, 385, 386, 387, 388, 389, 390, 391, 392, 393, 394, 395, 396, 397, 398, 399, 400, 401, 402, 403, 404, 405, 406, 407, 408, 409, 410, 411, 412, 413, 414, 415, 416, 417, 418, 419, 420, 421, 422, 423, 424, 425, 426, 427, 428, 429, 430, 431, 432, 433, 434, 435, 436, 437, 438, 439, 440, 441, 442, 443, 444, 445, 446, 447, 448, 449, 450, 451, 452, 453, 454, 455, 456, 457, 458, 459, 460, 461, 462, 463, 464, 465, 466, 467, 468, 469, 470, 471, 472, 473, 474, 475, 476, 477, 478, 479, 480, 481, 482, 483, 484, 485, 486, 487, 488, 489, 490, 491, 492, 493, 494, 495, 496, 497, 498, 499, 500, 501, 502, 503, 504, 505, 506, 507, 508, 509, 510, 511, 512, 513, 514, 515, 516, 517, 518, 519, 520, 521, 522, 523, 524, 525, 526, 527, 528, 529, 530, 531, 532, 533, 534, 535, 536, 537, 538, 539, 540, 541, 542, 543, 544, 545, 546, 547, 548, 549, 550, 551, 552, 553, 554, 555, 556, 557, 558, 559, 560, 561, 562, 563, 564, 565, 566, 567, 568, 569, 570, 571, 572, 573, 574, 575, 576, 577, 578, 579, 580, 581, 582, 583, 584, 585, 586, 587, 588, 589, 590, 591, 592, 593, 594, 595, 596, 597, 598, 599, 600, 601, 602, 603, 604, 605, 606, 607, 608, 609, 610, 611, 612, 613, 614, 615, 616, 617, 618, 619, 620, 621, 622, 623, 624, 625, 626, 627, 628, 629, 630, 631, 632, 633, 634, 635, 636, 637, 638, 639, 640, 641, 642, 643, 644, 645, 646, 647, 648, 649, 650, 651, 652, 653, 654, 655, 656, 657, 658, 659, 660, 661, 662, 663, 664, 665, 666, 667, 668, 669, 670, 671, 672, 673, 674, 675, 676, 677, 678, 679, 680, 681, 682, 683, 684, 685, 686, 687, 688, 689, 690, 691, 692, 693, 694, 695, 696, 697, 698, 699, 700, 701, 702, 703, 704, 705, 706, 707, 708, 709, 710, 711, 712, 713, 714, 715, 716, 717, 718, 719, 720, 721, 722, 723, 724, 725, 726, 727, 728, 729, 730, 731, 732, 733, 734, 735, 736, 737, 738, 739, 740, 741, 742, 743, 744, 745, 746, 747, 748, 749, 750, 751, 752, 753, 754, 755, 756, 757, 758, 759, 760, 761, 762, 763, 764, 765, 766, 767, 768, 769, 770, 771, 772, 773, 774, 775, 776, 777, 778, 779, 780, 781, 782, 783, 784, 785, 786, 787, 788, 789, 790, 791, 792, 793, 794, 795, 796, 797, 798, 799, 800, 801, 802, 803, 804, 805, 806, 807, 808, 809, 810, 811, 812, 813, 814, 815, 816, 817, 818, 819, 820, 821, 822, 823, 824, 825, 826, 827, 828, 829, 830, 831, 832, 833, 834, 835, 836, 837, 838, 839, 840, 841, 842, 843, 844, 845, 846, 847, 848, 849, 850, 851, 852, 853, 854, 855, 856, 857, 858, 859, 860, 861, 862, 863, 864, 865, 866, 867, 868, 869, 870, 871, 872, 873, 874, 875, 876, 877, 878, 879, 880, 881, 882, 883, 884, 885, 886, 887, 888, 889, 890, 891, 892, 893, 894, 895, 896, 897, 898, 899, 900, 901, 902, 903, 904, 905, 906, 907, 908, 909, 910, 911, 912, 913, 914, 915, 916, 917, 918, 919, 920, 921, 922, 923, 924, 925, 926, 927, 928, 929, 930, 931, 932, 933, 934, 935, 936, 937, 938, 939, 940, 941, 942, 943, 944, 945, 946, 947, 948, 949, 950, 951, 952, 953, 954, 955, 956, 957, 958, 959, 960, 961, 962, 963, 964, 965, 966, 967, 968, 969, 970, 971, 972, 973, 974, 975, 976, 977, 978, 979, 980, 981, 982, 983, 984, 985, 986, 987, 988, 989, 990, 991, 992, 993, 994, 995, 996, 997, 998, 999, 1000
- Jesus, der Herr** 25  
**Jesus, der Jude** 236  
**Jesus, die Offenbarung Gottes** 8-10  
**Jesus, mehr als ein Mensch** 26, 27, 28  
**Jesus, nur scheinot?** 102  
**Jesus, wahrer Mensch** 29, 88  
**Juden schuld an Jesu Tod?** 97, 135  
**Juden und Christen** 20, 97, 125, 229, 258  
**Judenhass** 135  
**Jüngstes Gericht** 162  
**Kanon der Heiligen Schriften** 14  
**Kapital/Kapitalismus** 221, 225, 229, 242  
**Kardinaltugenden** 200  
**Katechumenat** 196  
**Katholisch** 120, 122, 124, 220, 222, 226-228  
**Katholische Soziallehre** 222  
**Keusch leben** 211, 204-206, 222  
**Kinder** 86, 262, 271, 254, 268, 271-272, 274, 282, 284, 216, 218, 219, 222, 260  
**Kinder Gottes** 112, 125, 128, 129, 200, 226, 229, 282, 201  
**Kinderhandel** 225  
**Kindersoldaten** 225  
**Kindertaufe** 197  
**Kirche** 121-128  
**Kirche als Braut Christi** 227  
**Kirche als Institution** 121, 122  
**Kirche als Leib Christi** 121, 126, 129, 131, 126, 125, 196, 208, 211, 217, 221, 222  
**Kirche als Tempel des Heiligen Geistes**
- Heilung, Charisma der** 222  
**Herrsein Christi** 110  
**Herz** 2, 7, 20, 28, 112, 200, 281, 282, 290, 200, 214, 222, 227  
**Herzensgebet** 502  
**Herzensreinheit** 89, 282-283, 222, 229, 227, 502  
**Heuchelei** 255  
**Himmel** 52, 122, 158, 222  
**Himmel, neuer und neue Erde** 111, 162  
**Himmelfahrt Jesu** 106, 109  
**Himmlische Liturgie** 179  
**Hingabe** 222, 202, 227  
**Hingabe an Gott** 125, 258, 285, 297, 507  
**Hirtenamt** 128, 252, 253, 257  
**HIV-Erkrankung** 212  
**Hoffnung** 105, 108, 126, 152, 200-206, 208, 227, 252, 222  
**Hölle** 51, 52, 157, 161-162  
**Homilie** 212  
**Homosexuell empfindende Menschen** 250, 215  
**Horen** 188  
**Hunger** 91, 226, 222, 222  
**Hungrige speisen** 250  
**Ikone** 258  
**Individualismus** 221  
**Individualität** 22, 122, 201  
**Inkarnation** 9, 26, 152  
**Inkulturation** 222  
**Insemination, heterologe** 222  
**Insemination, homologe** 222  
**Inspiration** 14-15  
**Interkommunion** 222  
**Jahwe** 8, 21, 212  
**Jawort bei der Ehe** 222  
**Jesu Name** 22  
**Jesu Taufe** 87  
**Jesu Tod** 96-102  
**Jesu Todesangst** 100  
**Jesu verborgenes Leben** 86
- Gotteserkenntnis mit der Vernunft** 206  
**Gottesfurcht** 210, 252  
**Gotteshaus** 189, 190, 214, 298  
**Gottesverehrung** 202, 252, 265  
**Göttliche Tugenden** 205  
**Götzenverehrung** 255  
**Gut und Böse, Unterscheidungskriterien für** 222, 291-292, 295, 296  
**Halleluja** 214  
**Handauflegung** 115, 127, 124, 202, 252  
**Hauskirche** 271, 268  
**Heil** 10, 21, 126, 124, 199, 225  
**Heilige** 122, 126, 225, 222, 297  
**Heilige als Vorbilder** 202, 225, 222-222, 297  
**Heilige Kommunion** 208, 212, 213, 217, 221, 227  
**Heilige Messe** 168, 212, 212-214, 265  
**Heilige Mysterien** 212  
**Heilige Schrift und Kirche** 128  
**Heilige Schrift und Tradition** 11-12, 122, 292  
**Heilige Schrift, von Gott inspiriert,** 14, 15  
**Heilige und Göttliche Liturgie** 212  
**Heilige Zeichen** 115, 122, 128, 166, 124, 181, 189  
**Heiligen Geistes, Die Kraft des** 128, 127, 202, 205, 227, 221, 222, 229, 254, 290, 122-122, 28, 227-Heiliger Geist 25  
**Heiliger Geist als Gabe** 205  
**Heiliger Geist in uns** 120, 202  
**Heiliger Geist und Firmung** 167, 202-207  
**Heiliger Geist und Kirche** 119  
**Heiliger Geist und Propheten** 116  
**Heiliger Geist und Taufe** 126, 195  
**Heiliger Geist, seine Zeichen und Namen** 115  
**Heiliges Opfer** 212  
**Heiligkeit, Berufung zur** 222  
**Heilung** 222

**Papst und Bischöfe** 142  
**Papst und Unfehlbarkeit** 142  
**Pascha** 90, 171, 209  
**Passion Christi** 94-103, 277  
**Pazifismus** 398  
**Personalität des Menschen** 86, 222, 404, 421, 422  
**Petrusamt** 129, 140, 141  
**Pfingstereignis** 118, 204  
**Pilgern** 276  
**Politik** 139, 228, 440, 446, 447  
**Pornographie** 412, 460  
**Präimplantationsdiagnostik** 422  
**Preistreiberei** 228  
**Priester und Sündenvergebung** 150, 192, 227, 228, 232, 236  
**Priestertum** 99, 249-250  
**Priestertum Christi** 250  
**Priestertum, allgemeines** 259  
**Priesterweihe** 172, 249, 254, 257  
**Priesterweihe, Wirkungen der** 254  
**Privateigentum** 424-427  
**Privatoffenbarungen** 10  
**Profitstreben, falsches** 228  
**Propheten** 8, 20, 112, 116, 120, 240, 208, 210, 226  
**Prostitution** 411, 425  
**Prozessionen** 272  
**Prüderie** 402  
**Psalmen** 17, 214, 472, 491, 501  
**Rache** 396  
**Rassismus** 61, 220, 277, 398  
**Realpräsenz Christi** 19, 168, 191, 212, 216-218  
**Recherche** 459  
**Rechte und Pflichten** 126, 202, 226-230, 232, 270, 276, 280, 281, 282, 287, 292, 298, 401, 420, 422, 423, 427, 430, 436, 441, 442, 445, 459  
**Rechtfertigung** 227  
**Rechtsstaat** 226  
**Reich Gottes** 89, 129, 520

**279, 282**  
**Menschenhandel** 220  
**Menschenrechte** 126, 262, 441  
**Menschenwürde** 58, 280, 289, 292, 282, 292, 292, 411, 412, 428, 441, 444  
**Messopfer** 212  
**Missbrauch, sexueller** 286, 410  
**Missgunst** 466  
**Missionsbefehl** 11, 122  
**Monopole** 422  
**Monothelismus** 20  
**Mord** 227, 216, 279  
**Musik in der Liturgie** 182  
**Nachahmung Jesu** 277  
**Nächstenliebe** 220, 270, 221, 229, 272  
**Namenspatrone** 146, 202, 261  
**Naturgesetze** 45, 222  
**Natürliche Familienplanung** 421  
**Naturwissenschaft und Glaube** 15, 22, 41, 42, 62, 106  
**Neid** 12, 218, 465, 466  
**Neues Testament** 18  
**Nichtchristliche Religionen** 126  
**Nichtkatholische Christen** 120  
**Non** 188  
**Notwehr** 278, 280  
**Nüchternheit** 220, 204  
**Offenbarung** 7, 8, 10, 26, 222, 251, 256  
**Okkultismus** 255  
**Ökumene** 120, 121, 124, 222  
**Ökumenisches Konzil** 122  
**Öl, heiliges** 115, 170, 174, 202, 224  
**Ordensleute** 128, 145, 258, 229, 274, 440  
**Organspenden** 291  
**Ortskirche** 141, 252  
**Osterereignisse** 105, 227  
**Osterfest** 171, 187, 265  
**Osterkerze** 272  
**Ostkirche** 258  
**Papst** 92, 140, 141-142

**Liturgische Worte** 182  
**Liturgisches Jahr** 185, 186  
**Loibgebet** 482, 489  
**Lohn, gerechter** 222, 226, 428  
**Lossprechung** 221, 222, 227, 229, 458  
**Lüge** 259, 452, 452, 456  
**Lust** 400, 404, 409, 411, 417  
**Macht** 140, 228  
**Magie** 91, 177, 255, 256  
**Mahl des Herrn** 212  
**Mahl, eucharistisches** 166  
**Manager** 422  
**Mann sein** 64, 401  
**Mann und Frau, geschaffen als** 260, 401  
**Maria als Vorbild** 147  
**Maria und der Heilige Geist** 117  
**Maria und die Heiligen** 147  
**Maria, Beten wie** 279  
**Maria, die Jungfrau** 80  
**Maria, die Mutter aller Christen** 85, 147, 148  
**Maria, die Mutter Gottes** 82, 84, 147  
**Maria, Hilfe durch** 148  
**Maria, ihre unbefleckte Empfängnis** 82  
**Marienverehrung** 149  
**Marktwirtschaft** 422  
**Märtyrer** 289, 455  
**Martyrium** 452  
**Maß** 200, 201, 204  
**Matutin** 188  
**Medien** 404, 412, 459, 460  
**Meditation** 502  
**Meineid** 455  
**Mensch als Ebenbild Gottes** 220  
**Mensch als Mittel zum Zweck** 222  
**Mensch als Person** 56, 58, 62, 222, 227, 282, 401, 420, 464, 519  
**Mensch als Ware** 425  
**Mensch, als Abbild Gottes** 56, 58, 64, 262-262, 402  
**Mensch, seine Sonderstellung** 56, 59  
**Menschen mit Behinderung** 51, 202

**Krankensalbung** 192, 242-246  
**Krankensalbung, Ritus der** 242  
**Krankensalbung, Spender der** 246  
**Krankensalbung, Voraussetzungen** 242  
**Krankensalbung, Wirkungen der** 245  
**Krankheit** 89, 224, 240-245, 272, 280, 280, 279, 450  
**Kräuterweihe** 272  
**Kreuz** 96, 98, 101-102, 260  
**Kreuzesnachfolge** 102  
**Kreuzesopfer** 155, 191, 208, 216, 217, 250  
**Kreuzwegandacht** 277  
**Kreuzzeichen** 260  
**Krieg** 279, 298  
**Krieg, gerechter** 299  
**Kunst** 461  
**Künstliche Befruchtung** 422  
**Kyrie** 214  
**Laien** 128, 129, 214, 440  
**Laster** 294  
**Lästerung** 216, 259, 455  
**Laudes** 188  
**Leere, innere** 467, 508  
**Lehramt in Kirche** 141, 252, 224  
**Leibliche Werke der Barmherzigkeit** 450  
**Leidenschaften** 292, 294  
**Leiderfahrung** 466  
**Leihmutterchaft** 422  
**Leitungsamt in der Kirche** 252  
**Lesung** 191, 212, 214  
**Letztes Gericht** 162  
**Liebe** 402  
**Liebe Gottes** 2, 61, 91, 115, 127, 156, 169, 200, 229, 270, 271, 209, 214-215, 229-229, 402, 424, 479  
**Liebe und Keuschheit** 404  
**Liebe und Sexualität** 402  
**Liebe zu den Kindern** 272  
**Liebe, Tugend der** 205, 209  
**Liturgie** 167, 192, 212  
**Liturgische Orte** 191

Unterscheidung, Gabe der 291  
 Unzucht 410  
 Urkirche 482  
 Vandalismus 433  
 Vaterbild 516  
 Vaterunser 511-527  
 Verantwortung 288, 290  
 Verführung 286  
 Vergebung erlangen 226  
 Vergebungsbitte 524  
 Vergewaltigung 286, 292  
 Verklärung Christi 93  
 Vernunft 4-5, 7, 23, 32, 291, 297, 300, 333, 334, 351  
 Versöhnung mit Gott 226, 239  
 Verstorbene 146  
 Versuchung 88, 525  
 Vertrauen 20, 21-22, 100, 207-208, 276-277, 515  
 Verzweiflung 98, 276  
 Vesper 188  
 Vielgötterei 355  
 Volksfrömmigkeit 224  
 Vollmacht von Christus 92, 139-144, 222, 249  
 Vorsatz, guter 232  
 Vorsehung 49-50, 466  
 Wahrhaftigkeit 452-455, 485  
 Wallfahrten 274, 276  
 Wandlung 217  
 Wandlungsworte 210  
 Warumfrage 2, 48, 59  
 Wegzehrung 247  
 Weihepriestertum 257, 259  
 Weihe sakrament 193, 249-251  
 Weihe sakrament, Voraussetzungen 256  
 Weihwasser 272  
 Weitergabe des Glaubens 11-12, 122, 175  
 Werke, gute 120, 151, 274, 341, 450-451  
 Wetten 434  
 Wiedergutmachung 222, 430  
 Wiederkunft Christi 111, 157  
 Wille Gottes 1, 50, 52, 100, 209, 220, 222,

224-229, 215, 227  
 Sünde, lässliche 316  
 Sünde, Sklaverei der 95, 288  
 Sündenvergebung 150-151, 228, 236  
 Synode 140  
 Tapferkeit 200  
 Taufbedingung 196  
 Taufe 130, 151, 193, 194-202  
 Taufe, einziger Heilsweg? 199  
 Taufformel 195  
 Taufname 201, 261  
 Taufspender 198  
 Taufspendung 195  
 Terrorismus 292  
 Terz 188  
 Teufel 161, 164, 223, 286, 526  
 Theodizee (Verteidigung Gottes angesichts des Leids in der Welt) 51  
 Thora 235  
 Tierliebe 57, 227  
 Tod und Sterben 154-156  
 Todesstrafe 281  
 Todsünde 216  
 Tötungsverbot 278  
 Tradition 12, 141, 142  
 Transzendenz Gottes 258  
 Trauritus 266  
 Trennung von Tisch und Bett 269  
 Treue in der Ehe 262  
 Triebhaftigkeit 462  
 Trinität 25, 26, 122, 164  
 Tugend 294, 299  
 Umwelt, Verantwortung für die 288  
 Unauflöslichkeit der Ehe 262, 263  
 Unfehlbarkeit des Papstes 142  
 Unfruchtbarkeit 422  
 Ungleichheit unter den Menschen 221, 446  
 Unterentwicklung 448  
 Unternehmer 442

Seligpreisungen 282, 283, 284  
 Sendung 11, 91, 127-128, 144, 193, 248-250, 259  
 Sex außerhalb der Ehe 410  
 Sex in der Ehe 417  
 Sex vor der Ehe 407  
 Sexismus 61, 220, 227  
 Sext 188  
 Sexualität 400  
 Sicherheit, soziale 227, 267, 269  
 Simonie 255  
 Sinn des Lebens 1, 50, 41-42, 406, 427, 465  
 Sittengesetz, natürliches 226, 227-228, 244  
 Solidarität 61, 222, 222, 226, 295, 447  
 Sonntag 27, 187, 264-266  
 Sonntagspflicht 219, 245  
 Soziallehre der Kirche 238  
 Sozialprinzipien 224  
 Sozialverpflichtung 227  
 Spekulation 222  
 Spiritismus 255  
 Spiritualität 497  
 Spiritualität, benediktinische 497  
 Spiritualität, franziskanische 497  
 Spiritualität, ignatianische 497  
 Staat 289, 222, 226, 222, 266, 267, 270, 276, 277, 281, 282, 288, 292, 420, 427, 428, 431, 439, 441  
 Staat, seine Grundpflichten 288  
 Standesgnade 229  
 Stellvertretung 146  
 Sterbehilfe 282  
 Sterben 154, 155, 292  
 Sterbesakramente 292  
 Steuerhinterziehung 428  
 Steuertricks 421  
 Strukturen, sündige 220  
 Stundengebet 188  
 Subsidiaritätsprinzip 222  
 Sucht 287, 289  
 Sünde 1, 8, 66-67, 70-71, 76, 87, 98, 221,

Religion 2, 20, 22, 126, 268, 289, 504  
 Religionsfreiheit 254  
 Reliquienverehrung 224, 225  
 Reue 159, 229, 232  
 Rosenkranz 149, 481  
 Sabbat, Sabbatruhe 29, 27, 90, 96, 249, 262, 263, 264  
 Sakrament der Versöhnung 226  
 Sakramentalien 222  
 Sakramente der Kirche 129, 122-128, 193  
 Sakramente und Glauben 127  
 Sakramente und Heiliger Geist 119, 128  
 Sakramentspendung, unwürdige 128  
 Sakrileg 255  
 Salbung 115, 124, 181, 195, 203, 244  
 Sanctus 214  
 Scham 159, 464  
 Scheidung 220  
 Schönheit 461  
 Schöpfung 7, 42-50, 52, 56, 57, 162, 165, 262, 208, 264, 266, 268-270, 401, 426, 436, 488  
 Schöpfungsauftrag 270, 227, 436  
 Schöpfungsplan 268, 444  
 Schuldbekennnis, allgemeines 214  
 Schulden 420  
 Schuldgefühle 229  
 Schutzengel 55  
 Schwören 259, 455  
 Sechstageswerk 22, 46  
 Seele 62-63, 79, 120, 152, 154, 160, 205, 241, 220, 418, 460  
 Segen 120, 212, 259, 222, 482, 484, 498, 499  
 Sehnsucht 281, 468, 470  
 Selbstbefriedigung 409  
 Selbstdisziplin 200  
 Selbstliebe 215, 287  
 Selbsttötung 229  
 Selbstverstümmelung 229  
 Seligkeit, ewige 1, 52, 61, 164, 285, 468

## Abkürzungen der biblischen Bücher

Apostelgeschichte	<b>Apg</b>	Hohelied	<b>Hld</b>	Genesis	<b>Gen</b>
Römerbrief	<b>Röm</b>	Weisheit	<b>Weish</b>	Exodus	<b>Ex</b>
Korintherbrief . 1	<b>Kor 1</b>	Jesus Sirach	<b>Sir</b>	Levitikus	<b>Lev</b>
Korintherbrief . 2	<b>Kor 2</b>	Jesaja	<b>Jes</b>	Numeri	<b>Num</b>
Galaterbrief	<b>Gal</b>	Jeremia	<b>Jer</b>	Deuteronomium	<b>Dtn</b>
Epheserbrief	<b>Eph</b>	Klagelieder	<b>Klgl</b>	Josua	<b>Jos</b>
Philipperbrief	<b>Phil</b>	Baruch	<b>Bar</b>	Richter	<b>Ri</b>
Kolossierbrief	<b>Kol</b>	Ezechiel	<b>Ez</b>	Rut	<b>Rut</b>
Thessalonicherbrief . 1	<b>Thess 1</b>	Daniel	<b>Dan</b>	Samuel 1	<b>Sam 1</b>
Thessalonicherbrief . 2	<b>Thess 2</b>	Hosea	<b>Hos</b>	Samuel 2	<b>Sam 2</b>
Timotheusbrief . 1	<b>Tim 1</b>	Joel	<b>Joel</b>	Könige 1	<b>Kön 1</b>
Timotheusbrief . 2	<b>Tim 2</b>	Amos	<b>Am</b>	Könige 2	<b>Kön 2</b>
Titusbrief	<b>Tit</b>	Obadja	<b>Obd</b>	Chronik 1	<b>Chron 1</b>
Philemonbrief	<b>Phlm</b>	Jona	<b>Jona</b>	Chronik 2	<b>Chron 2</b>
Hebräerbrief	<b>Hebr</b>	Micha	<b>Mi</b>	Esra	<b>Esra</b>
Jakobusbrief	<b>Jak</b>	Nahum	<b>Nah</b>	Nehemia	<b>Neh</b>
Petrusbrief . 1	<b>Petr 1</b>	Habakuk	<b>Hab</b>	Tobit	<b>Tob</b>
Petrusbrief . 2	<b>Petr 2</b>	Zefania	<b>Zef</b>	Judit	<b>Jdt</b>
Johannesbrief . 1	<b>Joh 1</b>	Haggai	<b>Hag</b>	Esther	<b>Est</b>
Johannesbrief . 2	<b>Joh 2</b>	Sacharja	<b>Sach</b>	Makkabäer 1	<b>Makk 1</b>
Johannesbrief . 3	<b>Joh 3</b>	Maleachi	<b>Mal</b>	Makkabäer 2	<b>Makk 2</b>
Judasbrief	<b>Jud</b>	Matthäus	<b>Mt</b>	Ijob	<b>Ijob</b>
Offenbarung des Johannes	<b>Offb</b>	Markus	<b>Mk</b>	Psalmen	<b>Ps</b>
		Lukas	<b>Lk</b>	Sprichwörter	<b>Spr</b>
		Johannes	<b>Joh</b>	Kohelet	<b>Koh</b>

## Abkürzungen von Konzilsdokumenten und anderen Quellen

<i>Codex Iuris Canonici</i> , Kodex des Kirchenrechts der Katholischen Kirche	<b>CIC</b>
<i>.Caritas in Veritate</i> (2009), Sozialenzyklika von Benedikt XVI	<b>CIV</b>
Zweites Vatikanisches Konzil, Erklärung über die Religionsfreiheit	<b>DH</b>
<i>Dignitatis Humanae</i>	
Zweites Vatikanisches Konzil, Dogmatische Konstitution über die	<b>DV</b>
göttliche Offenbarung <i>Dei Verbum</i>	
Zweites Vatikanisches Konzil, Pastoralkonstitution über die Kirche in der	<b>GS</b>
Welt von heute <i>Gaudium et Spes</i>	
Katechismus der Katholischen Kirche	<b>KKK</b>
<i>.Laborem Exercens</i> (1981), Sozialenzyklika von Johannes Paul II	<b>LE</b>
Zweites Vatikanisches Konzil, Dogmatische Konstitution über die Kirche	<b>LG</b>
<i>Lumen Gentium</i>	
<i>.Populorum Progressio</i> (1967), Sozialenzyklika von Paul VI	<b>PP</b>

Ökumenisches Konzil	190	Homilie	128
Pantheismus	197	ICHTHYS	52
Papst	87	Ikone	198
Parusie	72	Initiation	115
Passion	67	Inkarnation	17
Pfingsten	75	Inspiration	21
Plagiat	232	JHWH/Jahwe	31
Polygamie	150	Kanon	21
Priester	88	Katechumenat	117
Proselytismus	195	Katholische Soziallehre/	
Rechtfertigung	188	Sozialprinzipien	181
Religion	15	Keuschheit	220
Religionsfreiheit	82	Kirche	77
Reliquie	157	-Kirchen und kirch	
Rom	89	liche Gemeinschaften	81
Rosenkranz	266	Klerus	86
Sabbat	200	Kommunion	127
Sakrament	105	Konsekration	126
Sakrileg	196	Kontemplation	260
Sanctus	129	Kreationismus	27
Segen	102	Kyrie eleison	127
Solidaritätsprinzip	186	Laien	86
Soziale		Lehramt	20
Kommunikationsmittel		Liturgie	102
	250	Märtyrer	248
Spiritualität	272	Masturbation	222
Tabernakel	131	Meditation	276
Transsubstantiation	129	Meineid	249
Transzendenz	198	Mission	18
Trinität	32	Monogamie	150
Verantwortete		Monotheismus	31
Elternschaft	228	Monstranz	131
Werke des Fleisches	76	Mysterium	55
Zölibat	147	-Natürliche Familien	
Zwölf Apostel	85	planung	229
		-Natürliches Sitten	
		gesetz	186
		Neues Testament	22
		Offenbarung	17
		Okkultismus	197
		Ökumene	82

## Definitionen

Aberglaube	196
Absolution	137
Agnostizismus	198
Agnus Dei	130
Altes Testament	22
Amen	99
Apostel	20
Apostolische	
Sukzession	86
Atheismus	197
Ave-Maria	262
Bibel	21
Bischof	87
Charismen	73
Chrisam	120
Credo	27
Dekalog	194
Diakon	145
Diskretion	249
Dispens	152
Dogma	90
Doppelmoral	192
Doxologie	131
Embolismus	287
Esoterik	196
Eucharistie	122
Evangelische Räte	91
Evolution	27
Ex cathedra	90
Exkommunikation	129
Exorzismus	156
Firmung	120
Früchte des Heiligen	
Geistes	76
Gemeinwohl	182
Genesis	29
Gericht	96
Gloria	128
Halleluja	128
Heiligkeit	82
Hierarchie	87



نمایه کلیه مراجع کتاب مقدس، به کار گرفته شده در یوکان

عهد عتیق /  
ع (۴۶ کتاب) ۱۶

کتاب های تاریخ ۱۶

پیدایش (پی) ۱۶

پی، ۱: ۲-۳، ۴۶

پی، ۲: ۱، ۳۶

پی، ۲۷: ۱، ۵۶

پی، ۲۷: ۱، ۴۸

پی، ۲۷: ۱، ۱۶۲

پی، ۲۸: ۱، ۴۳۶

پی، ۳۱: ۱، ۴۱

پی، ۱۵: ۲، ۴۷

پی، ۱۵: ۲، ۴۳۶

پی، ۲۴: ۱۸: ۲، ۲۱۸

پی، ۱۸: ۲، ۴۸

پی، ۲۴: ۲، ۶۴

پی، ۲۴: ۲، ۴۰۲

پی، ۵-۳: ۳، ۵۰

پی، ۵: ۳، ۳۱۵

پی، ۲۰: ۳، ۲۵۷

پی، ۹: ۴، ۷۸

پی، ۸: ۱۱-۱۰، ۱۱۵

پی، ۱۲: ۲، ۱۸۸

پی، ۱۲: ۳، ۸

پی، ۱۷: ۵ب، ۸

پی، ۲: ۱۸، ۳۶

پی، ۲۲: ۲۵-الف، ۲۶۰

پی، ۲۷: ۳۲، ۲۶۸

خروج (خرو) ۱۶

خرو، ۱۳-۱۵، ۳۲

خرو، ۱۴: ۳، ۸

خرو، ۱۴: ۳، ۳۱

خرو، ۱۲، ۱۷۱

خرو، ۱۲: ۱۳ و ادامه، ۱۰۵

خرو، ۲: ۲۰، ۳۵۲

خرو، ۴: ۲۰، ۳۵۸

خرو، ۱۰: ۸، ۲۰۰

خرو، ۱۲: ۲۰، ۲۰۲

خرو، ۱۳: ۲۰، ۳۸۷

خرو، ۱۳: ۲۰، ۳۸۲

خرو، ۱۳: ۲۰، ۳۸۶

خرو، ۱۵: ۲۰، ۴۲۶

خرو، ۱۷: ۲۰، ۲۵۴

خرو، ۱۷: ۳۱، ۳۶۲

خرو، ۱۱: الف، ۴۷۲

لاویان (لاو) ۱۶

اعداد (اع) ۱۶

اع، ۶: ۲۴-۲۶، ۲۶۶

تثنيه (تث) ۱۶

تث، ۱۵: ۵، ۳۶۲

تث، ۴: ۶، ۳۰

تث، ۳: ۸، ۵۲۳

تث، ۱۹: ۳۰، ۱۲۲

تث، ۶: ۳۲، ۳۷

کتاب یوشع (یوش)

کتاب داوودان (داو) ۱۶

امثال (ام) ۱۶

ام، ۷: ۸، ۳۲

ام، ۱۲: ۱۰، ۱۵۲

ام، ۸: ۳۱، ۴۶

کتاب روت (رو) ۱۶

رو، ۱: ۱۶-۱۷، ۱۵۳

کتاب اول سموئیل (اسم) ۱۶

کتاب اول سموئیل (اسم) ۱۶

اسم، ۲۸: ۷، ۳۲

اسم، ۲: ۲۳، ۳۶

کتاب اول پادشاهان (پا) ۱۶

پا، ۹: ۳، ۲۰

کتاب دوم پادشاهان (پا ۲) ۱۶

کتاب اول تواریخ (اتو) ۱۶

کتاب دوم تواریخ (اتو ۲) ۱۶

کتاب عزرا (عز) ۱۶

کتاب نحمیا (نح) ۱۶

طوبیا (طو) ۱۶

یهودیت (یه) ۱۶

استر (اس) ۱۶

کتاب اول مکابیان (امک) ۱۶

کتاب دوم مکابیان (امک ۲) ۱۶

مزامیر (مز) ۱۶

مز، ۱-۱۵۰، ۴۷۳

مز، ۴-۶، ص ۴۴

مز، ۲: ۲۲، ۴۷۶

مز، ۲۳: ۴-۱، ۲۶۱

مز، ۴: ۲۳، ۱۴۲

مز، ۲: ۴۰، ۲۷۱

مز، ۴۳: ۴-۱۰، ۱۰۴

مز، ۱۲: ۵۱، ۲۵۲

مز، ۱۲: ۵۱، ۱۲۲

مز، ۱۰: ۱۳-۱۴، ۲۳۹

مز، ۱۲-۱۱: ۹۱، ۴۳

مز، ۲: ۱۱۳، ۱۹۹

مز، ۱۱۸: ۲۵ و ادامه، ۱۲۹

مز، ۱۱۹: ۱۴۲، ۳۲

مز، ۱۱۹: ۱۶۴، ۱۱۳

مز، ۱۱۹: ۱۶۴، ۲۷۰

مز، ۱۲۲: ۲-۱، ۱۵۷

مز، ۱۳۵: ۵-۶، ۳۶

ام، ۷: ۸، ۳۲

ام، ۱۲: ۱۰، ۱۵۲

ام، ۸: ۳۱، ۴۶

جامعه (جا) ۱۶

جا، ۹: ۵، ۲۳۵

غزل غزل ها (غز) ۱۶

غز، ۶-۷، ۲۲۶

حکمت (حک) ۱۶

حک، ۱۱: ۲۴، ۳۶

حک، ۱۳: ۳، ۲۵۱

حک، ۱۳: ۵، ۲۵۱

حکمت بن سیرا (سی) ۱۶

سی، ۷: ۲۷-۲۸، ۲۰۴

کتاب های پیامبران ۱۶

اشعیا (اش) ۱۶

اش، ۱۱۶، ۱۱۴

اش، ۴۳: ۴-۱۵الف، ۳۳

اش، ۳: ۶، ۱۱۰

اش، ۳: ۶، ۱۲۹

اش، ۱۵: ۳۰، ۸۳

اش، ۱۷: ۳۲، ۲۱۶

اش، ۱: ۴۳، ۲۰۱

اش، ۱: ۴۳، ۳۶۱

اش، ۴۹: ۱۵-۱۱الف، ۳۳

اش، ۵: ۵، ۲۲۴

اش، ۱: ۶۱، ۱۲۲

اش، ۱۷: ۶۵، ۴۷

اش، ۱۳: ۶۶، ۳۷

اش، ۱۳: ۶۶، ۶۴

ارمیا (ار) ۱۶

ار، ۵: ۱، ۳۸۳

ار، ۶: ۱، ۱۱

ار، ۷: ۱، ۱۱

مراثی (مرا) ۱۶

مرا، ۵: ۲۱، ۱۳۵

کتاب باروک (با) ۱۶

حزقیال (حز) ۱۶

حز، ۱۱: ۳۳، ۳۱۴

دانیال (دان) ۱۶

هوشع (هو) ۱۶

یوئیل (یو) ۱۶

عاموس (عا) ۱۶

عوبدیا (عو) ۱۶

یونس (یون) ۱۶

میکاه (می) ۱۶

می، ۳: ۴، ۲۱۷

ناحوم (نا) ۱۶

حقوق (حب) ۱۶

صفینا (صف) ۱۶

حجی (حج) ۱۶

زکریا (زک) ۱۶

ملاکی (مل) ۱۶

مل، ۲: ۱۰، ۳۷

عهد جدید /

ع ج (۲۷ کتاب) ۱۶

اناجیل ۱۶

متی (مت) ۱۶

مت، ۱۸: ۱، ۱۱۴

مت، ۲۳: ۱، ۵۶

مت، ۴: ۴، ۵۲۳

مت، ۱۰: ۴، ۳۵۳

مت، ۱۲-۳: ۵، ۲۸۲

مت، ۱۲-۳: ۵، ۲۸۳

مت، ۳: ۵، ۴۴۹

مت، ۳: ۵، ۴۶۷

مت، ۵: ۵، ۲۲۴

مت، ۸: ۵، ۲۵۲

مت، ۹: ۵، ۲۱۵

مت، ۱۷: ۵، ۳۳۶

مت، ۱۹-۱۸: ۵، ۱۸۷

مت، ۲۱-۲۰: ۵، ۲۰۸

مت، ۳۷: ۵، ۲۳۱

مت، ۳۹: ۵، ۲۸۴

مت، ۳۹: ۵، ۳۹۷

مت، ۴۴-۴۳: ۵، ۲۱۶

مت، ۴۸: ۵، ۲۹۹

مت، ۶: ۶، ۲۶۳

مت، ۱۳-۹: ۶، ۵۱۱

مت، ۲۱: ۶، ۲۵۰

مت، ۲۱: ۷، ۲۶۳

مت، ۸: ۸، ۱۳۳

مت، ۱۲: ۸، ۵۳

مت، ۱۵-۱۴: ۸، ۹۰

مت، ۱۷: ۸، ۲۴۲

مت، ۱۷: ۸، ۱۴۰

مت، ۱۲: ۹، ۳۱۴

مت، ۱: ۱۰، ۲۷۳

مت، ۳۰: ۱۰، ۴۱

مت، ۳۲: ۱۰، ۱۷۵

مت، ۳۷: ۱۰، ۳۷۴

مت، ۵: ۱۱، ۹۱

مت، ۲۴: ۱۱، ۲۶۲

مت، ۲۷: ۱۱، ۷۴

مت، ۲۸: ۱۲، ۹۰

مت، ۳۰-۲۹: ۱۲، ۳۱

مت، ۴۶: ۱۳، ۳۰۱

مت، ۴۶: ۱۳، ۱۰

مت، ۲۴: ۱۵، ۳۱۴

مت، ۲۶: ۱۶، ۷۱

مت، ۱۸: ۱۶، ۹۲

مت، ۲۰: ۱۷، ۲۵

مت، ۶: ۱۸، ۲۱۲

مت، ۲۰: ۱۸، ۱۱۰

مت، ۲۰: ۱۸، ۱۲۸

مت، ۲۰: ۱۸، ۲۷

مت، ۶: ۱۹، ۲۶۰

مت، ۱۲: ۱۹، ۱۴۵

مت، ۱۲: ۱۹، ۲۵۸

مت، ۱۲: ۱۹، ۲۶۵

مت، ۲۸-۲۷: ۲۰، ۲۰۷

مت، ۲۸: ۲۰، ۲۵۵

مت، ۲۱: ۲۲، ۲۰۷

مت، ۳۹: ۲۲، ۳۲۱

مت، ۳۹: ۲۲، ۳۸۷

مت، ۱۴-۳: ۲۴، ۱۱۱

مت، ۶: ۲۵، ۲۶۵

مت، ۳۱: ۲۵ و ادامه، ۹۸

مت، ۴۰: ۲۵، ۲۴۲

مت، ۴۰: ۲۵، ۴۴۹

مت، ۴۰: ۲۵، ۱۸۳

مت، ۲۵: ۴۱، ۱۶۱

مت، ۲۸: ۲۶، ۳۱۴

مت، ۴۲: ۲۶، ۱۰۰

مت، ۴۶: ۲۷، ۵۱

مت، ۱۹: ۲۸، ۱۱

مت، ۱۹-۱۸: ۴، ۲۷

مت، ۱۹: ۲۸

۱۶۶	ایو، ۳: ۲	۲۵۰	اتیم، ۵: ۲	۲۹۰	غل ۱: ۵	۱۱	روم، ۱۱: ۱۲	۶۱	یو، ۲۰: ۲۱	۵۲۳	یو، ۶: ۲۷
۹۷	ایو، ۳: ۱۵-۱۴	۱۴۶	اتیم، ۳: ۱۲	۳۰۷	غل ۶: ۵	۲۸۴	روم، ۱۵: ۱۲	۲۲۷	یو، ۲۰: ۲۳-۲۲	۱۴۲	یو، ۶: ۵۴
۱۹۲	ایو، ۳: ۱۸	۲۲۷	اتیم، ۴: ۴	۲۵۲	غل ۱۹-۲۱	۱۱۶	روم، ۱۳: ۱۲	۲۲۸	یو، ۲۰: ۲۱	۴۴	یو، ۶: ۶۳
۱۷۸	ایو، ۳: ۲۰			۳۱۱	غل ۲۲-۲۳	۱۱۹	روم، ۱۴: ۸	۹۳	یو، ۲۰: ۲۳	۵۲۳	یو، ۶: ۶۸
۴۵	ایو، ۴: ۷					۲۸۴	روم، ۱۴: ۱۷	۱۳۴	یو، ۲۰: ۲۳	۸۳	یو، ۶: ۶۹
۲۱۹	ایو، ۴: ۷							۷۵	یو، ۲۰: ۲۸	۱۰۹	یو، ۱۰: ۱۱-۱۰
۳۳	ایو، ۴: ۱۶	۱۵۱	۲ تیم، ۲: ۱۳							۳۰۶	یو، ۱۰: ۱۰
۷۴	ایو، ۴: ۹	۱۷۴	۲ تیم، ۴: ۲							۱۰۳	یو، ۱۰: ۱۰
۱۵۶	ایو، ۴: ۱۶									۳۵	یو، ۱۰: ۳۰
۱۴	ایو، ۴: ۱۶									۲۶۲	یو، ۱۰: ۳۰
۱۷۴	ایو، ۴: ۱۶									۱۵۲	یو، ۱۱: ۲۵
۱۹۴	ایو، ۴: ۱۹									۹۸	یو، ۱۲: ۲۷
۲۸۶	ایو، ۴: ۲۰									۹۱	یو، ۱۲: ۳۱
۲۸۶	ایو، ۵: ۱۹									۱۰۹	یو، ۱۲: ۳۲
										۳۷۵	یو، ۱۳: ۲۰-۱
										۶۵	یو، ۱۳: ۱
										۱۲۳	یو، ۱۳: ۱
										۶۶	یو، ۱۳: ۱۵-۱۲
										۷۵	یو، ۱۳: ۱۳
										۳۶	یو، ۱۳: ۱۳
										۱	یو، ۱۴: ۶
										۳۲	یو، ۱۴: ۶
										۱۱۲	یو، ۱۴: ۶
										۱۳۶	یو، ۱۴: ۶
										۱۹۹	یو، ۱۴: ۶
										۳۰۷	یو، ۱۴: ۶
										۳۷	یو، ۱۴: ۹
										۳۵۸	یو، ۱۴: ۹
										۱۷۷	یو، ۱۴: ۱۲
										۱۱۳	یو، ۱۴: ۱۶
										۱۳	یو، ۱۴: ۱۷
										۴۲۵	یو، ۱۵: ۵
										۳۳	یو، ۱۵: ۱۳
											یو، ۱۵: ۱۵
										۱۶۲	یو، ۱۵: ۱۵
										۷۶	یو، ۱۶: ۱۲-۱۳
										۸۲	یو، ۱۷: ۱۲
										۱۳۱	یو، ۱۷: ۲۱
										۳۹۷	یو، ۱۸: ۱۱
										۳۲	یو، ۱۸: ۳۷
										۴۵۴	یو، ۱۸: ۳۷
										۴۶	یو، ۱۹: ۵
										۱۱۷	یو، ۱۹: ۲۷-۲۵
										۸۵	یو، ۱۹: ۲۶-۲۷
										۱۱۴	یو، ۱۹: ۳۰
										۱۰۳	یو، ۱۹: ۳۳
										۱۰۶	یو، ۲۰: ۸
										۷۰	یو، ۲۰: ۱۶
										۱۱۴	یو، ۲۰: ۲۰
										۱۱۴	یو، ۲۰: ۲۱
										۷۸	یو، ۲۰: ۲۱

## Danksagung

Der Herausgeber dankt folgenden Personen, die beim Zustandekommen dieses Werkes mitgearbeitet haben: Dr. Johannes zu Eltz (Frankfurt), Michaela von Heereman (Meerbusch), Bernhard Meuser (München) und Dr. Christian Schmitt (Münster). Wichtigen Rat und Hilfestellung gaben Dr. Arnd Küppers (Mönchengladbach), Prof. Dr. Dr. Michael Langer (Oberaudorf), Dr. Manfred Lütz (Bonn), Prof. Dr. Edgar Korherr (Graz), Otto Neubauer (Wien), Bernhard Rindt (Wien), Regens Martin Straub ((Augsburg) und Dr. Hubert-Philipp Weber (Wien)

Der Dank gilt auch den jugendlichen Mitarbeitern: Agnes, Alexander, Amelie, Anne-Sophie, Angelika, Antonia, Assunta, Brit, Carl, Claudius, Clemens, Coco, Constantin, Damian, Daniela, Dario, Dominik, Donata, Esther, Felicitas, Felix, Felix, Gina, Giuliano, Huberta, Ida, Isabel, Ivo, Johanna, Johannes, Josef-Erwein, Karl, Katharina, Katrin, Kristina, Lioba, Lukas, Marie-Sophie, Marie, Marie, Mariella, Matern, Monika, Nico, Nicolo, Niki, Niko, Philippa, Pia, Rebekka, Regina, Robert, Rudolf, Sabine, Sophie, Stephanie, Tassilo, Theresa, Theresa, Theresa, Theresa, Teresa, Uta, Valerie, Victoria

## Bildnachweis

Paul Badde 33, 65, 74, 130, 262; Nikolaus Behr 160, 163, 213, 253, 255, 285; Anne-Sophie Boeselager 98; Damian Boeselager 110, 152, 170, 202, 246; Ilona Boeselager 138, 205; Ada Ketteler 111; Ildiko Ketteler 44; Kloster Magdenau 91, 162; Josef Kressierer 144, 145; Caroline Lasson 180; Georg Lehmacher 150; Alexander Lengerke 19, 22, 52, 55, 57, 87, 88, 104, 113, 114, 175, 192, 196, 210, 250, 256; Marie-Sophie Lobkowitz 15, 28, 30; Philippa Loë 23, 182; Felix Löwenstein 12, 24, 68, 77, 78, 189, 238, 242, 278; Marie Löwenstein 168, 225; Jerko Malinar ([www.cross-press.net](http://www.cross-press.net)) 62, 241, 260; Nightfever ([www.nightfever-online.de](http://www.nightfever-online.de)) 149, 267, 272, 277; Christiane Pottgießer 288; Bernhard Rindt 108, 125; Luc Serafin 28, 40, 47, 84, 85, 100, 121, 151, 157, 198, 203, 216, 219, 226, 230, 239, 259, 279, 280, 282; Wieslaw Smetek 62, 63; Roland Stieler 255